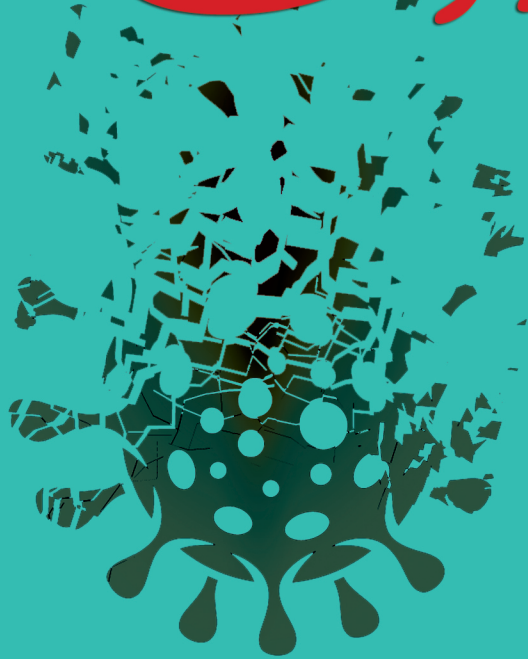


# آزمون کرونا

دیدگاه‌ها و راهبردها  
جلد سوم



به اهتمام:  
دکتر محمد هادی همایون  
دکتر رضا بنی اسد

دکتر رضا بنی اسد  
دکتر محمد هادی همایون  
به اهتمام:



# CORONAVIRUS ORDEAL

## Views and Strategies

**VOL 3**

Compiled by:

Mohammad Hadi Homayoun (Ph.D)

Reza Baniasad (Ph.D)

مسئله کرونا برای همه ما آزمون است؛ آزمونی که بشر را با فرصت‌ها و تهدیداتی مواجه ساخته است. در این برهه از زمان، ضرورت دارد که راهبردهایی بهینه برای مدیریت و برون‌رفت از محدودیت‌های این بیماری همه‌گیر، طراحی و تدوین شود. این مسئله صرفاً پزشکی و درمانی نیست که در علم طب بررسی شود، بلکه مسئله کرونا جوانب علوم اجتماعی و انسانی فراوانی نیز دارد که نباید از آن غفلت کرد. مجموعه حاضر، جلد سوم از آزمون کروناست که پس از انتشار دوجلد گذشته و استقبال از آن، پیش روی شماست. این مجموعه شامل ۴۱ مقاله و یادداشت است که در ۴ بخش تنظیم شده است؛ بخش اول به بررسی مدیریت، حکمرانی و حقوق در دوران فراگیری کرونا می‌پردازد. بخش دوم را موضوع‌های مرتبط با اندیشه‌های اجتماعی، فرهنگی و دینی مزین می‌کند، بخش سوم ارتباطات انسانی و سبک زندگی در دوران کرونا را به بوته بررسی می‌گذارد و سرانجام در بخش چهارم تمدن و آینده‌نگری در دوران کرونا و پس از آن تحلیل می‌شود تا الگو و تجربه‌ای برای آزمون‌های آینده پیش پای ما نهد. امید است این سه مجموعه بتواند گوشه‌ای اندک از تلاش‌های علمی و پژوهشی برخی از فرهیختگان حوزه و دانشگاه را به جامعه علمی، سیاست‌گذار و راهبردشناس کشور ارائه کند.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ



# آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (جلد ۳)

## با مقالات و یادداشت‌هایی از:

سید عباس موسویان، حسین حسن‌زاده سروستانی، بهمن حاجی‌پور، مهدی باقری میبدی، رضا بنی‌اسد، مهدی عزیزی، عادل آذر، محمود دهقان نیری، حسین بختیاری، مهدی حمزه‌پور، سید امیررضا فغانی، مریم مهاجری، سعید مسعودی‌پور، علی حمیدی‌زاده، فرزاد جهان‌بین، عباس تقویان، مصباح‌الهدی باقری، حمیدرضا آیت‌اللهی، محمدرضا عابدینی، محمدحسین صالحی، حامد فروزان، یدالله صادقی، محسن دنیوی، حمید هوشنگی، امیرحسین خورشیدی اطهر، هادی غیاثی، سید مجید امامی، محمدجواد قاسمیان نیک، محمدحسین شعاعی، محمدرضا زهرائی، فاطمه رایگانی، محمدرضا آرام، داوود طالقانی، محمد مهدی ذوالفقارزاده، روح‌الامین سعیدی، محمدعلی رامین، محمدمهدی طهرانچی و علیرضا نصر اصفهانی

## به اهتمام:

محمدهادی همایون

استاد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

رضا بنی‌اسد

استادیار دانشگاه امام صادق علیه‌السلام







انتشارات  
دانشگاه امام صادق علیه السلام

عنوان: آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (جلد ۳)  
با مقالات و یادداشت‌هایی از: جمعی از فرهیختگان حوزه و دانشگاه  
به اهتمام: دکتر محمدحادی همایون و دکتر رضا بنی‌اسد  
ویراستار ادبی: دکتر احمد توانایی  
ناشر: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام  
طراح جلد: محمد روشنی  
چاپ و صحافی: چاپ سپیدان  
چاپ اول: ۱۳۹۹  
قیمت: ۷۰۰/۰۰۰ ریال  
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۸۴۷-۶

تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام  
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۰۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲  
فروشگاه اینترنتی: E-mail: pub@isu.ac.ir • www.ketabesadiq.ir

همایون، محمدحادی، ۱۳۴۲ -  
عنوان و نام پدیدآور: آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۳) // با مقالات و یادداشت‌هایی از:  
جمعی از فرهیختگان حوزه و دانشگاه: به اهتمام: محمدحادی همایون و  
رضا بنی‌اسد.  
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۹.  
مشخصات ظاهری: ج۲.  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۸۱۲-۴  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۸۱۴-۸  
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۸۴۷-۶  
موضوع: کروناویروس‌ها -- ایران -- مقاله‌ها و خطابه‌ها  
موضوع: کروناویروس‌ها -- ایران -- جنبه‌های اجتماعی -- مقاله‌ها و خطابه‌ها  
موضوع: کروناویروس‌ها -- ایران -- جنبه‌های اقتصادی -- مقاله‌ها و خطابه‌ها  
موضوع: کروناویروس‌ها -- ایران -- پیشگیری -- مقاله‌ها و خطابه‌ها  
شناسه افزوده: بنی‌اسد، رضا، ۱۳۵۸ -  
شناسه افزوده: توانایی، احمد، ۱۳۵۴ - ویراستار  
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)  
رده‌بندی کنگره: QR ۳۹۹  
رده‌بندی دیوبی: ۷۵۹/۲۵۶  
شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۳۵۲۲۶

تمام حقوق محفوظ است، این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.



تقديم به

مدافعان سلامت



## فهرست اجمالی

فهرست اجمالی	۹
فهرست تفصیلی	۱۳
فهرست نمودارها	۲۷
فهرست جدول‌ها	۲۹
سخن ناشر	۳۱
پیش‌گفتار	۳۳
بخش اول: مدیریت و حکمرانی	۶۹
۱. مسئولیت‌های اقتصادی دولت در شرایط کرونا: سیاست‌های پولی و مالی	۷۱
۲. تأمین مالی هزینه‌های مستقیم ناشی از شیوع بیماری کووید ۱۹	۸۱
۳. استنتاج بهترین تبیین: راهکار مواجهه با غافلگیری‌های بحران کرونا	۹۳
۴. اقتصاد مقاومتی سیاستی برای نبرد با کرونا در محیط متخاصم اقتصادی	۱۱۷
۵. تصمیم‌گیری مشارکتی در دوران پسا کرونا	۱۳۷
۶. راهبرد و آزمون کرونا	۱۷۱
۷. کاربردهای علوم تصمیم در کاهش تأثیرات بیماری کووید ۱۹	۲۰۵
۸. جهان نرم پسا‌کرونایی؛ گذار از فناوری سخت به فناوری نرم	۲۱۳
۹. سه‌گانه کرونا، مصنویت‌سازی تولید و صنایع نرم	۲۲۷
۱۰. کرونا؛ گردنه تاریخی کسب‌وکارها	۲۳۵
۱۱. واکاوی زیرساخت‌های حقوقی رسیدگی به دعاوی دادگاه خانواده از طریق دورسخنی در وضعیت ناشی از کرونا	۲۴۵
۱۲. کرونا با طعم بی‌بی‌سی فارسی: تحلیلی بر پیام‌های شبکه اینستاگرام بی‌بی‌سی فارسی در دو هفته آغازین شروع بیماری کرونا در ایران	۲۶۱
۱۳. کارآمدی دولت در مدیریت مسئله کرونا از منظر نظریه‌های مدیریت دولتی	۲۶۷
۱۴. کرونا و حکم حکومتی	۲۷۷
بخش دوم: اندیشه‌های اجتماعی، فرهنگی و دینی	۲۷۹

۱۵. پدیده کرونا و پدیدارشناسی حوادث قهرآمیز طبیعی از دیدگاه قرآن ..... ۲۸۱
۱۶. در مذمت ناخدایان بی‌خدا ..... ۲۸۹
۱۷. فعل خداوند و بلای کرونا ..... ۲۹۹
۱۸. جهاد معنوی در مقابله با ویروس کرونا ..... ۳۱۱
۱۹. حرکت به‌سوی ظهور، با شکوفایی ظرفیت‌های نهفته اماکن دینی، در بحران‌هایی مانند کرونا .. ۳۱۵
۲۰. انقلاب اسلامی و بازگشت به میراث توحیدی شیعه در مدیریت بحران‌های بزرگ ..... ۳۱۹
۲۱. کرونا و فضای مجازی در ایران ..... ۳۲۹
۲۲. کرونا: بر ساخته اجتماعی انسان در جهان معاصر ..... ۳۸۱
۲۳. جایگاه هویت ملی در سیاست‌گذاری در دوره بحران؛ مطالعه موردی کرونا ..... ۳۸۹
۲۴. گفتمان مؤاسات، نعمتی از کرونا ..... ۴۰۹
۲۵. دلالت‌های مفهوم اصیل شهادت برای سیاست‌گذاری در مواجهه با بیماری کرونا ..... ۴۲۱

#### بخش سوم: ارتباطات انسانی و سبک زندگی ..... ۴۲۹

۲۶. بحران، بهداشت و بیماری‌های واگیر در ایران: تاریخ اجتماعی بهداشت و درمان در ایران دوره قاجاریه ..... ۴۳۱
۲۷. گفتگوی بین ادیان و کرونا: فرصت‌ها و ظرفیت‌های تبلیغی اسلام ..... ۴۶۷
۲۸. ناکارآفرینی در فضای مجازی: در دوره آزمون کرونا و پس از آن ..... ۴۸۷
۲۹. نقش تکافل اجتماعی در رفع محرومیت ..... ۵۰۱
۳۰. تحولات اجتماعی دوره کرونا و حیات خانگی ..... ۵۰۳
۳۱. تحولات اجتماعی و سبک زندگی عصر کروناها ..... ۵۱۵
۳۲. باید به آغوش خانواده برگردیم! ..... ۵۲۱
۳۳. با کرونا به خانه بر می‌گردیم! ..... ۵۲۹
۳۴. صله رحم را بیشتر کنیم! ..... ۵۳۳
۳۵. ارتباطات کرونایی: موقعیت‌یابی تقاطع غیرهم‌سطح ارتباطات سلامت، ارتباطات بحران، کرونا و هم‌دردی رسانه‌ها ..... ۵۳۷

#### بخش چهارم: تمدن و آینده‌نگری ..... ۵۴۳

۳۶. در جستجوی حکمرانی خدا در ماجرای کرونا: تحلیلی مبتنی بر روند پژوهی آیات این زمانه ..... ۵۴۵
۳۷. جهان پیش‌رو و بدیل‌های ممکن: تحلیل چهار سناریو برای آینده سیاست جهانی ..... ۵۶۳
۳۸. کرونا و جهانی‌سازی ..... ۵۷۹
۳۹. دنیای پساکرونا، تکرار تاریخ یا رخدادی نو در نظم جهانی؛ آمریکا در راه افول یا طلوع دوباره؟ (نگاهی از منظر سیاست‌گذاری علم و فناوری) ..... ۵۸۹

فهرست اجمالی □ ۱۱

۴۰. امکان استفاده از فرصت‌های استثنایی در جامعه جهانی ..... ۵۹۹

۴۱. تحلیل گفتمان ظهور بیماری‌های عفونی نوپدید ..... ۶۰۳





## فهرست تفصیلی

فهرست اجمالی	۹
فهرست تفصیلی	۱۳
فهرست نمودارها	۲۷
فهرست جدول ها	۲۹
سخن ناشر	۳۱
پیش گفتار	۳۳
بخش اول: مدیریت و حکمرانی	۶۹
۱. مسئولیت های اقتصادی دولت در شرایط کرونا: سیاست های پولی و مالی	۷۱
۱. تدبیر همگانی	۷۲
۲. سیاست های مالی	۷۳
۲-۱. تسهیل کسب و کارهای مرتبط با بهداشت و درمان با رویکرد ویروس کرونا	۷۳
۲-۲. تسهیل کسب و کارهای مرتبط با بخش کشاورزی	۷۴
۲-۳. تسهیل کسب و کارهای مرتبط با خدمات پالایشگاهی	۷۵
۳. سیاست های پولی	۷۶
۳-۱. حمایت مالی بلاعوض از دهک های پایین جامعه	۷۶
۳-۲. اعطای وام قرض الحسنه برای دهک های پایین و متوسط جامعه	۷۷
۳-۳. اعطای وام قرض الحسنه برای مشاغل خرد و متوسط	۷۷
۳-۴. اعطای تسهیلات انتفاعی با سود کم برای مشاغل خرد و متوسط	۷۷
۳-۵. اعطای تسهیلات انتفاعی بلندمدت برای بنگاه های بزرگ اقتصادی	۷۸
۴. محل تأمین منابع مالی دولتی	۷۸
۴-۱. صرفه جویی در هزینه های غیر ضرور	۷۸
۴-۲. فروش سهام و اموال مازاد دولتی	۷۹
۴-۳. انتشار اوراق بهادار	۷۹

- ۴-۴. استقراض از بانک مرکزی ..... ۸۰
- ۴-۵. اعمال سیاست انبساط پولی (خلق پول و افزایش نقدینگی) فوری با محوریت جهش در پایه پولی ..... ۸۰
۲. تأمین مالی هزینه‌های مستقیم ناشی از شیوع بیماری کووید ۱۹ ..... ۸۱
۱. مقدمه ..... ۸۱
۲. تأمین مالی هزینه‌های مستقیم ناشی از شیوع بیماری کووید ۱۹ ..... ۸۳
- ۲-۱. مردم خیر ایران ..... ۸۳
- ۲-۲. دولت جمهوری اسلامی ایران ..... ۸۴
- ۲-۳. صندوق توسعه ملی ..... ۸۴
- ۲-۴. بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی ..... ۸۵
- ۲-۵. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران ..... ۸۶
- ۲-۶. آستان قدس رضوی ..... ۸۶
- ۲-۷. فرابورس ایران ..... ۸۸
۳. پیشنهادها تأمین مالی هزینه‌های مستقیم شیوع بیماری کووید ۱۹ در آینده ..... ۸۹
- ۳-۱. جلوگیری از رشد نقدینگی ..... ۸۹
- ۳-۲. صرفه‌جویی در منابع نهادهای دولتی و حاکمیتی ..... ۹۰
- ۳-۳. رایزنی به‌منظور دریافت منابع ارزی از نهادهای بین‌المللی ..... ۹۰
- ۳-۴. استفاده از منابع صندوق توسعه ملی صرفاً در شرایط اضطرار ..... ۹۰
- ۳-۵. سیاست‌گذاری جذب منابع خیریه برای مقابله با کرونا ..... ۹۱
- ۳-۶. ارائه آمارهای مختلف مرتبط با شیوع بیماری و گزارش هزینه‌های مستقیم آن ..... ۹۱
- ۳-۷. استفاده از طرح‌های تأمین مالی جمعی اهداء جهت رفع هزینه‌های مستقیم ..... ۹۱
۳. استنتاج بهترین تبیین: راهکار مواجهه با غافلگیری‌های بحران کرونا ..... ۹۳
۱. مقدمه و مسئله ..... ۹۴
۲. روش‌های تفکر مرسوم ..... ۹۶
۳. نقد تفکر مرسوم ..... ۹۹
۴. الگوی تفکر استنتاج بهترین تبیین: روشی مناسب برای تصمیم‌گیری در فضای مبهم ..... ۱۰۲
- ۴-۱. فرضیه‌ها از کجا می‌آیند؟ ..... ۱۰۵
- ۴-۲. فرضیه‌ها چند نوع هستند؟ مبنای شکل‌گیری آن‌ها چیست؟ ..... ۱۰۶
- ۴-۳. ملاک‌های انتخاب بهترین تبیین ..... ۱۰۶

۵. سوابق و زمینه‌های استفاده از شیوه استنتاج بهترین تبیین.....	۱۰۸
۵-۱. کارآگاهان.....	۱۰۸
۵-۲. پزشکان.....	۱۰۸
۵-۳. قاضی یا هیأت منصفه.....	۱۰۸
۶. کاربرد شیوه استنتاج بهترین تبیین در مسائل مدیریت راهبردی.....	۱۰۹
۶-۱. استفاده از استنتاج بهترین تبیین برای اصلاح مفروضات محیطی.....	۱۰۹
۶-۲. استفاده از استنتاج بهترین تبیین برای طراحی مدل‌های جدید کسب‌وکار.....	۱۱۰
۶-۳. استفاده از استنتاج بهترین تبیین برای تحلیل رفتار مصرف‌کننده.....	۱۱۱
۶-۴. ارتقا مهارت‌های نظریه‌پردازی مبتنی بر استنتاج بهترین تبیین.....	۱۱۲
۶-۴-۱. رویکرد ترکیب نظام‌مند.....	۱۱۲
۶-۴-۲. رویکرد حلّ معما.....	۱۱۳
۶-۴-۳. رویکرد نظریه‌سازی کریستنس.....	۱۱۴
الف. مرحله نخست: فرایند ساخت.....	۱۱۴
ب. مرحله دوم توسعه نظریه توصیفی.....	۱۱۵
۷. نکته پایانی.....	۱۱۵
۸. منابع و مأخذ.....	۱۱۶
 ۴. اقتصاد مقاومتی سیاستی برای نبرد با کرونا در محیط متخاصم اقتصادی.....	۱۱۷
۱. مقدمه.....	۱۱۷
۲. محیط‌های حاکم بر اقتصاد و محیط متخاصم.....	۱۱۸
۲-۱. محیط رقابتی.....	۱۱۹
۲-۲. محیط همکاری.....	۱۱۹
۲-۳. محیط همکاری مبتنی بر اعتماد.....	۱۱۹
۲-۴. محیط هم‌رقابتی.....	۱۲۰
۲-۵. محیط متخاصم.....	۱۲۱
۳. چشم‌انداز اقتصاد مقاومتی در مواجهه با محیط متخاصم.....	۱۲۵
۴. نبرد راهبردهای رحمانی و راهبردهای شیطانی در محیط متخاصم اقتصادی.....	۱۲۹
۵. تحلیل شواهد و مسائل شکل‌دهنده محیط متخاصم.....	۱۳۱
۶. نتیجه‌گیری.....	۱۳۵
۷. منابع و مأخذ.....	۱۳۶

۱۳۷	۵. تصمیم‌گیری مشارکتی در دوران پسا کرونا
۱۳۸	۱. مقدمه
۱۴۱	۱-۱. پیشینه پژوهش
۱۴۲	۲. ادبیات موضوع
۱۴۲	۲-۱. بحران
۱۴۳	۲-۲. تصمیم‌گیری مشارکتی
۱۴۳	۲-۳. فایده‌گرایی
۱۴۴	۲-۴. مسئولیت اجتماعی
۱۴۴	۲-۵. کرونا و پساکرونا
۱۴۵	۳. روش پژوهش
۱۴۷	۴. بحث و بررسی
۱۴۸	۴-۱. تغییرات در مبانی تصمیم‌گیری مشارکتی
۱۴۸	۴-۱-۱. مبنای فایده‌گرایی
۱۵۱	۴-۱-۲. مبنای مسئولیت اجتماعی
۱۵۳	۴-۲. تغییرات در نظریات تصمیم‌گیری مشارکتی
۱۵۴	۴-۲-۱. بسترهای تصمیم‌گیری مشارکتی (مدل‌های کار چندجانبه)
۱۵۴	الف. برون‌سپاری
۱۵۵	ب. شبکه‌های ریشه‌ای
۱۵۶	۴-۲-۲. روش‌شناسی‌های تصمیم‌گیری مشارکتی
۱۵۶	الف. مدل‌های پویایی‌شناسی سیستم‌ها
۱۵۷	ب. تجزیه و تحلیل گزینه‌های راهبردی (SODA)
۱۵۹	۴-۳. تغییرات در تکنیک‌ها و اقدامات تصمیم‌گیری مشارکتی
۱۵۹	۴-۳-۱. تغییرات در فرایند تسهیل‌گری
۱۵۹	الف. وظایف و ویژگی‌های یک تسهیل‌گر کارآمد
۱۶۱	ب. گروه‌فکری در فرایند تسهیل
۱۶۲	۴-۳-۲. تغییرات در تکنیک‌های بازنمایی
۱۶۳	الف. بازنمایی کلامی
۱۶۳	ب. بازنمایی تصویری
۱۶۴	ج. بازنمایی حیاتی
۱۶۵	۵. نتیجه‌گیری

۱۷۱	۶. راهبرد و آزمون کرونا .....
۱۷۱	۱. مقدمه .....
۱۷۳	۱-۱. کرونا و تأملی بر الگوی راهبردی کسب‌وکار .....
۱۷۴	۱-۲. تعاریف پنج‌گانه راهبرد و تحلیل آن برای مسئله کرونا .....
۱۷۴	۱-۲-۱. راهبرد به مثابه الگوی اقدامات .....
۱۷۵	۱-۲-۲. داشتن روحیه اجتماعی .....
۱۷۶	۱-۲-۳. جنگ تحمیلی و درس‌های آن برای مقابله با ویروس کرونا .....
۱۷۷	۱-۲-۴. وجود دانش‌های ضمنی و آشکار .....
۱۷۷	۱-۲-۵. جانشین‌پروری در امور مختلف .....
۱۷۸	۱-۲-۶. راهبردهای نوظهور و دستیابی به بهترین اقدام .....
۱۷۹	۱-۲-۷. تجدید نظر در آموخته‌ها و رفتارهای گذشته .....
۱۷۹	۱-۳. راهبرد به مثابه برنامه قصدشده .....
۱۸۰	۱-۳-۱. حضور مدافعان اقتصاد، سیاست، فرهنگ و فضای مجازی در کنار مدافعان سلامی .....
۱۸۰	۱-۳-۲. همه راهبردها در عمل پیاده نمی‌شوند .....
۱۸۱	۱-۳-۳. برنامه‌های غلتان و منعطف بر اساس راهبردهای نوظهور .....
۱۸۲	۱-۳-۴. راهبرد به مثابه موقعیت .....
۱۸۴	۱-۵. راهبرد به مثابه دورنما .....
۱۸۵	۱-۶. راهبرد به مثابه مانور .....
۱۸۷	۲. کرونا و راهبردهای تعمدی و نوظهور .....
۱۸۷	۳. کرونا و مسائل راهبردی کسب‌وکارها .....
۱۹۰	۳-۱. مسائل نوظهور و توصیفی .....
۱۹۰	۳-۲. الگوی نوظهور و توصیفی برای حل مسائل .....
۱۹۳	۳-۳. شناخت مسئله کرونا .....
۱۹۳	۳-۴. کرونا مسئله راهبردی محیط خارجی است .....
۱۹۴	۳-۵. کرونا مسئله‌ای است که مدت زمان اثرگذاری و بقای آن در هاله‌ای از ابهام است. ....
۱۹۵	۳-۶. تحلیل مسائل .....
۱۹۶	۳-۷. اولویت‌بندی مسائل .....
۱۹۸	۳-۸. تدوین پاسخ‌های مسائل .....
۱۹۸	۳-۹. اجرای پاسخ‌های مسائل .....

۱۹۹.....	۳-۱۰. ارزیابی، نظارت و کنترل نتایج حاصل شده
۱۹۹.....	۴. تصمیم‌های راهبردی مسئله کرونا
۲۰۱.....	۵. کرونا و محیط کسب‌وکار
۲۰۲.....	۵. جمع‌بندی
۲۰۳.....	۶. منابع و مآخذ
۲۰۵.....	۷. کاربردهای علوم تصمیم در کاهش تأثیرات بیماری کووید ۱۹
۲۰۶.....	۱. مقدمه
۲۰۷.....	۲. حوزه شبیه‌سازی و پیش‌بینی
۲۰۷.....	۳. مدل‌های بهینه زمان‌بندی
۲۰۸.....	۴. مدل‌های ایجاد توازن
۲۰۹.....	۵. مدیریت خطرپذیری
۲۱۰.....	۶. نظام‌های بهینه‌سازی سلامت
۲۱۱.....	۷. جمع‌بندی
۲۱۳.....	۸. جهان نرم پساکرونا؛ گذار از فناوری سخت به فناوری نرم
۲۲۷.....	۹. سه‌گانه کرونا، مصنویت‌سازی تولید و صنایع نرم
۲۳۵.....	۱۰. کرونا؛ گردنه تاریخی کسب‌وکارها
۲۳۵.....	۱. مقدمه
۲۳۷.....	۲. علل تغییر رفتار مصرف‌کننده
۲۳۷.....	۲-۱. روانشناسی
۲۳۷.....	۲-۲. اقتصاد
۲۳۸.....	۲-۳. جامعه‌شناسی
۲۳۸.....	۳. کرونا و تغییر در رفتار مصرف‌کننده
۲۳۹.....	۳-۱. ارضاء نیازها
۲۴۰.....	۳-۲. اشاعه نوآوری
۲۴۲.....	۴. نتیجه‌گیری
۲۴۳.....	۵. منابع و مآخذ
۲۴۵.....	۱۱. واکاوی زیرساخت‌های حقوقی رسیدگی به دعاوی دادگاه خانواده از طریق دورسخنی در وضعیت ناشی از کرونا
۲۴۶.....	۱. طرح مسئله

۲. واکاوی زیرساخت‌های حقوقی استفاده از دورسخنی در دادرسی .....	۲۴۸
۳. ظرفیت‌سنجی استفاده از دورسخنی در دعاوی خانوادگی .....	۲۵۱
۴. محدودیت‌ها و موانع پیش‌روی رسیدگی به دعاوی خانوادگی از طریق دورسخنی .....	۲۵۴
۵. نتیجه‌گیری .....	۲۵۶
۶. پیشنهادها .....	۲۵۸
۷. منابع و مأخذ .....	۲۵۹
 ۱۲. کرونا با طعم بی‌بی‌سی فارسی: تحلیلی بر پیام‌های شبکه اینستاگرام بی‌بی‌سی فارسی در دو هفته آغازین شروع بیماری کرونا در ایران .....	۲۶۱
۱۳. کارآمدی دولت در مدیریت مسئله کرونا از منظر نظریه‌های مدیریت دولتی .....	۲۶۷
۱. درآمدی بر مفهوم دولت و چرایی مطالعه آن .....	۲۶۷
۱-۱. ارکان لازم برای شکل‌گیری دولت .....	۲۶۹
۱-۲. کارآمدی دولت .....	۲۶۹
۲. هستی‌شناسی در نظریه‌های مدرن، نمادین تفسیری و پست مدرن .....	۲۷۰
۳. نگرش الگومدار به نظریه‌های مدیریت دولتی .....	۲۷۲
۴. نتیجه‌گیری و پیشنهادها .....	۲۷۵
۵. منابع و مأخذ .....	۲۷۶
 ۱۴. کرونا و حکم حکومتی .....	۲۷۷
 بخش دوم: اندیشه‌های اجتماعی، فرهنگی و دینی .....	۲۷۹
۱۵. پدیده کرونا و پدیدارشناسی حوادث قهرآمیز طبیعی از دیدگاه قرآن .....	۲۸۱
چکیده .....	۲۸۱
۱. طرح مسئله .....	۲۸۲
۲. توحید ربوبی و عبادی .....	۲۸۲
۳. سنت بلا و ابتلاء .....	۲۸۲
۴. غفلت‌زدایی و غرور شکنی .....	۲۸۳
۵. تفهیم ضعف و عجز انسان .....	۲۸۴
۶. عبرت‌گیری و بصیرت‌افزایی .....	۲۸۴
۷. زنده کردن روح شکرگزاری در برابر نعمت‌ها .....	۲۸۵
۸. تضرع و تذلل در برابر پروردگار .....	۲۸۵



۲۰ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۳)

۹. تغییر نگاه نسبت به خیر و شر ..... ۲۸۶
۱۰. نشانه غضب خدا نسبت به رویگردانی از حق ..... ۲۸۶
۱۱. جمع‌بندی ..... ۲۸۷
۱۲. منابع و مأخذ ..... ۲۸۷
۱۶. در مذمت ناخدایان بی‌خدا ..... ۲۸۹
  ۱. کآرام جانم رفته است... ..... ۲۸۹
  ۲. شه‌ریاران را چه شد؟... ..... ۲۹۱
  ۳. بگو چه چاره کنم هیأت محرم را... ..... ۲۹۳
  ۴. عجب صبری خدا دارد ... ..... ۲۹۵
۱۷. فعل خداوند و بلای کرونا ..... ۲۹۹
  ۱. مقدمه ..... ۲۹۹
  ۲. الاهیات فاجعه: خداوند و ماشین طبیعت ..... ۳۰۰
  ۳. تجزیه و تحلیل دین پژوهانه از فعل خداوند و بلای کرونا ..... ۳۰۲
  ۴. رحمانیت و رحیمیت ..... ۳۰۶
۱۸. جهاد معنوی در مقابله با ویروس کرونا ..... ۳۱۱
  ۱۹. حرکت به سوی ظهور، با شکوفایی ظرفیت‌های نهفته اماکن دینی، در بحران‌هایی مانند کرونا .. ۳۱۵
  ۲۰. انقلاب اسلامی و بازگشت به میراث توحیدی شیعه در مدیریت بحران‌های بزرگ ..... ۳۱۹
    ۱. مقدمه ..... ۳۱۹
    - ۱-۱. انقلاب اسلامی مؤثرترین متغیر دلالت دهنده به خدا در مناسبات بحرانی عالم ..... ۳۱۹
    ۲. چالش‌های کرونا نسبت به امر معنوی و مذهبی ..... ۳۲۲
    ۳. پدیدارشناسی مقاومت فرهنگی ایرانیان با تأکید بر نقش راهبردی ..... ۳۲۳
    - ۳-۱. «درصحنه بودن رهبران» ..... ۳۲۴
    ۴. بحران کرونا، جهش دشمن در سنت‌های جنگ روانی علیه جامعه ایران ..... ۳۲۵
    ۵. مزیت‌های راهبردی اندیشه ..... ۳۲۶
۲۱. کرونا و فضای مجازی در ایران ..... ۳۲۹
  ۱. مقدمه ..... ۳۳۰
  ۲. روش پژوهش ..... ۳۳۲
  ۳. مبانی نظری ..... ۳۳۴

۳-۱. عصر ارتباطات و فناوری اطلاعات.....	۳۳۶
۳-۱-۱. مفهوم فناوری اطلاعات و ارتباطات.....	۳۳۸
۳-۱-۲. موضوع حکمرانی.....	۳۴۳
۳-۱-۳. رویکردهای چندگانه مواجهه جمهوری اسلامی با فضای مجازی.....	۳۴۵
۴-بحث و بررسی؛ فضای مجازی، کرونا و جمهوری اسلامی.....	۳۴۹
۴-۱. غیاب در فضای حقیقی و حضور در فضای مجازی.....	۳۴۹
۴-۲. کرونا و تقویت بانکهای اطلاعاتی.....	۳۵۰
۴-۳. کرونا و سرعت تصمیم گیری مدیریتی در فضای مجازی.....	۳۵۱
۴-۴. کرونا و تبادل اطلاعات در بستر فناوری اطلاعات.....	۳۵۲
۴-۵. کرونا و توسعه خدمات غیرحضورى.....	۳۵۲
۴-۶. کرونا و آموزش عمومى از راه دور.....	۳۵۳
۴-۷. دین، کرونا و فضای مجازی.....	۳۵۵
۴-۸. کرونا، توسعه فضای مجازی و حفظ محیط زیست.....	۳۵۹
۴-۹. کرونا، ادارات مجازی، حذف صف و انتظار.....	۳۶۰
۴-۱۰. کرونا و رسانه‌های اجتماعى.....	۳۶۰
۴-۱۱. فضای مجازی و مقابله با جنگ روانى دوران کرونا.....	۳۶۲
۴-۱۲. سکه‌ی دوروى کرونا در فضای مجازی.....	۳۶۳
۴-۱۳. کرونا، خانواده و فضای مجازی.....	۳۶۴
۴-۱۴. فضای مجازی و مدیریت افکار دروان کرونا.....	۳۶۶
۴-۱۵. کرونا و کسب‌وکارهای مجازی.....	۳۶۷
۴-۱۶. کرونا، فرهنگ فضای مجازی و سواد رسانهای.....	۳۷۰
۴-۱۷. تجزیه و تحلیل آماری گزاره‌های کرونا و فضای مجازی.....	۳۷۲
۵. جمع‌بندی و خلاصه نتایج.....	۳۷۷
۶. منابع و مأخذ.....	۳۷۹
۲۲. کرونا؛ بر ساخته اجتماعى انسان در جهان معاصر.....	۳۸۱
۲۳. جایگاه هویت ملی در سیاست‌گذاری در دوره بحران؛ مطالعه موردی کرونا.....	۳۸۹
۱. درآمد.....	۳۸۹
۲. چارچوب نظری (ابعاد هویت ملی).....	۳۹۱
۲-۱. بعد اجتماعى هویت ملی.....	۳۹۱
۲-۲. بعد تاریخی هویت ملی.....	۳۹۲

۳۹۳.....	۲-۳. بعد جغرافیایی هویت ملی
۳۹۴.....	۲-۴. بعد فرهنگی هویت ملی
۳۹۴.....	۲-۵. بعد دینی هویت ملی
۳۹۵.....	۲-۶. بعد سیاسی هویت ملی
۳۹۶.....	۳. بررسی تأثیر ابعاد هویت ملی بر سیاست‌گذاری دوره بحران
۳۹۷.....	۳-۱. تأثیر بعد اجتماعی هویت ملی بر سیاست‌گذاری دوره بحران
۳۹۸.....	۳-۲. تأثیر بعد تاریخی هویت ملی بر سیاست‌گذاری دوره بحران
۳۹۹.....	۳-۳. تأثیر بعد جغرافیایی هویت ملی بر سیاست‌گذاری دوره بحران
۴۰۰.....	۳-۴. تأثیر بعد فرهنگی هویت ملی بر سیاست‌گذاری دوره بحران
۴۰۱.....	۳-۵. تأثیر بعد دینی هویت ملی بر سیاست‌گذاری دوره بحران
۴۰۲.....	۳-۶. تأثیر بعد سیاسی هویت ملی بر سیاست‌گذاری دوره بحران
۴۰۴.....	۴. راهبردهای پیشنهادی
۴۰۷.....	۵. نتیجه‌گیری
۴۰۹.....	۲۴. گفتمان مؤاسات، نعمتی از کرونا
۴۰۹.....	۱. مقدمه
۴۱۱.....	۲. نعمت مؤاسات
۴۱۲.....	۳. مؤاسات
۴۱۲.....	۳-۱. معنای مؤاسات
۴۱۳.....	۳-۲. اهمیت
۴۱۵.....	۳-۳. ذکر چند نکته
۴۱۶.....	۴. نعمت کرونا و مؤاسات
۴۱۸.....	۵. نتیجه‌گیری
۴۱۹.....	۶. منابع و مآخذ
۴۲۱.....	۲۵. دلالت‌های مفهوم اصیل شهادت برای سیاست‌گذاری در مواجهه با بیماری کرونا
۴۲۹.....	بخش سوم: ارتباطات انسانی و سبک زندگی
	۲۶. بحران، بهداشت و بیماری‌های واگیر در ایران: تاریخ اجتماعی بهداشت و درمان در ایران دوره قاجاریه
۴۳۱.....	چکیده

## فهرست تفصیلی □ ۲۳

۴۳۲	۱. مقدمه .....
۴۳۴	۲. مقطع گذار نظام سلامت و ایران دوره قاجار .....
۴۳۷	۳. اپیزود یکم: بهداشت فردی .....
۴۳۸	۳-۱. نظافت شخصی .....
۴۳۹	۳-۲. استحمام و حمام .....
۴۴۲	۳-۳. تنظیف پوشاک .....
۴۴۳	۳-۴. بهداشت موادّ غذایی .....
۴۴۵	۴. اپیزود دوم: بهداشت محیط و منابع .....
۴۴۶	۴-۱. مناطق روستایی .....
۴۴۷	۴-۲. مناطق شهری .....
۴۵۰	۴-۳. آب و فاضلاب .....
۴۵۴	۴-۴. پسماند .....
۴۵۵	۴-۵. کاروانسراها .....
۴۵۶	۵. اپیزود سوم: سلامت عمومی در چپاول بیماری‌های واگیر .....
۴۵۹	۵-۱. وبا .....
۴۶۳	۵-۲. طاعون .....
۴۶۵	۶. منابع و مآخذ .....
۴۶۷	۲۷. گفتگوی بین ادیان و کرونا: فرصت‌ها و ظرفیت‌های تبلیغی اسلام .....
۴۶۸	۱. مقدمه .....
۴۶۹	۲. بنیادهای نظری .....
۴۶۹	۲-۱. گفتگو .....
۴۷۱	۲-۲. اهمیت یابی دین .....
۴۷۳	۲-۳. گفتگوی بین ادیان .....
۴۷۶	۳. گفتگوی بین ادیان اسلامی و کرونا .....
	۳-۱. کاربست اول: برجسته‌سازی نقش دین اسلام در مناسبات فردی و اجتماعی (حوزه عقاید) .....
۴۷۷	۳-۲. کاربست دوم: برجسته‌سازی نقش دین اسلام در مناسبات فردی و اجتماعی (حوزه اخلاق) .....
۴۸۰	۳-۳. کاربست سوم: برجسته‌سازی نقش دین اسلام در مناسبات فردی و اجتماعی (حوزه احکام) .....
۴۸۲	

۴۸۳.....	۴. نتیجه‌گیری
۴۸۴.....	۵. منابع و مآخذ
۴۸۷.....	۲۸. ناکارآفرینی در فضای مجازی: در دوره آزمون کرونا و پس از آن
۴۸۹.....	۱. مقدمه
۴۹۲.....	۲. مرور ادبیات موضوع
۴۹۴.....	۳. روش پژوهش
۴۹۵.....	۴. یافته‌های پژوهش
۴۹۵.....	۴-۱. ناکارآفرینی‌های مبتنی بر مذهب در فضای مجازی
۴۹۶.....	۴-۱-۱. ناکارآفرینی‌های مبتنی بر گناهان اقتصادی و مالی
۴۹۷.....	۴-۱-۲. ناکارآفرینی‌های مبتنی بر گناهان جوارحی
۴۹۸.....	۴-۱-۳. ناکارآفرینی‌های مبتنی بر گناهان جوانحی و درونی
۴۹۸.....	۴-۱-۴. ناکارآفرینی‌های امنیتی و سیاسی
۴۹۹.....	۴-۲. ناکارآفرینی‌های مبتنی بر جرائم فضای مجازی
۴۹۹.....	۵. نتیجه‌گیری
۵۰۰.....	۶. فهرست منابع و مآخذ
۵۰۱.....	۲۹. نقش تکافل اجتماعی در رفع محرومیت
۵۰۳.....	۳۰. تحولات اجتماعی دوره کرونا و حیات خانگی
۵۰۴.....	۱. آموزش و تحصیل
۵۰۵.....	۲. زنان و حیات خانگی
۵۰۶.....	۳. ارزش و حیات خانگی
۵۰۸.....	۴. کار و حیات خانگی
۵۱۲.....	۵. حیات خانگی و حیات مجازی
۵۱۲.....	۶. نتیجه‌گیری
۵۱۴.....	۷. منابع و مآخذ
۵۱۵.....	۳۱. تحولات اجتماعی و سبک زندگی عصر کروناها
۵۲۱.....	۳۲. باید به آغوش خانواده برگردیم!
۵۲۲.....	۱. کرونا مقصر نیست
۵۲۳.....	۲. ریشه بحران کجاست؟
۵۲۵.....	۳. چه باید کرد؟

۴. کرونا یک نمونه است .....	۵۲۶
۳۳. با کرونا به خانه بر می‌گردیم! .....	۵۲۹
۳۴. صله رحم را بیشتر کنیم! .....	۵۳۳
۳۵. ارتباطات کرونایی: موقعیت‌یابی تقاطع غیرهم‌سطح ارتباطات سلامت، ارتباطات بحران، کرونا و هم‌دردی رسانه‌ها .....	۵۳۷
۱. حق تقدّم با کیست؟ ارتباطات بحران .....	۵۳۸
۲. خط عابر پیاده، ارتباطات سلامت: .....	۵۳۹
۳. موتورسیکلتی بدون پلاک و سرنشین، کرونا .....	۵۴۰
۴. بن‌بست هم‌دردی با رسانه‌ها: .....	۵۴۰
۵. منابع و مآخذ .....	۵۴۱
<b>بخش چهارم: تمدن و آینده‌نگری .....</b>	<b>۵۴۳</b>
۳۶. در جستجوی حکمرانی خدا در ماجرای کرونا: تحلیلی مبتنی بر روندپژوهی آیات این زمانه .....	۵۴۵
۱. کرونا فتنه‌ای از جانب دشمنان، نه عذاب الهی .....	۵۴۶
۲. کرونا و مکر خدا در پی مکر دشمنان: در جستجوی حکمرانی خدا .....	۵۴۶
۳. دستان باز خدا در اداره کرونا .....	۵۵۱
۴. رصد پلکان آثار امام زمان <sup>ع</sup> در این زمان بر روی زمین: روندپژوهی آیات الهی در این زمان .....	۵۵۵
۳۷. جهان پیش‌رو و بدیل‌های ممکن: تحلیل چهار سناریو برای آینده سیاست جهانی .....	۵۶۳
۱. آیا آینده قابل پیش‌بینی است؟ .....	۵۶۴
۲. سناریوی نخست: جهان جهانی شده .....	۵۶۵
۱-۲. تحقق این سناریو چقدر محتمل است؟ .....	۵۶۷
۳. سناریوی دوم: جهان نهادهای لیبرال: .....	۵۷۰
۱-۳. تحقق این سناریو چقدر محتمل است؟ .....	۵۷۱
۴. سناریوی سوم: جهان در آشوب .....	۵۷۲
۱-۴. تحقق این سناریو چقدر محتمل است؟ .....	۵۷۳
۵. سناریوی چهارم: جهان واقع‌گرا .....	۵۷۵
۱-۵. تحقق این سناریو چقدر محتمل است؟ .....	۵۷۶
۶. بالاخره کدام سناریو؟ .....	۵۷۶

۳۸. کرونا و جهانی‌سازی ..... ۵۷۹

۱. تولید و انتشار کرونا، بر اساس تئوری «نظم بی‌نظمی‌ها» ..... ۵۸۰
۲. ورشکستگی اقتصادی و ازهم‌گسیختگی فرهنگی اجتماعی آمریکا ..... ۵۸۲
۳. در بعد جهانی، رابطه آمریکا با اتحادیه اروپا و باقی دنیا و کشورهای مستعمره‌اش بشدت دگرگون می‌شود ..... ۵۸۳
۴. تغییر نگاه جهانیان نسبت به حکومت‌های ملی و حاکمیت بر جهان ..... ۵۸۴
۵. بازگشت همگانی به سوی خدا ..... ۵۸۵
۶. کرونا، انسان را وارد مرحله جدیدی کرده است ..... ۵۸۵
۷. جهانی شدن جوامع بشری، با نگرشی نوین ..... ۵۸۶
۸. نظم نوینی مبتنی بر حیات طیبه انسان الهی ..... ۵۸۷
۹. منابع و مأخذ ..... ۵۸۷

۳۹. دنیای پساکرونا، تکرار تاریخ یا رخدادی نو در نظم جهانی؛ آمریکا در راه افول یا طلوع دوباره؟

- (نگاهی از منظر سیاست‌گذاری علم و فناوری) ..... ۵۸۹
۴۰. امکان استفاده از فرصت‌های استثنایی در جامعه جهانی ..... ۵۹۹
۴۱. تحلیل گفتمان ظهور بیماری‌های عفونی نوپدید ..... ۶۰۳
۱. کاربرد تحلیل لایه‌ای علت‌ها در گفتمان بیماری‌های عفونی نوپدید ..... ۶۰۷
۲. نتیجه ..... ۶۰۹
۳. منابع و مأخذ ..... ۶۱۱

## فهرست نمودارها

نمودار ۱: استدلال قیاسی .....	۹۷
نمودار ۲: استدلال استقرایی .....	۹۷
نمودار ۳: اقدام راهبردهشناسان در الگوی تفکر قیاسی و استقرایی .....	۹۸
نمودار ۴: رویکردهای مرسوم استدلال .....	۹۹
نمودار ۵: ویژگی‌های غافلگیری‌های محیطی .....	۱۰۱
نمودار ۶: روش‌های استنتاج از راه بهترین تبیین .....	۱۰۴
نمودار ۷: تحلیل فرآیند استنتاج بهترین تبیین .....	۱۰۵
نمودار ۸: انواع فرضیه و چگونگی پالایش آن‌ها .....	۱۰۷
نمودار ۹: عواملی که فرآیندها روی آن تأثیر می‌گذارند .....	۱۱۳
نمودار ۱۰: راهبرد به مثابه الگوی اقدامات .....	۱۷۵
نمودار ۱۱: راهبرد به مثابه برنامه قصد شده .....	۱۸۰
نمودار ۱۲: راهبرد به مثابه موقعیت .....	۱۸۳
نمودار ۱۳: راهبرد به مثابه رویکرد .....	۱۸۴
نمودار ۱۴: فرآیند حل مسائل راهبردی جاری در کسب‌وکار .....	۱۹۲
نمودار ۱۵: الگوی همزمانی حل مسائل راهبردی نوظهور .....	۱۹۳
نمودار ۱۶: ماتریس اولویتهای راهبردی .....	۱۹۷
نمودار ۱۷: هرم سلسله نیازهای مازلو .....	۲۳۹
نمودار ۱۸: شیوه نمونه‌گیری گلوله برفی غیرمتمایز .....	۳۳۴
نمودار ۱۹: فرایند انجام پژوهش .....	۳۳۴
نمودار ۲۰: اصلی‌ترین موضوعات مطرح شده در شبکه‌های اجتماعی با محوریت کرونا .....	۳۵۷
نمودار ۲۱: زیرموضوعات آموزه‌های دینی مرتبط با کرونا در شبکه‌های اجتماعی .....	۳۵۸
نمودار ۲۲: توزیع فراوانی جامعه خبرگانی و نخبگانی بر حسب تحصیلات .....	۳۷۳
نمودار ۲۳: توزیع فراوانی جامعه نخبگان و خبرگان بر حسب جنس .....	۳۷۴
نمودار ۲۴: توزیع فراوانی جامعه نخبگان و خبرگان بر حسب سن .....	۳۷۵
نمودار ۲۵: تأثیر کرونا بر افزایش ایمان .....	۴۷۹



۲۸ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۳)

- نمودار ۲۶: ماهیت متغیر کار در آمریکا ..... ۵۰۷
- نمودار ۲۷: ترامپ در حال نمایش و توضیح نمودار رتبه‌بندی کشورها از حیث مقابله با بیماری‌های  
همه‌گیر، آمریکا: در رتبه نخست (۷ اسفند ۱۳۹۸، ۲۶ فوریه ۲۰۲۰) ..... ۵۴۸
- نمودار ۲۸: روند پژوهی آیات الهی در این زمانه ..... ۵۵۶
- نمودار ۲۹: تحلیل لایه‌ای علّت‌ها ظهور ویروس نیپا در کشور مالزی ..... ۶۰۸

## فهرست جدول‌ها

جدول ۱: آمار قربانیان و مبتلایان به ویروس کرونا در ایران و جهان.....	۸۲
جدول ۲: تصمیم‌گیری در شرایط بحرانی .....	۱۴۱
جدول ۳: پیشینه تصمیم‌گیری مشارکتی .....	۱۴۲
جدول ۴: آثار مرتبط با مبنای مدیریت .....	۱۴۶
جدول ۵: تصمیم‌گیری مشارکتی؛ اثرات بحران کرونا و تغییرات لازم .....	۱۶۵
جدول ۶: آزمون آماری توافق و همگرایی در نظر خبرگان در خصوص گزاره‌های کرونا و فضای مجازی .....	۳۷۵
جدول ۷: مؤلفه‌های بعد اجتماعی هویت ملی .....	۳۹۲
جدول ۸: مؤلفه‌های بعد تاریخی هویت ملی .....	۳۹۳
جدول ۹: مؤلفه‌های بعد جغرافیایی هویت ملی .....	۳۹۳
جدول ۱۰: مؤلفه‌های بعد فرهنگی هویت ملی .....	۳۹۴
جدول ۱۱: مؤلفه‌های بعد دینی هویت ملی .....	۳۹۵
جدول ۱۲: مؤلفه‌های بعد سیاسی هویت ملی .....	۳۹۶
جدول ۱۳: منشأ، مقدار و فراگیری وبا در کشورها .....	۴۶۰
جدول ۱۴: آمار درگیری وبا و میزان کشته‌های آن .....	۴۶۱
جدول ۱۵: برخی از بیماری‌های مسری ویروسی مرگبار .....	۵۱۶



«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»  
وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُودَ وَ سُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ  
الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ  
(قرآن کریم، سوره مبارکه «نمل»، آیه شریفه ۱۵)

## سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست فقید آن، به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق، دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث، «تربیت» مقوله‌ای محوری است که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه»، بیش از آن که ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر، «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها، در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهرمندی از نتایج آن‌ها است. از این منظر، پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی، به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد. سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق علیه‌السلام در واقع، یک الگوی عملی برای تحقق آرمان دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده، محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی، و تلاش همه‌جانبه استادان، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی، با طرحی جامع، نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی — کارکردی آن‌ها، و بالاخره تحلیل شرایط آتی، اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهاده‌اند - درک کاستی‌ها و اصلاح آن‌ها است تا از این طریق، زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت، مرجعیت مکتب علمی امام صادق علیه‌السلام را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. ان شاء الله.

و لله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

## پیش‌گفتار

«در مورد این حادثه رایج کشور که حادثه کرونا است؛ خبر این یک ابتلای عمومی است، یک *آزمون* است؛ *آزمون* برای دنیا است؛ هم برای دولت‌ها، هم برای ملت‌ها. دولت‌ها هم در این حادثه امتحان می‌شوند، ملت‌ها هم در این حادثه امتحان می‌شوند. *آزمون* عجیبی است... ملت ایران در *آزمون* کرونا، در این بیماری عمومی که در واقع باید گفت این وبای مدرن، خوب درخشیدند».

بیانات مقام معظم رهبری دام ظلّه‌العالی، نیمه شعبان ۱۳۹۹/۱/۲۱

حال که این مقدمه را می‌نویسیم تعداد مبتلایان به کرونا در جهان به ۹ میلیون نفر نزدیک می‌شود. گویا این آزمون به زودی تمام‌شدنی نیست. گویا میدان مبارزه‌ای شده است که نه تنها مدافعان سلامت، بلکه مدافعان سیاست، فرهنگ و اقتصاد باید آستین بالا بزنند تا بتوان در این نبرد چندجانبه پیروز شد. حتی اگر واکسن و داروی این بیماری هم کشف شود، دوران پس از آن، دورانی خواهد بود که لازم است فضای مجازی، اقتصاد، فرهنگ، سیاست و سایر حوزه‌های کلان کشور به طور جدّی مد نظر پژوهشگران باشد.

خداوند متعال را بسیار شاکریم که در این آزمون، جلوه‌هایی از فرهنگ و تمدن زیبای ایرانیان به رخ جهانیان کشیده شد که قبل از آن همچون ماه در پشت ابر پنهان بود. همدلی‌های سراسری، تلاش و اتحاد نیروهای کشوری و لشگری برای مبارزه، سیاست‌های فرهنگی رهبر معظم انقلاب در گلوگاه‌ها و مسیرهای پرپیچ و خم مبارزه، رزمایش جنگ زیست‌شناختی، تلاش متفکران حوزوی و دانشگاهی برای بررسی جوانب این بحران، فقط بخش کوچکی از

این حماسه بزرگ اتحاد و همدلی است.

همواره از خداوند متعال می‌خواهیم که واکسن و داروی آن نیز از سوی مدافعان سلامت کشور عزیزمان کشف شود تا عزت مرزهای جغرافیایی، معنوی و مرزهای نرم آن دو چندان شده و همچون خاری در چشمان دشمنان و تیری سهمگین بر دل سنگ آن‌ها فرود آید.

در این شرایط، از اسفندماه ۱۳۹۸ تا خردادماه ۱۳۹۹ توفیق خداوند متعال نصیب ما شد تا در سه مجموعه از ۱۲۲ یادداشت و مقاله استادان گرامی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، فرهیختگان حوزه، دانشگاه و برخی دانشجویان گرامی مهره‌مند شویم. امروزه پیروزی در جبهه مبارزه با کرونا صرفاً با مطالعات پزشکی ممکن نیست، بلکه مطالعات تمدنی، آینده‌پژوهی، دینی، سیاست‌گذاری فرهنگی و دینی، مطالعات مدیریت، حقوق و حکمرانی، الهیات و سبک زندگی، اندیشه‌های اجتماعی و ... نیز از ضروریات است. در این مجال، فرصت را مغتنم شمرده و با ذکر چکیده‌هایی از نوشته‌های ارزشمند قدردان خواهیم بود.

**بخش اول، در ۱۴ یادداشت و مقاله به بررسی مدیریت، حکمرانی و حقوق**

**در دوران کرونا و پس از آن می‌پردازد:**

۱. **مسئولیت‌های اقتصادی دولت در شرایط کرونا: سیاست‌های پولی و مالی**  
دکتر سیدعباس موسویان در این یادداشت اشاره می‌کند که از همان روزهای اول، در کنار دغدغه مداوا و سلامت، پیامدهای اقتصادی ویروس کرونا نیز به یک چالش و دغدغه اساسی تبدیل شد. استمرار ویروس کرونا و طولانی‌تر شدن کشف واکسن و داروی معالجه بیماری ناشی از ویروس، تضادی بین دغدغه‌های سلامت و اقتصاد بوجود آورد، به‌طوری که حتی منجر به بازگشایی تدریجی مشاغل شد. وی علاوه از اظهار خرسندی از خوش درخشیدن کادر

درمان، توصیه می‌کند که مبارزه با ویروس کرونا نیاز به تدبیر همگانی همه ارکان حاکمیت داشته و لازم است همه تصمیم‌های ستاد ملی مقابله با کرونا، پیوست اقتصادی داشته باشند. وی در ادامه به مصادیقی از سیاست‌های مالی و پولی برای کشور اشاره می‌کند. استاد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تسهیل کسب‌وکارهای مرتبط با بهداشت و درمان با رویکرد ویروس کرونا، تسهیل کسب‌وکارهای مرتبط با بخش کشاورزی و تسهیل کسب‌وکارهای مرتبط با خدمات پالایشگاهی را از مصادیق اولویت‌دار سیاست‌های مالی برمی‌شمارد و در بحث سیاست‌های پولی حمایت مالی بلاعوض از دهک‌های پایین جامعه، اعطای وام قرض‌الحسنه برای دهک‌های پایین و متوسط جامعه، اعطای وام قرض‌الحسنه برای مشاغل خرد و متوسط، اعطای تسهیلات انتفاعی با سود کم برای مشاغل خرد و متوسط، اعطای تسهیلات انتفاعی بلندمدت برای بنگاه‌های بزرگ اقتصادی اشاره می‌کند. پایان‌بخش یادداشت استاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی بر محل تأمین منابع مالی دولتی با توجه به وضعیت رکود تورمی متمرکز است که برای تأمین این منابع محل‌هایی همچون صرفه‌جویی در هزینه‌های غیرضروری، فروش سهام و اموال مازاد دولتی، انتشار اوراق بهادار، استقراض از بانک مرکزی را توصیه می‌کند.

## ۲. تأمین مالی هزینه‌های مستقیم ناشی از شیوع بیماری کووید ۱۹

دکتر حسین حسن‌زاده سروستانی بر این باور است که شیوع بیماری کووید ۱۹، هزینه‌های مستقیم و هزینه‌های غیرمستقیم را بر کشور تحمیل کرده است. هزینه‌های مستقیم شامل هزینه‌های پیشگیری و هزینه‌های درمان هستند؛ هزینه‌های پیشگیری عبارتند از هزینه‌های فرهنگ‌سازی، هزینه خرید و توزیع گان، عینک، ماسک، شیلد و مواد ضدعفونی و ... و هزینه‌های



درمان، شامل هزینه خرید تجهیزات پزشکی شامل دستگاه‌های مانیتور، ونتیلاتور، پالس اکسی متر، تخت بیمارستانی و آی سی یو و الکتروشوک، هزینه‌های دارو، حقوق و مزایای کادر درمانی و پرستاری و ... می‌شود. عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، به اقدامات قابل توجه برخی از اشخاص حقوقی و حقیقی جهت تأمین مالی هزینه‌های مستقیم ناشی از شیوع بیماری اشاره می‌کند. وی در این زمینه به اقدامات مردم خیر ایران، دولت جمهوری اسلامی ایران، صندوق توسعه ملی، بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران، آستان قدس رضوی و فراپورس ایران اشاره می‌کند. معاون آموزشی دانشکده مدیریت دانشگاه امام صادق علیه‌السلام پایان‌بخش یادداشت خود را به پیشنهادهایی همچون جلوگیری از رشد نقدینگی، تلاش حداکثری در زمینه صرفه‌جویی در منابع، رایزنی‌های لازم جهت دریافت منابع ارزی یا تجهیزات پزشکی از نهادهای بین‌المللی؛ عدم برداشت از صندوق توسعه ملی مگر در شرایط اضطرار برای تأمین هزینه‌های شیوع این بیماری، سیاست‌گذاری جهت تشویق خیران حوزه مقابله با کرونا و جذب حداکثری منابع از آن‌ها، وجود آمار دقیق و به‌روز متمرکز کرده و سرانجام پیشنهاد می‌کند که از طرح‌های موجود تأمین مالی جمعی اهداء، جهت رفع هزینه‌های مستقیم استفاده شود.

### ۳. استنتاج بهترین تبیین: راهکار مواجهه با غافلگیرهای بحران کرونا

دکتر بهمن حاجی‌پور در این یادداشت می‌نویسد: آنچه می‌توان به‌مثابه مشخصه اصلی ویروس کرونا ذکر کرد، حالت غافلگیرکننده‌ای است که به جامعه جهانی، سازمان‌ها و مدیران تحمیل کرده است و باعث بروز تهدید اینرسی شده است که این تهدید از طریق تفکر رایج و مرسوم الگوهای

استدلال و تصمیم‌گیری همچون قیاس، استقراء و تمثیل قابل رفع نیست. وی در ادامه بر این باور است که ساختار آگاهی انسان به هم ریخته است و باید از الگویی نام استنتاج بهترین تبیین بهره برد که روشی مناسب برای مواجهه با غافلگیری‌های محیطی است: الگوی تفکر استنتاج بهترین تبیین، روشی مناسب برای تصمیم‌گیری در فضای مبهم است که در آن، حرکت اندیشه از شواهد به تبیین صورت می‌گیرد و نوعی استدلال برای برخی از موقعیت‌های متفاوت با اطلاعات ناقص است. دانشیار دانشگاه شهید بهشتی، بر این باور است که تبیین‌های بهترین استنتاج سه ویژگی دارند: محتمل، قابل ابطال و مبتنی بر مفروضات بودن. این الگو، اول شامل فرضیه‌سازی است که می‌توان انواع فرضیه‌ها را با استفاده از یکی از شیوه‌های پیشگویی، نشانه، استعاره، سرنخ، عارضه و تبیین طراحی کرد. دوم، شامل ملاک‌های انتخاب بهترین تبیین است که سازگاری، سادگی، فراگیری و وحدت بخشی را ذیل آن در بر می‌گیرد. در این شیوه نوعی تدریج‌گرایی مبتنی بر سعی و خطا به کار می‌رود؛ به‌طوری که پس از تدوین طیفی از فرضیه بهترین فرضیه برای تبیین پدیده بی‌سابقه مبنای عمل قرار می‌گیرند. در عمل ممکن است که فرضیه بهتری برای تبیین شناسایی شود و جانشین فرضیه قبلی شود.

#### ۴. اقتصاد مقاومتی سیاستی برای نبرد با کرونا در محیط متخاصم اقتصادی

در این یادداشت، رضا بنی‌اسد و مهدی باقری میبدی به جنبه‌ای از تحلیل محیط راهبردی اشاره می‌کنند که کمتر به آن در مطالعات مدیریت راهبردی پرداخته شده است؛ عمدتاً در مطالعات مدیریت راهبردی، سخن از محیط‌های رقابتی، همکاری، همکاری مبتنی بر اعتماد و محیط‌های هم‌رقابتی است که

در هر صورت خواه به صورت همکاری و خواه به صورت رقابت، کشورها به دنبال کسب منافع بیشتر برای خود هستند و به بقا و حیات خود توجه می‌کنند. اما وجهه دیگری از محیط راهبردی، محیط متخاصم است که مشابه هیچ‌یک از محیط‌های فوق نبوده و در واقع یک کشور به دنبال نابودی کامل کشور دیگر است. ایشان در ادامه اذعان می‌کند که محیط حاکم بر کشور ما در مقابله با سیاست‌های استعمارگرایانه و تحریم‌محور غرب، محیط متخاصم است؛ محیطی که در زمان شیوع کرونا، غلبه بر آن با دشواری مضاعف مواجه است. نویسندگان برای نبرد با دو ویروس تحریم و کرونا، تکیه بیشتر بر سیاست‌های اقتصاد مقاومتی را تنها راه مبارزه و چاره می‌دانند و بر این باوراند که اگر در این میدان تا کنون هم موفق بوده‌ایم به برکت تکیه بر ظرفیت‌ها و توانمندی‌های داخلی بوده که به وسعت تمدن ایران روی هم انباشته شده و به برکت وجود انقلاب اسلامی در یک دوره چهل ساله رشد صعودی داشته است.

##### ۵. تصمیم‌گیری مشارکتی در دوران پسا کرونا

آقای مهدی عزیزی، دکتر عادل آذر و دکتر محمود دهقان نیری در این مقاله می‌نویسند: بحران کرونا با نشان دادن حالات مرزی سیستم‌های اجتماعی - اقتصادی، عرصه‌های مختلفی از زندگی انسان را تحت تأثیر قرار داده و باعث شده است بسیاری از جریان‌های رو به رشد و گسترش در عرصه‌های تجارت و صنعت با چالش مواجه شوند. تصمیم‌گیری مشارکتی از جمله مهم‌ترین این عرصه‌هاست. ایشان در این پژوهش در تلاشند تا تأثیراتی که بحران کرونا بر لایه‌های مختلف دانش و اقدام تصمیم‌گیری مشارکتی گذاشته است را مورد بررسی قرار داده و تغییرات ضروری تصمیم‌گیری مشارکتی برای حیات در دوران پسا کرونا را برآورد کنند. بنابراین، گامی ضروری برای سامان

دادن تصمیم‌گیری مشارکتی در دوران پساکروناست. بر این اساس، با بهره‌گیری از راهبرد مبنای‌گرایی، تأثیرات بحران کرونا بر تصمیم‌گیری مشارکتی در سه سطح مبانی، نظریه‌ها و تکنیک‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری مشارکتی در هر یک از سطوح معرّفی شده، تحت تأثیر بحران کرونا قرار گرفته است. همچنین در تمامی سطوح، عرصه‌هایی از تصمیم‌گیری کاملاً بدون تغییر باقی مانده‌اند. تحلیل‌های بیشتر نشان می‌دهد که علی‌رغم نگاه کمی، مهم‌ترین تأثیرها در سطح مبانی تصمیم‌گیری مشارکتی ایجاد شده است. نتایج این پژوهش بیانگر ضرورت اعمال تغییرات الگویی در حوزه تصمیم‌گیری مشارکتی در دوران پسا کروناست. نویسندگان، سرانجام پیشنهادهایی برای پژوهش‌های بیشتر و پیشنهادهایی در سطح کاربردی ارائه می‌کنند.

#### ۶. راهبرد و آزمون کرونا

مهدی باقری میبیدی و رضا بنی‌اسد در این یادداشت به این موضوع می‌پردازند که با توجه به این نکته که شیوع کرونا، قواعد کسب‌وکار را تحت تأثیر قراردادده است، کسب‌وکارها نیازمند دانش مدیریت راهبردی برای مدیریت کسب‌وکار خود در این شرایط هستند و توجه به این موضوع لازم است که هر کسب‌وکاری نیازمند الگوی خاص خود است. در ادامه ایشان، خواننده را به تأملی در تعریف راهبرد وا می‌دارند تا مفاهیمی از رخدادهای امروز در زمینه کرونا را با تعاریف راهبرد تطبیق دهد و جورچین طرح راهبردی را تکمیل کند؛ ایشان نکات قابل توجه و پرمغزی را در این خصوص بیان می‌دارند. در ادامه عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام و همکار ایشان به بیان توضیح راهبردهای تعمّدی و نوظهور، و همچنین مسائل نوظهور و توصیفی برای تشریح مسائل راهبردی کسب‌وکارها پرداخته و

مسئله کرونا را نیازمند راهبردهای نوظهور می‌دانند. در بخش بعدی به تشریح الگوی فرایند حل مسئله پرداخته می‌شود و تک‌تک مراحل که شامل شناخت، تحلیل، اولویت‌بندی، تدوین پاسخ‌ها و اجرا و ارزیابی مسئله است، تحلیل و بررسی می‌شود. پایان‌بخش یادداشت ایشان به بررسی تصمیم‌های راهبردی مسئله کرونا و سرانجام به تحلیل محیط کسب‌وکار و کرونا اختصاص پیدا می‌کند.

#### ۷. کاربردهای علوم تصمیم در کاهش تأثیرات بیماری کووید ۱۹

دکتر حسین بختیاری از دریچه علم مدیریت، تصمیم‌گیری و تحقیق در عملیات به مسئله کرونا نظاره می‌کند. وی پس از ارائه تعریفی مختصر از این مفاهیم بر این باور است که در زمان شیوع کرونا جامعه با محدودیت‌هایی همچون حضور در اماکن آموزشی، محدودیت تردد، محدودیت فعالیت اصناف و ... مواجه شده است که توجه به رویکردهای تصمیم‌گیری بهینه بیش‌ازپیش ضرورت دارد. عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، در یادداشت خود به ۵ حوزه کاربردی علوم تصمیم در کاهش تأثیر بیماری کووید ۱۹ و شیوع ویروس کرونا اشاره می‌کند: وی بر این باور است که با حوزه کاربردی شبیه‌سازی و پیش‌بینی ازجمله روش پویایی‌شناسی سیستم می‌توان رفتار بیماری را در آینده شبیه‌سازی کرد و از این طریق نسخه‌های مناسبی برای تعطیلی و یا بازگشایی مراکز آموزشی، زمان بهینه آزمون‌های سراسری، تعطیلی یا بازگشایی اصناف و ... به تفکیک مناطق مختلف کشور تجویز کرد. وی با توجه به محدودیت‌های مضاعف در هنگام شیوع ویروس کرونا، به منظور بهینه‌سازی زمان انجام کار، افراد شاغل و تخصیص بهینه افراد به مشاغل، مدل‌های بهینه زمان‌بندی را پیشنهاد می‌کند که برنامه‌ریزی نیروی انسانی یکی از آنهاست. عضو گروه مدیریت

صنعتی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، در سومین حوزه کاربردی به مدل‌های ایجاد توازن اشاره می‌کند که با مثال‌هایی از آموزش مجازی دانشگاه‌ها به کاربرد مدل تسطیح منابع در شرایط شیوع ویروس کرونا تحلیل می‌شود. ادامه کاربرد تحقیق در عملیات برای مقابله با شیوع ویروس کرونا بر ریسک متمرکز است که ایشان آن را مفهومی مدیریتی و راهبردی قلمداد کرده و سرانجام در آخرین حوزه کاربردی به سیستم‌های بهینه‌سازی سلامت اشاره می‌کند و مصادیق متعددی از مدل‌های فراوانی که در نظام سلامت برای مقابله و محدودکردن بیماری کرونا مفید هستند را بر می‌شمارد. وی در نتیجه‌گیری از یادداشت خود به این نکته مهم اشاره می‌کند که «هر متخصص باید از زاویه تخصص خود به مسئله کرونا نظاره کند تا برآیند راه‌حل‌های مختلف پس از تأیید خبرگان منجر به حل واقعی مسئله شود».

#### ۸. جهان نرم پساکرونایی؛ گذار از فناوری سخت به فناوری نرم

دکتر مهدی حمزه‌پور بر این باور است که آبَر مسئله ساخت نیافته کرونا تحوّل بنیادین را در سبک و سازِ زندگی مخلوقات جهان، از جمله انسان بوجود آورده و بی‌هیچ مداهنه‌ای، جهانِ کرونادیده حال و پساکرونای آینده، جهان فرهنگی و به تعبیری، جهان نرم است و قدرت حقیقی کشورها در سایه قدرت نرم برآمده از برتری در رقابت‌های فرهنگی در بستر صنعت نرم فرهنگی است. وی بر این باور است که پدیده کرونا به‌مثابه مهمان ناخوانده موجب تسریع در تغییر الگو یا پنجره نگاه از فناوری‌های سخت که بهره‌وری صرف فنی و مالی را هدف‌گذاری کرده است، به فناوری‌های نرم هویت‌آفرین و فرهنگ‌محور شده است. ایشان در ادامه اشاره می‌کنند که اکنون در زیست تجربی کرونایی و پساکرونایی، زمان پرده‌برداری و انجام تجزیه و تحلیل جامع، پژوهش نظام‌مند و کاربردی در حوزه فناوری نرم رسیده است. در این میان

به‌طور قطع و یقین فناوری مدیریت مهم‌ترین تعبیر و اصطلاحی است که در فضای کرونایی و پساکرونایی شنیده می‌شود. عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام در ادامه اشاره می‌کند که صنایع خلاق در واقع بخشی از صنایع نرم و فعال‌ترین بخش صنعت فرهنگی و صنعت خدمات فکری در بین صنایع نرم نیز هستند؛ بسیاری از صنایع سخت از جمله صنایع فناوری پیشرفته نیز از اندیشه‌های خلاق به وجود آمده‌اند. با پیشرفت اقتصاد خلاق، توسعه صنعت نرم شکل یک جریان بزرگ را در طول قرن بیست و یکم به خود گرفته است و پیش‌بینی می‌شود که فضای جدید و تحول‌زای کرونایی و پس از آن شدت و سرعت این جریان را افزون‌تر کند. صنایع خلاق، پویاترین بخش‌ها در تجارت جهانی هستند. این یک خبر مسرت بخش است و نشان می‌دهد که عموم مردم جهان کارکرد الگوی دیگر فناوری (فناوری نرم) را به رسمیت شناخته و نظریه فضای نوآوری در عمل محقق شده است. اَبَرمسئله جهانی کرونا باعث تسریع در مراحل تحقق منحنی عمر محصولات و خدمات صنایع نرم فرهنگی و خلاق از مرحله معرفی به مرحله رشد شده است و در آینده‌ای نزدیک پس از کرونا از مرحله رشد به مرحله بلوغ خواهد رسید.

#### ۹. سه‌گانه کرونا، مصونیت‌سازی تولید و صنایع نرم

دکتر مهدی حمزه‌پور در این نوشتار ابتدا به تشریح چیرستی فناوری سخت و نرم پرداخته در توضیح فناوری نرم این‌گونه بیان می‌دارند که فناوری نرم یک الگوی فناورانه نوین است که نگرش و مدل‌های ذهنی تک‌تک ما را نسبت به بسیاری مسائل تغییر داده است که به واسطه ویروس کرونا سرعت زیاد و ملموسی پیدا کرده است. در ادامه استاد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام به تشریح این موضوع می‌پردازد. به باور ایشان تحقیقات فناوری نرم برای بازاندیشی و تأمل بر چالش‌های بیشمار پیش روی بشر بسیار سودمند است

و می‌تواند در نظام‌های فرهنگی مختلفی جای گرفته و توسعه پایدار و تحقیقات میان‌رشته‌ای را ترویج دهد تا بشریت به آگاهی‌های گسترده و راهکارهای اثربخش برای حل مسائل جهانی، ملی، سازمانی و فردی دست پیدا کند. در ادامه نویسنده به پاسخ این پرسش می‌پردازد که برای مصون سازی صنعت و تولید در این شرایط چه باید کرد؟ در پاسخ دکتر حمزه‌پور اذعان می‌کند که حرکت به سمت خط‌مشی‌گذاری و راهبردشناسی در زمینه حمایت، ترویج و تسهیل تولید و کسب‌وکارهای نرم و گسترش صنایع فرهنگی و خلاق است. صنایع خلاق مبحثی است که نویسنده، خواننده را به تامل درباره آن وامی‌دارد و گوشزد می‌نماید که صنایع خلاق، آن دسته از صنایعی هستند که خاستگاه شان خلاقیت، مهارت و استعداد فردی است و پتانسیل تولید ثروت و اشتغال را از طریق ایجاد و بهره‌برداری از مالکیت فکری و ذهنی دارند و در واقع بخشی از صنایع نرم هستند. در انتها ایشان پیشنهاداتی در جهت برون‌رفت از آثار منفی کرونا به حکمرانان و سیاست‌گذاران ارائه می‌نمایند.

#### ۱۰. کرونا؛ گردنه تاریخی کسب‌وکارها

کسب‌وکارها به مثابه یکی از قربانیان کرونا مصائب و مشکلات فراوانی را پشت سر گذارده و همچنان با این مشکلات دست و پنجه نرم می‌کنند. بحرانی که کسب‌وکارها با آن مواجه شدند یک مسئله است و بحرانی که در آینده با آن مواجه خواهند شد مسئله‌ای مهم‌تر است. سید امیررضا فغانی دانشجوی رشته معارف اسلامی و مدیریت بازرگانی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، در این یادداشت به بررسی تهدیدات جدی کسب‌وکارها در دوران ادامه‌دار کرونا و پس از آن پرداخته و می‌نویسد: بحران کرونا موجب تغییراتی در رفتار افراد جامعه شد که به نوعی درباره تمام وجوه زندگی آن‌ها از جمله



نیازها و شیوه رفع نیازها نیز صادق بود، با توجه به ایجاد نیاز ایمنی در برابر کرونا، مردم به دنبال ارضای این نیاز همراه با رفع نیازهای فیزیولوژیکی شدند که این مسئله در مورد مصرف‌کنندگان با تمایل به سمت کسب‌وکارهای برخط و تأمین احتیاجات از این طریق تا قسمتی مرتفع گردید. تا اینجا یک بحران بود اما بحران آتی از عدم تطبیق کسب‌وکارها با شرایط پساکروناپی نشئت می‌گیرد. اگرچه زمان مشخصی برای پایان این بحران متصور نیست، اما حتی پس از پایان این بحران با توجه به کمک کرونا به اشاعه فرهنگ خرید برخط و همچنین درک مزایای متعدّد آن، از جمله صرفه‌جویی در وقت، هزینه و بسیاری دیگر از منافع، تمایل مردم به کسب‌وکارهای برخط حفظ خواهد شد و در این حالت کسب‌وکارهایی که خود را با این نیاز رو به رشد در میان مصرف‌کنندگان تطبیق ندهند عاقبتی جز رو به افول نخواهند داشت.

#### ۱۱. واکاوی زیرساخت‌های حقوقی رسیدگی به دعاوی دادگاه خانواده از

##### طریق دورسخنی در وضعیّت ناشی از کرونا

دکتر مریم مهاجری در این مقاله، زیرساخت‌های حقوقی رسیدگی به دعاوی مطروحه در محاکم از طریق سامانه‌های الکترونیکی را در وضعیّت ناشی از انتشار ویروس کرونا مورد واکاوی قرارداده‌است؛ زیرا از منظر این پژوهشگر، رسیدگی به دعاوی از طریق دورسخنی (=ویدئوکنفرانس)، علاوه بر آن‌که موجب تسریع در روند دادرسی می‌شود، در شرایط اضطراری همچون وضعیّت ناشی از انتشار ویروس کرونا - که حضور شهروندان را در دادگاه مخاطره‌آمیز ساخته - راهکار مناسبی است. این پژوهشگر قوه قضائیه در قسمتی از این مقاله می‌نویسد: در نظام حقوقی ایران، استفاده از سامانه‌های ارتباطاتی همچون دورسخنی در دعاوی کیفری بنابر تصریح قانون، با رعایت برخی شروط بلامانع است. در قوانین حقوقی نیز گرچه استفاده از این سامانه‌ها

پیش‌بینی نشده، اما می‌توان با بهره‌گیری از ظرفیت مواد (۶۵۵) و (۶۵۹) قانون آیین دادرسی کیفری، از این سامانه‌ها در دعاوی حقوقی هم استفاده کرد. این مدرس دانشگاه معتقد است که این موضوع با ماده (۹۳) قانون آیین دادرسی مدنی نیز همخوانی دارد. علاوه بر این، به موجب مواد (۸) و (۹) قانون حمایت خانواده که رعایت تشریفات رسیدگی را در دعاوی دادگاه خانواده لازم ندانسته، دلیل متقنی است که بتوان از ظرفیت دورسخنی در دعاوی خانوادگی بهره برد. به زعم این مشاور حقوقی خانواده، جواز حذف برخی از تشریفات دادرسی در دعاوی خانوادگی، رسیدگی به دعاوی دادگاه خانواده را از طریق دورسخنی هموارتر ساخته است ایشان در پایان بر این نکته تأکید می‌کند که برگزاری جلسات دادگاه در برخی از دعاوی خانوادگی از طریق دورسخنی، به علّت حساسیت‌های ویژه این دعاوی، خلاف احتیاط و مصالح خانوادگی است. دکتر مهاجری در انتها پیشنهاد می‌کند که رسیدگی به دعاوی مطروحه در دادگاه خانواده از طریق سامانه دورسخنی، مختص آن دسته از دعاوی باشد که احساسات در آن نقش پررنگی ندارد. همچنین لازم است که این نحوه رسیدگی، منوط به رضایت اصحاب دعوا باشد.

## ۱۲. کرونا با طعم بی‌بی‌سی فارسی: تحلیلی بر پیام‌های شبکه

### اینستاگرام بی‌بی‌سی فارسی

دکتر سعید مسعودی پور در این یادداشت تحلیلی، تلاش کرده است تا پیام‌های صفحه اینستاگرام بی‌بی‌سی فارسی در دو هفته آغازین شروع ویروس کرونا در ایران را تحلیل محتوا کند. این پژوهشگر پژوهش‌کده مطالعات فناوری، برای نشان دادن جهت‌گیری‌های خبری بی‌بی‌سی فارسی، در همین بازه زمانی، پیام‌های صفحه انگلیسی بی‌بی‌سی در اینستاگرام را مورد بررسی قرار داده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که بی‌بی‌سی

فارسی در صدد است تا وضعیّت ایران را به یک فاجعه انسانی تشبیه کرده و دولت ایران را بی‌کفایت در کنترل بیماری معرّفی کند. همچنین، این رسانه تلاش کرده است تا منشأ بیماری در بسیاری از کشورها را از ایران معرّفی کرده و نارضایتی عمومی در ایران را شعله‌ور کند. این در حالی است که حجم خبرهای منتشر شده در صفحه انگلیسی این بنگاه خبرپراکنی در موضوع کرونا در همین بازه زمانی، بسیار کم و محدود است. در نهایت این‌که جهت‌گیری خبری بی‌بی‌سی فارسی در سیاه‌نشان دادن ایران در موضوع کرونا، کاملاً روشن بوده و به مثابه سیاست رسانه‌ای این بنگاه خبری در مواجهه با ایران معرّفی می‌شود.

### ۱۳. کارآمدی دولت در مدیریت مسئله کرونا از منظر نظریه‌های مدیریت

#### دولتی

دکتر علی حمیدی‌زاده در این یادداشت در چهار باب، کارآمدی دولت‌ها را در خصوص مسئله کرونا بررسی نموده است. در باب اول، ابتدا به بررسی واژه و مفهوم دولت می‌پردازد و دولت را یک مفهوم بسیط و گسترده، دارای پیچیدگی می‌داند و ارکان شکل‌گیری دولت را گروه انسانی، قلمرو جغرافیایی، حکومت، و حاکمیت صاحب اختیار و مقتدر معرفی می‌کند، پس از آن به وظایف دولت‌ها پرداخته و یکی از وظایف آنان را حفظ و مراقبت‌های بهداشتی برمی‌شمارد و در انتهای باب اول به بررسی مفهوم و مصادیق کارآمدی دولت‌ها می‌پردازد. عضو هیئت علمی دانشگاه تهران در باب دوم به تعریف و تشریح هستی‌شناسی می‌پردازد و کارآمدی را در این خصوص تبیین می‌کند. وی در ادامه در باب سوم نگاهی به سیرتطور نظریه‌های مدیریت دولتی برای بررسی کارآمدی دولت از منظر نظریه‌های دولتی دارد و در باب چهارم با توجه به الگوهای مدیریت دولتی، کارآمدی دولت‌ها را در مدیریت

مسئله کرونا مورد بررسی و کاوش قرار می‌دهد.

#### ۱۴. کرونا و حکم حکومتی

دکتر فرزاد جهان‌بین در مقاله خود به کنکاش در خصوص بررسی موضوع حکم حکومتی در زمینه کرونا پرداخته است و این گونه بیان می‌دارد که حکم حکومتی دایرمدار مصلحت است و بیان می‌دارد که اساساً در زمینه کرونا جای حکم حکومتی نیست. سپس استاد دانشگاه شاهد در تبیین این موضوع به اختلاف‌نظرهایی در این خصوص اشاره می‌کند و هر تصمیمی را منوط به اجماع کارشناسی و یا سیطره قطعی نظر کارشناسی عده‌ای بر عده دیگر می‌داند.

بخش دوم این کتاب با عنوان اندیشه‌های اجتماعی، فرهنگی و دینی در قالب ۱۱ یادداشت بررسی می‌شود:

۱۵. پدیده کرونا و پدیدارشناسی حوادث قهرآمیز طبیعی از دیدگاه قرآن  
دکتر عباس تقویان در این مقاله کوتاه می‌نویسد: پدیدار شدن میکروویروس کرونا و گسترش فاجعه‌بار و باورنکردنی آن در سطح جهان افکار و اندیشه‌ها را به خود معطوف ساخت. این پدیده و سایر پدیده‌هایی که چهره قهرآمیز طبیعت را نشان می‌دهند بر اساس دیدگاه توحیدی قرآن کریم اهداف و اغراض پدیدارشناسی گوناگونی دارند. عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، نگاهی گذرا به برخی از اهداف پدیدارشناسانه قرآن درباره رخدادهای قهرآمیز طبیعت خواهد داشت که از طریق تدبیر در قرآن حاصل شده است.

#### ۱۶. در مذمت ناخدایان بی‌خدا

دکتر مصباح‌الهدی باقری نگاهی متفاوتی به مسئله کرونا داشته و بیان می‌دارند که به واسطه این‌که بشر امروزه این است که هر بیماری و اصلاً هر خلأ،

نقص و چالشی که زندگی‌اش را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بیشتر از آنکه ذهنش به «ماتَّقَدَم» امر مشغول شود و علّت‌ها و ریشه‌ها را دریابد و درصدد اصلاح آن باشد، بیشتر خود را مکلف به «ماتَأَخَّر» کرده و سعی می‌کند این نقص و بیماری را دفع و رفع کند؛ غافل از اینکه شرایط به وجود آورنده این نقص همچنان موجود است و هر آن می‌تواند به شکلی گسترده‌تر و حادث‌تر خود را نشان دهد. سپس هیئت علمی دانشگاه امام صادق علیه السلام نگاهی علت‌گرایانه به موضوع کرده و تشریح می‌کنند که حکمرانی‌ای که براساس نگاه به مبدأ و معاد طرح‌ریزی نشده، در مقابل یک پدیده به‌هم‌زننده انضباط اجتماعی بشرساخته، مقاومت کرده و تلاش نمی‌کنند که حکومت‌شان را متوجّه خلأ جدّی محور بندگی بدانند. سپس برای خواننده این سوال را طرح می‌کنند که آیا نمی‌توان قواعد تنظیمی را با سبک زندگی دینی و حاکمیت توحید تطبیق داد و همه چیز را به دانسته‌های ناقص بشری ختم نکرد؟

دکتر باقری با بیان این‌که حکمرانی جهانی امروز، منکر توحید بوده و کاملاً بر مداری خودساخته و خودخواسته مشغول عصیان و طغیان است و به هیچ‌کسور، گروه و فرد آزاده‌ای رحم نمی‌کند، کرونا را یک چشمه اراده الهی که احتمالاً آن هم حاصل شیّادی‌ها، طمع‌ورزی‌ها و خودخواهی‌های خود بشر امروزی است می‌داند. سپس ایشان اذعان می‌دارند که در اینگونه مواقع هم سخنان و حکمت‌های ایجابی اولیای امر الهی و هم اجتناب و احتراز و پرهیز دادن‌هایشان می‌تواند به دقّت بررسی شود تا بیشتر و ظریف‌تر به خلأهای جهان و بشر معاصر پی برد و برای آن نسخه اصلاحی آورد.

#### ۱۷. فعل خداوند و بلای کرونا

دکتر حمیدرضا آیت‌اللهی به تبیین رویکردی دین‌پژوهانه در زمینه کرونا می‌پردازد. نویسنده، خوانندگان را به تأمل در مورد پرسش‌هایی که در زمینه

نزول بلایا همچون کرونا در ذهن افراد پدید می‌آید، و می‌دارد و سپس با بیان رحمانیت و رحیمیت خداوند، با نگاهی عمیق به دنبال پاسخ به این‌گونه پرسش‌هاست. همچنین وجود قوانین طبیعت را دخیل در این‌گونه حوادث می‌داند. با توجّه به موارد مذکور به عقیده نویسنده سیل یا مصیبت وارده بر جامعه، حتماً از اراده خداوند است اما ممکن است برخی از اراده قوانین ثابت باشد و برخی نیز از عنایات خداوند بر مؤمنان برای انتخاب آن‌ها و یا عذابی برای کافران که هردو مستند به فاعلیت خداست بدون هرگونه ظلم یا بی‌عدالتی.

### ۱۸. جهاد معنوی در مقابله با ویروس کرونا

حجه الاسلام والمسلمین محمدرضا عابدینی در این مطلب از تبدیل تهدید به فرصت با جهاد معنوی سخن به میان آورده و کرونا را نه یک تهدید بلکه فرصتی ایمانی برای دعا و کمک به همدیگر خوانده و حرکت به سوی خداوند را آسان‌تر تلقی نموده است. ایشان در ادامه توجّه ویژه به کتب ادعیه و کتاب المراقبات و اقبال را مهم دانسته و عنایت به اذکاری که وارد شده است را کمک‌کننده دانسته‌اند؛ همچون ذکر که مرحوم آیت‌الله احمد خوانساری نقل نموده و یا دعای که مرحوم خسروشاهی که از حضرت امام (ره) نقل نمودند. در ادامه این استاد حوزه توجّه به وساطت مقام ولایت با عنایت به قدرت حق و باور به توحید افعالی در فراگیری درس عملی توحید را تأکید می‌کنند. در پایان ایشان همّت ایمانی و توحیدی در وقت نماز در ضمن رعایت کلیه مراتب بهداشتی را توصیه نمودند.

### ۱۹. حرکت به سوی ظهور، با شکوفایی ظرفیت‌های نهفته اماکن دینی،

#### در بحران‌هایی مانند «کرونا»

حجت الاسلام محمّدحسین صالحی در مقاله خود توجّه به ظرفیت‌های نهفته

اماکن دینی را حرکت به سمت ظهور می‌داند و اذعان می‌کند که توجه به بروز استعدادهای بالقوه مساجد در بحران کرونا می‌تواند منجر به تبدیل مساجد به محل تدبیر و مدیریت تمام کانون‌های محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و جهانی شده و سرانجام با نزدیک کردن مساجد به فرهنگ حکمرانی امام زمان (عج) زمینه‌ساز ظهور شود. وی بر این باور است که الفت قلب‌ها و دل‌ها در بروز این بیماری ارزشمند است و دعوت مردم عالم به عدل، معنویت و حیات طیبه منجر به گسترش فرهنگ ناب مهدوی خواهد شد و سرانجام به زیرک‌شدن تمدن غرب و عرضه فرهنگ معنوی در سرتاسر گیتی، حرکت به سمت ظهور را رقم خواهد زد.

## ۲۰. انقلاب اسلامی و بازگشت به میراث توحیدی شیعه در مدیریت

### بحران‌های بزرگ

حجت الاسلام دکتر علی جعفری بر این عقیده‌اند که موقعیت کرونایی عالم علی‌رغم چالش‌های مختلفی برای همه نیروهای اجتماعی از جمله نیروها و نهادهای مذهبی ایجاد کرده است، اما در عین حال واجد زمینه‌های حاصلخیز بالقوه‌ای برای رونق بازار دین و دین‌داری هم هست؛ به نحوی که بتوان چالش‌های اولیه را به تدریج به فرصت‌هایی کم‌نظیر در رونق دین‌داری تبدیل کرد. ایشان در بخشی دیگر از مقاله به این موضوع اشاره می‌کنند و اینگونه قلم‌فرسایی می‌کنند که در یک بیان کلی، واگیری کرونا حداقل در نوع ایرانی‌اش، به‌صورتی یکجا از همه ویژگی‌های انفعال‌آفرین یک متغیر مؤثر برخوردار است؛ زیرا هم از نوع بیماری‌های حادث است، هم فراگیر است، هم ناشناخته است، هم جدید است، هم قهرمانان درمانگر را به چالش جدی طلبیده، هم در یکی از بدترین شرایط مالی و اقتصادی تاریخ بعد از انقلاب حریف می‌طلبد. در این شرایط کانون‌های الهام‌بخش معنوی و روحی، به

مثابه یکی از مهم‌ترین عوامل کمک به برون‌رفت از بحران، دچار زمین‌گیر و انفعال ناشی از مخاطرات بهداشتی گشته‌اند. نظام مذهبی و رهبران معنوی جامعه و خصوصاً نهاد رهبری حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، امروز بیش از هر زمانی به طرّاحی، تدارک و اجرای هنرمندانه آیین‌های کاملاً جدید «در صحنه بودگی مذهبی و انقلابی» برای بازسازی انسجام، امید و اعتماد به نفس ملی احتیاج دارند. در ادامه ایشان استفاده از بحران کرونا در جنگ روانی را از سوی دشمن خوانده و پیشنهاداتی در زمینه پویش رسانه‌ای مذهبی ارائه می‌نمایند که زعم وی منجر به بهسازی تصویر جمهوری اسلامی در عرصه‌های مختلف نیز خواهد شد.

## ۲۱. کرونا و فضای مجازی در ایران

دکتر حامد فروزان و دکتر یدالله صادقی، مقاله «کرونا و فضای مجازی در ایران» را به رشته تحریر درآوردند. آنطور که این دو پژوهشگر اظهار می‌دارند، امروزه جوامع شاهد فراگیری بی‌سابقه رسانه‌ها و وسایل ارتباطات جمعی مدرن و نوین هستند و از عواملی که در تسریع سوق پیدا کردن به سمت فضای مجازی نقش مهمی ایفا کرده است، بیماری ویروسی بنام کرونا بود که در دسامبر ۲۰۱۹ در شهر ووهان چین با همه‌گیری شیوع پیدا کرد. در چنین شرایطی، رشد سریع و یکباره فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در فضای مجازی و شبکه‌های پیام‌رسان اجتماعی، باعث شد تا یکبار دیگر ضرورت تقویت دنیای مجازی مورد تأکید قرار گیرد. ایشان در این مقاله ابراز می‌دارند که در شریط کنونی ارتباط و پیوند ناگسستنی جامعه ایرانی با این ابزارها به طور فزاینده‌ای ادامه دارد و در اغلب موارد نیز از حالت انتخاب به یک ضرورت تغییر مسیر داده است. این دو پژوهشگر به بررسی ابعاد مختلف کرونا در تعامل با فضای مجازی پرداخته تا از این دریچه، تحلیلی



نسبتاً جامع از ظرفیت‌ها و چالش‌های فضای مجازی در دوران تسلط این بیماری در ایران ارائه کنند. دستاوردهای پژوهش آنان حاکی از نقش کرونا در تقویت بانک‌های اطلاعاتی، سرعت تصمیم‌گیری مدیریتی در فضای مجازی، تبادل اطلاعات در بستر فناوری اطلاعات، توسعه خدمات غیرحضوری، آموزش عمومی از راه دور، خلق فرصت‌ها و تهدیدها برای ارزش‌های دینی، حذف صف و انتظار، لزوم اهمیت مقابله با جنگ روانی دوران کرونا، چالش‌ها در مواجهه خانواده‌ها با دنیای مجازی، اغلب رونق و گاه رکود در کسب‌وکارهای مجازی و لزوم پرداختن به سواد رسانه‌ای در جامعه ایرانی است.

## ۲۲. کرونا؛ برساخته اجتماعی انسان در جهان معاصر

دکتر محسن دنیوی در ابتدای یادداشت خود سؤالاتی را در زمینه ویروس کرونا مطرح می‌کند و سپس به فرضیات و پاسخ‌های آن‌ها می‌پردازد. پژوهشگر حوزه فلسفه علم و فناوری برای بیان بهتر و تأثیر بیشتر بر خواننده به دو مثال ایدز و آنفولانزای خوک که همانند ویروس کرونا عمل نموده‌اند اشاره می‌کنند و اینگونه نتیجه می‌گیرند که ممکن است بین پدیده‌های ظاهراً علمی و فناورانه با پدیده‌های انسانی و اجتماعی رابطه وثیقی وجود داشته باشد که ما کمتر به آن‌ها توجه داریم و اغلب تمرکزمان درباره بعد علمی و فناورانه قضیه است؛ درحالی‌که ریشه مسئله جای دیگری است. ایشان در بخشی دیگر از مقاله خود به این مهم می‌پردازند که اگر قرار است خداوند، حقیقتی جاری و صاحب هستی باشد، لازم است بر اساس این جهان‌بینی تمام مناسبات، مورد بازبینی قرار گیرد و اگر این چنین نیست، بهتر است خدای خودساخته را رها کنیم. چراکه نه آن خدا قدرتی برای تسکین دارد که فقط موقع دردها و رنج‌ها به درگاهش رویم و نه حمله به او و مورد سؤال قراردادنش، از رنج ما می‌کاهد. مسئول دفتر مطالعات تمدن و

پیشرفت در بخش پایانی مطلب خود جهان کنونی را یک برساخته اجتماعی برمی‌شمارد که عوامل متعددی در شکل‌گیری آن نقش دارند و مناسبات آن، با حقیقت دین و آنچه از سوی انبیای الهی برای توجّه دادن بشر به غیب و جهان پیش و پس از جهان کنونی آمده است، فاصله دارد.

## ۲۳. جایگاه هویت ملی در سیاست‌گذاری در دوره بحران؛ مطالعه

### موردی کرونا

دکتر حمید هوشنگی در مقاله خود بر این نکته تأکید دارد که مدیریت گسترش کووید ۱۹ و تبعات آن، به‌مثابه یکی از فراگیرترین بحران‌ها در کشور در سال‌های اخیر، نیازمند بهره‌گیری صحیح از ظرفیت‌های ملی است و یکی از این ظرفیت‌ها، هویت ملی ایرانیان است. به نظر وی نمونه‌ای استفاده از هویت ملی را در مقابله با بحران جنگ تحمیلی می‌توان مشاهده نمود. عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام بر این باور است که اهمیت استفاده از این ظرفیت‌ها برای پیشگیری و مقابله با بحران‌ها زمانی بیشتر احساس می‌شود که در فضای علمی صحبت از جنگ‌های هیبریدی در آینده است. نویسندگان بر این نظر است که با توجّه به اینکه مهم‌ترین کارکرد هویت، ایجاد پیوستگی و همانندی است و هویت ملی مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت نسبت به عوامل، عناصر و الگوهای هویت‌بخش و یکپارچه‌کننده در سطح یک کشور به‌مثابه یک واحد سیاسی است، این ظرفیت باید در مدیریت بحران‌ها بیشتر مورد توجّه قرار گیرد. بر این اساس در این نوشتار تلاش شده است ضمن بررسی ابعاد هویت ملی، تأثیر هر یک از ابعاد بر سیاست‌گذاری مقابله با بحران کرونا بررسی شود تا سرانجام مشخص گردد که هویت ملی در سیاست‌گذاری دوره بحران چه نقشی می‌تواند ایفا کند.

## ۲۴. گفتمان مؤاسات، نعمتی از کرونا

آقای امیرحسین خورشیدی اطر در این نوشته با بیان اینکه مؤاسات اجتماعی یکی از ویژگی‌ها و خصیصه‌های جامعه اسلامی و جامعه مهدوی است، در ابتدا به بررسی این موضوع می‌پردازد که جایگاه و اهمیت مؤاسات در جوامع روایی شیعه چگونه است و روایات اسلامی چه نگاهی به مؤاسات وجود دارد. در ادامه ایشان با طرح این سؤال که چگونه کرونا باعث شد مؤاسات به مثابه یک خصیصه اسلامی مهم پس از مدت‌های مدیدی که به دلایل مختلفی در جامعه اسلامی مغفول مانده بود، وارد عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی ایرانِ کرونازده شود؛ وی در قسمت دوم این نوشته به سؤال فوق پاسخ می‌دهد و این نوع گسترش را در بیانات مقام معظم رهبری جست‌وجو می‌کند. وی گفتمان‌سازی را عنصر اصلی ورود خصیصه مؤاسات در جامعه می‌داند و سعی می‌کند که گسترش این خصیصه را به مفهوم گفتمان‌سازی در این برهه مهم زندگی بشر نسبت دهد. دانشجوی کارشناسی ارشد اقتصاد در پایان این نوشته امیدوار است تا الگوگیری از مؤاسات در عرصه اقتصادی را به عرصه‌های فرهنگی و سیاسی و قضایی سرایت دهد تا شاهد آن باشیم که این خصیصه در عصرهای مختلف در جامعه ایرانی نهادینه شود.

## ۲۵. دلالت‌های مفهوم اصیل شهادت برای سیاستگذاری در مواجهه با بیماری کرونا

آقای هادی غیائی در یادداشت «دلالات‌های مفهوم اصیل شهادت برای سیاستگذاری در مواجهه با بیماری کرونا» به تشریح معنای اصیل شهادت در هندسه معرفت دینی و دلالت‌های آن برای سیاستگذاری در مواجهه با

بیماری کرونا می‌پردازد. ایشان در این یادداشت چشم‌انداز پیش روی انقلاب اسلامی را تمدن نوین اسلامی به مثابه بستری برای ظهور ولایت عظمی (ارواحنا فداه) معرفی کرده و با اشاره به معنای اصیل ظهور، نسبت آن را با معنای شهادت تشریح می‌کند. در ادامه یادداشت، دانشجوی دکترای فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، دلالت‌های معنای اصیل شهادت در هندسه معرفت دینی را برای سیاستگذاری در مواجهه با ابعاد مختلف بیماری کرونا بررسی می‌کند. این دلالت‌ها به طور خاص در سه ساحت عقلانیت، تاریخ و فرهنگ به طور تفصیلی‌تر از سوی نامبرده مورد واکاوی قرار می‌گیرد. وجه نوآورانه این یادداشت، خود را در تشریح دلالت‌های معنای اصیل شهادت برای سیاستگذاری در بعد فرهنگی مواجهه با بیماری کرونا نشان می‌دهد؛ زیرا نویسنده به نوع‌شناسی شهدا و سازکارهای استفاده از تجربه‌های آن‌ها در سیاستگذاری فرهنگی بیماری کرونا می‌پردازد.

**بخش سوم، در ۱۰ یادداشت و مقاله به بررسی ارتباطات انسانی و سبک زندگی در دوران کرونا و پس از آن می‌پردازد:**

**۲۶. بحران، بهداشت و بیماری‌های واگیر در ایران: تاریخ اجتماعی بهداشت و درمان در ایران دوره قاجاریه**

دکتر سید مجید امامی و آقای محمدجواد قاسمیان نیک در پژوهش خود به بررسی معضلات بهداشت و سلامت عمومی و بیماری‌های واگیر در ایران دوره قاجار (۱۱۷۴ تا ۱۳۰۴ ق) (۱۷۹۴ – ۱۹۲۵ م) و غیبت محسوس مدیریت این بحران‌ها از سوی دولت مرکزی می‌پردازند. نویسندگان، برای دستیابی به این موضوع از طریق مطالعه، تحلیل و بررسی سفرنامه‌های غربی، کتاب‌های تاریخ معاصر و مقالات برگزیده از موضوعات مرتبط از طریق مطالعات

کتابخانه‌ای اقدام کرده و سپس با طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل اطلاعات، ابعاد موضوع ترسیم و پیش فرضی مفهومی دال بر «دولت ضعیف» و «جامعه تضعیف شده» در سفرنامه‌های سیاحان غربی و وضعیت اسفبار بهداشت فردی و محیطی در هنگام بروز برخی بیماری‌های فراگیر همانند وبا، طاعون، مالاریا و... را بیان می‌کنند. نویسندگان بر این باورند که نظم در حال دگرگونی و آشفته پزشکی و کلیت طب سنتی ایران به نحوی نبود که بتواند مردم فلاکت‌زده را از این بحران نجات بدهد و همچنین به دلیل عدم وجود یک نظام بهداشتی-درمانی جامع، از پیشگیری ویروس و درمان سریع مبتلایان عاجز می‌ماند و سرانجام شاهد نوعی قتل عام و فلاکت ملی حداقل برای یک دوره ۳۵ ساله (۱۳۱۰-۱۲۷۵ قمری) بر جای می‌گذاشت. مؤلفان، هدف این مقاله از توصیف و مرور وضع سلامت و بهداشت را نشان دادن ضعف حاکمیت و ضعف بنیه قاجارها در مدیریت و جلوگیری از گسترش بحران‌های فراگیر علی‌الخصوص به مخاطرات بهداشتی و اپیدمی فراگیر می‌دانند که بر تحولات جامعه ایران پس از خود مؤثر بوده و در تکوین مناسبات دولت - جامعه و صورت‌بندی حکمرانی و دولت‌های مدرن پس از خود، نقش ایفا نموده است.

## ۲۷. گفتگوی بین ادیان و کرونا: فرصت‌ها و ظرفیت‌های تبلیغی اسلام

دکتر محمدحسین شعاعی در این یادداشت بر این باور است که جهان امروز که مشحون از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی شده است را می‌توان بر اساس اهمیت‌یابی فرهنگ و ارتباطات، جهانی گفتگویی تعریف کرد. تکوین حوزه مطالعاتی میان‌رشته‌ای گفتگو در عالم اندیشه که کاربست‌های مختلفی در نظام سیاست‌گذاری داشته است، به سرعت گونه‌های مختلف موضوعی را به ارمغان آورده است. یکی از مهم‌ترین این گونه‌ها، گفتگوی

بین ادیان است که بیش‌وکم هم‌زمان با اهمیّت یافتن نقش دین در عرصه فردی و اجتماعی و شاید جریانی که بتوان نام تجدید حیات دینی نامید، مورد توجّه نخبگان فکری و مسئولان اجرایی واقع شد. وجود گونه‌هایی بالغ بر ۱۶۰ مورد در عرصه گفتگوی بین ادیان هم نشان از نقش مؤثر دین در دنیای کنونی و هم ظرفیّت بالای آن در موضوع تبلیغ دارد. عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام در این پژوهش، بر اساس و مبتنی بر مفهوم‌شناسی گفتگو و گفتگوی بین ادیان در پی آنست تا با مروری بر ریشه‌شناسی تبلیغ در اسلام، امکان استفاده از ظرفیّت گفتگوی بین ادیان برای تبلیغ اسلامی را تائید کند. وی در ادامه، با تمرکز بر موضوع کرونا که اکنون تقریباً همه کشورهای جهان را در حوزه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی تحت تأثیر قرار داده است و چه بسا از اساس نظامی نوین را عرصه بین‌المللی طرح کند، تلاش می‌کند تا کاربریست‌های گفتگوی بین ادیان در این زمینه را تبیین و تحلیل کند. کاربریست‌های عملیاتی در طراحی حداقل سه گونه گفتگوی بین ادیان با محوریت موضوعی کرونا در قالب‌های عقاید، اخلاق و احکام نشان از آن دارد که در صورت پی‌جویی دقیق مفهومی حوزه مطالعات گفتگوی بین ادیان و ارتباطات میان فرهنگی از سویی و معارف اسلامی از سویی دیگر، می‌توان به‌خوبی مسیر تبلیغ اسلام در این دوران را ترسیم و به موفقیت اهداف آن در رساندن پیام الهی بسی امیدوار شد.

## ۲۸. ناکارآفرینی در فضای مجازی: در دوره آزمون کرونا و پس از آن

رضا بنی‌اسد و آقای مهدی باقری میبیدی در این یادداشت بر این باورند که هر فرصتی و هر تهدیدی سکه‌ای دو رو است ممکن است یک فرصت، دنیوی باشد اما فرصتی اخروی نباشد و همین‌طور برای تهدید هم این امر صادق است. به باور نویسندگان، به مجموعه‌ای از سخت‌افزارها، نرم‌افزارها،

شبکه‌ها، ارتباطات، محتوای دیجیتال، مغزافزارها و فرایندهای مبتنی بر فناوری دیجیتال فضای مجازی گفته می‌شود. عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام و دانش‌آموخته مدیریت در ادامه می‌نویسند: در کارآفرینی فضای مجازی ممکن است هر یک از این مجموعه‌ها در مسیر اخلاقی، شرعی، قانونی و غیرمجرمانه به کار گرفته شده یا ممکن است در مسیر غیراخلاقی، غیرشرعی و غیرقانونی یا مجرمانه بهره‌برداری شوند. ناکارآفرینی در فضای مجازی به جنبه‌های مجرمانه، مبتنی بر گناه و غیرقانونی در این فضا توجه دارد که در صورت رخداد و تقویت آن منجر به آسیب‌رسانی به شبکه کارآفرینی شرافتمندانه شده و توازن اکوسیستم کارآفرینی را با اختلال مواجه می‌کند. در واقع کارآفرینان جرائم سایبری، هر آنچه برای یک حکومت و جامعه به‌نوعی تهدید است را فرصت برای خود تلقی کرده و با سازمان‌دهی جرائم و گناهان به خلق مصادیق مختلف کارآفرینی‌های مجرمانه می‌کنند. گاهی اوقات کارآفرینی‌های تأسیسی بر اساس یک جرم یا گناه کبیره خلق شده و گاهی اوقات در درون یک کارآفرینی قانونی و رسمی خطاهایی رخ می‌دهد. کرونا با وجود اینکه تهدیداتی را برای برخی از کسب‌وکارهای فضای مجازی بوجود آورده است اما برای برخی هم فرصت‌آفرین بوده است. حال که برای برخی از کسب‌وکارهای فضای مجازی فرصت‌هایی پیش آمده است و شرایط را برای کارآفرینی مهیا کرده است لازم است که برخی از ناکارآفرینی‌ها که موجب خسران ابدی می‌شود را تبیین کرد. بنابراین، ایشان در این پژوهش، با بررسی مصادیقی از انواع ناکارآفرینی، جنبه‌هایی از غیرقانونی و غیرشرعی بودن آن را در فضای مجازی تشریح می‌کنند.

## ۲۹. نقش تکافل اجتماعی در رفع محرومیت

دکتر فرزاد جهان‌بین در یادداشت خود با اشاره به ویروس کرونا موضوع تکافل اجتماعی را مدنظر قرار داده‌اند؛ بدین معنا که رفع محرومیت‌ها فقط با تأمین از سوی دولت میسر نشده، بلکه تمامی افراد جامعه بایستی احساس مسئولیت نموده و در این زمینه اقدام کنند. در ادامه عضو هیأت علمی دانشگاه شاهد، احادیثی از ائمه معصومین علیهم‌السلام مطرح و بدین روش بر موضوع تکافل اجتماعی تأکید می‌ورزند.

### ۳۰. تحولات اجتماعی دوره کرونا و حیات خانگی

محمدرضا زهرایی دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی، در این یادداشت با صورت‌بندی مفهوم «حیات خانگی» ارزش‌های مبتنی بر گفتمان «در خانه می‌مانیم» در دوران همه‌گیری ویروس کرونا و تحولات اجتماعی متأثر از آن را توضیح می‌دهد. از نظر نویسنده، ارزش در حیات خانگی، خانواده است و تحصیل و کار مبتنی بر این ارزش‌گذاری متحول می‌شود. به نظر می‌رسد با وجود خصلت فرهنگی کار جدید در خانه، روابط مبتنی بر فضای مجازی و زیرساخت‌های دیجیتال در حیات خانگی در دوران کرونا، تحولات اجتماعی خصلتی زنانه می‌یابد و نیروی اجتماعی زنان، سهم زیادی در تحولات اجتماعی این دوران خواهند داشت. بعد از انقلاب اسلامی در سال ۵۷ در ایران، زنان با سازکار ترکیبی شیوه‌های فرهنگی، سهم بالای تحصیلات عالی و تولید محصولات فرهنگی را به دست آورده‌اند. مسائل عمده نابرابری در دسترسی به فناوری‌های دیجیتال و سواد رسانه‌ای است که نیازمند مداخله دولت است. ویژگی‌های جامعه ایرانی همچون تعامل، تکافل و همیاری، بسیاری از آسیب‌های دوران گذار تحولات کرونا را کاهش خواهد داد.

### ۳۱. تحولات اجتماعی و سبک زندگی عصر کروناها



آقای محمدرضا زهرائی در مقاله خود به موضوع سبک‌زندگی در زمان کرونا می‌پردازد، این سبک زندگی متأثر از ارزش‌های مقابله با واگیری کروناست ارزش‌های کرونایی مجموعه دستورالعمل‌های مقابله با بیماری و از جنس ارزش‌های حفظ بقاست که دارای مؤلفه‌هایی همچون در خانه ماندن و کاهش تماس‌های حضوری با دیگران است همچنین تحول در مفهوم کار، از کار یدی به کار مبتنی بر اینترنت در همه حوزه‌های مختلف، سرعت بیشتری گرفته و حتی نیازهای معنوی بشر نیز نیازمند بازسازی است؛ بنابراین، آگاهی انسان‌ها به این معنا که حفظ زندگی خود را وابسته به سلامت دیگران می‌بینند و مسئولیت اجتماعی را بهتر لمس می‌کنند رو به فزونی است. در ادامه دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی، با اشاره به تغییرات بسیار زیاد فرهنگی و اجتماعی کرونا، اقتصاد را بحران‌زده می‌بیند و این مهم می‌تواند جایگاه ملت‌ها و کشورها را تغییر داده و مناسبات قدرت را دگرگون کند.

### ۳۲. باید به آغوش خانواده برگردیم!

خانم فاطمه رایگانی به بررسی یکی از آفت‌های کرونا که همانا معضلات خانوادگی در پی همه‌گیری و خانه‌نشینی اجباری خانواده‌ها است می‌پردازد ایشان بر این باور است که بحران جهانی خانواده محصول فروپاشی نه چندان پنهانی است که از چندین دهه قبل آغاز شده و اکنون فرصت بروز بیشتری یافته است. دانشجوی دکترای فلسفه محض در بخش دیگری از مطلب خود به بررسی ریشه این بحران پرداخته و این فرضیه را که بحران‌های خانگی، هزینه انسان عصر حاضر برای مدرن شدن است و برای ساخت تمدن جدید، نیاز به خروج از بافت سنتی که یکی از مصادیق آن خانواده است را به کلی رد نموده است. وی در ادامه به نگاه متفاوت انقلاب اسلامی ایران به مثابه

احیاگر زیست جهانی دینی در عصر مدرن، نسبت به خانواده می‌پردازد و به این نکته اشاره می‌کند که اگر همه عناصر خانواده به بهترین نحو در جای خود ایفای نقش کنند، هیچ شرایطی نمی‌تواند بنیان چنین خانواده‌ای را به‌چالش بکشد. ایشان در بخش پایانی، با اشاره به کارکردهای خانواده و نقش آن در مدیریت بحران پس از بیان نمونه‌هایی از این موضوع اذعان می‌کند که مدیریت بحران کرونا در کشورهایی بیشتر محقق شد که نهاد خانواده در آن استحکام بیشتری داشته است.

### ۳۳. با کرونا به خانه بر می‌گردیم!

آقای محمدرضا آرام به جنبه‌های مثبت ویروس کرونا پرداخته و مهمترین آن را در خانه‌بودن می‌داند و به این موضوع اشاره می‌کند که وقتی محیط خانه شاد و سرگرم‌کننده باشد جایی برای ترس از آلوده شدن به ویروس کرونا یا ویروس‌های فضای مجازی وجود ندارد. در ادامه پژوهشگر حلقه سیاست خانواده مرکز رشد به این مهم دامن می‌زند که فضای خانه در صورتی که سرشار از عشق، شادی، معرفت و معنویت باشد دیگر اعضای خانواده درگیر آفت‌های بیرون از منزل نمی‌شوند. وی در ادامه به تبیین بیشتر این موضوع می‌پردازد.

### ۳۴. صله رحم را بیشتر کنیم!

آقای محمدرضا آرام این بار سراغ یکی از مشکلات کرونا رفته و موضوع صله‌رحم را مطرح نموده است. این که در حال حاضر با توجه به شیوع ویروس کرونا امکان دیدوبازدید و اجتماعات سخت‌تر شده اما وجوب این مهم به همراه تأکید ائمه معصومین علیهم السلام بر این موضوع در شرایط ویژه‌ای که افراد از اجتماعات پرهیز می‌کنند، اهمیت صله‌رحم را دوچندان نموده است، چرا که اساساً صله‌رحم به معنای تأمین نیاز یا رفع مشکلات مادی و

غیرمادی ارحام است، در حقیقت مؤسسات و کمک‌رسانی به خویشاوندان است. در ادامه وی نتیجه گره‌های موجود در زندگی امروز را بی‌توجهی به ارحام می‌داند و به تشریح این موضوع می‌پردازد. این پژوهشگر سرانجام شرایط کرونایی را فرصتی برای رسیدگی بیشتر به خانواده و ارحام برمی‌شمارد و برای آن مصادیقی نیز ذکر می‌کند.

### ۳۵. ارتباطات کرونایی: موقعیت‌یابی تقاطع غیرهم‌سطح ارتباطات سلامت، ارتباطات بحران، کرونا و هم‌دردی رسانه‌ها

آقای داوود طالقانی یادداشت خود را به چهاربخش تقسیم می‌کند: در بخش اول به موضوع ارتباطات بحران پرداخته و آن را شاخه‌ای جدید از مطالعات رسانه بر شمرده است. وی دو رویکرد اصلی برای آن مد نظر قرار داده است؛ اول، چگونگی مقابله با بحران‌ها و مخاطرات بوسیله رسانه‌های جمعی که از طریق آموزش، خبر و بسیج منابع انسانی خواهد بود. رویکرد دوم، تعاملات اجتماعی و ارتباطات میان‌فردی و روابط عمومی را مد نظر قرار داده تا بحران‌ها نتوانند مانع آسیب‌رسانی به آن‌ها شوند. در پایان بخش اول مهم‌ترین رسالت رسانه‌ها در حیطه ارتباطات بحران را کرونازدایی از محیط و آگاهی جمعی معرفی می‌کند. پژوهشگر حوزه فرهنگ و ارتباطات در بخش دوم به ارتباطات سلامت می‌پردازد و در آن اشاره می‌کند که برساختی دوگانه از مبتلایان کرونایی وجود دارد که ارتباطات سلامت برای درک بهتر آن کمک می‌کند. وی در بخش سوم یادداشت خود به تشریح سؤال‌های مطرح‌شده در خصوص علت این بیماری می‌پردازد و سرانجام این نکته را ابراز می‌دارد که خصلت ویروس‌گونه بیماری‌های جدید این سؤال‌ها را بی‌معنا کرده است. وی در آخرین بخش این نکته را گوشزد می‌کند که رسانه‌ها از مخاطبان در برابر اخبار بحرانی، انتظار هم‌دردی با آسیب‌دیدگان و ابراز واکنش

نسبت به آن را دارند، اما نویسنده؛ این واکنش را چندان اخلاقی نمی‌داند و به بیان مطالبی از نظریه‌پرداز آمریکایی در این زمینه اشاره می‌کند. بخش چهارم، در ۶ یادداشت و مقاله به بررسی تمدن و آینده‌نگری در دوران کرونا و پس از آن می‌پردازد:

### ۳۶. در جستجوی حکمرانی خدا در ماجرای کرونا: تحلیلی مبتنی بر روندپژوهی آیات این زمانه

دکتر محمد مهدی ذوالفقارزاده، سعی دارد تا به این سؤال قانونی پاسخ دهد که به مثابه یک انسان «موحد شیعه» از چه منظری باید به پدیده کرونا نگریست؟ قبل و بعد این پدیده را چگونه باید تحلیل کرد تا دست خدا و رد حکمرانی او را در آن متوجه شد؟ به هر حال پدیده کرونا، به پدیده‌ای فراگیر و جهانی تبدیل شده است و در این سطح وسیع، آیا اثری از مداخله خدا و حاکمیت او قابل ردیابی است یا خیر؟ اگر پاسخ منفی باشد، پس نگاه توحیدی در حکمرانی خدا در عالم چه می‌شود و اگر پاسخ مثبت باشد، کیفیت پاسخ و شیوه نگرش اهمیت مضاعف می‌یابد. پاسخ نویسنده این نوشتار، به این سؤال مثبت است، لذا تلاش می‌کند تا بر اساس مبانی و بنیادهای مستحکم قرآنی، کیفیت پاسخ به سؤال‌های فوق را مشخص کند. با این پیش‌فرض که بر خلاف تحلیل‌های رایج دینی، کرونا را مصداق عذاب الهی نمی‌داند، بلکه آن را فتنه و مکر از جانب دشمنان بشریت قلمداد می‌کند. هر چند ممکن است دست‌ساز بودن و ماهیت فتنه‌گون آن در شرایط فعلی، محل شک و تردید باشد و در آینده چون و چند آن مشخص گردد، اما قطعاً از مکر دشمنان در بعد از ورود این ویروس به ایران و جنگ هیبریدی گسترده‌ای که علیه نظام اسلامی شکل گرفت، نمی‌توان غافل شد. عضو هیأت علمی دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، بر این نظر است که این

مکر، از سوی خداوند بی‌پاسخ نماند و به‌نوعی با حکمرانی و تدبیر او از طریق امام و ولی حقیقی عالم، به نحوی زیبا و مقتدرانه مدیریت شد. این نظر، از مبانی قرآنی مستحکمی همچون «نگرش و آینده‌نگری آیاتی» بهره‌مند است و البته به‌صورت نقطه‌ای به پدیده کرونا نمی‌نگرد، بلکه آن را در پیوستار و نظام برنامه‌های خدا از منظر آیات این زمانه، معنا و تحلیل می‌کند؛ موضوعی که ذیل «روندپژوهی آیات این زمانه» و در کنار پلکان آیات دیگری چون انقلاب اسلامی ایران، جنگ ۳۳ روزه، اربعین‌های جدید مورد بحث قرار گرفته است و البته مدیریت و حکمرانی خدا در کرونا، در پله بالاتری از پله‌های قبلی است. اگر نگاه این مقاله و تحلیلی که از شناخت حکمرانی خدا از طریق آیات این زمانه در آن ارائه شده است، درست باشد؛ پیامد رفتاری بسیار بنیادینی را در نظام‌های گوناگون علمی، هنری و حکمرانی ما در بر خواهد داشت.

### ۳۷. جهان پیش‌رو و بدیل‌های ممکن: تحلیل چهار سناریو برای آینده

#### سیاست جهانی

دکتر روح‌الامین سعیدی در این یادداشت به بررسی و تحلیل چهار سناریوی مطرح درباره آینده سیاست جهانی پرداخته است؛ وی پس از پاسخ به این سؤال که آیا اساساً پیش‌بینی قطعی آینده در دانش روابط بین‌الملل امکان‌پذیر است یا خیر، چهار سناریوی جهان جهانی شده، جهان نهادهای لیبرال، جهان در آشوب و جهان واقع‌گرا را مورد بحث قرار داده و در پایان هر سناریو، چشم‌انداز تحقق آن را بویژه در برهه پساکرونا ارزیابی کرده است. عضو هیأت علمی گروه روابط بین‌الملل دانشگاه امام صادق علیه‌السلام در پایان می‌نویسد: «به نظر می‌رسد جهان آینده که در معرض تحوّل سیاست جهانی و گذار به نظامی نوین و تغییر الگوهای اقتدار، هویت و توزیع قدرت

قرار دارد، جهانی آمیخته با پیچیدگی و بی‌ثباتی است و لذا بسیار غیرقابل پیش‌بینی خواهد بود. می‌توان گفت سیاست جهانی به‌طور تناقض‌آمیزی یک نظام پیچیدگی سازمان‌یافته است، یعنی در عین سازمان‌یافتگی، پیچیدگی و ابهام دارد و در چنین نظامی متأسفانه سرنوشت میلیون‌ها انسان را تصمیم‌شمار اندکی از رهبران سیاسی تعیین می‌کند».

### ۳۸. کرونا و جهانی‌سازی

دکتر محمدعلی رامین در یادداشت خود، یک متهم اصلی در جنایت علیه بشریت را لابی صهیونیست‌ها برمی‌شمارد که با ابزار گوناگون و قدرت‌مندی که در اختیار دارند به آزمایش این بحران بر مردم جهان روی آورده‌اند. ایشان در ادامه به موضوع ورشکستگی اقتصادی آمریکا اشاره می‌کند و ضربه‌ی کرونا به اقتصاد جهان را برنامه‌ریزی دقیق و گسترده سرمایه‌سالاران صهیونیستی برای همراهی با ورشکستگی آمریکا می‌داند. البته همه چیز به اراده برنامه‌ریزان آن‌ها به پیش نمی‌رود و سه مؤلفه رفاه، آزادی و امنیت که آمریکا با آن به قدرت جهانی رسیده است با چالش جدی روبه‌رو شده است و کرونا رابطه آمریکا با دنیا و کشورهای مستعمره خودش را متزلزل نموده است. به باور ایشان در بعد سیاسی، نوع نگاه جهانیان به حکومت و حاکمیت تغییر کرده و بشر دوباره به معنویت روی آورده است؛ لذا خلأ برنامه و طرحی برای مدیریت شرایط و هدایت جامعه جهانی نسبت به گرایش به اسلام به شدت امروزه حس می‌شود. در بخش دیگری از این یادداشت پژوهشگر به بررسی دنیای بعد از کرونا پرداخته و به بازسازی نهاد خانواده در جهان اشاره می‌کند. بررسی جهانی شدن؛ متفاوت از آنچه استکبار به دنبال آن بوده، پایان‌بخش مطلب وی است و آن‌طور که ایشان اظهار می‌دارد نظم نوینی مبتنی بر انسانی الهی، خداجو، متعهد و مسئولیت‌پذیر در حال

شکل‌گیری است و ان‌شاءالله مقدمات ظهور را فراهم خواهد کرد.

### ۳۹. دنیای پسا کرونا، تکرار تاریخ یا رخدادی نو در نظم جهانی؛ آمریکا

#### در راه افول یا طلوع دوباره؟

دکتر محمدمهدی تهرانی در یادداشت خود در ابتدا به تبیین این مطلب می‌پردازد که آمریکا پس از جنگ جهانی دوم به پیشرفت‌های اقتصادی و سیاسی گسترده‌ای رسید که پس از چند دهه دچار فرسایش مستمر بنیان علمی و مهندسی شد، چیزی که تاکنون منشأ نوآوری در آمریکا و ارتقاءدهنده استانداردهای زندگی بوده است. در ادامه عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی اظهار می‌دارد که با تکیه بر پیش‌بینی سیاست‌مداران علم آمریکا پس از یک دهه ابتلا به بیماری فراگیر و یا حمله زیست‌شناسانه از احتمال به واقعیت مبدل شد و دقیقاً در چارچوب جدالی بین چین و آمریکا، دو رقیب جدی در حوزه علم و فناوری در روزهایی که آمریکا در مسیر افول است و چین در راه صعود. در بخش دیگری از این یادداشت دکتر تهرانی دو سناریوی ادامه این روند را بیان نموده و سرانجام به این نکته اشاره می‌کند که صریحاً باید گفت نظریه جهانی‌سازی آمریکایی و مدیریت جهانی یکپارچه ایالات متحده را باید خاتمه یافته دانست.

#### ۴۰. امکان استفاده از فرصت‌های استثنایی در جامعه جهانی

دکتر حمیدرضا آیت‌اللهی به موضوع جهانی شدن پرداخته و اشاره می‌کند که در شرایط کرونایی جهان، این زنجیره و شبکه نفوذ از کار افتاده است. ایشان در ادامه به تبیین این موضوع پرداخته و به این نکته مهم اشاره می‌کند که شرایط پس از کرونا و گسست جهانی‌سازی بهترین موقعیت را در عرصه بین‌الملل برای کسانی که بتوانند به پی‌ریزی سیستم‌های خودشان با ارزش‌های خاص و متفاوت نسبت به قبل برپا کنند را ایجاد نموده است و

این موضوع برای انقلاب اسلامی یک شرایط استثنایی را برای گسترش ارزش‌های متعالی فراهم نموده است.

#### ۴۱. تحلیل گفتمان ظهور بیماری‌های عفونی نوپدید

آقای علیرضا نصر اصفهانی می‌نویسد: این یادداشت، به کاربرد روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها و تحلیل گفتمان برای موضوع شیوع بیماری‌ها عفونی نوپدید می‌پردازد. در تحلیل لایه‌ای به صداهایی که کمتر شنیده و به آنها کمتر توجه شده، به جهان‌بینی‌ها و استعاره‌های بنیادی هر مسئله تمرکز خواهد شد، در حالی اکثر تحلیل‌های مرسوم مبتنی بر سطح لیتانی و ساختارهای اجتماعی مسئله هستند تحلیل لایه‌ای چهارچوبی عمل‌گرا ایجاد می‌کند تا پویایی‌ها گسترش بیماری‌های واگیردار در جوامع پیچیده با چند میزبان بهتر فهمیده شود. در این نوشتار بر این موضوع تأکید شده است که تحلیل لایه‌ای علت‌ها به متخصصان اپیدمیولوژیست کمک می‌کند تا تفکر خود را درباره بیماری واگیردار به‌طور کلی و درباره پیدایش ویروس نیپا گسترش دهند و از نگاه فنی زیست‌پزشکی که فقط به دنبال معالجه بیماری‌ها با داروها هستند، رهایی پیدا کنند.

همکاری استادان گرامی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام در تهیه و تنظیم این مجموعه ستودنی است. تشکر از همه عزیزان، بویژه ریاست محترم دانشگاه، حجة الاسلام دکتر حسینعلی سعدی، بر ما واجب است. جای دارد از معاون محترم پژوهشی دانشگاه، دکتر سید مجتبی امامی و همکاران ایشان، دکتر محمد نعمتی، آقای رضا دیبا که زمینه نشر جهادی این کتاب را فراهم کردند، سپاس‌گزاری کرد. همچنین از آقای مهدی باقری مبینی هم که با تلاش جهادگونه در نگارش خلاصه‌های مقاله‌ها و یادداشت‌ها و در تصحیح برخی از مقالات به این مجموعه کمک کردند تشکر می‌ماند. آقای محمد



روشنی که طرح جلد را زحمت کشیدند و همچنین استاد عزیز آقای روشن‌ضمیر که در معادل زیبای انگلیسی کتاب به ما یاری رساندند، تشکر کرد. همچنین تشکر از آقای دکتر احمد توانایی را نباید از یاد برد؛ زیرا وی با روحیه‌ای جهادی، ویراستاری ادبی کتاب را با صبر و متانت بر عهده گرفتند و متن پیش‌رو را به زیور زیبایی‌های زبان و میراث کهن فارسی آراستند. مثل هر کاری، این مجموعه هم مدیون زحمات‌های پنهان افراد گمنامی است که شاید هرگز شناخته نشوند، ان شاء الله همه نزد خداوند احد و واحد مأجور باشند.

تردیدی نیست که همیشه برای هر پژوهش علوم اجتماعی، نسخه‌ای جدیدتر و به‌روزتر وجود خواهد داشت، حتی اگر نویسندگان پیشین بخواهند دوباره آن را بنویسند. زمانی نیاز به به‌روز بودن بیشتر احساس می‌شود که تخصص‌های مختلف حوزه‌های علوم به آن پژوهش نظاره کنند. بنابراین، این مجموعه هم ممکن است دارای خطاها و نواقصی باشد؛ در هر صورت مایه تشکر و قدردانی است که مخاطبان عزیز ما را برای بهبود نسخه‌های آتی یاری رسانند. پل ارتباطی ما از طریق رایانامه‌های استادان گرامی، شبکه‌های اجتماعی و همچنین وبسایت دانشگاه امام صادق علیه‌السلام خواهد بود.

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

محمد‌هادی همایون، رضا بنی‌اسد

خردادماه ۱۳۹۹

بخش اوّل: مدیریت و حکمرانی



# ۱. مسئولیت‌های اقتصادی دولت در شرایط کرونا:

## سیاست‌های پولی و مالی

سیدعباس موسویان

بعد از شیوع ویروس کرونا در جهان، دغدغه اصلی دولت‌ها و نهادهای اجتماعی و مردمی، مبارزه با فراگیر شدن ویروس، معالجه و درمان بیماران مبتلا به ویروس بود، اما در کنار این، دغدغه دیگری از همان روزهای نخست مطرح و به تدریج به یک چالش اساسی تبدیل شد و آن پیامدهای اقتصادی کرونا؛ اعم از بیکاری، کاهش تولید، کاهش درآمد و کاهش قیمت نفت و فرآورده‌های نفتی برای کشورهای صادرکننده نفت مثل ایران بود.

با استمرار ویروس کرونا و طولانی‌تر شدن کشف واکسن و داروی معالجه بیماری ناشی از ویروس، تضادی بین دغدغه‌های سلامت و اقتصاد بوجود آمد به‌طوری که حتی برخی کشورهای ثروتمند و صنعتی جهان، علی‌رغم آمارهای بالای ابتلا و مرگ و میر روزانه، مجبور به بازگشایی تدریجی مشاغل

---

۱. استاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی/ مدیر گروه معارف اسلامی و مدیریت مالی/ دانشگاه امام صادق علیه‌السلام/ تاریخ نگارش: اردی‌بهشت‌ماه ۱۳۹۹.

شدند. چرا که کاملاً متوجه هستند استمرار بلندمدت تعطیلی بنگاه‌ها و فعالیت‌های اقتصادی، آثار اقتصادی و اجتماعی به‌مراتب شدیدتر از بیماری کرونا را به همراه خواهد داشت.

کشور ایران نیز از این پدیده جهانی مستثنی نیست، تأکید رهبران دینی و مدیران ارشد نظام به‌ویژه مقام معظم رهبری بر اهتمام کامل به سلامت مردم و همسویی عملی نهادهای دینی و مردمی در تعطیلی مساجد، مشاهد مشرقه، هیئت‌های مذهبی به‌ویژه در ماه مبارک رمضان و اهتمام کادر درمانی کشور در مهار ویروس و مداوای بیماران که الحمدلله در مقایسه با عملکرد جهانی، هم در مهار بیماری و هم در معالجه خوش درخشیدند، حاکی از این است که ایران نیز همانند دنیا، بلکه بیشتر از آن دغدغه سلامت مردم را دارد. در کنار این دغدغه، به‌تدریج با مشکلات اقتصادی مواجه هستیم که بایستی سریع معالجه شوند وگرنه ممکن است تبدیل به معضلات اجتماعی حتی امنیتی بشوند. بنابراین، به نظر می‌رسد دولت موظف است با تدابیر سیاست‌های مالی و پولی مناسب مشکلات اقتصادی را کاهش داده یا از بین ببرد یا تبدیل به فرصت کند.

### ۱. تدبیر همگانی

قبل از بیان مصادیق سیاست‌های مالی و پولی، بیان این نکته لازم است که بایستی از این مرحله به بعد که الحمدلله شیوع ویروس در ایران تا حدودی کنترل شده است، ستاد ملی مبارزه با کرونا در تمام تصمیم‌گیری‌هایش به پیوست اقتصادی توجه داشته باشد به این بیان که توجه کنند؛ هر تصمیمی چه بازتاب اقتصادی در سطح خرد و کلان اقتصادی دارد، بنابراین در عین رعایت اصول بهداشتی، اصل اولی حمایت از اقتصاد ملی باشد و این به همه ارکان تصمیم‌گیری حاکمیت، اعم از قوای سه‌گانه (مجریه، مقننه و

قضائیه)، نیروهای نظامی و انتظامی، صدا و سیما، گسترش یابد و از طریق رسانه ملی به جامعه منتقل شده و تبدیل به یک انتظار و مطالبه همگانی گردد.

## ۲. سیاست‌های مالی

۲-۱. تسهیل کسب‌وکارهای مرتبط با بهداشت و درمان با رویکرد ویروس کرونا دولت بایستی با فوریت، زمینه‌های اشتغال در عرصه‌های مختلف بهداشت و درمان را فراهم نموده و همه موانع پیش‌رو را با سرعت البته با دقت بردارد، این سیاست‌ها می‌تواند مربوط به تسهیل صدور مجوزهای احداث، تغییر کاربری و معافیت موقت مالیاتی تا اعطای مشوق‌های نقدی، اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه یا تسهیلات انتفاعی با سود پایین، تقبل بخشی از سود بانکی توسط دولت و بخشودگی جرایم جزئی و ... باشد.

اعمال این سیاست ضمن تقویت صنعت ایمن‌سازی در کشور و ایجاد ارزش‌افزوده از محل تولید و صادرات محصولات این صنعت می‌تواند به فعالیت‌های اقتصادی کمک کند، این سیاست در همه عرصه‌ها به موازات می‌تواند شروع شود از تولید انبوه انواع ماسک و لباس بیمارستانی گرفته تا تولید کیت‌های تشخیص بیماری، تولید دستگاه‌های تنفس اکسیژن تا سایر تجهیزات پزشکی و کمک پزشکی، حتی صدور دانش فنی و پزشکی تا تأسیس بیمارستان‌های صحرایی کامل در شهرهای مرزی جهت مداوای همسایگان.

با توجه به ظرفیت‌های بالای پزشکی در ایران از یک‌سو و شرایط تحریمی اقتصاد ایران و معافیت محصولات مرتبط با بهداشت و درمان از سوی دیگر، انتظار می‌رود صادرات این کالاها و خدمات می‌تواند بخشی از تحریم‌های اقتصادی را خنثی کند و تبدیل به فرصت مناسبی برای ارزآوری شود.

## ۲-۲. تسهیل کسب‌وکارهای مرتبط با بخش کشاورزی

شیوع بیماری ناشی از ویروس کرونا، باعث افت تولید در سطح بین‌الملل از جمله تولید محصولات کشاورزی شده است بر این اساس برخی کشورهای تولیدکننده محصولات کشاورزی از الآن به فکر ایجاد محدودیت در صادرات محصولات کشاورزی و دام و طیور افتاده‌اند برای مثال دولت روسیه در اوایل همین ماه کاهش صادرات هفت میلیون تن غلات را تصویب کرد. این محدودیت‌ها که برای حفاظت از بازار داخلی مواد غذایی ایجاد شده مربوط به غلات ضروری مثل گندم، چاودار، جو و ذرت می‌شود. از آنجایی که روسیه بزرگ‌ترین صادرکننده گندم در جهان است، محدودیت‌های اعمال شده در بحبوحه شیوع ویروس کرونا نگرانی‌هایی به وجود آورده است.

این در حالی است که در ایران، بارندگی‌های مناسب دو سال اخیر شرایط را برای جهش در سطح کشت محصولات کشاورزی با اولویت محصولات راهبردی (گندم، ذرت، دانه‌های روغنی و ...) فراهم کرده است. تصمیمات فوری و مناسب دولت در فراهم کردن کسب‌وکارهای مرتبط با بخش کشاورزی از قبیل؛ اعطای مجوزهای کشت، اعطای مشوق‌های نقدی، اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه یا انتفاعی با سود کم به کشاورزان و شرکت‌های دانش‌بنیان فعال در حوزه کشاورزی جهت افزایش فوری سطح کشت ابزار مهمی جهت مقابله با کمبود و گرانی محتمل داخلی و زمینه‌سازی برای صادرات محصولات بخش کشاورزی است که معمولاً معاف از تحریم هستند.

حتی استفاده از ظرفیت نیروهای مسلح جهت آبرسانی و تسطیح اراضی می‌تواند به تسهیل این فرایند کمک کند، کما اینکه می‌توان اراضی که در داخل پادگان‌ها یا مراکز دولتی به فضای سبز بدون محصول اختصاص دارند با تغییر کاربری زیر کشت محصولات راهبردی برد. در صورت اجرای این

سیاست، ایران می‌تواند، ضمن تأمین نیازهای غذایی خود، به صادرکننده جدی در محصولات غذایی تبدیل شود و بخشی از رکود خود را از این محل جبران کند.

همین مسئله را می‌توان در تولید گوشت قرمز و مرغ و ماهی به سرعت عملیاتی کرد از یک طرف با اعطای مجوزهای مناسب زمینه تولید را افزایش داد همزمان فعالیت‌های صنایع تبدیلی و طراحی انبارهای مناسب برای حفظ و نگهداری مواد غذایی را فراهم نمود تا افزون بر اشباع بازار داخل زمینه صادرات به کشورهای روسیه و کشورهای اروپایی، علی‌الخصوص کشورهای همسایه و مسلمان فراهم کرد.

### ۲-۳. تسهیل کسب‌وکارهای مرتبط با خدمات پالایشگاهی

هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم تحریم صادرات نفت ایران از یک‌سو و سقوط قیمت نفت از سوی دیگر، شرایطی به وجود آورده که پافشاری ایران بر صادرات نفت را بی‌معنی و غیراقتصادی کرده است. به نظر می‌رسد شرایط تاریخی برای ایران به وجود آمده که کشور را از وابستگی به خام فروشی نفت رها کنیم و آن توجه عمیق و برنامه‌ریزی درباره صادرات خدمات پالایشگاهی نفت است، به این بیان که یک مطالعه دقیق نشان می‌دهد که اکثر کشورهای همسایه ایران، واردکننده محصولات پالایشگاهی چون بنزین، گازوئیل، نفت سفید و قیر و ... هستند. ایران می‌تواند با انجام قراردادهایی، با کشورهای چون عراق، امارات، قطر، آذربایجان، ترکمنستان و ... نفت خام آن کشورها را گرفته و با انجام کارهای پالایشی روی آن‌ها به‌صورت محصولات پالایشگاهی به آن‌ها برگرداند و در مقابل بهای خدمات پالایشگاهی را به‌صورت ارزی دریافت کند، با این تدبیر اولاً؛ ظرفیت‌های خالی پالایشگاهی ایران به‌کار گرفته خواهد شد و در آینده می‌تواند توسعه



پیدا کند. ثانیاً در آینده می‌تواند ایران را از خام‌فروشی نفت رها کرده و به فروشنده فراورده‌های نفتی چون بنزین و گازوئیل تبدیل کند ثالثاً در شرایط تحریم می‌تواند ارزآوری خوبی برای ایران داشته باشد.

شایان ذکر است ایران می‌تواند همین کار را با کشورهای همسایه غیرنفتی مانند پاکستان، افغانستان و ترکیه هم بکند به بیان که برای مثال ایران نفت خام خریداری شده توسط ترکیه از روسیه را تحویل گرفته بعد از پالایش تحویل ترکیه داده و کارمزد دریافت کند. این روش به‌گونه‌ای خارج از قلمرو تحریم خرید و فروش نفت بوده و برای طرفین نیز ارزش‌افزوده خوبی می‌تواند داشته باشد.

### ۳. سیاست‌های پولی

تعطیلی بیش از سه ماه خیلی از مشاغل و استمرار تعطیلی برخی از آن‌ها برای ماه‌های آینده، درآمد همه صاحبان مشاغل آزاد غیر از کارمندان و حقوق‌بگیران ثابت دولت را با کاهش چشمگیر درآمد مواجه کرده است و این مشکل اگر تدبیر نشود افزون بر مشکلات تأمین هزینه‌های زندگی‌بخش مهمی از خانوارها، رکود بزرگی را می‌تواند به دنبال داشته باشد بر این اساس ضرورت دارد با توجه به ویژگی‌های اقتصاد ایران بویژه وجود نقدینگی بالا در دست گروه‌های خاص (غالباً غیر مولد) سیاست‌های پولی ذیل را به‌کار گیرد.

#### ۳-۱. حمایت مالی بلاعوض از دهک‌های پایین جامعه

گروهی از مردم به جهت شرایط کرونایی، درآمد خود را از دست داده‌اند و پس‌اندازی هم ندارند که از آن محل هزینه‌های خودشان را پوشش دهند و امکان بازپرداخت وام را هم ندارند. دولت و ملت اسلامی وظیفه دارند این گروه‌ها را تأمین مالی بلاعوض کنند. بر این اساس دولت موظف است افزون

بر فراهم کردن زمینه‌های لازم برای راه‌اندازی و هدایت صحیح کمک‌های مردمی، خود نیز با تخصیص منابع به کمک این گروه از مردم بیاید. محلّ تأمین منابع دولتی را در ادامه بیان می‌کنم.

### ۳-۲. اعطای وام قرض‌الحسنه برای دهک‌های پایین و متوسط جامعه

افزون بر کمک‌های بلاعوض لازم است مبالغی به‌صورت وام قرض‌الحسنه نیز بویژه برای دهک‌های متوسط جامعه پرداخت گردد تا بتوانند از محلّ درآمدهای آتی خود اقساط وام‌ها را بازپرداخت کنند. دولت می‌تواند از محلّ سپرده‌های خیرین یا سپرده‌های قرض‌الحسنه بانک‌ها و یا منابع خود دولت برای این کار اقدام کند.

### ۳-۳. اعطای وام قرض‌الحسنه برای مشاغل خرد و متوسط

افزون بر کمک‌های بلاعوض و قرض‌الحسنه که جهت تأمین هزینه‌های زندگی پرداخت می‌شود، لازم است دولت برای استمرار فعالیت‌های اقتصادی خرد و متوسط، منابع قابل توجهی را به‌صورت وام قرض‌الحسنه از محلّ سپرده‌های خیرین یا سپرده‌های قرض‌الحسنه بانک‌ها و یا منابع خود دولت برای این کار اختصاص دهد.

### ۳-۴. اعطای تسهیلات انتفاعی با سود کم برای مشاغل خرد و متوسط

از آنجا که منابع مورد نیاز برای تسهیلات قرض‌الحسنه به‌شدّت محدود است پیش‌بینی می‌شود که نمی‌توان همه نیازهای مالی بنگاه‌های اقتصادی خرد به‌ویژه متوسط را از طریق قرض‌الحسنه پوشش داد بر این اساس لازم است دولت با اتخاذ تدابیری در درجه نخست با تشویق بانک‌ها به اعطای تسهیلات انتفاعی با سود کم مشکل مالی این بنگاه‌ها را حل کند و در مرتبه بعد با تخصیص منابع دولتی و قبول بخشی از سود تسهیلات از بانک‌ها

بخواهد که تسهیلات انتفاعی با سود کم در اختیار این فعالان بگذارند.

### ۳-۵. اعطای تسهیلات انتفاعی بلندمدت برای بنگاه‌های بزرگ اقتصادی

روشن است که بنگاه‌های بزرگ اقتصادی افزون بر تولید انبوه باعث اشتغال بالا و درآمد برای افراد زیادی از جامعه می‌شوند این بنگاه‌ها گرچه مشکل پرداخت سود ندارند و پایین بود نرخ سود برایشان اولویت اول نیست، اما در شرایط خاص اقتصادی احتیاج به فرصت تنفس در پرداخت اقساط و کاهش مبلغ اقساط دارند بر این اساس لازم است دولت با اتخاذ تدابیر مناسب از بانک‌ها بخواهد که اولاً زمان‌بندی اقساط تسهیلات بانکی را افزایش دهند ثانیاً تا زمان برون‌رفت از مشکل فرصت تنفسی در اختیار بنگاه‌ها قرار بگیرد ثالثاً جرایم را تا زمانی که مشکل برطرف نشده ببخشند.

در این جهت بانک مرکزی می‌تواند با اعطای خط اعتباری به بانک‌ها، آن‌ها را در اعطای چنین تسهیلاتی کمک کند کما اینکه می‌تواند با اجازه شیوه تسهیلات دهی خاص که در آن سود تسهیلات به‌صورت ماهانه گرفته می‌شود، اما اصل تسهیلات در سررسید برای مثال پنج‌ساله تسویه می‌شود.

### ۴. محل تأمین منابع مالی دولتی

با توجه به شرایط اقتصادی ایران که در وضعیت رکود تورمی هستیم، محل تأمین منابع از اهمیت بالایی برخوردار است، چرا که هر افزایش جدید نقدینگی به‌ویژه نقدینگی ماندگار، موجب تورم بالا خواهد شد. بر این اساس پیشنهاد می‌شود منابع موردنیاز دولتی به ترتیب از محل‌های ذیل تأمین گردد.

#### ۴-۱. صرفه‌جویی در هزینه‌های غیرضرور

معمولاً کشورهای جهان سوم، از جمله ایران، در عین داشتن مشکلات

اقتصادی، در بخش هزینه‌های دولتی با دست و دلبازی فراوان و گاه افراط و اسراف رفتار می‌کنند، رعایت آموزه‌های اسلامی برای همیشه به‌ویژه در شرایط کنونی، اقتضا می‌کند دولت با بررسی مجدد بودجه سال ۱۳۹۹ آن گروه از هزینه‌هایی که ضرورتی ندارند یا از ضرورت پایینی برخوردار هستند را کاهش داده، به ایفای مسئولیت‌های اسلامی و ملی در حمایت از اقشار آسیب‌پذیر بپردازد.

#### ۴-۲. فروش سهام و اموال مازاد دولتی

دولت ایران به دلایل متعدد بیش از اندازه بزرگ است، سهام‌های زیادی از شرکت‌های بورسی و شرکت‌های غیربورسی زیادی دارد که بایستی طبق اصل ۴۴ واگذار کند، همین‌طور دارایی‌های مازاد زیادی بانک‌های دولتی و سایر مؤسسات دولتی مالک هستند که قابل واگذاری است. فروش این سهام‌ها و دارایی‌ها افزون بر اینکه دولت را توانمند در ایفای مسئولیت‌هایش می‌کند موجب افزایش نقدینگی در جامعه هم نمی‌شود.

#### ۴-۳. انتشار اوراق بهادار

دولت می‌تواند برای تأمین مالی نیازهای فوق‌الذکر، اقدام به انتشار انواع اوراق بهادار اسلامی (صکوک) نماید. اوراق اسناد خزانه اسلامی، اوراق سلف محصولات دولتی، اوراق اجاره، اوراق منفعت حتی اوراق تخفیفات مالیاتی منتشر کرده اولاً نقدینگی مازاد جامعه را جذب کند که خود کار خوبی است. ثانیاً منابع موردنیاز را برای ایفای مسئولیت‌های دولت فراهم می‌کند. البته روشن است که دولت با انتشار این اوراق زیر بار بدهی می‌رود که در آینده بایستی اصل و سود آن را بپردازد بر این اساس بایستی با مطالعه دقیق محل بازگشت اصل و سود اوراق را پیش‌بینی کند.

#### ۴-۴. استقراض از بانک مرکزی

گرچه استقراض از بانک مرکزی نزد اقتصاددانان همیشه با دید منفی تحلیل شده است چون زمینه‌ساز تورّم و کاهش ارزش پول ملی است، لکن به اعتراف غالب اقتصاددانان، در شرایط کنونی اگر با رعایت شرایطی، استقراض از بانک مرکزی صورت بگیرد، نه تنها اشکالی ندارد، بلکه مناسب و گاه ضرورت دارد. به همین جهت هم هست که می‌بینیم غالب کشورها برای برون‌رفت از شرایط بحران اقتصادی ناشی از کرونا اقدام به سیاست انبساط پولی از طریق استقراض از بانک مرکزی کرده‌اند. البته با توجّه به شرایط خاصّ ایران بایستی این استقراض از بانک مرکزی در حد ضرور و کوتاه‌مدت باشد و تصمیم بر این باشد که نقدینگی به‌تدریج با رفع علایم اقتصاد کرونایی به بانک مرکزی برگردد.

#### ۴-۵. اعمال سیاست انبساط پولی (خلق پول و افزایش نقدینگی) فوری با

##### محوریت جهش در پایه پولی

این انبساط باید از نظر کمی کافی باشد و از منظر کیفی به‌طور متوازن هم مشمول طرف عرضه و تولیدکنندگان و هم مشمول طرف تقاضا و با اولویت مصرف‌کنندگان آسیب‌پذیر شود.

به نظر می‌رسد با توجّه به عمق رکود، افزایش فوری ۴۰٪ در پایه پولی ضرورت دارد. اعمال سیاست نظارتی شدید (موقعیت اضطراری) جهت جلوگیری از ورود نقدینگی به بازار ارز و طلا و حتی سرمایه، می‌تواند به اثربخشی این سیاست کمک کند. این سیاست به قدری لازم است که عدم امکان نظارت نیز نمی‌تواند توجیه مناسبی برای عدم اعمال این سیاست باشد.

## ۲. تأمین مالی هزینه‌های مستقیم ناشی از شیوع بیماری کووید ۱۹

حسین حسن‌زاده سروستانی

### ۱. مقدمه

بیماری کروناویروس یا کووید ۱۹، ابتدا در ووهان چین فراگیر، و موجب مرگ بیماران زیادی شد. با توجه به تعاملات گسترده اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مردم و مقامات چینی با سایر کشورهای دنیا، انتظار همه‌گیری جهانی این بیماری دور از انتظار نبود. در ایران نیز در اواخر بهمن‌ماه ۱۳۹۸، مواردی از ابتلاء به این ویروس و فوت بر اثر آن، مشاهده شد. روزی‌به‌روز بر کشورهای که درگیر این بیماری می‌شدند، افزوده شد به‌طوری که امروز و بعد از گذشت

---

۱. استادیار گروه مدیریت مالی/ دانشکده معارف اسلامی و مدیریت/ دانشگاه امام صادق علیه السلام/  
رایانامه: h.hasanzadeh@isu.ac.ir / تاریخ نگارش: بیست و نهم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹.

2. Coronavirus disease  
3. COVID-19

تقریباً سه ماه<sup>۴</sup> از اعلام رسمی ابتلاء به این بیماری در ایران، ۲۱۶ کشور و منطقه، درگیر این بیماری هستند و آمار مبتلایان و قربانیان این بیماری در جهان و ایران به شرح (جدول ۱) است:

**جدول ۱: آمار قربانیان و مبتلایان به ویروس کرونا در ایران و جهان**

موارد ابتلای تأیید شده	موارد مرگ تأیید شده	
۴ میلیون و ۳۹۶ هزار و ۳۹۲ نفر	۳۰۰ هزار و ۴۴۱ نفر	جهان
۱۱۸ هزار و ۳۹۲ نفر	۶ هزار و ۹۳۷ نفر	ایران

شیوع این بیماری، هزینه‌های مختلفی را ایجاد کرده و می‌کند. این هزینه‌ها را می‌توان در یک دسته‌بندی کلی به هزینه‌های مستقیم و هزینه‌های غیرمستقیم تقسیم کرد.

هزینه‌های مستقیم را نیز می‌توان به دو دسته کلی هزینه‌های پیشگیری و هزینه‌های درمان تقسیم کرد. هزینه‌های پیشگیری عبارتند از هزینه‌های فرهنگ‌سازی، هزینه خرید و توزیع گان، عینک، ماسک، شیلد و مواد ضدعفونی و ... و هزینه‌های درمان، شامل هزینه خرید تجهیزات پزشکی شامل دستگاه‌های مانیتور، ونتیلاتور، پالس اکسی متر، تخت بیمارستانی و آی سی یو و الکتروشوک، هزینه‌های دارو، حقوق و مزایای کادر درمانی و پرستاری و ... می‌شود.

هزینه‌های غیرمستقیم نیز عمدتاً به بیکاری اشخاص حقیقی یا کاهش درآمد آنان و آسیب کسب‌وکارهای مختلف (دفاتر خدمات مسافرتی، گردشگری و زیارتی، حمل‌ونقل عمومی، مراکز تولید و توزیع غذاهای آماده، مراکز مربوط به گردشگری شامل هتل‌ها و ...، مراکز توزیع آجیل، خشکبار،

تأمین مالی هزینه‌های مستقیم ناشی از شیوع بیماری کووید ۱۹ □ ۸۳

قنّادی‌ها، باشگاه‌های ورزشی، مراکز تولید و توزیع صنایع دستی، مراکز فرهنگی، آموزشی، هنری و رسانه‌ای و ...) در نتیجه شیوع این بیماری مرتبط می‌شود.

در این نوشته، به بررسی تأمین مالی هزینه‌های مستقیم ناشی از شیوع بیماری کووید ۱۹ پرداخته می‌شود. برای این منظور ابتدا اقدامات قابل توجّه برخی اشخاص حقوقی و حقیقی جهت تأمین مالی هزینه‌های مذکور را بیان کرده و سپس پیشنهادهایی ارائه می‌شود:

## ۲. تأمین مالی هزینه‌های مستقیم ناشی از شیوع بیماری کووید ۱۹

برخی از مهم‌ترین اقدامات انجام شده و در حال انجام در زمینه تأمین مالی هزینه‌های مستقیم ناشی از شیوع بیماری کووید ۱۹ عبارت است از:

### ۲-۱. مردم خیر ایران

ادیان آسمانی و به‌ویژه دین مبین اسلام تأکید ویژه‌ای بر انجام امور خیریه به‌ویژه در شرایط سخت و بحرانی دارند. این موضوع با فرهنگ ایرانیان عجین شده است به‌طوری که سعدی می‌فرماید:

چو بیند کسی زهر در کام خلق

کیش بگذرد آب نوشین به حلق

مردم خیر ایران به‌صورت فردی یا در قالب گروه‌های جهادی از همان ابتدای شیوع این بیماری دست به کار شده و کمک‌های نقدی و غیرنقدی خود را به‌صورت مستقیم به مراکز درمانی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کشور تحویل داده و می‌دهند. بسیاری از مردم نیز با حضوری داوطلبانه و خودجوش برای ضدّ عفونی معابر و اماکن عمومی و حتی نظافت



بیمارستان‌ها، تولید و توزیع رایگان ماسک و اqlام بهداشتی موردنیاز و ... با نهادهای مرتبط همکاری کرده و می‌کنند.

## ۲-۲. دولت جمهوری اسلامی ایران

بررسی روند تاریخی گزارش‌های مرکز اطلاع‌رسانی، روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان برنامه‌وبودجه کشور از ابتدای بحران کرونا نشان می‌دهد که در تاریخ چهارم، دهم و بیست و یکم اسفندماه ۱۳۹۸، به ترتیب مبلغ پانصد و سی میلیارد تومان (برای مقابله با کرونا به وزارت بهداشت)، دویست میلیارد تومان (برای جبران خدمات کادر درمانی مبارزه با کرونا به وزارت بهداشت)، چهارصد میلیارد تومان (برای مقابله اثربخش با بیماری کرونا به دانشگاه‌های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی استان تهران) تخصیص داده شد. همچنین در تاریخ هفتم اسفندماه نیز مبلغ هزار و ششصد و شصت و پنج میلیارد تومان به سازمان بیمه سلامت ایران و مبلغ صد میلیارد تومان بابت بهسازی محیط مدارس برای پیشگیری از شیوع و گسترش کروناویروس به وزارت آموزش و پرورش تخصیص یافت. در تاریخ ۲۴ اسفندماه رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور در پیام توییتری اعلام کرد که یکی از اقدامات دولت برای مقابله با کرونا، تقویت نظام بهداشت و درمان برای خدمت به مردم بوده است که تاکنون هزار و ششصد میلیارد تومان به ستاد ملی برای مقابله با کرونا و دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور پرداخت شده است.

## ۲-۳. صندوق توسعه ملی

صندوق توسعه ملی بر اساس ماده ۸۴ قانون برنامه پنجم توسعه و با هدف تبدیل بخشی از عواید ناشی از فروش نفت و گاز و میعانات گازی و

تأمین مالی هزینه‌های مستقیم ناشی از شیوع بیماری کووید ۱۹ □ ۸۵

فرآورده‌های نفتی به ثروت‌های ماندگار، مولّد و سرمایه‌های زاینده اقتصادی و نیز حفظ سهم نسل‌های آینده از منابع نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی تشکیل می‌شود. حسن روحانی روز دوشنبه ۱۸ فروردین ۱۳۹۹ با قدردانی از موافقت رهبر معظم انقلاب اسلامی با درخواست برداشت مبلغ یک میلیارد یورو از منابع صندوق توسعه ملی برای مقابله و مدیریت عوارض ناشی از شیوع ویروس کرونا در کشور، دستورات لازم را برای تأمین نیازهای ضروری در این عرصه، صادر کرد.

در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۸، دولت با استفاده از این اعتبار، چهار هزار و دویست میلیارد تومان را برای تأمین داروهای موردنیاز، کیت‌های آزمایشگاهی، تجهیزات بخش درمان و بهداشت و حفاظت شخصی کادر درمان اختصاص داد که ۱۵۰۰ میلیارد تومان از این رقم مشخصاً برای بیمارستان‌هایی است که به‌صورت مستقیم درگیر کرونا هستند و ۳۰۰ میلیارد تومان نیز برای پاداش خدمات کادر درمانی اختصاص پیدا کرده است.

#### ۲-۴. بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی

این بنیاد یک ماه پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ و به فرمان امام خمینی (ره) با هدف تجمع اموال و دارایی‌های مصادره شده و تخصیص آن به نیازمندان، راه‌اندازی شد. این بنیاد در بحران کرونا تا پایان هفته سوم اردیبهشت ۱۳۹۹ خدماتی مانند اهدای ۲۴ دستگاه آمبولانس به ستاد ملی مقابله با کرونا، اهدای ۹ دستگاه ونتیلاتور، اهدای ۴ دستگاه الکتروشوک به سیستم درمانی کشور، توزیع بیش از ۵۰ هزار پرس غذا و ۴۷۰ هزار بسته شیر، آب‌میوه و آب‌معدنی برای کادر درمانی بیمارستان‌های درگیر کرونا، تولید ۱۶۰۰۰ الکل و محلول ضدعفونی به‌صورت روزانه، تأمین و تولید بیش از یک میلیون

ماسک، لباس ایزوله و پزشکی، ضدعفونی کردن ۱۱۰ شهر و روستا به‌طور روزانه و ... ارائه کرده است.

#### ۲-۵. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران

سپاه پاسداران انقلاب اسلامی خدمات مختلفی چون پذیرش بیماران کرونایی در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی سپاه به‌ویژه در بیمارستان حضرت بقیه‌الله اعظم (عج ا... فرجه)، ایجاد بیمارستان‌های سیار، برپایی ایستگاه‌های سلامت و تور ایست و کنترل سلامت در میادین شهری و نیز ورودی‌ها و خروجی‌های شهرها انجام داده است. ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز بیمارستان صحرایی ۵۰۰ تختخواب را در قم ایجاد کرده و برای ایجاد ۲۸ بیمارستان صحرایی، آمادگی خود را اعلام کرده است. این دو نهاد، خطوط تولید ماسک و مواد ضدعفونی را راه‌اندازی کرده و در عملیات‌های زنجیره‌ای پاکسازی، آلوده زدایی و ضدعفونی کردن معابر و اماکن عمومی و توزیع اقلام بهداشتی مانند ماسک، دستکش و مواد ضدعفونی در سطح کشور، اقدامات ارزشمندی را انجام داده‌اند. همچنین هزاران بسیجی در طرح بسیج ملی مبارزه با کرونا با وزارت بهداشت، درمان و آموزش کشور همکاری داشته‌اند.

#### ۲-۶. آستان قدس رضوی

این آستان، منسوب به بارگاه هشتمین امام شیعیان، حضرت علی بن موسی الرضا علیه‌السلام است. این آستان نیز از ابتدای شیوع کرونا در کشور خدمات مختلفی را انجام داده است که بخشی از آن‌ها عبارتند از: واردات یک میلیون و دویست هزار ماسک N95 و ۷۰۰ هزار لیتر الکل طبی برای مواد ضدعفونی و توزیع بین بیمارستان‌های استان‌های تهران، خوزستان، خراسان رضوی، مازندران و فارس، واردات ۶ هزار کیت تشخیص بیماری کرونا

مطابق با استانداردهای روز جهانی، راه‌اندازی خط تولید ماسک و لباس بهداشتی در نقاط مختلف کشور، انجام عملیات گندزدایی، تهیه اقلام بهداشتی و آگاه‌سازی عمومی محلات از سوی خادمایان رضوی، کمک یک و نیم میلیارد تومانی آستان قدس رضوی به بیمارستان رضوی که یکی از مکان‌های بستری بیماران مبتلا به ویروس کرونا در مشهد است جهت تجهیز و تهیه اقلام پزشکی و بهداشتی، اطعام بیماران و کادر درمان بیمارستان‌های درگیر کرونا کشور با ۱۵۰ هزار وعده غذای متبرک، اهدای ۷۰ هزار بسته تبرکی ویژه نیروهای بخش درمان سراسر کشور، تولید مواد ضدعفونی کننده در شرکت داروسازی ثامن و شیراز سرم، تولید کیت تشخیصی کرونا در یکی از مجموعه‌های اقتصادی آستان.

باید توجه داشت که تمام واردات صورت گرفته توسط آستان قدس رضوی، از محلّ ارز حاصل از صادرات محصولات شرکت‌های این آستان تأمین شده و یک دلار از منابع ارزی کشور مورد استفاده قرار نگرفته است. همچنین خادمایان رضوی در استان‌های کشور نقش پررنگی در توزیع غذای گرم در بیمارستان‌ها، تولید مواد ضدعفونی و ماسک، ضدعفونی معابر و اماکن عمومی و... داشته‌اند. همچنین بر اساس بیانات مسئول سازمان اوقاف و امور خیریه، در ۲۱۷ بقعه متبرکه، کارگاه تولید ماسک و گان راه‌اندازی و میلیون‌ها ماسک تولید و در میان مردم و بیمارستان‌ها توزیع شده است. علاوه بر این، سازمان اوقاف و امور خیریه، هزاران بسته غذای گرم و میان‌وعده در بیمارستان‌ها و نقاط نگاه‌ها توزیع کرده است. همچنین هزاران بسته بهداشتی، اعم از شوینده، مواد ضدعفونی‌کننده، ماسک، دستکش و... بین جامعه هدف توزیع شده است.

## ۲-۷. فرابورس ایران

در ششصد و یکمین جلسه هیئت‌مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار، ابلاغیه‌ای با موضوع ایجاد زمینه استفاده از ظرفیت دستورالعمل تأمین مالی جمعی جهت کمک در خصوص وضعیّت پیش‌آمده ناشی از شروع ویروس کرونا، صادر شد. به موجب این ابلاغیه، فرابورس ایران، مورخ ۲۶ اسفند ۱۳۹۸، فراخوانی را با عنوان «فراخوان تأمین مالی جمعی در دو نماد کرونا ۱ و کرونا ۲ از طریق سامانه معاملاتی فرابورس ایران» صادر کرد. بر اساس این فراخوان، فرابورس ایران به‌مثابه عامل جمع‌آوری وجوه، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کشور به‌مثابه متقاضی و سامانه معاملاتی فرابورس ایران، به‌مثابه سکوی این تأمین مالی جمعی معرفی شدند. قرار است منابع جمع‌آوری شده به‌منظور پیشگیری، درمان و تحقیق در زمینه بیماری کرونا استفاده گردد. شرکت تأمین سرمایه نوین نیز امین این تأمین مالی جمعی است. در نماد کرونا ۱، اصل و منافع حاصل از مبالغ تأمین شده به متقاضی اهدا و جهت امور مذکور استفاده خواهد شد و در نماد کرونا ۲، مبالغ تأمین شده، توسط امین سرمایه‌گذاری شده و منافع حاصل از آن به متقاضی اهدا خواهد شد تا در موارد مذکور استفاده شود. به عبارت دیگر در نماد کرونا ۲ اصل پول بخشیده نمی‌شود و امکان فروش گواهی نیکوکاری کرونا ۲ به قیمت اسمی وجود دارد. در نماد کرونا ۲ امین طرح که همان ناظر تأمین منابع و مصرف آن است، تصمیم می‌گیرد منابع را در صندوق‌های با درآمد ثابت یا اوراق تأمین مالی دولت مثل اسناد خزانه اسلامی سرمایه‌گذاری کند تا منافع و سود حاصل از آن را در اختیار وزارت بهداشت قرار دهد. ارزش اسمی هر ورقه گواهی نیکوکاری هزار تومان تعیین شد و مدت جمع‌آوری وجوه از تاریخ ۲۷ اسفند ۱۳۹۸ تا تاریخ ۳۱ فروردین ۱۳۹۹ تعیین شد. بر

تأمین مالی هزینه‌های مستقیم ناشی از شیوع بیماری کووید ۱۹ □ ۸۹

اساس این فراخوان، متقاضی موظف شد که در پایان هر ماه، گزارشی از اقدامات انجام شده در راستای مصارف مربوطه به امین ارائه و پس از تأیید امین در سامانه کدال منتشر کند. در تاریخ ۳۱ فروردین ۱۳۹۹، فراپورس جمع‌آوری وجوه را به مدت یک ماه و تا تاریخ ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۹ تمدید کرد. طبق گزارش پایگاه خبری بازار سرمایه در ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۹، شمار مشارکت‌کنندگان در این طرح، به بیش از ۳۰ هزار نفر رسیده است و خانواده بازار سرمایه کشور، تاکنون با خریداری اوراق کرونا ۱ و کرونا ۲، حدود ۲۰ میلیارد تومان برای کمک به تأمین هزینه‌های اقتصادی مقابله با این بیماری جمع‌آوری کرده‌اند.

### **۳. پیشنهادهای تأمین مالی هزینه‌های مستقیم شیوع بیماری کووید ۱۹ در آینده**

همان‌طور که مشاهده کردیم، تلاش‌های زیادی جهت تأمین مالی هزینه‌های مستقیم شیوع بیماری کووید نوزده انجام شده و در حال انجام است. برخی از صاحب‌نظران اعتقاد دارند که این بیماری فعلاً ریشه‌کن نخواهد شد و حتی در فصول پاییز و زمستان، احتمال گسترش بیشتر آن نیز وجود دارد. بنابراین، با این فرض پیشنهادهایی را برای آینده ارائه می‌کنیم:

#### **۳-۱. جلوگیری از رشد نقدینگی**

نقدینگی در اسفندماه سال ۱۳۹۸ به ۲۰۴۷ هزار هزار میلیارد تومان رسیده است که در مقایسه با اسفندماه ۱۳۹۷ حدود ۳۱.۳ درصد افزایش داشته است و تورم جاری را رقم زده است. با توجه به این موضوع و کسری بودجه دولت، اصل اولیه در تأمین هزینه‌های مستقیم این بیماری، جلوگیری از رشد نقدینگی است. زیرا اگر منابع بواسطه استقراض از بانک مرکزی یا خلق پول

بانک‌ها تأمین شوند در کوتاه‌مدت اگرچه مشکلات پیشگیری و درمان را پوشش می‌دهند، لکن در میان‌مدت و بلندمدت با ایجاد تورّم، فشار قابل توجهی را به جامعه وارد می‌سازند.

### ۳-۲. صرفه‌جویی در منابع نهادهای دولتی و حاکمیتی

با هدف رعایت اصل اولیّه مذکور، پیشنهاد می‌شود که نهادهای دولتی و حاکمیتی و به‌ویژه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کشور، تلاش حداکثری در زمینه صرفه‌جویی منابع داشته باشند تا با استفاده از منابع حاصل از صرفه‌جویی بتوانند بخش عمده‌ای از هزینه‌های مستقیم شیوع این بیماری را پوشش دهند.

### ۳-۳. رایزنی به‌منظور دریافت منابع ارزی از نهادهای بین‌المللی

با توجه به وجود تحریم‌های ظالمانه و محدودیت منابع ارزی، پیشنهاد می‌شود که دولت و به‌ویژه وزارت امور خارجه و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با حفظ عزّت کشور، رایزنی‌های لازم جهت دریافت منابع ارزی یا تجهیزات پزشکی از نهادهای بین‌المللی را انجام دهند.

### ۳-۴. استفاده از منابع صندوق توسعه ملی صرفاً در شرایط اضطرار

برخی از کارشناسان معتقدند از آنجا که در صورت برداشت از صندوق توسعه ملی، بخش اعظمی از این منابع باید به ریال تبدیل شود، لذا این اقدام باعث افزوده شدن معادل ریالی به پایه پولی شده و از آنجا که امسال بنا به دلایل مختلف از جمله تحریم‌ها، انتظار بر منفی بودن رشد اقتصادی است، اثر رشد پایه پولی به‌طور مستقیم، خود را در افزایش شدید سطح عمومی قیمت‌ها نشان خواهد داد. با توجه به این نکته و همچنین محدودیت منابع ارزی کشور، پیشنهاد می‌شود که مگر در شرایط اضطرار از منابع صندوق توسعه

تأمین مالی هزینه‌های مستقیم ناشی از شیوع بیماری کووید ۱۹ □ ۹۱

ملّی جهت تأمین هزینه‌های شیوع این بیماری استفاده نگردد.

### ۳-۵. سیاست‌گذاری جذب منابع خیریه برای مقابله با کرونا

با توجه اصل اولیه و محدودیت ارزی کشور، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاری جهت تشویق خیران حوزه مقابله با کرونا و جذب حداکثری منابع از آن‌ها صورت گیرد.

### ۳-۶. ارائه آمارهای مختلف مرتبط با شیوع بیماری و گزارش هزینه‌های مستقیم آن

یکی از ملزومات اصلی برنامه‌ریزی و مدیریت، وجود آمار دقیق و به‌روز است. پیشنهاد می‌شود ستاد ملّی مقابله با کرونا با همکاری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کشور گزارشی از هزینه‌های مستقیم شیوع این بیماری را به‌صورت ماهیانه و دقیق اعلام کند. همچنین پیشنهاد می‌شود که همه نهادهایی که به‌نوعی در تأمین مالی هزینه‌های شیوع این بیماری همکاری می‌کنند، به‌صورت دقیق و ماهیانه گزارش خود را به مردم و ستاد ملّی مقابله با کرونا ارائه دهند.

### ۳-۷. استفاده از طرح‌های تأمین مالی جمعی اهداء جهت رفع هزینه‌های مستقیم

اگرچه تلاش فرابورس ایران در فراخوان تأمین مالی جمعی کرونا ۱ و کرونا ۲ قابل‌تقدیر است، لکن به نظر می‌رسد که فقط نوع اول یعنی نماد کرونا ۱ دارای ماهیت تأمین مالی جمعی اهداء است و نماد کرونا ۲ شبیه صندوق سرمایه‌گذاری نیکوکاری است. همچنین افرادی که دارای کد بورسی نیستند نمی‌توانند به‌صورت برخط در این طرح شرکت کنند. پیشنهاد می‌شود که از طرح‌های موجود تأمین مالی جمعی اهداء جهت رفع هزینه‌های مستقیم



استفاده شود. البته نظام مالی کشورهای مختلف تجربه ایجاد طرح‌های تخصّصی حوزه پیشگیری و درمان را دارند که می‌توان با حمایت وزارت بهداشت، درمان و آموزش کشور، این طرح‌ها را ایجاد کرد. نکته قابل توجه در طرح‌های تأمین مالی جمعی، تعریف طرح‌های مشخص جهت تأمین مالی و شفافیت در تجهیز و تخصیص منابع مالی است.

### ۳. استنتاج بهترین تبیین: راهکار مواجهه با غافلگیری‌های بحران کرونا

بهمن حاجی‌پور<sup>۱</sup>

#### چکیده

در هنگام ظهور و بروز غافلگیری‌های محیطی که نظریه‌ها و روش‌های معمول کارآیی خود را از دست می‌دهند سازمان‌ها توان واکنش به وضعیت پیش‌آمده را به علت نبود نظریه برای اقدام از دست می‌دهند. این وضعیت سبب می‌شود مدیرانی که به شیوه‌های مرسوم خو گرفته‌اند سازمان را در وضعیتی بلامتکلیف رها کرده و با امید به عادی شدن اوضاع، رویکردی انفعالی را در پیش بگیرند. ظهور ویروس کرونا و شیوع آن در پهنه جهان چنین حالتی را رقم زده است. شواهد حاکی از آن است که برگشت جهان به حالت قبل از کرونا، تحقق‌پذیر نیست و محتمل است که با جهانی جدید به لحاظ روابط و مناسبات و خواسته‌ها مواجه باشیم. این مقاله با طرح این سؤال که

---

۱. دانشیار دانشکده مدیریت و حسابداری/ گروه مدیریت بازرگانی/ دانشگاه شهید بهشتی/ رایانامه: b-hajipour@sbu.ac.ir تاریخ نگارش: بیست و ششم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹.

سازمان‌ها در چنین شرایطی چه کاری می‌توانند انجام دهند، اولویت را به فرآیند بازتولید نظریه‌هایی برای فعالیت در جهان جدید داده و با معرفی مبانی و کاربردهای رویکرد استنتاج بهترین فرضیه آن را به مدیران راهبردی سازمان‌ها توصیه می‌کند.

**واژه‌های کلیدی:** غافلگیری محیطی، استنتاج بهترین تبیین<sup>۲</sup>، مدل‌های کسب‌وکار، مزیت رقابتی.

## ۱. مقدمه و مسئله

ظهور و شیوع ویروس کرونا در واپسین روزهای ۲۰۱۹ و تداوم آن، اقتصاد جهانی را با چالشی بزرگ و بی‌سابقه روبرو کرد. این ویروس بسیاری از مناسبات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، آموزشی، ورزشی و... را دستخوش بحران کرده و صنایع زیادی را در این حوزه‌ها به تعطیلی کشاند. خیل عظیمی از افراد بیکار شده و کسب‌وکارهای زیادی را در جهان در ورطه ورشکستگی قرار داده است. هتل‌ها، رستوران‌ها، شرکت‌های حمل‌ونقل، آژانس‌های مسافرتی، آرایشگاه‌ها، آموزشگاه‌ها، کارخانه‌های لوازم خانگی، شرکت‌های تعمیراتی و ... تقاضا برای خدمات خود را از دست دادند و در حالتی انفعال هیچ راهی برای برون‌رفت از این وضعیت نیافتند. آنچه می‌توان به‌مثابه **مشخصه اصلی ویروس کرونا ذکر کرد حالت غافلگیرکننده‌ای است که به جامعه جهانی تحمیل کرده است.**

موقعیت حاصل از جهانگیری ویروس کرونا صنایع را در شرایط ابهام<sup>۳</sup> قرار داده است. این وضعیت را می‌توان با گزاره‌های زیر بیان کرد:

2. Abduction

3. Ambiguity

استنتاج بهترین تبیین: راه کار مواجهه با غافلگیرهای بحران کرونا □ ۹۵

- اطلاعات موردنیاز برای تصمیم‌گیری مدیران به علت بی‌سابقه بودن وجود ندارد؛
- امکان پیش‌بینی چگونگی رفتار ویروس در آینده با توجه به ناشناخته بودن آن ممکن نیست؛
- انجام اقدام برنامه‌ریزی‌شده به دلیل ناشناخته بودن علت‌ها و معلول‌ها میسر نیست؛
- معیاری به‌مثابه ملاک صدق اقدامات وجود ندارد؛
- امکان گسترده تفسیرها و برداشت‌های غلط از سوی اعضای سازمان به دلیل شرایط فوق وجود دارد (Nicolaidis, C., & Katsaros, K. 2011).

در مواجهه با این غافلگیری محیطی، سازمان‌ها چگونه عمل می‌کنند؟ پاسخ روشن است: فکر کردن برای راه‌حل جویی. برای تعریف تفکر می‌توان گفت اندیشیدن تلاشی ذهنی است و هنگامی که انسان با مسئله‌ای مواجه است و خواستار حل آن است. در ذهن، تلاشی برای حل مسئله آغاز می‌گردد که این تلاش ذهنی را، تفکر یا اندیشه می‌نامند. فعالیت برای حل مسئله، از مراحل تشکیل شده است که از تعریف مسئله آغاز می‌گردد و با پیدا کردن راه‌حلهایی برای حل مسئله ادامه می‌یابد و با به‌کارگیری عملی بهترین راه‌حل و یافتن جواب نهایی به پایان می‌رسد.

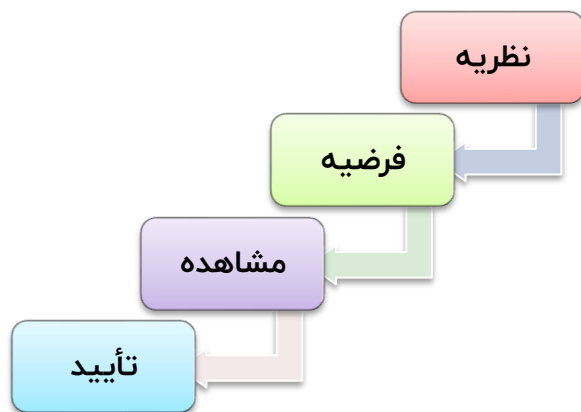
از آنجا که هر اقدامی بر اساس فکر و استدلالی انجام می‌شود، می‌توان گفت که شیوه و کیفیت اندیشیدن برای تولید نظریه‌هایی که مبنای اقدام سازمان قرار می‌گیرد می‌تواند در طیفی از کارآمدی تا ناکارآمدی توصیف شود. نظریه‌هایی کاملاً منفعل و ناکارآمد تا نظریه‌های مؤثر و کارگشا. با این اوصاف الگوی تفکر می‌تواند به‌مثابه مزیت رقابتی بنگاه‌ها در نظر گرفته شود. اگر مزیت رقابتی را عملکرد بهتر بنگاه در مقایسه با رقبا تعریف کنیم،

آنگاه می‌توان الگوی تفکر بهتر را نوعی مزیت رقابتی محسوب کرد.

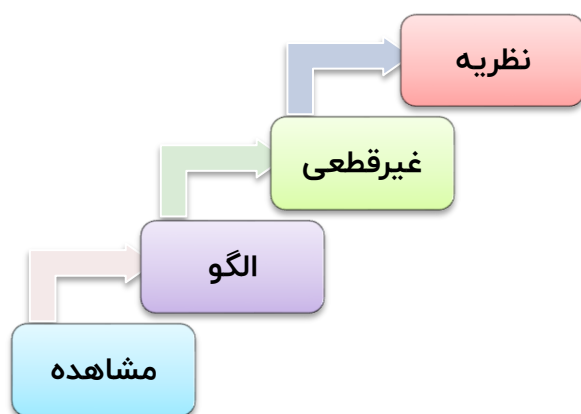
## ۲. روش‌های تفکر مرسوم

بر مبنای روشی که آن را روش تفکر مرسوم می‌نامیم، انسان در شرایط طبیعی تفکر قرار داشته و برای حلّ مجهولات از دانسته‌ها آغاز می‌کند و سپس راهی به درون مجهول می‌گشاید و آن را معلوم می‌کند. روش‌های مرسوم نزد ذهن آدمی در تفکر مرسوم عبارتند: اول، قیاس کردن از طریق برهان عقلی که طی آن ذهن با تکیه به یک امر عمومی قابل اتکا پدیده مشاهده شده را تبیین می‌کند. قیاس یا قیاس منطقی استدلالی است از کل به جزء که اگر مقدمه‌های آن درست باشند، نتیجه به دست آمده حتماً درست است که هرگاه دو یا چند فرض را درست و مطمئن بدانیم و رابطه این فرض‌ها چنان باشد که به‌ناچار از این فرض‌های صحیح، نتیجه‌ای منطقی به دست آید، این نتیجه را باید پذیرفت. اگر ما این نتیجه منطقی؛ یعنی همان گزاره را نپذیریم دچار تناقض خواهیم شد. دوم تمثیل؛ یعنی سرایت دادن حکم یک امر به امر دیگر به دلیل وجود نوعی مشابهت میان آن‌ها. نتیجه استدلال تمثیلی، بر خلاف استدلال قیاسی از قطعیت برخوردار نیست؛ یعنی چنان نیست که اگر مقدمات استدلال صادق باشند، نتیجه استدلال نیز حتماً صادق باشد؛ از این رو، در استدلال تمثیلی، نتیجه همراه با واژه «احتمالاً» آورده می‌شود. و روش سوم مشاهده متواتر و مکرر است که طی آن از طریق روندها به امری پی می‌برد و آن را استقراء می‌نامند. استقراء نوعی استدلال است که مقدمات آن از نتیجه به‌صورت محتمل پشتیبانی می‌کنند. در مقابل استدلال قیاسی است که مقدمات به‌صورت قطعی از نتیجه حمایت می‌کنند. فرایند استقراء از مشاهدات جزئی شروع شده و استنتاج نتایج تعمیم داده می‌شود (نمودار ۱، نمودار ۲).

استنتاج بهترین تبیین: راه کار مواجهه با غافلگیرهای بحران کرونا □ ۹۷



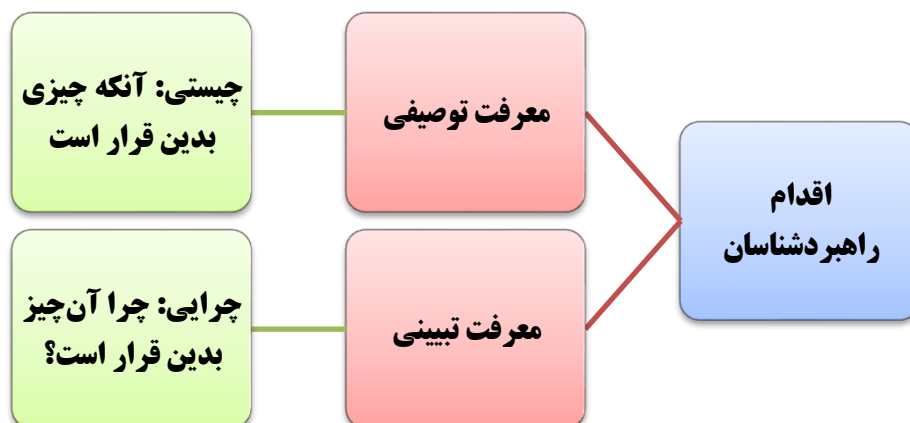
نمودار 1: استدلال قیاسی



نمودار 2: استدلال استقرایی

در هر سه حالت، فرض آن است که حال شبیه گذشته است و آینده نیز مشابهت زیادی با حال دارد و لذا می‌توان با استفاده از اصولی مشخص مشکل پدیدار شده را تبیین و تحلیل کرد. بر اساس الگوی تفکر مرسوم در مواجهه با چنین وضعیت‌هایی

راهبردشناسان تلاش می‌کنند از طریق فرایندهای مرسوم استدلال چיستی و چرایبی پدیده را معین کنند (Error! Reference source not found.).



### نمودار ۳: اقدام راهبردشناسان در الگوی تفکر قیاسی و استقرایی

با توجه به فرایند ذکر شده فراگیرترین ویژگی معرفت توصیفی و قابل مشاهده یا چيستی که بر اثر ویروس کرونا بروز رکود در اقتصاد جهانی رخ داده رکود است. رکود ناشی از کرونا ماهیتی شبیه رکودهای سابق دارد که می‌توان آن را به‌خوبی شناخت و تبیین کرد و چنین بیان کرد که تکانه ناشی از کرونا، اقتصاد را هم با تکانه عرضه و هم با تکانه تقاضا مواجه ساخته است. از یک طرف عرضه نیروی کار کاهش یافته و از طرف دیگر در تأمین مواد اولیه تولید نیز مشکلاتی ایجاد شده است (تکانه عرضه). تکانه عرضه، تکانه تقاضا را به همراه خواهد داشت. تعطیلی کسب‌وکارها، منجر به تعدیل نیروی کار شده و کاهش درآمد خانوار، کاهش تقاضا را به همراه دارد. از طرف دیگر عدم اطمینان نسبت به آینده، خانوار را به تصمیم پس‌انداز بیشتر و به تعویق انداختن خرید اقلام غیرضرور ترغیب می‌کند. همین امر کاهش

استنتاج بهترین تبیین: راه کار مواجهه با غافلگیرهای بحران کرونا □ ۹۹

تقاضای کلّ بیشتری را موجب می‌شود؛ بنابراین انتظار می‌رود رکود اقتصادی ناشی از تکانه ارزی و تحریم‌ها تشدید شود و لذا بر مبنای اصول موجود می‌توان آن را درمان کرد. در این حالت با اتکا به برهان و تکرار و شباهت تلاش می‌شود راه حلّی از گذشته را یافته و برای مشکل پیش آمده تجویز کنیم. (Freytag, P. V., & Young, L. 2018).

### ۳. نقد تفکر مرسوم

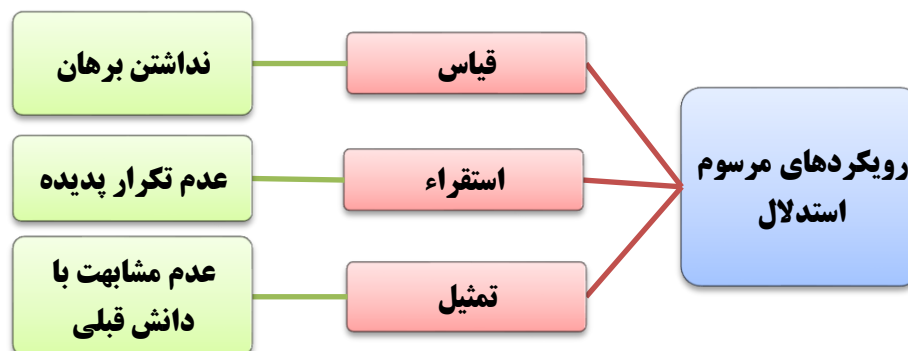
نگاهی دقیق به اثرات بی‌سابقه بحران کرونا نشان می‌دهد که استفاده از سه رویکرد ذکر شده به دلایلی که در تصویر زیر آمده‌اند در تبیین صحیح چیستی و چرایی توانایی ندارند.

قیاس: به دلیل نداشتن برهان کافی؛

استقراء: به دلیل تکرار نشدن پدیده؛

تمثیل: به دلیل عدم مشابهت با دانش قبلی (Freytag, P. V., & Young, L. 2018).

(نمودار ۴).



نمودار ۴: رویکردهای مرسوم استدلال

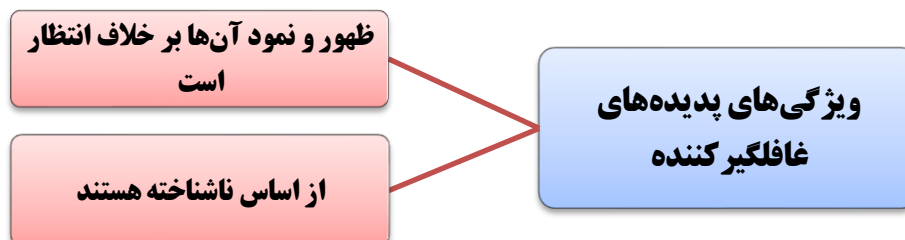


شواهد نشان می‌دهد که این ویروس ناشناخته سبب شد اصول و قواعدی که سیاست‌گذاران؛ مشاوران و مدیران اجرایی با آنها برنامه‌ها تنظیم و اجرا می‌کردند ناکارآمد جلوه کند و نوعی استیصال در تحلیل واقعه و نحوه خروج از بحران گریبان طیف گسترده‌ای از صنایع را گرفته و آنها را در موقعیت بلاتکلیفی آزاردهنده‌ای قرار دهد. ظهور کرونا سبب شد بسیاری از برنامه‌های تدوین شده شرکت‌ها در سراسر جهان برای ورود به ۲۰۲۰ بلااستفاده مانده و هم هدف و هم راه رسیدن به هدف هر دو در هاله از ابهام قرار گیرند. بسیاری از صنایع غافلگیر شده و چشم‌انداز مناسبی برای آینده خود نداشته باشند. به عبارتی با توجه به ویژگی‌های ابهام ناشی از کرونا به نظر می‌رسد با وضعیتی کاملاً متفاوت از گذشته روبرو باشیم (Ansoff, H. Igor, et al. 2018).

وضعیتی مبهم و پیچیده، درست شبیه زلزله مهیبی که ناگهان رخ می‌دهد و ساختار منظم شهری را در هم می‌ریزد؛ زلزله کرونا ساختار آگاهی ما را به هم ریخته است. بسیاری از کسب‌وکارها از کسب درآمد با روش‌های سابق خود بازمانده‌اند و اساساً تقاضایی برای محصولات و خدمات خود نمی‌بینند ضمن آنکه راه‌حلی هم پیش روی خود ندارند. در یک کلام، دنیایی که خیال می‌کردیم آن را می‌شناسیم فرو ریخته است. ما اکنون در وضعیت غافلگیری محیطی قرار داریم.

ویژگی‌های وضعیت غافلگیری چه هستند؟ چگونه باید به حضور در این شرایط پی ببریم؟ در نمودار 5 این مشخصات را می‌توان مشاهده کرد:

استنتاج بهترین تبیین: راه کار مواجهه با غافلگیری های بحران کرونا □ ۱۰۱



#### نمودار 5: ویژگی های غافلگیری های محیطی

نخست اینکه هیچکس انتظار چنین واقعه ای را نداشت. همه بنگاه ها برای سال جدید طرح و برنامه هایی را تدارک دیده بودند ولی ناگهان برخلاف تصوّر همگان شرایط به شکل دیگری رقم خورد. نکته دوم اینکه این پدیده از اساس ناشناخته است. نه کسی می داند منشأ آن کجاست نه اطلاعی در مورد عمر آن داریم. نمی دانیم تا چه وقت با ماست و...

در مواجهه با چنین وضعیتهایی راهبردشناسان نمی توانند از شیوه های مرسوم برای راه حلّ استفاده کنند، بلکه باید تلاش کنند از طریق فرایندهای دیگری، چپستی و چرایی پدیده را معین کنند تا از این طریق پاسخ مناسبی برای رهایی از غافلگیری بیابند. یکی از مناسب ترین شیوه ها، الگویی است به نام استنتاج بهترین تبیین. در ادامه این شیوه به مثابه روشی مناسب برای مواجهه با غافلگیری های محیطی تشریح خواهد شد. و کاربردهای آن برای مسائل راهبردی مطرح خواهد شد.

#### ۴. الگوی تفکر استنتاج بهترین تبیین: روشی مناسب برای تصمیم‌گیری در فضای مبهم

این رویکرد (استنتاج) از سوی پیرس (۱۸۳۹-۱۹۱۴) در اوایل قرن بیستم مطرح گردید که البته با بی‌مهری تمام، ۵۰ سال بعد از پیرس مورد توجه پژوهشگران هوش مصنوعی قرار گرفت. برای این شیوه، نام‌های متفاوتی مطرح شده است. هرچند تفاوت‌هایی ذیل هر یک از عناوین یافت می‌شود، ولی در مجموع همه آن‌ها دارای هدف مشابهی هستند و آن یافتن راه‌حل برای مسائل بی‌سابقه است. این رویکرد عبارت است از حرکت اندیشه از شواهد به تبیین. نوعی استدلال مختص برخی موقعیت‌های متفاوت با اطلاعات ناقص. تبیین‌های حاصل مفاهیم و نظریه‌هایی را در برمی‌گیرند که افراد برای ساختار بخشیدن به جهان و توجیه آنچه در حال رخ دادن است مورد استفاده قرار می‌دهند.

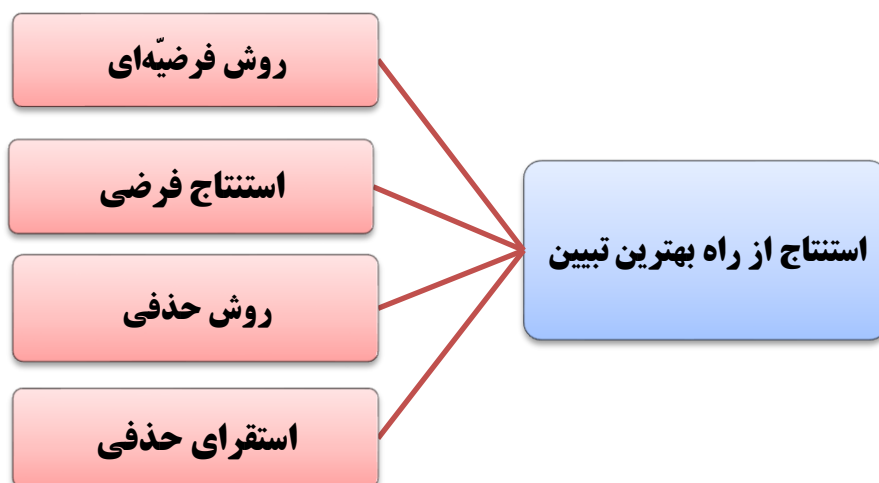
تبیین‌های بهترین استنتاج سه ویژگی دارند: محتمل، قابل ابطال و مبتنی بر مفروضات بودن. اول محتمل بودن؛ یعنی بر اساس شواهد موجود می‌توان گفت فرضیه‌ای قابل قبول است. محتمل بودن، بدان معناست که به نظر می‌رسد که چیزی بر اساس ظواهر درست باشد. آنچه قابل قبول است بستگی به داده‌هایی دارد که باید دست به دست هم دهند تا یک پدیده را تبیین کنند. آیا دلایل اصلی برای حمایت از این ادعا وجود دارد؟ آیا حدس منطقی تمام واقعیت‌هایی را که باید جدی بگیریم به حساب آورده است؟ حدس‌های قابل قبول می‌توانند باقی بمانند حال می‌پرسیم کدام‌یک از فرضیه‌های موجود محتمل‌ترین به نظر می‌رسد؟ ما اطمینان خود را مبتنی بر تصورات خود آزمایش می‌کنیم و وقتی نتیجه می‌گیریم که نمی‌توانیم به توضیح بهتری فکر کنیم، پس به این نتیجه می‌رسیم که فکر می‌کنیم این

استنتاج بهترین تبیین: راه کار مواجهه با غافلگیرهای بحران کرونا □ ۱۰۳

استنتاج عملی‌ترین گزینه است.

این حدس‌ها آزمایشی و موقتی هستند. شک داریم که همه فرضیه‌های جایگزین را در نظر گرفته باشیم. این ما را به ویژگی دوم تبیین‌های بهترین استنتاج می‌کشد: «می‌توان گفت که آن‌ها ابطال‌پذیر هستند» این بیانگر آن است که آن‌ها برای تأیید باید در معرض ملاحظات بیشتری قرار گیرند. بنابراین حدس اولیه حدسی است که اگر راهبردشناس فرضیه امیدوارکننده‌تری را تشخیص دهد، می‌تواند آن را کنار بگذارد و فرضیه جدیدی را دنبال کند. ما موظف هستیم که اگر فرضیه خوبی یافتیم از فرضیه قبلی را کنار بگذاریم. هر تبیین، مانند لایه‌ای از مرجان است که هر گاه از بین می‌رود، پایه و اساس دیگری را فراهم می‌کند.

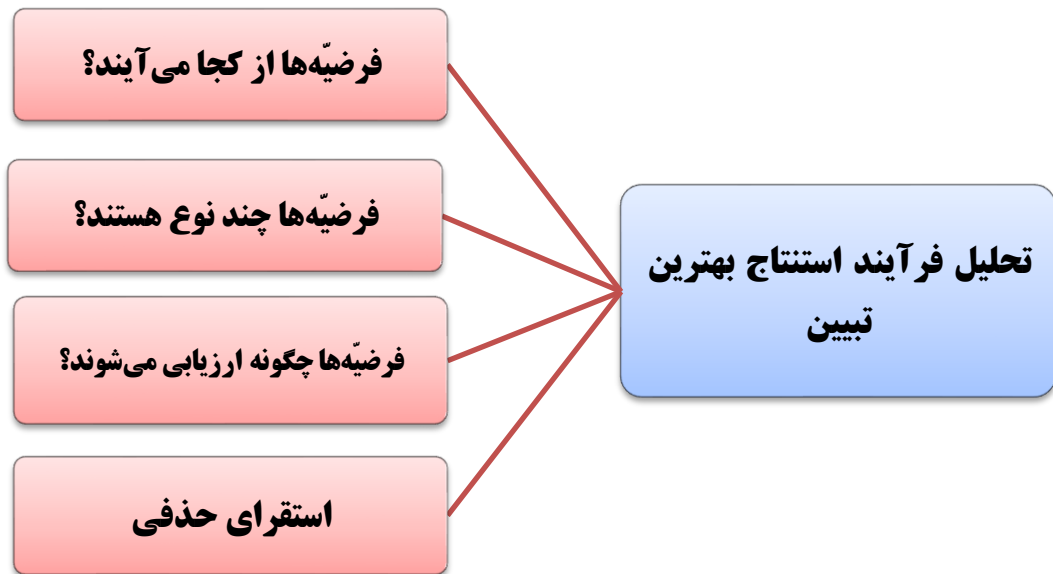
سومین ویژگی، تبیین بهترین استنتاج این است که آن‌ها مبتنی بر مفروضاتی هستند که برای بیان مسئله در نظر می‌گیرند. چهارچوب‌های خاصی که افراد در بیان مشکلات از آن‌ها استفاده می‌کنند بر درک، ایجاد و حضور عوامل در قاعده‌مند کردن مسئله تأثیر دارد. این چارچوب بیان می‌کند آن‌ها چه محدودیت‌هایی را می‌پذیرند، رد می‌کنند و یا دست‌کاری می‌کنند و چگونه و چرا آن‌ها را در ساختن و اجرای آن معیارهای خاصی رعایت می‌کنند. (Lipscomb, M. (2012) (نمودار 6).



نمودار 6 : روش‌های استنتاج از راه بهترین تبیین

بر اساس این رویکرد برای هر مجموعه از شواهد تبیین‌های متنوعی می‌توان ارائه داد. بهترین تبیین احتمالاً درست‌ترین آن‌هاست. این الگو را به‌صورت کاربردی با پرهیز از مباحث پیچیده و فنی می‌توان در قالب پاسخ به سه سؤال تشریح کرد: (نمودار 7).

استنتاج بهترین تبیین: راه کار مواجهه با غافلگیرهای بحران کرونا □ ۱۰۵



نمودار 7: تحلیل فرآیند استنتاج بهترین تبیین

#### ۴-۱. فرضیه‌ها از کجا می‌آیند؟

هنگام مواجهه با وقایع غیرمنتظره ذهن آدمی فرضیه‌ای برای توضیح چیستی و چرایی پدیده فراهم می‌سازد. واقعاً منشأ و خواستگاه این فرضیه‌ها کجاست؟ چگونه این فرضیه‌ها به ذهن متبادر می‌شوند؟ مباحث و نظرات گوناگونی در این زمینه مطرح شده است. برخی معتقدند فرضیه‌ها به‌صورت خلّاقانه ظاهر می‌شوند. حالتی منحصر به فرد دارند و امکان بیان نحوه ساخت آن‌ها به‌صورت نظام‌مند وجود ندارد. بر اساس دیدگاه پوپر، خلق فرضیه‌ها یک مرحله پیش علمی است و ارتباطی با فرآیند علمی ندارد. به‌طور کلی می‌توان چهار نظر را در مورد خواستگاه نظریه‌ها مورد توجه قرار داد:

- ۱. از دیدگاه افلاطون، منشأ نظریه‌ها عالم مثل است. آن‌ها در واقع یادآوری بشر از آن عالم هستند؛

- ۲. از دیدگاه کانت، فرضیه‌ها محصول فعالیت‌های ضمنی و تخیلی یا ابتکاری ذهن هستند و به‌هیچ‌وجه نمی‌توان مکانیسم آن را کشف و بازگو کرد؛
- ۳. طبق دیدگاه پولانی با تقسیم دانش به آشکار و ضمنی؛ فرمول‌بندی فرضیه‌ها از نوع دانش ضمنی قلمداد می‌شوند. دانش ضمنی دانشی است که امکان فرمول‌بندی آن وجود ندارد؛
- ۴. از دیدگاه هربرت سایمون، در فرآیند حل مسئله فرضیه‌ها محصول تعامل بین اعضا ائتلاف هستند.

۴-۲. فرضیه‌ها چند نوع هستند؟ مبنای شکل‌گیری آن‌ها چیست؟  
انواع فرضیه‌ها را می‌توان بر مبنای شکل‌گیری به‌صورت زیر مورد توجه قرار داد:

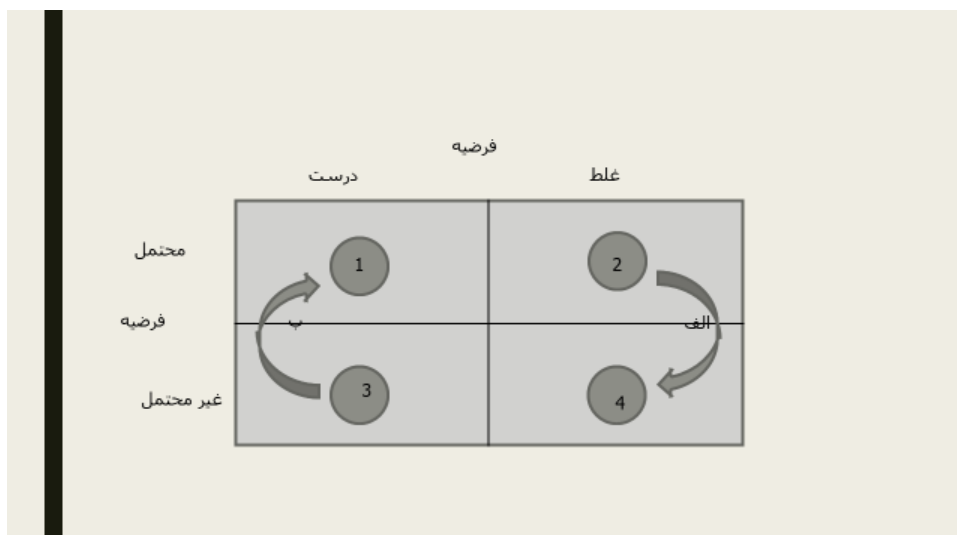
- الف. پیشگویی: فرضیه‌سازی بر اساس احتمال یک مشابهت محتمل؛
- ب. نشانه: فرضیه‌سازی بر اساس مشابهت محتمل؛
- ج. استعاره: فرضیه‌سازی بر اساس دست‌کاری مشابهت برای خلق یا کشف یک قاعده محتمل؛
- د. سرنخ: فرضیه‌سازی بر اساس شواهد محتمل؛
- ه. عارضه: فرضیه‌سازی بر اساس شواهد متقن؛
- و. تبیین: فرضیه‌سازی بر اساس قواعد رسمی موجود در دانش مرسوم.

### ۴-۳. ملاک‌های انتخاب بهترین تبیین

ملاک‌های انتخاب بهترین تبیین به شرح زیر هستند:

استنتاج بهترین تبیین: راه کار مواجهه با غافلگیرهای بحران کرونا □ ۱۰۷

- **الف. سازگاری:** اگر فرضیه‌ای بتواند پدیده‌های بسیار و به ظاهر بر ارتباط را مرتبط کند و میان آن‌ها نوعی سازگاری برقرار کند برتر از سایر فرضیه‌ها خواهد بود؛
- **ب. سادگی:** اگر چند فرضیه سازگار داشته باشیم فرضیه‌ای قابل اعتمادتر است که عوامل کمتری را مفروض بگیرد؛
- **ج. فراگیری:** تبیینی بهتر است که بیشترین عوامل را تبیین کند و کمترین آن‌ها را تبیین نشده رها کند؛
- **د. وحدت بخشی:** تبیینی بهتر است فراگیرتر است؛ یعنی بتواند سایر پدیده‌های احتمالی ناشناخته و غیرمنتظره را هم توضیح دهد.  
در (نمودار 8) انواع فرضیه و چگونگی پالایش آن‌ها تشریح شده است:



نمودار 8: انواع فرضیه و چگونگی پالایش آن‌ها

فرضیه‌های درست و محتمل – خانه ۱



فرضیه‌های غلط و محتمل – خانه ۲

فرضیه‌های درست و غیرمحتمل – خانه ۳

فرضیه‌های غلط و غیرمحتمل – خانه ۴

برای پالایش این فرضیه‌ها از دو سازکار استفاده می‌شود:

الف نشان دادن اینکه فرضیه محتمل نادرستی برخلاف عقل سلیم است؛

ب رها شدن از احساسات غلط و پوچ با افزایش آگاهی & Freytag, P. V.,

(Young, L. 2018).

## ۵. سوابق و زمینه‌های استفاده از شیوه استنتاج بهترین تبیین

### ۵-۱. کارآگاهان

کارآگاهان برای کشف عاملین یک جنایت، اغلب بر اساس شواهد موجود اقدام به ساخت فرضیه‌هایی برای تبیین پدیده مبهم می‌شود. وقتی که یک بازپرس جنایی شواهد موجود در مورد گزارش جرم و جنایت را که پزشکی قانونی از متهم تهیه کرده بررسی می‌کند و به دنبال توضیح حقایق بر اساس شواهد بر می‌آید در واقع با استفاده از استنتاج بهترین تبیین از بین فرضیه‌های رقیب مناسب‌ترین را برای پیشبرد تحقیقات مورد استفاده قرار می‌دهند.

### ۵-۲. پزشکان

پزشکان در مواجهه با امراض و بیماری‌های ناشناخته این روش را مورد استفاده قرار می‌دهند.

### ۵-۳. قاضی یا هیأت منصفه

قاضی یا هیأت منصفه در دادگاه دست‌اندرکاران امر قضا که همواره در

استنتاج بهترین تبیین: راه کار مواجهه با غافلگیرهای بحران کرونا □ ۱۰۹

معرض خطاهای مجرم دانستن فرد بی‌گناه و بی‌گناه دانستن فرد مجرم هستند؛ ازجمله استفاده‌کنندگان رویکرد استنتاج بهترین تبیین برای کم کردن خطاهای پیش رو هستند. (Liedtka, J., Martin, R., & Dew, N., 2007)

## ۶. کاربرد شیوه استنتاج بهترین تبیین در مسائل مدیریت راهبردی

۶-۱. استفاده از استنتاج بهترین تبیین برای اصلاح مفروضات محیطی در تدوین راهبرد، راهبردشناس باید از تحلیل محیط آغاز کند. راهبردشناس ناچار باید به تبیین‌های موجهی مبنی بر اینکه چرا محیط به طرق خاص رفتار می‌کند، اعتماد کند. این فرضیه‌ها چارچوبی را ارائه می‌دهند که در آن تصمیم‌گیری راهبردی رخ می‌دهد. در دوره‌های تغییر انقلابی که الگوهای قدیمی داده‌ها ناکارآمد می‌شوند نقطه شروع نمی‌تواند چندین فرضیه تأیید نشده و غیرقابل اطمینان درباره محیط باشد چون راهبردشناس نمی‌تواند به قابلیت پیش‌بینی آنها اعتماد کند و لذا تجدید نظر در باورهای محیطی الزامی می‌شود. عملیاتی شدن این باور مستلزم تقویت باور به نیاز برای جلب اطلاعات جدید است. در این شرایط روش استنتاج بهترین تبیین با تولید فرضیه‌های جایگزین می‌تواند نقطه شروع مناسبی برای تجدید نظر در باورهای محیطی باشد. اصولاً تجدید نظر تنها در صورتی پذیرفتنی است که تصمیم‌گیرنده حداقل یک فرضیه جایگزین را نزد خود مهیا ببیند و به این باور برسد که این فرضیه طبق داده‌هایی که قابل اتکا هستند محتمل است که صحیح باشد و این روش به‌خوبی این اعتماد را به مدیران می‌دهد. مشکل اصلی در تجدید نظر در باورهای محیطی این است که اطلاعات جدید ممکن است با باورهای تصمیم‌گیران ناسازگار باشد. این ناهماهنگی‌ها

به‌ویژه در مواقع تغییرات چشمگیر در محیط مثل بحران کرونا بسیار زیاد است. بنابراین، دقیقاً این مواقع است که استنتاج بهترین تبیین دارای بالاترین ارزش خود است. به‌جای پافشاری بر باورهای قبلی مدیران باید مشغول طراحی فرضیه‌های جدیدی شوند که به‌طور معقول توضیح می‌دهد که چه اتفاقی می‌افتد. با استفاده از استنتاج بهترین تبیین می‌توان راهبردهای جدیدی ایجاد کرد. ابزارهای روش استنتاج بهترین تبیین به راهبردشناسان کمک می‌کنند تا در بررسی وضعیت بحرانی خود تجدیدنظر کنند و شروع به طراحی راهی برای خروج از وضعیت نامطلوب کنند. برخی، استنتاج بهترین تبیین را نوعی برنامه‌ریزی سناریو در زمان واقعی تلقی می‌کنند که به مدیران کمک می‌کند در مورد گزینه‌های راهبردی خود تجدیدنظر کنند. (Liedtka, J., Martin, R., & Dew, N., 2007)

## ۶-۲. استفاده از استنتاج بهترین تبیین برای طراحی مدل‌های جدید کسب‌وکار

در هر بنگاه، مدیران بر اساس نظریه‌ای از کسب‌وکار، چه به‌صورت صریح یا ضمنی، دارند که طبق آن عمل می‌کنند. این نظریه‌ها را به نام «مدل‌های کسب‌وکار» می‌شناسیم. این مدل‌ها یا نظریه‌ها بخش مهمی از ابزارهای تصمیم‌گیری راهبردی هستند، زیرا در مورد راه‌های کسب درآمد سازمان و ساختار هزینه توضیحات زیادی را ارائه می‌کنند. معماران و طراحان سایر علوم از ابزار مدل‌ها برای شبیه‌سازی و بازی با فرضیه‌های طرح‌های جایگزین و ارزیابی نتایج استفاده می‌کنند. مدل‌های کسب‌وکار از بسیاری جهات شبیه به روشی هستند که طراحان معماری و غیر آن استفاده می‌کنند. راهبردشناسان می‌توانند با تحلیل فرضیه‌های گوناگون به‌خصوص در مواقعی که مدل‌های کسب‌وکار در حال شکل‌گیری هستند (مانند صنایع در حال ظهور)

استنتاج بهترین تبیین: راه کار مواجهه با غافلگیرهای بحران کرونا □ ۱۱۱

یا انتقال (در دوره‌های تحوّل صنعت) نتایج را ارزیابی کنند، این آزمایش‌ها قبل از اقدام واقعی می‌توانند پاسخ مناسبی به چالش یافتن مناسب‌ترین مدل کسب‌وکار کمک نمایند. در شرایط کرونا که بسیاری از مدل‌های پیشین کسب‌وکار ارزش پیشنهادی خود را بدون تقاضا می‌یابند؛ طراحی مدل‌های جدید کسب‌وکار الزامی است و مدیران به جای رفتارهای انفعالی و توقف برای برگشت اوضاع به شرایط قبل از کرونا لازم است با اتخاذ رویکردی فعال با استفاده از استنتاج بهترین تبیین ارزش‌های جدیدی را شناسایی کرده و مدل کسب‌وکار خود را مجدداً طراحی نمایند. (Liedtka, J., Martin, R., & Dew, N., 2007)

### ۳-۶. استفاده از استنتاج بهترین تبیین برای تحلیل رفتار مصرف‌کننده

حوزه دیگر تصمیم‌گیری راهبردی که در آن از استنتاج بهترین تبیین استفاده می‌شود، در سمت تقاضا است. در اینجا استنتاج بهترین تبیین یک روش استدلال است که ممکن است توسط تصمیم‌گیرندگان که به دنبال فرصت‌های جدید برای ورود به بازار هستند، مورد استفاده قرار گیرد. راهبردشناس گاهی اوقات برای درک برخی جنبه‌های غیرقابل اطمینان بازار، مانند ساخت سلیقه مصرف‌کنندگان جدید یا درک تغییر ترجیحات مصرف‌کنندگان این روش را مورد استفاده قرار می‌دهند تصمیم‌گیرندگان بر اساس داده‌های مربوط به بازار - از پروژه‌های بزرگ تحقیقات بازار گرفته تا مشاهدات و شهودهای شخصی - فرضیه‌هایی را در مورد فرصت‌های جدید بازار تدوین می‌کنند که ممکن است رفتار مصرف‌کنندگان را تبیین نمایند. در شرایط کرونا بسیاری از رفتارهای مصرف‌کنندگان تغییرات اساسی یافته و در نتیجه مدیریت نیازمند یافتن قواعدی قابل اتکا برای پاسخگویی به این تغییرات است. استنتاج بهترین تبیین روشی است که می‌تواند کمک

شایانی به کشف این قواعد نماید. (Liedtka, J., Martin, R., & Dew, N., 2007).

#### ۶-۴. ارتقا مهارت‌های نظریه‌پردازی مبتنی بر استنتاج بهترین تبیین

ساخت نظریه مبتنی بر بهترین تبیین پس از نمایش کارآمد این روش در هوش مصنوعی موردتوجه محققان علوم اجتماعی ازجمله مدیریت قرار گرفت. این تلاش‌ها عمدتاً در جهت یکپارچه‌سازی عناصر پدیده؛ نظریه و نتیجه صورت گرفته و تلاش‌های زیادی نزد پژوهشگران مدیریت انجام شده و در حال انجام است. در این میان سه چارچوب مهم نظریه‌پردازی که بر مبنای استنتاج بهترین تبیین شکل گرفته‌اند به اجمال معرفی می‌شوند. مطالعه عمیق این دیدگاه‌ها برای نظریه‌پردازی مبتنی بر روش استنتاج بهترین تبیین کاملاً ضرورت دارد. و می‌تواند منجر به توسعه اینگونه تفکر در مواجهه با شرایط غافلگیرکننده گردد.

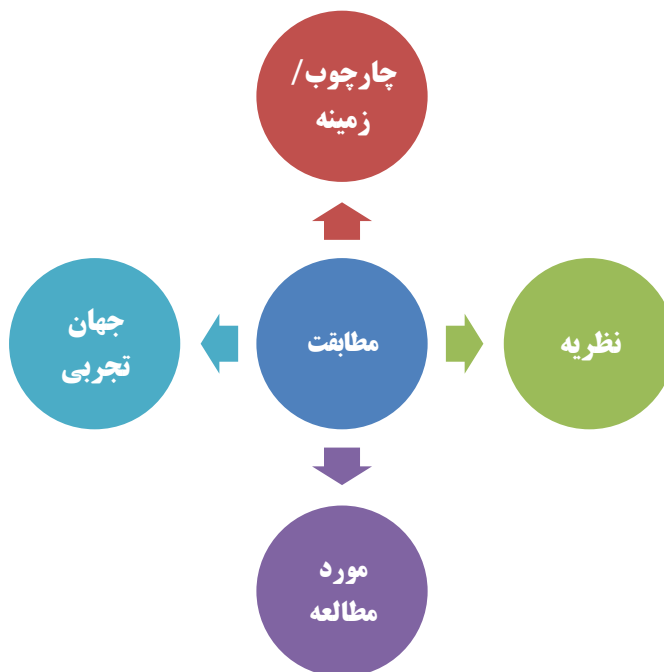
##### ۶-۴-۱. رویکرد ترکیب نظام‌مند

این محققین فرآیند ساخت نظریه را روشی غیر خطی از جریان رفت و برگشتی بین چهار عنصر زمینه؛ نظریه؛ جهان تجربی و مورد مطالعه می‌دانند به گونه‌ایی که مطابقت بین آن‌ها حاصل گردد. مشخصه اصلی این رویکرد، حرکت مداوم بین یک دنیای تجربی و یک جهان الگویی است. در طی این فرآیند، موضوعات تحقیق و چهارچوب تحلیلی هنگام رویارویی با دنیای تجربی به‌صورت پی‌درپی تغییر مسیر می‌یابند. ترکیب نظام‌مند فرآیندی است که در آن چارچوب نظری، کار میدانی تجربی و تجزیه و تحلیل پرونده به‌طور هم‌زمان تحوّل می‌یابند، و به‌ویژه برای توسعه نظریه‌های جدید مفید است. این فرآیندها بر چهار عامل تأثیر گذاشته و تحت تأثیر قرار می‌گیرند: آنچه در واقعیت اتفاق می‌افتد، نظریه‌های موجود، موردی که به‌تدریج

استنتاج بهترین تبیین: راه کار مواجهه با غافلگیرهای بحران کرونا □ ۱۱۳

تکامل می یابد و چارچوب تحلیلی. (نمودار ۹)

(Dubois, A., & Gadde, L. E, 2014. Dubois, A., & Gadde, L. E, 2002 )



نمودار ۹: عواملی که فرآیندها روی آن تأثیر می گذارند

۶-۴-۲. رویکرد حلّ معما

در این رویکرد سه گام برای تبیین پدیده های بی سابقه و خارق العاده برداشته می شود. آنچه در گام دوم انجام می شود پالایش فرضیه ها بر اساس روشی است که در مبحث انواع فرضیه ها به آن اشاره شد.

۱. آشنایی با محیطی که امر رازآلود و معماگونه در آن رخ داده و تحقیق در مورد موضوعات با روشی نسبتاً باز؛

۲. تلاش برای ارائه نظریه ای اولیه در مواجهه با معما (پدیده ناشناخته)؛

۳. انجام ارزیابی نظریه ارائه شده برای حلّ معما: نظریه ارائه شده از طریق نشان دادن (الف) ارتباط گسترده‌تر با یافته‌های تجربی، (ب) مشکلات مربوط به تبیین‌های حاصل از نظریه و یا نقدهای آن و (ج) برخی از نکات جدیدی که از طریق تمرکز بر معما حاصل شده‌اند مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

۴. فعالیت نظام‌مند برای توسعه یک درک / نظریه جدید، با الهام از شکست نظریه قبلی در اینجا، از منابع اضافی، از جمله فلسفه و نظریه اجتماعی استفاده می‌شود.

۵. حل معما از طریق ایجاد یک ایده جدید که تفسیر جدیدی ارائه می‌دهد که باعث الهام از معما می‌شود: این حرکت معمولاً با استفاده از مباحث انتقادی از تعامل بین نظریه‌های مختلف انجام می‌شود.

۶. تدوین (دوباره) راه‌حل معما به گونه‌ای که ارتباط وسیع‌تری از یک زمین خاص کسب کند و موقعیت آن را با وضوح بیشتری در رابطه با سایر تئوری‌ها قرار دهد.

به‌طور خلاصه این روش را می‌توان ۱-مشاهده امر غیرمنتظره ۲-ارائه یک قاعده تفسیری از پدیده ۳-پالایش گام دوم تا رسیدن به راه‌حل در نظر گرفت (Alvesson, M., & Kärreman, D. 2007).

### ۳-۴-۶. رویکرد نظریه‌سازی کریستنسن

#### الف. مرحله نخست: فرایند ساخت

گام اول. مشاهده: در گام نخست، محقق، پدیده مورد علاقه را مشاهده، کرده و آنچه را دیده است را به دقت توصیف و ابعاد آن را مشخص می‌کند.

گام دوم. طبقه‌بندی: در این مرحله محقق پدیده مشاهده شده را در طبقاتی قرار می‌دهد. هدف از طبقه‌بندی امکان تفکیک پدیده‌ها و ساده‌سازی

درک و تمیز آن‌ها از یکدیگر است.

گام سوم. تعریف روابط: در مرحله سوم، محقق تلاش می‌کند رابطه بین ویژگی‌های تعیین‌کننده پدیده و نتایج مشاهده شده را کشف کند. هنگامی که محقق با انجام این مراحل - مشاهده، طبقه‌بندی و ارتباط - سازه‌ها، چارچوب‌ها و مدل‌هایی را شکل می‌دهد، در واقع روند استقرایی ساخت تئوری را انجام داده است.

#### ب. مرحله دوم توسعه نظریه توصیفی

در این مرحله دو اقدام انجام می‌شود: نخست یافته‌های استقرایی از طریق آزمون قیاسی ارزیابی می‌شوند. این فرآیند از طریق طراحی فرضیه و آزمون آن‌ها انجام می‌شود. دومین اقدام برای بهبود نظریه توصیفی زمانی است که نوعی از هنجاری در چارچوب توصیفی اولیه مشاهده شود فرصتی برای اصلاح نظریه ایجاد می‌گردد. نابهنجاری وقتی بروز می‌کند که تئوری موجود قدرت تبیین رخدادی غیرمنتظره‌ای را نداشته باشد. تبیین بهترین استنتاج در این مرحله، به‌ویژه با در نظر گرفتن رخدادهای بی‌سابقه می‌تواند در اصلاح نظریه کارساز باشد. (Christensen, C. M. 2006)

#### ۷. نکته پایانی

جهان آینده پر خواهد بود از وقایع غیرمنتظره. راهبردشناسان باید رویکرد کارآگاهان را برای یافتن مجرم، الگوگیری کنند و دائماً تمرین کنند تا بتوانند واکنشی سریع و صحیح به تغییرات پی‌درپی محیطی بدهند. جهان قبل از کرونا را جهانی که گذشت تلقی کنیم و مهارت‌های خود را متناسب با سطح پیچیدگی جهان پس از کرونا ارتقاء ببخشیم. در این گذار تاریخی اگر هوشیار باشیم می‌توانیم بسیاری از عقب‌ماندگی‌های تاریخی را جبران کنیم. همه



دنیا با هم روی خط شروع هستیم!

## ۸. منابع و مآخذ

- Ansoff, R. (2018). *Implanting strategic management*. Springer.
- Alvesson, M., & Kärreman, D. (2007). Constructing mystery: Empirical matters in theory development. *Academy of management review*, 32(4), 1265-1281.
- Christensen, C. M. (2006). The ongoing process of building a theory of disruption. *Journal of Product innovation management*, 23(1), 39-55.
- Dubois, A., & Gadde, L. E. (2014). "Systematic combining"—A decade later. *Journal of Business Research*, 67(6), 1277-1284.
- Dubois, A., & Gadde, L. E. (2002). Systematic combining: an abductive approach to case research. *Journal of business research*, 55(7), 553-560.
- Freytag, P. V., & Young, L. (2018). *Collaborative Research Design*. Springer.
- Liedtka, J., Martin, R., & Dew, N. (2007). Abduction: a pre-condition for the intelligent design of strategy. *Journal of Business Strategy*.
- Lipscomb, M. (2012). Abductive reasoning and qualitative research. *Nursing Philosophy*, 13(4), 244-256.
- Nicolaidis, C., & Katsaros, K. (2011). Tolerance of ambiguity and emotional attitudes in a changing business environment. *Journal of Strategy and Management*.

## ۴. اقتصاد مقاومتی سیاستی برای نبرد با کرونا در محیط متخاصم اقتصادی

مهدی باقری میبدی<sup>۱</sup>، رضا بنی‌اسد<sup>۲</sup>

### ۱. مقدمه

گاهی اوقات ابلاغ سیاست‌های کلی نظام از سوی مقام معظم رهبری برای هضم از سوی برخی از نخبگان نیاز به زمان طولانی دارد. حال که تعاملات بین کشورها در حوزه‌های اقتصادی رو به کاهش است می‌توان اهمیت درون‌زایی و برون‌گرایی اقتصاد را بیشتر فهم کرد. فرض کنیم که در کشورها به روی مبادلات تجاری یکدیگر سال‌ها بسته باشد در آن صورت کشورهایی که به ظرفیت‌های ملی خود وابسته بوده و به رشد و توسعه آن پرداخته‌اند موفق‌تر خواهند بود. حتی اگر این درها هم به روی یکدیگر باز

---

۱. کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت بازرگانی/ دانشگاه امام صادق علیه‌السلام/ رایانامه: bagheri.m313@yahoo.com

۲. استادیار و عضو هیأت علمی دانشکده معارف اسلامی و مدیریت/ دانشگاه امام صادق علیه‌السلام/ رایانامه: baniasad@isu.ac.ir/ تاریخ نگارش: بیست و چهارم اردی‌بهشت‌ماه ۱۳۹۹.

باشد همواره کشورهایی موفق خواهند بود که در عرصه جهانی با استفاده از ظرفیت‌های ملی خود کالایی برای عرضه آماده کرده باشند.

در وضعیت کنونی ایران به جنگ دو ویروس رفته است؛ یکی ویروس کهنه تحریم‌ها که سال‌ها از سوی نظام سلطه‌ی آمریکایی-صهیونیستی به جان کشور و ملت ایران افتاده است و محیطی متخاصم و دشمن‌گونه را در مناسبات تجاری رقم زده است و دیگری ویروس کرونا که ظهور آن ناگهانی بوده و همه جنبه‌های مدیریتی، سیاسی، اقتصادی و ... کشور را تحت تأثیر قرار داده است. خوشبختانه به اذعان دوست و دشمن، با اینکه خیلی از کشورهای اروپایی در یک جبهه موفق عمل نکرده‌اند اما ایران در این برهه در هر دو جبهه کارنامه موفق‌تری داشته است. سیاستی که می‌تواند ایران را در برابر انواع تهدیدها/ مسائل/ بحران‌ها/ حوادث و آزمون‌ها واکسینه کند، همانا توجه به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است. شکی نیست که سیاست‌های ۲۴گانه اقتصاد مقاومتی سیاست‌های اقتصادی هستند. اما نباید فراموش کرد که هرگونه تکانه در این سیاست‌ها و ضعف اقتصاد اثر خود را بر سایر سیاست‌ها به جای خواهد گذاشت. در این یادداشت به بهره‌برداری از سیاست‌های اقتصاد مقاومتی برای مقابله با هر دو ویروس تحریم و کرونا سخن به میان آمده است.

## ۲. محیط‌های حاکم بر اقتصاد و محیط متخاصم

امروزه در حوزه اقتصاد و کسب‌وکار، تحلیل محیط اقتصادی عمدتاً از سه جنبه مورد بحث است:

## ۲-۱. محیط رقابتی<sup>۱</sup>

محیطی که در آن کسب و کارها با یکدیگر رقابت می‌کنند که در این حالت، برخی از کشورها در بازارهای مختلف کالا و خدمات رقیب ما هستند.

## ۲-۲. محیط همکاری<sup>۲</sup>

محیطی که در آن همکاری وجود دارد و ما می‌توانیم در خصوص کالاها و خدمات خود با برخی از کشورها و شرکت‌های خارجی همکاری داشته باشیم. همکاری<sup>۳</sup> هم به همکاری درونی ارگان‌های اقتصادی و هم به همکاری با کشورهای دوست توجه دارد. از یک‌سو، می‌توان به همکاری‌های بخش خصوصی و دولت نیز به‌عنوان یک مزیت راهبردی همکاری توجه کرد. استراتژی تعامل کشور ما در سطح بین‌المللی می‌تواند مشارکتی (همکاری با یک یا چند رقیب برای کسب مزیت علیه سایر رقیبان) بوده و نشان می‌دهد که یک کشور چگونه باید در یک محیط تعاملی با برخی از کشورها تعامل و همکاری داشته باشد.

همکاری، به ارتقای عملکرد شرکت‌ها با اشتراک‌گذاری منابع و قابلیت‌ها می‌پردازد. این رویکرد به شرکت‌ها در ایجاد و تقویت مزیت خود با استفاده از اتحادهای استراتژیک و شبکه‌ها کمک می‌کند. ایجاد این مدل از رابطه‌ها برای شرکت‌ها منجر به استفاده از منابع ارزشمند دیگران شده و درنهایت به همکاری خواهند رسید.

## ۲-۳. محیط همکاری مبتنی بر اعتماد

همکاری مبتنی بر اعتماد عبارت است از توافق بین مجموعه‌ای از

---

1. competitive Environment

2. Cooperative Environment/Collaborative Environment

3. Collaborative Advantage

مشارکت‌کنندگان برای رسیدن به اهداف مشترك يا نتیجه خاص در يك فرايند مشترك (۲).

همکاری مبتنی بر اعتماد یعنی کار با یکدیگر بویژه در يك تلاش مشترك عقلانی، کار کردن با یکدیگر در برگیرنده هدایت و مدیریت همکاری‌های بین گروهی با وابستگی متقابل است که در رسیدن به هدف نهایی مشترك نقش کلیدی دارند. این نوع همکاری، يك مدیریت دانش است که جریان دانش بین اعضای شبکه همکاری را تسهیل می‌کند (۶) همچنین به‌عنوان يك روش کار مؤثر، ارادی و دارای فرآیندهای مشترك بین دو یا چند نهاد است که دارای شناخت، چشم‌انداز، منابع و اهداف مشترکی هستند (۱).

در همکاری مبتنی بر اعتماد، نهاد، شخصیت حقوقی مستقل خود را حفظ خواهد کرد و برای تصمیم‌گیری در خصوص قطع یا ادامه همکاری کاملاً آزاد است و استقلال و آزادی عمل نهاد به مخاطره نمی‌افتد (۷). این نوع همکاری به‌عنوان یک سازکار اهرمی کردن منابع (۴) بوده و فرآیندی است که می‌تواند نتایج مطلوب برای سازمان به همراه آورد و درنهایت عامل کلیدی برای ایجاد زیرساخت‌های اجتماعی است (۳).

#### ۲-۴. محیط هم‌رقابتی

اخیراً نوعی از محیط به نام "هم‌رقابتی"<sup>۱</sup> هم در عرصه تحلیل‌های راهبردی اقتصاد و کسب‌وکار ظهور کرده که در برخی جهات همکاری و در برخی جهات دیگر رقابت را توصیه می‌کند.

همکاری با رقیب علاوه بر اینکه ویژگی‌های همکاری را داراست، به‌جای یک رابطه با دوستان، با رقبا خواهد بود. روابطی که منجر به ایجاد یا توسعه یک

<sup>۱</sup>. Coopetitive Environment

بازار جذاب برای دو طرف شده و در نهایت رقابت در سهم بازار. این استراتژی به استراتژی‌های همکاری و ائتلاف‌های استراتژیک شبیه است لیکن ائتلاف استراتژیک بین دو یا چند شرکت غیررقیب تعریف می‌شود درحالی که در همکاری با رقبا بین شرکت‌های رقیب شکل می‌گیرد. بدین معنا که در رقابت همکارانه طرفین همزمان رقابت و همکاری را دارند. همچنین تفاوت دیگر این نوع همکاری با ائتلاف استراتژیک در این است که در ائتلاف، یک یا چند هدف مشترک وجود دارد ولی در رقابت توأم باهمکاری هر یک از طرفین هدف متفاوت از دیگری را پی می‌گیرد. یکی از مزیت‌های رقابت همکارانه این است که موجب تسریع تحقیق و توسعه شده و کاهش هزینه‌ها را در پی دارد. در عین حال به محصولات تنوع داده و درنهایت منجر به افزایش سطح رضایت مصرف‌کننده می‌شود. هرچند این‌گونه روابط ممکن است منجر به ایجاد تنش‌هایی شود اما ممکن است این تنش‌ها مخرب نبوده و حتی سطح متعادل از این‌گونه فشارها را برای تقویت رقابت مبتنی بر همکاری مفید دانست.

## ۲-۵. محیط متخاصم

اما نوع پنجمی از محیط که از سنخ هیچ‌کدام از محیط‌های رایج در بررسی‌های اقتصادی و کسب‌وکارها در ادبیات متعارف نیست و بر اقتصاد ما اثرگذار است، **محیط متخاصم** نام دارد. محیطی که در آن کشوری، دشمن کشور دیگر است و با انواع حربه‌ها و ابزارهای اقتصادی همچون تحریم‌ها و تروریسم اقتصادی، سیاست‌های پولی و مالی، استثمار نفت و انرژی در صدد نابودی سایر کشورهاست. مصداق محیط متخاصم، امروزه در بالاترین شکل خود، در درجه اول، بین آمریکا و ایران و در درجه‌های بعد، بین آمریکا با چین و اتحادیه اروپا وجود دارد.

امروزه در جنگ نرم اقتصادی با نظام سلطه، محیط کسب‌وکارهای کشور از نوع محیط رقابتی سالم یا ناسالم نیست بلکه از نوع متخاصم است. بنابراین، باید نظام اقتصادی دشمن را شناخت و برای مقابله با آن، با اسلحه‌ی اقتصادی متناسب مبارزه نمود. همان‌طور که در جنگ نظامی توپ، تانک، هواپیما، موشک و سایر جنگ‌افزارها می‌تواند کشور را از جنگ نظامی نجات دهد، در محیط متخاصم اقتصادی نیز اسلحه‌های اقتصادی می‌توانند کشور را در آمادگی مبارزه و دفاعی با دشمنان قرار دهد.

در محیط متخاصم، نبرد با کرونا، چند بعدی و پیچیده‌تر است؛ زیرا از یک‌سو، نظام سلطه به دنبال نابودی اقتصاد کشور است و جنگ ارزی و انواع تحریم‌ها و غیره را در دستور کار خود قرار می‌دهد و از سوی دیگر، مبارزه با ویروس انرژی بالایی می‌طلبد. درسی که ویروس کرونا در محیط متخاصم اقتصادی به ما می‌دهد، قوی‌شدن است. زیرا در صورتی در اینگونه محیط‌ها پیروز خواهیم بود که از نظر اقتصاد، سیاست و فرهنگ روی پای خود ایستاده و ظرفیت‌های بی‌شمار داخلی را به کار گیریم. برای بهره‌برداری از ظرفیت‌ها و تولید انواع جنگ‌افزارها در محیط متخاصم برای جنگ با دشمن، نقشه و سیاست‌های کلی آن‌که همانا اقتصاد مقاومتی است از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی ابلاغ شده است؛

رهبر معظم انقلاب اسلامی در چارچوب دهه پیشرفت و عدالت و متناسب با آرمان‌های چشم‌انداز بیست‌ساله نظام، نام‌گذاری سال‌های اخیر را به اقتصاد کشور اختصاص دادند؛ "اصلاح الگوی مصرف، سال ۱۳۸۸"، "همت مضاعف و کار مضاعف، سال ۱۳۸۹"، "جهاد اقتصادی، سال ۱۳۹۰"، "تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، سال ۱۳۹۱"، "حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی، سال ۱۳۹۲"، "اقتصاد و فرهنگ، با عزم ملی و مدیریت جهادی، سال

اقتصاد مقاومتی سیاستی برای نبرد با کرونا در محیط متخاصم اقتصادی □ ۱۲۳

۱۳۹۳"، "دولت و ملت، همدلی و هم‌زبانی، سال ۱۳۹۴"، "اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل، سال ۱۳۹۵"، "اقتصاد مقاومتی، تولید و اشتغال، سال ۱۳۹۶"، "حمایت از کالای ایرانی، سال ۱۳۹۷"، "رونق تولید، سال ۱۳۹۸" و "جهش تولید سال ۱۳۹۹"، مهم‌ترین قطعات جورچین دهه پیشرفت و عدالت در اقتصاد کشور هستند. با ورود اصطلاح اقتصاد مقاومتی از سال ۱۳۹۲ به عرصه ادبیات ملی و رایج کشور، نظام‌های دانشگاهی و فعالان اقتصادی مفاهیمی جدید و نوین را در راستای پیشبرد اهداف اقتصادی انقلاب به کار گرفتند. به‌کارگیری واژگانی همچون "جهاد"، "تولید ملی"، "حماسه"، "مقاومت"، "مدیریت جهادی" و ... بیانگر این است که موفقیت ملی اقتصاد ما وابسته به رویکردی نوین و جدید است که در هیچ‌یک از کتاب‌ها و گزارش‌های اقتصاد متعارف منعکس نشده است. بنابراین، لازم است هر یک از مفاهیم فوق هم از نظر مبنایی و هم از نظر هدف به‌طور جدی در عرصه اقتصاد، ساری و جاری شده و ظرفیت‌های جدیدی در حوزه اقتصاد خلق شود. مفاهیم فوق در مکتب اقتصادی ما بار معنایی بسیار متفاوتی از آنچه در مکاتب اقتصادی دنیا وجود دارد را مطرح می‌کنند و توجه بیش از پیش مسئولان، فعالان اقتصادی و مردم را در این حوزه برای پیروزی در عرصه‌های مختلف می‌طلبد.

بنابراین، آزمون کرونا این پیام مهم را برای کشور ما دارد که اهمیت اقتصاد مقاومتی برای رشد و توسعه کشور در زمان کرونا و پس از آن نه تنها کمرنگ نشده است، بلکه به دلیل کاهش تبادلات بین کشورها بویژه در کالاهای استراتژیک همچون نهاده‌های دامی، صنایع غذایی و دارویی بسیار اهمیت یافته است.

در عرصه بین الملل، جهان امروز در معادلات قدرت، تمرکز خود را بر عرصه نبرد فرهنگی، اقتصادی، سایبری، فناوری و سیاسی و حتی ترکیبی از این‌ها



معطوف داشته است. هر کشوری که از توانمندی و دانش استراتژیک و عملیاتی بیشتری برخوردار باشد، کفه ترازو را به نفع خود سنگین‌تر خواهد کرد. رویکرد و تعاملات پیچیده محیط بین‌الملل در حوزه اقتصاد حداقل گویای تحولات جدی زیر در عرصه جهانی است:

۱- نبردهای جهانی و تحمیل قدرت یک کشور بر کشور دیگر چندبُعدی است. به عبارت دیگر، همواره دشمنان از نبرد فرهنگی (مانند شیوع ماهواره‌ها در ایران)، نبرد اقتصادی (همچون تحریم‌ها)، نبرد سیاسی (مانند انرژی هسته‌ای) و نبرد فناوری (مانند جنگ سایبری و حملات مختلف آن) و سایر سناریوها، توأمان جهت براندازی و تحمیل قدرت خود بر جمهوری اسلامی استفاده می‌کنند. رویکرد چندبُعدی در کشور ایران بسیار پررنگ‌تر از سایر کشورهاست. امروزه در عرصه تحمیل قدرت‌ها، اقتصاد همچون محور سنگ آسیاب است تا جایی‌که متخصصان در این زمینه از تسلیحاتی کردن ابزارهای اقتصادی نام می‌برند.

۲- کشور ایران به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خود از یک‌سو، و از سوی دیگر، به دلیل وجود اسلام ناب شیعی در آن، برای دشمنان به عنوان برج دیده‌بانی است که اگر تصاحب شود گویا خاورمیانه و بلوک شرق (روسیه) به تصاحب درآمده است. برخلاف لفاظی‌های روزمره مستکبران، مشکل اصلی آنان، دین و اصل نظام جمهوری اسلامی است.

۳- در عصر کنونی کشورها تلاش خود را بر نظامی‌کردن و تسلیحاتی‌کردن حوزه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، فناوری، اقتصادی و سایبری متمرکز می‌کنند. درواقع عصر کنونی، عصر تنوع و پیچیدگی جنگ‌افزارها شده است؛ جنگیدن هم‌زمان در جبهه کرونا و جبهه اقتصادی نیاز به توانی مضاعف و جنگ‌افزارهایی پیچیده‌تری دارد.

۴- انقلاب فضای مجازی، جنگ افزارهای فضایی و همچنین تفکر و اندیشه غربی‌ها در مورد به‌کارگیری انواع فناوری‌ها به‌مثابه ابزاری تسلیحاتی امری رایج است. همان‌طور که شوارتزر (۲۰۲۰) بیان می‌کند: رقابت برای کنترل فناوری‌های مهم و جدید همچون هوش مصنوعی، رایانش ابری، اینترنت کوانتومی، نسل پنجم اینترنت (5G) مدت‌هاست که در حال انجام است. قدرت در نوآوری و مزیت فناوری ارتباط مستقیمی با امنیت یک کشور دارد. (۵)

۵- یکی دیگر از تحولات جدی این عصر، رشد تحقیقات استراتژیک در حوزه‌های مختلف است؛ بحث‌های مربوط به ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواقتصاد (ژئو اکونومی) به حفظ برتری قدرت در نظام بین‌الملل رو به افزایش است.

حال که در محیط پیچیده و پویای فعلی، اقتصاد، محورِ اشراف دفاعی-امنیتی و ترازیبی قدرت منطقه‌ای و جهانی است، بنابراین، نقش مهمی را در تولید قدرت در هر کشوری داشته، به‌طوری‌که کشورها می‌توانند اراده خود را از این طریق اقتصاد ژئوپلیتیکی بر سایر کشورها تحمیل کنند.

### ۳. چشم‌انداز اقتصاد مقاومتی در مواجهه با محیط متخاصم

به باور حضرت آیت‌الله جوادی آملی در تبیین اقتصاد مقاومتی، دین و اعتقاد ستون فقرات، و اقتصاد ستون فرعی حفظ مملکت و جلوگیری از هرگونه آسیب است. دشمنان با فتنه<sup>۱</sup> و فساد کبیر ستون فقرات اصلی و فرعی این

---

۱. در تفسیر نمونه، فتنه به معنای ایجاد اختلاف و پراکندگی و تزلزل در مبانی عقیدتی مسلمانان بر اثر وسوسه‌های دشمنان است که امروزه شاید بتوان از آن به مثابه جنگ نرم یاد کرد. و فساد کبیر هرگونه نابسامانی و خرابات نظام‌های مختلف اجتماعی را شامل می‌شود که امروزه شاید بتوان از آن به مثابه جنگ سخت و نیمه‌سخت یاد کرد (تفسیر نمونه جلد ۲ ص ۲۶۶).

نظام را هدف گرفته‌اند.<sup>۱</sup>

بنابراین، به نظر می‌رسد ستون فقرات اقتصاد مقاومتی، چشم‌اندازی است که از قرآن کریم احصا شده و جهت دهنده همه امور اقتصادی و البته دشمن‌شناسی و تجهیز در برابر آن است. با بررسی سوره انفال و همچنین بررسی بیانات و فرمایشات مقام معظم رهبری<sup>۲</sup> بخش اول آیه ۶۰ سوره انفال که تاکنون ۱۶ بار به طور مستقیم در بیانات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به کار رفته است، به مثابه چشم‌انداز راهبردی اقتصاد مقاومتی (با محوریت دشمن‌شناسی و تجهیز در برابر آن) و به‌عنوان ستون فقراتی که حضرت آیت‌الله جوادی آملی از آن یاد کردند باید مبنای نبرد با دشمنان در محیط متخاصم باشد. دو نمونه از بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در این زمینه عبارت است از:

[ نیروهای مسلح] همیشه منتظر توطئه‌ها، ضربه‌ها و تعدّی‌ها و تجاوزهای دشمنان باید باشد؛ خود را آماده نگه دارد. این دستور قرآنی است: «و اعدّوا لهم ما استطعتم من قوّة و من رباط الخیل». این آمادگی، یک وظیفه‌ی عمومی ملّی است، اما بالخصوص متوجه به نیروهای مسلح است.

منظور از قوّه در آیه شریفه توانمندی و قدرت است که به اقتضای زمانه و اجتماع می‌تواند در هر عنصری اعم از سیاسی، نظامی، اقتصادی،

۱. برگرفته از سخنرانی حضرت آیت الله جوادی آملی در دیدار جمعی از مسئولین و اعضای انجمن اسلامی وزارت اقتصاد و دارایی با ایشان در شهریور ۹۱ / 000y5R / asriran.com

۲. این سوره در واقع از آمادگی، صلح، جنگ، انواع دشمنان، نقشه‌های آنان و همچنین پاداش‌های اخروی مجاهدان بحث می‌کند. رهبر معظم انقلاب اسلامی در بیانات و سخنرانی‌های خود فراوان از آیات این سوره استفاده کرده‌اند. برای اطلاع بیشتر مراجعه شود به «آیات استفاده شده از سوره انفال در بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی به آدرس اینترنتی:

<http://farsi.khamenei.ir/newspar-index?sid=8&npt=7#44058>

فرهنگی و علمی ظهور پیدا کند. در زمانی منظور از قوه ظهور تفنگ و سلاح بود، اما اکنون در هرآنچه که سبب تفوق بر دشمن گردد قابل استفاده است. «آنچه درباره‌ی آن باید آمادگی ایجاد کنید، اولاً "قوه" است... "قوه" یعنی قدرت، یعنی توان و نیرو»<sup>۱</sup>، «فقط هم قوه‌ی نظامی نیست؛ البته قوه‌ی نظامی هم هست اما فقط قوه‌ی نظامی نیست»<sup>۲</sup>. «قوه اعم است از قوه‌ی مادی و معنوی، از قوه‌ی اقتصادی و نظامی، از قوه‌ی علمی و اخلاقی»<sup>۳</sup>.

از مهمترین پیش نیازهای سیر تکاملی دولت‌ها پیشرفت و توانمندی علمی است. در سایه علم است که قدرت و ثروت و اقتدار محقق خواهد شد. از مهمترین مصادیق قوه تقویت توان علمی است. «همه‌ی حرکت موقّی مجموعه‌های گوناگون بشری ابتدائاً در سایه‌ی علم انجام گرفته؛ در سایه‌ی علم است که به قدرت، به ثروت، به اقتدار بین‌المللی، به عزّت دست پیدا میکنند؛ این همه هم که در اسلام روی علم تکیه شده، به‌خاطر این است. پس یک بخش مهم از "قوه" عبارت است از علم»<sup>۴</sup>.

این چشم‌انداز راهبردی پویا و تحول‌آفرین، می‌تواند همواره «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ بِأَسَدٍ»<sup>۵</sup>.

در سوره انفال و سایر سوره‌ها آیاتی در زمینه صلح و همچنین نبرد با دشمنان مطرح شده است. اما با توجه به هدف متعالی ما در دشمن‌شناسی و تحلیل محیط متخاصم که همان بازدارندگی است و نه جنگ و خونریزی<sup>۶</sup> و همچنین عمومیت آیه می‌توان آن را عنوان چشم‌انداز راهبردی نبرد در محیط

۱. بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین (ع) ۲۱/۰۷/۱۳۹۸

۲. بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی ۲۷/۱۱/۱۳۹۵

۳. بیانات در دیدار مسئولان نظام ۲۵/۰۳/۱۳۹۵

۴. بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین (ع) ۲۱/۰۷/۱۳۹۸

۵. این هدف اصلی نیز در بیانات مقام معظم رهبری به وفور به چشم می‌خورد.

متخصص در نظر گرفت. چند ویژگی مهم این آیه برای چشم‌انداز راهبردی در حوزه اقتصاد مقاومتی عبارت است از:

- توقف‌ناپذیر است (عمومیت مَا اسْتَطَعْتُمْ) و نکره‌بودن (مَنْ قُوَّة) با توجه به معنای وسیع قُوَّة؛
- هیچ‌وقت کهنه نمی‌شود (برای همه عصرها و دوران قابل‌استفاده است)؛
- غرورآفرین است (باعث تحرّک و نشاط در دفاع از دین خداوند می‌شود)؛
- تجمیع‌کننده تمامی قوای نظامی، انتظامی، دفاعی و مردمی. ایجاد یک آهنگی<sup>۱</sup> است (ارتش، بسیج، سپاه پاسداران، وزارت دفاع، و به‌طورکلی همه نیروهای مسلّح جمهوری اسلامی ایران، دولت و قوای سه‌گانه و بخش خصوصی و نهادهای اجتماعی است)<sup>۲</sup>.

---

۱. با نگرش به تنوع مأموریت‌های نیروهای مسلح کشور - اعم از ارتش، سپاه، بسیج و نیروی انتظامی - که در کنار یکدیگر، پاسداری از امنیّت ملی و نظام جمهوری اسلامی ایران را عهده‌دار هستند، برای يك آهنگی هرچه بیشتر نیروهای مسلّح، مقرر می‌گردد... (فرمان رهبر معظم انقلاب اسلامی به دکتر فیروزآبادی و سرلشکر محسن رضایی برای تغییر عنوان «ستاد فرماندهی کل قوا» به «ستاد کل نیروهای مسلح» و «ستاد کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» به «ستاد مشترك سپاه پاسداران انقلاب اسلامی» مورخه ۱۳۷۵/۱۰/۲۵).

۲. کشورها و شرکت‌های بزرگ غربی وقتی با تمام وجود یک چشم‌انداز را برای خود ترسیم می‌کنند با روش‌های مختلف سعی می‌کنند آن را در اذهان تک‌تک نیروهای خود جا بیندازند. بدین منظور اگر این آیه به عنوان چشم‌انداز راهبردی اقتصاد مقاومتی شناخته شود لازم است که در اتاق‌های تک‌تک مسئولین نصب شود و همچنین سرودهای مختلف برای آن طراحی و خوانده شده و طرح تفصیلی آن به زبان‌های مختلف ترجمه و منتشر شود.

- در وَأَعِدُّوا کلمه اعداد به معنای تهیه کردن چیزی است تا انسان با آن چیز به هدف دیگری که دارد برسد، که اگر قبلاً آن را تهیه ندیده بود به مطلوب خود نمی‌رسید (ترجمه المیزان).
- لَهُمْ: به دشمنان، منافقان، کافران و متخاصمین و نظام سلطه اشاره دارد.
- مَا اسْتَطَعْتُمْ: به معنای «هر آنچه در توان دارید» است.
- مَنْ قُوَّةٍ (قوه): به معنای هر چیزی است که باوجودش کار معینی از کارها ممکن می‌شود (ترجمه المیزان).

با توجه به اینکه یکی از قدرتها و نیروها، نیروهای اقتصادی است لذا می‌توان به‌خوبی از این آیه در تدوین برنامه راهبردی برای اقدام و عمل اقتصاد مقاومتی بهره‌برداری کرد.

#### ۴. نبرد راهبردهای رحمانی و راهبردهای شیطان‌ی در محیط متخاصم اقتصادی

راهبرد علم و هنر حفظ امنیت در جامعه و پیروزی بر متخاصمین، نظام سلطه و استکبار بین‌المللی است. طرح راهبردی، به دنبال جایگزینی وضعیت مطلوب به‌جای وضعیت نامطلوب و تحقق پیروزی در این مسیر است که ممکن است در بخش‌هایی از وضعیت نامطلوب فعلی (در صورت وجود) تغییر صورت گیرد تا وضعیت مطلوب حاصل شود یا اینکه به‌کلی وضعیت نامطلوب قبلی با وضعیتی جدید جایگزین شود.

در عرصه جدال و نبرد قطب خیر و شر همواره طرح‌های راهبردی رحمانی (همچون طرح‌های راهبردی نظام اسلامی که حافظ دین و امنیت داخلی و خارجی مردم هستند) با طرح‌های راهبری شیطان‌ی (طرح‌های متخاصمین و نظام سلطه و دشمنان داخلی) در نبرد هستند. هر چه طرح‌های راهبردی نظام

به طرح‌های رحمانی نزدیک‌تر باشند در عرصه بازی مجموع صفر<sup>۱</sup> نظام جمهوری اسلامی ایران برنده و کشورهای متخاصم همچون آمریکا و رژیم نژادپرست صهیونیستی بازنده‌اند. عرصه بازی مجموع مثبت<sup>۲</sup> با کشورهای دوست و همکار در سطح منطقه و جهانی صورت می‌گیرد که این تعاملات اقتدار ملی را برای کشورهای همکار در برابر متخاصمین به ارمغان خواهد آورد و در واقع همه کشورهای فعال در این بازی منتفع خواهند شد.

بررسی پژوهش‌ها و مطالعات مراکز مطالعات راهبردی در اقصی نقاط دنیا همچون انسیتوتو بروکینز حاکی از این است که ایران به‌عنوان یکی از محورهای مهم تحقیقات آن‌ها به شمار آمده و کتاب‌ها، مقالات، گزارش‌ها و مستندات تلویزیونی فراوانی درباره آن تهیه و تولید شده است.<sup>۳</sup>

و فور این تحقیقات و بررسی‌ها حاکی از این است که ایران یک بازیگر ابرقدرت در عرصه‌های مختلف جهانی است. لذا دو قطب دافعه‌ای ایران با نظام سلطه و صهیونیسم جهانی منجر به اقدام راهبردهای هجومی و حتی تدافعی علیه یکدیگر می‌شود. البته ناگفته نماند که به لطف خداوند متعال و رهبری فرزانه انقلاب اسلامی، بزرگ‌ترین استراتژیست‌های غربی از حیرت انگشت به دهان گرفته‌اند و منتظر کسینجرهای نجات‌بخش برای کشور آمریکا هستند، چرا که با وجود این همه شک، راهبرد و سناریو در قلب دولت و ملت ایران، کارگر نمی‌افتد و فقط در برهه‌هایی از زمان، خراشی جزئی را بر بدنه این پیکر واحد و ملی به وجود می‌آورد که با بصیرت مردم، توطئه‌ها خنثی شده و با پاسخ دندان‌شکن نظام اسلامی، فتنه‌ها از بین می‌رود. اما

1. Zero sum game

2. Positive sum game

۳. به عنوان مثال به کتاب زیر مراجعه کنید که سناریوهای مختلف سیاستی و راهبردی برای براندازی ایران در آن مشخص شده است.  
Pollack, K. M. (2009). *Which path to Persia?: Options for a new American strategy toward Iran*. Washington D.C: Brookings Institution Press.

در هر صورت بنا بر توصیه‌های فرماندهی کل قوا، هیچ‌وقت نباید از دشمن غافل بود و هر آنچه در توان داریم برای صیانت و حفظ امنیت داخلی و خارجی به کار بگیریم.

## ۵. تحلیل شواهد و مسائل شکل‌دهنده محیط متخاصم

برای شناخت دقیق‌تر و لزوم مطالعه محیط متخاصم برخی از مسائل و شواهد شکل‌دهنده آن‌ها به صورت زیر تحلیل می‌شود:

- در عرصه‌های نظامی و جنگ‌افزارها، همواره بین کشورها، موازنه‌ی قدرت وجود ندارد. برخی به دلیل دانش نوآوری و فناوری‌های نوین، از دیگر کشورها جلوتر هستند؛ به عبارت دیگر، تراز راهبردی قدرت نظامی آن‌ها مثبت است. همانند وضعیت فوق در تراز نظامی، در حوزه اقتصاد بین کشور ما و کشورهای متخاصم نیز طراحی تراز راهبردی ضروری است. کشور ما با برخی از کشورهای متخاصم همچون رژیم صهیونیستی و آمریکا دائماً در جابجایی عوامل این تراز راهبردی است. لازم است در این پژوهش معرفت ما نسبت به تحلیل تراز راهبردی قدرت اقتصادی و شناخت شکاف‌های راهبردی بین کشور ما با کشورهای متخاصم و فقدان ظرفیت‌ها افزایش یابد.
- یکی از اقداماتی که در کشورهای غربی و نظام سلطه در حال رشد بوده و مبنای مطالعه قرار گرفته است، دفاعی<sup>۱</sup>، امنیتی<sup>۲</sup>، نظامی<sup>۳</sup> و تسلیحاتی<sup>۴</sup> کردن اقتصاد است. وجود پژوهش‌هایی در پایگاه‌های اطلاعاتی کشورهای متخاصم و سایر کشورها گویای این است که

---

<sup>۱</sup>. defensibility of economics

<sup>۲</sup>. securitization of economics

<sup>۳</sup>. Militarization of economics

<sup>۴</sup>. Weaponization of economics



نظامی‌کردن جنبه‌های اقتصاد و پس از آن تسلیحاتی‌کردن آن‌ها از اولویت‌های بارز جنگ‌های نوین امروز است. مسئله جدی که در کشور ما وجود دارد این است که ما هم در جنبه‌های دفاعی اقتصاد برای جلوگیری از ضربه‌های احتمالی دشمن و هم در نظامی‌کردن و تسلیحاتی‌کردن آن نیازمند تلاش بیشتر هستیم.

- ظرفیت‌های فراوانی در کشور وجود دارد که مغفول واقع شده‌اند؛ این ظرفیت‌ها طیف بسیار وسیعی از ظرفیت‌های روستایی تا کلان‌شهرها را شامل می‌شوند. امروزه کشورهای متخاصم به تسلیحاتی‌کردن فضا و اقتصاد فضا نیز می‌اندیشند و جنگ‌افزارهای خود را بر این اساس طراحی می‌دهند. در صورتی که در کشور ما برخی از قابلیت‌ها و ظرفیت‌های بزرگ (بهره‌برداری از انرژی‌های خورشیدی و نو در اقتصاد)، دریایی (همچون اشتغال در دریا)، سایبری (اطلاعات راهبردی، ارتباطات و ارگان‌های انرژی‌زا) وجود دارد که مغفول واقع شده‌اند. برخی از ظرفیت‌های ملی کشور زمانی شناسایی و شکوفا می‌شوند که تسلیحات اقتصادی دشمن شناخته شوند؛ در تراز راهبردی وضعیت ظرفیت‌های دشمن بررسی شده و برای فقر ظرفیتی خود در این زمینه برنامه‌ریزی کنیم.

- بررسی فرمایشات رهبر معظم انقلاب اسلامی در حوزه اقتصاد مقاومتی نشان می‌دهد که اصولاً اقتصاد مقاومتی، برای کاهش آسیب‌پذیری‌های خارجی طراحی شده است. در اغلب فرمایشات ایشان در کنار تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی به دشمن هم اشاره شده است. بنابراین، در تمامی شئون و حوزه‌های اقتصادی مقاومتی باید نقش دشمن را پررنگ دید.

- دولت نباید بار اقتصاد مقاومتی را صرفاً بر دوش خود ببیند بلکه برای این مهم لازم است که تعامل خود را با بخش خصوصی در بر عهده گرفتن برخی از امور بیشتر کند. رابطه بخش خصوصی با دولت می‌تواند به صورت تعاملی، همیاری و یا مکمل باشد: الف) تعاملی: بدین معنا که برخی از اقدامات اقتصاد به وسیله بخش خصوصی و برخی به وسیله بخش دولتی انجام شوند؛ ب) همیاری: توان بخش خصوصی می‌تواند در مواقع ضروری همیار دولت و اقتصاد کشور باشد؛ ج) مکمل: در نظام اقتصادی کشور، برخی از مسائل بخش خصوصی و برخی دیگر را دولت تنظیم و تکمیل می‌کنند تا رشد و توسعه اقتصادی همه جانبه با بهره‌برداری حداکثری از توان ملی اتفاق بیفتد.
- امروزه در کشور ما وزن "اقتصاد مقاومتی در تئوری و نظر" بیشتر از "اقتصاد مقاومتی در اقدام و عمل" است. مطالعات پژوهشگر در زمینه‌ی تسلیحاتی کردن اقتصاد در حوزه امنیت ملی نشان می‌دهد که متخصصان بر اساس مکاتب اقتصادی خود همچون نئولیبرالی یا سرمایه‌داری، جنبه‌هایی از تسلیحاتی کردن را بررسی و آن را برای فلج کردن اقتصاد کشورها همچون ایران به کار گرفته‌اند. حال آنکه ما در کشور به مکتب بومی و اسلامی خود تحت عنوان اقتصاد مقاومتی توجه چندانی نکرده‌ایم تا از طریق آن بتوانیم، برخی از جنبه‌های نوین و جدید آن را کشف، استخراج، مدل‌سازی و سرانجام نظامی و تسلیحاتی کنیم. از دیدگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی، اقتصاد مقاومتی چندین خرده نظام اساسی دارد؛ لازم است مبانی اصلی و زیر بنایی آن همچون اقتصاد کارآفرین و اقتصاد دانش بنیان مورد توجه

اساسی و جدی قرار بگیرد. این مبانی، طرحی نو برای مبارزه با محیط متخاصم اقتصادی است.

- دغدغه‌ها، تأکيدها و سياست‌های کلان ابلاغ شده از سوی مقام معظم رهبری، بيانگر این است که در کشور ظرفیت‌هایی بلااستفاده در حوزه اقتصاد وجود دارد. کشور ما همچون سایر کشورها، در محیط پیچیده و پویای جهانی در حال ادامه حیات است. در درون محیط اقتصادی کشور، فهرستی از نقاط مثبت و منفی وجود دارد. نقاط مثبت همان نقاطی هستند که ظرفیت‌های اقتصادی ما را مشخص کرده و امکانات موجود ما را در تراز راهبردی قدرت تعیین می‌کنند و بر این اساس تراز کشور در فهرست نقاط مثبت تراز مثبت خواهد بود. اما در محیط ملی و منابع داخلی، فقدان ظرفیت‌ها و ظرفیت‌های بلااستفاده وجود دارد درحالی‌که سایر کشورها کم‌وبیش از آن بهره برده‌اند. این نقاط منفی، اثر منفی بر تراز راهبردی کشور ما دارد. عوامل منفی موجود در تراز راهبردی قدرت، بیانگر اولویت‌های ما هستند تا شکاف‌های راهبردی موجود در آن‌ها را شناسایی کرده و استراتژی‌های ظرفیت‌سازی متناسب با آن‌ها تهیه و تدوین شود.
- در کشور ما در سطح کلان اقتصاد، به آمایش برّی (خشکی) نسبت به سایر آمایش‌ها بیشتر توجه می‌شود. شاهد این مسئله، مصوبات برنامه پنجم است که کشور را فقط به نُه کلان منطقه برّی تقسیم کرده است. حال آنکه امروزه آمایش دریایی، آمایش هوایی، آمایش فضایی و آمایش سایبری از ضرورت‌های حساس و نوین عصر کنونی ماست. تاکنون حملات سایبری مختلفی در کشور ما تجربه شده است. بنابراین ضرورت توجه بیشتر در این حوزه لازم است. کشور آمریکا

برنامه‌های مفصلی برای تسلیحاتی‌کردن فضا به کار گرفته است. تسلیحاتی‌کردن سایبر از اهم مسائل عصر نوین است. لذا تأسیس سازمان‌ها به معنای متولی داشتن این دو حوزه بسیار کلیدی و مهم در سطح کلان و راهبردی کشور است. در حوزه اقتصاد، همانند سایر حوزه‌ها، لزوم توجه به تسلیحات اقتصادی هواپایه، زمین پایه، دریایه، فضاپایه و سایبرپایه ضروری است. مطالعات نشان می‌دهد که اقتصاد کشور در ۵ حوزه فوق، باید بیش از این، تسلیحاتی و نظامی شده و تحقیقات دانش‌بنیان عمیقی در این زمینه صورت گیرد. البته وجود این مسئله به معنای عدم وجود دستاوردهایی در این زمینه نیست، بلکه محیط پیچیده و پویا ضرورت تسلیحات و جنگ‌افزارهای نوین و بروز را برای کشور توصیه می‌کند.

## ۶. نتیجه‌گیری

بنابراین، با توجه به ضرورت فرصت‌یابی و تهدیدشناسی در حوزه اقتصاد که متخاصمین همواره تاکتیک‌ها و استراتژی‌های محیطی خود را تغییر می‌دهند لازم است کشور ما در سطح راهبردی و سیاستی به تحلیل محیط متخاصم بر اساس شکل دادن تراز راهبردی قدرت بپردازد. با توجه به اینکه امروزه یکی از محوری‌ترین عناصر تراز راهبردی قدرت در عرصه جهانی، اقتصاد است، لذا هر کشوری می‌کوشد این بازی را به نفع خود تغییر دهد. ایران هم به دلایل مختلف همچون موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک دریایی (خلیج فارس و دریای خزر)، بری (انواع معادن، منابع غنی، وسعت جغرافیایی) سرمایه اجتماعی و انسانی ملی، می‌تواند در سطح منطقه و بین‌المللی پیام‌آور اقتدار و امنیت بوده و از سوی دیگر همواره مورد تهدید دشمنان و نظام سلطه جهانی باشد.

- کشور ایران در این سه دهه همواره در موقعیت‌های حساس بوده و هست ولی حساس‌ترین موقعیت اقتصادی در وضعیت کنونی، عرصه نبردهای اقتصادی است و ایران یکی از محورهای اصلی این نبرد است. لذا شناسایی ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و توانمندی‌های ملی جهت موضع فعال در عرصه جهانی ضروری است.
- آمریکا و مهم‌تر از آن، نظام سلطه و استکبار جهانی، یک تهدید جدی برای اسلام و کشور ماست. چون ایران، کانون اسلام ناب در بین کشورهای منطقه است. اسلامی که برای آن‌ها و منافع مادی آن‌ها خطرناک است. لذا با انواع استراتژی‌های "شک و تهدید" و سناریوهای مختلف تلاش می‌کنند که به برخی از قطعات جورچین نظام خدشه و تهدید وارد کنند. بنابراین شناخت وضعیت تراز راهبردی قدرت از ظرفیت‌ها، فقدان ظرفیت‌ها، شکاف‌های راهبردی و موارد مشابه ضروری است.

## ۷. منابع و مآخذ

1. Axelsson, Buno and Axelsson, Bihari (2006), "Integration and Collaboration in Public Health – A Conceptual Framework", Journal of Health Planning and Management, 21,35- 39.
2. Holsapple, C. W. and Joshi, K. (2000), "An Investigation of Factors that Influence the Management of Knowledge in Organization", Journal of Strategic Information Systems, 9 (2/3) 115.
3. Putman, A., Leonardi, P., and Nanetti, K. (1993), "Making Democracy Work, Civic Traditions in Modern N. J. Italy", CA: Princeton University press,6- 8.
4. Richard, Munt (2003), "Building Collaboration", Stronger Families Learning Exchange Bulletin, 3, 45.
5. Schwarzer, D. (2020), Weaponizing the Economy, Berlin Policy Journal.
6. Stank, Theodore P, and Scott. B. (2001), "Supply Chain Collaboration and Logistical Service Performance", Journal of Business Logistics, 9, 242- 251.
7. Taylor-powel, E. Rossing, B. (1998), "Evaluating Collaboratives", Wisconsin: University of Wisconsin Extension, 142- 145

## ۵. تصمیم‌گیری مشارکتی در دوران پسا کرونا

مهدی عزیزی<sup>۱</sup>، عادل آذر<sup>۲</sup>، محمود دهقان نیری<sup>۳</sup>

### چکیده

بحران کرونا با نشان دادن حالات مرزی سیستم‌های اجتماعی - اقتصادی، عرصه‌های مختلفی از زندگی انسان را تحت تأثیر قرار داده و باعث شده است بسیاری از جریان‌های رو به رشد و گسترش در عرصه‌های تجارت و صنعت با چالش مواجه شوند. تصمیم‌گیری مشارکتی از جمله مهم‌ترین این عرصه‌هاست. این پژوهش تلاش می‌کند تأثیراتی که بحران کرونا بر لایه‌های مختلف دانش و اقدام تصمیم‌گیری مشارکتی گذاشته است را مورد بررسی قرار داده و تغییرات ضروری تصمیم‌گیری مشارکتی برای حیات در دوران

---

۱. دانشجوی دکتری مدیریت سیستم‌ها، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران/ تاریخ نگارش: نوزدهم فروردین‌ماه ۱۳۹۹. این مقاله قبلاً در مجله پژوهش‌های نوین تصمیم‌گیری به چاپ رسیده و به پیشنهاد نویسندگان در این مجموعه باز نشر می‌شود.

۲. استاد گروه مدیریت صنعتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۳. استادیار گروه مدیریت صنعتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

پساکرونا را برآورد کند. بنابراین، گامی ضروری برای سامان دادن تصمیم‌گیری مشارکتی در دوران پساکروناست. بر این اساس، با بهره‌گیری از راهبرد مبنای‌گرایی، تأثیرات بحران کرونا بر تصمیم‌گیری مشارکتی در سه سطح مبانی، نظریات و تکنیک‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تصمیم‌گیری مشارکتی در هر یک از سطوح معرفی شده، تحت تأثیر بحران کرونا قرار گرفته است. همچنین در تمامی سطوح عرصه‌هایی از تصمیم‌گیری کاملاً بدون تغییر باقی مانده‌اند. تحلیل‌های بیشتر نشان می‌دهد که علی‌رغم نگاه کمی، مهم‌ترین تأثیرات در سطح مبانی تصمیم‌گیری مشارکتی ایجاد شده است. نتایج این پژوهش بیانگر ضرورت اعمال تغییرات الگویی در حوزه تصمیم‌گیری مشارکتی در دوران پساکروناست. سرانجام پیشنهادهایی برای پژوهش‌های بیشتر و پیشنهادهاتی در سطح کاربردی ارائه شده است.

**کلیدواژه‌ها:** تصمیم‌گیری مشارکتی، مدیریت بحران، کرونا، معنویت در مدیریت، مبنای‌گرایی.

## ۱. مقدمه

علم مدیریت و تصمیم‌گیری که امروزه مانند تمامی علوم و سایر ابعاد زندگی انسان تحت تأثیر بحران کرونا قرار گرفته است؛ در دوران حیات خود تغییرات و چالش‌های بزرگی را تجربه کرده است. اگر پیدایش دانش مدیریت را از دوران انقلاب صنعتی و با تئوری تقسیم کار آدام اسمیت بدانیم [۱]، یا کمی بعدتر، مکتب مدیریت علمی تیلور را نقطه آغاز دانش مدیریت به حساب آوریم [۲]، بحران‌ها و چالش‌های متعددی به چشم می‌خورند که پیکره دانش مدیریت را دستخوش تغییر و تحول ساخته‌اند. توجه به سرمایه انسانی تحت عنوان نهضت منابع انسانی در پی معضلات موجود در کارخانه‌های عصر

انقلاب صنعتی از جمله اولین و مشهورترین این تحولات است [۳].

مهمترین نکته در عکس‌العمل موفق و مؤثر به این تحولات مسئله ورود تخصصی و دقیق در مواجهه و پاسخگویی به بحران است. از این رو، در این اثر بر یکی از مهم‌ترین عرصه‌های دانش مدیریت، یعنی عرصه‌ی تصمیم‌گیری مشارکتی که بیش از همه تحت تأثیر تحولات ناشی از کرونا قرار گرفته است، تمرکز کرده‌ایم. تصمیم‌گیری مشارکتی که به نظر بسیای از صاحب‌نظران این عرصه، شکل تصمیم‌گیری در دوران آینده به حساب می‌آید [۴] و رویکرد بسیاری از سازمان‌ها پیش از بحران کرونا در بخش‌های مختلف تجاری، صنعتی، سیاسی و اداری به سمت مشارکتی‌شدن بود، به نحو جدی تحت تأثیر کرونا قرار گرفته است. این مهم باعث شده است حداقل به‌صورت موقت سازمان‌ها از بسیاری از مزایای تصمیم‌گیری مشارکتی - که مستلزم بحث و تبادل نظر، صمیمیت، بازخورد و اعتماد است [۴] - محروم شوند. بررسی بیشتر نشان می‌دهد که این وضعیت منحصر در بحران کرونا نیست. همانطور که در بخش پیشینه پژوهش خواهیم دید، با وجود حجم گسترده آثار و تحقیقات در رابطه با تصمیم‌گیری در شرایط بحران و تصمیم‌گیری مشارکتی به‌صورت جداگانه، به مسئله مهم تصمیم‌گیری مشارکتی در شرایط بحران پرداخته نشده است. گویی توافقی نانوشته وجود دارد که در هنگام بحران دیگر فرصت پرداختن به تصمیم‌گیری مشارکتی نیست. البته باید اذعان داشت ویژگی‌های ذاتی بحران کرونا (از جمله واگیر بودن این بیماری) و گستردگی و اهمیت آن، این وضعیت را وخیم‌تر ساخته است. توجه به تفاوت تصمیم‌گیری گروهی و تصمیم‌گیری مشارکتی خلاء موجود در این عرصه را آشکارتر می‌سازد؛ چرا که پژوهش‌هایی با موضوع تصمیم‌گیری گروهی در دوران بحران صورت گرفته است [۵]، و در عرصه عمل



نیز، تصمیم‌گیری گروهی در دوران بحران حضور و نقشی جدی دارد (مانند انواع کمیته‌های شکل گرفته برای بحران کرونا از جمله ستاد ملی مقابله با کرونا، ستاد اقتصادی مدیریت کرونا و ستاد فرهنگی - هنری مبارزه با کرونا)، اما تصمیم‌گیری مشارکتی، و مزایایی که مشارکت و همکاری تمام ذی‌نفعان به ارمغان می‌آورد، در شرایط بحرانی نادیده گرفته شده است.

بر این اساس، این مقاله با هدف بررسی اثرات بحران کرونا بر تصمیم‌گیری مشارکتی و شناسایی تغییرات ضروری این شکل تصمیم‌گیری برای حیات در دوران پساکرونا نگاشته شده است. بر این اساس، به منظور پوشش خلاء موجود، سوالات اصلی این پژوهش به صورت ذیل تدوین شده است:

- بحران کرونا باعث ایجاد چه تغییراتی در عرصه تصمیم‌گیری مشارکتی شده است؟ (در سه سطح مبانی، نظریات و تکنیک‌ها)؛
- برای استفاده از تصمیم‌گیری مشارکتی در دوران پساکرونا، لازم است چه تغییراتی در سطوح مبانی، نظریات و تکنیک‌های تصمیم‌گیری صورت گیرد؟

باید تأکید کرد، که فرآیند بررسی این سؤالات در اثر حاضر، به هیچ وجه به صورت خطی پیگیری نشده است، بلکه همانطور که ماهیت چندجانبه این سؤالات لازم می‌دارد و هم‌راستا با راهبرد این پژوهش، تلاش شده است در فرآیند بحث و استنتاج چند مرحله‌ای و حلقوی، هر یک از سؤالات مورد بررسی قرار گیرد.

در ادامه، پس از بررسی پیشینه پژوهش و پرداختن به ادبیات موضوع، روش‌شناسی اتخاذ شده در این پژوهش معرفی شده است. تنها پس از شناخت این روش‌شناسی است که می‌توانیم بحث را پیش برده و در ادامه

مقاله، تغییرات بحران کرونا در هر یک از ابعاد تصمیم‌گیری مشارکتی را بررسی کنیم.

#### ۱-۱. پیشینه پژوهش

با توجه به هدف و موضوع این اثر، تصمیم‌گیری در شرایط بحرانی را می‌توان به‌مثابه مهم‌ترین عنوان در پیشینه مقاله حاضر به حساب آورد. حجم گسترده‌ای از تحقیقات در ارتباط با تصمیم‌گیری در شرایط بحرانی نگاشته شده است. در این تحقیقات ابعاد مختلف تصمیم‌گیری در شرایط بحرانی در نظر گرفته شده و مورد بررسی قرار گرفته است. (جدول ۲) به برخی از مهمترین این آثار می‌پردازد.

جدول ۲: تصمیم‌گیری در شرایط بحرانی

مؤلفان	معرفی اثر	
Robert C. North (1962)	مقدمه‌ای بر انواع بحران و الزامات تصمیم‌گیری با استرس کنترل شده در هر یک از آن‌ها	۱
Sayegh, Lisa (2004)	نقش عواطف و احساسات در تصمیم‌گیری هنگام بحران	۲
Schraagen (2005)	نقش تفکر انتقادی در تصمیم‌گیری در شرایط بحرانی	۳
Schraagen, Jan Maarten (2018)	راهبردهای بهبود تصمیم‌گیری در شرایط بحران‌های سازمانی	۴
Grant T. Harris (2020)	کاهش ریسک‌های مربوط به بحران‌های دنیاگیر در تصمیم‌گیری	۵
Darrell K. Rigby (2020)	اهمیت چابکی در مدیریت و تصمیم‌گیری در هنگام بحران‌های دنیاگیر	۶

همچنین تحقیقات تصمیم‌گیری مشارکتی را نیز می‌توان به‌مثابه پیشینه دیگر این پژوهش در نظر گرفت. در این عرصه نیز تحقیقات گسترده

و تفصیلی صورت گرفته است. در (Error! Reference source not found.) به برخی از این آثار اشاره کرده‌ایم:

### جدول ۳: پیشینه تصمیم‌گیری مشارکتی

مؤلفان	معرفی اثر	
(ایکاف، ۱۹۸۱)	معرفی روش مشارکتی برنامه ریزی تعاملی (مدیریت هماهنگ با تحوّل برای ساخت آینده).	۱
(تکت و وایت، ۲۰۰۰)	معرفی روش مشارکتی ارزیابی مشارکتی نیازها و بهبود اقدام (PANDA).	۲
(چمبرز، ۱۹۹۴)	معرفی روش مشارکتی ارزیابی مشارکتی روستایی (PRA).	۳

## ۲. ادبیات موضوع

در این اثر، عناوین و موضوعات متعددی برای بررسی تصمیم‌گیری مشارکتی در دوران پساکرونا مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه به عناوینی که ارائه تعریف و تبیین در مورد آن‌ها ضرورت داشته، پرداخته شده است.

### ۲-۱. بحران

هرچند رویکردهای مختلفی در تعریف بحران وجود دارد، اما بر اساس رویکرد تصمیم‌گیری، بحران تنها وقتی وجود دارد که عنصر تصمیم‌گیرنده معتقد باشد که با آن مواجه شده است. [۶] بنابراین، هر وضعیتی، هر قدر هم که غیرعادی یا خطرناک باشد، تا هنگامی که انسان‌های مرتبط با آن معتقد نباشد، بحرانی نیست [۶]. باید توجه داشت هرچند در اغلب موارد آنچه که نزد یک فرد و یا گروه، بحران تعریف می‌شود، ممکن است در نزد دیگری بحران تعریف نشود، اما در بحران‌های جهانی و بزرگ مثل شیوع ویروس کرونا، این مسئله به هیچ وجه صادق نیست. در واقع بحران جهانی

نشان دهنده ذات این مسئله بوده و ضرورت مشارکت و همکاری برای مواجهه با آن را آشکار می‌سازد.

## ۲-۲. تصمیم‌گیری مشارکتی

واضح است که تعریف تصمیم‌گیری مشارکتی درگرو تعریف تصمیم‌گیری است. با این همه، تصمیم‌گیری مشارکتی را می‌توان به‌عنوان یک فرآیند باز، پیوسته و مداوم تعریف کرد، که تلاش می‌کند فرصت اظهار و تبادل نظر در رابطه با هر مسئله را برای تمام افراد دخیل در آن مسئله فراهم کند (برای مطالعه تفصیلی در رابطه با عناصر مختلف تصمیم‌گیری مشارکتی رجوع کنید به تکت و وایت، ۲۰۰۰).

## ۲-۳. فایده‌گرایی

فایده‌گرایی<sup>۱</sup> که همواره به‌مثابه یکی از مبانی اصلی تصمیم‌گیری مطرح بوده است، از مکاتب مهم فلسفه اخلاق و فلسفه سیاست است. بنیان‌گذاران یا مؤثران اصلی در صورت‌بندی ادعاهای این مکتب را می‌توان جرمی بنتام<sup>۲</sup>، جیمز میل<sup>۳</sup> و جان استوارت میل<sup>۴</sup> دانست [۷] و متفکرانی مانند هنری سیدجویک<sup>۵</sup> [۸] و هیستینگ راشدال و جان اسمارت<sup>۶</sup> را می‌توان از پیروان متأخر آن دانست. فایده‌گرایی را گاه در فلسفه اخلاق در برابر اندیشه وظیفه‌گرایی<sup>۷</sup> کانتی قرار می‌دهند. امروزه فایده‌گرایی به فلسفه اخلاق و فلسفه سیاست محدود نمانده است و این اندیشه و مکتب، آثار و نتایج خود را در

---

1. Utilitarianism

2. Jeremy Bentham

3. James Mill

4. John Stuart Mill

5. Henry Sidgwick

6. Hastings Rashdall And John Jamieson Carswell Smart

7. Deontological Ethics

علوم مختلفی که به صورت شاخه‌های نظری این مکتب بروز و ظهور یافته‌اند نشان می‌دهد. تصوّر عام چنین است که فایده‌گرایی به افراد اجازه می‌دهد که انتخاب‌هایی بر مبنای کسب منفعت خویش داشته باشند و همین کسب منفعت و نتایج انتخاب نفع محور است که کار درست را تعیین می‌کند، درحالی‌که از منظر وظیفه‌گرایی انجام کار اخلاقی درست یک وظیفه است و افراد موظف به انجام وظیفه‌ای هستند که به لحاظ قواعد جهان‌شمول درست و اخلاقی است و نتایج آن هیچ اثری در درستی و غلطی آن ندارد [۹]. این اندیشه امروزه در علوم مختلف بسط و تداوم یافته است؛ به حدّی که در عرصه تصمیم‌گیری نیز میان روش نتیجه‌گرایی فایده‌گرایی و شیوه وظیفه‌گرایی اخلاقی و توجّه به اصول ثابت، رقابت و تنازع دیده می‌شود [۱۰].

#### ۲-۴. مسئولیت اجتماعی

مسئولیت اجتماعی<sup>۱</sup> یکی از وظایف و تعهدات سازمان در جهت منتفع ساختن جامعه است؛ به نحوی که هدف اولیه سازمان یعنی حداکثر کردن سود را صورتی متعالی بخشد [۱۱]. از منظر تصمیم‌گیری باید تأکید کرد، مسئولیت اجتماعی، تعهد تصمیم‌گیران برای اقداماتی است که به‌طور کلی علاوه - بر تأمین منافع خود، موجبات بهبود رفاه جامعه را نیز فراهم می‌آورند [۱۲].

#### ۲-۵. کرونا و پساکرونا

به بیماری واگیر و کشنده ریوی- تنفسی که در مجامع بین‌المللی با نام «کرونا جدید» و با نام علمی ویروس کوئید ۱۹ شناخته می‌شود، در این اثر

---

1. Social Responsibility

به اختصار «کرونا» خطاب شده است. منظور از بحران کرونا، چالش‌هایی است که از سال ۲۰۲۰ میلادی از چین آغاز شده و تمام دنیا را فرا گرفت. این چالش‌ها، علاوه بر مرگ صدها هزار نفر منجر به قرنطینه بسیاری از شهرها و کشورهای دنیا، تعطیلی طولانی مدت بسیاری از سازمان‌ها، اختلال و مشکل در تولید بسیاری از کالاها، تغییرات اساسی در الگوهای مصرف و تولید و تغییرات اساسی در الگوهای روابط در سطح فردی، بین فردی، سازمانی، ملی و بین‌المللی گردید [۱۳]. با توجه به ماهیت ادامه‌دار بودن بحران کرونا [۱۴]، منظور از پساکرونا در این اثر، دوران پس از وقوع بحران کروناست و نه دوران رفع و از میان رفت کامل این بیماری.

### ۳. روش پژوهش

در این اثر با استفاده از روش مراجعه به منابع کتابخانه‌ای و مصاحبه با صاحب‌نظران به جمع‌آوری داده‌ها پرداخته شده است. همچنین تلاش شده است تا با بهره‌گیری از روش تطبیقی، داده‌های جمع‌آوری شده مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. باید خاطر نشان ساخت منظور از تحلیل تطبیقی ارائه توصیف و تبیین عرصه‌های مختلف تشابه و تفاوت در میان عناصر مختلف علمی یا اجتماعی است [۱۵]. مهم‌تر از همه باید افزود، راهبرد نظریه‌پردازی در این اثر بهره‌گیری از راهبرد مبناگرایی<sup>۱</sup> است. «مبناگرایی معرفت‌شناختی بر این اصل مهم استوار است که معرفت به‌صورت سطح و داری میوه و ریشه است و میوه‌ها بر مبنای ریشه‌ها شکل می‌گیرند» [۱۶]. «ریشه مبناگرایی را می‌توان تفکیک روبنا از زیربنا دانست. تفکیک روبنا از زیربنا در علم، تاریخچه‌ای طولانی دارد و به قرن‌ها قبل از میلاد و به اندیشه‌های ارشمیدس

---

1. Foundationalism

و به‌ویژه اقلیدس اسکندرانی<sup>۱</sup> می‌رسد. اهمیت هندسه اقلیدسی در این است که به نحوی جذاب و زیبا تمام مسائل و آموزه‌های آن به چند اصل محدود برمی‌گردد. اقلیدس نشان داد که با پذیرفتن پنج اصل به‌مثابه اصول موضوعه<sup>۲</sup> می‌توان تمام احکام و قوانین هندسی را اثبات کرد که اصطلاحاً نام قضیه بر آن‌ها اطلاق می‌شود» [۱۷]. باید توجه داشت، این منظر شگرف در بسیاری از عرصه‌های دیگر علم، از جمله فلسفه، اخلاق، فیزیک، ریاضیات و مدیریت نیز پیگیری شده است. در (جدول ۴) به برخی از آثار مرتبط با مبنایگرایی در مدیریت اشاره شده است:

جدول ۴: آثار مرتبط با مبنایگرایی در مدیریت

ویژگی و توضیح اجمالی	مؤلفان
اهمیت نگاه مبنایگرایی و توجه به فلسفه در مدیریت.	(گونزالس، مک میلان، ۱۹۶۱) <sup>۳</sup> ، (داویس، ۱۹۵۸) <sup>۴</sup> (ریچ، ۱۹۵۹) <sup>۵</sup> ، (لیتزینگر و دیگران، ۱۹۶۶) <sup>۶</sup> .
توجه به جایگاه فلسفه علم در مدیریت و نقش آن در شکل‌گیری و جهت دهی به دانش مدیریت.	(دونالدسون، ۱۹۹۶) <sup>۷</sup> ، (سوکاس و نادسن، ۲۰۰۳) <sup>۸</sup> (اسپیسر، ۲۰۰۶: ۲۶۱) <sup>۹</sup> .
جایگاه مکاتب فلسفه اجتماع و فلسفه سیاست در شکل‌گیری و جهت‌دهی به	(عزیزی و دیگران، ۱۳۹۶، ب) (کافمن، ۱۹۶۴) <sup>۱۰</sup> (بورل، ۱۹۸۸) <sup>۱۱</sup> .

1. Euclid of Alexandria
2. postulates
3. Gonzalez
4. Davis
5. Rich
6. Litzinger, William D.
7. Donaldson, Lex
8. Tsoukas, Haridimos and Knudsen, Christian
9. Spicer, Michael W
10. Kaufman, Herbert
11. Burrell, Gibson

دانش مدیریت.	
جایگاه مکاتب فلسفه اخلاق و فلسفه ذهن در شکل‌گیری و جهت دهی به دانش مدیریت.	(برانز، ۲۰۰۲) <sup>۱</sup> و (شانائوسکی، ۱۹۸۰) <sup>۲</sup>
استفاده مستقیم از روش مبنای‌گرایی در موضوعات مدیریت.	(خندان، ۱۳۸۸) و (عزیزی، ۱۳۹۶) و (لطیفی، ۱۳۹۶)

باید افزود هر چند مبنای‌گرایی به‌مثابه یک روش‌شناسی غیرساختارگرا و غیراثبات‌گرا لزومی برای ارائه و تعهد به فرآیندهای مشخص روشی در نظر نمی‌گیرد، اما برخی از پژوهشگران مراحل برای این روش‌شناسی در نظر گرفته‌اند که از جمله می‌توان به فرآیند پنج‌گانه‌ای که مراحل بررسی جزئی‌نگرانه، بررسی نظام‌مند، توجه به ساختار لایه‌ای دانش، حرکت از سمت ریشه‌ها به میوه‌ها و بازگشت از میوه‌ها به ریشه‌ها را در برمی‌گیرد اشاره کرد [۱۵].

در این پژوهش نیز، با توجه به ساختار لایه‌ای دانش و لزوم حرکت از مبانی به میوه‌ها که جان روش‌شناسی مبنای‌گرایانه را شکل می‌دهد، تلاش شده است ابتدا آثار شیوع ویروس کرونای جدید بر مبانی تصمیم‌گیری مشارکتی بررسی شده و سپس این آثار در نظریات و تکنیک‌های تصمیم‌گیری مشارکتی ردیابی شود.

#### ۴. بحث و بررسی

از آنجا که راهبرد پژوهش حاضر، استفاده از راهبرد مبنای‌گرایی است، در اینجا لازم است با قرار دادن نگاه ریشه به میوه در کانون توجه، تغییرات صورت



گرفته در تصمیم‌گیری مشارکتی ناشی از بحران کرونا را در سه سطح مبانی، نظریات و تکنیک‌ها بررسی کنیم. از این رو بحث را از عمیق‌ترین بخش آغاز کرده و پیش از همه به تغییرات در مبانی تصمیم‌گیری مشارکتی می‌پردازیم. در هر مرحله تلاش می‌کنیم پس از تجزیه و تحلیل اثرات کرونا، تغییراتی که تصمیم‌گیری مشارکتی باید در آن سطح اتخاذ کند تا در دوران پساکرونا نیز قابل استفاده بماند را شناسایی کنیم.

#### ۴-۱. تغییرات در مبانی تصمیم‌گیری مشارکتی

هر چند سطح مبانی به‌عنوان ریشه‌های هر نظریه و جایگاه زیرین که در هر نظریه و اقدام دارد کمتر دستخوش تغییر می‌شود، اما بحران‌های بزرگ و دوران‌ساز مانند بحران کرونا می‌توانند تا این سطح نیز نفوذ کنند. با این همه، تغییرات ایجاد شده در این سطح اغلب بسیار جزئی خواهی بود، اما باید توجه داشت که با توجه به جایگاه زیربنایی این سطح، کوچک‌ترین تغییرات در آن، منشاء تغییر و تحولات بزرگ در سطوح نظریات و تکنیک‌ها خواهد شد. در ادامه دو مبنای اصلی تصمیم‌گیری را مورد توجه قرار داده و چالش‌ها و تغییراتی که بحران کرونا در هر یک ایجاد کرده است را در کانون توجه قرار خواهیم داد.

##### ۴-۱-۱. مبنای فایده‌گرایی

برای تحلیل تغییراتی که بحران کرونا بر فایده‌گرایی به‌مثابه مبنای تصمیم‌گیری گذاشته است، لازم است اقدامات مختلفی انجام دهیم. پیش از هر چیز، باید ابتدای تئوری‌های تصمیم‌گیری بر فایده‌گرایی را نشان دهیم. سپس با تحلیل و ریشه‌یابی تغییراتی که در ابعاد مختلف تصمیم‌گیری انجام شده است، می‌توان تحول در مبنای فایده‌گرایی را به نمایش گذارد.

روشن‌ترین مصادیق تصمیم‌گیری فایده‌گرایانه در مدیریت را باید در تئوری‌های کلاسیک تصمیم‌گیری جستجو کرد. از مهم‌ترین سِاکارهای تصمیم‌گیری کلاسیک، ابتناء آن بر تحلیل هزینه - فایده است؛ که فایده‌گرا بودن آن کاملاً مشخص است. برای نمونه، معیار بهبود بالقوه پاره‌تو، که از بخش‌های مهم تحلیل هزینه فایده است، کاملاً مطابق فایده‌گرایی غایی طرّاحی شده است [۱۸]. علاوه بر این، با وجود تمامی تطوّرات صورت گرفته در تئوری‌های تصمیم‌گیری، پژوهش‌های تخصصی این عرصه نشان داده‌اند که فایده‌گرایی کماکان به‌عنوان مبنای اصلی تئوری‌های تصمیم‌گیری به حساب می‌آید و در تئوری‌های مدرن و نوین نیز حضور جدّی و مؤثّر دارد [۱۵].

حال که ابتدای تئوری‌های تصمیم‌گیری بر مبنای فایده‌گرایی را نشان دادیم، لازم است تأثیرات بحران کرونا بر این مبنای تصمیم‌گیری را به بحث بگذاریم.

برای این هدف، راهبردهای متعدّدی قابل اتّخاذ است، برای مثال، می‌توان با ذکر نمونه‌های متعدّد این مسئله را نشان داد و یا با استدلال استنتاجی به این مهم پرداخت. در اینجا ما تلاش کرده‌ایم در کنار بهره‌گیری از هر دوی این راهبردها، راهبرد سومی اتّخاذ کرده و نشان دهیم که چگونه بحران کرونا باعث شده است که اصول تصمیم‌گیری فایده‌گرا، در عمل برخلاف آرمان‌های فایده‌گرایی عمل کند.

به این منظور، لازم است برخی از مهم‌ترین و رایج‌ترین تصمیمات سازمانی را در نظر بگیریم. یک نمونه قابل توجه در این عرصه استراتژی جهانی شدن است. تقریباً هیچ سازمانی نیست که به دنبال این استراتژی نباشد و جهانی شدن یک تصمیم ثابت برای تمامی سازمان‌های موفّق است (حداقل تا قبل از بحران کرونا). نکته مهمی که باید در رابطه با این استراتژی

مورد توجه قرار داد، هماهنگی کامل آن با اصل تحلیل هزینه - فایده است [۱۹]. اما چرا بحران کرونا باعث شده است که اغلب سازمان‌های بزرگ خود را برای خداحافظی این با این استراتژی آماده کنند؟

واضح است که در دوران پساکرونا، استراتژی جهانی شدن دیگر مانند گذشته هم‌راستا با اصول تحلیل هزینه و فایده نیست [۲۰]. اما آیا این تنها یک ناهماهنگی موردی است یا نشان از یک جریان دارد؟ تحلیل بیشتر نشان می‌دهد این مسئله تنها نمونه‌ای از جریانی است که باعث شده است تحلیل‌های معمول فایده‌گرایانه با اصول فایده‌گرایی غایی تعارض پیدا کنند. در توضیح باید افزود، معیاری که مکتب فایده‌گرایی را از میل فطری و جهان شمول به نفع و فایده جدا می‌کند، نتیجه‌گرایی موجود در مکتب فایده‌گرایی است [۲۱]. به عبارت ساده‌تر، فایده‌گرایی در تصمیم‌گیری با استفاده از ابزارهای مختلف خود، رابطه‌ای میان هر تصمیم و اثرات مستقیم و غیر مستقیم آن در سود برقرار می‌کند. در صورتی که بحران کرونا باعث شده است برقراری این رابطه درچار خلل‌ها و مشکلات متعدّد شود. به عبارت دقیق‌تر، بحران کرونا باعث شده است، علل و عواملی که معمولاً در تحلیل‌های هزینه - فایده، برای نتیجه‌گرایی، ساده شدن و کاربردی شدن این تحلیل‌ها، نادیده گرفته می‌شدند، قدرت نمایی کرده و در عمل تحلیل‌های هزینه - فایده را بی‌اثر سازند.

از طرفی واضح است که اصل فایده‌گرایی بدون وجود ابزارهایی برای تحلیل هزینه و فایده بدون استفاده و مطرود خواهد شد. از این رو، ضرورت دارد فایده‌گرایی در دوران پساکرونا ابزارهای تحلیلی عمیق‌تر و چندجانبه‌تر برای خود بیابد. برخی از نظریه پردازان پیش از این نیز به این موضوع اشاره کرده و ضرورت توجه به «فایده‌گرایی بلندنظرانه» به‌مثابه جایگزین

«فایده‌گرایی» مطرح ساخته‌اند. تفاوت اصلی فایده‌گرایی بلند نظرانه با فایده‌گرایی غایی در توجه به عناصر معنوی علاوه بر عناصر مادی است [۲۲]. هر چند تحلیل جامع‌تر نشان می‌دهد که فایده‌گرایی - حتی فایده‌گرایی بلند نظرانه - باید به‌مثابه مؤلفه‌ای از یک معیار کلی‌تر در نظر گرفته شود. معیاری که به‌مثابه مبنای اصلی تصمیم‌گیری بتواند تمامی عرصه‌های زندگی انسان را پوشش دهد. در این رابطه، می‌توان معیار رشد را به‌مثابه یک جایگزین برای مبنای فایده‌گرایی معرفی کرد. هر چند این جایگزین، دربرگیرنده اصول فایده‌گرایی است، اما عرصه‌های مختلفی از جمله توجه توأمان به فرد، خانواده و جامعه یا توجه به محدودیت‌های شناختی و محاسباتی بجای نادیده‌گرفتن آن‌ها و ... را که در مبنای فایده‌گرایی مورد بی‌توجهی قرار می‌گرفتند، مورد ملاحظه قرار می‌دهد [۲۳]. با این همه، آنچه در این پژوهش مورد تأکید است، ضرورت تعدیل مبنای فایده‌گرایی و توجه به محدودیت‌های این مبناست.

#### ۴-۱-۲. مبنای مسئولیت اجتماعی

مسئولیت اجتماعی به‌مثابه دومین مبنای تصمیم‌گیری در عرصه مدیریت در نظر گرفته می‌شود [۱۵]. در عرصه‌ی عمل و اجرا نیز بسیاری از سازمان‌ها، دلیل و مبنای تصمیمات خود را مسئولیت اجتماعی می‌دانند.

مسئولیت اجتماعی به‌مثابه مبنای تصمیم‌گیری متداول از پیچیدگی‌های خاص خود برخوردار است. از یک‌سو عمومیت این مسئله خارج از ادبیات تصمیم‌گیری و از سوی دیگر اهمیت شگرف آن خارج از سطح سازمان، در کانون توجه قرار دادن مسئولیت اجتماعی در سطح سازمانی و از دیدگاه تصمیم‌گیران را مشکل و پیچیده می‌سازد. علاوه بر این، اختلاف‌نظرهای فراوان نظریه‌پردازان این عرصه در رابطه با عناصر مسئولیت اجتماعی نیز بر

این پیچیدگی می‌افزاید.

مسئولیت اجتماعی به چگونگی عمل سازمان در امور گوناگون همانند آلودگی محیط زیست، تبعیض، فقر، بیکاری، تورم و نظایر این موارد مربوط می‌شود [۲۴]. گریفین و بارنی نیز مسئولیت اجتماعی را چنین تعریف می‌کنند: مسئولیت اجتماعی، مجموعه وظایف و تعهداتی است که سازمان بایستی در جهت حفظ، مراقبت و کمک به جامعه ای که در آن فعالیت می‌کند، انجام دهد. فرنچ و ساورد نیز در کتاب مدیریت تحوّل در سازمان، در خصوص مسئولیت اجتماعی می‌نویسند: مسئولیت اجتماعی، وظیفه ای است بر عهده موسسات خصوصی، به این معنا که تأثیر سوء بر زندگی اجتماعی که در آن کار می‌کنند، نگذارند. میزان این وظیفه عموماً مشتمل است بر وظایفی چون: آلوده نکردن، تبعیض قائل نشدن در استخدام، مطلع کردن مصرف کننده از کیفیت محصولات [۲۵].

همانطور که مشاهده می‌کنیم در دنیای پیش از کرونا، مسئولیت اجتماعی به‌ندرت نقشی بیش از تزئین‌کننده یا نهایتاً تنظیم کننده مبنای فایده‌گرایی دارد. تحلیل بیشتر نشان می‌دهد که در واقع به مسئولیت اجتماعی تنها به میزانی که رضایت جوامع محیط هر سازمان را برآورده کند، عمل می‌شود [۲۶]. این وضعیّت به تدریج گرایش به نمایش و وانمود کردن اقدامات مسئولیت اجتماعی در مقابل عمل واقعی را افزایش می‌دهد. بر این اساس، در بسیاری از موارد، با حسّاس و حیاتی شدن شرایط سازمان‌ها، عمل به مسئولیت اجتماعی، از توجه خارج شده و به حاشیه می‌رود [۴].

در دوران پساکرونا، عمل به مسئولیت اجتماعی اساساً متحوّل شده است. با شیوع بیماری کرونا، بحث مسئولیت اجتماعی در کانون توجه قرار گرفته و از مردم، دولت‌ها و سازمان‌ها در این رابطه مطالباتی مطرح شد [۲۷]. در این

میان، آنچه تحت عنوان رعایت مسئولیت اجتماعی از بسیاری از سازمان‌ها توقع می‌رفت از توان بسیاری از آن‌ها فراتر بود.

مطالباتی که تحت لوای مسئولیت اجتماعی از سازمان‌ها مطرح شد، قابل توجه است؛ در یک دوره فشرده از بسیاری از سازمان‌ها خواسته شد: به تمامی نیروی کار خود مرخصی دهند، حقوق و مزایای تمام نیروی کار را پرداخت کنند، اقلام بهداشتی محافظت و پیشگیری در اختیار کارکنان قرار دهند، از حداقل‌های ضروری تولید و ارائه خدمات خود بازمانند و حتی کالاهایی تماماً جدید و متفاوت تولید کنند [۲۷].

همانطور که انتظار می‌رفت، اغلب سازمان‌ها در عمل به این انتظارات ناکام بودند. این نتیجه کاملاً طبیعی بوده است. هیچ یک از این سازمان‌ها برای توجه به مسئولیت اجتماعی ایجاد نشده بودند. مسئولیت اجتماعی تنها جنبه‌ای تشریفاتی برای این سازمان‌ها داشت. در نتیجه اعتبار و سرمایه اجتماعی بسیاری از سازمان‌ها با بحران جدی مواجه شد [۲۸].

در این راستا، لازم است نگاه به این مبنای تصمیم‌گیری تغییر کند. مبنای مسئولیت اجتماعی باید به مثابه یک مبنای اصیل و همیشگی تصمیم‌گیری حضور داشته و در تمام تصمیمات هر بنگاه اثرگذار باشد. اما این اقدام در وضعیتی فعلی نشدنی است؛ چرا که چنین وضعیتی با مبنای فایده‌گرایی در تعارض است. البته خوش‌بختانه پیشنهادهایی که برای اصلاح مبنای فایده‌گرایی مطرح شد، از جمله توجه به معنویت و فایده‌گرایی بلندنظرانه می‌تواند در کاهش این تعارض نقش ایفا کند.

## ۴-۲. تغییرات در نظریات تصمیم‌گیری مشارکتی

حال که مطابق راهبرد پژوهش مبنای‌گرایانه، تغییر و تحولات در سطح مبانی را مورد بررسی قرار دادیم، لازم است تحولاتی که بحران کرونا در سطح نظریات

تصمیم‌گیری مشارکتی ایجاد کرده است را در کانون توجه قرار دهیم. به این منظور دو عرصه مدل‌های کار در تصمیم‌گیری مشارکتی و روش‌های استفاده شده برای تصمیم‌گیری مشارکتی را مورد بررسی قرار می‌دهیم. باید توجه داشت که این دو عرصه، نظریات اصلی در رابطه با تصمیم‌گیری مشارکتی را در خود جای داده‌اند.

#### ۴-۲-۱. بسترهای تصمیم‌گیری مشارکتی (مدل‌های کار چندجانبه)

مدل‌های کار چندجانبه از عرصه‌های اصلی تصمیم‌گیری مشارکتی است. در واقع این مدل‌ها، بسترهایی هستند که تصمیم‌گیری در آن‌ها اغلب به صورت مشارکتی اخذ می‌شود. هر یک از مدل‌های کار چندجانبه به نوبه خود تحت تأثیر بحران کرونا قرار گرفته‌اند. هر چند انواع بسیار متعدّد و مختلفی از مدل‌های کار چندجانبه وجود دارد، اما در ادامه تلاش می‌کنیم به اختصار به تغییرات بحران کرونا در برخی از مهم‌ترین مدل‌ها بپردازیم:

#### الف. برون سپاری

منظور از برون‌سپاری یا پیمان‌کاری این است که برخی از فعالیت‌هایی که جزء کار یک سازمان هستند، تحت نوعی قرارداد یا پیمان به یک سازمان خارجی واگذار شود [۴]. همان طور که می‌دانید، برون‌سپاری به نحو گسترده‌ای در بخش عمومی و خصوصی استفاده می‌شود.

برون سپاری پیش از بحران کرونا به مثابه یک جریان فزاینده، هر سازمان و بنگاه اقتصادی را در نوردیده بود. اما تغییراتی که در اثر بحران کرونا ایجاد شد، به نحو گسترده‌ای این بستر تصمیم‌گیری مشارکتی را محدود ساخت. تصمیم‌گیری مشارکتی در این بستر نیز با تعارض‌های فراوان مواجه شد. معمولاً قرارداد برون‌سپاری بر مبنای یک قرار داد معین و دقیق که روشن

کننده تمام تصمیمات آتی است، عقد می‌شود. همین مسئله باعث ایجاد چالش‌های بسیار در دوران کرونا گردید. در واقع شکل معمول برون‌سپاری، غالب تصمیم‌گیری مشارکتی را محدود به دوران قبل از عقد قرار داد ساخته است. از سوی دیگر باید توجه داشت که برون‌سپاری به معنای وابستگی است، و بحران کرونا، نشان داد که هر گونه وابستگی تا چه میزان می‌تواند مهلک باشد. در عمل سازمان‌های بسیاری در این عرصه با چالش وابستگی مواجه شدند. به طور خاص، سازمان‌های بزرگ و بین‌المللی بیش از همه درگیر این مشکلات شدند. از منظر عمیق‌تر، در این عرصه، شاهد تعارض معیار استقلال با معیار فایده‌گرایی هستیم و باید راه حلّ این تعارض را نیز در اصلاحات مطرح شده برای معیار فایده‌گرایی جستجو کنیم.

#### ب. شبکه‌های ریشه‌ای

شبکه‌های ریشه‌ای<sup>۱</sup> به سطح پیچیده‌ای از ارتباط اشاره دارد. شبکه‌های ریشه‌ای را می‌توان موازی سازمان‌های اسپاگتی<sup>۲</sup> دانست که پیتز دراکر، آن را معرفی کرده است [۲۹]. در این نوع سازمان معمولاً هر یک از کارکنان یک میز کوچک متحرک دارند که می‌توانند هر جا خواستند آن را هل دهند تا تیم‌های لازم (به‌صورت موقت) برای کار روی پروژه‌های خاص ایجاد شوند. از این سازمان انتظار داریم، کارکنان در شغل‌ها و مسئولیت‌های مختلف کار کنند. یکی از مهم‌ترین مسائل در سازمان‌های اسپاگتی فرهنگ سازمانی چابک و با نشاط این سازمان‌هاست. باید توجه داشت که عدم اطمینان ناشی از بحران کرونا، آفتی بزرگ برای این فرهنگ خواهد بود. بنابراین، لازم است اقدامات مختلفی برای افزایش سطح تحمّل ابهام در سازمان انجام شود.

---

1. rhizomatic networks

2. spaghetti organization



پژوهش‌ها نشان می‌دهد اقداماتی چون آموزش تفکر انتقادی [۳۰]، ارتقاء سطح کیفی و آرامش در زندگی خانوادگی [۳۱] و توکل [۳۲] مؤثر خواهد بود.

#### ۴-۲-۲. روش‌شناسی‌های تصمیم‌گیری مشارکتی

روش‌شناسی‌های تصمیم‌گیری دیگر عرصه‌ای ایست که بحران کرونا تغییرات وسیعی در آن ایجاد کرده است. هر چند روش‌شناسی‌های تصمیم‌گیری به‌عنوان مجموعه‌ای از تئوری‌های از پیش مطرح شده در عرصه عمل نمی‌توانند تحت تأثیر بحران کرونا قرار گیرند، اما منظر تصمیم‌گیری مشارکتی و نگاه کاربردی به هر یک از این روش‌شناسی‌ها، روشن می‌سازد که شیوه‌های اجرای هر یک از این روش‌شناسی‌ها عمیقاً متأثر از بحران کرونا واقع شده است. علاوه بر این، جایگاه سرنوشت‌سازی که این تکنیک‌ها در هر تصمیم‌گیری مشارکتی دارند، باعث شده است نتوان از پرداختن به آن‌ها در این اثر صرف نظر کرد.

در ادامه اثرات بحران کرونا بر دو روش‌شناسی مهم تصمیم‌گیری مشارکتی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

#### الف. مدل‌های پویایی‌شناسی سیستم‌ها

پیتر سنگه نمودارهای علت و معلولی و مدل‌های پویایی‌شناسی سیستم‌ها را به‌مثابه راهبرد مناسب تحلیل گروهی و تصمیم‌گیری مشارکتی معرفی می‌کند [۳۳]. همچنین وینیکس (۱۹۹۶) و اندرسون و ریچاردسون<sup>۱</sup> (۱۹۹۷) تشریح کرده‌اند که فرآیند ساخت یک مدل پویایی‌شناسی سیستم چگونه در بستر یک گروه مشارکتی به کار گرفته می‌شود. این روش‌شناسی برای یادگیری بهتر گروهی و تقابل با مسائل پیچیده کاربرد دارد [۴].

1. Anderson and Richardson

بحران کرونا باعث شده است که مدل‌های پویایی شناسی سیستم‌ها از این پس حساس‌تر شده و حالات مرزی و دوره‌های زمانی را با احتیاط بیشتری در نظر گیرند. بنابراین، تعیین محدوده‌ی زمانی و مرزها از چالش‌های اجرای پویایی شناسی سیستم‌ها خواهد بود. این موارد را می‌توان تحت عنوان چالش عدم اطمینان در روش‌شناسی‌های تصمیم‌گیری مشارکتی در نظر گرفت. علاوه بر این، بحران کرونا باعث شده است که معیارهای مقبول در ایجاد مرز نمودارهای علی - حلقوی مورد تردید واقع شوند و تسهیل‌گران و مشارکت‌کنندگان تصمیم‌گیری مشارکتی پس از تجربه اثرات وخیم بحران کرونا بر کسب و کار خود، دیگر به سادگی نتوانند هیچ یک از موضوعات جامعه و محیط زیست را از نمودارهای خود حذف کنند. واضح است که این وضعیّت در عمل به ناتوانی در شبیه‌سازی پویا می‌انجامد. سرانجام باید محدودیت‌های اجرایی در ارتباطات را نیز به موارد پیشین افزود.

#### ب. تجزیه و تحلیل گزینه‌های راهبردی (SODA)

سودا روشی است که برای استفاده در مسائل پیچیده سازمانی توسعه داده شده است. این روش برای ساختاردهی به ادراکات هر یک از افراد مشارکت‌کننده در گروه کانونی استفاده می‌شود. این کار در حقیقت با برگزاری مجموعه‌ای از مصاحبه‌ها انجام می‌شود. در هر مصاحبه، مصاحبه‌کننده تلاش می‌کند تا نقشه شناختی مصاحبه‌شونده را براساس پاسخ‌های او ترسیم کند. هنگامی که تمامی افراد دخیل در مسئله مورد مصاحبه قرار گرفتند، تسهیل‌گر تجزیه و تحلیل تمامی نقشه‌های ایجاد شده را با توجّه ویژه به ادراکات مشابه میان آن‌ها، به عهده می‌گیرد. در این رابطه، بحران کرونا به نحوی زهرآگین عمل می‌کند.

بحران کرونا باعث شده است که مدل‌های ذهنی هر یک از افراد از هم

دورتر شده و کار برای ایجاد مدل جمعی دشوارتر شود. با افزایش استرس و تشنّت در هر یک از افراد، کار تهیه مدل‌های فردی نیز دشوارتر می‌گردد. علاوه بر این، همانند پویایی‌شناسی سیستم‌ها، بحران کرونا محدودیت‌های اجرایی فراوانی برای استفاده از تکنیک سودا ایجاد کرده است. فرآیند استخراج مدل‌های ذهنی، نیازمند سطحی از تعامل و ارتباط عمیق است، که به هیچ وجه نمی‌تواند توسط ارتباطات برخط تأمین شود.

چه تغییراتی در این تکنیک‌ها می‌تواند راه کاربرد و استفاده از آن‌ها در دوران پساکرونا را هموارتر سازد. صرف نظر از موضوع تغییر در ساختار و مراحل هر یک از این تکنیک‌ها، که هر یک نیازمند پژوهش‌های تفصیلی مستقل است؛ نوع نگاه و انتظار از این تکنیک‌ها باید مورد بازنگری واقع شود.

اول از همه، مرزها و ساختار تکنیک‌ها باید با رویکردی آگاهانه مورد تساهل قرار گیرد. بحران کرونا محدودیت‌های فراوانی برای کاربرد هر یک از این روش‌شناسی‌ها ایجاد کرده است، پس ضرورت دارد، به شیوه‌ای سایر محدودیت‌ها را کاهش داد. به عبارت دقیق‌تر لازم است مشارکت‌کنندگان و تسهیل‌گران تصمیم‌گیری مشارکتی نگاهی ژله‌ای شکل نسبت به هر یک از روش‌شناسی‌های تصمیم‌گیری مشارکتی داشته باشند. این مسئله پیش از این توسط برخی از اندیشمندان روش‌شناسی علم مطرح شده است، اما همانطور که اشاره شد، محدودیت‌های مختلف در نظر گرفتن آن برای روش‌های تصمیم‌گیری مشارکتی در دوران پساکرونا را ضروری می‌سازد.

بنابراین، برای کاهش محدودیت‌های اجرایی باید توجه داشت که استفاده توأمان و ترکیبی از روش‌ها نیز اقدامی شایسته خواهد بود. البته باید توجه داشت که این اقدام نیازمند توجه به هماهنگی مبانی نظری هر یک از

روش‌های انتخاب شده است.

حال که دو مورد از عرصه‌های اصلی در سطح نظریات تصمیم‌گیری مشارکتی مورد بحث قرار گرفت، لازم است مطابق راهبرد مبنایابی یک گام به عرصه کاربرد و اجرا نزدیک‌تر شویم. از این رو، در بخش بعدی تغییرات در تکنیک‌ها و اقدامات تصمیم‌گیری مشارکتی را مورد ارزیابی قرار می‌دهیم.

### ۴-۳. تغییرات در تکنیک‌ها و اقدامات تصمیم‌گیری مشارکتی

در کاربردی‌ترین سطح دانش، لازم است تکنیک‌ها و اقدامات مرتبط با تصمیم‌گیری مشارکتی را مورد توجه قرار دهیم. بر این اساس، دو عرصه فرآیند تسهیل‌گری و تکنیک‌های بازنمایی را انتخاب کرده‌ایم. در این مرحله تلاش می‌کنیم در کنار توجه به تغییرات مستقیم ناشی از بحران کرونا، تغییرات غیر مستقیم - که در اثر تحول در مبانی تصمیم‌گیری مشارکتی (ناشی از بحران کرونا) ایجاد شده است - را نیز مورد توجه قرار دهیم.

#### ۴-۳-۱. تغییرات در فرایند تسهیل‌گری

فرایند تسهیل‌گری نقش مهمی در کارآمدی هر پروژه تصمیم‌گیری مشارکتی دارد [۴]. این عرصه بسیار گسترده بوده و ابعاد و مسائل مختلفی را در بر می‌گیرد که هر یک به نوبه خود می‌توانند تحت تأثیر بحران کرونا قرار گیرند. در ادامه دو بعد اصلی که بیش از همه تحت تأثیر بحران کرونا قرار گرفته‌اند را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و تلاش می‌کنیم تغییرات لازم برای دوران پساکرونا در هر یک از این عرصه‌ها را نیز شناسایی کنیم.

#### الف. وظایف و ویژگی‌های یک تسهیل‌گر کارآمد

ویژگی‌های یک تسهیل‌گر کارآمد از جمله مهم‌ترین و اساسی‌ترین موضوعات در فرآیند تسهیل‌گری است [۴]. وظیفه اصلی یک تسهیل‌گر فراهم ساختن

شرایط و توانمندی‌های لازم برای مشارکت تمامی ذی‌نفعان است. انجام درست این وظیفه مستلزم توجه به پویایی‌های گروه، تشویق همه افراد گروه به همکاری و مشارکت و در برخی موارد مداخله فعالانه است؛ اما بحران کرونا در این وظیفه نیز تغییرات فراوانی ایجاد کرده است. همانطور که انتظار می‌رود اولین مسئله مجازی شدن هر چه بیشتر فرآیند تسهیل‌گری است. این مهم، پاسخ به سوالات اصلی این عرصه را متحول می‌سازد؛ از جمله سوالاتی از قبیل: از چه تعداد تسهیل‌گر باید استفاده شود؟ نقش مشارکت کنندگان چیست؟ از چه ابزارهایی در فرایند تسهیل باید استفاده شود؟ کدام جزئیات در فرایند تسهیل، حائز اهمیت هستند؟ و نقش بازخورد انتقادی در فرایند تسهیل چیست؟

بحران کرونا در عمل برخی از وظایف تسهیل‌گری را ناممکن ساخته است. در پروژه‌های جدی تسهیل‌گری، معمولاً یک تسهیل‌گر مجزا برای توجه به جزئیات روابط میان افراد گروه در نظر گرفته می‌شود، حال آنکه جلسات مجازی و یا حتی فاصله گذاری اجتماعی چنین اقدامی را ناممکن ساخته است. مسئله دیگر رابطه عمیقی است که باید میان تسهیل‌گر و مشارکت کنندگان برقرار باشد. با ادامه دار شدن بحران کرونا، فرایند تسهیل‌گری از این جانب نیز دچار مشکل می‌شود.

بنابراین، باید نقش عواطف و احساسات در فرآیند تسهیل‌گری را نیز مورد توجه قرار داد. یکی از مهم‌ترین مزیت‌ها و ویژگی‌های تصمیم‌گیری مشارکتی، به رسمیت شناختن و توجه به عواطف و احساسات در این شیوه تصمیم‌گیری است [۳۴]. از مهم‌ترین وظایف هر تسهیل‌گر تصمیم‌گیری مشارکتی، توجه ویژه به عواطف و احساسات در جلسات تصمیم‌گیری است. بسیاری از ویژگی‌ها و شرایط احراز کار تسهیل‌گری، بر همین اساس طراحی

شده است. حال آنکه بحران کرونا این عرصه را به کلی متحوّل ساخته است. بر این اساس، بروز و به رسمیت شناخته شدن عواطف و احساسات در جلسات پساکرونا نیازمند تسهیل‌گرانی با وظایف و صلاحیت‌های جدید است. از یک سو، رابطه میان تسهیل‌گران و مشارکت‌کنندگان نباید محدود به جلسات تصمیم‌گیری مشارکتی باشد. در دوران پساکرونا، لازم است تسهیل‌گران و مشارکت‌کنندگان شناخت عمیقی از یکدیگر داشته باشند. علاوه بر این، افزایش سطح گشودگی در ارتباط نیز از نیازهای اصلی فرایند تسهیل در دوران پساکروناست. این مسائل نیاز ویژگی‌ها و صلاحیت‌هایی از جمله قابل اعتماد بودن، صبور بودن و شنونده فعال بودن را در تسهیل‌گران افزایش می‌دهد. در سطحی دیگر توانمندی و تسلط بر نرم افزارهای کامپیوتری و فضای مجازی نیز به‌عنوان صلاحیت‌های ضروری تسهیل‌گران و مشارکت‌کنندگان قابل اشاره است.

#### ب. گروه فکری در فرآیند تسهیل

مسئله مهم دیگر در این رابطه آفت «گروه فکری» در فرایند تسهیل است. گروه فکری نشان از شرایطی دارد که سبک رهبری نادرست، تعلّق به انسجام گروه و احتراز از بحران، باعث حمایت از گزینه‌های نادرست گردد [۳۴]. به‌طور معمول گروه فکری ناشی از عواملی از جمله عدم تخصّص خیلی از مشارکت‌کنندگان، تفوّق و سلطه یک شخص یا گروه در فرایند تصمیم‌گیری جمعی و عدم تعهد و علاقه مشارکت‌کنندگان به موضوع است. تفوّق و سلطه یک شخص می‌تواند ناشی از دلایل مختلف، از جمله قدرت سیاسی، تخصّص، جایگاه اجتماعی یا اقتصادی و ... عنصر مسلط باشد.

بحران کرونا به چند طریق این وضعیّت را وخیم‌تر ساخته است: بحران کرونا با افزایش سطح استرس و هیجان محیطی، مشارکت‌کنندگان را

محتاط‌تر ساخته است. در نتیجه، به‌طور معمول میل بیشتری به گروه فکری در فرآیند تصمیم‌گیری مشارکتی ایجاد می‌شود. از سوی دیگر، با افزایش فردیت اتمیستی، میل به مشارکت فعال در موضوعات را کاهش داده است. این آفت به‌طور خاص در جلسات مجازی جدی‌تر می‌شود. این مسئله نیز به نوبه خود تأثیر جدی بر افزایش گروه فکری در فرآیند تسهیل خواهد داشت. علاوه بر این، استفاده از نظارت و اهرم‌های اجبار برای مشارکت در جلسات پساکرونا، بسیار کمتر شده است.

بر این اساس، درونی‌سازی ارزش‌ها و تقویت مرکز کنترل درونی مشارکت کنندگان می‌تواند راهگشا باشند. این موارد مستلزم نهادینه‌شدن معیاری غیر از سودگرایی در فعالیت‌های سازمان است. بنابراین، هر یک از تغییرات و اصلاحات پیشنهاد شده در ذیل عرصه‌های فایده‌گرایی و مسئولیت اجتماعی در این زمینه کمک کننده خواهند بود.

#### ۲-۳-۴. تغییرات در تکنیک‌های بازنمایی

تکنیک‌های بازنمایی<sup>۱</sup> از مهمترین بخش‌های اجرای تصمیم‌گیری مشارکتی است. این تکنیک‌ها اثرگذاری فراوانی در تمامی بخش‌های تصمیم‌گیری مشارکتی ایفا می‌کنند. در این بخش که آخرین بخش تحلیل و بررسی ما را تشکیل می‌دهد، تلاش داریم تغییراتی که بحران کرونا بر تکنیک‌های بازنمایی و کاربرد آن ایجاد کرده است را مورد بررسی قرار دهیم. بنابراین، پیش از پرداختن به ابعاد مختلف این مسئله لازم است تأکید کنیم که بحران کرونا نقش تکنیک‌های بازنمایی را بیش از پیش مهم و ضروری ساخته است. استفاده از تکنیک‌های بازنمایی بخشی حیاتی از فرآیند

---

1. representation

تسهیل‌گری و کمک به گروه‌ها به‌منظور فهم محیط و شرایط و مسائلی است که با آن روبرو می‌شوند. بازنمایی به‌طور کلی نیز، وظیفه ساده‌ای نیست زیرا اغلب، مسائلی که مشارکت‌کنندگان در بستر چندگانه با آن مواجه هستند، آشفته و دارای ساختار ضعیف است. بحران کرونا، با افزایش فردیت اتمیستی، و سخت‌تر ساختن رابطه و بعلاوه با افزایش سطح استرس محیطی، این وضعیتی پیچیده را دوچندان ساخته است. بر این اساس، تلاش می‌کنیم این مسئله را در انواع مختلف بازنمایی مورد بررسی قرار دهیم.

#### **الف. بازنمایی کلامی**

بازنمایی کلامی که از ساده‌ترین انواع بازنمایی است به استفاده از زبان و کلام به منظور بازنمایی و به اشتراک گذاری فهم شخصی از مسئله تأکید دارد. هر چند محدودیت‌های بحران کرونا به‌صورت مستقیم امکان بهره‌برداری از این شکل بازنمایی را منتفی نمی‌کند، اما آثار بحران کرونا از جمله فاصله گرفتن فضاهای فکری افراد در نتیجه فاصله فیزیکی، کاهش ظرفیت مفاهمه به دلیل افزایش سطح استرس محیطی و ... به‌صورت مستقیم اجرای این نوع از بازنمایی را مشکل می‌سازد. نکته قابل توجه دیگر این است که این نوع ساده بازنمایی برای اغلب مسائل تصمیم‌گیری مشارکتی ناکافی است.

#### **ب. بازنمایی تصویری**

نوع تصویری بازنمایی با استفاده از تصاویر، نمودارها یا گراف‌ها به بازنمایی می‌پردازد. در این دسته، شیوه‌های مختلفی از بازنمایی جای می‌گیرد؛ از شیوه‌های نسبتاً ساده مثل استفاده از تصاویر غنی، گرفته تا شیوه‌هایی پیچیده‌تر چون درخت تصمیم و شبکه تصمیم.



باید توجه داشت از آنجا که استفاده از انواع تصویری بازنمایی در فرآیند تسهیل، نیازمند محیطی حمایتگر است که اجرای مجموعه‌ای از فرآیندهای کاری از جمله بررسی، بحث و تصمیم را ممکن سازد [۴]، بحران کرونا تا حد زیادی این شکل از بازنمایی را دچار مشکل ساخته است؛ چرا که خلق یا حفظ محیط حمایتگر در شرایط پیچیده و حساس کرونا بسیار مشکل‌تر شده است.

### ج. بازنمایی حیاتی

منظور از بازنمایی حیاتی استفاده از تکنیک‌هایی چون نمایش بازی کردن یا اجرای نمایش تعاملی است. روشن است که بحران کرونا، بیشترین تأثیر را بر این شکل از بازنمایی ایجاد کرده و محدودیت‌هایی اجرایی ناشی از این بحران از جمله فاصله‌گذاری اجتماعی این نوع بازنمایی را تقریباً ناممکن ساخته است. مهم‌ترین چالشی که بحران کرونا برای انواع بازنمایی ایجاد کرده است، چالش مفاهمه است. بر این اساس، از آنجا که ایجاد مفاهمه به‌عنوان هدف اصلی تکنیک‌های بازنمایی در نظر گرفته می‌شود، بحران کرونا انواع مختلف بازنمایی را دشوارتر و ضرورت و نیاز به این تکنیک‌ها را نیز حیاتی‌تر ساخته است.

بر این اساس، برای پاسخ به دومین سوال پژوهش در این بخش، باید تأکید کرد که لازم است فرآیند تصمیم‌گیری مشارکتی با اقداماتی که به درک و احترام به تفاوت و تسهیل تفاهم کمک می‌کنند، تقویت شود. اقداماتی از قبیل توجه به تفاوت‌های مدل‌های ذهنی، افزایش مهارت‌های شنیداری، غنی‌تر ساختن ویژگی‌های اخلاقی مشارکت‌کنندگان از جمله صبر، احترام و صمیمیت. برخی از این ویژگی‌ها را می‌توان با نهادینه‌سازی اصلاحات لازم بر مبنای فایده‌گرایی به دست آورد.

## ۵. نتیجه گیری

در بخش‌های گذشته اثرات بحران کرونا بر تصمیم‌گیری مشارکتی را در سه سطح مبانی، نظریات و کاربردها مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و در هر سطح تلاش کردیم، تغییراتی که تصمیم‌گیری مشارکتی می‌تواند با استفاده از آن در دوران پسا کرونا باقی بماند را شناسایی کنیم. در (جدول ۵) خلاصه‌ای از این تغییرات و آثاری که هر یک بر لایه‌های بالایی یا پایینی خود می‌گذارند را بر اساس راهبرد مبنای‌گرایی ارائه می‌دهیم:

جدول ۵: تصمیم‌گیری مشارکتی؛ اثرات بحران کرونا و تغییرات لازم

سطح دانشی	عرصه تصمیم‌گیری مشارکتی	اثرات بحران کرونا	تغییرات لازم برای پسا کرونا	سطح تغییرات
مبانی نظری	فایده‌گرایی	کاهش اهمیت چالش محاسبه-گری چالش نتیجه‌گرایی	تعدیل و تکمیل مبنای فایده‌گرایی	مبانی نظری
	مسئولیت اجتماعی	افزایش اهمیت قرار گرفتن در کانون توجه	اصالت دادن به مبنای مسئولیت اجتماعی	مبنای نظری
تئوری‌ها	بسترهای تصمیم‌گیری مشارکتی	چالش استقلال چالش چابکی	اصلاحات ریشه‌ای (در مبانی)	مبنای نظری
	روش‌شناسی-های تصمیم‌گیری مشارکتی	چالش عدم اطمینان محدودیت‌های	ترکیب روش-شناسی‌ها تغییر نگاه به	تئوری‌ها

	اجرائی	روش‌شناسی‌ها	
تکنیک‌ها و اقدامات	فرایند تسهیل‌گری	چالش ارتباطات چالش اعتماد	تغییر صلاحیت‌های ضروری تسهیل‌گر و مشارکت‌کنندگان اصلاحات ریشه‌ای (در مبانی)
	تکنیک‌های بازنمایی	چالش مفاهمه محدودیت‌های اجرایی	تغییر در الگوهای آموزش اصلاحات ریشه‌ای (در مبانی)
			مبانی نظری، تئوری‌ها

همانطور که در جدول ۵ نشان داده شده است، بحران کرونا، چالش‌های متعددی را برای عرصه‌های مختلف تصمیم‌گیری مشارکتی ایجاد کرده است. در این میان، چالش‌های محاسبه‌گری، نتیجه‌گرایی، عدم اطمینان، چابکی و مفاهمه هر یک به تنهایی می‌توانند یک پروژه تصمیم‌گیری مشارکتی را ناکام سازند. از سوی دیگر، وضعیتی در هم تنیده این چالش‌ها نیز قابل توجه است، بسیاری از چالش‌ها که در لایه‌های بالایی دانش با آن مواجه هستیم، نشأت گرفته از خلل‌های موجود در لایه‌های زیرین است. بر این اساس، بسیاری از تغییرات لازم در دوران پساکرونا نیز با تمرکز بر لایه‌های زیرین دانش و سطح مبانی نظری ارائه شده‌اند.

جمع‌بندی و تحلیل نتایج نشان می‌دهد که برای استفاده از تصمیم‌گیری مشارکتی در دوران پساکرونا نیازمند یک تغییر الگویی در این عرصه هستیم؛ در غیر این صورت آینده محتمل، محروم شدن از عرصه پرکاربرد و سودمند تصمیم‌گیری مشارکتی در دوران پساکروناست. جدول ۶، نشان دهنده ابعاد این تغییر الگویی است. همانطور که مشاهده می‌کنید، اغلب تغییرات لازم

است در مبانی تصمیم‌گیری مشارکتی صورت گیرد. تحلیل‌ها نشان دادند که تکمیل، تغییر جایگاه و اصالت قائل شدن برای مبنای مسئولیت اجتماعی ضرورت ویژه دارد. از طرفی مبنای فایده‌گرایی نیازمند تغییر و تحولات بیشتر است. در مبنای فایده‌گرایی اصول مهمی از جمله توجه توأمان به فرد، خانواده و جامعه، توجه به محدودیت‌های شناختی و محاسباتی، توجه به معنویت و ... نادیده گرفته شده است. همانطور که در بررسی‌های مقاله ارائه شد، بسیاری از چالش‌های تصمیم‌گیری مشارکتی در دوران کرونا، نشأت گرفته از این عناوین نادیده گرفته شده است. به هر روی تغییرات قابل توجهی نیز در دو سطح نظریه و تکنیک‌ها و اقدامات تصمیم‌گیری مطرح شدند.

نتایج این اثر، با پژوهش‌هایی که دیگر ابعاد بحران کرونا را بررسی کرده‌اند، به نحو قابل توجهی همگرایی دارد. برای نمونه گرینبرگ و همکاران، که ابعاد این مسئله را در عرصه مدیریت سازمانی مورد بررسی قرار داده‌اند و هوپمن و همکاران که بحران کرونا را در عرصه کلی‌تر اداره جامعه و حکومت تبیین کرده است، هر دو بر عناصری چون نیاز به معنویت، پرهیز از افراط در فایده‌گرایی و ... تأکید کرده‌اند [۳۴] و [۳۵].

سرانجام، لازم است پیشنهاداتی در دو عرصه نظریه و کاربرد ارائه دهیم. بنابراین، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی به هر یک از عرصه‌های تغییر مطرح شده به‌صورت جداگانه پرداخته شود. برای نمونه، تحوّل در معیارهای فایده‌گرایی یا مسئولیت اجتماعی در پسا کرونا، هر یک می‌تواند موضوع اثری مجزا باشد. همچنین لازم است پژوهش‌هایی مجزا با هدف به روز رسانی ساختار و فرایند روش‌شناسی‌های تصمیم‌گیری مشارکتی و ایجاد مطابقت میان هر یک از این روش‌شناسی‌ها با شرایط پسا کرونا صورت گیرد.

در سطح کاربردی، لازم است به مدیران و صاحبان کسب و کار پیشنهاد شود تا شرایط و آموزش‌های لازم برای کسب صلاحیت‌های ضروری برای تصمیم‌گیری مشارکتی در دوران پساکرونا را فراهم سازند. صلاحیت‌ها و ویژگی‌هایی چون افزایش سطح تحمّل ابهام در سازمان، ارتقاء فرهنگ اعتماد متقابل، گشودگی سازمانی و افزایش سطح تعهد سازمانی از جمله این موارد است. در سطحی اجرایی‌تر، ضرورت دارد سازمان‌ها تمامی نیروی کار خود را به نحوی آموزش دهند که بتوانند به راحتی و فارغ از هر گونه مشکل و استرس با تکنولوژی‌های دورکاری و فضای مجازی تعامل کنند. لازم است به تسهیل‌گران تصمیم‌گیری مشارکتی نیز پیشنهاد شود که در عرصه نظری استفاده و ترکیب انواع روش‌شناسی‌های مختلف را برای پروژه‌های تصمیم‌گیری مشارکتی امتحان کنند و به یک یا چند روش‌شناسی خاص محدود نباشند. همچنین در سطح کاربردی پیشنهاد می‌شود که تسهیل‌گران رابطه خود را با مشارکت‌کنندگان تصمیم‌گیری مشارکتی قوی‌تر و عمیق‌تر ساخته و برای ایجاد شناخت و اعتماد متقابل تلاش کنند.

#### ۶. منابع و مآخذ

- Yong Suk Jang, J. Steven Ott, Jay M. Shafritz (2011), *Classic Readings in Organization Theory*, New York: Wadsworth Cengage Learning.
- Taylor, Frederick Winslow (1911), *the Principles of Scientific Management*, New York: Harper & Brothers.
- Franke, Richard Herbert and James D. Kaul (1978), *The Hawthorne Experiments: First Statistical Interpretation*, *American sociological review*, Vol 4. No 5 pp. 623 – 643.
- Taket, Ann and white, Leroy (2000), *Partnership and Participation: Decision-making in the Multiagency Setting*. New York: Wiley.
- Grant T. Harris (2020), *How Investors Can Navigate Pandemic-Related Risk in Emerging Markets*, *Harvard Business Review*. May 15, 2020.
- Roberts, Jonathan M. (1988), *Decision-making during International Crises*. London: the Macmillan Press.
- Solomon, Robert C. (2005), *On Ethics and Living Well*, Austin: University of Texas.
- Eggleston, Ben (2014), *the Cambridge companion to utilitarianism*, London: Cambridge University Press.

- Staveren, Irene (2007), *Beyond Utilitarianism and Deontology*, *Review of Political Economy*, Volume 19, Number 1, 21–35, January.
- Tanner, Carmen (2007), Influence of deontological versus consequentialist orientations on act choices and framing effects: When principles are more important than consequences, *European Journal of Social Psychology*, *Eur. J. Soc. Psychol.* DOI: 10.1002/ejsp.493.
- Khodamradi, Sara and Yousefi, Minoo and Aghdami, Mehri (1396). Investigating the Relationship between Social Responsibility and Customer Loyalty. *New Research in Management and Accounting*, No. 29. 210-235
- Ranjbar, Ahmad Abolhassani and Rahro, Amir Hossein and Eskandarinia, Nima and Bozorgi Nejad, Mehrdad (1394). Provide a fuzzy model to assess the level of social responsibility of the organization. *Quarterly Journal of State Management Mission*, Year 6, Issue 17, 80-97.
- WHO and European Investment Bank strengthen efforts to combat COVID-19 and build resilient health systems to face future pandemics, world health organization, 1 May 2020.
- Greig, Finlay (2020) Coronavirus symptoms explained: meaning of a ‘persistent’ or ‘continuous’ cough, high temperature and loss of smell and taste, URL: <https://inews.co.uk/news/health/coronavirus-symptoms-explained-persistent-continuous-cough-temperature-high-loss-smell-taste-anosmia-409092>
- Ghaffari, Gholamreza (1388). "The logic of comparative research." *Iranian Journal of Social Studies*: Winter 2009, Volume 3, Number 4
- Azizi, Mahdi (1397), *Explaining the Basics of Islamic Decision Making in Organizations*, Master Thesis, Management, Imam Sadiq University.
- Greenberg, Marvin (1974), *Euclidean and non-Euclidean geometries*, New York: Freeman.
- Sagden, Robert and Williams, Anne (1978). *Fundamentals of cost-benefit analysis*. Oxford: Oxford University Press.
- Michael Hitt, R. Duane Ireland, and Robert E. Hoskisson (2020), *Strategic Management: Concepts: Competitiveness and Globalization*, 12th Edition, New York: Cengage Learning.
- Gray, John (2020), Goodbye to globalization, *The Guardian*, <https://www.theguardian.com/world/2001/feb/27/globalisation>
- Kymlicka, Will (2002). *CONTEMPORARY POLITICAL PHILOSOPHY*, New York: OXFORD UNIVERSITY PRESS.
- Motahhari, Morteza (1390). *Imamate and leadership*. Sixth edition. Tehran: Sadra.
- Mehdi Azizi , Hossein Bakhtiari, Mohammad Jawad Bahmanabadi (2018), Islamic authoritative decision-making and its place in the application of Islamic decision-making, *The Interdisciplinary Quarterly of Fundamental Researches on Humanities*, 3(4): 25-42.
- Kavousi, Ismail, Chavosh Bashi, Farzaneh, (2010), Designing Sustainable Strategies for Creating Social Responsibility, *Journal of Organizational Social Responsibility* (2), Cultural and Social Research Group, Expediency Discernment Council.
- Fleming, M. (2002), *What is safety culture? Rail way safety ever green House*, Sage Publication, November
- Azizi, Mehdi et al. (2017). Investigating the effect of utilitarian school on decision-making theories and comparing it with the theory of Islamic growth, *Journal of Islamic Management Research*, No. 3.

- COVID-19 and Responsible Business Conduct (2020), Business human rights, [https://www.business-humanrights.org/sites/default/files/documents/OECD\\_COVID-19%20and%20Responsible%20Business%20Conduct\\_Full%20Note.pdf](https://www.business-humanrights.org/sites/default/files/documents/OECD_COVID-19%20and%20Responsible%20Business%20Conduct_Full%20Note.pdf)
- Mental health and psychosocial considerations during the COVID-19 outbreak (2020), world health organization, [https://www.who.int/docs/default-source/coronaviruse/mental-health-considerations.pdf?sfvrsn=6d3578af\\_2](https://www.who.int/docs/default-source/coronaviruse/mental-health-considerations.pdf?sfvrsn=6d3578af_2)
- Drucker, P.F. (1993). *Managing for the future*. Butterworth -Heinemann, Oxford.
- Hassan Ali Viskermi, Leila Amirian, Sajjad Khodaei (1397) The effectiveness of critical thinking training on happiness and tolerance of ambiguity of medical students. *Journal of Research in Medical Education*, Volume 10, Number 3, pp. 58-66.
- Rahimi Masoumeh, VaezFar Seyed Saeed, Jairvand Hamdaleh (2015) The simple and multiple relationship between the power of tolerating ambiguity and the emotional atmosphere of the family and cognitive creativity. *Innovation and Creativity in the Humanities*, Volume 5, Number 2, 147-164.
- Alavi, S.A. and Azizi, M. (2020), "The effect of Islamic culture's constituents on decision-making", *Journal of Islamic Marketing*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/JIMA-10-2018-0192>.
- Senge, P.M. (1990). *The fifth discipline: the art and practice of the learning organisation*. Random House, Sydney.
- Hopman J, Allegranzi B, Mehtar S. Managing COVID-19 in Low- and Middle-Income Countries. *JAMA*. 2020;323(16):1549–1550. doi:10.1001/jama.2020.4169
- Greenberg Neil, Docherty Mary, Gnanapragasam Sam, Wessely Simon (2020), Managing mental health challenges faced by healthcare workers during covid-19 pandemic *BMJ* 2020; 368 :m1211
- Ackoff, Russell L. (1981), *Creating the Corporate Future: Plan or be planned For*. New York: Wiley.
- Darrell K. Rigby (2020), *Develop Agility That Outlasts the Pandemic*, Harvard Business Review, May 15, 2020.
- North Robert C. (1962) Decision-making in crisis: an introduction, *Journal of Conflict Resolution*, Vol. 6 No. 3, pp. 197-200.
- Maarten, Jan and Aletta, Schraagen and Eikelboom, Kees van Dongen and Guido te Brake (2005), Experimental Evaluation of a Critical Thinking Tool to Support Decision Making in Crisis Situations, *Proceedings of the 2nd International ISCRAM Conference* (B. Van de Walle and B. Carlé, eds.), Brussels, Belgium, April 2005
- Sayegh, Lisa (2004) Managerial decision-making under crisis: The role of emotion in an intuitive decision process, *Human Resource Management Review*, Volume 14, Issue 2, Pages 179-199
- Schraagen, Jan Maarten (2018) Improving Decision Making in Crisis Response through Critical Thinking Support, *Journal of Cognitive Engineering and Decision Making*, Volume: 2 issue: 4, page(s): 311-327.
- Chambers, R. (1994). The origins and practice of PRA. *World Development*, 22 (7): 95

## ۶. راهبرد و آزمون کرونا

رضا بنی‌اسد<sup>۱</sup>، مهدی باقری میبدی<sup>۲</sup>

### ۱. مقدمه

با شیوع کرونا بسیاری از قواعد کسب‌وکارها برای اولین بار در قرن‌های اخیر به شکل متفاوتی تحت تأثیر قرار گرفت و حامل یک پیام بسیار جدی برای همه کسب‌وکارها بود. کسب‌وکارهایی که راهبرد داشته باشند چه در زمان کرونا و چه قبل و بعد از آن می‌توانند سبب سود و مزیت خود را بهتر مدیریت کنند. زمانی که بحران‌ها فراگیر می‌شوند باید به دانش مادر کسب‌وکارها مراجعه کرد و این دانش چیزی نیست جز "مدیریت راهبردی". بدون این دانش سرمایه‌گذاری در سایر حوزه‌ها به خطا خواهد رفت هرچند ممکن است در کوتاه مدت عایدی را نصیب سازمان و کسب‌وکار کند و خوشحالی موقت

---

۱. استادیار و عضو هیأت علمی دانشکده معارف اسلامی و مدیریت/ دانشگاه امام صادق علیه‌السلام/

رایانامه: baniasad@isu.ac.ir / تاریخ نگارش: بیست و چهارم اردی‌بهشت‌ماه ۱۳۹۹.

۲. کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت بازرگانی/ دانشگاه امام صادق علیه‌السلام/ رایانامه:

bagheri.m313@yahoo.com



را بر لبان ذینفعان بنشانند.

بنابراین، باید به گسترش مطالعات راهبردی و بومی برای حل مسائل راهبردی کسب‌وکارهای داخلی در شرایط کرونا توجه کرد. با توجه به ضرورتی که در وضعیت فعلی برای پیشرفت کسب‌وکارها احساس می‌شود، امید است که مطالعات راهبردی در بنگاههای اقتصادی و کسب‌وکارهای کوچک و بزرگ مورد توجه پژوهشگران قرار گیرد. پژوهش در حوزه راهبرد و مدیریت راهبردی در بخش خصوصی و انتفاعی، دارای منطقی است که از آن می‌توان در بخش عمومی و همچنین سطح کلان و دولت نیز استفاده کرد.

همه کسب‌وکارهای موجود برای حفظ بقا و سودآوری خود به محیط وابسته هستند. در کسب‌وکارهای نوپا (استارت‌آپ)، اولین دغدغه این است که آیا محصول یا خدمت جدید برای سرمایه‌گذاری سودآور است؟. طبیعی است که پاسخ به این سؤال، به تحلیل بازارها و آزمودن محصول در محیط کسب‌وکار وابسته است. بنابراین، تحلیل محیط چه برای کسب‌وکارهای موجود و چه برای کسب‌وکارهای نوپا، ضروری است.

عمدتاً موفقیت در کسب‌وکارهای نوپا حاصل هوشمندی و شناخت درست و به‌موقع از محیط است؛ زیرا فرصت‌هایی در محیط وجود دارد که فقط مبدعان این کسب‌وکارها قادر به درک و شناسایی آن‌ها هستند. عمده‌ترین ایده‌های کارآفرینانه برای ایجاد یک کسب‌وکار نوپا نیز حاصل فرصت‌یابی در محیط است. این کسب‌وکارها با توجه به نیازهایی که از مشتریان برآورده می‌کنند کم‌کم صنایع جدید را شکل می‌دهند و خواسته‌های جدیدی برای نیازهای متنوع مشتریان به ارمغان می‌آورند.

کسب‌وکارها، چه کوچک، چه بزرگ، چه الکترونیکی، چه کلاسیک همه‌وهمه به تحلیل محیط نیاز دارند. این کسب‌وکارها چه در حال فعالیت

باشند یا نوپا، اهداف بنیادی زیر را دنبال خواهند کرد:

الف) انتخاب بازارهای جذاب (کسب‌وکارها-بویژه نوپا- به دنبال انتخاب و شناسایی بازارهای جدید هستند)

ب) حفظ موقعیت رقابتی (کسب‌وکارها-بویژه فعال- به دنبال حفظ موقعیت رقابتی خود در محیط هستند)؛

### ۱-۱. کرونا و تأملی بر الگوی راهبردی کسب‌وکار

بیشتر متفکران، الگوهایی را برای مدیریت راهبردی ارائه کرده‌اند. عمده این الگوها برای کسب‌وکارهای بخش خصوصی طراحی شده‌اند؛ اما با ظهور و گسترش بهره‌برداری از مدیریت راهبردی در سازمان‌های دولتی و غیرانتفاعی، به تدریج متفکران این حوزه که عمدتاً از چارچوب‌های برنامه‌ریزی و مدیریت راهبردی در بخش خصوصی الهام گرفته‌اند، مدل‌هایی را پیشنهاد کرده‌اند. اخیراً توجه به مدیریت راهبردی در دولت هم رشد قابل ملاحظه‌ای داشته است بطوری که به‌صورت مستقل به این بخش پرداخته شده است.

در مسئله کرونا، بررسی تجربه‌های موجود بخش دولتی، خصوصی و دولت برای بهره‌برداری در کسب‌وکارها ضروری است.

اما نکته‌ای که نباید از آن در این شرایط غافل شد این است که ممکن است الگوهای مدیریت راهبردی شباهت‌هایی در منطق تحلیل با یکدیگر داشته باشند اما هر کسب‌وکار نیازمند الگوی منحصر به فرد خویش است؛ این الگو بر اساس وضعیت تلاطم محیطی، تفکر راهبردی رهبر کسب‌وکار و ماهیت وجودی آن طراحی می‌شوند.

این روزها، مدیران عامل و راهبردهانشان با یک سؤال اساسی همواره

مواجه هستند و پاسخ به آن عبور از ناهمواری‌های موجود و دستیابی به اهداف را آسان خواهد کرد:

### "در شرایط مسئله کرونا، چه مدل راهبردی برای موفقیت کسب‌وکارها مناسب است؟"

در واقع، انتخاب یک الگوی بهینه برای استفاده از مدیریت راهبردی در کسب‌وکار، بستگی به شهود و تجربیات رهبران و مدیران دارد. یک الگوی بهینه، حاصل همفکری و مشورت مدیران راهبردی با کارشناسان برنامه‌ریزی راهبردی و همچنین مشاوران خارج از سازمان است. به عبارت دیگر، مدیران در چشم‌انداز راهبردی، از اولویت‌ها و چالش‌های خود سخن به میان می‌آورند، کارشناسان برنامه‌ریزی راهبردی به تحلیل و بررسی این اولویت‌ها و چالش‌ها و امکان اجرایی‌شدن آن‌ها در حیطه نظارت مدیران می‌پردازند و سرانجام مشاوران و اعضای تیم‌های پروژه، مهم‌ترین و جدیدترین الگوها و مدل‌های مدیریت راهبردی را برای حل این مسائل معرفی می‌کنند. بنابراین، اگر برای کسب‌وکار خود از قبل الگویی راهبردی داشته‌اید لازم است به تجدید نظر در مورد آن توجه شود و اگر الگویی موجود نبوده است قطعاً ضرورت طراحی الگو در این شرایط بیشتر احساس می‌شود.

### ۱-۲. تعاریف پنج‌گانه راهبرد و تحلیل آن برای مسئله کرونا

هنری مینزبرگ (۲۰۰۷) در تعریف خود از راهبرد به مثابه الگو، برنامه، موقعیت، رویکرد و مانور یاد می‌کند (۲) که مفهوم هر یک از این استعاره‌ها در شرایط کرونا بررسی می‌شود:

#### ۱-۲-۱. راهبرد به مثابه الگوی اقدامات

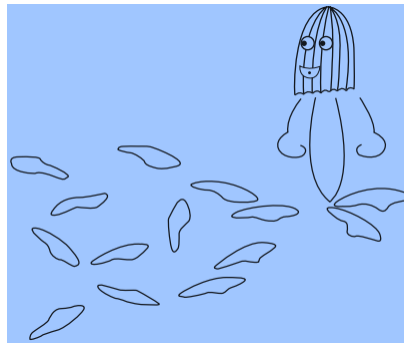
راهبرد به مثابه الگوی اقدامات<sup>۱</sup> به معنای *تداوم رفتار در طول زمان*<sup>۲</sup> است. در

---

1. Strategy as pattern of actions

2. Consistency in behavior over time

این راهبرد نوعی نگاه به گذشته وجود دارد و در واقع باید به دنبال ردپاهای گذشته خود برای موفقیت امروز بود (۲). (نمودار ۱۰)



نمودار ۱۰: راهبرد به مثابه الگوی اقدامات

در مسئله کرونا، تداوم رفتارهای موفق ملت‌ها و سازمان‌ها می‌تواند آن‌ها را در برابر مقابله با این ویروس بسیج کند در واقع در کشور ایران شکل‌گیری فرهنگ جمعی، روحیه ایثار و خودباوری، سرمایه‌گذاری‌های کلان در طول زمان روی امکانات و منابع مورد نیاز، مقابله با ویروس کرونا را آسان‌تر از گذشته کرده است. چند نمونه از این نوع راهبرد اشاره می‌شود:

#### ۱-۲-۲.. داشتن روحیه اجتماعی

مردم ایران به مثابه یک فرهنگ غنی دارای انسجام اجتماعی هستند و این روحیه در طول تاریخ وجود داشته و حال که فعالیت‌های اجتماعی مرسوم به تعطیلی کشیده شده است برخی فعالیت‌های جایگزین را برای کمک به مدافعان سلامت انتخاب کرده و در حال تولید انواع محصولات مرتبط هستند. حضور در نماز جمعه، حرم‌های مطهر، مساجد، صله رحم، حضور در سینماها، مکان‌های دسته‌جمعی و حتی برنامه‌های تلویزیونی صدا و سیما

نشان از این روحیه جمعی دارد که در طول زمان شکل گرفته است. شرکت مردم در انتخابات، جشن پیروزی انقلاب اسلامی به مدت ۴۱ سال و همچنین سایر جشن‌های ملی همچون عید نوروز، اعیاد غدیر که سادات به طور ویژه آن را گرامی میدارند و همچنین اعیاد فطر و عید قربان از جشن‌های اجتماعی ایرانیان هستند. عیدسعید قربان و همچنین پیاده‌وری اربعین که هرساله در عراق انجام می‌شود نمادی از فرهنگ اسلامی است که در قالب جهانی رخ نمایی می‌کند.

در واقع از سرمایه‌های اجتماعی ملی می‌توان مصادیق زیادی را بر شمرد که امروزه بهره برداری از آن‌ها به کمک مقابله با ویروس کرونا در کشور ایران آمده است.

### ۱-۲-۳. جنگ تحمیلی و درس‌های آن برای مقابله با ویروس کرونا

همه کشورها برای اینکه خود را در برابر آسیب‌ها و بلایای طبیعی، جنگ‌ها و بیماری‌ها آماده کنند رزمایش برگزار می‌کنند به عبارت دیگر یک مانور برای رخداد آن حادثه در محیط واقعی انجام می‌دهند. کشور ایران از سال ۱۳۵۹ تا سال ۱۳۶۷ ظاهراً با رژیم بعث عراق اما در باطن با تعداد زیادی از کشورها که به وی کمک می‌کردند در جنگ بود؛ ۸ سال جنگ نوعی رزمایش در محیط واقعی برای مقابله با هرگونه بحرانی است بنابراین کشوری که این جنگ هشت‌ساله را به پایان برده است قطعاً امروزه دارای تجربه‌های ذیقیمتی برای مقابله با ویروس کرونا خواهد بود. در زمان جنگ، مساجد مکانی برای پشتیبانی بودند و اکنون نیز در آنها ماسک، گان و محل هماهنگی و بسته‌های غذایی تهیه می‌شود. در آن زمان برای رزمندگان لباس و غذا و ... آماده می‌شد اکنون برای مدافعان سلامت انواع خدمات ارائه می‌شود. علاوه بر مساجد امکان مقدسه و حریم‌های مطهر نیز در این مهم نقش اساسی ایفا

می‌کنند. امروزه خانه‌های مادران شهدا کارخانه‌های کوچک خیاطی شده است که انواع تجهیزات را آماده می‌کنند. در واقع مادرانی که دیروز فرزندان خود را به جبهه فرستاده اند و شهیده شده اند امروز خود در خط مقدم به کمک بهداشت و درمان کشور شتافته‌اند. این در واقع همان تداوم رفتار مبارکی است که در طول زمان از نسل جبهه به نسل جدید انقلاب منتقل شده است.

#### ۱-۲-۴. وجود دانش‌های ضمنی و آشکار

در طول این مسیر پر پیچ و خم از زمان پیروزی انقلاب اسلامی، کشور و سازمان‌ها و نهادها با انواعی از دانش‌های ضمنی و آشکار مواجه بوده‌اند دانش‌هایی که نسل به نسل منتقل شده است و با تجمیع آن راه‌های مبارزه با کرونا را میسر ساخته است؛ برای مثال، به دانش پزشکی ایران نگاهی بیندازید به مقالات فراوان بین‌المللی، سلول‌های بنیادی و پژوهش‌کده رویان، عمل‌های موفق سنگین در تراز جهانی، پزشکی‌های همچون پرفسور سمیعی با برند جهانی، به رشد و توسعه قابل توجه بهداشت و درمان کشور و زیر ساخت‌های آن همه و همه حکایت از وجود یک دانش غنی و مؤثر در طول زمان در کشور ایران داشته است. این دانش امروزه به خوبی برای مقابله با ویروس کرونا استفاده می‌شود و علاوه بر آن با توجه به تجربه‌های جهانی روز بروز بر قوت و دقت آن افزوده می‌شود.

علاوه بر اینها دانش ۷۰۰۰ سال زیستن را نباید به فراموشی سپرد دانشی که این تمدن کهن را در مواجهه با انواع بحران‌ها قرار داده است و اکنون آن را همچون فولاد در برابر سختی‌ها و بیماری‌ها به مقابله وا می‌دارد.

#### ۱-۲-۵. جانشین‌پروری در امور مختلف

یک مهم را شاید ما کمتر در پیشرفت کشور مورد دقت و ملاحظه قرار دهیم

آن‌هم جانشین‌پروری<sup>۱</sup> است. امروزه اگر سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی به دست آمریکا و ترامپ به شهادت می‌رسد جانشینی وجود دارد که در کنار وی در جبهه‌ها وجود داشته و اکنون می‌تواند سکان‌دار سپاه قدس شود. در لایه‌های کارشناسی، بیشتر مدیران و کارشناسانی که با خداوند معامله کردند از دانش ضمنی و آشکار خود برای هم‌نوعان خود دریغ نکرده‌اند و این روحیه اشتراک دانش باعث شده است که جانشینانی خوب برای اداره امروز و فردای کشور برای هر یک از پست‌های مختلف وجود داشته باشد و حتی جوانانی که امروز تلاش خود را برای تعالی و پیشرفت کشور معطوف داشته‌اند. این روحیه خود را در بحران‌ها به خوبی نشان می‌دهد امروزه دانش و تجربه پیشکسوتان با پویایی و خلاقیت جوانان پیوند خورده است و باعث تولید جنگ‌افزارهای توانمند در برابر ویروس کرونا شده است.

#### ۱-۲-۶. راهبردهای نوظهور و دستیابی به بهترین اقدام

راهبردهای نوظهور در زمانی که محیط پیرامونی کاملاً پیچیده و پویا می‌شوند لازم و ضروری هستند. مقابله با کرونا یکی از بهترین مصادیق بهره‌برداری از راهبردهای نوظهور است زیرا سازمان‌ها، نهادها و قوای سه‌گانه فرصت بلند مدت طراحی راهبردهای از پیش اندیشیده‌شده را ندارند و در واقع باید درباره بهترین راه‌حل‌ها مصالحه کنند و به بهترین اقدام برسند.

نکته ای مهم و راهبردی در اینجا وجود دارد که نباید آن را نادیده گرفت: راهبردهای نوظهور بر پایه دانش و قوت‌های گذشته شکل می‌گیرند به عبارت دیگر، سرمایه‌گذاری روی تجربه‌ها و دانش‌ها و امکانات و زیرساخت‌های مختلف است که امروز راهبردهایی همچون پویش مؤمنانه را شکل داده و از

---

1. Succession

وجود طرح‌هایی همچون فاصله‌گذاری اجتماعی و فاصله‌گذاری اجتماعی هوشمند سخن به میان آمده و انواع دستگاه‌های مورد نیاز در اسرع وقت از سوی سپاه و سایر نهادها تولید شده و در اختیار کشور قرار می‌گیرد. امروزه در جلسات ستاد ملی مبارزه با کرونا، جلسات بنیاد مستضعفان، ستاد کل نیروهای مسلح و حتی در سطوح پایین‌تر بین بسیجیان برای کمک و پزشکان یک بیمارستان یا متخصصان طب سنتی برای توصیه راه‌های مکمل وجود دارد. بنابراین برای اجرای راهبرد مصالحه‌های فراوانی وجود دارد که امروز در کشور برای مقابله با بحران کرونا در حال انجام است.

#### ۱-۲-۷. تجدید نظر در آموخته‌ها و رفتارهای گذشته

این راهبرد یک درس جدی به کشور ما می‌دهد و آن اینکه در شرایط فعلی باید آموخته‌های گذشته خویش را به بوته آزمون بگذاریم و به طور کلی در آنها تجدید نظر کنیم حتی در ایمان و اعتقادات، در میزان اعتماد به نفس در میزان روحیه ایثار و شهادت و صدها مورد دیگر. در این مورد نقدهای سازنده فراوانی از سوی متخصصان امر وجود دارد که اگر به این مهم توجه شود می‌توان با تجدید نظر در رفتارها و گفتارها را به خوبی آموخت و برای بحران‌های آینده توشه‌ای چید.

#### ۱-۳. راهبرد به مثابه برنامه قصدشده

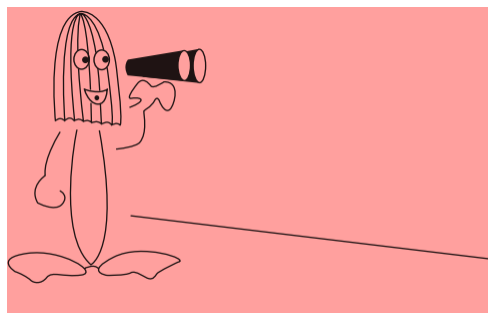
راهبرد به مثابه برنامه قصد شده<sup>۱</sup> به معنای هر گونه قصد و خیالی برای آینده است<sup>۲</sup> بدین ترتیب خواه در سطح فردی، سازمانی و خواه در سطح ملی نوعی تصمیم برای آینده مدّ نظر است (Error! Reference source not found.). (۲) (نمودار

---

1. Strategy as plan intended

2. Some intentions for the future





نمودار 11: راهبرد به مثابه برنامه قصد شده

**۱-۳-۱. حضور مدافعان اقتصاد، سیاست، فرهنگ و فضای مجازی در کنار مدافعان سلامی**

این راهبرد پیام مهمی برای دوران پس از کرونا دارد؛ گاهی اوقات وسعت یک مسئله چنان فراگیر است که اندیشه و تفکر درباره آینده را از کشور سلب می‌کند. اما در این راهبرد به این نکته توجه می‌شود که اگر امروز مدافعان سلامت در خط مقدم هستند در آینده پس از رسیدن به ثبات در مبارزه با ویروس کرونا باید مدافعان اقتصاد، سیاست، اجتماع، فضای مجازی و سایرین به میدان بیایند و در واقع خسارت‌های آتی را به حداقل برسانند. برنامه‌ریزی برای اینگونه موارد باید در طول مسئله کرونا انجام شده و با توجه به زمان محدود کشور علاوه بر مدافعان سلامت به مدافعان اقتصاد و سیاست و فضای مجازی نیاز دارد.

**۱-۳-۲. همه راهبردها در عمل پیاده نمی‌شوند**

شکی نیست که در شرایط بحران، نباید انتظار داشت همه راهبردها موبه‌مو

اجرا شده و هیچگونه خطایی صورت نگیرد. در بحران برخی از راهبردها بر اساس آزمون و خطا باید دنبال شوند بویژه آن دسته از راهبردهایی که مستقیماً با انسان‌ها سروکار داشته و از نیت و کنش‌های انسان‌ها نمی‌توان به راحتی اطلاع یافت. در هر صورت باید گفت زمانی که شرایط محیط متغیر است و تلاطم‌های موجود در آن غافلگیرکننده هستند با نوعی از راهبردها مواجه هستیم که به آن راهبردهای تحقق‌نیافته<sup>۱</sup> گفته می‌شود. اما تلاش باید بر این باشد که اینگونه راهبردها به حداقل برسند. بر این اساس در دوران مبارزه با کرونا در یک راهبرد یا در بسته آن ما با مواردی از عدم موفقیت در اجرا مواجه بودیم که طبیعت بحران و مسائل کلان هم اینچنین است. (عدم موفقیت کامل در عدم مسافرت مردم به سایر استان‌ها،)

بنابراین، اگر برنامه‌ها بیشتر بر مبنای بصیرت ملی و بهره‌برداری از منابع ملی تنظیم شوند و پشتوانه‌های نظری آن‌ها به دقت مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد راهبردهای تحقق‌نیافته کمتر در هنگام اجرای راهبردها بروز خواهند داشت.

### ۱-۳-۳. توجه به برنامه‌های غلتان و منعطف در مواجهه با مسئله کرونا

برنامه‌های ثابت بلندمدت و کوتاه مدت برنامه‌هایی هستند که عمدتاً تغییری در آن‌ها صورت نمی‌گیرد. این برنامه‌ها برای سطح ملی و انواع نهادها و سازمان‌ها بی‌کم و کاست اجرا می‌شوند. اینگونه برنامه‌ها زمانی که محیط پیرامون آرام یا در تلاطم کمی هستند مفید بوده یا به مثابه مکمل مفید هستند اما زمانی که کشورها با یک مسئله ای جهانی و فراگیر مواجه می‌شوند دیگر محیط به آرامش قبل نیست و طبیعی است که باید به فکر برنامه‌هایی بود که قدرت انعطاف در آن‌ها بالا بوده و متناسب با متغیرهای محیطی بتوان از آن‌ها به

---

1. unrealized strategies

نحو مطلوب استفاده کرد.

زمانی که راهبردهای نوظهور بیشتر شوند نیاز به این برنامه‌ها هم بیشتر خواهد شد. اینگونه برنامه‌ها برنامه‌های منعطف و غلتان هستند. برای مثال برنامه‌راهبرد فاصله‌گذاری اجتماعی که بعد از مدتی به فاصله‌گذاری هوشمند تبدیل شد.

#### ۱-۳-۴. برنامه‌های غلتان و منعطف بر اساس راهبردهای نوظهور

امروزه توجه به برنامه‌های غلتان منعطف و برنامه‌ریزی کوانتومی با توجه به شرایط پیچیده و پویای محیطی بسیار بیشتر شده است. بر اساس این تعریف سازمان‌ها، دارای راهبردهای قصدشده<sup>۱</sup> در آینده خواهد بود. مینزبرگ از راهبردهای قصد شده‌ای که کاملاً محقق می‌شوند به مثابه راهبردهای تعمدی<sup>۲</sup> نام می‌برد.

#### ۱-۴. راهبرد به مثابه موقعیت

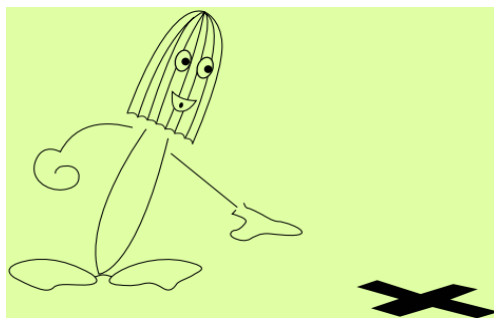
در تعریف راهبرد به مثابه موقعیت سه مؤلفه راهبردک مشتری، محصول و بازار تحلیل می‌شود. بدین معنا که موقعیت محصولات و خدمات در بازار برای حفظ مشتریان یا جذب مشتریان جدید ضروری است. بنابراین در این تعریف بازارهای خارجی در کانون توجه راهبردشناسان است.

هنری مینزبرگ در مقاله موقعیتیابی راهبردی، سازمان، محصولات و خدمات، بازار، رقابت و تناسب محصول با بازار را عوامل کلیدی کسب موقعیت راهبردی می‌داند.<sup>۳</sup> (نمودار ۱۲)

1. intended strategy

2. Deliberate strategy

۳. برای مطالعه بیشتر به مقاله زیر مراجعه کنید:



نمودار 12: راهبرد به مثابه موقعیت

زمانی برای کشور رفاه ملی به ارمغان آورده می‌شود که راهبردهای بین‌المللی، چندملیتی و جهانی برای تولید محصولات متمایز و عرضه آن‌ها به بازارهای جهانی و داخلی تدوین شود. امروزه همه کشورها به دنبال این هستند که به رصد بازارهای خارجی پرداخته و فرصت‌ها و تهدیدات آن را شناسایی کنند و همواره بر فزونی صادرات خویش تأکید کنند.

در محصولات تولیدی شرکت‌های داخلی که به بازارهای جهانی عرضه می‌شوند باید طوری به کیفیت، قیمت و سایر اجزای آمیخته بازاریابی آن توجه شود که نسبت به محصولات رقیبان در جایگاه بالاتری قرار گرفته و برای کشور ایجاد مزیت رقابتی کنند.

بنابراین با توجه به این تعریف راهبردها اول، به بازارهای ملی و بین‌المللی معطوف می‌شود و دوم، توجه به خواسته‌ها و نیازهای مشتریان در عرصه رقابت ملی و جهانی شدت می‌گیرد. به مثابه مثال این‌گونه راهبرد برای محصولات پتروشیمی که از مزیت بالایی برخوردارند باعث توسعه و تقویت جایگاه آن‌ها در بازار خواهد شد.

### ۱-۵. راهبرد به مثابه دورنما

در این تعریف، راهبرد دورنمایی<sup>۱</sup> از یک سازمان یا کشور است که در افکار سیاست‌گذاران و استراتژیست‌ها وجود دارد و نظاره‌گر درون سازمان و کشور است که باید به منابع، قابلیت‌ها و شایستگی‌های سازمانی و ملی و تعامل آن‌ها با راهبرد توجه کرد.

متناسب با این تعریف، لازم است راهبردها بر اساس قابلیت‌ها، شایستگی‌ها و توانمندی‌های ملی و سازمانی شکل گیرند تا به نوعی افکار و اندیشه‌های راهبردی راه را برای استفاده بهتر از منابع و امکانات ملی فراهم کند (Error! Reference source not found.). و بنگاه‌های خرد و کلان اقتصادی ایران بر اساس کلاس جهانی شکل بگیرند. ( نمودار 13)



نمودار 13: راهبرد به مثابه رویکرد

با بهره‌برداری از این رویکرد سازمان‌ها، به مزیت رقابتی پایدار و توانمند دست خواهند یافت.

### ۱-۵-۱. دورنمای سودآوری بر اساس درونمای الهی

دورنمایی که صرفاً سازمان‌ها را به سودآوری برساند و هیچگونه ارزش معنوی

<sup>۱</sup>. Strategy as Perspective

و الهی در آن دخالت داده نشود حتی برای بقای بلند مدت یک سازمان صحیح نیست. به تصویر کشیدن دورنمای معنوی و الهی برای سازمان باعث می‌شود که اعضای سازمان بر اساس ارزش‌های مشترک به فعالیت بیشتر و دقیق‌تر بپردازند. در صنایع دفاعی و صنایع هسته‌ای کشور ما این دورنما بارز است و همین امر باعث شده است که رشد و توسعه این صنایع قابل ملاحظه باشد.

#### ۱-۶. راهبرد به مثابه مانور

این راهبرد گاهی اوقات بر اساس منابع و قابلیت‌های در دسترس سازمان به کار گرفته می‌شود تا رقیبان را از ورود به یک حوزه یا بازار آگاه کند و پیام ضمنی آن این باشد که ما دارای توانمندی‌های زیادی در این زمینه هم از نظر مالی و انسانی و غیره هستیم که ورود به حوزه فعالیت ما چندان ساده نیست.

از سوی دیگر نوعی تهدید هم به شمار می‌آید. سازمان‌ها در پویایی رقابت خود همواره در یک جنگ رقابتی هم به سر می‌برند و با این کار دیگران را تهدید می‌کنند که به قلمرو فعالیت آنها وارد نشوند. بنابراین، در این تعریف راهبرد به رخ کشیدن قدرت ملی و سازمانی در برابر رقیبان است. راهبرد به مثابه مانور<sup>۱</sup> در عرصه‌های نظامی کاربرد زیادی دارد و نوعی معیار سنجش برای واکنش رقیبان و دشمنان است.

این نوع راهبرد، همان‌طور که مینزبرگ بیان می‌کند، ممکن است در تعاریف چهارگانه فوق مشترک باشد. به عبارت دیگر مانور در برنامه‌ها، الگوها، نگاه‌ها و موقعیت‌های راهبرد دیده شود.

راهبرد فوق در عمل نوعی راهبرد بازدارنده است تا از آن طریق رقیبان

---

1. Strategy as Ploy

نتوانند راهبردهای خود را پیاده‌سازی یا عملیاتی کنند. این اقدام ممکن است یکباره نباشد و به تدریج اتفاق بیفتد. سازمان‌ها می‌توانند در محیط پویای رقابتی از این‌گونه راهبرد بهره‌برداری نمایشی کنند.

بر اساس این راهبرد، در سطح بین‌المللی می‌توان توانمندی‌ها و قابلیت‌های ملی و سازمانی را به رخ دشمنان کشید. البته راهبرد به مثابه مانور به نوعی فعالیت را در عرصه رقابت محدود می‌کند و سازمان‌ها باید شرایطی را در بازارها فراهم کنند که بازار آن دست نخورده باشد.

دشمنان در طول تاریخ انقلاب اسلامی تحریم‌های مختلفی را علیه کشور ایران اجرا کرده‌اند. و در موارد زیادی با شکست مواجه شده‌اند. یکی از جنبه‌های راهبرد می‌تواند افشاگری شکست‌های آنان در تحریم‌ها، مثلاً تحریم بنزین، سوخت‌های هسته‌ای و ... باشد. تا دشمنان همواره در برابر افکار و اندیشه‌های مربوط به تحریم علیه ایران، نوعی مانع را مشاهده کنند و به عبارت دیگر هر سناریویی را که اجرا می‌کنند با شکست مواجه شده و در نهایت از این‌گونه تصمیمات هر چند در بلندمدت صرف نظر کنند. و همیشه برای تحقق خواسته‌های خود موانعی را مشاهده کنند. در این نوع راهبرد نقش رسانه ملی شفاف‌تر قابل مشاهده است، اطلاع‌رسانی مستمر از فعالیت‌های انجام شده، خواه برای به رخ کشیدن توانمندی‌های ایران و خواه برای آگاهی و بیداری ملت در جنب‌وجوش بیشتر برای فعالیت، سودمند است.

در حوزه کرونا نیز اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی توانمندی‌های جوانان کشورمان در عرصه‌های مختلف پزشکی، پرستاری، کسب‌وکار و ... مردم را امیدوارتر و بیدارتر خواهد نمود و اراده دشمنان در ناامیدی ملت ایران را درهم می‌شکند.

لذا در راهبرد به مثابه مانور مدل رسانه کارگشاست. به عبارت دیگر بیان توانمندی های سازمانی و ملی رقیبان و دشمنان را از ادامه فعالیت هایشان مأیوس می کند.

## ۲. کرونا و راهبردهای تعمدی و نوظهور

راهبرد های تعمدی و زنجیره ای به آن نوع راهبرد هایی گفته می شود که بر اساس تحلیل محیط و سازمان از قبل طراحی شده اند. ممکن است در زمان اجرا سازمان و محیط دستخوش تغییراتی شده باشند که اجرای آن راهبرد در اولویت نباشد. به همین منظور راهبرد های نوظهور که متناسب با شرایط و اقتضائات محیطی هستند برای آن وضعیت توصیه می شوند.

محیط کسب و کار ها هر روز نسبت به گذشته در حال پیچیدگی بیشتر است و پاسخ این پیچیدگی در تلفیق یا توجه بیشتر به راهبردهای نوظهور نهفته است. متناسب با این راهبردها برنامه های غلتان نیز برای تحقق آنها پیشنهاد می شود.

در چارچوب راهبردهای تعمدی، فرایند مدیریت راهبردی به صورت زنجیره ای و گام به گام است و عناصر تدوین آن پشت سرهم انجام گرفته و سپس اجرا صورت می گیرد. در حالیکه چارچوب های راهبرد نوظهور، تدوین، اجرا و کنترل همزمان صورت می گیرد. در راهبردهای نوظهور، پاسخ آنی به مسائل آنی و جود دارد لذا هر بخش از تحلیل می تواند منجر به ارائه راهبرد و اجرا شود. در شرایط کنونی که کرونا افق پیش روی را مه آلود کرده است نیاز به راهبردهای نوظهور بیشتر است.

## ۳. کرونا و مسائل راهبردی کسب و کارها

مسائل کسب و کار کشور ما به دلایل متعدد همچون فشارهای بین المللی و



وجود بی‌ثباتی‌ها در برخی از عوامل اقتصادی، پویا هستند. این پویایی ضرورت طراحی و تدوین الگوهای بومی را برای حل آن‌ها بیش از پیش ضروری می‌کند. مسئله‌شناسی باید به مثابه یکی از محوری‌ترین کارهای کسب‌وکارها باشد. طبیعی است که برخی از الگوهای قدیمی هم برای پاسخگویی به مسائل نوین کارساز نیستند. لذا ایجاد حلقه ارتباطی گسترده بین صنعت، دولت و دانشگاه باعث خلق ایده‌ها و تکنیک‌های جدیدی برای حل مسائل نوین و ملی خواهد شد. پویایی این مسائل در کشور ما در وضعیت کنونی با تحریم‌ها، نوسانات نرخ ارز، نوسانات بازار طلا و سکه، گرانی برخی از مواد اولیه همچون و اثر محسوس آن‌ها بر قیمت‌ها و کیفیت، بیانگر این است که سازمان‌های اقتصادی کشور با پویایی جدی در مسائل مواجه هستند و لازم است برای حل این مسائل از الگوهای نوین و ابتکاری بهره ببرند. قابل ذکر است که کسب‌وکارهایی در کره جنوبی و ژاپن از اینگونه تحریم‌ها و شک‌ها که از سوی نظام سلطه به دلیل تعارض با نظام جمهوری اسلامی ایران ایجاد می‌شود در امان هستند.

پاسخ‌گویی به مسائل راهبردی بستگی به اولویت رویداد آن‌ها دارد. مسائل راهبردی نیازمند تدوین و اجرای راهبرد و کنترل راهبردی هستند. بنابراین بخشی از فرایند مدیریت راهبردی، شناخت مسائل بخش عمومی، خصوصی و غیر انتفاعی است.

هر مسئله دارای اجزاء اصلی و عمده‌ای است که متخصصان را در شناخت ماهیت این‌گونه مسائل یاری می‌کند. برخی از مسائل ممکن است مسائل بحرانی باشند به گونه‌ای که پاسخ‌گویی به آن‌ها علاوه بر دقت و صحت، نیازمند سرعت بالا است.

عدم پاسخ‌گویی به مسائل بحران‌زا در یک جامعه دارای عواقب سوء زیاد

ملّی، سازمانی و فردی است و ممکن است آینده کشور را نیز تهدید کند. مسئله به هر نوع روند<sup>۱</sup>، رویداد<sup>۲</sup>، گفتمان<sup>۳</sup> یا پیشرفت عام<sup>۴</sup> گفته می‌شود که ممکن است بخش خصوصی، عمومی و غیر انتفاعی را در سطح راهبردی و دولت به معنای سه قوه را در سطح سیاست‌گذاری، تحت تأثیر قرار دهد(۱). مسائل صرفاً درونی نیستند بلکه ممکن است از عوامل اجتماعی، سیاسی، قانونی و زیست محیطی نیز حاصل شوند. بنابراین شناخت مسائل، که از مسائل مرسوم و روزمره اقتصاد بسیار حیاتی‌تر و فراترند و طبیعی است که با مسائل تلاش اقتصادی هم متفاوتند نیازمند بینش راهبردی و همه جانبه به مسائل ملّی و بین‌المللی است.

همیشه اجماع برای حلّ مسائل وجود ندارد. لذا به نظر می‌رسد که در مسائلی که پاسخ به آن‌ها با اقدام تأخیری ممکن است، صدمه کم‌تر باشد. اما در مسائلی که نیاز به اقدام سریع و فوری دارند و بدان‌ها پاسخ داده نشود، صدمه به کسب‌وکار زیاد باشد. مسائل اقتصادی صرفاً به معنای شناخت مسائل قدیمی و موجود نیست بلکه بیشتر به دنبال پیش‌بینی سناریوهای آتی برای مدیریت کسب‌وکارها در دوران پساکرونا است.

با توجه عدم اطمینان و پویایی محیطی و بین‌المللی مسائل بحران‌زا بیشتر به‌صورت ناگهانی پدیدار می‌شوند و حال آن‌که در کسب‌وکارها، مسائل توصیفی نیز وجود دارد. برای حل این گونه مسائل متناسب با نوع آن‌ها، فرایندهای نوظهور (برای حل مسائل نوظهور و اکتشافی) و فرایندهای تجویزی (برای حل مسائل موجود و توصیفی) به‌کار برده می‌شود.

---

1. trends  
2. events  
3. controversy  
4. Public development

### ۳-۱. مسائل نوظهور و توصیفی

مسائل نوظهور یا مسائل اکتشافی، مسائلی هستند که از قبل وجود نداشته و به یکباره پدیدار شده‌اند. از عمر ویروس کرونا به مثابه یک مسئله راهبردی بین‌المللی که تمامی ابعاد زندگی بشر به ویژه زندگی سازمانی و کسب‌وکار آن را تحت تأثیر قرار داده است کمتر از یک سال می‌گذرد اما همچون بحرانی کهن زندگی بشر را با تهدید مواجه کرده است. شرایط این مسائل به طور واضح و دقیق تعریف نشده است و در رسیدگی به آن‌ها ممکن است نوعی تعارضات و تحلیل‌هایی از طرف سیاست‌گذاران و استراتژیست‌ها وجود داشته باشد. برای حلّ این‌گونه مسائل نیازمند راهبردهای نوظهور است که پس از بروز یک مسئله یا با پیش‌بینی یک مسئله باید محقق گردد.

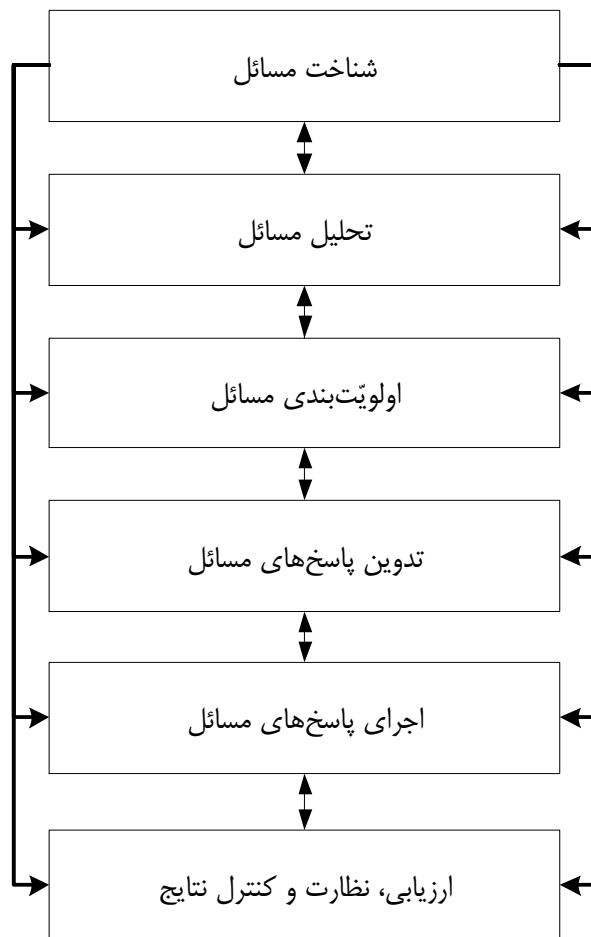
با نمونه مسائل نوظهور در دنیا و ایران زیاد مواجه می‌شویم مانند جنگ یمن، سیل‌ها و زلزله‌ها، ترور سردار سلیمانی، حمله ایران به پایگاه عین‌الاسد آمریکا اما براستی کرونا ابر مسئله‌ای است که همه ابعاد زندگی بشر را با تهدید و البته فرصت مواجه کرده است.

مسائل توصیفی، مسائلی هستند که از قبل وجود داشته و کسب‌وکارها از وجود آن‌ها آگاه هستند. در این صورت نیازمند راهکارهای اثربخش و کارا برای حلّ آن‌ها است. پیش‌بینی‌های اولیه درباره این‌گونه مسائل باعث مطالعه شناخت طیفی کامل از مسائل شده و آمادگی کسب‌وکارها، برای پاسخ‌گویی سریع‌تر و دقیق‌تر را در پی خواهد داشت.

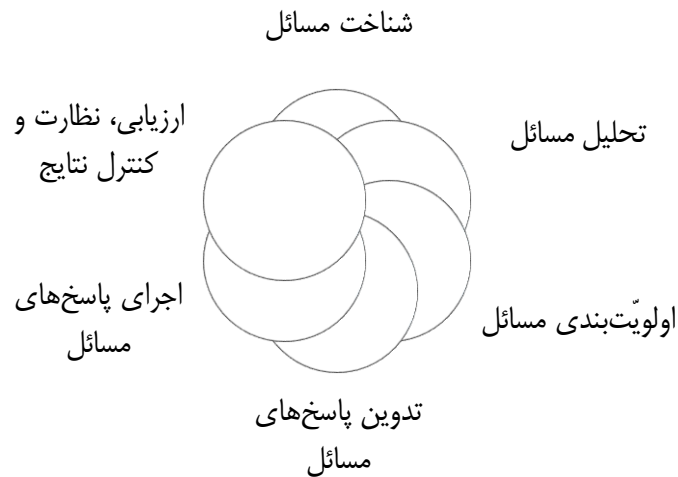
### ۳-۲. الگوی نوظهور و توصیفی برای حل مسائل

زمانی که مسائل پیش روی کسب‌وکارها از جنس مسائل جاری باشد می‌توان از فرآیند گام به گام و زنجیره‌ای برای حل آن مسائل بهره برد. این الگو البته در مدت طولانی تر و با بررسی جوانب مختلف مسئله قابل انجام است. اما

زمانی که یک ابرمسئله راهبردی همچون کرونا و بیماری کوید ۱۹ کسب‌وکارها را مورد تهدید قرار می‌دهد طبیعی است که زمان آنقدر زیاد نیست که به‌صورت زنجیره‌ای بخواهیم همه جوانب را بررسی کنیم بلکه در اینجا کل مراحل فرایند حل مسئله باید به‌صورت همزمان بررسی شوند و البته نتایج حاصل و راهکارهای حل مسئله هم به سرعت از این نگاه همزمانی احصا شود. این الگو به این معناست که همه مراحل مدیریت مسئله با هم انجام می‌شود و همواره بازخوردهای بین حلقه‌ای و درون حلقه‌ای هر یک از مراحل است که روش‌های دستیابی به نتایج را هموارتر و راهکارهای حل مسئله را نمایان‌تر می‌کند. در تحلیل مسائل، چه در الگوی زنجیره‌ای و چه در الگوی هم‌زمانی به شناخت، تحلیل، اولویت‌بندی، تدوین پاسخ‌ها و اجرا و ارزیابی مسائل نیاز است که ذیلأ به تشریح و تبیین هر یک از اجزا برای ابرمسئله کرونا پرداخته می‌شود: (نمودار ۱۴)



نمودار 14: فرآیند حل مسائل راهبردی جاری در کسب‌وکار



نمودار 15: الگوی همزمانی حل مسائل راهبردی نوظهور

### ۳-۳. شناخت مسئله کرونا

هرچند هنوز گمانه‌زنی‌هایی زیادی درباره این مسئله وجود دارد اما شناخت آن که آیا یک سلاح جنگ بیولوژیک است و آیا واقعا از یک حیوان به انسان منتقل شده است می‌تواند حدود و صغور مسئله را بیشتر مشخص کند و اگر به این مسئله کسب‌وکارها نتوانند پاسخ دهند در واقع ابهام بیشتر خواهد بود.

### ۳-۴. کرونا مسئله راهبردی محیط خارجی است

مسائل راهبردی ممکن است درونی باشند و از درون کسب‌وکارها پدید آمده باشند که در این صورت مرزهای آن مشخص و تا حدودی قابل پیش‌بینی است هرچند که نیاز به یک عکس‌العمل سریع باشد. اما مسائل راهبردی پیچیده‌تر مسائلی هستند که از محیط کسب‌وکارها حاصل شده باشند. محیط در حالت عادی تحت تسلط کسب‌وکارها نیست چه برسد به اینکه

مسئله‌ای همچون کرونا در آن ظهور کند و کسب‌وکارها بخواهند در صدد رفع آن باشند. در اینگونه موارد واکاوی و بررسی موشکافانه مسئله برای بهره‌برداری از فرصت‌ها و دفع تهدیدات ضروری است.

سؤال مهم این است که آیا کسب‌وکارها تا کنون توانسته‌اند منابع و قابلیت‌های لازم را برای مبارزه با تهدیدات اینگونه مسائل فراهم کنند یا خیر؟

ابرمسئله کرونا یک مسئله اصلی و بنیادی، مسئله بحران‌زا، مسئله فرصت‌زا برای دشمنان برای تهدید و تحریم اقتصاد کشور و همچنین دارای اثرات مخرب محلی، ملی و بین‌المللی است.

ابر مسئله کرونا زمانی پیچیده‌تر می‌شود که دشمنان اقتصاد و کسب‌وکارهای کشور بخواهند با استفاده از امکانات داخلی کشور اقدام به بحرانی‌تر کردن آن کنند یا اینکه بر شدت و قدرت مسئله کرونا همچون تحریم دارویی، القای ترس از طریق فضای مجازی، تهدیدهای منطقه‌ای در عراق و کاهش قابل توجه قیمت نفت از سوی عربستان بپردازند. در واقع به این معناست که برای مبارزه با ویروس کرونا باید در چندین جبهه همزمان جنگید. شناخت اینگونه مسائل نیازمند هوشمندی راهبردی و جمعی دولت و ملت است.

**۵-۳. کرونا مسئله‌ای است که مدت زمان اثرگذاری و بقای آن در هاله‌ای از ابهام است.**

کسب‌وکارها عمدتاً با مسائل کوتاه‌مدت، بلندمدت و دائمی مواجه هستند. مسائل آنی آن‌گونه مسائلی هستند که یکباره پدیدار می‌شوند و به نوعی همان مسائل نوظهور هستند و مسائل کوتاه‌مدت بازه‌ای یک ساله داشته و مسائل میان‌مدت بازه‌ای تا ۱۰ سال و مسائل بلندمدت بازه‌ای ۲۰ ساله دارند.

و مسائل دائمی نیز ممکن است همواره برای کسب و کارها وجود داشته باشند. البته پاسخ‌ها ممکن است به این‌گونه مسائل متفاوت باشد. ممکن است یک مسئله بلندمدت نیازمند پاسخی کوتاه‌مدت باشد یا یک مسئله آنی نیازمند پاسخ بلندمدت باشد.

واقعیت این است که برای مسئله کرونا نمی‌توان با قطعیت گفت که این مسئله تا کی گریبان‌گیر کشور و جهان است. سران کشورهای اروپایی و آمریکا هر روز از وخامت بیشتر اوضاع خبر می‌دهند؛ ویروس کرونا دوباره به چین برگشته و آن کشور را با قرنطینه‌ای جدید روبرو کرده است. به دلیل اینکه شبکه حمل‌ونقل ریلی و هوایی و دریایی و جاده‌ای با اختلال مواجه شده است، قطع ارتباط بین جریان کالا و خدمات و مواد اولیه برای کسب‌وکارها در آینده مشکل‌ساز خواهد بود. حال که منصفانه می‌اندیشیم می‌بینیم که تدبیر حکیمانه اقتصاد مقاومتی و قوی شدن با بهره‌برداری از ظرفیت‌های داخلی چقدر می‌تواند از مشکلات بکاهد. فرض کنیم که تا چندین ماه امکان تعامل با جهان بیرون وجود نداشته باشد، چه باید کرد؟ راهی به جز تقویت درونی و قدرت داخلی وجود دارد؟

### ۳-۶. تحلیل مسائل

طبعاً پس از شناخت مسائل، تحلیل آن‌ها باید از سوی متولیان کسب‌وکار مسئول صورت پذیرد. به مثابه مثال، تحلیل مسائلی که در حوزه تقنین است لازم است از سوی مجلس صورت پذیرد. حال آنکه در یک خانواده ممکن است سرپرست خانواده مسئله اقتصادی را تحلیل کند. در تحلیل مسائل، ذینفعان تحت تأثیر این مسائل و میزان فراگیری آن، باید شناسایی شوند. و در تحلیل آن نگاه‌های تاریخی، فعلی و آتی مدّ نظر قرار گیرد. تحلیل و موشکافی مسائل، شکاف راهبردی بین وضعیّت موجود و مطلوب را نمایان



می‌کند.

مسئله کرونا تحلیلی تک بعدی ندارد؛ به عبارت دیگر برای فرد، خانواده، نهادها و سازمان‌ها، دولت، نظام حکمرانی کشور و حتی سطح بین‌المللی در ابعاد گوناگون نیازمند تحلیل است. هرچند تحلیل‌ها شفاف و موشکافانه نیستند اما همچون خودرویی که در جاده‌ای برفی در شب تاریک زیر ریزش فراوان برف ادامه مسیر می‌دهد باید ادامه داد و قطعاً آسانی پس از سختی برای کسب‌وکارها وجود خواهد داشت.

نکته دوم اینکه برای تحلیل مسئله کرونا نباید فقط یک بخش از کشور اقدام کند بلکه نیازمند درگیر شدن چرخ دنده‌های تمامی افراد و سازمان‌ها و دولت و مجموعه لشکری کشور است. زمانی که یک ابرمسئله در سطح بین‌المللی ظهور می‌کند نمی‌توان انتظار داشت که یک کسب‌وکار بتواند تمامی مسائل حادث شده از آن را برای خود حل کند. قطعاً نیازمند سیاست‌های حمایتی و تسریعی دولت است. نیازمند امهال وام‌ها و اعتبارات بانکی است؛ نیازمند همکاری و همفکری با سایر کسب‌وکارهایی است که تا دیروز با یکدیگر رقیب بودند و سایر موارد.

### ۳-۷. اولویت‌بندی مسائل

پس از تحلیل هر یک از مسائل اولویت سرمایه‌گذاری زمانی، منابع انسانی و بودجه‌ای برای حل مسائل مشخص می‌شود. در این صورت ماتریس اولویت‌های راهبردی، سه دسته اولویت‌بندی را مشخص می‌کند: مسائل با اولویت زیاد، مسائل با اولویت متوسط و مسائل با اولویت کم. طبیعی است که در رویکرد توصیفی ابتدا مسائل با اولویت زیاد بررسی شده و سپس مسائل با اولویت متوسط و کم تحلیل می‌شوند. (۴) (نمودار ۱۶)

اولویت زیاد	اولویت زیاد	اولویت متوسط
اولویت زیاد	اولویت متوسط	اولویت کم
اولویت متوسط	اولویت کم	اولویت کم

احتمال تأثیر عوامل بر سازمان  
 ← کم      متوسط      زیاد →

احتمال رویداد عوامل  
 ↑ زیاد  
 متوسط  
 کم ↓

#### نمودار 16: ماتریس اولویتهای راهبردی

در ماتریس فوق، کرونا در مربع گوشه سمت راست بالا قرار گرفته است که احتمال تأثیر آن بر کسب‌وکارها - البته با توجه به آنچه در بحث فرصت‌ها و تهدیدها خواهیم گفت نه برای همه کسب‌وکار- زیاد بوده و احتمال رویداد و اثرگذاری آن هم بر کسب‌وکارها بالاست. ممکن است کسب‌وکارها همزمان با چندین مسئله با اولویت بالا روبرو شوند در اینصورت توجه به مسائل بنیادی و اصلی ضروری است. یکی از آسیب‌های ابرمسئله کرونا این است که خود منجر به خلق مسائل با اولویت بالا چه در زمان کرونا و چه بعد از آن خواهد شد. البته نباید بدبینانه و ترسناک به پدیده کرونا نگریست اما زمانی که یک حیوان درنده در قفسی سست قرار دارد عقل حکم می‌کند که باید احتیاط کرد و جوانب کار را سنجید. کوبیدن بر طبل بی‌خیالی خطرناک است.

### ۳-۸. تدوین پاسخ‌های مسائل

در این مرحله متناسب با هر یک از مسائل اولویت‌بندی شده یا پدیدار شده پاسخ‌های لازم تدوین می‌شوند معمولاً مسائل پیچیده چند پاسخی هستند چون اگر یک پاسخ نتواند مسئله را حل کند نیاز به بررسی پاسخ‌های بعدی برای آن مسئله است. در بحث انرژی هسته‌ای رویکرد چند پاسخی به مسائل در ایران به وفور استفاده شده است.

در وضعیت کرونا، ضرورت دارد که چندین پاسخ از سوی کسب و کارها ارائه شود. برای مثال، اگر کرونا تا فروردین در ایران تمام شود، اگر بیشتر طول بکشد و .. موارد دیگر، نیازمند پاسخ‌های خاص خود هستند. طبیعی است که مدت زمان درگیری کشور و جهان با ویروس کرونا در تعامل کسب و کارها با ذینفعان و عرضه‌کنندگان و مشتریان تأثیر جدی خواهد داشت.

### ۳-۹. اجرای پاسخ‌های مسائل

مهم‌تر از تدوین پاسخ‌ها اجرای آن‌هاست. اجرای یک پاسخ ممکن است در سطح کسب و کار باشد که طبیعی است سریع و با هزینه کم قابل انجام است. اما اجرای پاسخ‌ها در سطح ملی ممکن است کل نظام حکمرانی را تحت تأثیر قرار دهد. یا این‌که مسئله در سطح جهانی و بین‌المللی باشد و چندین کشور و سازمان بین‌المللی را تحت تأثیر خود قرار دهد. همانطور که در شرایط کنونی متوجه هستیم اجرای پاسخ‌ها به بحران کرونا جهانی است و در کشور ما هم پاسخ‌های تدوین شده در طرح فاصله‌گذاری اجتماعی و موارد دیگر انجام می‌شود. آنچه مهم است باید اقداماتی اندیشیده شود تا اجرای پاسخ‌ها اثربخش و بهره‌ور باشد.

#### ۳-۱۰. ارزیابی، نظارت و کنترل نتایج حاصل شده

ارزیابی و نظارت دائمی بر اجرای پاسخ‌ها ضروری است. زمانی که یک مسئله جهانی است ارزیابی آن، بخش وسیعی از انرژی جهان را به کار خواهد برد. اما در کشور ما طرح نظام سلامت باعث شده است که ارزیابی و نظارت در عالی‌ترین شکل خود حتی در جهان صورت پذیرد. ارزیابی‌های بهینه و کنترل‌های هدفمند، جوانه امید را در درون کسب‌وکارها زنده می‌کند.

در بحران کرونا نظارت تدریجی هم ضروری است؛ نظارت تدریجی برای شناخت میزان تحقق پاسخ به مسئله کرونا، به طور وسیع ضروری است؛ در هر صورت حتی اگر کشور در این مرحله در مبارزه با این ویروس موفق شود قطعاً نظارت تدریجی خود را باید داشته باشد تا مجدد این ویروس در کشور پراکنده نشود.

#### ۴. تصمیم‌های راهبردی مسئله کرونا

تصمیم‌های راهبردی درباره مسئله کرونا با تصمیم‌های عملیاتی و مرسوم که در کسب‌وکارها انجام می‌شود متفاوت است؛ اول، این‌گونه تصمیم‌ها در سطوح سیاست‌های کلان، سیاست‌های عمومی، (تقنینی، قضایی، اجرایی، فرهنگی و نظامی و انتظامی) و سطوح راهبردی در بخش‌های سه‌گانه گرفته می‌شوند و دوم، نیازمند نوعی رویکرد مشارکتی<sup>۱</sup> در تصمیم‌گیری راهبردی هستند. تصمیم‌های راهبردی مرتبط با مسئله کرونا، از طریق تعامل ملت-دولت حاصل می‌شوند.

ابعاد تصمیمات راهبردی درباره مسائل راهبردی از جنبه‌های زیر قابل بررسی و تحلیل است که به طور خلاصه اشاره می‌شود:

---

1. Participative approach

- در تصمیم‌های راهبردی سازمانی، مسائل راهبردی چند بعدی هستند و نیازمند تصمیمات سطوح عالی، سازمانی و دولتی هستند.
- در تصمیم‌های راهبردی با اتکا به منابع، قابلیت‌ها و شایستگی‌ها پاسخ‌گویی سریع‌تری به مسائل حاصل می‌شود که هم باید از منابع مشهود و نامشهود موجود بهره‌برداری کرد و هم به توسعه منابع پرداخت.
- مسائل راهبردی بر رفاه بلندمدت ملی اثر می‌گذارد و هم ماهیت حیاتی و هم ماهیت بلند مدت دارند.
- مسائل راهبردی مبتنی بر آینده‌اند و هم نیازهای راهبردی برنامه‌ای همچون برنامه‌های توسعه هستند و هم نیازمند پیش‌بینی رویدادهای ناخواسته که در برنامه‌ها وجود ندارند.
- مسائل راهبردی دارای پیامدهای چندگانه کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت هستند.
- در تصمیمات راهبردی توجه به محیط همواره ضروری است و نباید به‌صورت مقطعی باشد.
- تصمیمات راهبردی برای حل مسائل راهبردی باید در چارچوب شبکه‌های راهبردی و هم‌سویی آن‌ها صورت پذیرد نه فعالیت‌های جزیره جزیره
- تصمیمات راهبردی تمامی سطوح توسعه و اجرای راهبرد همچون سطح فردی، عملیاتی، کسب‌وکار، سازمانی، شبکه راهبردها، راهبردهای سیاستی و راهبردهای بین‌المللی همچون راهبردهای بین‌المللی کسب‌وکار، راهبردهای جهانی، راهبردهای چندملیتی و

راهبردهای فراملیتی را در بر می‌گیرند.

## ۵. کرونا و محیط کسب‌وکار

امروزه فعالان کسب و کار واژه‌هایی مانند تلاطم، پیچیدگی، پویایی، عدم اطمینان، ابر رقابت، کاهش دوره عمر سازمان را زیاد می‌شنود. اهمیت تحلیل محیط و شناخت فرصت‌ها<sup>۱</sup> و چالش‌های موجود در آن بر فعالان کسب‌وکار پوشیده نیست. زیرا ارمغان تحلیل محیط، فهرستی از نقاط مثبت و نقاط منفی است. نقاط مثبت بیانگر ظرفیت‌ها و امکانات کسب‌وکارها و نقاط منفی بیانگر اولویت‌هایی هستند که باید کسب‌وکارها برای حفظ بقای خود برای آن‌ها ظرفیت‌سازی کنند.

در يك کسب‌وکار نوپا اگر نقاط مثبت در وضعیت بحرانی قرار گرفته باشد طبیعی است که سرمایه‌گذاری و راه‌اندازی آن توصیه نمی‌شود. زیرا هیچ‌گونه ظرفیت و اولویت برای آن مشاهده نمی‌شود. در زندگی روزمره، افراد زیادی وجود دارند که این‌گونه ایده‌ها را مطرح می‌کنند حال‌آنکه برای يك کسب‌وکار نوپا به‌هیچ‌وجه مفید نیستند.

فرصت‌ها هم باید به‌درستی شناخته شوند و هم به‌درستی از آن‌ها استفاده شود. در کسب‌وکارهای نوپا، زمان سرمایه‌ای حیاتی برای استفاده به موقع از فرصت‌ها است زیرا ممکن است آن فرصت به‌کلی از بین برود و همچون ابر ناپدید شود<sup>۲</sup> یا این‌که در محیط پیچیده و پویا، به تهدید تبدیل شود که در هر صورت، بی‌توجهی به محیط خطرآفرین است. در يك کسب‌وکار

---

1. Opportunity analysis

۲. قال علي (عليه السلام): «الْفُرْصَةُ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ فَانْتَهِزُوا فُرْصَ الْخَيْرِ» امام علي (عليه السلام) فرمود: «فرصت مانند ابر از افق زندگی می‌گذرد، مواقعی که فرصت‌های خیر می‌آید غنیمت بشمارید و از آن‌ها استفاده کنید» (نهج‌البلاغه، ترجمه فیض، ص ۱۰۸۶).

نوپا، مدت زمان ماندگاری يك ایده تقریباً ۴۰ روز است. بنابراین، همیشه فرصت‌ها به مدت طولانی در اختیار نیستند.

لازم است در تحلیل محیط، از یکسو نگری پرهیز شود. به عبارت دیگر، دیدن صرف تهدیدات و عدم توجه به فرصت‌ها باعث ناامیدی است. دیدن صرف نقاط مثبت و فرصت‌ها و غلبه دادن آن باعث ایجاد رضایت و اعتماد به نفس کاذب در کسب‌وکار می‌شود. بنابراین باید آن‌ها را در کنار هم دید و تحلیل کرد. برای راه‌اندازی يك کسب‌وکار نوپا هم با فرصت‌ها و هم با تهدیداتی مواجه هستیم. مهم این است که نوعی توازن بین فرصت‌ها و تهدیدات ایجاد شده یا اینکه بنگاه با قابلیت‌های خود با تهدیدات مقابله کند.

هرچه شناخت فعالان کسب‌وکار از محیط بیشتر باشد، نگارش طرح کسب‌وکار و استقرار و اجرای آن نیز بهتر خواهد بود.

در عرصه عمل، هر فردی که ایده‌ای داشته باشد و بخواهد يك کسب‌وکار نوپا راه‌اندازی کند اولین درخواست و سؤالی که از وی می‌شود درباره طرح کسب‌وکار است. مدیریت راهبردی با توجه به اینکه با قلمرو، بازار و همچنین تشریح وضعیت موجود و مطلوب يك کسب‌وکار سروکار دارد می‌تواند کمک زیادی به تدوین طرح کسب‌وکار کند.

## ۵. جمع‌بندی

کرونا پدیده‌ای نوظهور است که نیازمند بررسی راهبردی دارد، برای بررسی این مهم، در این نوشتار، ابتدا تعاریفی از راهبرد را با تطبیق شرایط جامعه و کرونا تشریح شد با توجه به نوظهور بودن این پدیده به بررسی راهبردهای نوظهور در این راستا پرداخته شد. در بیان الگوی نوظهور به بررسی حل مسئله و مراحل آن نسبت به پدیده کرونا پرداخته شد و در نهایت محیط

کسب‌وکار در شرایط کرونا تحلیل و بررسی شد.

## ۶. منابع و مآخذ

1. Carroll, A. B., & Buchholtz, A. K. (2009). *Business & society: Ethics and stakeholder management* (7th ed.). Mason OH: South-Western Cengage Learning. P.199
2. Mintzberg, Henry (۲۰۰۷): *Tracking strategies : toward a general theory*. Oxford ; New York: Oxford University Press.
3. Pearce, John A.; Robinson, Richard B. (2013): *Strategic management. Planning for domestic & global competition*. 13th ed. New York NY: McGraw-Hill (Strategic management).
4. Wheelen, T. L., & Hunger, J. D. (2012). *Strategic management and business policy: Toward global sustainability* (13th ed.). Upper Saddle River N.J: Pearson Prentice Hall. P.109





## ۷. کاربردهای علوم تصمیم در کاهش تأثیرات بیماری کووید ۱۹

حسین بختیاری<sup>۱</sup>

### چکیده

علوم تصمیم و یا تحقیق در عملیات و یا همان علم مدیریت، به مجموعه‌ای از روش‌های علمی و فنونی گفته می‌شود که جهت شناخت مسائل درون سیستم‌های اقتصادی و اجتماعی به کار می‌روند و درصدد یافتن جواب بهینه برای مسائل تصمیم‌گیری هستند. مدل‌های متنوعی به مثابه الگوهای اصلی بهینه‌سازی مسائل تصمیم‌گیری وجود دارند که با در نظر گرفتن یک یا چند هدف و با ملاحظه همه محدودیت‌های مسئله سعی در یافتن بهترین جواب هستند. با شیوع ویروس کرونا و بیماری کووید ۱۹ محدودیت‌های مضاعفی برای مسئله ایجاد شده و لازم است مدل‌های تصمیم‌گیری بازنگری شوند. در این یادداشت کاربردهای مختلف مدل‌های تصمیم‌گیری در حوزه

---

۱. استادیار دانشکده معارف اسلامی و مدیریت/ گروه مدیریت صنعتی/ دانشگاه امام صادق (ع)/ رایانامه:

h.bakhtiari@isu.ac.ir / تاریخ نگارش: ۱۳۹۹/۰۲/۲۳.

شبیه‌سازی و پیش‌بینی، مدل‌های زمان‌بندی، مدل‌های توازن و تسطیح منابع، مدیریت خطرپذیری و سیستم‌های بهینه‌سازی سلامت ارائه شده و کاربرد آن‌ها در کاهش تأثیر بیماری کرونا بحث و بررسی می‌شود.

## ۱. مقدمه

علوم تصمیم<sup>۱</sup>، تحقیق در عملیات<sup>۲</sup>، روش‌های کمی و علم مدیریت<sup>۳</sup>، واژگان مترادفی هستند که به مثابه روش‌های علمی و تحلیلی برای تصمیم‌گیری بهینه استفاده می‌شوند. تخصیص بهینه منابع، بهترین تعریف برای علم تحقیق در عملیات است. هر جا با منابع کمیاب مواجه باشیم، استفاده از رویکرد علمی تصمیم‌گیری می‌تواند منجر به رسیدن به بهترین گزینه با در نظر گرفتن همه محدودیت‌ها باشد. تعریف تصمیم‌گیری، انتخاب گزینه بهینه از میان گزینه‌های موجود است. مدل‌های تصمیم‌گیری با در نظر گرفتن یک یا چند هدف و با عنایت به همه محدودیت‌های موجود در مسئله سعی در رسیدن به بهترین گزینه از میان گزینه‌های موجود هستند. یکی از بخش‌های اصلی مسائل تصمیم‌گیری محدودیت‌های مسئله است. اکنون که بیماری کرونا محدودیت‌ها را، اعم از محدودیت‌های حضور در اماکن آموزشی، محدودیت تردد، محدودیت فعالیت اصناف و ... مضاعف نموده لازم است توجه به رویکردهای تصمیم‌گیری بهینه بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گیرد. در این یادداشت برخی از حوزه‌های کاربردی علوم تصمیم در کاهش تأثیرات بیماری کرونا بحث و بررسی می‌شود؛ این حوزه‌های کاربردی به ۵ دسته تقسیم می‌شود که در ادامه توضیح داده می‌شود؛

---

1. Decision Science  
2. Operations research  
3. Management Science

## ۲. حوزه شبیه‌سازی و پیش‌بینی

یکی از حوزه‌های اصلی علوم تصمیم، روش‌های شبیه‌سازی<sup>۱</sup> است که کارکرد بسیار مطلوبی در پیش‌بینی دارد؛ با استفاده از روش‌های شبیه‌سازی از جمله روش پویایی‌شناسی سیستم<sup>۲</sup> می‌توان رفتار بیماری را در آینده شبیه‌سازی کرد و از این طریق نسخه‌های تجویز مناسبی برای تعطیلی و یا بازگشایی مراکز آموزشی، زمان بهینه آزمون‌های سراسری، تعطیلی یا بازگشایی اصناف و ... به تفکیک مناطق مختلف کشور ارائه داد.

این رویکرد در مقالات اخیر نیز مورد توجه بوده است؛ در مقاله‌ای آقای دکتر پیشوایی با استفاده از مدل‌های پویایی‌شناسی سیستم و بر اساس نرخ‌هایی که از سازمان بهداشت جهانی اخذ نموده است از جمله نرخ مرگ‌ومیر بیماری کرونا به میزان ۳/۴٪، زمان بیماری تا مرگ ۱۰ روز، زمان بیماری تا بهبودی ۸ روز و فرضیه عدم ابتلای فرد پس از بهبودی اقدام به شبیه‌سازی رفتار بیماری نموده و وضعیت آینده بیماری را در سه مورد وضعیت مبتلایان، وضعیت بهبودیافتگان و وضعیت مرگ‌ومیر را پیش‌بینی نموده است. نتایج حاصله حاکی از رفتار هدف‌جوی مرگ‌ومیر و میزان بهبودیافتگان بوده که میزان بهبودیافتگان فاصله بسیار زیادی با مرگ‌ومیر دارد و در نهایت این نتیجه حاصل شده است که سیاست قرنطینه تأثیر زیادی روی موضوع نداشته و فقط میزان تأخیر ابتلا را بیشتر می‌کند.<sup>۳</sup>

## ۳. مدل‌های بهینه‌زمان‌بندی

مدل‌های زمان‌بندی، به دنبال بهینه‌سازی زمان انجام کار، افراد شاغل و

---

1. Simulation

2. System Dynamic

۳. پیشوایی، میرسامان، (۱۳۹۹)، پویایی‌شناسی ویروس کرونا/ قابل دریافت به آدرس:

<http://www.pishvae.com>

تخصیص بهینه افراد به مشاغل است. در هنگام بروز بیماری فراگیر کووید ۱۹ و شیوع ویروس کرونا، محدودیت‌های مضاعفی در تردد افراد، استفاده از وسایل حمل‌ونقل عمومی و ... ایجاد می‌شود که استفاده از مدل‌های بهینه‌سازی در زمان‌بندی می‌تواند ضمن در نظر گرفتن محدودیت‌های ناشی از بیماری جواب بهینه مسئله را بیابد.

برای نمونه اگر محدودیت‌هایی برای حضور کارکنان در محل کار در نظر گرفته شده و این محدودیت‌ها در قالب سیاست‌هایی ارائه شود می‌توان با استفاده از مدل‌های نوبت‌بندی (=شیفت‌بندی) که از جمله آن‌ها مدل‌های معین و معروف برنامه‌ریزی نیروی انسانی است به تعداد بهینه نیروی انسانی برای پیشبرد امور جاری سازمان رسید و اقدام به نوبت‌بندی دقیق و عادلانه نیروی انسانی پرداخت.

#### ۴. مدل‌های ایجاد توازن

ایجاد توازن ازجمله حوزه‌های پرکاربرد استفاده از مدل‌های تحقیق در عملیات است. برای، نمونه ایجاد توازن در خط تولید برای استفاده متوازن از ایستگاه‌های کاری و یا ایجاد تسطیح منابع در مدیریت پروژه ازجمله حوزه‌های کاربردی این دسته از مدل‌ها است. پدیده ویروس کرونا همان‌طور که در بخش قبلی اشاره شد منجر به بروز محدودیت‌های جدید در مسائل مختلف می‌شود که استفاده از رویکرد تسطیح منابع می‌تواند تأثیر این محدودیت‌ها را کاهش دهد. برای نمونه با بروز بیماری کووید ۱۹، آموزش حضوری دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی تعطیل و در بسیاری از مراکز آموزشی، آموزش مجازی اینترنت‌پایه، جایگزین آموزش حضوری شد. با توجه به اینکه این نوع آموزش وابسته به زیرساخت‌های فناوری اطلاعات است محدودیت‌های مضاعفی بر مسئله تحمیل می‌کند.

برای مثال، تعداد دانشجویانی که می‌توانند هم‌زمان از کلاس‌های مجازی استفاده کنند یکی از محدودیت‌های اصلی سامانه‌های کلاس مجازی است. در این حالت برنامه زمان‌بندی که در ایام حضوری و با تعداد بیشتر کلاس‌های فیزیکی برگزار می‌شد دچار محدودیت‌های بیشتری شده و لازم است برنامه جدیدی مبتنی بر ظرفیت زیرساخت‌های فناوری اطلاعات تنظیم شود. با استفاده از روش تسطیح منابع می‌توان برنامه‌های کلاسی را متوازن ساخت. در برخی از زمان‌های برنامه درسی و تشکیل کلاس‌ها، دانشگاه‌ها با اوج ساعت حضور دانشجویان در سامانه‌های مجازی مواجه هستند ولی در برخی ساعت‌های دیگر با حضور کمتر و ظرفیت خالی سامانه مواجه می‌شوند، استفاده از مدل‌های تحقیق در عملیات با در نظر گرفتن همه محدودیت‌ها از جمله محدودیت‌های جدید ظرفیت سامانه قادر خواهد بود توزیع متوازنی از کلاس‌ها ایجاد کرده و مشکل ظرفیت سامانه را تا حد قابل قبولی کاهش دهد.

## ۵. مدیریت خطرپذیری

خطرپذیری = تأثیرات  $\times$  احتمال؛ این عبارت یک تعریف ساده از خطرپذیری است. یکی از ارکان محاسبه خطرپذیریا احتمال است که در نظریه احتمالات و تصمیم‌گیری تصادفی به آن پرداخته می‌شود؛ به عبارت دیگر، مدیریت خطرپذیریب عبارت است از شناسایی تأثیرات خطرپذیری‌ها و احتمال وقوع آن‌ها؛ یکی از ارکان محاسبه خطرپذیریا احتمالات است و استفاده از نظریه احتمال در تخمین احتمال وقوع خطرپذیریا است. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که خطرپذیریمفهوم راهبردی است که با توجه به کاربردهای گسترده آن در مباحث مالی و سرمایه‌گذاری عمدتاً در تشکیل سبد سرمایه محاسبه می‌شود ولی خطرپذیریدر حقیقت مفهومی مدیریتی و

راهبردی است که در موارد مختلفی همچون محاسبه خطرپذیری پروژه و حتی موارد دولتی و حاکمیتی همچون ریسک شهر و کشور نیز استفاده می‌شود. برای مثال، در صورت اتخاذ رویکرد مدیریت خطرپذیریدر برخورد با بیماری کرونا با بروز نشانه‌های اولیه بیماری در کشور چین، به سرعت مراحل مدیریت خطرپذیریا اجرا شده و با شناسایی خطرپذیری‌های این بیماری، تأثیرات آن‌ها و احتمال وقوع آن‌ها و سپس ارزیابی و اداره، می‌توان با تعریف سناریوهای متعدد تأثیرات بیماری را کاهش داد. بنابراین، با اقدامات پیش‌دستانه مدیریت خطرپذیریمی‌توان از تبدیل شدن مشکل کرونا به بحران جلوگیری کرد.

## ۶. نظام‌های بهینه‌سازی سلامت

حوزه سلامت اهمیت زیادی داشته به نحوی که در رشته‌های دانشگاهی و حوزه‌های مطالعاتی و پژوهشی همچون اقتصاد سلامت، گردشگری سلامت و بهینه‌سازی سیستم‌های سلامت ایجاد و توسعه یافته است. استفاده از مدل‌های تحقیق در عملیات نیز به وفور در حوزه سلامت استفاده شده است؛ برخی از موارد استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری در نظام‌های سلامت عبارت‌اند از: مکان‌یابی، طراحی شبکه خدمات سلامت، مدیریت لجستیک امداد و نجات، کاربرد نظریه صف در سیستم‌های سلامت، طراحی و برنامه‌ریزی شبکه پیوند اعضا، طراحی و برنامه‌ریزی شبکه خون، مدل‌های مدیریت زنجیره تأمین دارو و تجهیزات پزشکی، زمان‌بندی خدمات و تجهیزات درمانی. رسیدن به جواب بهینه در حوزه‌های فوق با استفاده از مدل‌های ریاضی تحقیق در عملیات امکان‌پذیر است؛ مدل‌های ریاضی تحقیق در عملیات در انواع مختلف خطی، غیرخطی، عدد صحیح و ترکیبی شامل هدف و محدودیت‌هایی است که در صورت بروز بیماری‌های فراگیر همچون

بیماری کرونا، محدودیت‌های مسائل فوق افزایش می‌یابد و می‌توان با استفاده از مدل‌های کلاسیک بهینه‌سازی، پاسخ بهینه مسائل نظام سلامت را در شرایط جدید به دست آورد.

## ۷. جمع‌بندی

بسیاری از مسائل واقعی دارای جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، روانشناسی و ... هستند که با استفاده از گروه‌هایی با تخصص‌های متفاوت می‌توان به راه‌حل‌های نوآورانه و پیشرفته برای مسائل گریبان‌گیر جامعه و سازمان‌ها دست یافت. هر متخصص با استفاده از دانش خود می‌تواند زاویه‌ای از مسائل را مورد موشکافی قرار دهد و به یک راه‌حل برسد. برآیند راه‌حل‌های مختلف و بررسی‌های متعدّد، منجر به یک راه‌حل واقعی برای مسئله خواهد شد. بر این اساس، بسیاری از مسائل تحقیق در عملیات از سوی گروه‌های چندرشته‌ای بررسی می‌شوند.

علاوه بر این، پس از رسیدن به جواب بهینه می‌بایست خروجی مدل اعتبارسنجی شود؛ یکی از مطمئن‌ترین روش‌های اعتبارسنجی، ارائه خروجی مدل به خبرگان و نظرخواهی از ایشان نسبت به اعتبار خروجی‌های مدل است. معمولاً توصیه می‌شود تا زمانی که خروجی مدل به تأیید خبرگان نرسیده و ملاحظات ایشان مورد توجه قرار نگرفته است برای عمل تجویز نشوند.

در این یادداشت سعی شد برخی از حوزه‌های کاربردی علوم تصمیم در کاهش تأثیرات بیماری کووید ۱۹ و ویروس کرونا و همچنین بهینه‌سازی نظام‌های سلامت بررسی شود. امروزه توجه به حوزه سلامت با ابزارهای مدیریتی مورد توجه بوده و تألیفات متعددی از سوی ناشران معتبر همچون



اشپرینگر<sup>۱</sup> در این زمینه ارائه شده و رو به ازدیاد است. در این نوشتار تأکید اصلی بر روش‌های کلاسیک و اصطلاحاً بخش سخت تحقیق در عملیات بود و استفاده از بخش نرم تحقیق در عملیات مجال دیگری لازم دارد. حوزه تحقیق در عملیات نرم نیز کاربردهای وسیعی در مدل‌سازی و ساختاردهی به مسئله کرونا و تفسیر و تبیین مؤلفه‌های مؤثر در مدیریت این بیماری و همچنین ارائه اولویت‌بندی راهکارها دارد.

## ۸. جهان نرم پساکرونایی؛ گذار از فناوری سخت به فناوری نرم

مهدی حمزه‌پور<sup>۱</sup>

یکی از پر رمز و رازترین تکرانه‌های عالم‌گیر را تجربه می‌کنیم. ابرمسئله ساخت نیافته کرونا تحوّل بنیادین را در سبک و ساز زندگی مخلوقات جهان، از جمله انسان بوجود آورده است. انسانی که بی‌مهابا اکتشافات حیرت‌انگیز و خیره‌کننده فناوری را در اکثر موارد در خدمت مطامع نفسانی خویش قرار داده و در عمل، گوهر ارزشمند وجودی خویش را به مسلخ برده است. انسانی که مذبذب‌وار در انتظار جهان پساکرونایی است تا از رهگذر این فرصت تاریخی بی‌نظیر بتواند خستگی عمیق فکری، جسمی، روحی، روانی و رفتاری خود را به در کند و در افق نو و جهانی تحوّل یافته، خویش را اصیل خویش را بیابد. بی‌هیچ مداهنه‌ای، جهان کرونا دیده حال و پساکرونای آینده، جهان

---

۱. استادیار دانشکده معارف اسلامی و مدیریت/ دانشگاه امام صادق علیه‌السلام/ گروه مدیریت صنعتی/

رایانامه: m.hamzehpoor@isu.ac.ir / تاریخ نگارش: سی ام اردیبهشت ماه ۱۳۹۹.

فرهنگی<sup>۲</sup> و به تعبیری جهان نرم<sup>۳</sup> است و قدرت حقیقی کشورها در سایه قدرت نرم<sup>۴</sup> برآمده از برتری در رقابت‌های فرهنگی<sup>۵</sup> در بستر صنعت نرم فرهنگی<sup>۶</sup> است. به دیگر سخن، پدیده پیچیده و چند سطحی کرونا به مثابه مهمان ناخوانده موجب تسریع در تغییر الگو یا پنجره نگاه از فناوری‌های سخت، که بهره‌وری صرف فنی و مالی را هدف‌گذاری کرده است، به فناوری‌های نرم هویت‌آفرین و فرهنگ‌محور شده است. به عبارتی دیگر، انسان‌ها در سالیان اخیر، بویژه در عصر کرونا و پساکرونا، وارد عصر توسعه یکپارچه علوم انسانی، علوم اجتماعی و علوم طبیعی شده‌اند؛ بنابراین، مفهوم فناوری در حال تغییر از فناوری با زمینه محدود به فناوری با زمینه گسترده و از فناوری سخت به فناوری نرم است. ما به عصری رسیده‌ایم که در آن توسعه علوم نرم و فناوری نرم باید شتاب بگیرد. فناوری نرم نوعی فناوری است که از دیدگاه‌ها و زوایای مختلفی مانند اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فلسفی و هنری حاصل می‌شود. تحقیقات فناوری نرم برای بازاندیشی و تأمل بر چالش‌های بیشمار پیش روی بشر بسیار سودمند است و می‌تواند در نظام‌های فرهنگی مختلفی جای گرفته و توسعه پایدار و تحقیقات میان‌رشته‌ای را ترویج دهد تا به آگاهی‌های گسترده و راهکارهای اثربخش برای حل مسائل جهانی، ملی، سازمانی و فردی دست یابیم. فناوری نرم شاید قدیمی‌تر از فناوری سخت باشد، لیکن فناوری سخت به طور نظام‌مندتری مدون و درک شده است. در فناوری سخت اختراع وجود پیدا می‌کند؛ اما خود فرآیند اختراع و استفاده‌هایی که از فناوری‌های سخت به

---

2. Cultural World

3. Soft World

4. Soft Power

5. Cultural Competition

6. Cultural Soft Industry

جهان نرم پساکرونایی؛ گذار از فناوری سخت به فناوری نرم □ ۲۱۵

عمل می‌آیند از سمت نرم حاصل می‌شوند. ملاحظات اخلاقی و معنوی جزء فناوری سخت نیستند. چند بار شنیده‌ایم که فناوری فی‌نفسه نمی‌تواند شرّ و بد باشد، شرارت در نحوه استفاده از آن است؟ فناوری سخت متکی به قوانین طبیعت و اطلاعات درباره نحوه انجام کارهاست؛ درحالی‌که فناوری‌های نرم به نفس درونی و معرفت‌شناسی‌های کهن متوسل می‌شود. فناوری‌های سخت و نرم هر دو دربرگیرنده نظام‌های دانشی، اختراع و خلاقیت هستند؛ هر دو حائز اهمیت هستند؛ زیرا بر وضعیت انسان اثر می‌گذارند؛ اما در طول موج‌های به‌شدت متفاوتی فعالیت می‌کنند. پروفیسور جین فناوری نرم را به‌منزله دانش برگرفته از علوم اجتماعی، علوم غیرطبیعی و دانش غیرعلمی (سنتی) برای حل مسائل عملی مختلف تعریف می‌کند. این همان حیطه فناوری غیرفیزیکی و ورای ماشین‌آلات و ابزارهای فناوری فیزیکی است. وی می‌گوید، این نوع فناوری بر اندیشه انسان متمرکز است؛ نه اشیاء و در واقع قلمرو ایدئولوژی، شور و احساس، ارزش‌ها، جهان‌بینی، رفتارهای فردی و گروهی، سازمانی و اجتماع انسانی است. بشر هزاران سال در حال ایجاد، استفاده و کسب منفعت از فناوری نرم بوده است. باین‌وجود، فناوری نرم به‌ندرت به‌طور نظام‌مند تعمیم‌یافته و دسته‌بندی‌شده و آگاهانه به‌مثابه شکلی از فناوری توسعه‌یافته است. به دلیل تأثیر زیاد صنعتی شدن، دستاوردهای درخشان علوم طبیعی و فناوری سخت و دستیابی مفرط به ثروت مادی است که تأکید زیادی بر فناوری «بازسازی» و «کنترل طبیعت» داریم و از انجام تحقیقات کافی پیرامون فناوری‌هایی که دربرگیرنده خود بشر و رفتارهای انسانی هستند غافل شده‌ایم. به‌علاوه، تا حدّی که فناوری نرم به رسمیت شناخته شده، به نوعی به‌مثابه یک عامل غیرفناوری به تصویر کشیده شده یا در دهه‌های اخیر از آن به‌مثابه جعبه سیاهی یاد شده

که همه چیز را تحت پوشش قرار می‌دهد. این کوتاهی در درک ماهیت راستین فناوری ما از فهم و رفع چالش‌های پیش روی بشر در جامعه مدرن باز داشته است. فناوری نرم نیز همانند فناوری سخت به واسطه رشته‌ها، ساختارهای فنی و صنایع مختلف و از طریق تحقیقات ویژه در چند صدسال اخیر به وجود آمده است. صدها اثر پژوهشی درباره تاریخچه فناوری منتشر شده است؛ در حالی که آگاهی از الگوی دیگر فناوری (فناوری نرم) حداقلی بوده است. تقریباً هیچ تحقیق سازمان‌یافته‌ای در خصوص نظام‌های فنی و صنایع مرتبط با فناوری نرم به مثابه یک رشته رسمی صورت نگرفته است. اکنون در زیست تجربی کرونایی و پساکرونایی، زمان پرده‌برداری و انجام تجزیه و تحلیل جامع، پژوهش نظام‌مند و کاربردی در حوزه فناوری نرم رسیده است. پیشرفت‌های صورت گرفته در فناوری نرم یک حوزه پژوهشی جدید بوجود آورده که ویژگی بارز آن یک پارادایم کاملاً متفاوت برای فرآیند ارزش‌آفرینی است. به موجب این الگوی، تحقیقات میان‌رشته‌ای در کنار درک جامع و عمیق‌تر نظام دانش انسان ترویج پیدا می‌کنند. بر همین اساس، این موضوع ما را به تغییر طرز فکر و دیدگاه ما، نسبت به امور دنیا و گرایش افراد به حل مسئله سوق می‌دهد. این الگوی جدید ماهیت بسیاری از مسائل داخلی و بین‌المللی جامعه امروز را آشکار می‌کند. مطالعه فناوری نرم ما را قادر به تکمیل نمودن نیمه مفقود تاریخچه فناوری در جهان می‌کند که فقدان آن تاکنون به شدت مانع توانایی ما در درک جهان معاصر بوده است. از یک نقطه نظر عملی، برای اینکه هر کشور بتواند با چالش‌های خود در قرن حاضر و آینده فائق آید، صرفاً اتکا به فناوری‌های سخت، محیط سخت و سرمایه سخت کافی نیست. ما بایستی فناوری‌های نرم، محیط نرم و سرمایه نرم و در مقیاسی وسیع‌تر جهانی نرم را مطالعه و وارد راهکارهای

جهان نرم پساکرونایی؛ گذار از فناوری سخت به فناوری نرم □ ۲۱۷

متنوع نظام‌مند طراحی کنیم و عملیات فناوری نرم و طراحی محیط نرم مطلوب را برای حل بسیاری از مسائل پیاده‌سازی کنیم. این امر مستلزم شتاب‌ده به تحقیق، توسعه و کاربرد علوم و فناوری‌های نرم است. علاوه بر این، فناوری نرم، فناوری را در تحولات و رویه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی متمرکز می‌کند. از یک‌سو، ایده‌ها و رویکردهای جدیدی برای نوآوری در صنایع خدماتی و حتی برای نوآوری در صنایع نرم فراهم خواهد آورد؛ از سوی دیگر منجر به بهبود توانایی ما در درک، انطباق و حل مسائل پیچیده و انجام اصلاحات مناسب در سطوح مختلف سیستم‌های راهبردی خواهد شد. البته وقوع بحران عجیب، همه‌جانبه، پیچیده و عبرت‌آموز همه‌گیری جهانی ویروس کرونای اخیر، بیش از پیش توسعه جنون‌آمیز، غیر متوازن و حتی انحراف آفرین و فسادزای فناوری، با طرز تلقی موجود، را برملا کرد. فناوری با نگاه الگوی سخت موجود در سال‌های اخیر پیشرفت چشمگیری داشته است. رؤیای افراد در رسیدن به گره ماه به یک واقعیت تبدیل شده است. حتی امکان تکثیر انسان نیز وجود دارد. دانش و فناوری به این معنای سخت، آن‌چنان تأثیر شگرفی بر توسعه اجتماعی و اقتصادی داشته‌اند که اکنون به‌طور روزمره از جامعه دانشی سخن به میان می‌آوریم. درعین‌حال، پیگیری دستیابی بی‌مهابا به سودهای اقتصادی و استفاده غیراخلاقی از فناوری توسط افراد بی‌مسئولیت و فاسد در کنار فجایعی که به بار آورده‌اند، به‌طور روزافزون باعث بروز انتقادات علیه توسعه بیشتر فناوری شده است. در واقع توصیه مصلحان دلسوز و آگاه جهانی این است که توسعه علم و فناوری بر مبنای نیازهای انسان و به سود بشریت باشد. در سراسر تاریخچه طولانی مباحث رسمی پیرامون مفهوم فناوری، تقریباً همه مفسران و تحلیلگران مهم، ابعاد نرم فناوری (نظام‌های مقرراتی

مانند تکنیک‌ها، رویکردها، برنامه‌ها و فرآیندهای فعالیّت‌ها، هنر و مانند آن) را به‌مثابه بخشی از تعریف فناوری علاوه بر ابعاد سخت فناوری (ابزارها، ماشین‌آلات و تجهیزات و سایر ادوات کار) لحاظ کرده‌اند. علاوه بر آن، می‌توان بیان نمود که فناوری سخت همان فناوری کنترل ماده است، درحالی‌که فناوری پیشرفته آینده فناوری کنترل و سلطه بر ذهن انسان بر مبنای روان‌شناسی و فناوری مدیریت گروه یا سازمان‌ها خواهد بود. با وجود این، پس از انقلاب صنعتی، مفهوم فناوری رایج موجود در ادبیات موضوع فناوری به‌تدریج تکامل یافته تا مفاهیمی نظیر ابزار سطح و کنترل طبیعت، رابطه ابتکاری با طبیعت، مجموعه ابزارهای کار و ابزارهای تغییر یا کنترل محیط خارجی در آن گنجانده شوند. تحقیقات فراوانی پیرامون تاریخچه فناوری اکنون در شرق و غرب و به انواع زبان‌ها و با عناوینی مانند *تاریخچه علم و فناوری*، *تاریخچه فناوری‌های مدرن*، *تاریخچه فناوری و پیشینه فناوریانه* منتشر شده است که به‌طور تقریبی همه این آثار به‌نوعی به‌طور انحصاری بر تحقیقات در علوم طبیعی و آنچه فناوری سخت می‌نامیم متمرکز هستند. این کانون توجه بدین خاطر ایجاد شده که در طول دوره صنعتی شدن، تولید مواد نقش حیاتی در اقتصاد ایفا می‌کرد و علوم طبیعی و فناوری سخت سهم به‌سزایی در بهبود بهره‌وری مواد داشتند. به‌ویژه در دو قرن گذشته، اختراع و به‌کارگیری گسترده فناوری‌های جدید مانند موتور بخار، فناوری برق، فناوری فولاد، مهندسی شیمی، تلفن، ارتباطات بی‌سیم، فرستنده‌ها، رایانه‌ها، مدارهای مجتمع بزرگ مقیاس باعث بوجود آمدن انقلاب‌های فناوری شده که به‌نوبه خود توسعه بهره‌وری را ارتقا بخشیده و شرایط بقا و سبک زندگی انسان را دچار تغییر و تحول کرده‌اند. بنابراین درک انسان از دانش به سمت دانش مبتنی بر علم؛ قواعد، رویکردها و ابزارها

متمايل شده (که در خلال فرآيند حل مسئله در توليد مواد و با به کارگيري دانش علوم طبيعي ايجاد شدند) که معمولاً فناوری ناميده می شوند و کانون توسعه فناوری نيز به سمت استفاده و تغيير شکل طبيعت تمايل يافته است. تعاريف معاصر از فناوری در فرهنگ لغات به طور معمول آن را به گونه ای تعريف و بدان اشاره دارند که بر بهره گيري و تغيير طبيعت تأکيد داشته باشد. برخی مسائل که انسان ها بعد از قرن بيستم با آن روبرو هستند از جمله استفاده انحرافي از فناوری و تخریب فضای زندگی انسان، ما را به بازاندیشی به اين موضوع وامی دارد که آیا در درک و کاربست فناوری تأکيد زيادی بر بازسازی و سلطه بر طبيعت کرده ایم، ضمن اینکه فناوری های دربرگيرنده انسان و رفتارهای انسانی را نادیده گرفته ایم. در قرن بيست و یکم و بويژه تجربه اخير فضای جهانی کرونازده و پساکرونایی (در آینده)، انفجار دانش، نرم شدن اقتصاد، تغيير ارزش ها، ادغام هنر و علم و رسالت توسعه پايدار انسان، مستلزم آن است که مفهوم فناوری را نو کنیم، درک خود از فناوری را از یک مفهوم محدود به یک مفهوم با تعريف و دامنه گسترده تغيير دهيم. به علاوه، ارتقای تحقيق، توسعه و به کارگيري فناوری نرم نيز ضروری خواهد بود. به عبارت ديگر، در پی چندین انقلاب صنعتی قبلی، زمان آن فرا رسیده تا انسان یک انقلاب مفهومی در فناوری ايجاد کند. به طور حتم برخی ناتوانی های فناوری های سخت در مواجهه با ابرمسئله کرونا و پساکرونا و مدیریت و رهبری ابعاد گوناگون آنها، جهان را به استقبال فراگيرتر از فناوری های نرم و اضمحلال شعار جهانی سازی و رفتن به سوی تحقق عملی جهان نرم بيش از پيش مهيا نموده است. در اين میان به طور قطع و يقين فناوری مدیریت<sup>۷</sup> مهم ترين تعبير و اصطلاحی است که در فضای کرونایی و



پساکروناپی خواهید شنید. فناوری نرم مدیریت مهم‌ترین و اثرگذارترین ابزار فکری، مفهومی و عملیاتی برای ساخت جهان نرم آینده است که من آن را جهان نرم پساکروناپی می‌نامم. فناوری مدیریت یکی از حوزه‌های فناوری نرم است که پیش‌تر توسعه یافته و نوع ویژه‌ای از فناوری نرم محسوب می‌شود. هدف از فناوری نرم مدیریت، بهبود توانایی افراد در هماهنگی، توازن و کنترل امور تحت مسئولیت خود است. فناوری نرم مدیریت طیف وسیعی از موضوعات و حیطه گسترده‌ای از حوزه‌های سازمانی از امور دولتی، روابط بین‌الملل تا صنایع، بنگاه‌ها، خانواده‌ها و افراد را تحت پوشش قرار می‌دهد. از این رو، فناوری‌های مدیریت و همه فناوری‌های نرم ارتباط نزدیکی با مدیریت داشته و در سطوح خرد، میانی و کلان قابل دسته‌بندی هستند و از حیث دامنه‌های مدیریت به افراد، شرکت، صنعت و دولت تقسیم می‌شوند. لازم به ذکر است که در مورد فناوری نرم مدیریت همواره باید دو نکته بنیادی زیر را در نظر گرفت:

۱- فناوری نرم مدیریت همه بخش‌های اقتصاد، جامعه، سازمان و فناوری را تحت نفوذ و پوشش دارد (مشابه علوم رفتاری که در همه زمینه‌های علوم اجتماعی نفوذ کرده است). لذا در تحلیلی جامع، مقصود مدیریت و رهبری، انسانیت است، بنابراین مدیریت و رهبری نه تنها فناوری بلکه هنر نیز بوده و ارتباط نزدیکی با عوامل فردی نظیر قضاوت، بینش و دلربایی، شخصیت اخلاقی و تعهدات انسانی دارد.

۲- فناوری مدیریت نوعی فناوری نرم است؛ اما همه فناوری‌های نرم به مقوله فناوری مدیریت تعلّق ندارند. برای مثال، فناوری آموزش، فناوری طراحی، فناوری فرهنگ، فناوری اجتماعی و برخی از فناوری‌های کسب‌وکار بخشی از فناوری مدیریت نیستند. حتی اگر برخی فناوری‌های نرم ارتباط

جهان نرم پساکرونایی؛ گذار از فناوری سخت به فناوری نرم □ ۲۲۱

نزدیکی با مدیریت داشته باشند، به دلیل برخی عوامل محیطی اثرگذار، تحت کنترل و مدیریت شرکت یا بخش‌های صنعتی نیستند، از این رو، آن‌ها را نباید در زمره فناوری مدیریت جای داد به علاوه اینکه این کار به توسعه بیشتر فناوری نرم منجر نخواهد شد.

با مشاهده ابعاد گوناگون و فراگیر پدیده کلان مقیاس کووید ۱۹ و تجربه زیسته آن، پیش‌بینی قطعی نگارنده در جهان پساکرونا، پیش‌رانی راهبردی صنایع نرم منبعث از فناوری‌های نرم در ایجاد جهان نرم فرهنگی و معنوی پساکرونایی است.

صنعت به اصطلاح نرم صنعتی است که در آن فناوری نرم، فناوری محوری است، بر خلاف بخش‌های صنعتی که فناوری سخت را فناوری محوری می‌دانند. البته باید این نکته را در نظر داشت که تا امروز، در قاموس مدیریت صنعتی، همه بخش‌های تولید غیر مادی در مجموع، صنایع خدماتی شناخته می‌شوند. با این حال، نرم شدن کل صنعت نه تنها تغییراتی در خود صنعت خدمات ایجاد کرده، بلکه برخی صنایع جدید نیز به مفهوم سنتی فراتر از بخش خدمات و حتی مقوله صنعت خدمات عمل می‌کنند. در عین حال، ارزش‌افزوده ایجاد شده توسط صنایع مرتبط با فرهنگ، سرگرمی، نرم‌افزار، اطلاعات و ارتباطات به مراتب بیشتر از صنعت تولید است و مقیاس و گستره آن با نرخ هشداردهنده‌ای افزایش می‌یابد. این صنایع به‌طور روزافزون به نیروی محرّکی برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فناوری تبدیل می‌شوند. در عین حال در کنار صنعت تولید پیشرفته، به رکن مهم اقتصاد دانشی تبدیل شده‌اند. به علاوه، به دلیل ادغام گسترده صنعت نرم و سخت، تمایز بین صنایع بر اساس مقوله‌های مرسوم تولید مادی یا غیر مادی بسیار دشوار شده است. می‌بایست این حقیقت میدانی و تجربی را

نیز بیان نمود که به دلیل فناوری‌های محوری کاملاً متفاوت، فرایند نوآوری در صنعت نرم و سخت، به عبارتی فرآیندها، شیوه‌ها و اشکال ارزش‌آفرینی در آن‌ها متفاوت است. شایان ذکر است که حتی در صنعت نرم، فرایندها، شیوه‌ها و قواعد ارزش‌آفرینی برای هر مجموعه، متفاوت از فناوری‌های نرم محوری، یکسان نیست. یقیناً معیارها و روش‌های ارزیابی و استعداد اکتسابی انسان نیز در هر نوع از صنعت نرم متفاوت است. چیزی که باید مدّ نظر قرار گیرد آن است که هر نوع فناوری نرم قادر است در آینده در مسیر رو به بالا در یک رشته رشد و توسعه یابد و در مسیر رو به پایین صنایع نرم بیشتری به وجود آورد؛ نظیر صنایع نرم فرهنگی و خلاق کنونی. صنایع فرهنگی و خلاق آن دسته از صنایعی هستند که خاستگاهشان خلاقیت، مهارت و استعداد فردی است و ظرفیت تولید ثروت و اشتغال را از طریق ایجاد و بهره‌برداری از مالکیت دارند. آنکتاد (کنفرانس سازمان تجارت جهانی در مورد تجارت و توسعه)<sup>۸</sup>، صنایع خلاق را این‌گونه تعریف می‌کند: چرخه‌های خلق، تولید و توزیع کالاها و خدمات که از خلاقیت و سرمایه فکری به مثابه نهاده‌های اولیه استفاده می‌کنند. آن‌ها شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌های دانش‌بنیان هستند که کالاهای ملموس و خدمات هنری یا فکری ناملموس با محتوای خلاق، ارزش اقتصادی و اهداف بازاری تولید می‌کنند. صنایع خلاق در گذرگاه بین بخش‌های افزارپیشه، خدماتی و صنعتی قرار دارند؛ بنابراین، تقسیم و دسته‌بندی و هنجارسازی صنایع طبق ویژگی‌های فناوری محوری آن به‌نوعی آینده‌نگرانه محسوب می‌شود، در عین حال یادگیری قواعد توسعه آن به منظور تدوین راهبردهای بلندمدت و سیاست‌های صنعتی متناسب با این ویژگی‌ها و ترویج نوآوری در آن اعمّ از نوآوری نهادی که توسط مدیریت

---

8. United Nations Conference in Trade and Development (UNCTAD)

نظام‌مند پیاده‌سازی می‌شود بسیار مهم است. صنایع به اصطلاح خلاق در واقع بخشی از صنایع نرم هستند، ولی فعال‌ترین بخش صنعت فرهنگی و صنعت خدمات فکری در بین صنایع نرم نیز هستند. اخیراً افراد بسیاری مجذوب چشم‌انداز صنایع خلاق شده‌اند؛ زیرا کشف کرده‌اند که پدیده‌های نرم مثل اهداف نرم نیز می‌توانند تولید ثروت کنند. در نتیجه افراد تمایل به صرف انرژی و پول بیشتری در تحقیقات، بهره‌برداری و توسعه صنایع خلاق پیدا کرده‌اند. این پدیده حاکی از آن است که با توسعه صنایع نرم معاصر، تولید دارایی‌های ملموس و غیرملموس ارزش به مراتب بیشتری ایجاد می‌کند و افراد به‌طور روزافزون تمایل به پرداخت هزینه برای به دست آوردن بهره‌وری یا راهکار مولد در این زمینه‌های غیرمادی پیدا می‌کنند. در واقع، اگر به ریشه موضوع پی ببریم، بسیاری از صنایع سخت از جمله صنایع فناوری پیشرفته نیز از ایده‌های خلاق به وجود آمده‌اند. به هر ترتیب، تغییر در ارزش‌ها و نرم شدن کلی اقتصاد که در طول قرن اخیر شروع شد انواع جدید حل مسئله را محقق کرده که با الگوهای مصرف جدید، مدل‌های کسب‌وکار نوین، سبک‌های زندگی جدید، انواع جدید سرگرمی و فراغت، الگوهای کار جدید و مفاهیم جدید سروکار دارند و می‌توانند فرصت‌های کسب‌وکار خوبی فراهم کنند. در نتیجه، این تغییرات منجر به پیدایش بسیاری از ایده‌های خلاق شده و توسعه صدها شرکت و حتی تجارتی را به دنبال داشته که مفاهیم و ایده‌های جدید را به یک صنعت ارائه می‌کند و صنعت ایده‌ناامیده می‌شود. این زمینه ظهور صنایع خلاق شگفت‌انگیز است. نکته دیگر آنکه هدف صنعت نرم عمدتاً مقاصد نرم (ناملموس) نظیر افزایش بهره‌وری، ترویج نوآوری، بهبود هوشمندی، اجتناب از ریسک‌ها، غنی‌سازی و زیباسازی زندگی و حل مسائل اجتماعی است؛ درحالی‌که اهداف صنعت سخت (ملموس)،

ربات، خودرو، هواپیما و راکت و... است. ابزارهای محوری که صنعت سخت با آن‌ها به اهداف خود می‌رسد به‌طور عمده وابسته به فناوری سخت هستند، در حالی که ابزارهای محوری صنعت نرم متکی به فناوری نرم است. با پیشرفت اقتصاد خلاق، توسعه صنعت نرم شکل یک جریان بزرگ را در طول قرن بیست و یکم به خود گرفته است و پیش‌بینی می‌شود که فضای جدید و تحول‌زای کرونایی و پس از آن شدت و سرعت این جریان را افزون‌تر کند. صنایع خلاق، پویاترین بخش‌ها در تجارت جهانی هستند. طبق محاسبات اولیه آنکتاد یا همان اجلاس سازمان تجارت جهانی در مورد تجارت و توسعه<sup>۹</sup>، محصولات و خدمات صنایع خلاق رشد قابل توجه و فزاینده‌ای داشته‌اند. این یک خبر مسرت بخش است و نشان می‌دهد که عموم مردم جهان کارکرد الگوی دیگر فناوری (فناوری نرم) را به رسمیت شناخته و نظریه فضای نوآوری در عمل محقق شده است. این امر باید افراد را به پژوهش آگاهانه، سرمایه‌گذاری و توسعه سایر ابزارها برای حل مسائل (فناوری نرم و نوآوری محیط نرم برای دستیابی به جهان نرم)، مطالعه در مورد پیشبرد و ایجاد ارزش‌افزوده و اهمیت بخشیدن به حقوق مالکیت معنوی فناوری نرم تشویق کند. ابرمسئله جهانی کرونا باعث تسریع در مراحل تحقق منحنی عمر محصولات و خدمات صنایع نرم فرهنگی و خلاق از مرحله معرفی به مرحله رشد شده است و در آینده‌ای نزدیک پس از کرونا از مرحله رشد به مرحله بلوغ خواهد رسید. از منظر کلی، اصطلاح صنایع نرم فرهنگی و خلاق به‌طور متداول در پیشنهادها و خط مشی جامعه کسب‌وکار، دانشگاه‌ها و دولت به چشم می‌خورد و به نقطه رشد فرهنگی و اقتصادی جدیدی تبدیل شده که کشورهای مختلف در حال تمرکز بر روی آن هستند تا مرحله اوج و بلوغ آن را

---

9. United Nations Conference in Trade and Development (UNCTAD)

جهان نرم پساکرونایی؛ گذار از فناوری سخت به فناوری نرم □ ۲۲۵

در جهانِ پساکرونا شاهدِ باشند. میانگین بهبود نسبی شرایطِ معیشتی و مادیِ مردم دنیا، نیازِ عموم آنها به محصولاتِ این نوع از صنایع را در سراسر دنیا افزایش داده و فرهنگ، هنر، ورزش و فناوری‌های تفریحی و سرگرمی را به سرعت به صدها هزار کالا و خدمات تبدیل می‌کند و یک صنعت فرهنگی غول‌آسا به وجود آورده است. به علاوه، به دلیل نقش بی‌نظیر صنعت فرهنگی و خلاق در پیشرفت اجتماع و سهم آن در ارتقای قدرت نرم ملی، کشورهای دنیا اهمیتِ زیادی برای آن قائل شده‌اند.

### نتیجه

از سال‌ها پیش روند تغییر تدریجی نگاه جهانی از الگوی فناوری سخت به فناوری نرم اتفاق افتاده است و بسیاری از کشورهای پیشرو از مواهب اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی آن منتفع می‌شوند. وقوع پدیده و ابرمسئله شیوع عالم‌گیر ویروس کرونا و ابعاد گوناگونِ اثرات پروانه‌ای آن، موجب افزایش اقبال عمومی مردم به مظاهری از فناوری‌های نرم مانند فناوری نرم آموزش، صنایع فرهنگی و خلاق و... شده است که به خودی خود سرعت روند این تغییر الگوها را شدت بخشیده است و پیش‌بینی‌های میدانی حاکی از آن است که جهانِ پساکرونایی؛ یعنی جهانِ نرم؛ حاکمیتِ حداکثری فناوری‌های نرم، خواهد بود.



## ۹. سه‌گانه کرونا، مصنویّت‌سازی تولید و صنایع نرم

مهدی حمزه‌پور<sup>۱</sup>

بُروز و ظهور پدیده پیچیده، چندسطحی، مرموز و مبهم کرونا، جهان را زیر و رو کرد و از عمق جان، سازه مفهومی تحوّل بنیادین را در تمام شئون زندگی تجربه کردیم و تجربه می‌کنیم و تجربه خواهیم کرد. به دیگر سخن، عمق و گستره این پدیده عجیب و ناشناخته و همه‌گیر به‌گونه‌ای است که می‌توان قبل، حین و بعد این اَبرمسئله را به سه مقطع تطوّرِ پیشاکرونا، حینِ کرونا و پساکرونا تقسیم کرد و به تحلیل، تبیین و پیش‌بینی مسائل اقدام کرد. بدون شک یکی از آثار دوجهی کلانِ تهدید و فرصت کرونایی، تأثیر شدید آن بر اقتصاد جهانی و به‌تبع آن مقوله مهمّ تولید و کسب‌وکار است. با رصد دقیق راهبردی و عملیّاتی تأثیر این پدیده بر نوع تولید و کسب‌وکارها متوجه می‌شویم که اقتصاد سخت و به‌تبع آن‌ها تولیدات و کسب‌وکارهای سخت

---

<sup>۱</sup> . استادیار دانشکده معارف اسلامی و مدیریت / دانشگاه امام صادق علیه‌السلام / گروه مدیریت صنعتی / رایانامه: m.hamzehpoor@isu.ac.ir / تاریخ نگارش: سی ام اردیبهشت ماه ۱۳۹۹.



به‌شدت آسیب دیدند و خواهند دید و بی‌تردید شرایط کرونایی و پساکرونایی برای این دسته مذکور تهدیدی غیرقابل انکار است. لازم به ذکر است که همین شرایط کرونایی برای اقتصاد نرم و تولید و کسب‌وکارهای نرم فرصتی ناب و کم‌نظیری را ایجاد کرده است که به روشنی قابل احصاء و برآورد دقیق است. نرم شدن اقتصاد را می‌توان به منزله یک پدیده نرم از کل اقتصاد تعریف کرد و زمانی رخ می‌دهد که ارزش‌افزوده ایجاد شده توسط عوامل نرم (ناملموس) مازاد بر ارزش‌افزوده ایجاد شده توسط عوامل سخت (ملموس) در فعالیت‌های اقتصادی باشد. تغییر پارادایم جهانی اقتصاد و به‌تبع آن تولید، صنعت و فناوری از محیط سخت به محیط نرم شرایط جدیدی را برای تولیدکننده‌ها و کسب‌وکارها در مواجهه با شرایط تحمیلی کرونایی به وجود آورده است. به تعبیری در حال تجربه انتقال مشهود و ملموس از جهان سخت‌پیشا کرونایی، به سرعت و شدت بالا، به جهان نرم کرونایی و پساکرونایی هستیم. عده‌ای از اندیشمندان حوزه فناوری، اعم از مهندسی و مدیریت فناوری؛ فناوری‌ها را به دو دسته «فناوری سخت»<sup>۲</sup> و «فناوری نرم»<sup>۳</sup> تقسیم می‌کنند. آن‌ها علم را از جنس دانایی<sup>۴</sup>، عرفان را از جنس دارایی<sup>۵</sup> و فناوری را از جنس توانایی<sup>۶</sup> می‌دانند. به بیانی دیگر، فناوری را می‌توان با عبارت «توانایی تبدیل ورودی معین به خروجی مطلوب» یا «توانایی کسب خروجی مطلوب از ورودی معین» تعریف کرد. حال اگر در تعاریف فوق؛ ورودی موردنظر فاقد «اراده و هوشمندی» باشد؛ مانند مواد اولیه؛ تجهیزات؛ سلول و ...؛ می‌توان از آن فناوری به فناوری سخت تعبیر کرد؛ اما چنانچه ورودی در

---

2. Hard Technology

3. Soft Technology

4. Wisdom

5. Asset

6. Ability

تعریف فناوری؛ دارای «اراده یا هوشمندی» باشد (مانند فرد؛ شرکت؛ سازمان؛ نهاد و ...) می‌توان از آن فناوری به فناوری نرم تعبیر کرد. در فناوری سخت به طور معمول، محصول فناورانه مانند تجهیزات، دارو و مواد پیشرفته و ...، قابل لمس<sup>۷</sup> است؛ اما در مقابل، فناوری نرم، محصولات فناورانه غیرقابل لمس<sup>۸</sup> است. توانایی‌هایی چون واکاوی شخصیت افراد با استفاده از داده‌کاوی<sup>۹</sup> و متن‌کاوی<sup>۱۰</sup> شبکه‌های اجتماعی؛ تعیین حوزه‌های علاقه‌مندی افراد با استفاده از موتورهای جستجو؛ طراحی سازکارهای خودکنترلی پیشگیری از جرم یا تخلف؛ جلب اعتماد دیگران برای دستیابی به هدف؛ توانایی ایجاد کودتا یا انقلاب‌های رنگین؛ توانایی ترویج شایعه در سطح وسیع؛ توانایی ایجاد انگیزش در مدیران برای موفقیت سازمان؛ جنگ روانی؛ لابی و مانند آن، نمونه‌هایی از فناوری نرم هستند که شاید به طور طبیعی در فرآیندهای تولید؛ انتقال؛ توسعه؛ انتشار و تجاری‌سازی فناوری‌های سخت و مسائل اقتصادی؛ اجتماعی و فرهنگی جامعه مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ اما به طور طبیعی مبنای دانشی این‌گونه فناوری‌ها به صورت ضمنی<sup>۱۱</sup> در ذهن افراد قرار دارد و استخراج، تدوین، تعمیم و تطبیق آن با مسائل موجود و مشکلات روز جامعه ضروری هست؛ بنابراین:

**فناوری نرم يك الگوی فناورانه نوین است که نگرش و مدل‌های ذهنی تک‌تک ما را نسبت به فضای مدیریت، رهبری، کارآفرینی، تجارت، امنیت، دفاع، صنعت، آموزش، پژوهش و... تغییر داده است.**

البته این حرکت و انتقال الگوی اقتصادی، صنعتی، تولیدی و فناوری از

---

7. Tangible

8. Intangible

9. Data Mining

10. Text Mining

11. Tacit

سخت به نرم از سال‌ها پیش از شرایط کرونایی شروع شده بود؛ لکن در این وضعیت اخیر کووید ۱۹، سرعت جهش‌وار ملموسی به خود گرفت. لازم به یادآوری است که در قرن بیست و یکم، انسان‌ها وارد عصر توسعه یکپارچه علوم انسانی، علوم اجتماعی و علوم طبیعی شده‌اند بنابراین، مفهوم اقتصاد، صنعت، تولید دچار دگرگونی شده و بویژه فناوری در حال تغییر از فناوری با زمینه محدود به فناوری با زمینه گسترده و از فناوری سخت به فناوری نرم است. ما به عصری رسیده‌ایم که در آن توسعه علوم نرم و فناوری نرم باید شتاب بگیرد. فناوری نرم نوعی فناوری است که از دیدگاه‌ها و زوایای مختلفی مانند اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، فلسفی و هنری حاصل می‌شود. تحقیقات فناوری نرم برای بازاندیشی و تأمل بر چالش‌های بیشمار پیش روی بشر بسیار سودمند است و می‌تواند در نظام‌های فرهنگی مختلفی جای گرفته و توسعه پایدار و تحقیقات میان‌رشته‌ای را ترویج دهد تا به آگاهی‌های گسترده و راهکارهای اثربخش برای حل مسائل جهانی، ملی، سازمانی و فردی دست یابیم. به دیگر سخن، پدیده پیچیده و چند سطحی کرونا به مثابه مهمان ناخوانده موجب تسریع در تغییر الگوی یا پنجره نگاه از اقتصاد، تولید و فناوری‌های سخت که بهره‌وری صرف فنی و مالی را هدفگذاری کرده است، به اقتصاد، تولید و فناوری‌های نرم هویت آفرین و فرهنگ محور شده است. حال، مساله اصلی اینجاست که برای **مصون سازی صنعت و تولید** در این شرایط چه باید کرد؟

پاسخ سوال با توجه به دیباچه بحث روشن و واضح است؛ حرکت به سمت خط‌مشی‌گذاری و راهبردشناسی در زمینه حمایت، ترویج و تسهیل تولید و کسب‌وکارهای نرم و گسترش صنایع فرهنگی و خلاق می‌باشد که از قضا این دسته از صنایع و کسب‌وکارها در سایه فرصت کم نظیر به وجود

آمده برایشان درآمدهای بالایی را برای خود کسب کرده اند که هرگز در این مقیاس قابل تصوّر و شمارش نبود. صنعت به اصطلاح نرم، صنعتی است که در آن فناوری نرم، فناوری محوری است، بر خلاف بخش های صنعتی که فناوری سخت را فناوری محوری می‌دانند. تا امروز، در قاموس مدیریت صنعتی، همه بخش های تولید غیرمادّی مجموعاً صنایع خدماتی شناخته می‌شوند. با این حال، نرم شدن کلّ صنعت نه تنها تغییراتی در خود صنعت خدمات ایجاد کرده، بلکه برخی صنایع جدید نیز به مفهوم سنتّی فراتر از بخش خدمات و حتی مقوله صنعت خدمات عمل می‌کنند. در عین حال، ارزش‌افزوده ایجاد شده توسط صنایع مرتبط با فرهنگ، سرگرمی، نرم افزار، اطلاعات و ارتباطات به مراتب بیشتر از صنعت تولید سخت است و مقیاس و گستره آن با نرخ هشدار دهنده‌ای افزایش می‌یابد. این صنایع به طور روزافزون به نیروی محرّکی برای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فناوری تبدیل می‌شوند در عین حال در کنار صنعت تولید پیشرفته، به رکن مهم اقتصاد دانشی تبدیل شده اند. در حال حاضر، اصطلاح صنایع خلاق به طور متداول در پیشنهادهای خطّ‌مشیّ جامعه کسب‌وکار، دانشگاه‌ها و دولت به چشم می‌خورد و به نقطه رشد اقتصادی جدیدی تبدیل شده که کشورهای مختلف در حال تمرکز بر روی آن هستند. صنایع خلاق آن دسته از صنایعی هستند که خاستگاه شان خلاقیت، مهارت و استعداد فردی است و پتانسیل تولید ثروت و اشتغال را از طریق ایجاد و بهره‌برداری از مالکیت فکری و ذهنی دارند. صنایع به اصطلاح خلاق در واقع بخشی از صنایع نرم هستند، ولی فعال‌ترین بخش صنعت فرهنگی و صنعت خدمات فکری در بین صنایع نرم نیز هستند. اخیراً افراد بسیاری مجذوب چشم‌انداز صنایع خلاق شده‌اند، زیرا کشف کرده‌اند که پدیده‌های نرم مثل اهداف نرم نیز می‌توانند تولید ثروت

کنند. در نتیجه افراد تمایل به صرف انرژی و پول بیشتر در تحقیقات، بهره‌برداری و توسعه صنایع خلاق پیدا کرده‌اند. این پدیده حاکی از آن است که با توسعه صنایع نرم معاصر، تولید دارایی‌های ملموس و غیرملموس ارزش به مراتب بیشتری ایجاد می‌کند و افراد به طور روزافزون تمایل به پرداخت هزینه برای به دست آوردن بهره‌وری یا راهکار مؤثر در این زمینه‌های غیرمادی پیدا می‌کنند. در واقع، اگر به ریشه موضوع پی ببریم، بسیاری از صنایع سخت از جمله صنایع فناوری پیشرفته نیز از ایده‌های خلاق به وجود آمده‌اند. به هر ترتیب، تغییر در ارزش‌ها و نرم شدن کلی اقتصاد که در طول قرن اخیر شروع شد انواع جدید حل مساله را محقق کرده که با الگوهای مصرف جدید، مدل‌های کسب‌وکار نوین، سبک‌های زندگی جدید، انواع جدید سرگرمی و فراغت، الگوهای کار جدید و مفاهیم جدید سروکار دارند و می‌توانند فرصت‌های کسب‌وکار خوبی فراهم کنند. در نتیجه، این تغییرات منجر به پیدایش بسیاری از ایده‌های خلاق شده و توسعه صدها شرکت و حتی تجارتی را به دنبال داشته که مفاهیم و ایده‌های جدید را به یک صنعت ارائه می‌کند و صنعت ایده‌ناامیده می‌شود. این زمینه ظهور صنایع خلاق شگفت‌انگیز است. به‌طور خلاصه، بهره‌برداری از بازار و فرآیند عملیاتی حرکت از ایده به ارزش آفرینی از نوع فناوری نرم است و فرایندهای نوآوری با توجه به مقوله‌های مختلف فناوری‌های محوری صنایع خلاق را شکل می‌دهند. صنعت ناملموس نام دیگری برای صنعت خلاق است که دامنه گسترده‌تری دارد. می‌توان گفت صنایع خلاق بخشی از صنایع نرم هستند که دارای گستره بیشتری هستند. خیزش کنونی صنایع خلاق در واقع یک خوشه صنعتی نرم است که به‌صورت ادواری در کنار دور جدیدی از رونق نوآوری در مدل کسب‌وکار ظهور می‌یابد و این خوشه صنعتی که در این

چرخه پدید آمده عمدتاً با محوریت فرهنگ و هنر است؛ بنابراین توصیه و پیشنهاد جدّی به حکمرانان، سیاست‌گذاران، خطّ مشی‌گذاران، راهبرداران، مدیران اجرایی کشور برای برون‌رفت از آثار منفی شزایط کرونایی بر فضای تولید و کسب‌وکار و به نوعی مصون‌سازی آن‌ها، اولویّت‌دهی به تولید و صنایع نرم است که این نوع از تولید و صنعت، به علّت درون‌زا بودن از جهت تولید و برون‌زا بودن از جهت صادرات، به سیاست کلان اقتصاد مقاومتی بسیار نزدیک و منطبق است. از طرف دیگر، این نوع از تولید و صنعت، به شدت وابسته به سرمایه‌های انسانی خلاق و نوآور در کنار دارا بودن ذخیره‌های ناب و بی‌نظیر فرهنگی اصیل و تمدّنی کهن و غنی است که همه این عوامل به‌صورتی جامع و متعالی در کشور ما وجود دارد و در عمل زمینه‌های تحقّق و شکوفایی کامل در زمینه تولید ثروت پاک، همزمان با حفظ و ارتقای فرهنگ عمومی در حد کامل و کمال وجود دارد.



## ۱۰. کرونا؛ گردنه تاریخی کسب‌وکارها

سید امیررضا فغانی<sup>۱</sup>

### ۱. مقدمه

کسب‌وکارها در مسیر حیات خود همواره با فراز و فرودهای متعددی روبرو می‌شوند حال گاه این فراز و فرودها دارای منشأ محیطی هستند و گاهی نیز شرکت‌ها و سازمان‌ها از درون با بحران مواجه می‌شوند. کسب‌وکارهای ایرانی با تحریم ساخته‌اند، از خاکریز نوسانات اقتصادی عبور کرده‌اند، خود را با سوء مدیریت‌های احتمالی وفق داده‌اند و خلاصه بحران‌های متعددی را پشت سر گذارده‌اند، اما امروزه جهان با بحرانی مرموز به نام کرونا دست و پنجه نرم می‌کند که ایران نیز از این جهان‌گیری متأثر گردیده و مانند تمام جهان کسب‌وکارهای ایرانی با مسائل گوناگونی مواجه شده‌اند که همچنان نیز اصل مسئله و تبعات اولیه آن بر کسب‌وکارها مشهود است.

محدودیت‌های حضور کارکنان در محل شرکت‌ها و افت تولید، به تبع

---

۱. دانشجوی کارشناسی معارف اسلامی و مدیریت بازرگانی/ دانشگاه امام صادق (ع)/ رایانامه:

faghane4030@yahoo.com / تاریخ نگارش: ۲۸ خردادماه سال ۱۳۹۹.



تعطیلی کسب‌وکارها درآمد عمومی نیز کاهش یافت و در نتیجه تقاضا برای کالاها و خدمات با درجه ضرورت متوسط و پایین نیز کاهش یافت و بسیاری دیگر از مشکلات که کسب‌وکارها را مورد حمله قرار داد.

بیایید تصور کنیم همین امروز که این مطلب را می‌خوانید اطلاع یابیم که آخرین بیمار مبتلا به کووید ۱۹ نیز بهبود یافته و مردم جهان نیز واکسن بیماری را دریافت کرده‌اند، به نظر شما با حضور کارکنان در محل کار و به جریان افتادن شریان مالی کسب‌وکارها شرّ تبعات بحران کرونا از سر کسب‌وکارها کم می‌شود؟! قطعاً جواب منفی است. مدیران کسب‌وکارها می‌دانند تعهدات مالی عقب‌مانده، تعهدات به مشتری که باید به تعویق بیفتد و هزینه‌های آن و از این دست مسائل کسب‌وکار آن‌ها را تهدید می‌کند. اتفاق افتادن مسائل پیش‌گفته به‌طور معمول در هر بحرانی برای کسب‌وکارها محتمل است، اما هر بحران برخی مسائل و مشکلات خاص خود را به‌وجود می‌آورد که با توجه به خاص بودن این مسائل ممکن است مورد غفلت کسب‌وکارها واقع شود و ناگهان خود را در مذبذب بیاورد.

مسئله‌ای که بحران کرونا به‌طور خاص برای کسب‌وکارها به‌وجود آورده است تغییر در رفتار مصرف‌کننده و مشتری است، سبک زندگی‌ای که کرونا برای اقشار مختلف به ارمغان آورد بر ابعاد مختلف زندگی آن‌ها از روابط اجتماعی گرفته تا سبک تأمین نیازها اثر گذاشته و در مواردی تغییراتی همیشگی را سبب می‌شود. شناخت این تغییرات برای کسب‌وکارها بسیار ضروری است چراکه مدل کسب‌وکار پیش از کرونا در شرایط زندگی مسالمت‌آمیز با کرونا و حتی پس از شکست کامل کرونا کارآمد نخواهد بود زیرا مخاطبی که ارزش به آن ارائه می‌شود تغییراتی داشته و باید در مدل جدید کسب‌وکار این تغییرات اعمال شود.

## ۲. علل تغییر رفتار مصرف‌کننده

صاحب‌نظران حوزه بازاریابی تغییر در رفتار مصرف‌کننده را معلول عللی می‌دانند که ریشه در سه حوزه اقتصاد، جامعه‌شناسی و روانشناسی دارد که ابتدا به بیان تأثیر این سه حوزه بر رفتار مصرف‌کننده پرداخته می‌شود:

### ۲-۱. روانشناسی

این حوزه با نگاهی خرد رفتار مصرف‌کننده را مورد بررسی قرار می‌دهد و به عبارت بهتر، واحد فرد را در نظر می‌گیرد و بر این اساس اثرات عواملی مانند شخصیت، احساسات، نگرش، انگیزش، یادگیری و ادراک را مورد مذاقه قرار می‌دهد (سید جوادین و اسفیدانی، ۱۳۹۱: ۱۹). علاوه بر این، تضاد شناختی و ارضای نیازها نیز در قوام بخشیدن به مدل‌های رفتاری مصرف نقش به‌سزایی دارند (نبی‌زاده، ۱۳۷۳: ۲۷۰).

### ۲-۲. اقتصاد

علم اقتصاد بنابر ماهیت خود، عقلانیت و منطقی‌بودن مشتری را پیش‌فرض قرار داده و اینگونه می‌نگرد که کالاهایی با مشابهت بالا، عامل محدودکننده قیمت است که انتخاب می‌شوند و بر اساس الگوهای اقتصادی به پیش‌بینی رفتار مصرف‌کنندگان می‌پردازد. در این میان عواملی را معرفی می‌کند که بر خرید و یا تغییر در رفتار مصرف‌کننده اثر می‌گذارند این عوامل عبارت‌اند از:

- قدرت خرید افراد و یا درآمد قابل مصرف؛
- انتظار درآمد در آینده؛
- درآمد مازاد مصرف؛
- میزان نقدینگی مصرف‌کننده؛

- سقف خریدهای اعتباری مصرف‌کنندگان و سیاست‌های اعتباری فروشندگان.

### ۲-۳. جامعه‌شناسی

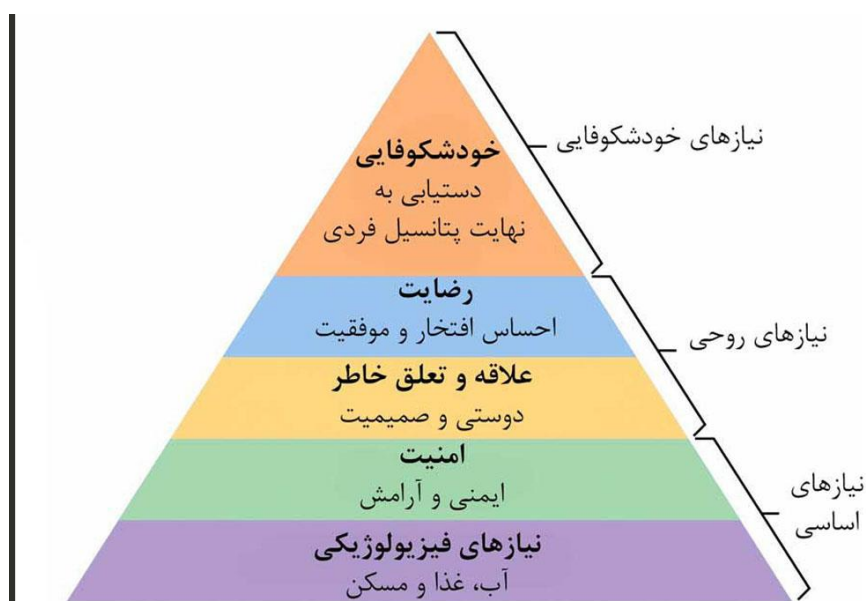
از دیدگاه جامعه‌شناسان برای اینکه یک فرد مورد قبول گروه اجتماعی خاصی باشد باید تا حدّ قابل قبولی از رفتارهای آن گروه خاص را بپذیرد. رفتار فرد و گروه اجتماعی به‌طور فعال بر یکدیگر اثر می‌گذارند؛ یعنی رفتار گروه موجب شکل‌دهی به رفتار فرد و رفتار فرد موجب شکل‌گیری رفتار گروه خواهد شد. در بحث خرید و رفتار مصرف نیز این مسئله ساری و جاری است و فشارهای گروهی موجب تمایل اولیه فرد برای خرید کالایی خاصّ می‌شود. فرآیند اشاعه که موجب جاگرفتن و ثبوت یک رفتار و یا مفهوم میان گروه و افراد می‌شود نیز یکی از مهم‌ترین عناصر این دیدگاه است که در ادامه خواهد آمد (نبی‌زاده، ۱۳۷۳: ۲۷۳).

### ۳. کرونا و تغییر در رفتار مصرف‌کننده

با شیوع بیماری کرونا مصرف‌کنندگان از دو جهت تحت فشار قرار گرفتند، از یک‌سو، ترس از بیماری کرونا و لزوم قرنطینه خانگی و از سوی دیگر، محدودیت‌های قانونی اعمال شده برای کسب‌وکارها و فروشگاه‌ها و همچنین شهروندان برای التزام به قرنطینه. این دو عامل موجب شد که مصرف‌کنندگان در روش‌های خرید خود تجدیدنظر کنند؛ این تجدیدنظر با عوامل دیگری پیوند خورده که موجب می‌شود این تغییر در رفتار، از حالت مقطعی خارج شده و به روشی همیشگی تبدیل شود. در ادامه با بررسی علل علمی و چگونگی این تغییر در رفتار به بیان راهکار تطبیق با آن پرداخته می‌شود.

### ۳-۱. ارضاء نیازها

بعد روانشناسی رفتار مصرف‌کننده یکی از علل شکل‌گیری ارضاء نیازها است که با توجه به تغییرات در نیازها به‌طور منطقی رفتار مصرف‌کننده نیز با تبعیت از آن تغییر خواهد کرد. با توجه به هرم سلسله نیازهای مازلو نیازهای انسان از نیازهای زیست‌شناسانه با درجه اهمیت فوق‌العاده آغاز می‌شود و نهایتاً به عالی‌ترین نیاز هر فرد یعنی خود شکوفایی منتهی می‌شود. هر فرد با ارضاء هر نیاز سطح پایین‌تر در پی نیاز عالی‌تر می‌رود به بیانی دیگر تنها زمانی فرد به دنبال نیازهای سطح بالاتر می‌رود که نیازهای سطوح قبلی برآورده شده باشد (سلطانی و ازگلی و احمدنیا آلاشتی، ۱۳۹۵: ۱۵۱-۱۵۰) (نمودار ۱۷).



نمودار ۱۷: هرم سلسله نیازهای مازلو

مصرف‌کنندگان با تهدیدی به‌مثابه مبتلا شدن به ویروس کرونا مواجه شدند که پشت در منتظر آن‌هاست و به محض خروج از قرنطینه و یا گردش در جامعه برای رفع نیازهای خود از جمله خرید، تفریح و ... باید هر لحظه منتظر آن باشند. بنابراین، یکی از نیازهای اساسی آن‌ها، یعنی امنیت مورد خدشه وارد شد و به دنبال رفع این نیاز و وصول به امنیت خاطر بودند که این مسئله با رفع نیازهای روزمره از جمله خرید به‌صورت غیرحضوری و از طریق تلفن و یا فضای مجازی و امثالهم برطرف می‌شد. این حقیقت را در افزایش اقبال مردم به فروشگاه‌های اینترنتی و افزایش فروش آن‌ها در بازه شیوع کرونا به وضوح می‌توان مشاهده کرد. به‌طور مثال اسنپ‌مارکت و باسلام به ترتیب با ۵۰٪ و ۱۵٪ افزایش فروش، از جمله کسب‌وکارهای برخط بودند. بنابراین تغییر در رفتار مشتری در فرآیند خرید صورت گرفت، اما چه‌بسا این تغییر پس از فروکش کردن کرونا زائل شود و به حالت پیشین برگردد! که این فرضیه را ادامه بررسی خواهیم کرد.

### ۳-۲. اشاعه نوآوری

به فرآیندی که محصول، خدمت، روش تولید و یا روش توزیعی نوآورانه و جدید به تدریج مورد استفاده کل جامعه واقع شود اشاعه گویند. در این فرآیند همه اقشار و افراد یک جامعه با سرعت یکسانی این نوآوری را نمی‌پذیرند، بلکه نوگرایان اولین دسته از افراد هستند که با نوآوری مواجه می‌شوند و آن را می‌پذیرند و حدود ۲/۵٪ از جامعه را تشکیل می‌دهند و اغلب جزو ریسک‌پذیرترین افراد جامعه در حوزه محصول خاص هستند. دسته بعدی اکثریت هستند که تعداد زیادی از جامعه را در برمی‌گیرند و تفاوتشان با دسته نوگرایان این است که ارتباط این دسته با طبقه محصول زیاد بوده و به‌روز بودن برای آن‌ها مهم است، دسته آخر نیز جاماندگان

هستند که ۱۶٪ از جامعه را تشکیل می‌دهند (سید جوادین و اسفیدانی، ۱۳۹۱: ۲۵۰-۲۴۹).

در استفاده از فضای برخط و کسب‌وکارهای آنلاین، نوگرایان مدت‌هاست که این نوآوری را پذیرفته‌اند و اکثریت نیز به وضعیت کاربر بالقوه رسیده‌اند و طبق آمار مرکز توسعه تجارت الکترونیکی نرخ کاربران اینترنتی به مثابه خریدار الکترونیکی بالقوه به ۷۰٪ رسیده است (مرکز توسعه تجارت الکترونیک، ۱۳۹۷: ۲).

بنابراین، فضای رفتار مصرف‌کننده در ایران آماده پذیرش برخط شدن کسب‌وکارها بوده است و با شیوع کرونا استفاده از این فضا را به مثابه نیاز نیز احساس کرده است؛ با این حال نیاز موجب شده است که اشاعه قوت بگیرد و علاوه بر ماهیت خود اشاعه که موجب فرهنگ‌سازی و ثبوت رفتار جدید می‌شود مزایای دیگر استفاده از کسب‌وکارهای برخط از جمله راحتی، صرفه‌جویی در زمان و هزینه و ... مزید بر علت شده و این تغییر در رفتار مردم و اقبال به سمت کسب‌وکارهای برخط را ثبوت می‌بخشد. برای مثال، شما اکنون تصوّر کنید که نظام پرداخت برخط، سرویس درخواست خودرو برخط و ... نباشد شاید تصور این مسئله نیز مشکلات عدیده‌ای را برای شما تداعی کند، این مثال‌ها نیز چنین مسیری را البته با برخی تفاوت‌ها طی کرده‌اند؛ بنابراین کسب‌وکارها با گردنه تاریخی خود مواجه هستند زیرا از طرفی انتهای این بحران هنوز مشخص نیست و از طرف دیگر حتی اگر این بحران پایان یابد با توجه به تغییر رفتار مصرف‌کننده و کمک کرونا به اشاعه و ثبوت این رفتار، کسب‌وکارها نیز باید خود را با این تغییر وفق دهند و گرنه از جریان رقابت کنار خواهند رفت. راه‌حل این مسئله این است که کسب‌وکارها به تدریج مدل کسب‌وکار خود را به سمت استفاده از فضای

برخط از جمله کانال‌های توزیع آنلاین و ارتباط با مشتریان به‌صورت برخط ببرند.

#### ۴. نتیجه‌گیری

بحران کرونا تمام جهان را دچار تکانه کرد، اما یکی از بخش‌هایی که دچار آسیب جدی گردید کسب‌وکارها بودند، آسیب تنها برآیند کرونا برای کسب‌وکارها نبود، بلکه تهدیدی جدی نیز برای آن‌ها بود. مصرف‌کنندگان و مخاطبان کسب‌وکارها با ظهور کرونا سلامت و امنیت خاطر خود را درخطر دیدند و نیاز کسب اطمینان خاطر نیز برای آن‌ها بوجود آمد که این نیاز با استفاده از کسب‌وکارهای برخط و غیرحضوری تا حد زیادی برطرف شد. علاوه بر این، روند اقبال به سمت کسب‌وکارهای برخط از مدت‌ها پیش آغاز شده بود، اما شیوع استفاده از آن‌ها نیاز به مؤلفه‌ای کمک‌کننده داشت که کرونا این وظیفه را انجام داد.

سرعت گرفتن شیوع و مزیت‌های متعدد دیگر کسب‌وکارهای برخط دو عاملی هستند که موجب می‌شوند مصرف‌کننده پس از بحران کرونا نیز کسب‌وکارها و شیوه رفع نیاز برخط را ترجیح دهد. فراتر از این‌ها دانشمندان هنوز نتوانسته‌اند زمان خداحافظی بشر با کرونا را تخمین بزنند و زمزمه زندگی مسالمت‌آمیز با کرونا را دارند و این یعنی اقبال هرچه بیشتر مردم و عادت آن‌ها به کسب‌وکارهای برخط. در هر صورت با نگاهی خوش‌بینانه اگر امروز نیز اعلام کنند کرونا از زمین محو شده است مصرف‌کننده قبل از کرونا با مصرف‌کننده بعد از این بحران از زمین تا آسمان تفاوت کرده و کسب‌وکارها باید سرمایه اصلی خود یعنی مشتری را حفظ کنند و این یعنی مطابقت شرکت با نیاز و خواسته مشتری؛ بنابراین، شرکت‌ها برای بقا باید به سمت معرفی و عرضه محصول به‌صورت برخط و ارتباط‌گیری با مشتری در این

کرونا؛ گردنه تاریخی کسب و کارها □ ۲۴۳

فضا و به طور کل نقش آفرینی بیشتر در این فضا پیش بروند تا از این گردنه تاریخی به سلامت عبور کنند.

## ۵. منابع و مآخذ

سلطانی؛ محمدرضا و ازگلی، محمد و احمدنیا آلاشتی، محمد (۱۳۹۵)، « درآمدی بر نقد نظریه سلسله نیازهای مازلو»، فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی، شماره ۱۷، ۱۴۵-۱۷۲

سید جوادین، سید رضا و اسفیدانی، محمدرحیم (۱۳۹۱)، رفتار مصرف کننده، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران

نبی زاده، محمود (۱۳۷۳)، «مدل های رفتار مصرف کننده»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۷، ۲۶۷-۲۸۴

مرکز توسعه تجارت الکترونیک (۱۳۹۷)، «گزارش سالانه تجارت الکترونیکی»، قابل دسترسی در <http://ecommerce.gov.ir/uploads/annual-ecommerce-rep97-980624summary.pdf>





## ۱۱. واکاوی زیرساخت‌های حقوقی رسیدگی به دعاوی دادگاه خانواده از طریق دورسخنی در وضعیّت ناشی از کرونا

دکتر مریم مهاجری<sup>۱</sup>

### چکیده

برگزاری جلسات رسیدگی به دعاوی از طریق سامانه‌های ارتباطی همچون سامانه دورسخنی، گاهی می‌تواند موجب تسریع در روند رسیدگی به دعاوی شود. گاهی نیز برگزاری جلسه رسیدگی به صورت حضوری مخاطره‌آمیز است؛ مانند زمانی که شیوع ویروس کرونا باعث مخاطره‌آمیز شدن حضور شهروندان در دادگاه‌ها می‌شود. در این‌گونه موارد می‌توان از سامانه‌هایی همچون دورسخنی بهره برد و جلسات دادگاه را از این طریق برگزار نمود.

---

۱. دکترای حقوق عمومی دانشگاه امام صادق (ع) واحد برادران/ دانشکده معارف اسلامی و حقوق/ فارغ التحصیل سطح ۳ رشته فقه و اصول از حوزه علمیه قم (جامعه الزهرا (س)/ مدرس دانشگاه و مشاور حقوقی خانواده/ پژوهشگر قوه قضائیه/ رایانامه: m.mohajeri@isu.ac.ir/ تاریخ نگارش: بیستم اردیبهشت ماه ۹۹.

بدیهی است که اگر جلسه دادرسی از طریق سامانه دورسخنی برگزار شود، در مقایسه با زمانی که این جلسات با حضور فیزیکی اصحاب دعوا برگزار می‌شود، تفاوت‌هایی دارد و اقتضائات خاص خود را می‌طلبد. به‌کارگیری این سامانه‌ها در دعاوی مطروحه در دادگاه‌های خانواده با ملاحظات و حساسیت‌های ویژه‌ای همراه است؛ زیرا نهاد خانواده، به‌مثابه مهم‌ترین نهاد اجتماعی، ارتباط تنگاتنگی با نظم عمومی دارد و هرگونه اختلال در این نهاد ممکن است منجر به اختلال در سایر نهادهای اجتماعی شود. همچنین دعاوی مطروحه در دادگاه‌های خانواده با احساسات و عواطف شهروندان گره خورده است. با این توضیح، روشن است که بهره‌گیری از ظرفیت دورسخنی در دعاوی دادگاه خانواده، در شرایط اضطراری همچون وضعیت ناشی از انتشار ویروس کرونا که امکان برگزاری دادگاه را به‌صورت حضوری، محدود و مخاطره‌آمیز کرده، ضرورت پرداختن به این موضوع را دوچندان می‌کند. از آنجا که چالش‌برانگیزترین مباحث راجع به برگزاری جلسه دادرسی به دعاوی خانوادگی از طریق دورسخنی به ظرفیت‌های قوانین و مقررات در نظام حقوقی کشور بستگی دارد، لذا نویسنده در این نوشتار این موضوع را با روشی توصیفی-تحلیلی از منظر قوانین موجود، خصوصاً قوانین مرتبط با حقوق خانواده مورد بررسی قرار خواهد داد.

### ۱. طرح مسئله

انتشار سریع و گسترده ویروس کرونا جان چندین هزار تن از هموطنان عزیزمان را گرفته و ده‌ها هزار تن را نیز با مشکلات جسمی حاد روبرو کرده است. بنا به تشخیص کارشناسان، یکی از اقدامات لازم برای جلوگیری از انتشار این بیماری، پرهیز از محل‌های تجمع است. یکی از محل‌های تجمع مردم نیز، محاکم دادگستری است. از یک‌سو تظلم‌خواهی و احقاق حق باید

واکاوای زیرساخت‌های حقوقی رسیدگی به دعاوی دادگاه خانواده از طریق دورسخنی □ ۲۴۷

با سرعت صورت بگیرد و از سوی دیگر حضور مردم در محاکم ممکن است برای ایشان مخاطره‌آمیز باشد. برای اینکه هم تظلم خواهی تعطیل نشود و هم سلامت شهروندان با خطر مواجه نشود، برخی صاحب‌نظران سازکارهایی را پیشنهاد کرده‌اند. یکی از این سازکارها استفاده از ظرفیت سامانه‌های ارتباطاتی همچون سامانه دورسخنی است. امروزه تجربه به‌کارگیری این سامانه‌ها به جهت سرعت در رسیدگی و بالا بودن بهره‌وری آن‌ها به روشنی برای همگان واضح و مبرهن است.

استفاده از دورسخنی در رسیدگی به دعاوی به معنای تغییر در ماهیت رسیدگی نیست، بلکه تغییر در شکل رسیدگی است. در این نوع از دادرسی، اصل بر حضور غیرفیزیکی در طول دادرسی و محاکمه است. جهت تحقق این امر نیز از فناوری‌های رایانه‌ای و اینترنتی استفاده می‌شود. بدین‌صورت که از طرح دعوی تا رسیدگی و محاکمه و صدور حکم، روند دادرسی به شیوه الکترونیکی و غیرحضوری انجام می‌گیرد و اشخاص دخیل در پرونده از طریق رایانه و ارتباط از راه دور در جلسه محاکمه حاضر می‌شوند. (حسین‌زاده علیایی و احمدی، ۱۳۹۷، ش ۳۵، ۱۱۸)

در راستای این موضوع، نگارنده در پی آن است که به سؤالات ذیل پاسخ دهد؛ آیا زیرساخت‌های حقوقی، چنین ظرفیتی را دارند که بتوان جلسات رسیدگی به دعاوی خانوادگی در دادگاه خانواده را از طریق امکاناتی همچون دورسخنی برگزار نمود؟ با فرض این‌که برگزاری جلسه دادرسی از طریق امکاناتی همچون دورسخنی ممکن باشد، آیا برگزاری جلسات دادگاه خانواده به این نحو، با مصالح و حساسیت‌های ویژه دعاوی خانواده همخوانی دارد؟ اقتضائات و موانع پیش‌روی این نحوه دادرسی در دعاوی خانوادگی چیست؟ پاسخ به این پرسش‌ها و پرسش‌هایی از این دست، نگارنده را به این امر

رهنمون می‌سازد که اگر امکان برگزاری جلسه رسیدگی به دعاوی خانوادگی از طریق دورسخنی در دادگاه خانواده، طبق ظرفیت‌های حقوقی در کشور وجود داشته باشد، می‌توان ملتزم به پذیرش دادرسی دعاوی خانوادگی از طریق دورسخنی در دادگاه خانواده و تمامی لوازم قانونی آن در شرایط اضطراری همچون وضعیّت ناشی از کرونا شد.

## ۲. واکاوی زیرساخت‌های حقوقی استفاده از دورسخنی در دادرسی

در نظام حقوقی ایران، سال ۱۳۹۲ نقطه عطفی در نظام کیفری ایران بود. در این سال، به‌موجب ماده (۱۸۶) قانون مجازات اسلامی، بهره‌گیری از دورسخنی و سامانه‌های ارتباطات الکترونیکی پیش‌بینی شد. در همین سال قانون آیین دادرسی کیفری تصویب شد که در بخشی از آن (مواد ۶۴۹ تا ۶۶۳) به آیین دادرسی الکترونیکی پرداخته شد. در ماده (۱۷۵) این قانون استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی را بلامانع اعلام نمود و بالاخره در سال ۱۳۹۵ با هدف اجرای این ماده با تأخیری چندساله، «آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی» به تصویب رئیس وقت قوه قضائیه رسید. در قانون برنامه پنج‌ساله توسعه (۱۳۹۰-۱۳۹۴) نیز، در فصل هشتم در مواد (۲۱۱) و (۲۱۲) به ذکر مصادیقی از کیفیت دادرسی؛ نظیر تسریع در رسیدگی (بند «ج» ماده ۲۱۱) و ارتقای کیفیت رسیدگی به پرونده‌ها (بند «ز» ماده ۲۱۱)، افزایش سرعت و کارایی در ارائه خدمات حقوقی (بند «ح» ماده ۲۱۱) و طّراحی سامانه الکترونیکی به‌منظور کاهش زمان دادرسی و استانداردسازی زمان دادرسی (بند «ک» ماده ۲۱۱) پرداخته شده است.

همچنین قانون‌گذار در ماده (۶۵۹) قانون آیین دادرسی کیفری چنین مقرر داشته است: «به‌کارگیری سامانه‌های دورسخنی و سایر سامانه‌های ارتباطات الکترونیکی به منظور تحقیق از اصحاب دعوی، اخذ شهادت از شهود یا

واکاوای زیرساخت‌های حقوقی رسیدگی به دعاوی دادگاه خانواده از طریق دورسخنی □ ۲۴۹

نظرات کارشناسی در صورتی مجاز است که احراز هویت، اعتبار اظهارات فرد موردنظر و ثبت مطمئن سوابق صورت گیرد».

ماده (۱۸۶) قانون مجازات اسلامی نیز بیان داشته: «چنانچه حضور شاهد متعذر باشد، گواهی به صورت مکتوب، صوتی - تصویری زنده و یا ضبط شده، با احراز شرایط و صحت انتساب، معتبر است».

بر اساس این دو ماده می‌توان نتیجه گرفت که قانون‌گذار، اصل به کارگیری دورسخنی را در دعاوی پذیرفته است؛ لیکن به لحاظ حساسیت موضوع، آن را مقید به رعایت برخی شرایط نموده است.

در قانون آیین دادرسی مدنی درباره استفاده از سامانه‌هایی همچون دورسخنی ساکت است؛ لیکن ماده (۹۳) قانون آیین دادرسی مدنی بیان داشته است: «اصحاب دعوی می‌توانند در جلسه دادرسی حضور یافته، یا لایحه ارسال نمایند». با توجه به اینکه داشتن وکیل، امری الزامی نیست، می‌توان گفت که طبق این ماده، حتی اگر اصحاب دعوی، وکیل هم نداشته باشند، لازم نیست که حتماً در جلسه رسیدگی حاضر شوند و حضور فیزیکی ایشان موضوعیت ندارد، بلکه لوایحی که ارسال می‌کنند، بر همان مبنا نیز جلسه رسیدگی برگزار و تصمیمات مقتضی اتخاذ می‌گردد؛ البته از آنجا که طبیعتاً حضور فیزیکی اصحاب دعوی، بهتر از عدم حضور است، در نتیجه گاهی حضور فیزیکی اصحاب دعوی ضرورت دارد. لذا ماده (۹۴) قانون آیین دادرسی مدنی در این زمینه تصریح نموده: «... در مواردی که دادرس، حضور شخص خواهان یا خوانده یا هر دو را لازم بداند، این موضوع در برگ اخطاریه قید می‌شود. در این صورت، شخصاً مکلف به حضور خواهند بود».

با توجه به مواد مذکور در قانون آیین دادرسی مدنی، می‌توان به این نتیجه دست یافت که اصولاً حضور فیزیکی اصحاب دعوی در جلسه رسیدگی

موضوعیت ندارد و الزامی نیست؛ اما اگر اصحاب دعوی به موجب ماده (۹۳) قانون آیین دادرسی مدنی در جلسه رسیدگی حاضر نشوند، قانون‌گذار دو شیوه را پیش‌بینی کرده که دادگاه را از حضور ایشان بی‌نیاز می‌کند: ۱- ارسال لایحه؛ ۲- دادن وکالت به یکی از وکلای دادگستری.

نتیجه آن که در چنین شرایطی که ویروس کرونا، کشور را گرفتار نموده است، دستگاه قضایی می‌تواند از سامانه‌هایی همچون دورسخنی در دعاوی حقوقی بهره بگیرد و این امر با قانون آیین دادرسی مدنی تعارضی ندارد؛ زیرا این قانون تاکنون دو شیوه را پذیرفته که به موجب آن اصحاب دعوا لازم نیست که حتماً به صورت فیزیکی در دادگاه حاضر شوند؛ پس این ظرفیت را دارد که شیوه سومی را نیز بپذیرد. به عبارت دیگر همان‌طور که طبق ماده (۹۳) قانون آیین دادرسی مدنی، ارسال لایحه از مصادیق حضور غیرفیزیکی است؛ پس استفاده از طریق دورسخنی نیز مصداق دیگری از حضور غیرفیزیکی است و بلامانع است.

بنابراین گرچه جواز استفاده از دورسخنی در قوانین کیفری آمده و قوانین حقوقی در این خصوص ساکت است، اما این موضوع بدین معنا نیست که نمی‌توان از این سامانه‌ها در دعاوی حقوقی استفاده کرد؛ زیرا اولاً منعی برای تسری این جواز از دعاوی کیفری به دعاوی حقوقی وجود ندارد؛ ثانیاً دعاوی کیفری به دلیل اینکه معمولاً به صورت مستقیم با نفس، عرض و ناموس انسان‌ها مرتبط است، حساسیت‌های ویژه‌ای می‌طلبد؛ اما همواره استفاده از دورسخنی در این دعاوی جایز دانسته شده است؛ لذا به طریق اولی در آن دسته از دعاوی مانند دعاوی حقوقی که این حساسیت‌ها وجود ندارد، استفاده از دورسخنی نباید با مانعی روبرو باشد.

### ۳. ظرفیت‌سنجی استفاده از دورسخنی در دعاوی خانوادگی

چنانچه در مطالب پیشین گذشت، قانون‌گذار در دعاوی کیفری بر اساس مواد (۶۵۵) و (۶۵۹) قانون آیین دادرسی کیفری و ماده (۱۸۶) قانون مجازات اسلامی، اصل استفاده از سامانه‌های ارتباطات الکترونیکی مانند دورسخنی برای تحقیق از اصحاب دعوی، اخذ شهادت شهود و جلب نظر کارشناسی را پذیرفته است؛ با بهره‌گیری از مواد (۶۵۵) و (۶۵۹) قانون آیین دادرسی کیفری، از این سامانه‌ها می‌توان در دعاوی حقوقی هم استفاده کرد. ضمن این‌که این موضوع با ماده (۹۳) قانون آیین دادرسی مدنی نیز همخوانی دارد. به‌رغم اینکه دعاوی خانوادگی در دادگاه خانواده از مصادیق دعاوی حقوقی است، اصولاً بهره‌گیری از دورسخنی در دعاوی خانوادگی حکمی مشابه با به‌کارگیری این‌گونه امکانات در سایر دعاوی حقوقی دارد؛ اما از آنجا که رسیدگی به این دسته از دعاوی، حساسیت‌های ویژه‌ای دارد چرا که دادرسی خانواده از ویژگی‌های متفاوتی با سایر امور مدنی برخوردار است. (بداغی، ۱۳۸۸، ۲۱)؛ به همین دلیل قانون‌گذار بعضاً تمهیدات متفاوتی را اندیشیده است؛ توضیح بیشتر آن‌که یکی از ویژگی‌های آیین دادرسی مدنی در دعاوی حقوقی، تشریفات بودن آن است (شمس، ۱۳۸۷، ۲۱)؛ لیکن حذف پاره‌ای از تشریفات دادرسی به‌موجب قانون حمایت از خانواده (۱۳۹۱)، این امکان را می‌دهد تا با بهره‌گیری از دورسخنی در دعاوی خانوادگی با سهولت و سرعت بیشتری به دعاوی رسیدگی شود؛ لذا باید گفت این امر در جهت اهداف دادرسی از طریق دورسخنی در شرایط اضطراری همچون وضعیت ناشی از کرونا کارساز است.

قانون‌گذار وفق ماده (۸) قانون حمایت خانواده مصوب سال (۱۳۹۱) تصریح نموده: «رسیدگی در دادگاه خانواده با تقدیم دادخواست و بدون رعایت



تشریفات آیین دادرسی مدنی انجام می‌شود». در ماده (۹) همین قانون نیز بیان نموده است: «تشریفات و نحوه ابلاغ در دادگاه خانواده، تابع مقررات قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی است، لکن چنانچه طرفین دعوی طرق دیگری از قبیل پست، نمابر، پیام تلفنی و پست الکترونیک را برای این منظور به دادگاه اعلام کنند، دادگاه می‌تواند ابلاغ را به هر طریق انجام دهد در هر صورت، احراز صحّت ابلاغ با دادگاه است؛ لذا از مهم‌ترین نتایجی که از تلفیق ماده (۸) و (۹) حمایت خانواده، حاصل می‌شود این است که قانون‌گذار رعایت تشریفات قانون آیین دادرسی مدنی را جز در زمینه تقدیم دادخواست و شیوه ابلاغ، در دادگاه خانواده لازم ندانسته است (توکلی، ۱۳۹۷، ۵۸)؛ بدین ترتیب عدم لزوم تبعیت دادگاه خانواده از تشریفات دادرسی طبق مواد (۸) و (۹) قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱، چنین امکانی می‌دهد که نحوه برگزاری جلسه که از مصادیق تشریفات دادرسی است؛ از طریق دورسخنی برگزار شود.

البته جواز عدم رعایت تشریفات دادرسی در دعاوی دادگاه خانواده، موضوع جدیدی نیست، بلکه در ماده (۱) قانون حمایت خانواده مصوب (۱۳۵۳) و همچنین در ماده (۸) لایحه قانونی تشکیل دادگاه مدنی خاصّ مصوب (۱۳۵۸) نیز پیش‌بینی شده است. اما در هیچ‌یک از این قوانین و حتی در قانون آیین دادرسی مدنی، تعریفی از اصول دادرسی و تشریفات دادرسی ارائه نشده است. این امر موجب گشته که بعضاً قضات در رویه قضایی، چندان به آن پایبند نباشند. این موضوع همچنین منجر به صدور آرای ناشی از سلايق متفاوت و تعارض در آرا در دادگاه خانواده شده است (مهاجری، ۱۳۹۰، ش ۱۱۸، ۵۲-۵۴)

بنا به نظر برخی حقوقدانان، تأثیر برخی مقررات دادرسی صرفاً با هدف

واکاوای زیرساخت‌های حقوقی رسیدگی به دعاوی دادگاه خانواده از طریق دورسخنی □ ۲۵۳

پیشبرد دعاوی است و اگر دعوایی بدون آن‌ها طرح و رسیدگی شود، عدم رعایت این مقررات، به حدی نیست که عادلانه بودن دادرسی را مخدوش کند. این مقررات تشریفات دادرسی را تشکیل می‌دهد؛ مانند مقررات راجع به هزینه دادرسی؛ اما دسته دیگری از مقررات، به گونه‌ای است که رعایت آن‌ها در هر حال، لازم‌الاجرا و غیرقابل نقض است؛ مانند اصل بی‌طرفی دادرس. (بداغی، ۱۳۸۸، ۲۳)؛ به عبارت دیگر، اصول دادرسی، بر سایر مقررات حاکمیت دارد و نمودار مفاهیم کلی عدالت در حل و فصل دعاوی است، (غمامی و محسنی، ۱۳۹۱، ش ۱، ۲۳) اما تشریفات دادرسی علیرغم تأثیراتی که در اجرای عدالت دارد، دارای چنان اهمیتی نیست که عدم رعایت آن موجب بی‌اعتباری رأی دادگاه شود؛ البته پاره‌ای از تشریفات، مقدمه اجرای اصول دادرسی است و نقض آن، بر صحت و اعتبار رأی صادره تأثیر می‌گذارد؛ مانند قرعه انداختن برای انتخاب کارشناس. (بداغی، ۱۳۸۸، ۲۳)

یکی از مصادیق اصول رسیدگی، حق دفاع اصحاب دعوی است که به مثابه یک اصل بنیادین، به تحقق عدالت مربوط می‌شود و باید به صاحب حق تفهیم شود؛ اما نحوه اعلام این حق و چگونگی استماع دفاعیات، جزء تشریفات دادرسی است (عشق پور و حاتمی، ۱۳۹۵، ش ۳، ۱۳۴) بنابراین گرچه معمولاً نحوه استماع اظهارات اصحاب دعوی، به شیوه حضوری است، اما اگر اظهارات آنان از طریق امکاناتی همچون دورسخنی استماع شود، خللی به اصول دادرسی وارد نمی‌شود و صرفاً در تشریفات دادرسی تغییراتی رخ می‌دهد؛ زیرا تحقق عدالت و حق بنیادین اصحاب دعوی خدشه‌دار نمی‌شود. این تغییر در تشریفات دادرسی، حتی مقدمه اجرای اصول دادرسی نیست. بنابراین بهره بردن از امکاناتی همچون دورسخنی در دعاوی خانوادگی، تصرف در اصول دادرسی نیست، بلکه مصداق تصرف در تشریفات دادرسی است؛ لذا

می‌توان اصولاً در این دعاوی از سامانه‌های ارتباطات الکترونیکی استفاده کرد؛ زیرا نحوه برگزاری جلسه دادرسی، مصداق تشریفات دادرسی است، نه اصول دادرسی؛ البته به‌رغم آن‌که می‌توان آن دسته از دعاوی را که در صلاحیت دادگاه خانواده است، با بهره‌گیری از سامانه‌های دورسخنی برگزار نمود، اما این موضوع در بعضی از دعاوی خانوادگی همچون طلاق، حضانت و... گاهی خلاف مصلحت است و صحت، دقت و عادلانه بودن آرای صادره را با تردید روبرو می‌کند. در قسمت بعدی، به محدودیت‌ها و موانع پیش‌روی برگزاری جلسه دادرسی در دعاوی خانوادگی از طریق دورسخنی پرداخته خواهد شد.

#### ۴. محدودیت‌ها و موانع پیش‌روی رسیدگی به دعاوی خانوادگی از طریق دورسخنی

به‌رغم اینکه دعاوی خانوادگی در دادگاه خانواده از مصداق دعاوی حقوقی است، اصولاً بهره‌گیری از دورسخنی در دعاوی خانوادگی حکمی مشابه با به‌کارگیری این‌گونه امکانات در سایر دعاوی حقوقی دارد. اما از آنجا که رسیدگی به این دسته از دعاوی، حساسیت‌های ویژه‌ای دارد، لذا نحوه رسیدگی از طریق دورسخنی با محدودیت‌ها و موانعی روبرو است؛ چرا که دادرسی خانواده از ویژگی‌های متفاوتی با سایر امور مدنی برخوردار است؛ به همین دلیل قانون‌گذار بعضاً باید تمهیدات متفاوتی بیاندیشد. (بدای، ۱۳۸۸، ۲۱)؛ بر این اساس، دادرسی از طریق دورسخنی در برخی موارد به لحاظ رسیدگی عادلانه و از باب موانع احتمالی پیش‌رو در دادگاه خانواده با چالش‌هایی مواجه است. چراکه استفاده از سامانه‌هایی همچون دورسخنی با برخی حساسیت‌ها و مشکلات همراه است. به‌خصوص حساسیت‌های ویژه‌ای در دعاوی خانوادگی وجود دارد که در دعاوی حقوقی در این حد مطرح

نیست و لذا درباره دعاوی خانواده باید با احتیاط بیشتری عمل نمود؛ برای مثال، اگر در پی استفاده از دورسخنی در دعاوی خانواده، قاضی دادگاه با تسامح در تشخیص مصالح که ناشی استفاده از دورسخنی است، حضانت طفل را به شخصی دهد که صلاحیت حضانت را نداشته باشد، احتمال ورود آسیب‌های جبران‌ناپذیر به کودک به میزان زیادی افزایش می‌یابد. توضیح بیشتر آن‌که در دعاوی خانوادگی احساسات اصحاب دعوی در صدور رأی جایگاه مهمی دارد؛ مثلاً شخصی که تندخو است و زود عصبانی می‌شود، معمولاً نمی‌تواند به‌خوبی از کودک نگهداری کند. معمولاً تندخو بودن از طریق دورسخنی فهمیده نمی‌شود. همچنین زوجه‌ای که به دلیل بداخلاق بودن زوج دچار عسر و حرج شده است و تقاضای طلاق دارد، در جلسه‌ای که از طریق دورسخنی برگزار می‌شود، معمولاً نمی‌تواند این مدعا را ثابت کند. ضمن این‌که در اکثر دعاوی معمولاً اشخاص برای اثبات مدعای خود به اسناد مکتوب و شهادت متوسل می‌شوند، اما در اغلب دعاوی خانوادگی این نوع ادله وجود ندارد؛ زیرا زندگی خانوادگی مبتنی بر اعتماد و حسن نیت است و به همین دلیل اسناد مکتوب ردوبدل نمی‌شود و همچنین افراد معمولاً اجازه نمی‌دهند که دیگر آن از زندگی شخصی ایشان باخبر شوند. در نتیجه، دادگاه برای پی بردن به حقیقت، باید از ادعاها و اقرار خود اصحاب دعوی استفاده کند. بنابراین در جلسات غیرحضوری، قاضی بسیار سخت‌تر می‌تواند به صحت و سقم ادعاها پی ببرد.

ضمن این‌که نهاد خانواده، مأمن و پناهگاه خالص‌ترین احساسات است و وقتی که احساسات شخص به انحای مختلف ضربه ببیند، شاید وی اقدام به طرح دعوایی ناشی از احساسات کند. مراجعه به دادگاه خانواده و گفتگو با زوجین متقاضی طلاق، صحت این مدعا را در بسیاری از موارد ثابت می‌کند.

این‌گونه افراد، بعد از آنکه در محیط دادگاه با هم مواجه می‌شوند و در روند مشاوره و داوری در راستای ایجاد صلح و سازش قرار گرفته در اغلب اوقات، از تقاضای خود که ناشی از احساسات است، منصرف می‌شوند. این انصراف از تقاضا، در جلساتی که به‌صورت دورسخنی برگزار می‌شود، حاصل نمی‌شود. چراکه این‌گونه دعاوی با احساسات افراد گره خورده و برگزاری جلسات رسیدگی به دعوی از طریق دورسخنی، مانع انتقال و تبادل احساسات است؛ بنابراین کیفیت جلسات حضوری را ندارد و عدالت قضایی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ زیرا استفاده از دورسخنی در دادرسی دعاوی خانوادگی، حداقل از سه جهت، عادلانه بودن دعاوی را مورد تردید قرار می‌دهد:

۱- قاضی در تشخیص صحت و سقم گفتارهای اصحاب دعوی با سختی زیادی روبرو می‌شود؛

۲- انتقال احساسات توسط اصحاب دعوی به قاضی با مشکل مواجه می‌شود؛

۳- اصحاب دعوی به‌طور کامل احساس نمی‌کنند که در دادگاه حضور دارند.

بدین ترتیب در دعاوی خانوادگی، به علت حساسیت‌های ویژه و آثار جبران‌ناپذیر، برگزاری جلسات دادگاه در برخی از دعاوی خانوادگی از طریق دورسخنی، خلاف احتیاط و مصالح خانوادگی است.

## ۵. نتیجه‌گیری

رسیدگی به دعاوی خانوادگی از طریق دورسخنی می‌تواند نقش مهمی در افزایش سرعت و در نتیجه کیفیت دادرسی ایفا کند؛ به‌خصوص در وضعیت اضطراری کنونی که ویروس کرونا در سطح وسیعی منتشر شده و حضور شهروندان در محیط‌هایی همچون دادگاه مخاطره‌آمیز است؛ البته

واکوی زیرساخت‌های حقوقی رسیدگی به دعاوی دادگاه خانواده از طریق دورسخنی □ ۲۵۷

حساسیت‌های ویژه‌ای در این زمینه وجود دارد که باید حتماً به آن توجه شود.

طبق مطالعات انجام شده پیرامون ظرفیت‌سنجی زیرساخت‌های حقوقی، برگزاری جلسه رسیدگی از طریق دورسخنی در دعاوی خانوادگی در چنین وضعیتی که ویروس کرونا کشور را فراگرفته، محذوریّت و ممانعتی ندارد؛ چراکه در نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران، به‌کارگیری سامانه‌های دورسخنی و سایر سامانه‌های ارتباطات الکترونیکی برای تحقیق از اصحاب دعوی، اخذ شهادت از شهود و جلب نظر کارشناسی، به‌صورت مقید مجاز دانسته شده است. قوانین حقوقی در این خصوص ساکت است، اما این موضوع بدین معنا نیست که نمی‌توان از این سامانه‌ها در دعاوی حقوقی استفاده کرد؛ ضمن این‌که باوجود ماده (۹۳) قانون آیین دادرسی مدنی، می‌توان همواره استفاده از دورسخنی در دعاوی حقوقی جایز دانست.

دعاوی خانوادگی جزئی از دعاوی حقوقی به شمار می‌رود و اصولاً استفاده از این سامانه‌ها در دعاوی خانوادگی موجه است. علاوه بر این‌که در مواد (۸) و (۹) قانون حمایت خانواده مصوب (۱۳۹۱) بیان شده که قانون حمایت خانواده، تابع تشریفات دادرسی نیست لذا به صراحت نص قانونی، می‌توان از امکانات الکترونیکی همچون دورسخنی در این دسته دعاوی استفاده نمود؛ البته در برخی دعاوی خانوادگی احساسات نقش پررنگی دارد و ابراز این احساسات از طریق دورسخنی معمولاً نارسایی‌هایی دارد. درنتیجه قاضی نیز بسیار سخت‌تر می‌تواند به صحت و سقم کلام اصحاب دعوی پی ببرد و خلاصه آنکه به‌کارگیری سامانه‌های الکترونیکی همچون دورسخنی، در برخی دعاوی خانوادگی خلاف مصلحت است و اجرای عدالت را با تردید روبرو می‌کند.

## ۶. پیشنهادها

نگارنده با هدف بهره‌گیری مطلوب از سامانه‌های دورسخنی در جلسات رسیدگی به دعاوی مطروحه در دادگاه خانواده، پیشنهادهایی را ارائه می‌دهد:

۱. به منظور رسیدگی مطلوب به دعاوی خانوادگی از طریق دورسخنی، معیار «تبعیت از احساسات» مورد ملاحظه قرار بگیرد؛ بدین معنا که در خصوص آن دسته از دعوایی که احساسات در آن نقش کمرنگ‌تری دارد، می‌توان جلسات دادگاه را با بهره‌گیری از سامانه‌های دورسخنی برگزار نمود. لیکن در دعوایی همچون ازدواج مجدد، طلاق، حضانت و ملاقات طفل و سرپرستی کودکان بی‌سرپرست به دلیل تبعیت زیاد از احساسات، حتی‌الامکان جوانب احتیاط را در مورد آن‌ها رعایت کرد؛ زیرا برگزاری جلسات رسیدگی این دعاوی، از طریق دورسخنی خلاف احتیاط است و احتمال زیادی وجود دارد که رأی صادره در چنین محکمه‌ای در مقایسه با زمانی که با حضور فیزیکی برگزار گردد، متفاوت باشد. گرچه در همه این دعاوی، میزانی از احساسات وجود دارد، اما این مقوله در برخی دعاوی کمرنگ و در برخی دیگر پررنگ است.

۲. انسان‌ها از لحاظ توانایی انتقال مفاهیم ذهنی و مقصود خود به دیگر آن، متفاوت هستند؛ برخی به سادگی می‌توانند منظور خود را حتی از طریق دورسخنی به دیگر آن منتقل کنند، ولی این کار برای برخی دیگر سخت است. یکی از راهکارهای ساده در بهره‌گیری از سامانه دورسخنی در دعاوی خانواده آن است که این شیوه برگزاری جلسات دادگاه را منوط به رضایت اصحاب دعا نمود؛ یعنی اگر همه اصحاب دعا راضی باشند که جلسه دادگاه از طریق دورسخنی برگزار شود، آنگاه به این امر مبادرت شود و همه آثار جلسات حضوری را نیز بر آن جلسه مجازی بار نمود و اگر حتی یکی از ایشان ناراضی باشد، جلسه به شکل حضوری برگزار گردد.

واکاوای زیرساخت‌های حقوقی رسیدگی به دعاوی دادگاه خانواده از طریق دورسخنی □ ۲۵۹

به نظر نگارنده می‌توان با توجه به پیشنهادهای اخیر، دادرسی دعاوی خانوادگی در دادگاه خانواده را در آن دسته از دعاوی که احساسات نقش پررنگی ندارد، البته مشروط به رضایت اصحاب دعوا، از طریق سامانه دورسخنی برگزار نمود.

## ۷. منابع و مآخذ

- ۱- بداغی، فاطمه، آیین دادرسی در دادگاه‌های خانواده، تهران، میزان، ۱۳۸۸
- ۲- توکلی، محمدمهدی، مختصر آیین دادرسی مدنی، تهران، انتشارات مکتوب آخر، ۱۳۹۷.
- ۳- حسین زاده علیایی، زهرا و احمد احمدی، «دادرسی الکترونیک در حقوق ایران، مبانی، اهداف و ویژگی‌ها»، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، دانشگاه آزاد اسلامی (علوم تحقیقات)، ش ۳۵، ۱۳۹۷.
- ۴- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، دراک، ۱۳۸۷.
- ۵- عشق پور، منصور و ناصر حاتمی، «جایگاه تشریفات آیین دادرسی مدنی در دادگاه‌های خانواده»، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، ش ۳، ۱۳۹۵.
- ۶- غمامی، مجید و حسن محسنی، «اصل ابتکار عمل اصحاب دعوا در دادرسی مدنی و استثنا و قیده‌های آن»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۱، ۱۳۹۱.
- ۷- مهاجری، مریم، «آسیب‌شناسی لایحه جدید حمایت خانواده با تأکید بر مواد ۸ تا ۱۶ آن» ماهنامه کانون، ش ۱۱۸، ۱۳۹۰.
- ۸- مهرافشان، علیرضا، «دادرسی مجازی، مفهومی نوین در عدالت قضایی»، فصلنامه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه سمنان، ش ۵، ۱۳۹۰.





## ۱۲. کرونا با طعم بی‌بی‌سی فارسی: تحلیلی بر پیام‌های شبکه اینستاگرام بی‌بی‌سی فارسی در دو هفته آغازین شروع بیماری کرونا در ایران

سعید مسعودی پور<sup>۱</sup>

«اولین مورد ابتلا به ویروس کرونا در کره مرخ، یک مسافر ایرانی بود». این جمله طنز و بامزه، تنها یکی از هزاران نظر درج شده در صفحه اینستاگرام بی‌بی‌سی فارسی در اعتراض به نحوه تولید خبر به وسیله این بنگاه خبرپراکنی وابسته به دولت انگلیس است. صفحه‌ای با حدود هشت میلیون نفر دنبال‌کننده که یکی از صفحات پرطرفدار اینستاگرام به شمار آمده و تمام تلاش خود را برای ناامید کردن ایرانیان در وضعیتی موجود به کار بسته است. این یادداشت قصد دارد تا با تحلیل محتوای مطالب منتشر شده در صفحه اینستاگرام بی‌بی‌سی فارسی، جهت‌گیری خبری این صفحه در روزهای اخیر را تشریح کند. اولین خبر بی‌بی‌سی فارسی در خصوص ویروس کووید ۱۹

---

۱. دکتری مدیریت بازاریابی/ پژوهشگر پژوهشکده مطالعات فناوری/ رایانامه: masoodipoor@tsi.ir / تاریخ نگارش: چهاردهم اسفندماه ۱۳۹۸.

در ایران، در ۳۰ بهمن با اعلام خبر مرگ دو نفر در شهر قم آغاز شد. از آن تاریخ تا لحظه نگارش این یادداشت، در حدود ۴۶۵ خبر و مطلب در صفحه اینستاگرامی این خبرگزاری، به نمایش در آمده است؛ یعنی در مدت دو هفته، روزانه ۳۳ مطلب در این صفحه مجازی بارگذاری شده است. بررسی انجام شده نشان می‌دهد در این بازه زمانی، در حدود ۶۵ درصد از مطالب در خصوص بیماری کرونا و اخبار مرتبط با آن بوده است! این در حالی است که برخی از اتفاقات مهم نظیر کشتار مسلمانان در هندوستان هیچ جایی در میان اخبار آن‌ها نداشته است.

بی‌بی‌سی فارسی گزارش لحظه‌ای از میزان مبتلایان و افراد فوت شده در ایران مخابره می‌کند. هر چند غالب آمارهایی که رسانه سلطنتی انگلیس اعلام می‌کند از منابع رسمی ایران است، اما در اقدامی غیرحرفه‌ای در ۸ اسفند اعلام کرد که «اطلاعاتی از منابع بیمارستانی به بی‌بی‌سی فارسی رسیده است که تا شامگاه هشت اسفند، ۲۱۰ نفر بر اثر ابتلا به این ویروس در ایران کشته شده‌اند». موضوعی که بلافاصله از سوی مقامات ایرانی تکذیب شد. این یکی از شگردهای قدیمی این رسانه پیر است؛ ابتدا تلاش می‌کند به آمار رسمی استناد کند و در این بین، ناگهان دروغ بزرگ خود را فریاد می‌زند! به نظر می‌رسد اظهارنظرهای غیرعالمانه و بی‌مبنای برخی از مسئولان در مورد میزان مبتلایان مانند بیانات رئیس کمیته شورای شهر تهران که محتوای یکی از اخبار بی‌بی‌سی فارسی را نیز شکل داد، می‌تواند زمینه‌ساز پذیرش آمارهای دروغین و ساختگی بی‌بی‌سی فارسی برای مخاطبین باشد.

این رسانه انگلیسی همچنین تلاش کرد تا با خبرسازی منشأ ورود ویروس را به برخی از کشورهای دنیا مانند نیوزلند، بلاروس، ایتالیا، ارمنستان، بحرین،

کرونا با طعم بی‌بی‌سی فارسی: تحلیلی بر پیام‌های شبکه اینستاگرام بی‌بی‌سی فارسی □ ۲۶۳

لبنان، کانادا، ایالت نیویورک آمریکا و ... را از ایران معرفی کند. هر چند در خبر دیگری که در همین رسانه منتشر شد، فیلمی از صحبت‌های یک ایرانی قرنطینه شده در بلاروس منتشر شد که خبر ورود ویروس برای اولین بار به وسیله ایرانی‌ها را تکذیب کرد. تلاش بی‌بی‌سی در معرفی ایران در جایگاه عامل شیوع ویروس در جهان تا جایی زیاد شد که بسیاری از مخاطبین به این نحوه خبرسازی اعتراض کردند و آن را دروغ خواندند. برخی‌ها نیز از زبان طنز سعی کردند انتقاد خود را به جنگ تبلیغاتی بی‌بی‌سی فارسی علیه ایران نشان دهند: «اصلاً سرمنشأ کرونا ایران بوده نه ووهان چین»؛ «احتمالاً ۸۰ میلیون کرونایی دورهم جمع شدیم»؛ «آره نخستین مورد مبتلا به کرونا در چین هم از ایران رفته بود»؛ «خدا رو شکر، همشونم از ایران، دیگه چینی نیست، انگار، ما سوپ خفاش خوردیم».

در این میان اخبار مربوط به ویروس جدید، ۱۶ و نیم درصد به گزارش مرگ‌ومیر ناشی از ابتلا به ویروس اختصاص داشت که غالباً مربوط به ایران است. تنها نیم درصد (یک خبر) در مورد بهبودیافتگان چینی در صفحه اینستاگرام بی‌بی‌سی فارسی کار شده است و هیچ خبری از میزان بهبودیافتگان در ایران در این صفحه مجازی به چشم نمی‌خورد. این در حالی است که ایران، بعد از چین جایگاه دوم در نسبت تعداد بهبودیافتگان به مبتلایان را کسب کرده است. این رسانه حتی فیلم‌هایی از غسل‌خانه‌های بیماران کرونایی و قبرستان و نحوه دفن آن‌ها منتشر می‌کند. او نگران آزرده‌خاطر شدن مخاطب از دیدن این صحنه‌های دلخراش نیست و حتی تصاویری از یک بیمار کرونایی که در شهر تهران با وضعی فجیع به روی زمین می‌افتد و آمبولانس برای بردن او می‌آیند را منتشر می‌کند تا نهایت ترس را به مخاطبین ایرانی خود القاء کند. بی‌بی‌سی فارسی هیچ تصویری از تلاش

تیم پزشکی و پرستاران و پزشکان ایثارگر و دلسوز برای مداوای بیماران نشان نمی‌دهد. در عوض فیلمی از درگیری لفظی میان یک مراجعه‌کننده با یک پرستار را رنگ و لعاب می‌دهد و تلاش می‌کند ایران را یک کشور عقب افتاده از نظر امکانات پزشکی معرفی کند. او به دنبال آن است تا همه بیماران و مراجعه‌کنندگان به بیمارستان را ناراضی از خدمات پزشکی نشان دهد. آنچه بی‌بی‌سی فارسی در این دو هفته در مورد ایران گزارش کرد را می‌توان این‌طور بیان کرد: سیاهی و بدبختی! بی‌بی‌سی می‌خواهد ایرانی‌ها از وضعیت موجود هم ترسان و نگران باشند و هم عصبانی و ناراضی. آن‌ها تلاش می‌کنند که ایرانی‌ها فکر کنند که فقط آن‌ها هستند که بیمارند! شبکه انگلیسی در صدد آن است که مشکل کمبود ماسک و ژل ضدعفونی‌کننده و لوازم پزشکی را در داروخانه‌ها و بیمارستان‌های ایران منحصر کند؛ درحالی‌که در بسیاری از کشورها از امریکا و کانادا گرفته تا نروژ با مشکل کمبود ماسک مواجه هستند.

بی‌بی‌سی فارسی از برخی اظهارنظرهای غیرمنطقی علما در اعتراض به تعطیلی نماز جمعه و منع حضور مردم در اماکن مذهبی و نیز فیلم‌های منتشر شده توسط برخی از افراد برای بوسیدن و لیسیدن ضریح اماکن مذهبی، استفاده کامل را می‌برد و آن را به مثابه ابزاری مؤثر برای حمله به عقاید دینی و افراد مذهبی مورد استفاده قرار می‌دهد.

حال اجازه بدهید نگاهی هم به صفحه بی‌بی‌سی انگلیسی در اینستاگرام داشته باشیم و حجم اخبار منتشر شده در مورد این بیماری را در صفحه انگلیسی این خبرگزاری بررسی کنیم. به نظر می‌رسد حداقل رویکرد اطلاع‌رسانی و خبردهی به مخاطبین در صفحه انگلیسی این خبرگزاری باید وجود داشته باشد؛ اما نتیجه بررسی‌ها کاملاً عجیب است! از تعداد حدود

۲۲۰ پست آخر بررسی شده، تنها ۴ درصد یعنی تنها ۹ مطلب به موضوع کرونا اختصاص داده شده است! مرگ یک پزشک چینی که درباره این ویروس مطالعه می‌کرد، ابتلا معاون وزیر بهداشت ایران به کرونا، دو ویدئو از کشور چین که یکی از آن‌ها، از زبان یکی از بهبودیافتگان چینی است، دو فیلم آموزشی که نکات ساده و اولیه‌ای مانند دست شستن، ماندن در خانه و ... را به مخاطب آموزش می‌دهد، یک مطلب در مورد نقشه پراکندگی ویروس در جهان و یک مطلب در مورد پنج کشور مبتلا به این بیماری و در نهایت یک ویدئو طنز در خصوص شکل جدید دست دادن در دنیا تمام مطالبی است که بی‌بی‌سی انگلیسی برای مخاطبان خود در انگلیس و سراسر دنیا آماده کرده است! نه تنها، عنصر ترس و نگرانی شدید در هیچ‌یک از پیام‌های منتشر شده دیده نمی‌شود، بلکه حتی از جاذبه طنز و خنده نیز استفاده شده و تلاش می‌شود تا دانش مخاطب برای پیشگیری افزایش یابد. گذشته از این، تعداد کم مطالب منتشر شده، دلالت روشنی بر عادی جلوه دادن موضوع برای مخاطبان است. این در حالی است که طبق آخرین آمار ۵۳ نفر مبتلا به این ویروس در انگلیس شناسایی شده‌اند و این کشور جزء ۱۴ کشور اول از نظر میزان ابتلا در میان ۸۲ کشوری که این ویروس به آنجا راه پیدا کرده است، قرار دارد. حال سؤالی که مطرح می‌شود این است که چرا بی‌بی‌سی انگلیسی اخباری در مورد کانگوروها، مرگ فیل ۵۰ ساله در کنیا، حمله خفاش‌ها به شهری در استرالیا و ازدواج دسته‌جمعی هزاران زوج در کره جنوبی (باوجود ویروس کرونا) اقدام به تولید و پخش خبر می‌کند، اما بیماری کرونا آن‌چنان‌که باید سهمی در میان اخبار انگلیسی این خبرگزاری ندارد؟ چرا بی‌بی‌سی فارسی هرروز ویژه‌برنامه برای بیماری کرونا پخش می‌کند و در قالب آموزش و بهداشت سعی در جذب مخاطب دارد، اما چنین تلاشی در

نسخه انگلیسی این خبرگزاری دیده نمی‌شود؟

ما تنها به مدافعانی برای مقابله با ویروس کووید ۱۹ نیاز نداریم. جبهه نبرد و دفاع از میهن، تنها در سلامت جسمی و بیمارستان‌ها و مراکز درمانی نیست. یک جریان پر قدرت و پرکار خبری در جنگی تمام‌عیار در حوزه خبر با ایران وارد جنگ شده است. این جریان دقیقاً هم‌راستا و هم‌جهت با بیماری در صدد تخریب و کشتن ایرانی‌هاست. بی‌بی‌سی فارسی می‌خواهد با وارد کردن استرس، اضطراب و ترس بیش از اندازه، امنیت روانی جامعه را به هم‌زده و طبق اصول اثبات شده پزشکی منجر به تضعیف سیستم ایمنی و دفاعی ایرانی‌ها شود! این رسانه برای مردم کشورش، چیزی به نام ترس و نگرانی تولید نمی‌کند. ستاد مبارزه با کرونا و رسانه ملی نباید از این موقعیتی که دشمن به کشور حمله کرده است غفلت کنند. بر این اساس، جبهه نبرد را باید گسترش دهیم؛ ما به مدافعان سلامت معنوی و روحی و مقابله تمام‌قد رسانه‌ای و خبری با سیاه‌نمایی‌ها و دشمنی تمام‌نشدنی بیگانگان نیازمندیم.

## ۱۳. کارآمدی دولت در مدیریت مسئله کرونا از منظر نظریه‌های مدیریت دولتی

علی حمیدی‌زاده<sup>۱</sup>

### ۱. درآمدی بر مفهوم دولت و چرایی مطالعه آن

واژه دولت یک مفهوم بسیط و گسترده است و برای فهم دقیق باید آن را مورد مطالعه قرار داد. علاوه بر این، دلایل متعددی برای چرایی مطالعه دولت وجود دارد. زندگی بدون دولت، سخت تصور می‌شود و در تعاملات روزمره حضور دولت احساس می‌شود. از زمان تولد مأمور ثبت احوال برای ثبت مشخصات فرد حضور پیدا کرده تا زمانی که آن فرد فوت می‌کند، با سازمان‌های دولتی سروکار دارد. زندگی ما از ابتدا تا انتها با دولت و سازمان‌های مختلف دولتی عجین شده است. دولت نه نهاد منفعل و بی‌طرف است که بتوان آن را نادیده

---

<sup>۱</sup> . عضو هیأت علمی دانشگاه تهران/ پردیس فارابی/ دانشکده مدیریت/ گروه مدیریت دولتی/ رایانامه: تاریخ نگارش: سیزدهم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹/ این یادداشت یکی از سلسله نشست‌های "کرونا و زندگی مؤمنانه" است که به همت پردیس فارابی دانشگاه تهران و جهاد دانشگاهی واحد استان قم برگزار و خبرگزاری حوزه علمیه نیز آن را پوشش خبری داد.



گرفت و نه شکل‌گیری آن بر حسب تصادف بوده است. به تدریج در طول زمان و در پاسخ به نیازها رشد کرده است و نمی‌توان وجود آن را کتمان نمود و یا از آن چشم‌پوشی کرد.

دلیل دیگر چرایی مطالعه دولت این است که واژه دولت از پیچیدگی خاصی برخوردار است. این پیچیدگی زمانی بیشتر حس می‌شود که آن را در کنار مفاهیم دیگر مانند جامعه، جماعت، ملت، حکومت و حاکمیت قرار دهیم. واژگانی که به‌جای همدیگر نیز به کار می‌روند.

واژه دولت (State) از ریشه لاتین Stare به معنی ایستادن و به‌صورت دقیق‌تر از واژه Status به معنی وضع مستقر و پابرجا گرفته شده و در علوم سیاسی دارای تعابیر مختلفی است. در تعبیر اول مراد از دولت کلیتی متمایز و شخصیتی مستقل است و این تعبیر دولت در حقوق بین‌الملل عمومی و حقوق عمومی داخلی کارکرد دارد؛ برای مثال وقتی می‌گوییم دولت ایران با دولت فرانسه قرار منعقد کرد، منظور کلیتی متمایز و شخصیتی مستقل است. دولت در تعبیر دیگر به معنای هیئت حاکم و فرمانروایان به کار می‌رود. این تعبیر از دولت آن را در برابر حکومت شونده‌گان قرار می‌دهد. در این تعبیر دولت در مفهوم هیئت حاکم، هر سه قوا را در برمی‌گیرد. تعبیر سوم از دولت آن را لایه سیاسی قوه مجریه و رده سیاسی فوقانی مانند رئیس‌جمهور، هیئت‌وزیران و کابینه وزرا که به مجموع این‌ها، واژه دولت اطلاق می‌شود.

## ۱-۱. ارکان لازم برای شکل‌گیری دولت

چهار رکن گروه انسانی، قلمرو جغرافیایی، حکومت یا سازمان سیاسی و در کنار آن وجود حاکمیت صاحب‌اختیار و اقتدار از رکان لازم و ضروری برای شکل‌گیری یک دولت محسوب می‌شوند.

دولت‌ها از زمان شکل‌گیری تا کنون تکامل را تجربه کرده‌اند و از ساده به سمت پیچیده شدن حرکت کرده‌اند. این تکامل با رشد آگاهی سیاسی مردم و افزایش در وسعت ارضی و جمعیت نیز همراه بوده است؛ قدرت دولت در برخی حوزه‌ها کاهش و در برخی حوزه‌های دیگر افزایش یافته است. دولت‌ها در پاسخ به نیازهایی شکل‌گرفته و وظایفی نیز دارند. امنیت، نظم و عدالت وظایف اولیه دولت‌ها محسوب می‌شود. در اثر تکامل، وظایف دولت‌ها گسترش پیدا کرده است و در کنار وظایف ذکر شده اولیه حفظ و مراقبت از محیط زیست، توسعه متعادل و متوازن در همه زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، مراقبت‌های بهداشتی و جلوگیری از انتشار بیماری‌ها، به‌عنوان وظایف جدید برای دولت‌ها تعریف شده است. از آنجا که حفظ و مراقبت‌های بهداشتی از وظایف اصلی دولت‌ها محسوب می‌شوند، در مواجهه با شیوع گسترده کرونا، انتظار می‌رود دولت نقش فعالانه ایفا نماید.

## ۱-۲. کارآمدی دولت

کارآمدی دولت از مباحث بسیار مهم در اندیشه سیاسی است و دولت‌ها با وجود داشتن مشروعیت، اگر کارآمد نباشند، این امر موجب بحران کارآمدی و در نهایت بحران مشروعیت می‌شود.

کارآمدی در مفهوم کلان آن به معنای «موفقیت» به کار می‌رود. این واژه

نیز همچون مفهوم دولت بسیط بوده و از آن معانی و مفاهیم متعدّدی به ذهن متبادر می‌شود. برای کاستن از این پیچیدگی، برای آن ابعاد مختلفی می‌توان در نظر گرفت.

کارآمدی اخلاقی، حقوقی، اقتصادی، مدیریتی و سیاسی، از ابعاد کارآمدی دولت محسوب می‌شوند.

مصادیق کارآمدی اخلاقی دولت‌ها زمانی است که شاهد تزکیّه دولت‌مردان و فتح قلوب مردم باشیم، کارآمدی حقوقی زمانی است که حاکمیت قانون وجود داشته باشد.

در کارآمدی اقتصادی دولت‌ها می‌توان به میزان موفقیت دولت‌ها در اجرای برنامه اقتصاد اسلامی اشاره کرد. توجه به قشر کم‌درآمد و پرهیز از فشار به مردم از دیگر موارد کارآمدی اقتصادی دولت‌ها است.

شایسته‌سالاری، وجدان کاری، رسیدگی سریع به امور مردم و فسادزدایی از جمله شاخص‌هایی هستند که میزان کارآمدی مدیریتی دولت را نشان می‌دهند.

در این یادداشت هر جا که بحث دولت است منظور همان مفهوم عام و گسترده از دولت است که هر سه قوه را در برمی‌گیرد و هر جا که صحبت از کارآمدی می‌شود مفهوم کلان کارآمدی به معنای موفقیت مدنظر است.

## **۲. هستی‌شناسی در نظریه‌های مدرن، نمادین تفسیری و پست مدرن**

منظور از هستی‌شناسی توجه به مفروضات ما در مورد واقعیت است، در نظریه‌های مدرن، هستی‌شناسی عینیت‌گرا است؛ در نظریه‌های مدرن قائل به این هستیم که واقعیت یک پدیده بیرونی مستقل از افراد است و همه می‌توانند آن را مشاهده کنند و به آن پی ببرند.

کارآمدی دولت در مدیریت مسئله کرونا از منظر نظریه‌های مدیریت دولتی □ ۲۷۱

در هستی‌شناسی نظریه‌های نمادین - تفسیری قائل به ذهنیت‌گرایی هستیم واقعیت به‌وسیله فرآیندهای شناختی یا نیروهای اجتماعی و فرهنگی تغییر داده می‌شود. در دسته نظریه‌های پست‌مدرن، هستی‌شناسی مدّ نظر این است که جهان از طریق زبان ظهور پیدا می‌کند و زبان نظامی از علائم ابداعی ما است.

هر چیزی که بتوانیم به آن برچسب بدهیم واقعیت است و زبان به ایده‌های افراد جنبه واقعیت می‌دهد پس یک عامل که باعث می‌شود واقعیت شکل بگیرد زبان است.

الگوی مدرن در بازه زمانی ۱۹۰۰ تا ۱۹۵۰، الگوی نمادین - تفسیری از ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ و الگوی پست‌مدرن از سال ۱۹۹۰ به بعد در نظریه‌های حوزه مدیریت حکم‌فرما می‌باشد.

لذا نظریه‌های موجود مدیریتی تحت تأثیر الگوی پست‌مدرن بوده و وقتی از صحبت از کارآمدی می‌کنیم دیگر نمی‌توان آن را به‌مثابه یک واقعیت عینی در نظر گرفت؛ کارآمدی یک واقعیت ذهنی ساخته زبان است. وقتی صحبت از کارآمدی مبتنی بر الگوی پست‌مدرن می‌کنیم دیگر با یک واقعیت محض روبه‌رو نیستیم.

کارآمدی را می‌توان از منظرهای مختلف موردبحث قرار داد. وقتی صحبت از کارآمدی می‌شود شهروندان می‌توانند برداشت منحصر به فرد در مورد کارآمدی دولت داشته باشند و این برداشت آن‌ها می‌تواند متفاوت از برداشت نهادها و سازمان‌های دولتی باشد؛ گروه‌ها و احزاب سیاسی هم می‌توانند برداشت و تلقی متفاوتی از کارآمدی داشته باشند؛ کارآمدی حتی می‌تواند از سوی سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی به نحو متفاوتی تلقی شود. دلیل این تمایزات به ملاحظات هستی‌شناسی بر می‌گردد. هستی‌شناسی

که در آن کارآمدی یک واقعیّت در نظر گرفته می‌شود که تحت تأثیر برچسب‌هایی است که به آن داده می‌شود. کارآمدی را می‌توان از منظر تئوری‌ها و الگوهای مدیریت دولتی نیز بررسی نمود. در هر الگوی، بر نگاه ویژه‌ای به کارآمدی دارند که ادامه بدان‌ها اشاره خواهد شد.

خلاصه آنکه از کارآمدی دولت‌ها برداشت‌های متعددی می‌شود و نمی‌توان در حال حاضر یک برداشت را به مثابه برداشت صحیح معرفی کرد؛ هرکسی از ظن خودش کارآمدی را برداشت می‌کند و این یک پدیده پیچیده است که اتّفاق نظر روی آن وجود ندارد.

در این یادداشت به دنبال سنجش و اندازه‌گیری کارآمدی دولت‌ها در مواجهه با کرونا نیستیم، بلکه یک مرحله قبل‌تر از آن می‌خواهیم به این سؤال پاسخ دهیم که کارآمدی دولت چگونه تعریف می‌شود؟

### ۳. نگرش الگومدار به نظریه‌های مدیریت دولتی

برای اینکه به کارآمدی دولت از منظر نظریه‌های مدیریتی دولتی بپردازیم لازم است نگاهی به سیر تطور نظریه‌های مدیریت دولتی داشته باشیم. نظریه‌های مدیریت دولتی از نگاه الگومدار، تغییرات مختلفی به خود دیده‌اند. مرور این الگوها، کمک می‌کند تا به فهم بهتری دست یابیم.

اولین الگو در عرصه مدیریت‌های دولتی، پارادایم اداره امور عمومی سنتی<sup>۱</sup> است. بروکراسی وبر و نظریه جدایی اداره از سیاست<sup>۲</sup> ویلسون از پایه نظری این پارادایم محسوب می‌شوند.

در این الگو، تصوّر بر این است که در مدیریت دولتی باید اصل بر بی‌طرفی سیاسی باشد. حاکمیت بروکراسی، کنترل و پاسخ‌گویی سلسله‌مراتبی، تمرکز

1. Public Administration

2. The Politics-Administration Dichotomy

بر کارایی و عقلانیت، جدایی سیاست از اداره و نگاه به مردم به‌منزله ارباب‌رجوع از دیگر ویژگی‌های الگوی اداره امور سنتی محسوب می‌شود.

در سال ۱۹۶۸ دوايت والدو به همراه تعدادی از شاگردانش طی یک کنفرانس، شرایطی را ایجاد کنند تا تغییراتی در رشته مدیریت دولتی ایجاد شود و از مسیر نامناسبی که در حال طی کردن است رهایی یابد. مجموعه مقالات ارائه شده در این کنفرانس در قالب کتابی تحت عنوان به‌سوی اداره عمومی جدید به چاپ رسید. این اجلاس و رهنمودهای پیشنهاد شده در آن، زمینه‌ساز شکل‌گیری یک الگوی جدید در مدیریت دولتی شد با عنوان الگوی اداره امور عمومی نوین<sup>۱</sup>. در این الگو توجه رشته مدیریت دولتی به مضامینی همچون نافعیت، ارزش‌ها، عدالت و تغییر معطوف شد.

در ادامه الگو مدیریت دولتی نوین<sup>۲</sup> شکل گرفت که یکی از مناقشه برانگیزترین الگوها بود. پایه‌های نظری این الگو مبتنی بر علم اقتصاد (تئوری انتخاب عمومی، تئوری اصیل وکیل) و مدیریت‌گرایی (استفاده از تکنیک‌های مدیریت بخش خصوصی در دولتی) بود. در مدیریت دولتی نوین شعارهایی داده می‌شد از جمله، تمرکز به‌جای فرآیندها بر ستاده‌ها و خروجی، برون‌سپاری، خصوصی‌سازی، افزایش رقابت و کاهش اندازه دولت.

در الگوی مدیریت دولتی نوین اعتقاد بر این است که دولت باید مانند فانوس دریایی راهبری کند و وظیفه دولت تصدی‌گری نیست. تکیه بر بخش خصوصی و حفظ ارزش‌های بازار از ویژگی‌های این الگو می‌باشد.

نقد‌های زیادی بر مدیریت دولتی نوین وارد گردید: تضعیف پاسخ‌گویی سیاسی، کاهش شفافیت، افزایش فساد، کاهش اعتماد عمومی، کم‌رنگ شده مرز خصوصی عمومی و شکل‌گیری سازمان‌های مضطرب، از جمله این

---

<sup>۱</sup>. New Public Administration

<sup>۲</sup>. New Public Management

نقد‌ها می‌باشد. در پاسخ به انتقادهای وارد بر مدیریت دولتی نوین، شاهد شکل‌گیری الگوی خدمات عمومی نوین<sup>۱</sup> با شعار خدمت به مردم بودیم. خدمت به شهروندان به‌جای راهبری، ارزش قائل شدن برای مردم، جست‌وجوی منفعت عامه، راهبردی اندیشیدن و دموکراتیک عمل کردن از جمله ویژگی‌های الگوی خدمات عمومی نوین است.

در جدیدترین الگوی حوزه مدیریت دولتی با عنوان مدیریت ارزش عمومی<sup>۲</sup> وظیفه مدیریت دولتی حفظ و نگهداشت ارزش‌های عمومی در جامعه تلقی می‌گردد. ارزش عمومی، سه رکن دارد. خدمات و ره‌آورد از جمله ارکان ارزش عمومی می‌باشند؛ برای مثال، جمع‌آوری زباله‌ها از سوی شهرداری یک خدمت است و ره‌آورد آن می‌تواند ارتقاء سطح بهداشت در شهرها باشد.

رکن سوم ارزش عمومی، اعتماد، مشروعیت و اطمینان است. برای شکل‌گیری ارزش عمومی به وجود همزمان هر سه رکن نیاز است. اگر به دولتی اعتماد وجود نداشته باشد هر خدمتی ارائه کند و هر ره‌آوردی بر جای ماند، منجر به شکل‌گیری ارزش عمومی نمی‌شود؛ دولت‌ها برای خلق ارزش عمومی باید اعتماد بیافرینند و مشروعیت و اطمینان در بین مردم داشته باشند.

#### ۴. کارآمدی دولت‌ها در مدیریت کرونا مبتنی بر الگوهای

##### مدیریت دولتی

در مدیریت کرونا اگر بخواهیم مبتنی بر الگوهای مدیریت دولتی، کارآمدی را بررسی کنیم، باید گفت: در الگوی اداره امور عمومی سنتی مهم تبعیت از قانون است و اگر دولت قانون را رعایت کند در مواجهه با بحران

---

1. New Public Service

2. Public Value Management

کارآمدی دولت در مدیریت مسئله کرونا از منظر نظریه‌های مدیریت دولتی □ ۲۷۵

ناشی از کرونا، کارآمد عمل کرده است. در این الگوی تخطّی از قانون، مصداق ناکارآمدی در نظر گرفته می‌شود.

در الگوی مدیریت دولتی نوین، دولت کارآمد دولتی است که در مدیریت کرونا بتواند ارزش‌های بازار را حفظ کند.

از منظر الگوی خدمات عمومی نوین، دولت کارا آن است که بتواند منفعت عامه را حفظ کند. در خصوص منفعت عامّه تعریف دقیقی وجود ندارد. در حقیقت منفعت عامّه در هر جامعه نتیجه گفتمان درباره ارزش‌های مشترک است. لذا برای بررسی کارآمدی می‌بایست ابتدا تلقّی جامعه از منفعت عامّه را درک نمود.

کارآمدی از منظر الگوی مدیریت ارزش عمومی، حفظ و نگهداشت ارزش‌های عمومی در جامعه است. با این تعریف، در مواجهه با کرونا، دولتی کارآمد عمل می‌کند که موفق به حفظ ارزش‌های عمومی باشد.

#### ۴. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

کارآمدی دولت‌ها به‌مثابه یک مفهوم انتزاعی از پیچیدگی زیادی برخوردار است. نوع نگاه ما به این مفهوم بر ادراک ما از آن، اثرگذار است. در این نوشتار از منظر الگوهای مدیریت دولتی، گوشه‌ای از این پیچیدگی تبیین گردید. لذا برای قضاوت در خصوص کارآمدی دولت‌ها باید این واقعیت را در نظر گرفت. انتخاب نوع نگاه به کارآمدی، تعیین‌کننده تعریف ما از کارآمدی است. لذا اگر قصد داشته باشیم کارآمدی را بررسی کرده و یا آن را سنجش کنیم، لازم است قبل از آن نوع نگاه مان به کارآمدی را تعیین نماییم. باید به این سؤال پاسخ دهیم که کارآمدی بر محمل چه الگویی قرار است مورد مذاقه قرار گیرد.

به نظر می‌رسد الگوی مدیریت ارزش عمومی به‌مثابه یکی از جدیدترین



الگوی‌های عرصه مدیریت دولتی، نگاه ویژه‌ای به کارآمدی دولت‌ها داشته باشد. مبتنی بر این الگو، در بررسی کارآمدی دولت‌ها در مواجهه با بحران کرونا، زمانی می‌توانیم بگوییم دولت‌ها کارآمد هستند که بتوانند خلق ارزش کنند و خلق ارزش زمانی است که اعتماد شهروندان را جلب کرده باشند؛ اگر اعتماد نباشد هر تلاشی انجام دهند منجر به خلق ارزش نخواهد شود و اگر دولتی نتواند خلق ارزش کند در مواجهه با پدیده کرونا کارآمد عمل نکرده است. لذا به مثابه واقعیت باید پذیرفت که دولت‌ها در زمان بروز بحران‌ها، آنچه در زمان آرامش کاشته‌اند درو می‌کنند.

## ۵. منابع و مآخذ

- دانایی فرد، حسن. ۱۳۹۵. نهضت‌های مدیریتی در بخش دولتی؛ گذشته حال، آینده (جلد اول). تهران: انتشارات سمت.
- دانایی فرد، حسن. ۱۳۹۵. نهضت‌های مدیریتی در بخش دولتی؛ گذشته حال، آینده (جلد دوم). تهران: انتشارات سمت.
- نرگسیان، عباس. ۱۳۸۷. نگاهی به سیر تطور مدیریت دولتی، مجله فرهنگ مدیریت، ش ۱۷.
- وینسنت، اندرو. ۱۳۸۹. نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی
- هچ، ماری جو. ۱۳۸۷. تئوری سازمان؛ مدرن، نمادین-تفسیری و پست مدرن، ترجمه حسن دانایی فرد، تهران: نشر افکار.

## ۱۴. کرونا و حکم حکومتی

دکتر فرزاد جهان‌بین<sup>۱</sup>

حکم حکومتی دایر مدار مصلحت است. مصلحت در این احکام برخلاف مصالح احکام اولیه که برخی بر ما روشن است و برخی پوشیده، نه توسط شرع، بلکه توسط عقل تعیین می‌شود. با توجه به عقلی بودن مصلحت، دو عنصر، مهم می‌شود؛ یکی اهم و مهم و دیگری مراجعه به نظر خبره و کارشناس. توسط عنصر دوم، اهم و آنچه به مصلحت اجتماعی است تعیین می‌گردد و موقتاً، مصلحت اهم، مصلحت مهم را کنار می‌زند.

در موضوع کرونا و طرح این‌که رهبری با حکم حکومتی، در مقابل نظر رئیس‌جمهور، قرنطینه را اجباری کنند، باید بیان کنم که اساساً در این مورد، جای حکم حکومتی نیست. در تزامن امر، میان مسائل اقتصادی و مبارزه با شیوع کرونا، دیدگاه‌های کارشناسی مختلفی وجود دارد و لذا اساساً در تشخیص این‌که قرنطینه کامل و لو به قیمت نابودی اقتصاد، اهمیت

---

۱. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه شاهد/ معاون فرهنگی دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی، رایانامه:

farzad.jahanbein@gmail.com

بیشتری دارد و لذا به مصلحت است، اختلاف نظر جدی وجود دارد. وزارت بهداشت، یک طرف است و لذا به استناد نظر این وزارت نمی‌توان، حکم حکومتی داد. تشخیص مصلحت برآمده از متغیرهای مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. غیر از آن‌که در خصوص امکان قرنطینه کامل و نیز تبعات انسانی بعدی آن، تردیدهای جدی هست، دیدگاه جدی دیگری که وجود دارد ایجاد توازن میان سلامت و کسب‌وکار و پیشبرد این دو به صورت هم‌زمان است. ایستادگی در مقابل روحانی همان‌طور که آقای علیزاده گفتند، در چنین شرایطی که ابهام‌های زیادی وجود دارد، باعث متزلزل شدن و فرو ریختن دولت می‌شود و دقیقاً به همان دلیلی که امام راحل از میرحسین موسوی در دوران جنگ حمایت کردند که با رفتن وی، امر دفاع آسیب نبیند، به همین دلیل رهبر معظم انقلاب باید، تمام‌قد از رئیس‌جمهور حمایت کنند. البته ما انتقادات زیادی به آقای روحانی داریم. با استفاده از کلماتی مثل قتل عام! نمی‌توان موجب شکاف در صف مبارزه با کرونا شد و کشور را دچار بی‌سامانی کرد.

ویروس از بین نمی‌رود و خیلی‌ها دیر یا زود، کرونا می‌گیرند و لذا این‌که با قرنطینه کامل بشود ویروس را از بین برد، اختلاف نظر جدی هست. مسئله این است که این مبتلا شدن به کرونا به نحوی باشد که با ظرفیت نظام سلامت کشور هماهنگ باشد. البته، علی‌رغم انتقادات، مبارزه با کرونا در مجموع به خوبی پیش می‌رود و هر تصمیمی منوط به اجماع کارشناسی و یا سیطره قطعی نظر کارشناسی عده‌ای بر عده دیگر است.

بخش دوم: اندیشه‌های اجتماعی، فرهنگی و دینی



## ۱۵. پدیده کرونا و پدیدارشناسی حوادث قهرآمیز طبیعی از دیدگاه قرآن

عباس تقویان<sup>۱</sup>

### چکیده

پدیدار شدن میکرو ویروس کرونا و گسترش فاجعه بار و باورنکردنی آن در سطح جهان افکار و اندیشه‌ها را به خود معطوف ساخت. این پدیده و سایر پدیده‌هایی که چهره قهرآمیز طبیعت را نشان می‌دهند بر اساس دیدگاه توحیدی قرآن کریم اهداف و اغراض پدیدارشناسی گوناگونی دارند. در مقاله کوتاهی که در پی خواهد آمد نگاهی گذرا به برخی از این اهداف پدیدارشناسانه قرآن درباره رخداد های قهرآمیز طبیعت خواهیم انداخت. واژگان کلیدی: کرونا، حوادث قهرآمیز طبیعی، پدیدارشناسی قرآن کریم، تدبّر در قرآن

---

۱. عضو هیأت علمی دانشکده معارف اسلامی و ارشاد، دانشگاه امام صادق علیه السلام: e.mail: taghavian@isu.ac.ir

### ۱. طرح مسئله

پدیده‌های قهرآمیز طبیعی از جمله کرونا از زوایای گوناگون قابل مطالعه هستند. قرآن کریم، اما در تحلیل آن‌ها زوایای پنهانی را مطرح می‌کند که معمولاً در حیات اجتماعی انسان به کلی مورد غفلت قرار می‌گیرد. قرآن چنین پدیده‌هایی را در راستای جهان‌بینی معرفت‌افزای توحیدی تحلیل کرده و فهمی متفاوت و عمیق را در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد. در این مقاله کوتاه به ابعاد مختلف تحلیل‌های قرآنی در راستای فهم‌پذیرتر کردن علل و عوامل وقوع این قبیل رخدادها خواهیم پرداخت.

### ۲. توحید ربوبی و عبادی

در الگوی فکری و جهان‌بینی قرآن کریم ربوبیت پروردگار عالم همه کائنات را در قبضه قدرت خود دارد. هیچ‌چیز از تدبیر و مدیریت مقتدرانه و حکیمانه پروردگار عالم برکنار نیست. اساساً نظام موزون و روابط دقیق علی و معلولی در طول و ذیل این ربوبیت معنا پیدا می‌کند. همین ربوبیت مطلقه است که توحید عبودی، اعم از عبودیت تکوینی مستفاد از کریمه: "تَسْبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِّن شَيْءٍ إِلَّا يَسْبِّحُ بِحَمْدِهِ" (اسراء ۴۴) و نیز عبودیت تشریعی مطرح در آیه "وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ" (ذاریات ۵۶) را تفسیر می‌کند.

### ۳. سنت بلا و ابتلاء

از دیدگاه قرآن کریم سنت‌های ثابتی در زندگی انسان جریان دارد که اساسی‌ترین آن‌ها سنت ابتلاء است. از این منظر ابتلائات گوناگون، انسان را در میان گرفته و لحظه‌ای نیست که آدمی محاط به نوعی از ابتلاء نباشد: "إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا" (انسان ۲)

این سنت تعطیل‌بردار و تبدیل و تحویل‌پذیر نیست " *فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا* " (فاطر ۴۳) و غایت آن تربیت نفوس و نیل به مرتبه حسن فاعلی (ایمان) و حسن فعلی (عمل صالح) است: " *الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا* " (ملک ۲). ابتلاء در اشکال گوناگونی جلوه می‌کند: " *وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ* " (بقره ۱۵۵) و این همه مبتنی بر اصل هدفمند بودن نظام خلقت و لزوم رشد و تعالی انسان است که جز در پرتو تزکیه و تربیت نفوس ممکن نیست. بر این اساس، آیات راهبردی ابتدای سوره عنکبوت می‌فرماید: " *أَحْسِبَ النَّاسَ أَن يَتَذَكَّرُوا أَن يُقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ* " (عنکبوت ۲-۳)

بر این اساس قبض و بسط‌ها و فراز و فرودهایی که در حیات فردی و اجتماعی انسان رخ می‌دهد مقدمه‌ای برای تربیت او است و در این کارزار سخت‌کسانی پیروزند که دست از اصول و ارزش‌های الهی برنمی‌دارند و در برابر طوفان‌های سهمگین بلا و ابتلاء صبار و شکورند.

#### ۴. غفلت‌زدایی و غرور شکنی

غفلت و غرور دو عامل دوری از یاد خدا و طغیان به حساب می‌آیند. به همین دلیل، قرآن کریم مرتباً انسان را نسبت به آن‌ها هشدار می‌دهد. عبارت " *فَلَا تُغْرِكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا* " در شش موضع قرآن و مضامین نهی از غرور و غفلت جمعاً ۲۶ بار در قرآن تکرار شده است (ببینید: عبد الباقي، مواضع مختلف) تا هشدار باشد که مبدا فرورفتن در زندگی دنیا شما را غافل و مغرور به ظواهر فریبنده کند. بر این اساس پروردگار عالم از باب لطف و رحمت خود تلنگرهایی به انسان می‌زند. رخدادهای قهرآمیز طبیعت همچون کرونا تلنگرهایی هستند که انسان را از مرکب غفلت و غرور به زیر می‌کشند.



## ۵. تفهیم ضعف و عجز انسان

قرآن کریم پدیده‌های بزرگ و کوچک را به‌مثابه مظاهر قدرت پروردگار عالم مرتباً به رخ می‌کشد تا ضعف و عجز انسان را برای او امری وجدانی نماید و کوچکی خود را در برابر عظمت خالق فهم کند و دست از عصیان و رفتارهای کودکانه بردارد. ابتدا به‌مثابه یک اصل کلی می‌فرماید "وَخُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا" (نساء ۲۸) سپس در مواضع گوناگون مصادیقی را برای اثبات این ضعف به تصویر می‌کشد مانند "وَإِنْ يَسْأَلْهُمْ الدُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبِ وَالْمَطْلُوبِ" (حج ۷۳). قرآن به این روش تربیتی اشاره می‌کند که خداوند ابا ندارد به موجود ریز و ضعیفی چون پشه مثال بزند: "إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا" (بقره ۲۶) تا ضعف و زبونی مثل و ممثل را آشکارتر سازد.

## ۶. عبرت‌گیری و بصیرت‌افزایی

دقت در دقایق و ریزه‌کاری‌های عالم و عبرت‌گیری از نظم حیرت‌انگیز آن‌ها در جهت ارتقاء دانش توحیدی و رشد و کمال نفوس و تأکید بر قدرت خدا بر بازآفرینی خلایق در نشئه قیامت مورد توجه قرآن کریم قرار دارد. به‌مثابه نمونه قرآن مردم را به تأمل و تدبر در چهارپایان اطراف خود می‌کند که چگونه در بدن آنان از میان خوراک هضم شده و خون، شیری خالص و گوارا پدید می‌آید: "وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً تَسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ" (نحل ۶۶) و اشاره می‌کند به رویش میوه‌ها و احوال حیرت‌انگیز زنبور عسل (نحل ۶۷-۶۸) و غیره که برای بینندگان به اموری عادی تبدیل شده اما تأمل در آنها بصیرت و بینش عمیقی را در انسان برمی‌انگیزد.

## ۷. زنده کردن روح شکرگزاری در برابر نعمت‌ها

فتوحات معنوی انسان زمانی اتفاق می‌افتد که شکر نعمت‌های الهی را به‌جا آورد و معمولاً تا کسی به سختی و بلا دچار نشود چنین حالتی در او به وجود نمی‌آید از این رو قرآن کریم می‌فرماید اگر خداوند را بر نعمت‌هایش سپاس بگذارید و به او ایمان آورید او را با عذاب شما چه کار؟! : " **مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِن شَكَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ** " (نساء ۱۱۴) و در قالب یک تمثیل، حکمت امواج بلا در زندگی انسان را ناسپاسی او نسبت به نعمت‌های الهی می‌داند : " **وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّن كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ** (نحل ۱۱۲)

## ۸. تضرّع و تذلل در برابر پروردگار

قرآن کریم با لحنی تهدیدآمیز کسانی را که در سختی‌ها دست تضرّع به‌سوی پروردگار عالم دراز نمی‌کنند مورد توبیخ قرار می‌دهد: " **قُلُوا إِنِّي جَاءَهُمْ بِأُسْنَىٰ تَضَرَّعُوا** " (انعام ۴۳). معلوم می‌شود یکی از حکمت‌های نزول بلاها و شداید ایجاد زمینه بازگشت به خدا و بندگی اوست. چنانچه فرمود: " **فَأَخَذْنَا هُمْ بِالْبُأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ** " (أنعام ۴۲) تضرّع یا از ریشه ضَرَع است به معنی تذلل ناشی از شدت فقر و نیاز و یا از ریشه ضَرَع است به معنی پستان حیوان شیرده و استعاره زیبایی برای اظهار نیاز کودک به پستان مادر هنگام گرسنگی است (ابن منظور، ذیل ماده ضرع) که با تمام وجود و زبان حال و قال و شیون و زاری به او التماس می‌کند. همین حالت باید در بنده وجود داشته باشد و تنها ملجأ و پناهگاه خود را خدای متعال بداند. این اتفاق نمی‌افتد مگر هنگام بلا و سختی چراکه آدمی در سختی‌ها فقر و نیاز خود به پروردگار غنی بالذات تا بن دندان احساس می‌کند و هنگام خوشی و

راحتی از یاد او غافل شده و بدمستی می‌کند. لذا شداید و سختی‌ها زمینه‌ساز تقرب بیشترند و باید قدر آن‌ها را دانست.

## ۹. تغییر نگاه نسبت به خیر و شرّ

محدودیت دید، خطاهای محاسباتی، ناتوانی در تشخیص مصالح و منافع واقعی، جهل نسبت به آینده، عافیت‌طلبی‌های زودگذر، تقابل نفس و عقل و بسیاری عوامل دیگر در نهاد پرتلاطم و ناآرام انسان از او موجودی ساخته است که تحت تأثیر عوامل روان‌شناختی پیچیده، بسیاری مواقع در تشخیص خیر و شرّ خود به خطا می‌رود و خواسته یا ناخواسته راهی می‌رود یا چیزی طلب می‌کند که خیر و صلاحش در آن نیست به‌طوری که اگر باطن امور را ببیند و آثار و تبعات واقعی آن را بداند هرگز آن راه را نمی‌رود و آن مطلوب را طلب نمی‌کند؛ یعنی چیزی را که شرّ می‌پندارد خیرش در همان است چونان کودکی که داروی تلخ اما نافع برای درمان خود را پذیرا نیست. قرآن کریم می‌فرماید آدمی همان طور که خیر را طلب می‌کند از روی عدم تعقل و شتاب‌زدگی، شرّ را نیز طلب می‌کند! "وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا" (اسراء ۱۱) شبیه همین مضمون را در جای دیگر با ذکر یک مصداق عملی بیان می‌کند: "كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ" (سوره بقره آیه ۲۱۶) پدیده‌های قهرآمیز طبیعی نیز از این نگاه خطا آمیز بشری مستثنا نیست.

## ۱۰. نشانه غضب خدا نسبت به رویگردانی از حق

از منظر قرآن خیلی از بلاها و شرور نشانه خشم و غضب الهی در قبال اعراض از یاد او و طغیان موجودی است که به غلط خود را مستغنی از خدا می‌بیند:

پدیده کرونا و پدیدارشناسی حوادث قهرآمیز طبیعی از دیدگاه قرآن □ ۲۸۷

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ (علق ۶) قرآن کریم تصریح می‌کند خداوند متعال فرعونیان متکبر خداستیز را با فرستادن بلاهایی نظیر طوفان، هجوم ملخ، قورباغه، حشرات و سیل خون مورد عذاب قرار داد تا خشم خود را نسبت به طغیانگری آنان نشان دهد و بیدارشان نماید: "فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالْدَّمَ آيَاتٍ مُّفَصَّلَاتٍ ... وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ لَئِن كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ... فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الرِّجْزَ إِلَى أَجَلٍ هُمْ بِالْغُوهِ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ" (اعراف ۱۳۳-۱۳۴)

## ۱۱. جمع‌بندی

پدیده کرونا و سایر پدیده‌های قهرآمیز طبیعت از دیدگاه قرآن کریم چهره پدیدارشناسانه توحیدی دارند که در تحلیل‌های مادی‌گرایان مورد غفلت قرار می‌گیرد. در مراجعه به آیات قرآن کریم به این نتیجه می‌رسیم که ظهور و بروز این پدیده‌ها در چارچوب اصول خداشناختی و تربیتی زیر قابل تفسیر و تحلیل‌اند:

۱- توحید ربوبی و عبادی ۲- سنّت بلا و ابتلاء ۳- غرور شکنی و غفلت زدایی ۴- تفهیم ضعف و عجز انسان ۵- عبرت‌گیری و بصیرت‌افزایی ۶- زنده کردن روح شکرگزاری در برابر نعمت‌ها ۷- بازگشت به خدا و تضرع ۸- تغییر نگاه نسبت به خیر و شر ۹- خشم خدا نسبت به رویکردانی از حق.

## ۱۲. منابع و مآخذ

قرآن کریم

ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ذیل ماده ضرع

صفوی، محمدرضا، ترجمه قرآن کریم بر اساس تفسیر المیزان

عبد الباقي، فؤاد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم



## ۱۶. در مَدِّمت ناخدایان بی‌خدا

مصباح‌الهدی باقری<sup>۱</sup>

### ۱. کآرام جانم رفته است...

شاید همچنان باید پدیده کرونا و همه‌گیری این ویروس را به نظاره نشست. شاید هنوز زود باشد که به قضاوت بنشینیم. شاید باید مدتی ایستاد و عمق و طول و عرضش را دید که تا کجاست. شاید باید اندکی سکوت کرد و اندیشید. شاید باید... .

بشر امروز ناآرام است و دوست دارد که زود آرام شود. هر ناآرامی‌ای که به سراغش می‌آید و او را از زندگی مصنوعی خودساخته دور می‌کند، تمام تلاشش را می‌کند که به آن نزدیک شود و فاصله را کمتر کند. بشر امروز به خیال خود، همه آنچه را که لازم دارد برای اینکه کنترل و نظم زندگی خود را محفوظ بدارد، ساخته است و نمی‌خواهد ناآرام باشد. او مدّعی ماه‌نوردی است، مریخ را در زیر ذره‌بین خود دارد، تا عمق زمین و ذرات را شکافته است،

---

۱. عضو هیأت علمی و پژوهشگر مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام / رایانامه: mesbab@yahoo.com

برای هزاران درد، مرض، مسئله و معضل، راه پیدا کرده و همه اینها را به وجود آورده تا خدایی کند. به وجود آورده تا بگوید ثانیه‌ها هم در تسخیر من است، و البته هر کس در مقابل این نظم و کنترل بایستد، باید تاوان سختی پس بدهد. بشر امروز نقشه‌ها کشیده است؛ حتی برای آینده... از آینده‌نگری هم فراتر رفته و به آینده‌نگاری رسیده و تاکنون تنها چیزی که در تیررس کشفیات و اختراعات و ابداعاتش قرار نگرفته، مرگ است؛ البته برای آن هم خواب‌ها دیده و فیلم‌ها ساخته، ولی فعلاً این یکی را بدون پاسخ رها کرده است. این بشر با این همه دبدبه و کبکبه، اصلاً نمی‌تواند پدیده خلاف عادت را تحمل کند و همه باید در نظم مصنوعی خودساخته او، خود را تعریف کنند.

هر قدر زندگی انسان موّخّ در ورای همه این ابتلائات و با دقّت در آن و با توجه به معبود می‌گذرد، انسان‌های دیگر، در هر مواجهه‌ای دوست دارند خود را از تلاقی با هرگونه شرّ ظاهری دور کرده و زود خود را به ساحل آرامش (مصنوعی) بیندازند و بعد زندگی عادی خود را که از سوی خودشان به آداب و سلوکی تزئین شده است، از سر بگیرند. در آداب زندگی موّخّان، محور و اساس، عبودیت و بندگی است، و سایر امور با این رکن محوری تعریف می‌شود، اما در زندگی‌های متعارف امروزی، هرکس به فراخور حال و حوصله و سلیقه‌اش، مجموعه‌ای پراکنده از علاقه‌مندی‌ها را دور هم می‌چیند و در کنار آنها، برخی اعمال عبادی (و نه امور عبادی و بندگی) را هم تجربه می‌کنند.

حال ورود و تفوّق یک پدیده بر زندگی بشر امروزی، او را بشدّت ناآرام و ناگزیر می‌کند؛ البته در ابتدا تلاش می‌کند آن را نادیده بگیرد و بر خسارت محتملش هم خود را راضی نشان دهد، اما وقتی از حدّی گذشت و نادیدگی را راه حلّ ندید، سعی می‌کند آن را دفع و رفع کند. آنگاه اگر باز هم نتوانست، تلاش می‌کند در کنار سایر امور به خدمتش بگیرد تا زحمت و مزاحمتش کم

شود و درحقیقت طوری با آن کنار می‌آید. اگر کنار آمدن هم جواب نداد، آنگاه ناآرام و بددل می‌شود، به هم می‌ریزد و به هم می‌ریزند، طغیان می‌کند و... تا جایی که کم می‌آورد و به انواع بیماری‌های جسمی و روحی مبتلا می‌شود و حتی تا هلاک و هلاکت هم گذارش می‌افتد.

بشر امروز، هر چه دارد از برای عیش کوتاهش در زندگی است و نمی‌خواهد به جز آن ببیند، چه برسد به آنکه از آن آزار و آسیب ظاهری ببیند. بشر امروز، در اوج عجله و شتاب است. می‌خواهد همه پنجاه - شصت سال اقامت اعتباری و اجاره‌ای‌اش را با هر آنچه خود مطلوب می‌داند، سر کند و از اندک‌ها هم نگذرد. بشر امروز با سیاهه و نقشه‌ای مشخص به دنیا می‌آید و اگر اندک انحرافی واقع شود، انگشت حیرت به دهان گرفته و بی‌جواب می‌شود.

## ۲. شهریاران را چه شد؟...

کرونا وارد حکومت‌ها شده و بلایی بر سر حکمرانی جهانی آورده که آرامش را از آنها سلب کرده است. حکومت‌هایی که بلایای غیرمترقبه برایشان در ردیف‌های مخصوص بودجه‌ای (یا ردیف غیرقابل پیش‌بینی) دیده می‌شد، حالا همه ردیف‌هایشان تحت تأثیر آن قرار گرفته و تمام برنامه‌ها و طرح‌هایشان دستخوش کرونازدگی شده است. حاکمان کشورهای مختلف با فهم ابتدایی‌ای که از نظام بهداشت و سلامت دنیای معاصر داشتند، تلاش کردند تا در ابتدا این ویروس را برای مردم عادی جلوه دهند و با جملاتی شبیه به این‌ها:

«از شنبه فعالیت‌ها از سر گرفته می‌شود».

«متأسفیم از اینکه برخی هموطنان‌مان را در اثر این ویروس از

دست می‌دهیم».



می‌خواستند هر چه کم‌هزینه‌تر از کنار آن رد شوند. فکر می‌کردند اگر محلی به ویروس نگذارند، آن ویروس هم به آنها کاری ندارد؛ اما این ویروس چنان همه‌چیز و همه‌کس را مورد تهاجم قرار داد که کشورها، چاره‌ای جز تسلیم ندیدند و نظامات تعریف‌شده نتوانستند در برابر تغییر همه‌جانبه‌ای که کرونا تحمیل می‌کرد، مقاومت کنند. نظام‌های سلامت کشورهای توسعه‌یافته نیز نتوانستند آثار و ضایعات این ویروس را درون خود هضم کرده تا بتوانند آبرو و اعتبار سال‌ها مفاخره به اینگونه نظامات را برای خود محفوظ بدارند؛ لذا حکمرانی‌ها دچار اختلال شد. بسیاری از نظم و انتظام‌ها فرو ریخت و دنیا با اداره چیزی و جایی مواجه شد که در هیچ برنامه، پیش‌بینی، پیش‌گویی، آینده‌نگری و آینده‌نگاری و حتی فیلم‌های تخیلی هالیوودی نیز ردپایی از آن نمی‌توانست سراغ بگیرد.

در حقیقت کشورها حتی فرصت تأمل هم پیدا نکردند، بلکه در یک زمان بسیار محدود با این پدیده روبه‌رو شده و خیلی زود مورد تهاجم همه‌جانبه‌اش قرار گرفتند؛ لذا ضرورت داشت حتی برای کوتاه‌مدتی که - زیاد کوتاه‌مدت هم نماند- به چاره‌جویی بپردازند. در این محدوده هم، حکومت‌ها که عمدتاً شکل‌شان بر مدار غیرتوحیدی قالب و ساختار گرفته، کمتر در مورد بلا، امتحان و تضرع سخنی راندند. غالباً بر همان مناسک مألوف دست گذاشتند و به دنبال راه خروج می‌گشتند. در حقیقت در اینجا هم کمتر جوابی معادل این بود که خدا کجای این معرکه است، یا حداقل خدای شما کجاست؟ آیا می‌شود از خدای شما نشانی خروج گرفت؟

معلوم است حکمرانی‌ای که براساس نگاه به مبدأ و معاد طرح‌ریزی نشده، در مقابل یک پدیده به‌هم‌زننده انضباط اجتماعی بشرساخته، مقاومت کرده و تلاش نمی‌کنند که حکومت‌شان را متوجه خلأ جدی محور بندگی بدانند.

حاکمیت‌های مختلف همچنان کج‌دار و مریز با کرونا و شیوع و گرفتاری‌هایش رفتار می‌کنند و امید دارند زودتر خودش برود یا زودتر درمانی یافت شود، ولی از این غافلند که *اگر این بار جستی با «کروناها» ی بعدی چه می‌کنی؟* جالب ماجرا اینجاست که حاکمان دنیای مدرن هم مانده‌اند که چگونه مردم‌شان را راضی و اقناع کنند. درد امروزشان از مدیریت افکار عمومی در کوتاه‌مدت فراتر رفته و مردم نیز به دنبال نشانه‌ای جدی از صلاحیت حاکمان بر کرسی حکومت‌ها هستند. شاید فردا روزی دیگر، مدل‌های مدرن بازاریابی سیاسی و انتخابات و تبلیغات و بزن‌دررویی‌های شب انتخاباتی جواب ندهد و مردم دنبال حاکم و حاکمانی باشند که در این بزنگاه‌های بی‌کسی، بلد باشند کشتی‌های طوفان‌زده را به مقصد و ساحل امن برسانند. حالا دیگر نیاز به سوپرمن و منجی از عرصه فیلم‌ها به درون ملت‌ها و امت‌ها می‌آید و باید حکومت‌ها به جوابی برای آن بیندیشند.

### ۳. بگو چه چاره کنم هیأت محرم را...

مردمان با توجه به فقر مطلق خود نسبت به معبود، عبادت می‌کنند و دعا؛ هم عبادت فردی و هم عبادت جمعی که هر دو در طول زمان و به واسطه پیام‌های پیامبران حق (و البته برخی پیغام‌آوران ساختگی و دروغین) دارای مناسک و اصولی شده است که نمی‌توان به بهای یکی، دیگری را طرد کرد. هر کدام بخشی از ارتباط بنده با معبود را شامل شده و آن را جهت و حرکت می‌بخشد.

اگر هر کدام به نوعی محدود شود، باید با شرایطی آن را جبران کرد؛ مثلاً در ماه مبارک رمضان امور عبادی در همین دو سطح تعریف می‌شود و هرکس که همه امرش را در یکی از دو جنبه قرار دهد و دیگری را مغفول بگذارد، مرتکب خبط آشکاری شده است. با ظهور این ویروس، عبادت جمعی و تجمع

مذهبی کاملاً محدود و تا حد زیادی ممنوع شد. حال چگونه می‌توان عبادت جمعی را که در آن حس همدلی و همیاری و هم‌دوشی بود و قلوب را به هم نزدیک می‌کرد، ایجاد کرد؟

بسیاری از کشورها تلاش کردند به‌صورت نمادین خلأ تجمّعات مذهبی را پر و مثلاً عکس‌های عبادت‌کنندگان را بر صندلی کلیسا نصب کنند ولی از این اصل غافل شدند که همدلی اجتماعی خاصّه با محوریت توحیدی، بخشی از نسخه درمان این بیماری چندوجهی است و نمی‌توان آن را نمادین و مصنوعی شکل و ترتیب داد. بخشی از بیماری‌های حادث شده از طریق ویروس بوده و بخش دیگری کاملاً منشأ روان‌شناختی داشته و از ترس، استرس، اضطراب و اضطراب ناشی شده است. عبادت چه به‌صورت فردی و چه به‌صورت جمعی، این خصوصیت را دارد که این نگرانی‌ها را از بین برده یا حداقل کاهش دهد. در این بین عبادات جمعی که به اجتماع قلوب منجر می‌شود، بسیار کارگشاست و باعث نشاط و امید اجتماعی می‌شود. اکثریت جامعه دینی، نشاط بعد از انجام عبادت را تجربه کردند. وقتی عید فطر می‌رسد، وقتی اعمال حج به انتها می‌رسد، وقتی از نماز جمعه و جماعت برمی‌گردیم، وقتی واجبات مالی‌مان را پرداخت می‌کنیم و وقتی از هیأت و روضه برمی‌گردیم نشاط و طراوتی مثال‌زدنی نصیب‌مان می‌شود که خود پر از روح و روحیه است، پر از انرژی برای ادامه پرنشاط مسیر، پر از طلب و انگیزه برای حرکت پرتلاش‌تر، پر از مهر و عاطفه و گذشت برای یک زندگی اجتماعی و پر از امید به فرداها... حالا شما همه این «پر»ها را بگیر و برایش هیچ جایگزینی (آن هم در صورت وجود) قرار نده. جامعه متلاشی می‌شود، کم می‌آورد، بی‌حال می‌شود، به در و دیوار می‌زند و نهایتاً از درون خالی می‌شود؛ ضمن اینکه امر به این زیارت و ملاقات هم داریم: تَرَاوَرُوا وَ تَلَاوُوا وَ تَذَاكُرُوا وَ اَحْيُوا اَمْرَنَا...

#### ۴. عجب صبری خدا دارد ...

از یکی از استادانی که در طرح تحوّل آموزش و پرورش نقش داشت، سؤال شد: رساله حقوق امام سجاد علیه‌السلام را به مثابه یک مرجع در این طرح در نظر گرفته‌اید؟ گفتند: نه! ندیدیم...، به‌نوعی هم گفتند انگار این رساله برایشان خیلی تازه و نو است.

قراردادهای اجتماعی که فارغ از قواعد و آداب دینی نوشته شوند، یک نکته مهمّ را کم دارند و آن شاخه ارتباط با خداست. بسیاری از احادیث و روایات قطعی‌السند با یک واسطه معتمد، به خدا و اولیایش می‌رسد و بعضاً آداب و سبک زندگی را در موقعیتهای مختلف به ما یاد می‌دهد. آداب غذا خوردن، راه رفتن، صحبت کردن، سؤال کردن، ارتباط داشتن، سفر و مسافرت، ازدواج، بچه‌دارشدن، تربیت فرزند، دوست‌یابی و ارتباط با گروه دوستی، درس خواندن و درس دادن، عبادت، خوابیدن، نظافت و... در کلام معصوم آمده است. حال سؤال اینجاست در وضع یک قرارداد اجتماعی، جای این رکن کجاست؟

معلوم است اگر ویروسی با این مشخصّات و نشانی وحشتناک در میان‌مان آمده است، باید همه چیزمان تابع عدم شیوع بیشتر آن شود؛ اما آیا نمی‌توان قواعد تنظیمی را با سبک زندگی دینی و حاکمیّت توحید تطبیق داد و همه چیز را به دانسته‌های ناقص بشری ختم نکرد؟ به معنای دقیق‌تر، عادت بشر به این است که هر بیماری و اصلاً هر خلأ، نقص و چالشی که زندگی‌اش را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بیشتر از آنکه ذهنش به «ماتَّقَدَم» امر مشغول شود و علّت‌ها و ریشه‌ها را دریابد و درصدد اصلاح آن باشد، بیشتر خود را مکلف به «ماتَأْخَر» کرده و سعی می‌کند این نقص و بیماری را دفع و رفع کند؛ غافل از اینکه شرایط به وجود آورنده این نقص همچنان موجود

است و هر آن می‌تواند به شکلی گسترده‌تر و حادث‌تر خود را نشان دهد، ولی بشر کاری به گذشته و کرده‌ها و نکرده‌ها ندارد. می‌خواهد بدون تأمل بگذرد و کار را به طور ظاهری حل کند و مسیر را به سرعت ادامه دهد. تردیدی نیست که جهان خدا، تابع قواعد علت و معلولی است و هیچ چیز بدون علتی پدیدار نمی‌شود. حال اگر پدیده‌ای عالم‌گیر شد، حتما باید سراغ نقصی فراگیرتر در مجموع جهان معاصر رفت. در کردار، در گفتار، در رفتار و در روابط باید دقیق شد و دید چه علتی این نقص را پیش آورده است و ریشه در کدام خبطها دارد که این چنین، عالمی درگیر و متحیر، در حال دست و پا زدن برای فرار از معرکه و مهلکه است.

در اینگونه مواقع هم سخنان و حکمت‌های ایجابی اولیای امر الهی و هم اجتناب و احتراز و پرهیز دادن‌هایشان می‌تواند به دقت بررسی شود تا بیشتر و ظریف‌تر به خلأهای جهان و بشر معاصر پی برد و برای آن نسخه اصلاحی آورد.

شاید این موضوع که بشر با ساخت قواعد و طرح‌ریزی حکمرانی نوین تلاش می‌کند حکومتی غیرتوحیدی را بر جهان حاکم کند و همه سازکار و قواعد آن را با شکل دادن به سازمان‌های جهانی در ید خود بگیرد و مقابل «کلمة الله هی العلیا» قد علم کند و بی‌عدالتی جهانی را در عرصه نظر و عمل تثبیت کند و راه را بر مظلوم و مستضعف و بی‌صدا ببندد و به جای عدل‌گستری، ظلم‌گستری را با سرعت شیوع دهد، دیگر در آزمایشگاه‌های حکمرانی و علوم اجتماعی دیده نمی‌شود و بالعیان در برابر چشم‌های همگان است. خداوند عالم هم در مقابل این عصیان و طغیان، مانع و توقفی تعبیه می‌کند تا کمی به خود آیند و شاید به چاره‌جویی بیندیشند، آن هم نه برای خروج که برای علت حدوث.

عبارت دقیق‌تر اینکه، وقتی معروف و منکر جابه‌جا شده و راه بر امر به معروف و نهی از منکر فردی و اجتماعی بسته می‌شود، آنگاه سنت خدا بسیار آشکارتر و صریح‌تر از هر زمان و مکانی خود را بر همگان عرضه می‌کند و هر جنبنده‌ای آن را می‌بیند، و البته کم هستند آنهایی که تأمل می‌کنند و به ریشه‌ها مشغول می‌شوند.

حکمرانی جهانی امروز، توحید را منکر شده و کاملاً بر مداری خودساخته و خودخواسته مشغول عصیان و طغیان است و به هیچ کشور، گروه و فرد آزاده‌ای رحم نمی‌کند و همه آزادی‌خواهان و آزادمنشان را از سر راه مقابله با این ظلم‌گستری برمی‌دارند. به بحرین و یمن و فلسطین و سوریه نگاه کنید. نزدیک‌تر، به تحریم‌های همه‌جانبه علیه ایران توجه کنید؛ حتی «حاج قاسم»ی که فریاد زد و علم برداشت و قدم گذاشت در راه اصلاح و معروف، با شدیدترین جنایت ضدبشری، از جلوی مسیر ظلم‌گستری برداشته شد تا ماشین بی‌خدایی با سرعت‌تر از قبل به حرکت خود ادامه دهد. آنها تا الآن خود را پیروز می‌دانند، اما زهی خیال باطل... درست است که مستکبران با قلدری و ابرقدرتی زور می‌گویند و فکر می‌کنند جهان بر همان مداری که آنها بخواهند می‌چرخد، اما فقط یک چشمه اراده الهی که احتمالاً آن هم حاصل شیادی‌ها، طمع‌ورزی‌ها و خودخواهی‌های خود بشر امروزی است با شیوع ویروس کرونا رو شد و بشر به اراده خدای بزرگ، گرفتار در دام خودتنبیده شد... اگر حاکمیت ولایت شیطان از طریق ساختارهای مدرنی که بشر در خیال خام خود پرورانده، بیشتر شود، باز هم از این بلاها و ابتلائات برای برگشت بشر به اصل خود (و شاید باز هم منبعث از دامن و کردار خود) مطابق اراده الهی به چشم خواهیم دید....



## ۱۷. فعل خداوند و بلای کرونا

حمیدرضا آیت‌اللهی<sup>۱</sup>

### ۱. مقدمه

پس از هر بلا و مصیبت عمومی، معمولاً پس از دو هفته، هفته رفته رفته سؤال‌های الهیاتی مطرح می‌شود و مردم خیال می‌کنند بین آنچه می‌بینند و آنچه آموزه‌های دینی به آن‌ها گفته است، تقابلی وجود دارد. به همین دلیل پرسش‌ها سر باز می‌کنند. فروردین سال ۱۳۹۸ پس از بلای سیل فراگیر در برخی از نقاط کشور جناب آقای دکتر نجات حسینی به تحلیل عمیق این پرسش‌ها پرداختند. نگارنده این سطور نیز در پاسخ به این پرسش‌ها تبیینی دین‌پژوهانه ارائه کرده است. حال که دوباره بلای کرونا اضطراب به جان جامعه ما انداخته است، دوباره این پرسش‌ها و پاسخ‌ها به آن‌ها را ارائه می‌کنم تا خلط مفهومی دینی که در عرضه دیدگاه‌های الهیاتی آمده است، برطرف گردد.

---

<sup>۱</sup> حمیدرضا آیت‌اللهی، استاد گروه فلسفه/ دانشگاه علامه طباطبائی/ تاریخ نگارش: ۱۵ اسفند ۱۳۹۸/



آقای دکتر نجات حسینی از آن به الهیات فاجعه نام بردند که در ادبیات دین‌پژوهانه این تعبیر به کار نمی‌رود و لذا عنوان *فعل خداوند و بلای کرونا* را انتخاب کرده‌ام.

در ادامه یادداشت آقای دکتر سید محمود نجات حسینی آمده و سپس به منظور تکمله‌ای بر پرسش‌های ایشان، تجزیه و تحلیل دین‌پژوهانه از فعل خداوند و بلای کرونا ارائه می‌شود.

## ۲. الهیات فاجعه: خداوند و ماشین طبیعت<sup>۱</sup>

- فاجعه‌های طبیعی مانند زلزله، سیل، سونامی، توفان، گردباد و بهمن بخشی از سازکار طبیعی ماشین مخرب طبیعت‌اند.
- فاجعه‌ها از منظرهای گوناگون اقتصادی (تبعات ضررهای اقتصادی فاجعه‌ها)، روان‌شناسی اجتماعی (لطمات روحی روانی و ضربه/جراحت ناشی از فاجعه‌ها بر روح و روان فرد و گروه‌های اجتماعی) و جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی (نسبت جامعه و فرهنگ با رخ دادن فاجعه‌ها و تأثیر اجتماعی فرهنگی فاجعه‌ها بر زندگی جمعی) بحث شده‌اند.
- اما جالب‌ترین و قابل تأمل‌ترین سپهر مطالعه فاجعه‌های طبیعی، «الاهیات فاجعه» است که مضمون اصلی این بحث درباره نسبت «خواست خداوند» و «وقوع فاجعه‌های طبیعی» است.
- «الاهیات فاجعه» پرسش‌هایی مهم در این محدوده طرح می‌کند که قابل تأمل‌اند و ضمناً پاسخ‌های مجاب‌کننده‌ای هم ندارد، دست‌کم برای افرادی که شکاک‌اند و یا اعتقادات دینی سنتی ندارند و یا باورهای دینی مدرن شده و متزلزلی دارند و یا در اصل سکولار گرا هستند و چندان اعتقادی به این‌که ماشین طبیعت مخلوق خداوند مهندس است، ندارند.

---

۱. این بخش از یادداشت متعلق به سید محمود نجاتی حسینی، ۵ فروردین ۱۳۹۸ است که تکمله آن در ادامه یادداشت خواهد آمد.

- پرسش‌هایی که از منظر «الاهیات فاجعه» قابل تأمل‌اند: چگونه خداوند رحمان و رحیم اجازه می‌دهد فاجعه‌های طبیعی رخ دهند که جان هزاران انسان بی‌گناه را گرفته شود؟
- چرا خداوند قادر متعال که بر هر کاری تواناست، جلوی رخ دادن فاجعه‌های طبیعی را نمی‌گیرد؟ آیا وقوع فاجعه‌های طبیعی که هر روز جان هزاران انسان بی‌پناه و بی‌گناه را می‌گیرد، با عدل الهی و خیرگرایی خداوند منافات ندارد؟
- آیا به راستی ماشین طبیعت به مثابه دستگاه خودکار دست ساخت خداوند، از گناهکاران به واسطه فاجعه‌های طبیعی انتقام می‌گیرد؟ آیا فاجعه‌های طبیعی، آماده‌باش خداوند و ناز شصت خداوند برای یادآوری خداوندی اوست و این‌که او به مثابه قادر متعال بر هر کاری، از جمله به خشم درآوردن طبیعت قادر و تواناست؟
- آیا وقوع فاجعه‌های طبیعی به مثابه منطق و سازکار ماشین طبیعت، تحقیرکننده علم و فناوری حقارت آمیز و محقر و محدود انسان است؟
- همه این پرسش‌های فلسفی که درباره نقش خداوند در به کارگرفتن ماشین طبیعت برای رخ دادن فاجعه‌های طبیعی است، در «الاهیات فاجعه» پرسش‌هایی قابل تأمل‌اند، خصوصاً برای دانش‌پژوهان علوم اجتماعی که صرفاً متوجه «جامعه‌شناسی - انسان‌شناسی فاجعه» هستند و صرفاً به نسبت میان جامعه و فرهنگ و فاجعه‌های طبیعی می‌اندیشند، اما از نقش پرسش‌های فلسفی عمیق و حقیقی‌تری از نوع «الاهیات فاجعه» غافل‌اند.
- این‌که چه پاسخ‌هایی در «الاهیات فاجعه» برای این پرسش‌ها فراهم شده است، خود محل تأمل است. خصوصاً از این حیث که در الاهیات ابراهیمی (یهودیت و مسیحیت و اسلام) خداوند فعال مایشاء است و خواست او برتر و سرتر از خواست انسان است و چون خیرخواه است، بنابراین رخ دادن فاجعه‌های طبیعی در ذات خود خیر است، اما خواست و دخالت بشر، این فاجعه‌ها را به شر تبدیل می‌کند. از منظر الاهیات ابراهیمی، خصوصاً الاهیات

اسلامی که کتاب مقدس قرآن تجلی آن است، طبیعت مخلوق، در اختیار فرمان الهی است و همه‌چیز در آن، وفق سنت الهی تقدیر شده و برنامه‌ریزی شده رخ می‌دهد. لذا سیل، سونامی، توفان، گردباد و بهمن همگی پدیده‌ها و پدیده‌های الهی (آیات الله) هستند و هرکدام نشان‌دهنده اقتدار بلامنازع الهی‌اند. طبیعت «خودفرمان» نیست، «خدافرمان» است. در الاهیات آسیایی (زرتشتی‌گری، هندوییزم، بودیزم، کنفوسیانیسم، شینتوییزم، تائوئییزم). اصل چنین پرسش‌هایی خود محلّ تأمل است، چرا؟ چون در این ادیان غیر ابراهیمی، طبیعت خودفرمان است تا خدافرمان. لذا احتمال طرح پرسش‌هایی از جنس نسبت خداوند با فاجعه‌های طبیعی از بیخ و بن منتفی است.

- با تمام این اوصاف، با وجود اهمیت و ارزش علمی جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، اقتصاد و روان‌شناسی اجتماعی که به دنبال شناخت تأثیر دوگانه انسان، طبیعت، محیط زیست و فاجعه‌های طبیعی هستند، و یافته‌های علمی آن‌ها می‌تواند در «مدیریت بحران فاجعه‌های طبیعی، رصد کردن، پیش‌بینی، پیش‌گیری، واکنش سریع، بازسازی فرد و جامعه فاجعه‌زده و فاجعه دیده» مؤثر و سودمند واقع شوند، اما پرسش‌های «الهیات فاجعه» نیز می‌تواند، ظرفیت اندیشیدن مجدد به نسبت انسان و طبیعت از طریق خداوند را فراهم آورد.
- بدون شک «الاهیات فاجعه» می‌تواند، منظری جدید از نوع فلسفی، دینی آن به روی دانش - فناوری شناخت طبیعت و فاجعه‌های طبیعی باز کند. هر چند جنس آن کاربردی و توسعه‌ای نیست، اما به لحاظ تشفی‌الام و ترمیم ضربه/جراحت و تقویت اراده انسانی برای مواجهه مقتدرانه با فاجعه‌های طبیعی کارساز است.

### ۳. تجزیه و تحلیل دین پژوهانه از فعل خداوند و بلای کرونا

تکمله‌ای بر پرسش‌های آقای دکتر سید محمود نجات حسینی را می‌توان

اینگونه بیان کرد:

برخی پرسش‌های عمیق دینی در شرایط خاصی دوباره سر برمی‌آورند و به علّت تحلیل‌های غلط، اضطراب ایمانی ایجاد می‌کنند. محقق گران‌قدر جناب آقای دکتر نجات حسینی، به‌خوبی پرسش فلسفی و الهیاتی مربوط به بلایا و شروری را که به‌یک‌باره اتّفاق می‌افتد، بیان کردند. البته به نظر می‌رسد بلایا و شرور تعبیر بهتری نسبت به فاجعه باشد که بیشتر ناظر به عملکرد انسانی است؛ اما به‌هرحال در نوع پرسش هیچ تفاوتی ایجاد نمی‌کند. برای تجزیه و تحلیل این پرسش موارد ذیل را باید توجه نمود:

- در دورانی که بشر به‌طور عادی زندگی می‌کند، بسیاری از این پرسش‌ها خود را در لابلای زندگی بشر چنان گم می‌کنند که دیگر حوصله‌ای برای بررسی آن‌ها وجود ندارد. لذا هرگونه توجیهی به‌راحتی پذیرفته می‌شود؛ اما در هنگامی که یک تغییر ناگهانی اتفاق افتد پرسش‌ها سر باز می‌کنند و توجیه‌های سطحی پیشین ناتوانی خود را نشان می‌دهند. هرچه فاجعه بزرگ‌تر، پرسش جدی‌تر!

۱. برخی آموزه‌های دینی تأکید می‌کند که به علّت نافرمانی از خداوند و یا کفر و گناه فاجعه‌هایی به وسیله خداوند برای آن جامعه پدید می‌آید.

۲. برخی آموزه‌های دینی تأکید دارند که برخی بلایا به‌خاطر ارتقاء سطح دین‌داری مؤمنان است و این سختی‌ها باعث رشد و نمو انسان‌های دین‌دار می‌گردد.

۳. برخی آموزه‌های دینی اشاره دارند که اگر مؤمنان ایمان بیاورند، خداوند برکاتش را برای آن‌ها می‌فرستد و وفور نعمت را برایشان به ارمغان می‌آورد.

۴. برخی آموزه‌های دینی اشاره دارند که ستمگران و کفر گویان و مسخره‌کنندگان مبدأ و معاد نیز بجای عذاب دنیوی، امکانات بیشتری پیدا می‌کنند تا ذات ناپاک خود را بیشتر نشان دهند و بر گناهان خود بیفزایند تا

در منجلاب فساد بیشتر و بیشتر غوطه بخورند و در نهایت، خود باعث شوند که خودشان را در سقوط معنوی و محرومیت از رحمت خداوند برای رشد معنویشان به ورطه نابودی بکشانند.

- همان‌گونه که در چهار شماره قبلی دیدیم، خداوند سختی‌ها و رنج‌ها را هم برای مؤمنان و هم برای کافران در شرایط متفاوتی مقدر می‌فرماید، و همچنین نعمت‌ها و خوشی‌ها را برای مؤمنان و کافران در شرایط دیگری پیش می‌آورد. حال سؤال اینجاست که اگر سختی و مصیبت برای قومی پدید آید، ناشی از آزمون الهی برای رشد مؤمنان است، یا ناشی از عذاب الهی برای فاسقان، به‌خاطر کفر و فسقشان؟ اگر نعمتی برای گروهی دیگر نازل شود، آیا خداوند آن را در جهت نزول برکات برای مؤمنان فرو فرستاده است یا مهلتی است که خداوند برای کافران می‌دهد تا ذات آن‌ها بیشتر آشکار شود و در منجلاب بیشتر فرو روند؟

- جالب اینجاست، ما برای تحلیل علت هر واقعه، با هر دو روی این توجیه‌ها نزد مؤمنان مواجه می‌شویم. در هنگام بروز فاجعه‌ها و شرور، تحلیل برخی مؤمنان آن است که این به علت فسق برخی انسان‌هاست و گروهی دیگر معتقد هستند که این مرارت‌ها، امتحان‌های الهی است تا مؤمنان آبدیده‌تر شوند! یا اگر به مؤمنان نعمتی برسد و فراوانی و برکات نازل گردد آن را به علت ایمان و اعمال صالح برخی مؤمنان می‌دانند که خداوند بر آن‌ها نازل کرده است (مثل دعاها و کرامات و امدادهای غیبی و...). وقتی می‌بینند با اینکه کافران و فاسقان دست از بی‌دینی خود بر نمی‌دارند، باز هم آن‌ها بیشتر از مؤمنان از نعمت‌های بسیاری بهره‌مند می‌شوند و خوشی‌های بیشتری پیدا می‌کنند در آن صورت آن را به علت سنت املا و استدراج الهی برای افزوده شدن بر گناهشان می‌دانند. بنابراین ما چه کنیم با این تحلیل‌های به ظاهر متناقض؟!

حال بیایید واقعیات را با این فروض بسنجیم:

- اگر فاجعه‌ای رخ دهد مثل سیل یا زلزله و این به علت فسق در جامعه باشد، آیا می‌توان قبول کرد که افراد بی‌گناهی که نقشی در آن فسق نداشته‌اند مثل کودکان نیز باید مستوجب آن بلا گردند؟ چگونه است که جوامعی با میزان گناه بیشتری وجود داشته‌اند، ولی آن‌ها در معرض این بلا قرار نمی‌گیرند و هیچ عتاب و خطابی به آن‌ها نمی‌شود؟ اگر سیل در استان گلستان و در میان مسلمانان اتفاق افتد، چرا در شهرهایی که برای انواع فساد ساخته شده است و همواره در حال فسق هستند، نازل نمی‌شود؟ البته توجیه‌هایی برای این موارد می‌شود که چندان منطقی به نظر نمی‌رسد.
- اگر جامعه‌ای یا فردی با تلاش و پشتکار خود بتواند موفقیت‌ها و خوشی‌های بزرگی را بدست آورد، آیا می‌توان آن را از باب املا و استدراج دانست؟ آیا می‌توان تلاش برخی کشورها در پیشرفت و آبادانی را به خداوند نسبت داد که خداوند می‌خواسته است آن‌ها در منجلاب بیشتر فرو روند؟ در حالی که جوامع دیندار به علت بی‌تدبیری‌شان روز به روز وضعیت بدتری را پیدا می‌کنند. این توجیه چقدر قابل قبول است؟
- اگر قرار باشد خداوند برکاتش را به‌خاطر ایمان مؤمنان نازل کند، پس چه حاجت به سختی کشیدن برای رسیدن به خوشی؟ گویا باید گوشه‌ای نشست و بر ایمان خود افزود تا هم از بلا مصون باشیم و هم نعمت‌های بیشتری از جانب خداوند بر ما نازل گردد. هیچ واقعیتی این موضوع را (حتی با هزار اما و اگر) تأیید نمی‌کند. این‌گونه است که برخی مؤمنان وقتی می‌بینند از کار صالحان و عباداتشان از بسیاری بی‌دینان عقب هستند، احساس می‌کنند که در این زمینه فریب خورده‌اند و ایمانشان ربطی به نزول برکات ندارد!
- اگر قرار است رنج‌ها و مصیبت‌ها برای آزمون مؤمنان و برکشیدن معنوی آن‌ها باشد، پس چرا برخی افرادی که ایمان ندارند دچار این بلاها می‌شوند؟ در جوامعی که کفر آن را سراسر فراگرفته است، چگونه باید توجیه کنیم که برخی باید رنج بکشند و برخی دیگر که در حد این‌ها کافر هستند، آن‌ها باید

در خوشی باشند؟ پس محنت برخی و نعمت برخی دیگر، ربطی به کفر آن‌ها پیدا نمی‌کند.

#### ۴. رحمانیت و رحیمیت

برای بررسی این موضوع از منظر الهیاتی و دینی، باید بتوانیم نگاه درستی از صفات خداوند و نحوه فاعلیت خداوند در عالم داشته باشیم. رمز بی‌معنا بودن این تعارض‌ها، در تحلیلی است که از دو صفت رحمانیت و رحیمیت خداوند خواهیم داشت. لذا باید ابتدا درباره این دو صفت توضیح دهیم:

رحمانیت خداوند، همان لطف و عنایت و بخشندگی خداوند است که فراگیر است. این رحمت خداوند همه‌چیز را در بر گرفته است و موجودات متناسب با نیازهایشان در معرض رحمت خداوند برای رفع نیازشان هستند. این رحمت ربطی به ایمان و کفر افراد ندارد و طبق یک روال منطقی و قانونمند برای تمامی موجودات هست. مجرای فعل خداوند در این زمینه را می‌توان به کلیه تحولات و استعدادهای ذاتی عالم نسبت داد و می‌توان گفت این اراده خداوند از مجرای قوانین طبیعت و عالم محقق می‌شود؛ اما این قوانین چون کاملاً در هر لحظه وابسته به عنایت خاص الهی هستند بنابراین، خداوند با اعطای وجود به موجودات و ابقای لحظه به لحظه قوانین عالم، همواره در کار است و کلیه تحولات نیز به او منتسب هستند، چرا که اراده او هر لحظه به قوانین طبیعت و ثابت بودن آن قرار گرفته است. به همین دلیل است که می‌گوییم هیچ تحولی و هیچ استعداد تحولی در عالم به‌جز به فرمان و اراده لحظه به لحظه خداوند نیست.

حال اگر انسان‌هایی از این قوانین استفاده کنند و با پشتکار خود موفقیت‌هایی به دست آورند، خداوند از هیچ کس آن را مضایقه نمی‌کند، چه مؤمن باشد، چه کافر. اگر بر اساس قوانین طبیعت، گندم بکاریم و آن

قوانین را در استخدام خود درآوریم، حتماً نعمت رسیدن به محصول را خواهیم داشت. اگرچه تمامی این نتایج به اراده خداوند وابسته است، ولی خداوند به ایمان و کفر افراد کاری ندارد و نتیجه آن به پشتکار خود آنها وابسته است.

همین‌طور است اگر افرادی از این قوانین استفاده نامناسب بکنند و آن را برای مصیبت‌ها و جنگ‌ها و خشونت‌ها بکار گیرند، بازهم در معرض مصیبت‌های کارشان قرار می‌گیرند و خداوند این نتایج بد را در قوانین طبیعت قرار داده است و چه مؤمن و چه کافر، در معرض عواقب آن قرار خواهند گرفت.

خداوند صفت رحیمیت را هم دارد، ولی این صفت به ایمان و کفر بستگی دارد. اگر کسی مؤمن بود خداوند او را در معرض رحمت خاص دیگری قرار می‌دهد که کافران از آن محروم هستند. یا اگر فسق و کفر و نافرمانی گروهی بالا بگیرد، خداوند این رحمت خاصش را از آنها مضایقه می‌کند و به نحوی آنها به سقوط می‌افتند و وضع بدتری پیدا خواهند کرد. سؤال اینجاست که چرا خداوند این رحمت خاصش را برای برخی مؤمنان که در رنج و عذاب هستند، نازل نمی‌کند و زندگی مرّقه و لذّت بخشی به آنها نمی‌دهد؟

اگر خداوند کمال انسان را در رشد معنوی و اخلاقی او بداند و از انسان نیز توقع داشته باشد که ارتقاء روحی و معنوی پیدا کند، پس اگر رحمت خاصی هم نسبت به مؤمنان داشته باشد، باید در این جهت باشد نه در جهت خوش‌گذرانی او که در برخی مواقع با رشد معنوی او منافات اساسی دارد. حال برای رشد معنوی انسان در برخی مواقع خداوند بر مؤمنان سخت می‌گیرد و در برخی مواقع امکانات بیشتر در اختیارشان قرار می‌دهد؛ اما تمام این‌ها در جهت کمک به مؤمن برای ارتقاء معنوی‌اش است. به همین جهت است



که خداوند بزرگ‌ترین رحمت خود را غفران می‌داند و در قرآن، رحیم را با غفور می‌آورد. این رحمت خاصّ منحصر به غفران نیست، بلکه در قالب نعمت و امکانات ظاهری و یا سختی‌های ظاهری نیز این رحمت جلوه‌گر است.

معلّمی که در کلاس تمام همّ و غمّش رشد علمی دانش‌آموزانش باشد، دو نوع لطف به شاگردانش می‌کند: در یک نوع آن در کلاس برای تمامی دانش‌آموزان درس می‌دهد و کاری به خوب و بد بودن دانش‌آموزان ندارد. لطف دیگرش توجّه خاصّ به کسانی است که از درسش استفاده می‌کنند و سعی می‌کنند تا رشد علمی پیدا کنند. به همین جهت گاهی برای رشد بیشتر علمی دانش‌آموز کوشا، او را با جایزه‌ای ارزشمند و مادی تشویق می‌کند، و گاهی کارهای سخت‌تر و مسائل عمیق‌تری به او می‌دهد تا او رشد کند. اگر دانش‌آموزی بازیگوشی کند، بدترین مجازاتی که برای او می‌تواند قائل شود این است که به او بی‌اعتنا باشد. اگر خواست بجای کلاس درس به خوش‌گذرانی بپردازد، راه را برای او باز می‌کند و گاهی نیز که از حد بیرون می‌شود، تنبیه‌هایی برای او قرار می‌دهد تا بقیه بدانند اینگونه رفتار دانش‌آموز بازیگوش مورد تأیید او نیست.

حال با توجّه به تمامی مطالبی که تا کنون ذکر شد این نتیجه‌ها را می‌توان گرفت:

هر مصیبتی ناشی از توجّه خاصّ خداوند برای به وجود آوردن آن سختی و مرارت نیست، بلکه برخی وقت‌ها عوامل خاصّ طبیعی در جریان قوانین ثابت طبیعی (که برخی آثارش رحمانیّت و به ظاهر نعمت است و برخی از آن نیز به رحمانیّت نمی‌رسد و فقدان و سختی به همراه می‌آورد) بر اساس آن‌که نمی‌تواند در معرض رحمت عام خداوند قرار گیرد، به وجود می‌آید. اگر سیلی رخ دهد ناشی از آن است که قوانین سیّالها و انرژی آب و غیره در جایی

به صورت نعمت ظاهر می شود و در جایی به صورت مصیبت. این موارد اگر چه به علت عنایت لحظه به لحظه خداوند در برقراری و ثبات قوانین، همگی به خداوند استناد می شود، ولی ناشی از کفر و ایمان نیست؛ به عبارت دیگر:

- هر مصیبتی ناشی از عذاب الهی برای کافران یا آزمون و برتر کشیدن مؤمنان نیست، بلکه برخی مواقع این گونه است.
- برخی سختی ها و مصیبت ها، می تواند ناشی از عذاب الهی یا برتر کشیدن مؤمنان باشد.
- هر نعمتی نیز به خاطر عنایت و لطف خداوند به مؤمنان نیست و هر نعمتی نیز برای بدبخت تر کردن کافران نیز نیست. برخی از آن ها ناشی از رحمانیت خداوند است و ربطی به ایمان و کفر ندارد و برخی به خاطر رحیمیت است که این رحیمیت به وسیله مؤمنان جلب می شود و کافران از آن محروم هستند.
- پس برخی نعمت ها ناشی از توجه خاص خداوند است و برخی نیز رحمت فراگیر اوست.

لذا باید از استناد یک نعمت یا مصیبت به خداوند از باب رحیمیت یا توجه خاص خداوند اجتناب کرد و هر چه رخ می دهد را نمی توان با این گونه موارد توجیه کرد. وقوع سیل هم می تواند به علت قوانین عام طبیعت که همگی منسوب به اراده خداوند است رخ دهد و هم می تواند به مثابه عذاب فاسقان یا آزمون مؤمنان در مواقع خاصی باشد. به نظر می رسد در ابتدای دعوت انبیاء به علت سطح فکر پایین بشر، عنایت های خاص خداوند یا مضایقه او از رحمت خاصش بیشتر بوده است و با رشد بشر این گونه موارد به گونه ای دیگر جلوه گر شده است.

حال سؤال دیگری مطرح می شود و آن این که از کجا بفهمیم یک نعمت ناشی از رحمانیت خداوند است یا رحیمیت او؟

اگرچه اصل رحیمیت را باید در غفران الهی جستجو کرد، ولی خداوند برخی

از این رحمت‌ها را به گونه‌ای نشانه‌گذاری می‌کند که بنده متوجّه خاصّ بودن او بشود؛ مثلاً ذکر شده است که اگر کسی تقوا پیشه کند، خداوند از جایی که گمان نمی‌کند به او روزی خاصّ می‌دهد. این‌که او حدس نمی‌زد از جای خاصی به او روزی برسد و به یکباره آن را از آنجا دریافت می‌کند، نشانه‌ای است که خداوند بر آن نعمت گذشته است تا بنده بتواند درک کند این نعمت از باب رحیمیت است نه رحمانیت. معمولاً مؤمنان می‌توانند برخی از این موارد را بفهمند، به شرط آن‌که ملاک نعمت یا نعمت بودن یک امری را بر اساس رشد معنوی که ایجاد می‌کند، قرار دهند.

در نتیجه، اگر سیلی یا مصیبتی بر جامعه‌ای نازل شد، حتماً با اراده خداوند است، ولی این اراده گاهی اراده قوانین ثابت است، و گاهی به‌خاطر عنایت خاصّ اوست که به مؤمنان برای برکشیدن آن‌ها می‌شود، و یا عذابی است که بر کافران و فاسقان می‌شود. به هر حال، هر دو مستند به فاعلیّت خداوند است، بدون آن‌که نسبت ظلمی به خداوند نسبت داده شود و یا بی‌عدالتی در کار او دیده شود.

## ۱۸. جهاد معنوی در مقابله با ویروس کرونا

محمدرضا عابدینی<sup>۱</sup>

رهبر معظم انقلاب (حفظه الله)، در بخشی از سخنانشان در درس خارج فقه یکشنبه ۴ اسفند ۹۸، ضمن اشاره به سیاست جنگ روانی و تبلیغاتی دشمن، با تأکید بر حرکت فعال و انقلابی و تهاجمی به دشمن فرمودند: «[دشمن] هزاران نفر را می‌گذارند برای پیگیری مسائل ایران، مسائل گوناگون ایران، [در مقابله با آنها] ما بایستی میلیون‌ها نفر آماده باشیم برای این که هم دفاع کنیم، هم ضربه بزنیم، ما هم باید متقابلاً به آنها حمله کنیم، چه تبلیغاتی و چه انواع و اقسام کارهایی که از دست یک ملت انقلابی برمی‌آید».

دوستان در این ایام در تماس غیرحضوری با هم باشند و اگر کسی دچار گرفتاری شد بیش از سابق در صدد کمک برآیند. و هر چیزی که اسباب لبریز شدن رحمت الهی است را به کار گیریم.

ابتلائات اجتماعی برای مؤمنان می‌تواند از مواقع ویژه اجابت دعاها

---

۱. استاد فلسفه، تفسیر و عرفان اسلامی حوزه‌های علمیه/ تاریخ نگارش: دوشنبه ۵ اسفندماه ۱۳۹۸

اجتماعی باشد.

از منظر الهی می‌توان این تهدید را به فرصت تبدیل کرد و بهترین خاطرات و اعمال اهل ایمان را آشکار نمود.

این ابتلاء عمومی و اقدام اهل ایمان با جهاد معنوی در مقابله با آن، می‌تواند سببی برای نحوه‌ای از قطع تعلّق از غلبه احکام تن شود که به طور عادی امکان‌پذیر نمی‌شد، ولی در این ابتلاء اسباب آن مهیا شده، تهدید تبدیل به فرصتی ایمانی در دعا و کمک به همدیگر شده و لذا حرکت به سوی خدا را آسان‌تر می‌کند.

دوستان فرصت به دست آمده را غنیمتی از جانب خدای سبحان دانسته و سعی کنیم حق آن را به جای آوریم.

حال تضرّع در این ایّام به سوی خداوند از الطاف ویژه جلب رحمت الهی است، بخصوص که امشب شب اوّل ماه ولایت ماه رجب الاصب است که بارش رحمت حق در آن ریزان است.

حتماً به کتب ادعیه ویژه نگاه شود و کتاب شریف المراقبات و اقبال را محشور باشیم و این ایّام ابتلاء در فضای ماه رجب را از ایّام خاصّ الهی بدانیم.

از ذکری که مرحوم آیه الله سید احمد خوانساری نقل کرده غافل نشویم (ذکر ۶ آیه بعد نماز صبح)<sup>۱</sup> و همچنین دعایی که مرحوم خسروشاهی از امام

---

۱. آیات توصیه شده از سوی آیت الله العظمی خوانساری: ح

از امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت شده است:

«مَنْ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَاتِ السَّبْعَ فِي كُلِّ غَدَاةٍ كَفَاهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ كُلِّ شَوْءٍ وَ لَوْ أَلْقَى نَفْسُهُ إِلَى التَّهْلُكَةِ» (بحار الأنوار، ج ۸۳، ص ۳۳۴). هرکس این شش آیه را هر روز صبح بخواند خداوند متعال او را از هر بدی کفایت فرماید، هرچند او خودش را به هلاکت انداخته باشد.

خمینی رحمت الله علیه نقل کرده‌اند را در این ایام از دست ندهیم<sup>۱</sup>.  
حتماً به وساطت مقام ولایت در کشور اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، آن هم  
با توجّه تامّ به قدرت حق و باور به توحید افعالی، درس عملی توحید را فرا

---

به نیت دفع بلا از خودمان و تمام اهل ایمان بخوانیم.

بسم الله الرحمن الرحيم

۱. قُلْ لَنْ يَصِيْبَنَا اِلَّا مَا كَتَبَ اللّٰهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَ عَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (توبه: ۵۱).
۲. وَ اِنْ يَمْسَسْكَ اللّٰهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ اِلَّا هُوَ وَ اِنْ يَرِذْلَكَ يَخِيْرَ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يَصِيْبُ بِهٖ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَ هُوَ الْعَفُوْرُ الرَّحِيْمُ (يونس: ۱۰۷).
۳. وَ مَا مِنْ دَابَّةٍ فِى الْاَرْضِ اِلَّا عَلَى اللّٰهِ رَزُقُهَا وَ يَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ مُسْتَوْدَعَهَا كُلُّ فِى كِتَابٍ مُّبِيْنٍ (هود: ۶).
۴. وَ كَايْنٍ مِنْ دَابَّةٍ لَا تَحْمِلُ رَزْقَهَا اللّٰهُ يَرْزُقُهَا وَ اِيَّاكُمْ وَ هُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ (عنكبوت: ۶۰).
۵. مَا يَفْتَحِ اللّٰهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَ مَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَ هُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ (فاطر: ۲).
۶. قُلْ اَفَرَايْتُمْ مَا تَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ اِنْ اَرَادَنِيَ اللّٰهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ اَوْ اَرَادَنِيْ بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ قُلْ حَسْبِيَ اللّٰهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُوْنَ (زمر: ۳۸).

در ادامه بگوید:

حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ،  
وَ اَمْتَنِعُ بِحَوْلِ اللّٰهِ وَ قُوَّتِهِ مِنْ حَوْلِهِمْ وَ قُوَّتِهِمْ،  
وَ اَسْتَشْفِعُ بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ،  
وَ اَعُوْذُ بِمَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ.

۱. مرحوم آیت الله سید ابراهیم خسروشاهی نقل کردند از مرحوم امام خمینی (ره) که به شاگردان خویش  
به جهت دفع بلا و مصیبت توصیه می‌فرمودند:  
یک ساعت به غروب (مخصوصاً در غروب جمعه)، به نیابت از تمام شیعیان عالم هفت مرتبه این صلوات  
خاص را بگوید:

« اللهم صلّ على محمد و آل محمد، و أدفع عَنَّا الْبَلَاءَ الْمُبْرَمَ مِنَ السَّمَاءِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ».  
خدایا صلوات فرست بر محمد و آل محمد و دفع بنما از ما بلائی را که حتمی شده است از آسمان، همانا  
تو بر هر امری قادر و توانائی.  
(همین ذکر را آیت‌الله نصرالله شاه‌آبادی نیز از پدرشان آیت‌الله العظمی محمدعلی شاه‌آبادی - استاد  
عرفان امام (ره)- نقل کرده‌اند و ظاهراً امام خمینی نیز این ذکر را از استادشان به یادگار داشتند و به  
شاگردانشان توصیه می‌نمودند).

بگیریم.

همه مؤمنین، برای همه بیماران و دست‌اندرکاران رسیدگی به بیماران حمد شفا را فراموش نکنیم و بعد از نمازها حال دعايمان را با اجتماع زمانی غیرمکانی به هم ضمیمه کنیم و روح جمعی حاصل از اجتماع در زمان واحد وقت نماز را مانند مکان و زمان واحد به کار بیندازیم تا ان شاء الله رحمت خاصّ حقّ به موجب دعای عمومی مؤمنان نازل شود و شیاطین ملعون را نابود کند. همّت ایمانی و توحیدی در وقت نمازها بیابیم، در عین این که تمام مراتب بهداشتی و توصیه‌ها را رعایت می‌کنیم.

## ۱۹. حرکت به سوی ظهور، با شکوفایی ظرفیت‌های نهفته اماکن دینی، در بحران‌هایی مانند کرونا

محمدحسین صالحی<sup>۱</sup>

«حرکت به سوی ظهور با شکوفایی ظرفیت‌های نهفته اماکن دینی در بحران‌هایی مانند کرونا» است. خداوند کریم در آیه ۲۵ سوره حدید می‌فرماید «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» ما پیامبران را برانگیختیم و فرستادیم و با آن‌ها کتاب و میزان عدالت را فرستادیم؛ برای این که مردم را برای قیام به قسط برانگیزانند. وقتی حرکت مردمی در اقامه دین زنده، شکل بگیرد، شکوفایی‌ای صورت می‌گیرد که این شکوفایی در حرکت تمام مردم به سوی اقامه دین زنده، حرکت به سوی ظهور می‌شود و حقیقت حکومت دینی امام حیّ و زنده ما هم همین خواهد بود که تمام مردم جهان، مانند بازوان امام زمان (عج) خواهند شد که با امام قائم، توحید، اخوت، امداد به مؤمنین و عدالت کامل در جهان را قیام می‌دهند».

---

۱. طلبه درس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم / دانشجوی دکتری عرفان اسلامی



همان طور که رهبر ما در سخنرانی روز نیمه‌شعبان فرمودند، ما برای این که ارادتمان به امام زمان (عج) ثابت شود، باید صحنه‌ها و جلوه‌هایی از جامعه مهدوی را خودمان به وجود بیاوریم. جامعه مهدوی هم که جامعه قسط و عدل، جامعه عزّت، جامعه علم و جامعه مواسات و برادری است و ما باید این‌ها را در زندگی به قدر امکان خودمان تحقّق بخشیم. در این حرکت، باید ببینیم جایگاه اماکن دینی مانند مساجد و حرم‌ها در بحران کرونا، چطور ما را به ظهور نزدیک می‌کنند و ما باید آن را پیشرفت بدهیم».

امروز مساجد ما محلّ تجمع مردم مؤمنی است که از پیر و جوان و زن و مرد تلاش می‌کنند تا حرکتی را برای اصلاح و نجات و کمک به مردم داشته باشند. مساجد ما عمران و آبادی بالقوه را بالفعل می‌کنند؛ همان طور که قرآن می‌فرماید «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ»؛ یعنی در عمران و آبادی مسجد کسانی نقش دارند که ایمان به خدا و روز آخرت دارند. کسانی که نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند، یعنی هم اقامه معنویت‌ها و نماز را دارند و هم اقامه عدل اجتماعی را در زکات دارند. اگر حرکت ما در مساجد و در تمام اجتماعات مذهبی منتهی به تولید ماسک می‌شود، اگر لباس می‌دوزند یا اگر بسته‌هایی را برای خانواده‌های نیازمند و مسکین تهیه می‌کنند، ما باید استعدادها بالقوه مساجد را برای این که بتوانند محلّ تدبیر و مدیریت تمام کانون‌های محلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و جهانی بشوند، عرضه کنیم. استعدادهای بالقوه مساجد در بحران کرونا بسیار خوب زنده شدند. حالا باید با تدبیر مؤمنانی که در این مساجد فعالیت می‌کنند، بتوانیم استعدادهای بالقوه بیشتری که در تدبیر تمام مناسبات بشری می‌توانند دخیل باشند از درون فرهنگ مساجد و اجتماع مؤمنان بیرون بکشیم و بتوانیم با نزدیک کردن مساجدمان به فرهنگ

حرکت به‌سوی ظهور، با شکوفایی ظرفیت‌های نهفته اماکن دینی، در بحران‌هایی مانند کرونا □ ۳۱۷

حکمرانی امام زمان (عج) در مساجد دوران ظهور، خودمان را به ظهور نزدیک کنیم.

این الفت قلب‌ها و دل‌هایی که از طریق مساجد و حریم‌های عصمت و طهارت بهم گره خورده است و ما را به هم پیوند داده است، ارزشمند است؛ چنان که می‌توانیم با تمام مردم جهان پیوند برقرار کنیم، دست تمام انسان‌ها را در تمام نقاط کره زمین بگیریم و تمام مردم را به عدل و داد، معنویت و حیات طیبه دعوت کنیم.

ما می‌توانیم برای امام زمان، اقامه قسط و عدل را در تمام جهان فریاد بزنیم و به مردم نشان دهیم که می‌شود نجات از درون یک مکان دینی که مساجد و معابد هستند، آغاز شود و همه بانگ یکتایی و یکانگی خدا را فریاد بزنند؛ چرا که منجی همه انسان‌ها که یک رهبر دینی است و حکومت او که یک حکومت دینی است در درون این مساجد اقامه خواهد شد.

اگر مردم تمام زمین بتوانند نزدیک‌تر از همیشه این احساس انس و الفت را با اماکن مذهبی، دینی و خصوصاً مساجد مسلمین پیدا کنند، امروز این فرهنگ ناب مهدوی را می‌توانیم نشان دهیم؛ می‌توانیم تمام تمدن غرب را با همه ساختارهای فروپاشیده‌اش به زیر بکشیم و آن فرهنگ معنوی و زنده‌کننده دینی را به تمام جهان عرضه کنیم. حرم اهل بیت (ع) در روزهای آخر سال گذشته بسته شدند. می‌شد حریم‌ها را نبندند و نماز جماعت را تعطیل نکنند.



## ۲۰. انقلاب اسلامی و بازگشت به میراث توحیدی شیعه در مدیریت بحران‌های بزرگ

علی جعفری<sup>۱</sup>

### ۱. مقدمه

۱-۱. انقلاب اسلامی مؤثرترین متغیر دلالت دهنده به خدا در مناسبات بحرانی

عالم

انقلاب اسلامی ایران انقلابی به تمام معنا، معنوی بود. این معنویت‌گرایی، نه تنها در سویه درونی که دین قلب پیش برنده انقلاب را شکل می‌داد، بلکه در سویه بیرونی، دین را به متن مناسبات جهانی سیاست آورد و توجّه قدرت‌های بزرگ و کوچک را به بهره‌برداری از قدرت دین جلب کرد. انقلاب اسلامی دقیقاً در موقعیتی از تاریخ سیاست و قدرت جهان سر برآورد که تصوّر می‌شد نقش و کارکرد سیاسی دین در نزارترین وضعیّت خود قرار دارد.

---

<sup>۱</sup> . دکترای فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه السلام/ معاون فرهنگی کمیته امداد امام خمینی رحمت الله علیه.

از بهمن ۵۷ تاکنون هر قدر که به پیش آمده‌ایم در بزنگاه‌های مختلف تاریخ جهان و ایران، انقلاب اسلامی از جلوه‌های جدیدتری از نقش‌آفرین مثبت ملّی و بین‌المللی دین رونمایی کرده است.

رهبران انقلاب اسلامی در بزنگاه‌های مهمّ جهانی همواره مترصد فرصت‌هایی برای دلالت بدنه‌های فعّال و نخبگان تأثیرگذار ملّت‌ها به دین و دین‌داری بوده‌اند. یکی از برجسته‌ترین این تکاپوها را می‌توان نامه تاریخی امام خمینی به رهبر اتحاد جماهیر شوروی در آستانه فروپاشی اردوگاه شرق ملاحظه کرد. آنجا که امام خمینی از آن موقعیت، فرصتی برای دعوت رهبر و راهبران بلوک شرق به خدا و معارف توحیدی خلق کرد. فارغ از پیامدهای بین‌المللی آن نامه، امواج الهام‌بخش داخلی آن‌هم در ارتقاء عزّت نفس تاریخی جهان اسلام و بالأخص ملّت ایران چشمگیر بود.

اینک به نظر می‌رسد که بحران برآمده از واگیری منحصر به فرد و جهانی کرونا، فرصت جالب توجّه دیگری را برای دلالت عالم انسانی به اهمّیت ارتباط با خداوند و بهره‌گیری از پشتیبانی او و نیز بهسازی عزّت معنوی علاقه‌مندان به معنویت و ماوراء و خصوصاً ارتقاء اعتماد به نفس مذهبی پیروان ادیان به وجود آورده است.

موقعیت کرونایی عالم علی‌رغم چالش‌های مختلفی که برای همه نیروهای اجتماعی از جمله نیروها و نهادهای مذهبی ایجاد کرده است، اما در عین حال واجد زمینه‌های حاصلخیز بالقوه‌ای برای رونق بازار دین و دین‌داری هم هست؛ به نحوی که بتوان چالش‌های اولیه را به تدریج به فرصت‌هایی کم‌نظیر در رونق دین‌داری تبدیل کرد. انقلاب اسلامی همان‌گونه که در برهوت لادینی حاکم بر سیاست و قدرت جهانی توانست منادی کارکردهای سهمگین دین در سیاست و مناسبات قدرت باشد در موقعیت کنونی هم نباید و نمی‌تواند

از برجسته کردن نقش ارتباط انسان با خدا و پیام‌آوران او برای برون‌رفت از برهوت بحران کنونی صرف‌نظر کند. گزارش راهبردی پیش رو، تلاش دارد ضمن توضیح ویژگی‌های متمایز بحران منحصربه‌فرد اخیر، پیشنهادهایی را برای تبدیل کردن برخی چالش‌های آن به فرصت ارائه کند.

توجه به این واقعیت - چنانچه در ادامه به تفصیل خواهد آمد- لازم است که بحران برآمده از کرونا به طرق مختلف مضایق زیادی را برای دین‌داری خصوصاً در سویه‌های مناسکی و کنش‌های رهبران دینی ایجاد کرده است. این مضیقه‌ها شاید یکی از غلیظ‌ترین محدودیت‌های تاریخی برآمده از یک بحران بر امر دین و دین‌داری باشد، اما در عین حال که به موازات، مضایق بسیار بیشتری را هم برای مناسبات مادی و ازجمله سازمان پزشکی و ساختار درمانی مرسوم در عالم ایجاد کرده است متقابلاً زمینه خوبی برای بازآفرینی و بهسازی تکاپوهای مذهبی در جهان و ایران ایجاد کرده است.

یک رویکرد آسیب‌شناسانه به نحوه مواجهات و تدابیر نهاد مذهب و نهاد قدرت با بحران کرونا در ایران، غفلت تاریخی آن را از مزیت‌های موقعیت کنونی برای رشد انگیزه‌های معنوی و توجه به مبدأ هستی و ارتقاء روحيات معنوی نشان می‌دهد. شاید اگر چند دعوت و بیان معنوی رهبری معظم انقلاب در برجسته‌سازی نقش نیروهای معنوی برای عبور موفق از بحران کرونا و امواج اجتماعی و رسانه‌ای بعد از آن نبود، دست مجموعه سیاستی و عملیاتی کشور در این حوزه بیش از حدّ خالی می‌نمود. در ادامه خواهد آمد که هر چند سهمگین بودن این بحران و برخی ویژگی‌های دیگر آن، ظاهراً همه چیز را برای به محاق رفتن مذهب و برجسته شدن راه‌های علمی محض و میدان‌داری انحصاری قهرمانان دانش پزشکی فراهم آورده، اما از مبدأ نگاه انقلاب اسلامی می‌توان بحران اخیر را تحت صورت‌بندی‌های دیگری تحت

مطالعه و مدیریت قرار داد و این‌گونه و به موازات اندیشه‌های معنوی‌تر و دینی‌تری را نیز برای مواجهه با آن مدّ نظر قرار داد.

## ۲. چالش‌های کرونا نسبت به امر معنوی و مذهبی

کرونا یک عارضه بدنی مربوط به ریه آدمی است، اما درمان آن ارتباط مستقیمی با روحیه انسان، اعتماد به نفس جسمانی‌اش و امیدواری او به بهبودی دارد. خصوصاً در امراض تنفسی که درگیری بیمار با آن تنگاتنگ بوده و به‌صورتی کاملاً لحظه‌ای تکرار می‌شود اهمیت تسلط روحی بیمار بر خود و باور به توانمندی‌هایش در عبور از بیماری به‌صورتی مضاعف برجسته می‌شود. اگرچه برخورداری از امکانات بهداشتی، تدارکات درمانی و پشتیبانی‌های پزشکی و نیز مالی از مؤلفه‌های مهمّ در ارتقاء قدرت و انسجام روحی اوست، اما «تسلط بر خود» فقط از ناحیه وسع مادّی و پزشکی پشتیبانی نمی‌شود. در این میان، نباید انواع و انبوهی از زمینه‌های غیر مادّی و معنوی مربوط به پشتیبانی‌های روحی از انسان درگیر با بیماری را نادیده گرفت. البته نقش عوامل معنوی در ارتقاء اعتماد به نفس درمانی بیماران، بسته به نوع بیماری متفاوت است. در بیماری‌های حادّ ازجمله امراض تنفسی، بیماری‌های واگیر، بیماری‌های ناشناخته و بیماری‌های جدید که بیمار به‌تدریج متوجّه می‌شود که در فرآیند درگیری با مرض دستش از پشتیبانی‌های متناسب از ناحیه دانش پزشکی، دست‌اندرکاران آن و امکانات درمانی مؤثر کوتاه است بیش از بیماری‌های معمول به پشتیبانی‌های معنوی احتیاج دارد.

اهمّیت میدان‌داری نیروهای الهام‌بخش مذهبی برای عبور از بحران‌های بهداشتی و پزشکی در موقعیّت‌هایی که میدان‌داران و قهرمانان نظام سلامت و درمان جامعه خود درگیر با بیماری و سوژه آن هستند، مضاعف‌تر است.

انقلاب اسلامی و بازگشت به میراث توحیدی شیعه در مدیریت بحران‌های بزرگ □ ۳۳۳

جالب‌تر این‌که در واگیری اخیر، کرونا نه تنها میدان‌داران حوزه سلامت، بلکه، رهبران معنوی و مذهبی جامعه هم از مغناطیس بیماری دور نمانده و به دلایلی از جمله کهولت سن حتی بیش از دیگران در معرض خطرات آن هستند و شبیه اقشار آسیب‌پذیر واجد بالاترین درصد زمین‌گیری و انفعال بهداشتی شده‌اند. این وضعیّت انفعالی گریزناپذیر که شاید یکی از نادرترین موقعیّت‌های انفعال رهبران مذهبی و معنوی تشیّع در طول تاریخ این مذهب است- وقتی به اوج خود می‌رسد که رهبران مذهبی خود به نظام بهداشتی و درمانی‌ای پناه برده و به‌صورت مطلق تحت نظم آن قرار بگیرند که قهرمانان همان نظام در برابر بیماری دچار ضعف و زمین‌گیری حادّ شده‌اند و روزانه اخبار تلفات جانی پزشکان و پرستاران در صدر اخبار کرونا به گوش می‌رسد.

در یک بیان کلی، واگیری کرونا حداقل در نوع ایرانی‌اش، به‌صورتی یکجا از همه ویژگی‌های انفعال‌آفرین یک متغیّر مؤثر برخوردار است؛ زیرا هم از نوع بیماری‌های حادّ است، هم فراگیر است، هم ناشناخته است، هم جدید است، هم قهرمانان درمانگر را به چالش جدّی طلبیده، هم در یکی از بدترین شرایط مالی و اقتصادی تاریخ بعد از انقلاب حریف می‌طلبد.

در این شرایط کانون‌های الهام‌بخش معنوی و روحی، به مثابه یکی از مهم‌ترین عوامل کمک به برون‌رفت از بحران، دچار زمین‌گیر و انفعال ناشی از مخاطرات بهداشتی گشته‌اند. به این وضعیّت اضافه کنید فقدان خلاقیت و تاب‌آوری‌های متناسب سامانه‌های مذهبی، مثل مدیریت‌های حرم‌ها و دفاتر مراجع و علما برای خلق رویه‌های انعطافی پیش برنده و ایجاد موقعیّت‌ها و رفتارهای جدید و مؤثر نمادین.

**۳. پدیدارشناسی مقاومت فرهنگی ایرانیان با تأکید بر نقش**



## راهبردی

### ۳-۱. «در صحنه بودن رهبران»

فرهنگ مقاومت در ایران خصوصاً مقاومت برآمده از انگیزه‌ها و آیین‌های مذهبی و بالأخص شیعی، اعتناء خاصی به مسئله «در صحنه بودن» دارد. اساساً به صحنه آمدن نیروها و رهبران، همیشه بخشی از امر «حلّ مسائل بزرگ» بوده است. این‌که رهبری انقلاب بعد از شهادت سردار سلیمانی، ترجیح دادند که برای سخن گفتن با مردم بعد از یک دهه، به نماز جمعه بیایند یا مدتی بعد از زلزله بم در آن شهر حاضر شوند و یا سفر به روستاهای ویران را در ماجرای زلزله اخیر کرمانشاه دست‌کم نگیرند و ...، همه برآمده از «قاعده در صحنه بودگی» است. لذا فرهنگ پساانقلابی ایرانیان در سویه‌های مقاومتی آن با «به صحنه آمدن نمادین رهبران مذهبی و انقلابی» شرطی شده است. سقوط آزاد و ناگهانی این متغیر ویژه و بسیار مؤثر فرهنگی و فقدان آن در رفتار زعمای مذهبی ایران، زمینه‌های اصلی پشتیبانی معنوی از روحیه اجتماعی را دچار شکست می‌کند. در این چارچوب این قاب تلخ - که گویا اَبَر مراجع همواره الهام‌بخش، خستگی‌ناپذیر و تمام‌کننده میدان را به بخشی از مقلدان و پیروان پزشک و پرستار خود سپرده‌اند و به خانه رفته‌اند - شنیده شدن ندا‌های مذهبی و توصیه‌ای که از اندرون‌های امن بلند شده است شاید نتواند آورده‌های مؤثری برای برون‌رفت از بحران و تغییر انگاره انفعال جامعه و نظام ایران به دست آورد و در عوض خود به بخشی از صورت‌بندی انفعالی زندگی و زمانه کنونی ایرانیان تبدیل شود. نظام مذهبی و رهبران معنوی جامعه و خصوصاً نهاد رهبری حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، امروز بیش از هر زمانی به طراح، تدارک و اجرای هنرمندانه آیین‌های کاملاً جدید «در صحنه بودگی مذهبی و انقلابی» برای بازسازی

انسجام، امید و اعتماد به نفس ملی احتیاج دارند. «آیین‌های سنتی در صحنه بودگی» اگرچه به دلیل اقتضائات لازم‌الرعايه بهداشتی دیگر کارکرد مؤثری ندارند و اساساً قابل اجرا نیستند، اما نباید تصور شود که دیگر هیچ امکانی جز گفتگوی سنتی از طریق امواج تلویزیونی با مردم برای به صحنه آمدن آیت‌الله خامنه‌ای یا دیگر رهبران مذهبی وجود ندارد.

#### ۴. بحران کرونا، جهش دشمن در سنت‌های جنگ روانی علیه جامعه ایران

جامعه ایرانی به موازات تهیدستی بی‌سابقه‌اش از بابت دسترسی به رهبران، اماکن و آیین‌های جمعی مذهبی، به شدت تحت شدیدترین پروژه جنگ روانی و پروپاگاندای سیاسی دشمنان استکباری قرار گرفته است. بدیهی است که بضاعت مزاجه نظام رسانه‌ای کشور یارای مواجهه مؤثر با این حجم و دقت آتشباری روانی دشمن نیست. خصوصاً این که نظام رسانه‌ای رسمی کشور توانایی ویژه‌ای در طراحی رویدادهای رسانه‌ای الهام‌بخش نداشته و معمولاً مترصد حرکتی از سوی رهبران یا فعالان جبهه مقاومت است که با تکثیر و تشدید آن بتواند جبهه‌ای را در برابر رسانه‌های رقیب بگشاید. در این شرایط خاص که دست نظام ملی انگاره‌سازی با مدیریت صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران از در اختیار داشتن «وقایع چشمگیر خلق شده از سوی رهبران بزرگ و تعیین‌کننده» خالی است، قناعت او به بازنمایی تکاپوهای فعالان میانه مثل کارکنان بخش درمانی و فعالان خردتر، مثل نیروهای جهادی، طلاب و بسیجیان طبیعی است. به نظر می‌رسد که امر کلان مدیریت افکار عمومی و احیاء روحیه و جهش در اعتماد به نفس ملی در جمهوری اسلامی به‌صورت تمام عیاری متوقف بر طراحی و اجرای چند

«رویداد رسانه‌ای<sup>۱</sup>» با نقش‌آفرینی رهبران بزرگ و خصوصاً در «به صحنه آمدن نمادین رهبر معظم انقلاب اسلامی» است. در این چارچوب و در هر دو سویه ملی و بین‌المللی اندیشه رویدادی ذیل پیشنهاد می‌شود:

رویداد رسانه‌ای سفر رهبری انقلاب به قم و حضور در یکی از صحن‌های مسجد جمکران و برگزاری آیین احیاء شب نیمه شعبان در این مسجد و پخش ناگهانی و زنده آن از تلویزیون به‌صورت قرائت مناجات شعبانیه با همراهی جمع محدودی از علمای درجه اول شیعه و سنی و نیز رهبران مسیحی، کلیمی و زردشتی ایرانی و همزمان با ارسال نامه رهبری انقلاب به رهبران مذهبی برجسته جهان (با تأکید بر رهبران ادیان ابراهیمی) و دعوت ایشان به اقامه همزمان یک آیین جهانی و همگانی نیایش با پروردگار و التجاء به او در بحران بهداشتی اخیر در یک ساعت خاص.

این اندیشه هسته اصلی و قله یک پویش سلسله‌وار مذهبی- رسانه‌ای است. اجرای این پویش مبتنی بر یک سناریوی هوشمند است که در چارچوب امر «به صحنه آمدن» رهبران مذهبی تراز اول جامعه ایرانی به سیادت مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اتفاق می‌افتد. علاوه بر رهبران مذهبی، برخی مدیران عالی و قهرمانان نظام سلامت ترجیحاً وزیر بهداشت و یکی از معاونین او نیز در مراسم حاضر خواهند بود.

## ۵. مزیت‌های راهبردی اندیشه

- بهسازی نقش محوری دین و توجه به خدا در مناسبات عالم و جبران صدماتی که از ناحیه انزوای رهبران دینی و نیز تعطیلی اماکن مذهبی

---

1. media event.

انقلاب اسلامی و بازگشت به میراث توحیدی شیعه در مدیریت بحران‌های بزرگ □ ۳۲۷

و البته برخی کنش‌های جاهلانه مذهبی‌های افراطی بر موقعیت دین و متدینین عارض شده است؛

- بهسازی تصویر مخدوش ایران از کشوری آکنده از کشمکش‌ها و تعارضات فرهنگی، به‌سوی تصویری مبتنی بر وحدت، همدلی و عزم و نیت مشترک ملی؛
- بهسازی تصویر مخدوش نظام جمهوری اسلامی در رسانه‌های بین‌المللی به مثابه حکومتی خودرأی و بریده از نخبگان و برجستگان ایران و غیرمسئول نسبت به حقوق شهروندی و اقلیت‌ها، به‌سوی حکومتی معتبر، محترم و محور همگرایی و یکپارچگی ایران؛
- بهسازی وجهه پیشران و سلسله‌جنبانی انقلاب اسلامی در دلالت عالم به خدا و معنویت در انواع بحران‌های مادی و جهانی؛
- بهسازی تصویر نظام بهداشتی و سلامت پساانقلابی ایران، به مثابه نظام منحصر به فردی از ترکیب تکاپوهای تجربی و گرایش‌های غلیظ توحیدی و معنوی؛
- بهسازی گفتمان جذّاب و در حال رشد معارف و آرمان‌های «آخِرالزمانی» ناظر به منجی آخر و ظهور او به مثابه یادگار نجات‌بخش و فرزند همه پیامبران خدا؛
- بهسازی مناسبات رسانه‌ای و امر راهبردی «مدیریت تصویر ملی جمهوری اسلامی» از طریق تمرین و اجرای یک برنامه کلان افق گشا و جهش‌آفرین در این زمینه؛
- فارغ از اندیشه و صورت دعوت، متن نامه تاریخی رهبری می‌تواند به مثابه سند ماندگاری از هویت الهی و انسانی، جهانی و الهام‌بخش انقلاب اسلامی ایران -که ویژگی منحصر به فرد آن گشودن بن‌بست‌های

مادّی و زدودن انفعال از زندگی بشری است- باشد. برخی محتواها و مضامین اساسی که برای حضور در نامه اولویت دارند:

- در حوزه انسان‌شناسی: مضامین مربوط به ضعف و زمین‌گیری ذاتی انسان به مثابه مخلوق خداوند که عمدتاً در بحران‌ها به روشنی آشکار می‌شود و نیاز او به وابستگی به خداوند و پشتیبانی‌های مختلف او؛
- در حوزه هستی‌شناسی: دلالت به آمیختگی زندگی و حیات در عالم با سختی و دشواری و پیچیدگی‌های سنت‌های خداوند در عالم؛ همراهی عسر با یسر و انداز با تبشیر؛
- در حوزه فرجام‌شناسی: دلالت به فرجام نیک عالم و حاکمیت مستضعفان و بازگشت بازمانده نسل پیامبران بزرگ؛
- در حوزه تاریخ‌شناسی: دلالت به روند تطوّرات ادوار مختلف تاریخ زندگی انسان بر محوریت گونه‌های مختلف توجّه او به خدا و نسبت یابی‌اش با پیام‌آوران از جانب خداوند؛
- در حوزه دشمن‌شناسی: دلالت به نقش شیطان و انسان‌های گرویده به او در ایجاد مصائب و تکثیر مشکلات در زندگی آحاد بشر؛ اعم از نزاع‌های تسلیحاتی یا میکروبی و...؛
- در حوزه جهان‌شناسی: دلالت به موقعیت و صف‌آرایی‌های کنونی در جهان؛ اکثریت فقر و اقلیت غنی، روندهای قدرتمند اغوا و استضعاف رسانه‌های حاکم، ضعف سنت‌های بین‌المللی مدیریت مناسبات جهانی و لزوم بازنگری در آن، تشدید مدام مناسبات غیراخلاقی، ضددینی، ضدخانواده و... .

## ۲۱. کرونا و فضای مجازی در ایران

حامد فروزان<sup>۱</sup> - یدالله صادقی<sup>۲</sup>

### چکیده

امروزه جوامع شاهد فراگیری بی‌سابقه رسانه‌ها و وسایل ارتباطات جمعی مدرن و نوین هستند. رسانه و فضای مجازی، یکی از مهم‌ترین و پر دغدغه‌آفرین موضوعات به شمار می‌آید و به طور طبیعی آثار و پیامدهایی برای فرد، خانواده و جامعه به دنبال دارد. از عواملی که در تسریع سوق پیدا کردن به سمت فضای مجازی نقش مهمی ایفا کرده است، بیماری ویروسی بنام کرونا بود که در دسامبر ۲۰۱۹ در شهر ووهان چین با همه‌گیری در انسان شیوع پیدا کرد. در چنین شرایطی، رشد سریع و یکباره فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در فضای مجازی و شبکه‌های پیام‌رسان اجتماعی، باعث

---

۱. دکترای علوم ارتباطات از دانشگاه علامه طباطبائی، پژوهشگر فضای مجازی- نگارش: تیرماه ۱۳۹۹ /

Iranology.research@gmail.com

۲. دکترای مدیریت و برنامه‌ریزی و پژوهشگر شهر هوشمند / Pardis.farandishan@gmail.com

شد تا یکبار دیگر ضرورت تقویت دنیای مجازی مورد تأکید قرار گیرد. در شرایط کنونی ارتباط و پیوند ناگسستنی جامعه ایرانی با این ابزارها به طور فزاینده‌ای ادامه دارد و در اغلب از موارد نیز از حالت انتخاب به یک ضرورت تغییر مسیر داده است. با چنین ضرورتی، این مقاله در نظر دارد به بررسی ابعاد مختلف کرونا در تعامل با فضای مجازی بپردازد تا از این دریچه، تحلیلی نسبتاً جامع از ظرفیت‌ها و چالش‌های فضای مجازی در دوران تسلط این بیماری در ایران ارائه نماید. داده‌های پژوهش با شیوه اسنادی و میدانی (پرسشگری از خبرگان) متکی بر ابزار پرسش‌نامه، جمع‌آوری شد تا به اتقان لازم نسبت به گزاره‌های کرونا و فضای مجازی در ایران دست یابد. داده‌های اسنادی به شیوه تحلیل محتوا و داده‌های میدانی با آماره‌های درصد، میانگین و انحراف معیار مورد تحلیل قرار گرفت که با توجه به میانگین بالای ۴ و انحراف معیار پایین‌تر از ۵/۰ نشان از تأیید گزاره‌ها دارد. نتایج حاکی از نقش کرونا در تقویت بانک‌های اطلاعاتی، سرعت تصمیم‌گیری مدیریتی در فضای مجازی، تبادل اطلاعات در بستر فناوری اطلاعات، توسعه خدمات غیرحضوری، آموزش عمومی از راه دور، خلق فرصت‌ها و تهدیدها برای ارزش‌های دینی، حذف صف و انتظار، لزوم اهمیت مقابله با جنگ روانی دوران کرونا، چالش‌ها در مواجهه خانواده‌ها با دنیای مجازی، اغلب رونق و گاه رکود در کسب‌وکارهای مجازی و لزوم پرداختن به سواد رسانه‌ای در جامعه ایرانی است.

واژگان کلیدی: کرونا، فضای مجازی، ایران

## ۱. مقدمه

پیدایش فناوری‌های ارتباطاتی و اطلاعاتی، فرصت‌ها و تهدیدهای انقلاب اسلامی را چنان برجسته کرده که توجه خاص و جدی و سرمایه‌گذاری نظام

در این زمینه، از یک انتخاب به یک ضرورت تبدیل شده است. این یکی از جهاتی است که حوزه‌ی فضای مجازی را در نظر رهبری معظم به اندازه‌ی خود انقلاب اسلامی پراهمیت کرده است. به تعبیر رهبر معظم انقلاب اهمیت فضای مجازی به اندازه و معادل اهمیت انقلاب اسلامی است. معنای این تعبیر آن است که همان تحولی که انقلاب اسلامی ایجاد کرده فضای مجازی نیز می‌تواند ایجاد کند. مقایسه فضای مجازی با انقلاب اسلامی به‌خاطر ظرفیت‌های محیط مجازی است چون این محیط پر از ظرفیت است و حتی عدالت اجتماعی از طریق این فضا می‌تواند تبدیل به یک سیستم شده و تأمین گردد.

فناوری اطلاعات و ارتباطات در حال گرفتن تمام عرصه زندگی است. امروز تقریباً زندگی بدون اینترنت امکان‌پذیر نیست لذا سیاست‌های انقباضی در این زمینه جواب نمی‌دهد بلکه راه درست، اتخاذ سیاست‌های انبساطی و در کنار آن اعمال حاکمیت است که باید در پیش گرفته شود. دنیا تاکنون دو نوع استعمار را تجربه کرده که استعمار اول بر مبنای سلطه سرزمینی و استعمار دوم بر اساس استعمار فرهنگی بود اما استعمار سوم، استعمار مجازی است که دولت آمریکا می‌کوشد از طریق پرتال‌های بزرگی چون گوگل، یوتیوب، توییتر، ویکی‌پدیا و آی.ال.ای.دی و امثال آن این سلطه فراگیر مجازی را اعمال کند.

مسئله پژوهش این است که با ورود و همه‌گیری کرونا در ایران، چه تحولاتی از جنبه فضای مجازی در ایران روی داده و یا خواهد داد و ابعاد این موضوع کدام است؟ پژوهش پیش رو بر آن است که به بررسی و تحلیل ابعاد تأثیر بیماری همه‌گیر کرونا بر فضای مجازی در ایران پرداخته و در برخورد با مسائل احتمالی پیش رو و در مواجهه با این فضای بی‌منتی، به



روی سایر پژوهشگران و البته تصمیم‌گیران دریچه‌هایی بگشاید.

## ۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، توصیفی است، به این دلیل که با هدف تبیین جنبه‌های مختلف تأثیر کرونا در فضای مجازی در ایران انجام شده است. از رویکرد آمیخته که تلفیقی از دو روش کیفی و کمی است، استفاده می‌کند. به این صورت که ابتدا به صورت کیفی و با تحلیل منابع اسنادی، به تبیین جنبه‌های مختلف کرونا در فضای مجازی می‌پردازد. علاوه بر موردپژوهی، از روش پیمایش به عنوان یک روش کمی برای گردآوری و تحلیل داده‌ها، استفاده می‌نماید.

به دلیل تخصصی بودن موضوع، جامعه آماری شامل اساتید، کارشناسان حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات و مدیران حوزه‌های مختلف مرتبط با فضای مجازی است.

با توجه به تخصصی بودن موضوع و اینکه حجم جامعه به صورت دقیق مشخص نیست و تنها می‌توان برآوردی از حجم جامعه ارائه نمود، لذا انتخاب یک حجم نمونه دقیق دشوار به نظر می‌رسد. برای این کار از قوانین راسکو<sup>۱</sup> که برای تعیین حجم نمونه پیشنهاد داده است، استفاده می‌شود:

- حجم نمونه‌های بیشتر از 30 و کمتر از 500 برای اکثر پژوهش‌ها مناسب هستند.

- در جایی که گروه‌های نمونه باید به گروه‌های فرعی شکسته شوند، حداقل حجم نمونه 30 برای هر طبقه لازم است.

- در پژوهش چندمتغیره (شامل تحلیل رگرسیون چند متغیری)، حجم

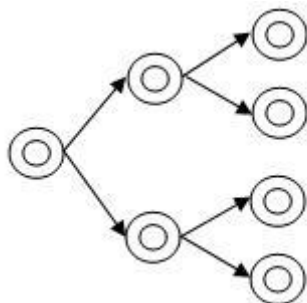
نمونه باید چند برابر (ترجیحاً ده برابر یا بیشتر) از متغیرهای مورد مطالعه باشد.

- برای پژوهش تجربی ساده با کنترل آزمایشی شدید، پژوهش موفق با نمونه‌هایی به کوچکی 10 تا 20 نیز میسر است.

با توجه به نوع سؤالات، تحقیق مورد نظر به عنوان یک قاعده کلی، معمولاً حجم نمونه بین 30 و 500 کارآمد است (سکاران، ۱۳۸۰: ۳۳۴-۳۳۵).

شیوه انتخاب نمونه‌ها، نمونه‌گیری گلوله برفی بوده است که یک روش غیرتصادفی است و از سوی محققان برای شناسایی افراد بالقوه در مطالعاتی که یافتن افراد یا موضوع مورد بررسی دشوار است و به یک گروه بسیار کوچک محدود می‌شود مورد استفاده قرار می‌گیرد. این روش مانند زنجیر عمل می‌کند و شبیه این حالت است که یک نفر شما را به افراد دیگری با همان موضوع یا صفت معرفی می‌کند و سپس پژوهشگران به مشاهده و بررسی افراد معرفی شده می‌پردازند و این روند تا زمانی که به تعداد کافی از افراد دست یابیم ادامه دارد. برای مثال، اگر قرار باشد روی افراد دربارهی یک بیماری نادر تحقیق شود، باید از روش گلوله برفی استفاده کرد زیرا یافتن افراد سخت و دشوار است. همچنین ممکن است افرادی که دارای بیماری مشابهی هستند، توسط یک گروه حمایت شوند، در نتیجه مشاهده و بررسی یکی از آنها به عنوان موضوع اولیه باعث می‌شود پس از آن افراد بیشتری مورد مطالعه قرار گیرند. به طور مشخص، از بین انواع شیوه‌های نمونه‌گیری، شیوه نمونه‌گیری گلوله برفی غیر متمایز مورد استفاده قرار گرفت (نمودار 18).

۳۳۴ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۳)



نمودار 18: شیوه نمونه‌گیری گلوله برفی غیرمتمايز

پژوهش از نظر زمانی در بهار سال ۱۳۹۹ انجام شده است. گام‌های اجرایی پژوهش به شرح زیر خلاصه می‌شود: (نمودار 19).

۱	• تشریح مسأله
۲	• مطالعه مبانی
۳	• تحلیل محتوا/شیوه اسنادی
۴	• تجزیه و تحلیل یافته‌های میدانی
۵	• جمع بندی و نتیجه گیری

نمودار : 19 فرایند انجام پژوهش

### ۳. مبانی نظری

رشد روزافزون جمعیت شهری و تأثیرات ناشی از آن همچون ترافیک، آلودگی هوا، هماهنگی در میان مدیران شهری و شهروندان، جابه‌جایی برای دسترسی به خدمات و اطلاعات و رفت‌وآمدهای کاذب درون‌شهری و بعضاً میان شهری،

اتلاف وقت در صف‌های طولانی و... زندگی در شهرها را برخلاف گذشته بسیار پیچیده‌تر و به میزان زیادی متنوع‌تر نموده است. پیچیده شدن مسائل شهری گسترش و دگرگونی زیادی در حوزه مدیریت شهری به وجود آورده است. مدیریت شهری مسئولیت ارائه انواعی از خدمات شهری و عمومی به جامعه شهری را بر عهده دارد و این مستلزم به‌کارگیری روش‌های نوین مدیریت شهری است. شهرها محل استقرار هر پدیده نوین و جایگاهی برای پیشبرد فناوری و توسعه به حساب می‌آیند. در عصر حاضر استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات از جمله مهم‌ترین ابزارهایی است که می‌تواند در ایفای نقش مدیران شهری و ارائه خدمات در اختیار مدیریت شهری قرار گیرد. امکاناتی که فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی برای مدیریت شهری فراهم می‌آورد، تلاش مدیران شهری را در استفاده بیشتر از این امکانات افزایش می‌دهد. استفاده مفید و مؤثر از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای بهبود مدیریت شهری و استفاده از آن برای افزایش کارایی عملکرد این مدیریت، نیازمند شناخت ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات و کاربردهای آن در مدیریت شهری است. بنابراین آنچه مهم است نه تنها شناخت این تکنولوژی نوین بلکه بازتاب آن در جامعه شهری و به‌طور عینی‌تر و صریح‌تر تأثیر آن بر توسعه و مدیریت شهری است.

آدمی از زمان ظهور بر سیاره‌ای که زادگاهش به‌شمار می‌آید، دو دوره مهم تاریخی را پشت سر گذاشته و اینک در آستانه سومین دوره قرار گرفته است. نخستین دوره، که آغاز آن به زمان انقلاب صنعتی باز می‌گردد، تلاش برای سلطه به طبیعت و متهور ساختن آن است. تاریخ نگاران نشان داده‌اند که دست کم دو انقلاب صنعتی وجود داشته است. انقلاب اول: در ثلث آخر قرن هیجدهم آغاز شد که مشخصه آن تکنولوژی‌های جدید ماشینی همچون

ماشین بخار و ماشین نخ ریزی است. انقلاب دوم: با اختراع برق، موتورهای درون‌سوز، صنعت شیمی با مبنای علمی، ریخته‌گری کارآمد فولاد و پیدایی تکنولوژی ارتباطی همراه با گسترش تلگراف و اختراع تلفن همراه است. در سومین دوره که ظهور "جامعه شبکه‌ای" یکی از ویژگی‌های آن به‌شمار می‌آید در واقع، تکنولوژی اطلاعاتی و ارتباطات، امکان ظهور جامعه شبکه‌ای را فراهم آورده است که افراد و جوامع را در درون قالب‌های تازه، هویت‌های تازه می‌بخشد و تعاریف تازه‌ای از انسان عرضه می‌دارد. درعین‌حال خود این شبکه تحت تأثیر دینامیسم داخلی، دستخوش تغییرات دائمی و در نتیجه ایجاد الگوهای جدید زیستی و حیاتی در نقاط مختلف است (کستلز، ۱۳۸۰).

### ۳-۱. عصر ارتباطات و فناوری اطلاعات

در چند دهه اخیر بروز تحولات گسترده در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات، تغییرات عمده‌ای را در عرصه‌های متفاوت زندگی انسان‌ها به دنبال داشته است. انسان همواره از فناوری‌ها استفاده نموده و حیات بشریت، سرشار از ابداع فناوری‌های متعددی است که جملگی در جهت تسهیل زندگی انسان به وجود آمده‌اند. در سالیان اخیر، فناوری اطلاعات و ارتباطات که از آن به‌عنوان فناوری‌های جدید، یاد می‌شود، بیشترین تأثیر را در زندگی انسان‌ها داشته است. دنیای ارتباطات و تولید اطلاعات به سرعت در حال تغییر بوده و امروزه می‌توان شاهد همگرایی آنان بیش از گذشته با یکدیگر بود، به گونه‌ای که داده<sup>۱</sup> و اطلاعات<sup>۲</sup> به سرعت و در زمانی غیرقابل تصور به دورترین نقاط کره خاکی منتقل و در دسترس استفاده‌کنندگان قرار می‌گیرد و باعث ایجاد مفهوم دهکده جهانی شده است.

---

1. Data

2. Information

باید اذعان داشت که در این زمان قدرت تخیل و تجسم انسان از فناوری عقب مانده است. آیا می‌توان تصور کرد که کامپیوترهای آینده و حتی ۵ الی ۱۰ سال آینده چگونه خواهند بود؟ با نگاهی به گذشته، می‌توان دید که کامپیوترها هر روز کم حجم تر و سبکتر می‌شوند و از سوی دیگر، سرعت پردازش آنها نیز بالا می‌رود. اما مگر تا چه حد می‌توان اندازه کامپیوترها را کوچک کرد. اگر بیشتر از این کوچک شوند، حداقل مشکلی که به نظر می‌رسد، مشکل تایپ کردن است. با کمی دقت مشخص می‌شود که برای تایپ کردن يك پیام کوتاه (اس ام اس) در تلفن همراه چقدر مشکل وجود دارد. آیا این مشکل حل می‌شود؟ چگونه؟ فناوری ادعا می‌کند که انسان هرچه که بخواهد می‌توانم برایش فراهم کند. حتی اگر کسی بخواهد دست یکی از دوستان خوب خود را در آن سوی دنیا بفشارد، فناوری می‌گوید که این امکان را آن فرد می‌دهد. این عمل در حال حاضر با پوشیدن يك دستکش الکترونیکی و اتصال آن به اینترنت شدنی است و حتی گرمای دست آن را هم به فردم‌نظر منتقل می‌کند. آیا می‌توان تصور کرد که مانیتورهای آینده به چه صورت می‌باشند؟ آیا باورکردنی است که مانیتورهای نسل آینده، دیگر به طور فیزیکی حجم نداشته و تصویر را در فضا تشکیل می‌دهند؟ حتی می‌توان گوشه تصویر تشکیل شده در فضا را گرفته و آن را به هر سمت دلخواه منتقل کرد. مثلاً این تصویر را در بالای سر برده و بعد خوابیده و به فیلم دلخواه خود نگاه کرد. بنابراین دنیای جدیدی در حال شکل‌گیری است که به هیچ عنوان در امتداد گذشته نیست. بدون شك مهم ترین و در عین حال اثربخش ترین پیشرفت در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات به ایجاد وب<sup>۱</sup> برمی‌گردد. به منظور آشنایی با جایگاه واقع "وب"، کافی است به

---

1. Web

ضریب نفوذ آن پس از ابداع توجه گردد. پس از ایجاد هر فناوری، مدت زمانی به طول می انجامد تا فناوری موردنظر مورد استفاده قرار گیرد (ضریب نفوذ). مثلاً تلفن پس از 74 سال، رادیو پس از 38 سال، کامپیوترهای شخصی پس از 16 سال، تلویزیون پس از 13 سال و "وب" پس از ۴ سال موفق به جذب بیش از پنجاه میلیون استفاده کننده<sup>۱</sup> شده‌اند.

### ۳-۱-۱. مفهوم فناوری اطلاعات و ارتباطات<sup>۲</sup>

در دو دهه اخیر، واژه فناوری اطلاعات یا فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان یک پدیده نوظهور و قدرتمند، جایگاه جهانی خود را پیدا کرده است و به نظر می‌رسد به زودی کاربردهای مختلف آن، تمام امور روزمره جوامع را - به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم- تحت تأثیر خود قرار دهد. سرعت تأثیرگذاری و گسترش این پدیده بسیار زیاد است به طوری که از هم اکنون انتظار می‌رود در ساختارهای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و همچنین در بنیان‌های سنتی اداره جوامع، تحولات اساسی رخ دهد و سیستم جدیدی از مدیریت معرفی گردد. فناوری اطلاعات و ارتباطات و کاربردهای آن در جهان به اندازه‌ای تأثیرگذار بوده است که سران کشورهای جهان با برگزاری دو اجلاس مهم (در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ میلادی در ژنو و تونس) پایه‌های اصول جامعه اطلاعاتی را شکل دادند و با تهیه برنامه‌های اصولی و علمی برای جامعه اطلاعاتی جهانی، خود را برای تغییرات بیشتر آماده کردند (جلالی، ۱۳۸۴).

مفهوم فناوری اطلاعات<sup>۳</sup> با تنوع تعریف و نظرات درباره آن مواجه است.

---

1. User

2. Information and Communications Technology (ITC)

3. Information Technology (IT)

فناوری اطلاعات مجموعه روش‌ها، ابزارهای تهیه، تدوین و استفاده از اطلاعات است. فناوری اطلاعات در رشته کتابداری، در دانشنامه کتابداری و اطلاع رسانی، به این صورت تعریف شده است:

- توسعه و تدوین منابع اطلاعاتی به وسیله رایانه و ایجاد ارتباط از راه دور به وسیله کانال‌های الکترونیکی، به نحوی که دسترسی به پایگاه‌های اطلاعاتی از طریق تلفن و ارتباط تلویزیونی میسر گردد و برون داده‌های رایانه‌ای، در قالب‌های الکترونی قابل انتقال به گیرنده‌های دوردست شوند.
- مجموعه ابزارهای ارتباطی، اعم از وسایل ارتباط از راه دور، ابزارهای دیداری و شنیداری و ماشین‌های مربوط، توأم با دانش و شیوه مهارت استفاده از آنها در تولید، پردازش و انتقال اطلاعات به جامعه استفاده کنند.
- فراهم‌آوری، پردازش، ذخیره، بازیابی و اشاعه اطلاعات شفاهی، تصویری، نوشتاری و رقومی به وسیله وسایل الکترونیکی، رایانه و ارتباط از راه دور.

اهمیت روزمره اطلاعات در جوامع مختلف، انگیزه تلاش‌های مبدعان و فناوران برای اختراع و نشر روش‌ها و ابزارهای جدید برای تسهیل گردآوری، پردازش، نگهداری و انتشار اطلاعات مورد نیاز بوده است. انجمن فناوری اطلاعات امریکا<sup>۱</sup>، فناوری اطلاعات را شامل «مطالعه، طراحی، توسعه، پیاده‌سازی، پشتیبانی یا مدیریت سیستم‌های اطلاعاتی مبتنی بر رایانه، خصوصاً برنامه‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری» رایانه تعریف کرده است. طارق خلیل، رئیس انجمن بین‌المللی مدیریت فناوری نیز مفهوم فناوری را کلید



دانش‌ها، فرایندها، ابزارها، روش‌ها و سیستم‌های به‌کار رفته در ساخت محصولات و ارائه خدمات، تعریف کرده است. (باقری، ۱۳۸۱) به سخن دیگر تبدیل، ذخیره، حفاظت، پردازش، انتقال و بازیابی اطلاعات به شکل مطمئن و امن فناوری اطلاعات گویند. (شکیبا، ۱۳۸۹) بدین ترتیب فناوری اطلاعات و ارتباطات به‌عنوان پدیده‌ای جامع و فراگیر در طیف کامل فعالیت‌های بشری از کاربردهای شخصی گرفته تا فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی تأثیرگذار است. چرا که به‌عنوان ابزاری چندمنظوره، انعطاف‌پذیر و دارای قابلیت‌های متعدد در نظر گرفته می‌شود، که امکان راه‌حل‌های مناسب را در قالب کاربردهای فردی یا محلی، جهت تأمین نیازهای مختلف فراهم می‌آورد. (UNDP, 1384)

سخت‌افزار و نرم‌افزارهای اینترنتی، داده‌ها، روش‌های تحلیل و پردازش داده‌ها، ایجاد و نگهداری بانک‌های اطلاعاتی و انتشار و در دسترس قرار دادن اطلاعات، مهم‌ترین عناصر فناوری اطلاعات هستند. پیدایش جوامع اطلاعاتی و ارزش دادن به اطلاعات در ترتیب‌بندی سطح توسعه‌یافتگی جوامع، مهم‌ترین نتیجه استفاده از فناوری اطلاعات است. نیاز به اطلاعات و سرعت در فناوری اطلاعات در کنار یکدیگر توجه جوامع را به خود جلب کرده‌اند. تسهیلات ارتباطی، مؤلفه مهم دیگری از جامعه اطلاعاتی است که مکمل ابزارهای اطلاعاتی است. همراهی این دو مفهوم، فناوری اطلاعات و ارتباطات را پدید می‌آورد. ارتباطات بستری برای تسهیل مدیریت اطلاعات با استفاده از ابزارهای مورد استفاده هر دو است. گردآوری، پردازش و انتشار اطلاعات، نیازمند ابزارهای ارتباطی به‌خصوص شبکه مخابراتی است. از این رو مفهوم فناوری اطلاعات و ارتباطات برای رفع نیازهای مدیریت شهری و تسهیل آن ارجحیت بیشتری دارد (تولائی، ۱۳۸۸).

فناوری اطلاعات بسیار فراتر و مبهم‌تر از علم رایانه است. این اصطلاح در دهه ۱۹۹۰ میلادی جایگزین اصطلاحات پردازش داده‌ها و سیستم‌های اطلاعات مدیریت شد که در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ بسیار رایج بودند. فناوری اطلاعات معمولاً به تولید، پردازش، نگهداری و توزیع اطلاعات در مؤسسات بزرگ اشاره دارد (شکیبا، ۱۳۸۹).

آنچه که مسلم است فناوری اطلاعات به منزله یک سلاح و ابزار جدید برای فعالیت در جهان معاصر محسوب می‌شود که عدم استفاده از آن انزوای کشور و در نهایت حذف شدن از جامعه جهانی را به دنبال خواهد داشت. تجارب گوناگون سازمان‌های مختلف در سطح دنیا نشان می‌دهد که فناوری اطلاعات به راحتی بسیاری از مشکلات سیستم‌های اطلاعاتی را رفع می‌کند. فناوری اطلاعات قابلیت‌های زیادی در رفع مشکلات سازمان‌ها دارد. به عنوان نمونه به چند مورد از مزایای فناوری اطلاعات اشاره می‌شود:

- **افزایش سرعت:** محاسبه و پردازش سریع اطلاعات و انتقال فوری آن، زمان انجام کار را کاهش و در نتیجه بهره‌وری را افزایش می‌دهد. فناوری اطلاعات امکان جستجو و دستیابی سریع به اطلاعات را نیز فراهم می‌کند.
- **افزایش دقت:** در مشاغل مبتنی بر انسان، دقت انجام کار متغیر است؛ درحالی‌که فناوری اطلاعات دقتی بالا و ثابت را تأمین و تضمین می‌کند. در انواع فعالیت‌های پردازشی و محاسباتی دقت کامپیوتر به مراتب بیشتر از انسان است.
- **کاهش اندازه فیزیکی مخازن اطلاعات:** با توسعه فناوری اطلاعات و به کارگیری آن دیگر لزومی به حمل و نگهداری حجم زیادی از کتاب‌های

مرجع تخصصی وجود ندارد. به راحتی می‌توان در هر دیسک فشرده اطلاعات چندین کتاب و کتابخانه را ذخیره نمود.

- **کاهش فساد اداری:** استفاده از فناوری اطلاعات شفافیت در انجام کارها را افزایش می‌دهد و بسیاری از واسطه‌ها را حذف می‌کند. این دو مزیت کلیدی منجر به رفع برخی از فسادهای اداری خصوصاً در سطوح پایین می‌شوند.

- **ایجاد امکان کار تمام وقت:** به کمک فناوری اطلاعات بسیاری از استعلام‌ها و مراجعات افراد و غیره از طریق شبکه‌های کامپیوتری و به صورت خودکار انجام می‌گیرد. بنابراین می‌توان به صورت ۲۴ ساعت در شبانه روز و ۷ روز در هفته از آن بهره گرفت.

- **ایجاد امکان همکاری از راه دور:** مخابرات، تلفن، تله کنفرانس، ویدئو کنفرانس و همچنین سیستم‌های همکاری مشترک و... نمونه‌هایی از کاربردهای فناوری اطلاعات در این زمینه هستند.

- **کاهش هزینه‌های سیستم یا سازمان:** با توجه به موارد فوق به خصوص افزایش سرعت که باعث انجام تعداد کار بیشتر و انجام کار تمام وقت می‌شود، بهره‌وری سیستم افزایش می‌یابد و در نتیجه باعث کاهش مقدار زیادی از هزینه‌ها می‌گردد.

از آنجا که يك جامعه شهری ترکیبی است از مردم و محیطی مرکب از سازمان‌ها، ادارات و مراکز خدماتی که به‌طور مداوم و مستمر با یکدیگر در حال تعامل هستند، در کلان‌شهرهایی نظیر تهران حجم این تعاملات چنان زیاد است که میزان کارایی آنها تأثیر چشم‌گیری در کیفیت زندگی روزمره مردم دارد. لذا با توجه به قابلیت‌های ذکر شده در مورد فناوری اطلاعات، به نظر می‌رسد به کمک این فناوری بتوان گام‌های مثبت زیادی در جهت دست

یافتن به اهداف و چشم‌اندازهای يك جامعه شهری نیز برداشت. (صادقی، ۱۳۸۴)

فناوری اطلاعات متشکل از ۴ عنصر اساسی، یعنی انسان، سازوکار، ابزار و ساختار است. به این ترتیب، در این فناوری، اطلاعات از طریق زنجیره ارزشی که از به هم پیوستن این عناصر ایجاد می‌شود، جریان می‌یابد و پیوسته تعالی و تکامل سازمان را فرا راه خود قرار می‌دهد.

- انسان: منابع انسانی، مفاهیم، اندیشه و نوآوری
- سازکار: قوانین، مقررات و روش‌ها، سازوکارهای بهبود و رشد، سازکارهای ارزش‌گذاری و مالی
- ابزار: نرم افزار، سخت افزار، شبکه و ارتباطات
- ساختار: سازمانی، فراسازمانی مرتبط و جهانی.

فناوری اطلاعات در هزاره سوم، عمده‌ترین محور تحول و توسعه در جهان منظور شده است و دستاوردهای ناشی از آن، آن‌چنان با زندگی مردم عجین شده است که روی‌گردانی از آن، اختلالی عظیم در جامعه و در رفاه و آسایش مردم پدید می‌آورد. برای مثال، رایانه‌ای شدن بسیاری از امور جاری مردم، انجام بسیاری از کارهای روزمره بانکی با استفاده از اینترنت و شبکه‌های ارتباطی در منزل، آموزش الکترونیکی و مجازی و عدم نیاز به حضور در کلاس‌های درس و توسعه و ترویج تجارت الکترونیکی از نتایج و دستاوردهای فناوری اطلاعات است. اموری که هرچند در مراحل اولیه رشد و تکامل خود هستند، اما در همین حد نیز در رفاه و آسایش انسان نقش بسیار مهمی دارند (تولائی، ۱۳۸۸).

### ۳-۱-۲. موضوع حکمرانی

در سوق جوامع به سمت فضای مجازی، عوامل و انگیزه‌های مختلفی نقش

داشته‌اند. بروز یک بیماری همه‌گیز همچون کرونا، یکی از این انگیزه‌های قوی است. اکنون با یک امر میان‌رشته‌ای و بلکه فرارشته‌ای مواجه هستیم که نباید یک وجهه آن غلبه پیدا کند و باید ابعاد مختلف این پدیده به شکل جدی مورد تأمل قرار بگیرد و جهی از این پدیده، جنبه بهداشتی است که مربوط به دانش‌های وابسته به پزشکی است. وجه دیگر مربوط به حوزه علوم انسانی و علوم شناختی و همچنین دانش‌های تمدنی و فلسفه تاریخ و حوزه رسانه و امثال اینها است. حتی جنبه امنیتی و جنگ بیولوژیکی هم مورد توجه قرار گرفته و آمادگی‌هایی برای مقابله با این تهدید فراهم شده است. این بیماری نوعی گسست اجتماعی ایجاد کرده است، به طوری که بعضی از صاحب‌نظران جهانی درباره دنیا پساکرونا شروع به نظریه‌پردازی کرده‌اند. این حوادث نشان می‌دهد که این واقعه، جدی‌تر و فراتر از یک پدیده یک‌بُعدی بهداشتی و پزشکی است. با در نظر گرفتن گستردگی و بزرگی این واقعه و فرض پایداری این شرایط، این احتمال وجود دارد که در کنار همه جنبه‌هایی پیش‌گفته، مقصد جدی‌تر و بزرگ‌تری هم در پشت‌صحنه وجود داشته باشد و آن، عبور دادن جامعه جهانی از نظم کنونی زندگی به یک سامان و نظم جدید است. به دنبال تغییر مفهوم و سازوکارهای حکمرانی بر جهان و ایجاد یک نظم پیچیده‌تر مادی، یعنی عبور از حاکمیت کنونی قدرت‌های مادی بر جهان به سمت حاکمیت مجازی و حکمرانی مجازی و سایبری باشند که فضایی مدیریت‌پذیرتر، خشک‌تر و سخت‌تر است<sup>۱</sup>.

آنگونه که کتاب الگوی شش ضلعی حکمرانی ج.ا.ا. در فضای مجازی آورده است، فضای مجازی در زمان حاضر در تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی مردم جهان نفوذ کرده و در حال ایجاد یک تمدن جدید بشری است که از

1. <https://www.hamshahrionline.ir/news/496769>

تمدن‌های قبل به مراتب فراگیرتر است. بدون شک حکمرانی چنین فضایی امری بسیار پیچیده و خطیر می‌باشد که از یک طرف با تسهیل ارتباط و ارائه فناوری‌ها و خدمات جدید و شگفت‌آور ضریب نفوذ بسیار بالایی داشته و بسیار سریع‌تر از فرهنگ غرب در حال هضم کردن کاربران یعنی مردم خود است و از طرف دیگر با قابلیت‌های خود در حال تبدیل کردن حاکمیت ملی-حکومتی به یک حاکمیت شبکه‌ای-شرکتی فرامرزی است. این مسئله بیش از سایر کشورها برای جمهور اسلامی ایران یک تهدید حساب می‌شود؛ چرا که این کشور همواره در معرض تهدیدات دشمنان خود به خصوص جریان صهیونیسم قرار دارد و اکثر شرکت‌های بزرگ و صاحب نفوذ در فضای مجازی تحت سلطه این جریان هستند. لذا بررسی مسئله حکمرانی در کشور ما اهمیت بسیار بالایی داشته و همت ویژه‌ای را می‌طلبد<sup>۱</sup>.

### ۳-۱-۳. رویکردهای چندگانه مواجهه جمهوری اسلامی با فضای مجازی

امروز، از یک سو در عرصه سیاسی و اجتماعی در دنیا می‌توان شاهد امواج مختلف انقلاب اسلامی ملت ایران بود که در سرزمین‌های اسلامی در قالب موج بیداری اسلامی و هویت یابی مردم مسلمان در مسیر تبلور امت اسلامی نمود یافته و پایه های دموکراسی غربی را تا جایی به چالش کشید. نمونه بارز آن جنبش دموکراسی خواهی جدید در قالب جنبش ۹۹ درصدی امریکا و اروپا است و پیش‌بینی می‌شود به سرعت توازن قدرت به ضرر نظام استکباری جهانی تغییر یابد. از سوی دیگر همزمان با پیشرفت فناوری می‌توان گذار از عصر اقتصاد و صنعت "انرژی پایه" به اقتصاد و صنعت "اطلاعات پایه" را مشاهده کرد. چنانکه از آن به‌عنوان "عصر دانش و فناوری

---

۱. مرکز ملی فضای مجازی <http://majazi.ir/elib/86269>

اصلاعات "یاد می‌شود و اساساً در سطح فراگیر جهانی یک پویش جدید و البته آینده دار محسوب می‌شود که در رأس همه اینها یک فضای جدید در دنیا تحت عنوان "فضای مجازی" شکل می‌گیرد.

"فضای مجازی" واقعاً یک فضا است یعنی ساحت‌های مختلف و شئون مختلف زندگی در آن باز تعریف می‌شود و ابعاد متعدد واقعی در زندگی ما دارد. ابعاد اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و البته امنیتی. "انقلاب اسلامی" هم یک حقیقت زنده و جریانی واقعی در عصر حاضر دارد که در صدد تغییر نظم مسلط استکباری در دنیا به سمت نظم جدید بر پایه آزادی موردنظر آفریننده عالم برای همه انسانها و در نتیجه مردم سالاری واقعی برپایه اسلام است.

در بررسی نسبت "انقلاب اسلامی" و "فضای مجازی" چند رویکرد کلی قابل مشاهده است که براساس هریک، قضاوت‌های مختلف در خصوص جزئیات و شیوه مواجهه و مدیریت فضای مجازی پیدا می‌شود:

**رویکرد اول:** "ما تا حدودی می‌توانیم؛ یعنی ما میتوانیم فضای مجازی را در مسیر اهداف انقلاب اسلامی به کار گرفته و تا حدی مدیریت کنیم که برای انقلاب اسلامی تهدید ساز نباشد و ضمناً از برخی از فرصت‌های آن برای انتشار پیام‌های انقلاب اسلامی بهره ببریم. بر اساس این رویکرد بدون اینکه زیرساخت‌های سخت افزاری یا نرم افزارهای پایه شبکه را تغییر بدهیم، درلایه‌های خدمات مبتنی بر شبکه تغییراتی اصلاحی انجام بدهیم و با بومی سازی برخی خدمات اینترنتی از قبیل موتور جستجو و برخی از شبکه‌های اجتماعی از تولید و انتشار محتواهای خودی و حاوی پیام‌های انقلاب اسلامی در سطح اینترنت حمایت کنیم.

**رویکرد دوم:** "ما نمی‌توانیم؛ برپایه این رویکرد، فضای مجازی موجود و

بویژه اینترنت موجود یک فضای مجازی بی‌طرف است که با تشریک مساعی جهانی ساخته شده است فلذا ما نمی‌توانیم نقش فعالی در مدیریت این شبکه داشته باشیم. ذیل این رویکرد دو نگاه قوت می‌یابد: یکی در افراطی‌ترین شکل خود معتقد است حال که اینترنت موجود یک سوگیری یک طرفه دارد و تنها مدل قابل تصور از توسعه فضای مجازی است، پس همچون آبهای آزاد بین‌المللی است که ما هم از آن استفاده می‌کنیم و بدون دخل و تصرف سعی می‌کنیم به سهم خود محتوایی را در این اقیانوس بریزیم تا ضمن ادای دین خود به آن، امیدوار باشیم که با هزینه کردن جهت افزایش محتوای خودی، در این اقیانوس ما هم دیده شویم و چون "ما نمی‌توانیم" پس به این امید که از موج تکنولوژی آن عقب نباشیم همواره اولین نفری باشیم که با کمترین دخل و تصرف و حتی بدون بررسی تبعات آن، آن را تا اقصی نقاط کشور شیوع دهیم و امیدوار باشیم که به موجب این همراهی داوطلبانه با موج تکنولوژی به اصطلاح بین‌المللی مورد تشویق بین‌المللی باشیم و امتیازاتی و احیاناً اولویت‌هایی برای پیاده‌سازی "ورژن‌های" بعدی برای ما قائل شوند. یعنی به امید لطف و رحمت کشورهای بیگانه، افراد کوشا و مطیعی برای جامعه بین‌الملل موجود باشیم.

اما در نگاه دیگر که به شکل تفریطی بروز خواهد کرد این است که چون "ما نمی‌توانیم" دخل و تصرف در تکنولوژی داشته باشیم و نگران تبعات نفوذ تکنولوژی خارجی هستیم پس راه را بر اصل تکنولوژی ببندیم تا از صدمات آن در امان باشیم.

**رویکرد سوم:** "ما نباید بتوانیم" این رویکرد به‌صورت هوشمندانه از سوی دشمنان انقلاب اسلامی به همفکرانشان در داخل القاء می‌شود که برای رفع هرگونه تنش یا جلوگیری از سوء تفاهم در خصوص رقابت با غرب ما نباید



بتوانیم در تکنولوژی وارداتی اینترنت دخل و تصرف و هرگونه مدیریتی اعمال کنیم. چرا که طرف خارجی و غربی روی این موضوع حساس شده و منافع ما در دنیا به خطر می‌افتد و نمی‌توانند به ما اطمینان کنند لذا ما از علم و دانش و فن آوری محروم می‌شویم پس بر این اساس "مانباید بتوانیم" در فضای مجازی مدیریت انقلاب اسلامی را طراحی و پیاده سازی کنیم چون موجب تنش می‌شود.

**رویکرد چهارم:** "ما قطعاً می‌توانیم" در چهارچوب این رویکرد با توجه به این که اساساً فن آوری بعنوان مؤلفه مهم قدرت باید در استخدام انقلاب اسلامی باشد به بازطراحی تخصصی ارکان فضای مجازی مبتنی بر نیازهای واقعی پرداخته می‌شود و از موضع فعال با تداوم وابستگی فناورانه فضای مجازی موجود که تأمین کننده منافع طراحان استعمارگر اولیه آن است مقابله می‌شود. این رویکرد شیوه هوشمندانه مبتنی بر فن آوری بومی موجود در میان متخصصان جوان کشور را برای مواجهه با فن آوری وابسته تجویز می‌کند. براین پایه، در عصر حاضر فضای مجازی در لایه های مختلف از زیرساخت سخت افزاری تا محتوا باید همسو با منافع امت اسلامی باز تعریف شود و با توجه به توان، دانش و تخصص موجود در امت اسلام و ظرفیت جوانان به پاخواسته که مهمترین مزیت در فضای مجازی محسوب می‌شوند، بایستی بجای صرفاً رضایت حداقلی به انتشار پیام انقلاب اسلامی در فضای مجازی موجود، به دنبال "انقلاب اسلامی در فضای مجازی" باشیم. برای تحقق "انقلاب اسلامی" در "فضای مجازی" بایستی در همه سطوح مختلف فضای مجازی اعم از زیرساخت، شبکه، سخت افزار، نرم افزار، سرویس و البته محتوا، یکبار دیگر پیام "ما میتوانیم" انقلاب اسلامی را به شکلی جدید در قالب شعارهای اصلی انقلاب هجی کنیم: "استقلال، آزادی،

جمهوری اسلامی" و "نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی". این شیوه جدید از تفسیر شعارهای عمیق و راهبردی انقلاب اسلامی متناسب با شکل گیری نوعی جدید از فضای زندگی یعنی فضای مجازی رویکردی مهم در نحوه مدیریت فن آوری را به دنیا معرفی خواهد کرد. الگویی که در مقابل چشمان بهت زده قطب استکباری مسلط، به سرعت معادلات ظاهرا قطعی جهانی را به نفع مردمان آزاده در دنیای حاضر تغییر خواهد داد. بنظر می‌رسد تنها با رویکرد اخیر می‌توان به عمق راهبردی تصمیم یک سال پیش رهبر انقلاب اسلامی در تشکیل شورای عالی فضای مجازی پی برد و درک کرد که چرا ارزش فضای مجازی را معادل ارزش انقلاب اسلامی مطرح فرمودند<sup>۱</sup>.

#### ۴- بحث و بررسی؛ فضای مجازی، کرونا و جمهوری اسلامی

##### ۴-۱. غیاب در فضای حقیقی و حضور در فضای مجازی

در روزهای خلوت کرونایی که قدم زدن معمولی در فضای عمومی برای انسان تهدید محسوب می‌شد، فقط ابزارهای مجازی و شبکه‌های پیام‌رسان اجتماعی نبودند که سنگینی لحظات قرنطینه را از یاد بردند. زندگی بدون گوشی تلفن همراه، اینترنت، شبکه‌های پیام‌رسان اجتماعی، تلویزیون و حتی ابزارهای مدرن تکنولوژی در روزهای کرونایی نه تنها غیرقابل تصور و دشوار است، بلکه این امکانات به حقیقت‌های زندگی جامعه تبدیل شدند. از اخبار ابتلا و انتقال زنجیره ویروس کرونا گرفته تا دستورالعمل‌ها و نکات بهداشتی برای مقابله و پیشگیری از این بیماری نیز از طریق فضای مجازی مخابره می‌شود و به عبارت دیگر بدون فضای مجازی شاید نتوان به این

---

1. <https://nahad.qiau.ac.ir/index.aspx?key=docs&id=777>

راحتی قوانین را تبیین کرده و سیاست‌ها را اجرایی نمود.

#### ۴-۲. کرونا و تقویت بانک‌های اطلاعاتی

گردآوری، ذخیره، پردازش و نمایش اطلاعات یکی از مهم‌ترین و وقت‌گیرترین فعالیت‌ها در مدیریت شهری می‌باشد. در روش‌های سنتی متکی بر نیروی انسانی صرف، اغلب اطلاعات محدودی در مواقع ضروری گردآوری و مورد استفاده قرار می‌گرفتند. نگهداری این اطلاعات نیز نیازمند بایگانی‌های کاغذی بزرگ و وسیع بود که فرسایش طبیعی نیز بر آنها اثر می‌گذاشت. علاوه بر این دشواری‌های گردآوری و نگهداری، تحلیل اطلاعات نیز با محدودیت‌هایی مواجه بود. تحلیل اطلاعات نیازمند ترکیب انواعی از اطلاعات است که به‌طور یک‌جا مقایسه یا کنار هم گذاشته می‌شوند. محدودیت‌های توانایی انسانی بر دشواری تحلیل‌های متنوع و وسیع سایه می‌انداخت. با اختراع و استفاده وسیع رایانه‌ها، توان انسان‌ها برای گردآوری، ذخیره و تحلیل اطلاعات شهری نیز به مراتب رو به افزایش گذاشت. بانک‌های اطلاعاتی درباره کاربری زمین‌های شهری، مکان استقرار کاربری‌های مختلف، انواع توصیفات مربوط به کاربری‌ها و مناطق مختلف شهر، دقت بالا در گردآوری اطلاعات، پیوندهای پیچیده بین انواع اطلاعات و سرعت بالای بازخوانی اطلاعات ذخیره شده به علاوه قدرت شگفت‌آور رایانه‌ها در تحلیل داده‌ها و نمایش آنچه انسان میل به آن دارد، نمونه‌هایی از قابلیت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری رایانه‌ها برای کمک به مدیریت شهری است. ساده‌ترین ولی پراستفاده‌ترین بانک اطلاعاتی در شهرها، بانک اطلاعات کاربری زمین است. در شهرهای وسیع که نظارت بر کاربری زمین نیازمند سرعت و دقت بالاست، تنها استفاده از رایانه‌ها می‌تواند به این نیاز پاسخ گوید. برخی نرم‌افزارها که در ایجاد سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی استفاده

می‌شوند امکانات گسترده‌ای برای سازماندهی، ذخیره، تحلیل و نمایش اطلاعات مکانی و توصیفی در شهرها ارائه می‌کنند (تولائی، ۱۳۸۸). کرونا موجب تشویق مدیران به تشکیل چنین بانک‌های اطلاعاتی شده است زیرا هم درگاه ورودی داده‌ها دیجیتالی شده است و هم مراجعه‌کنندگان و ذی‌نفعان علاقه‌مند هستند بجای مراجعه حضوری، بیشتر در بستر فضای مجازی اقدام به ثبت داده‌ها و پیگیری امور نمایند.

### ۴-۳. کرونا و سرعت تصمیم‌گیری مدیریتی در فضای مجازی

تصمیم‌گیری سریع و دقیق‌تر نیازمند اطلاعات درست و تحلیل سریع و درست است این مجموعه با فراهم کردن قدرت بازخوانی اطلاعات متنوع و متعدد از بانک‌های اطلاعات و تحلیل‌های سریع و گوناگون برای مدیران، امکان تصمیم‌گیری سریع و بهینه را در مدیریت شهری فراهم می‌کنند. تغییرات سریع و گسترده در شهرها و ضرورت هماهنگی و همپایی تصمیمات و اقدامات مدیریت شهری با آنها ایجاب می‌کند که از روش‌هایی برای دسترسی سریع به اطلاعات و تحلیل‌ها استفاده شود. در دوره اطلاعاتی شدن شهرها، تنها فناوری‌های اطلاعات قادر به تسهیل تصمیم‌گیری سریع و دقیق برای اداره شهر هستند. فناوری اطلاعات امکان پیش‌بینی را در شهرها فراهم می‌کنند. بررسی پیوسته تغییرات کالبدی در شهر و الگوهای رفتاری رفت و آمد سواره در خیابان‌های شهر می‌توانند روندها را آشکار سازند و برای پیش‌بینی تغییرات در آینده مورد استفاده قرار گیرند. وجود بانک‌های اطلاعاتی کامل و روزآمد از ضروریات استفاده از فناوری اطلاعات برای تصمیم‌گیری بهتر در مدیریت شهری است. پیدایش و شیوع کرونا به توسعه استفاده از ابزارهای دیجیتالی و نرم‌افزارهای مختلف انجامیده و این خود، به افزایش سرعت در تصمیم‌گیری‌ها منجر شده است.

#### ۴-۴. کرونا و تبادل اطلاعات در بستر فناوری اطلاعات

یکی از مأموریت‌های امروزین مدیریت شهری، همراه کردن مردم با اقدامات خود در عرصه شهری است. این همراهی با توجه به ضرورت‌های مشارکت مردمی در تصمیم‌گیری‌ها و نظارت عمومی، از طریق آگاه ساختن مردم از برنامه‌های مدیریت شهری و کسب نظرات و پیشنهادهای آنها امکانپذیر است. امروزه حکمرانی خوب متکی بر شفافیت دستگاه اداری شهر در اعلام برنامه‌ها، سیاست‌های شهری و استفاده از نظرات مردم در اداره شهرهاست. فناوری اطلاعات، امکانات متنوعی برای اطلاع‌رسانی در اختیار مدیریت شهری می‌گذارد که سرعت عمل و کارایی آن شگفت‌آور است. اینترنت و شبکه جهانی وب، ابزار و فضایی الکترونیکی هستند که حضور مدیریت شهری را در نزدیک‌ترین فاصله به شهروندان مهیا می‌سازد. پایگاه‌های وبی عوامل مدیریت شهری، مشهورترین شکل تبادل اطلاعات بین مدیریت شهری و شهروندان هستند و در دنیای در حال الکترونیکی شدن، ابزاری رایج و معمول برای بهبود تعامل بین آنها محسوب می‌شوند. از آنجایی که عموم مردم اقبال بیشتری دارند که در هنگام شیوع بیماری‌های همه‌گیری همچون کرونا از راه دور و در بستر فضای مجازی، با مدیران شهری ارتباط برقرار نمایند، لذا تبادل اطلاعات با سرعت و کیفیت بالا در حال شکل‌گیری است.

#### ۴-۵. کرونا و توسعه خدمات غیرحضوری

بر اساس تجربه‌های مختلف، فناوری اطلاعات امکاناتی برای کاهش مراجعات به حداقل ممکن و ارائه خدمات به‌صورت غیرحضوری عرضه کرده است. پایگاه‌های وبی می‌تواند خدمات غیر حضوری متنوعی را به شهروندان ارائه کنند. ثبت‌نام، دریافت فرم، ارائه و پیگیری مکاتبات، دریافت اطلاعات و پرداخت عوارض برخی از این نوع خدمات هستند. ارائه غیر حضوری خدمات

در کاهش رفت و آمد در شهر و هزینه‌های ناشی از آن مؤثر است. استفاده از فناوری اطلاعات برای ارائه خدمات، فرصت‌های برابری به همه شهروندان می‌دهد و از بروز نارضایتی‌ها و برخوردهای فیزیکی یا تبعیض در تعامل بین شهروندان و متولیان امور شهری جلوگیری می‌کند. شیوع کرونا موجب شد تا خدمات عمومی از جمله ثبت‌نام، دریافت فرم، ارائه و پیگیری مکاتبات، دریافت اطلاعات و پرداخت عوارض در بستر فضای مجازی انجام شود و سهولت و آسودگی را به همراه داشته باشد. البته این آسایش شهروندان منوط به آن است که این شکل از ارائه خدمات، آزمون کافی پس داده باشد تا بتواند معایب و ضعف‌های احتمالی را پوشش دهد.

#### ۴-۶. کرونا و آموزش عمومی از راه دور

گسترده‌گی و تنوع مسائل شهری از يك طرف و تغییرات مداوم روش‌های رویارویی با مسائل و مشکلات شهری ایجاب می‌کنند که شهروندان از مهارت‌ها و درك لازم برای كمك به حل مشکلات شهری یا پیشگیری از بروز یا شدت گرفتن آنها برخوردار باشند. در بیشتر موارد مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری برای شهر نیازمند آموزش آنها برای ایجاد تفاهم و درك مشترك از مسائل، ظرفیت‌ها و محدودیت‌هاست. با افزایش جمعیت شهری، هزینه‌های آموزش مستقیم رودررو بالاتر می‌رود ولی با كمك ابزارها و بسترهای فراهم شده در زمینه اطلاعات و ارتباطات، با هزینه کمتری جمعیت بسیار بیشتری را می‌توان آموزش داد. پایگاه‌های وبی مدیریت‌های شهری می‌توانند بخشی را برای ارائه آموزش‌های مختلف به شهروندان اختصاص دهند.

در پی افزایش آمار جهانی ابتلا به ویروس کرونا و اعمال مقررات قرنطینه در منزل و منع رفت و آمد و فاصله گذاری اجتماعی در کشور، وزارت علوم،

مسئولان آموزشی، دانش آموزان و دانش‌جویان برای جلوگیری از تعطیلی آموزش، تدریس شیوه‌های نوین و مجازی و برگزاری امتحانات آنلاین در سطحی گسترده را آغاز کردند اما همزمان با اجرا با چالش‌هایی مواجه شده‌اند.

اگرچه شیوع کرونا در کشورمان مشکلات و سختی‌هایی را بر سر راه نظام آموزشی قرار داده است، اما فرصتی ایجاد کرده تا راه‌های نوین آموزشی، به ویژه در آموزش و پرورش به اجرا درآید و از این طریق و به صورت عملی امکان آزمون روش‌های جدید آموزشی در مقیاس ملی فراهم شود.

به استناد آمار موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی عالی، در ایران قریب به ۳ میلیون و ۶۱۶ هزار دانش‌جو وجود دارد که به صورت فیزیکی در کلاس‌های درس حاضر می‌شوند. همچنین بر اساس اطلاعات ثبت شده در سامانه سند، تا ۲۵ شهریورماه سال ۱۳۹۹، ۱۴ میلیون و ۴۶۸ هزار و ۷۴۴ نفر دانش‌آموز هم به همین شیوه در کلاس‌های درس حضور می‌یابند. این تعداد تقریباً ۱۸ میلیونی از جمعیت دانش‌جو و دانش‌آموز، با توجه به قدرت بالای ویروس کرونا در شیوع بیماری و دوره نهفتگی آن (که مدت زمان ۲ هفته است) و همچنین با توجه به وضعیت مدارس و دانشگاه‌های کشور به لحاظ امکانات محدود بهداشتی (سرویس‌های بهداشتی مشترک و شلوغ، خوابگاه‌ها و رستوران‌های مشترک و ...)، می‌تواند هشدار برای وقوع فاجعه‌ای انسانی در کشور محسوب شود که با بهره‌گیری از بستر فضای مجازی و با همکاری وزارتین علوم و آموزش و پرورش به میزان زیادی مهار شده است.

البته نمی‌توان ضعف‌ها و چالش‌های استفاده از بستر فضای مجازی را نادیده گرفت. زیرا گرچه آموزش از راه دور از طریق فضای مجازی در برخی از مناطق کشور خدمات مناسبی را برای جامعه دانش‌آموزان به همراه داشته

اما، باید توجه داشت که در بسیاری از مناطق محروم کشور و به دلیل عدم دسترسی به فضای مجازی و حتی تلویزیون، بخش قابل توجهی از دانش‌آموزان در برخورداری از این شرایط با دشواری‌های خاصی روبرو هستند. هرچند آموزش مجازی تنها راه موجود به نظر می‌رسد، اما بی‌تردید تعدادی از افراد زیر این چتر آموزشی قرار نمی‌گیرند. در چنین شرایطی که هر منطقه بایستی بنابر صلاحدید و ضرورت‌ها اقدامات مقتضی در این زمینه را انجام دهد.

#### ۴-۷. دین، کرونا و فضای مجازی

یکی از پازل‌های جنگ رسانه‌ای علیه کشور با محوریت موضوع کرونا با موضوع تخریب تعظیم ائمه اطهار و بزرگان دینی است. برای نمونه، ویدئوهایی که از تماس مستقیم دهان و زبان برخی افراد با ضریح مطهر ائمه اطهار با توضیح اینکه حرم ائمه اطهار شفاست و نباید به بهانه رعایت بهداشت زیارت را معلق کرد، در فضای مجازی منتشر شد. این ویدئوها در رسانه‌های بیگانه بازخود زیادی داشت و خوراک تخریب آنها را فراهم کرد. بر طبق رصد انجام شده، افرادی که به تولید این ویدئوها پرداختند از نزدیکان به جریان تشیع وابسته به انگلستان هستند. بررسی صفحه اینستاگرامی منتشرکننده این ویدئوها نشان می‌دهد این صفحات به تازگی (در روزهای پس از شیوع کرونا) و صرفاً با هدف تخریب چهره‌های دینی و مذهبی ایجاد شده است. لازم است در فضاهای مجازی، کانال‌ها و شبکه‌هایی فعال برای رفع شبهه ایجاد شود و یا حتی در اقدامی پیشدستانه، فضاهای مجازی تحت مدیریت داخلی، برای روشنگری و پاسخ به پرسش‌هایی که احتمال تبدیل آنها به شبهه وجود دارد فعالیت نمایند.

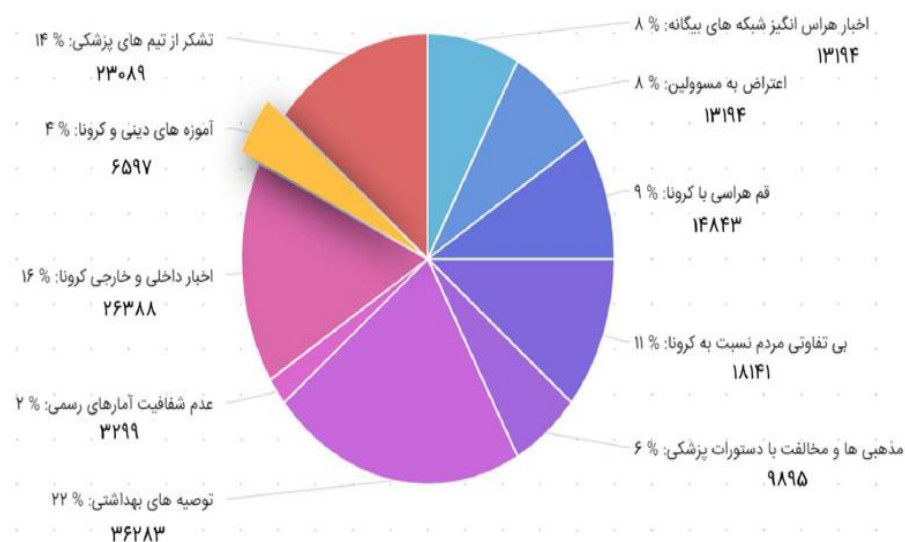
نیاز انسان به پرستش و تأمین این نیاز با حضور در اماکن مقدس،



مساجد و زیارتگاه‌ها بر کسی پوشیده نیست. اما ویروس کرونا با همه کوچکی و نامرئی بودنش حتی تجمعات عبادی و مساجد و زیارتگاه‌ها را هم به تعطیلی کشانده است. از این رو بخشی از این نیازها ضرورتاً از طریق فضای مجازی تأمین می‌گردد. افزایش چشمگیر و بی‌سابقه تولید، ارسال و دریافت پیامها در فضای مجازی که بتواند بخشی از نیاز خانواده‌ها به عبادت و نیایش را تأمین کند گویای این حقیقت است.

با گسترش ویروس کرونا، اخبار رسانه‌ها و پیام کاربران شبکه‌های اجتماعی به سمت موضوعات متنوعی پیش رفت. تنوع این پیام‌ها از موضوعات پزشکی تا توصی‌های اجتماعی و خانوادگی قابل مشاهده بود. اما مساله قابل توجه در بین تمام این موضوعات «آموزه‌های دینی» و نگاه موافقین و مخالفین آن بود. بخصوص بعد از ناتوانی بشر در کنترل این بیماری و حجم بالای مرگ و میر، مسائلی مانند دعا، توسل، ظهور و آخرالزمان به طور جدی‌تر و توسط افراد غیردینی مطرح شد (رهنما، ۱۳۹۹) (نمودار ۲۰).

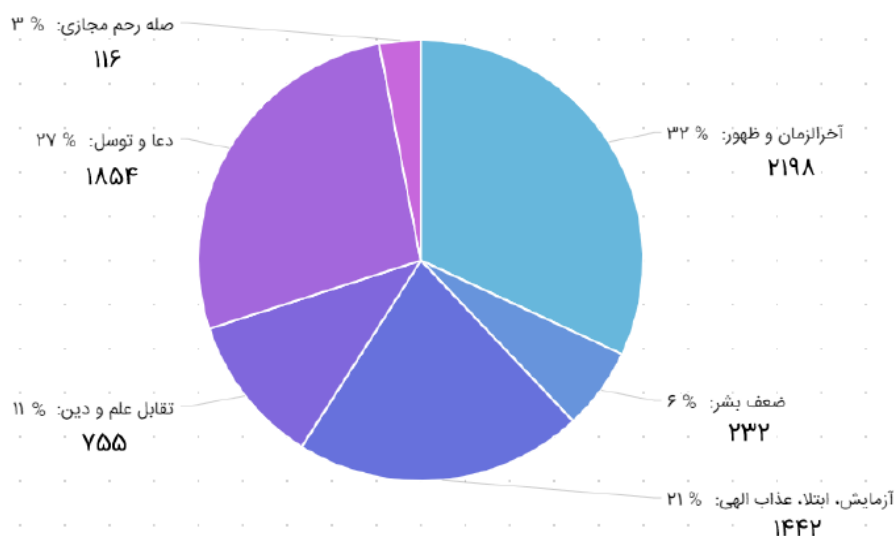
## کرونا و فضای مجازی در ایران □ ۳۵۷



**نمودار : 20 اصلی ترین موضوعات مطرح شده در شبکه های اجتماعی با محوریت کرونا**

در زیر مجموعه موضوع های دینی، اینگونه تقسیم بندی ها قابل مشاهده است: (نمودار 21).

۳۵۸ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۳)



## نمودار 21: زیرموضوعات آموزه های دینی مرتبط با کرونا در شبکه های اجتماعی

با تجزیه و تحلیل‌های بیشتر، مشخص می‌شود که وضعیت پیام‌های منفی (مخالف) برابر ۶۸ درصد کل پیام‌ها و مثبت (موافق) با آموزه‌های دینی در حوزه کرونا، معادل ۳۲ درصد از کل پیام‌ها بوده است. محتوای این پیام‌ها به طور خلاصه بدین شرح می‌باشد:

### الف-پیام های منفی و مخالف

- ناکارآمدی دعا و توسل
- تمسخر ظهور و حضور منجی
- گرفتار شدن مسلمانان
- تعطیلی مراسم مذهبی
- ناتوانی کشورهای مسلمان
- بن بست دین در برابر علم

#### ب- پیام های مثبت و توصیه

- توصیه به دعا به جهت آرامش
- بازگشت به سوی معبود
- ترک غرور انسانی و گناه
- توسل به امام زمان
- صبر در برابر آزمایش الهی
- ضعف و ناتوانی بشر

#### ۴-۸. کرونا، توسعه فضای مجازی و حفظ محیط زیست

حفاظت از محیط زیست جوامع انسانی یک قسمت از وظایف مدیریت بویژه در محیط های شهری می باشد. معضل هوای آلوده و استانداردهای زیست محیطی یکی از مهم ترین مسائلی است که گریبان گیر محیط زندگی شهری بوده و از فاکتورهای مهم کیفیت زندگی می باشد که سلامتی شهروندان را به طور جدی تهدید می کند. اغلب استفاده از فناوری ارتباطات و اطلاعات شهروندان را تشویق می کند تا رفتارشان را در هنگام استفاده از منابع طبیعی تغییر دهند. لذا استفاده از این فناوری به مدیریت شهری این امکان را فراهم می آورد تا با کنترل کیفیت آب و هوای شهر خود محیط زیست طبیعی را مدیریت کنند (Line, 2010).

توقف اجباری در تولید گازهای گلخانه ای، آلاینده های هوا، پسماندها و فاضلاب های صنعتی و حتی تخریب منابع طبیعی به عنوان جنبه مثبت شیوع بیماری کرونا بر محیط زیست قلمداد می شود که بشر با کاستن از فعالیت های فیزیکی خود و سوق دادن فعالیت ها در بستر فضای مجازی، به نوعی فرصت مجددی به محیط زیست داده است.

با سوق یابی فعالیت های انسان در فضای مجازی و انقباض فعالیت دنیای

فیزیکی، تجاوز جامعه بشری به محیط زیست محدود شده است که البته این موضوع با دوره طولانی که از تاثیر منفی انسان در محیط زیست، به دست آمده، ناچیز است. با این حال ممکن است این شرایط در دوران پساکرونا با افزایش فعالیت فیزیکی تغییر کند و چه بسا آلاینده‌های بیشتری تولید شود.

تاثیر فعلی کرونا بر محیط زیست، بازگشت شرایط بعد از کرونا و وضعیت محیط زیست در شرایط بعد از کرونا موضوعی است که این روزها برای محیط زیست متصور می‌شود اما آنچه در شرایط فعلی اهمیت دارد این است که محیط زیست توانسته از نعمت فعالیت و ارتباطات در فضای مجازی بهره‌مند شود و فرصتی برای نفس کشیدن پیدا کند.

#### ۴-۹. کرونا، ادارات مجازی، حذف صف و انتظار

استفاده از تکنولوژی فناوری اطلاعات و ارتباطات و جوابگویی از طریق اینترنت و سایت‌ها منجر به کاهش زمان انتظار شهروندان برای دریافت خدمات و کاهش میزان وقت تلف شده در صف‌های متعدد شهری موجب افزایش عمر مفید شهروندان و افزایش میزان بهره‌وری از زمان می‌گردد که خود نتایج مفید فراوانی در پی خواهد داشت.

از آثار شیوع کرونا این است که امور اداری در حد قابل توجهی به سمت فضای مجازی سوق داده می‌شوند. در این صورت نیازی به انتظار و صف‌های طولانی نیست و افراد قادرند از راه دور، پیگیر امور اداری خویش شوند.

#### ۴-۱۰. کرونا و رسانه‌های اجتماعی

در اغلب کشورها اصلی‌ترین وظیفه رسانه‌ها، کشف حقیقت است، اما در کشور ما، رسانه‌ها بیشتر در خدمت سازمان‌های رسمی دولتی هستند و تا

زمانی که دولت خبری اعلام نکند، رسانه‌های هم خبر را منتشر نمی‌کند. رسانه‌های ارتباط جمعی کشور<sup>۱</sup> به ۳ دسته مکتوب، خبرگزاری و آنلاین و رادیو و تلویزیون تقسیم می‌شوند. به رادیو و تلویزیون رسانه ملی می‌گویند. مطبوعات یا رسانه‌های مکتوب که سال‌هاست به دلایل مختلف مخاطبان خود را از دست داده‌اند و اساساً تأثیر چندانی در تصمیمات و رفتارها ندارند. خبرگزاری‌ها و سایت‌های خبری آنلاین که تا حدودی بین رسانه‌های مکتوب، رادیو و تلویزیون قرار دارند همچنان به دلایل مختلف نتوانسته‌اند نقش اصلی خود را که رکن چهارم دموکراسی است، ایفا کنند. اما در سال‌های اخیر دسته‌ای دیگر از رسانه‌ها در دنیا ظهور و بروز یافته‌اند که به آن‌ها رسانه‌های اجتماعی<sup>۲</sup> می‌گویند. این رسانه‌ها رسانه‌های شهروندی هستند، یعنی انبوهی از رسانه‌های فردی هستند که بر بستر پلتفرم‌های اینترنتی ایجاد می‌شوند و مخاطبان اندک دارند، اما، چون تعداد این رسانه‌ها فراوان است، مخاطبان اندک رسانه‌های فراوان، سپهری از تولیدکنندگان محتوا و اخبار و دریافت‌کنندگان اطلاعات را شکل داده است که فرایند انتشار اطلاعات و اخبار و محتواهای متعدد در آن‌ها با فرایند رسانه‌های ارتباط جمعی متفاوت است. در ماجرای کرونا، این رسانه‌های اجتماعی در بستر فضای مجازی بودند که اطلاعات اولیه مربوط به این ویروس را منتشر کردند. خطرات، صدمات، آسیب‌ها حوه پیشگیری از ابتلا به آن و مقایسه با سایر کشورهای دنیا و انتقال تجربیات مردمی و مشاهدات و یافته‌های پزشکان و متخصصان و ارائه کمبودها و مشکلات بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، ابتدا در این رسانه‌ها منتشر می‌شود. رسانه‌های اجتماعی آیینی اجتماع هستند و لازم است از آن

---

1. Mass Media

2. Social Media

برای خبرگیری، نظارت، تصمیم‌گیری و شفافیت و رسیدگی به مسائل و مشکلات مردم استفاده شود.

در شرایط کنونی، در بیشتر کشورها تدابیر بهداشت فردی رعایت می‌شود، این موضوع محصول اطلاع‌رسانی شفاف و البته همراه با واقعیت‌های ترسناکی است که این رسانه‌های اجتماعی به مردم منتقل کردند. در واقع فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی نجات‌بخش جان صدها و هزاران شهروند ایرانی در ماجرای کرونا شده است. امروز مرجعیت رسانه‌های رسمی و ارتباط جمعی بسیار کم‌رنگ شده است و مردم به رسانه‌های اجتماعی و فضای مجازی اعتماد زیادی دارند. مناسب است که از همین ظرفیت رسانه‌های اجتماعی موجود و پلتفرم‌های اینترنتی برای اطلاع‌رسانی به مردم و اقناع آن‌ها استفاده شود.

#### ۴-۱۱. فضای مجازی و مقابله با جنگ روانی دوران کرونا

جامعه در مواجهه با بحران کرونا علاوه بر رعایت مسائل بهداشت فردی، نیازمند بهداشت روانی است. امروز مردم جامعه بیشتر از نظر روانی با موضوع «کرونا» درگیرند. این موضوع به یک مسئله جهانی تبدیل شده است تا جایی که سازمان بهداشت جهانی در اطلاعیه‌ای بعد از افزایش سطح هشدار کرونا، اعلام کرد که بزرگترین دشمن، خود ویروس کرونا نیست، ترس و شایعه مرتبط با آن است.

وضعیت بهداشت روانی نسبت به ایران شرایط متفاوتی پیدا کرده است. حجم خبرهای منفی علیه ایران با نیت هدف قراردادن ارتباط اقتصادی ایران با سایر کشورها و صادرات غیر نفتی به این کشورها موجب شده تا روان مردم نیز در زیر این بمباران اطلاعاتی نابود شود. "مارک دبوویتز"، رئیس بنیاد دفاع از دموکراسی‌ها که یک اندیشکده صهیونیستی در آمریکا به شمار می‌آید در صفحه توئیتر خود نوشت: کرونا ویروس کاری با ایران کرده که تحریم‌های

آمریکا نکرده است: متوقف کردن صادرات غیرنفتی.

آمار خبر و پست‌های منتشر شده در روزهای کرونایی و بر بستر اینستاگرام برای ایجاد جنگ روانی علیه ایران در سه شبکه زیر بدین شرح است. بی. بی. سی فارسی: ۵۷ درصد پست‌های منتشر شده، من و تو: ۶۰ درصد پست‌های منتشر شده و ایران اینترنشنال: ۷۵ درصد پست‌های منتشر شده.

لازم است از این فضای مجازی نه همواره در موضع دفاعی که چه بسا در موضع تهاجمی قرار گیریم. در غیر اینصورت همواره باید منتظر شروع جنگ روانی کشورهای بیگانه بود و به پاسخ به آن بسنده نمود. این موضع موجب هدررفت انرژی دائمی شده و دست برتر برای جمهوری اسلامی را به ارمغان نخواهد داشت.

#### ۴-۱۲. سکه‌ی دوروی کرونا در فضای مجازی

فضای مجازی تا حدی در زندگی‌ها جریان یافته که به جرات می‌توان گفت روزهای خانه‌نشینی کرونا بدون این فضای هیجان انگیز بسیار سخت است، تصور اینکه در خانه ماندن را می‌توان با یک گوشی قدیمی که فقط قابلیت تماس و پیامک دارد تحمل نمود، به یک کابوس شباهت دارد. در عصر کنونی آنقدر فضای مجازی در زندگی‌ها رخنه کرده که انکار آن امری به دور از منطق و ساده لوحانه است و شاید دیگر وقت آن رسیده نام دیگری برای آن پیدا کرد چرا که هر روز که می‌گذرد دنیای مجازی‌ها مجسم‌تر شده و تاثیر آن بر زندگی مردم عینی‌تر می‌شود.

در دنیای کنونی، ارتباط رسانه‌ای نظیر فیس بوک، تلگرام و اینستاگرام عامل مهمی در افزایش استقبال عمومی از گوشی تلفن همراه شده‌اند و کاربران بسیاری از این بسترها برای ابراز علاقه، شادی، ناراحتی، اندوه و البته مسایل روز دنیا استفاده و ساعت‌ها را با گردش در پیچ و خم کانال‌ها و صفحات



زندگی می‌گذرانند. یکی از اصلی‌ترین کاربرد این فضاها امروز به انتشار اخبار، تصاویر، مطالب و فیلم‌های مرتبط با کرونا است که بدون شک تاکنون میلیون‌ها بار گردش و بیننده داشته، محیطی که همانند یک سکه دورو عمل کرده چرا که برخی فعالان آن با انتشار مطالب منطقی و تحلیل گرانه مردم را آگاه و آرام کرده‌اند و برخی نیز بدون تحقیق در مورد یک مطلب و بازنشر آن حاصلی جز افزایش اضطراب جامعه نداشته‌اند.

از یک سو، با ورود کرونا به حیطه روح و روان جامعه، بارگذاری انواع مطالب در صفحات مجازی از جمله کانال‌های تلگرام و صفحات پریننده اینستاگرام بدون تحقیق در خصوص درستی و صحت آن موجب فراگیری سیل عظیمی از شایعات و اضطراب مردم شد که بدون شک مدیران این فضاها سهم عمده‌ای در کنترل و انتشار آن دارند.

از طرفی همه‌گیری مهربانی ایرانیان، حضور اقشار مختلف در میدان مبارزه با کرونا، راه‌اندازی پویش‌های مختلف اجتماعی، ارائه اطلاعات دقیق و امید بخش و بارگذاری آخرین اخبار مبتلایان به این ویروس به‌صورت گسترده توسط فضاهای مجازی مورد توجه قرار گرفت تا جایی‌که نقش آنها در اطمینان بخشی به دل‌های مردم و ایجاد امنیت روانی در جامعه انکار نشدنی است.

### ۴-۱۳. کرونا، خانواده و فضای مجازی

کرونا زمینه پیوند دو نهاد خانواده و فضای مجازی را بیش از هر زمان دیگر فراهم کرده است. این وضعیت به خوبی اهمیت خانواده به‌عنوان نهادی توانمند برای پیشگیری از شیوع این ویروس را بر همگان روشن نمود. کمتر کسی می‌توانست پیش بینی کند زمانه‌ای برسد که اینگونه همگان به خانواده با دیدی این همه مهم و اساسی بنگرند و آن را مهمترین سنگر برای پیشگیری و مهار ویروس کرونا بشمارند و تا این حد بر ماندن در خانه تأکید

کنند. این بازگشت به خانه و خانواده‌گرایی اگرچه یکی از آثار مثبت و فرصت‌هایی است که ویروس کرونا به ارمغان آورده است اما طولانی شدن این وضعیت تا حدود زیادی همه را غافلگیر نیز کرده است. چراکه اعضاء خانواده به ویژه والدین برای تدبیر منزل در این وضعیت چندان آمادگی نداشته‌اند.

خانواده پیکره‌ای است که اگر اعضاء آن به ویژه والدین به خوبی عمل کنند می‌تواند در مقابل هر مشکل و محدودیتی تاب آوری کند و نقش اساسی خود را به‌عنوان نهاد کوچک اجتماعی ایفا نماید. اگر خانواده با هدف مشترک و تعاملات صحیح با اعضاء و امکانات پیرامون خود ارتباط صحیح داشته باشد کارآمدتر خواهد بود. اما حقیقت آن است که خانواده‌ها در وضعیت کرونایی با محدودیت‌های مختلفی مواجه شده است که ضرورتاً باید نیازهای خود را در این وضعیت به مدد فن‌آوری ارتباطات برطرف کنند.

به عبارت دیگر شاید در وضعیت کرونایی هیچ بخشی از تکنولوژی نتواند به اندازه فن‌آوری ارتباطات و فضای مجازی محدودیت‌ها و خلاءهای پیش آمده در نظام ارتباطات اجتماعی را پر کند. این نیازها که در وضعیت کرونایی کاملاً متفاوت شده و افزایش یافته، سبب شده است خانواده‌ها از لحاظ کمی و کیفی ارتباط خود را با فضای مجازی ارتقاء دهند.

البته اگر چه این پیوند می‌تواند دارای مزایای نسبی باشد اما مسئولان و اعضاء خانواده‌ها به ویژه والدین، نباید از این حقیقت غافل شوند که اگر فضای مجازی از طرف آنان به درستی مدیریت نشود مزیت‌های فن‌آوری ارتباطات در این موقعیت می‌تواند به تهدیدی جدی برای جامعه به ویژه نهاد خانواده تبدیل شود و علاوه بر این که آثار مخرب بالفعلی داشته باشد برای دوران پساکرونایی نیز مخاطرات بسیاری در پی داشته باشد.

بی‌تردید با قرنطینه خانگی و تدابیر مسئولان سرانجام ویروس کرونا مهار و نهایتاً ریشه کن خواهد شد. اما نباید فراموش کرد که آنچه باقی می‌ماند پیامدهای خطرناکی است که رهاشدگی فضای مجازی و اعتیاد به آن بر جای خواهد گذاشت. بنابراین لازم است همگان به‌ویژه نهاد خانواده مدیریت فضای مجازی را بیش از گذشته جدی بگیرند.

#### ۴-۱۴. فضای مجازی و مدیریت افکار دروان کرونا

در برخی مباحث نظری بحران به مراحل پنج‌گانه‌ای تقسیم می‌شود که دولت‌ها با آن روبرو هستند. بحران‌هایی مانند هویت، مشارکت، مشروعیت، امنیت و اداری از جمله این بحران‌هاست. دولت‌ها برای مواجهه با بحران دو وظیفه در حوزه ابعاد ذهنی و عینی دارند. در این دو موضوع مهم باید بتوانیم فاجعه را مدیریت کرد.

در زمان زلزله بحرانی همچون ویروس کرونا باید بتوان افکار عمومی را به درستی مدیریت کرد، در زمان بحران رسانه‌ها به زیرساخت‌های ارتباطی تبدیل می‌شوند و افکار عمومی خارج از فضای بحران قرار می‌گیرد. باید پذیرفت که در دوره کنونی مفهوم رسانه دچار تحول یا به نوعی فروپاشی شده است. شکل‌گیری مفهوم فضای مجازی و روی کار آمدن گروه‌ها و شبکه‌های مجازی باعث شده در این بستر شهروندان نظر داده و دیدگاه‌ها را به اشتراک بگذارند. به عبارت دیگر، در چنین شرایطی محوریت اتاق خبرها در چارچوب‌دهی به اخبار از دست رفته است و رسانه‌های جدیدی در فضای مجازی پا به عرصه گذاشته‌اند.

اکنون انحصار رسانه‌ای از بین رفته است، چنانکه بسیاری از نخبگان سیاسی، وزرا و مسئولان به جای سخن گفتن از طریق رسانه‌ها به‌طور مستقیم از طریق صفحات شخصی توییتر و اینستاگرام با مردم سخن می‌گویند.

بنابراین مرکزیت نداشتن رسانه‌های رسمی باعث ایجاد بسترهایی برای رشد اخبار جعلی شده است. بخشی از این اخبار هدفمند و برای ایجاد جنگ روانی شکل می‌گیرند و شایعه را از یک موضوع بیرونی به موضوعی درونی تبدیل می‌سازند.

در هنگام وقوع بحران باید مدیران در حلقه اول با تدبیر و یکپارچگی عمل کنند و در گام دوم اخبار درست را در اختیار مردم قرار دهند و راه‌های کاهش خطر را به آن‌ها یادآور شوند. در این میان، در بستر فضاهای مجازی باید سعی شود مطالبی در اختیار مردم قرار گیرد که در کاهش استرس و تنش‌های پیش آمده موثر واقع شود نه اینکه آشفتگی را بیشتر کرده و در میان مردم، شایعه را اضافه کند.

#### ۴-۱۵. کرونا و کسب‌وکارهای مجازی

کسب‌وکارهای آنلاین حتی قبل از شیوع جهانی کرونا مورد استقبال قرار گرفته بود و تجارت الکترونیک و کسب‌وکارهای آنلاین در حوزه‌های مختلف بارها از سوی متخصصان و مشاوران مطرح دنیا توصیه شده بود و پدیده جدیدی نیست. با این حال، کسب‌وکارهای الکترونیکی در روزهای شیوع بیماری کرونا و در شرایطی که شهروندان برای رعایت بیشتر اصول بهداشتی کمتر به بازارهای فیزیکی مراجعه می‌کنند، علیرغم سختی‌های تأمین کالا، در حال خدمت‌رسانی به اقشار مختلف جامعه هستند. امکان خرید کالا در فضای مجازی، آسودگی خاطر را برای مصرف‌کنندگان به ارمغان آورده است. البته در این شرایط، کسب‌وکارهای الکترونیکی باید با دقت مضاعفی حقوق مصرف‌کنندگان را در تأمین کالاهای مرتبط با بهداشت فردی رعایت کنند. کسب‌وکارهای دانش‌بنیان، اینترنتی بر روی فضای مجازی در عین حال که بودجه بسیار کمی برای شروع می‌خواهد به نظر می‌رسد آینده بسیار خوبی

دارد و در این راستا رابطه کرونا و کسب و کار قابل بررسی است و با کمی تفکر کسب‌وکارهایی که بیشترین صدمه از این بحران دیده‌اند را می‌توان با کسب‌وکارهایی که کمترین صدمه از ویروس کرونا و شیوع آن دیده‌اند مقایسه، تحلیل و بررسی کرد.

دوران کرونایی، آزمونی مهم برای کسب‌وکارهای الکترونیک است. در خصوص وضعیت کسب‌وکارهای اینترنتی با توجه به شیوع ویروس کرونا در جامعه، رشد بعضی از کسب‌وکارهای اینترنتی کاهش جدی داشته و تعداد کمی از کسب‌وکارهای فضای مجازی از جمله فروشگاه‌هایی که به فروش کالاهای سوپرمارکتی اقدام می‌کنند، فروش آنها افزایش پیدا کرده است.

با توجه به اختلال در سیستم آموزشی موجود در کشور به سبب شیوع ویروس کرونا در جامعه سرویس‌های آموزش آنلاین با حجم بالایی از کاربران رو به رو شده‌اند به همین سبب در اگر این روند ادامه داشته باشد می‌تواند در صورتی که کسب‌وکارهای آنلاین خدمات خوبی ارائه دهند این شرایط به‌صورت پایدار در آینده نیز باقی بماند. به عبارتی اگر مردم در شرایط ویژه و حاد خدمات خوب بگیرند پس از بحران هم از این خدمات استفاده می‌کنند. استفاده از خدمات کسب‌وکارهای اینترنتی گزینه بسیار خوب و استراتژیکی برای این مواقع است و مردم نیز به جای تردهای غیرضروری از این سرویس‌ها استفاده می‌کنند که البته بر کاهش هزینه‌ها نیز نقش بسزایی دارد.

در زمان بحران تعدادی از کسب‌وکارهای اینترنتی رونق پیدا می‌کنند به طوری که در چین این کار کمک شایانی به تجارت کرد و آن را نگه داشت، اکنون کسب‌وکارهای آنلاین در ایران در خرده‌فروشی چندان اوضاع خوبی ندارند و در نهایت تا ۱.۵ درصد فروش‌های خرده‌فروشی در ایران به‌صورت آنلاین و تقریباً ۹۹ درصد به‌صورت آفلاین است. مجموع این اتفاقات در جامعه سبب

می‌شود تا حجم بازار کسب‌وکارهای مجازی افزایش یابد.

روش‌های کسب و کار اینترنتی و در واقع اینترنت در همه ارکان زندگی از جمله سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی نفوذ کرده است اما به سبب اینکه روش‌های سنتی معامله و خرید و فروش در جامعه وجود دارد به این موضوع توجه کمتری می‌شود. قبل از شیوع این ویروس در جامعه بعضی از اقشار جامعه به مسائل کسب‌وکارهای اینترنتی می‌پرداختند و بعضی نیز به‌عنوان استارت‌آپ مطرح بودند و خریدها را به‌صورت اینترنتی انجام می‌دادند اما با توجه به شیوع ویروس کرونا و مشکلاتی که در ارتباطات اجتماعی مردم به ویژه آلودگی‌ها و انتقال ویروس به وجود آورده کسب‌وکارهای اینترنتی می‌تواند کمک به‌سزایی در تأمین نیازهای مردم داشته باشد که اکنون رونق بهتری هم گرفته است.

بدیهی است موضوع کسب‌وکارهای مجازی از نظر فرهنگی و قانونی باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد به‌طوری که از نظر فرهنگی هنوز آموزش لازم دیده نشده که وقتی جامعه و مردم با مشکل رو به رو هستند بر اساس همان رویه‌های عادی عمل می‌شود به‌عبارتی عده‌ای با احتکار و گران‌فروشی مشکلات را برای مردم بیشتر می‌کنند.

از نظر رعایت قانون هم باید برای کسب‌وکارهای اینترنتی ضابطه روشی برای نظارت بر عملکرد آنها وجود داشته باشد که قانون را رعایت کنند تا علاوه بر مسائل اقتصادی به مسائل بهداشتی و امنیت سلامت مردم توجه شود. در این صورت اعتماد مردم را جلب می‌کنند که به دنبال آن، هم تردد در جامعه و اعمال نظارت دولت بر خرده‌فروشی‌ها کمتر می‌شود و مردم از این فضای کسب و کار اینترنتی بیشتر استفاده می‌کنند. در دوران کرونایی، در اغلب کشورها نیز به خرید و فروش‌های اینترنتی و حمل و نقل کالا به این صورت

بیشتر توجه می‌کنند که هزینه‌های رفت و آمد، سوخت و اتلاف زمان و غیره را ندارند.

#### ۴-۱۶. کرونا، فرهنگ فضای مجازی و سواد رسانه‌ای

با شیوع ویروس کرونا در "ووهان" چین روزانه شاهد بازار شایعات در فضای مجازی بودیم؛ آنچنانکه زودتر و سریعتر از خود این ویروس، اخبار و شایعات درباره کرونا در دنیا منتشر شد. شیوع این ویروس درسهای مختلفی را برای مدیران، مسؤولان و دست اندرکاران و فعالان شبکه‌های اجتماعی داشت و باعث شد که تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان درباره فضای مجازی بیشتر بیاندیشند.

در کشور ما نیز که معمولاً فضای مجازی در دسترس همه - اعم از زن و مرد، از کودکان گرفته تا جوانان و میانسالان و حتی سالمندان - است و هیچ تفاوتی در دسترسی بین سنین مختلف با تحصیلات گوناگون وجود ندارد، بازار شایعات درباره راه‌های معالجه و درمان و آمار مبتلایان داغ شد و حمله به دین، تنقیص اماکن مذهبی، تهاجم به شهرها و توهین به افراد آغاز گردید. این امر اوضاع را در ابتدای شیوع این ویروس پیچیده‌تر از آن چیزی کرد که تصور می‌شد.

در یک نگاه تحلیلی نسبت به پرداخت شبکه‌های اجتماعی مجازی به این پدیده، این نتایج دیده می‌شود:

- با توجه به اینکه شبکه اجتماعی "تلگرام" بیشترین طرفدار را در ایران دارد و از همه سنین و اقشار در این فضا حضور دارند، انتشار اخبار - بویژه شایعات و اخبار نادرست و غیر واقعی - باعث آشفتگی و سردرگمی بسیاری در جامعه شد. صفحات مجازی بسیاری از شبکه‌های معاند نیز از این فضا برای تخریب و تضعیف روحیه اجتماعی ایرانیان استفاده کردند.

-در روزهای همه‌گیری کرونا، یک کانال سرگرمی در تلگرام جزء پر بازدیدها می‌شود و ایرانی‌ها که در شوخ طبعی شهره هستند، اخباری مانند "زلزله چهار ریشتری قم"، "تعجب سفیر انگلیس از حمله نکردن به دستمال توالث فروشگاه‌ها"، "کمک ایرانیان به آمریکایی‌های بدبخت"، "توصیه‌های داعش برای مبتلا نشدن به کرونا"، "تبدیل منازل ایرانی‌ها به چهار بخش شمالی، جنوبی، شرقی و غربی" و "لغو حملات انتحاری داعش در پی شیوع کرونا" را در قالب طنز پیگیری کردند.

-در شبکه اجتماعی "اینستاگرام" که عموماً در تسخیر هنرمندان و بازیگران و فوتبالیست‌ها (یا همان سلبریتی‌ها) می‌باشد معمولاً مطالب غیر کارشناسانه رواج یافت و هر کسی به فراخور مطالب را منتشر می‌کند البته بسیاری از هنرمندان و بازیگران کشور هم در این فضا با بیان پیامهای امید بخش و توصیه به ماندن در منازل و یا تقدیر از زحمات جامعه پزشکی تلاش کردند طرفداران خود را از وضعیت جامعه مطلع کنند.

-در شبکه اجتماعی "توییتر" که معمولاً قشر خاصی در آن فعالیت می‌کنند نیز مانند سایر شبکه‌های اجتماعی ویروس کرونا در یک ماهه اخیر جزء موضوعات پر بازدید بوده است و به‌صورت روزانه پستهای زیادی از طریق کاربران این شبکه توییتر و ریتوییتر شده است. متأسفانه مطالب پر بازدید این شبکه اجتماعی نیز حکایت از سیاه‌نمایی، تخریب و توهین نسبت به مدیران، مسؤولان و اقشار مختلف در جامعه کشور داشته است.

به نظر می‌رسد در حوزه فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی همچنان نارسایی‌های زیادی - بویژه در حوزه سواد رسانه‌ای و آموزش و فرهنگ سازی - وجود دارد که می‌تواند دست اندرکاران این حوزه و بویژه رسانه‌ها تلاش بیشتری را صرف کنند تا کاربران و مخاطبان این شبکه‌ها در بحران‌ها سره را

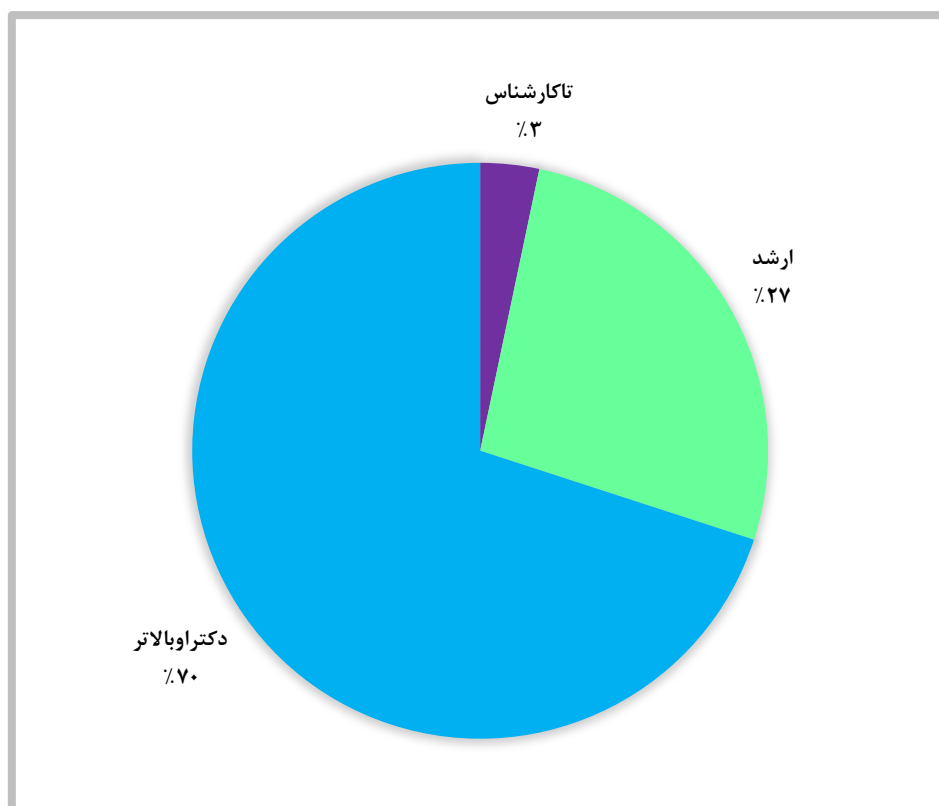


از ناسره تشخیص دهند (عارفخانی، ۱۳۹۹).

#### ۴-۱۷. تجزیه و تحلیل آماری گزاره‌های کرونا و فضای مجازی

برای آنکه درخصوص مباحث مربوط به فضای مجازی و کرونا در جمهوری اسلامی، به یک نوع اتقان دست یافت، مراجعه به متخصصان، کارشناسان و صاحب‌نظران اعم از مدیران اجرایی و پژوهشگران دانشگاهی در دستور کار قرار گرفت. خلاصه دستاوردهای آماری به شرح زیر ارایه شده است.

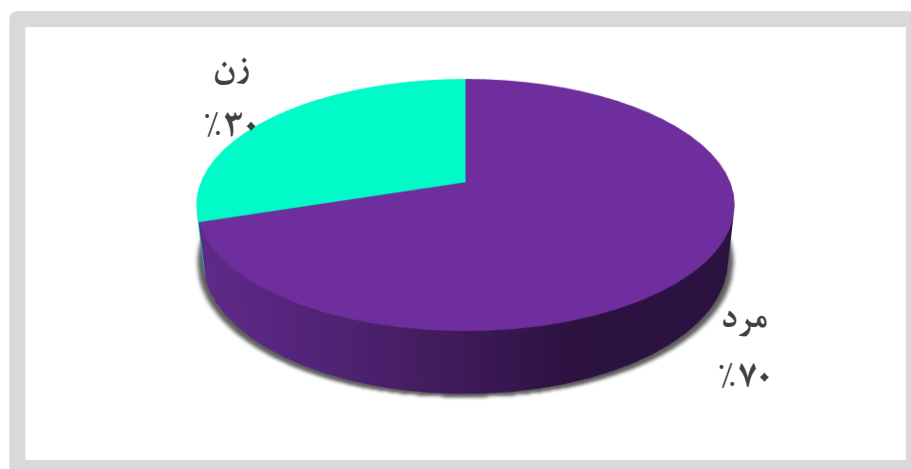
بررسی آماری جامعه خبرگانی و نخبگانی حاکی از آن است که ۷۰ درصد دارای تحصیلات دکتری، ۲۶/۷ درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد هستند. به عبارت دیگر، جامعه آماری پژوهش، از سطح تحصیلات عالی برخوردارند (نمودار ۲۲).



نمودار 22: توزیع فراوانی جامعه خبرگانی و نخبگانی بر حسب تحصیلات

توزیع فراوانی افراد جامعه خبرگانی و نخبگانی نشان از برتری چشمگیر مردان بر جنس مخالف آن دارد. ۷۰ درصد جامعه خبرگانی را جنس مردان و ۳۰ درصد را جنس زنان تشکیل می‌دهند (نمودار 23).

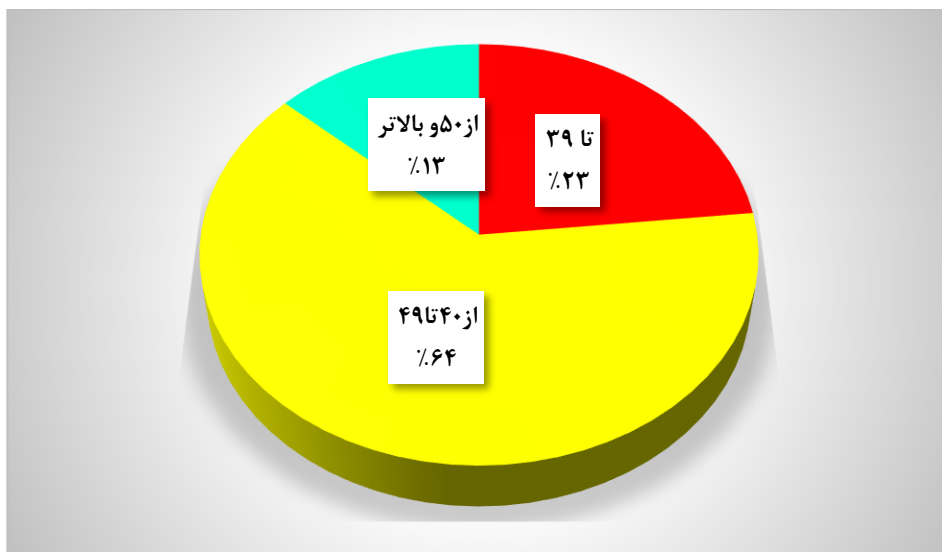
۳۷۴ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۳)



نمودار 23: توزیع فراوانی جامعه نخبگان و خبرگان بر حسب جنس

بررسی توزیع فراوانی جامعه آماری بر حسب رده سنی نشان داد که ۱۳/۳ درصد در رده سنی ۵۰ سال و بالاتر واقع شده اند و ۶۳/۳ درصد در محدوده سنی ۴۰ تا ۴۹ ساله قرار داشته و ۲۳/۳ درصد پایین‌تر از ۴۰ سال دارند (نمودار 24).

کرونا و فضای مجازی در ایران ۳۷۵ □



نمودار 24: توزیع فراوانی جامعه نخبگان و خبرگان بر حسب سن

آزمون توافق و همگرایی نظرات در خصوص گزاره‌های مدنظر پژوهشگران (مربوط به کرونا و فضای مجازی) در (جدول ۶) درج شده است.

جدول ۶: آزمون آماری توافق و همگرایی در نظر خبرگان در خصوص گزاره‌های کرونا و فضای مجازی

گزاره‌های کرونا و فضای مجازی در جمهوری اسلامی	تعداد	کمینه پاسخ*	بیشینه پاسخ	میانگین پاسخ‌ها	انحراف معیار
شیوع بیماری کرونا در فضای حقیقی، موجب سوق جامعه در همه ابعاد به سوی فضای مجازی شده است.	۱ ۰۰	۴ ۰۰	۵ ۰۰	۴ ۸۴۰۰	۰۳۷۰ ۳۳
کرونا موجب توجه بیشتر و تقویت بانک‌های اطلاعاتی نهادها و ادارات است.	۱ ۰۰	۴ ۰۰	۵ ۰۰	۴ ۷۸۰۰	۰۴۱۸ ۴۵
کرونا با توجه به افزایش استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات از راه دور در فضای مجازی، تصمیم‌گیری سریع‌تر مدیران در فضای مجازی را به همراه دارد.	۱ ۰۰	۴ ۰۰	۵ ۰۰	۴ ۷۸۰۰	۰۴۱۸ ۴۵
کرونا موجب تبادل هرچه بیشتر اطلاعات (مردم با مردم و مردم با	۱	۴	۵	۴	۰۴۱۸

### ۳۷۶ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۳)

انحراف معیار	میانگین پاسخ‌ها	بیشینه پاسخ	کمینه پاسخ*	تعداد	گزاره‌های کرونا و فضای مجازی در جمهوری اسلامی
45	7800	00	00	۰۰	مدیران) در بستر فناوری اطلاعات است.
404 06	4. 8000	5. 00	4. 00	۱ ۰۰	کرونا، عامل تسریع و توسعه خدمات غیرحضور در فضای مجازی است.
486 97	4. 7400	5. 00	3. 00	۱ ۰۰	کرونا باعث شکوفایی ظرفیت‌های بلااستفاده در زمینه آموزش عمومی از راه دور است.
418 45	4. 7800	5. 00	4. 00	۱ ۰۰	بری بهره‌برداری هرچه بیشتر از ظرفیت آموزش از راه دور، باید آسیب‌شناسی جدی انجام شده و کاستی‌های موجود برطرف و بسترهای لازم فراهم شود.
404 06	4. 8000	5. 00	4. 00	۱ ۰۰	دین و دینداری با شیوع بیماری کرونا در فضای مجازی با تهدیدهایی مواجه شده است.
418 45	4. 7800	5. 00	4. 00	۱ ۰۰	در دوران کرونایی، با درایت و برنامه‌ریزی، فضای مجازی می‌توان روح معنویت و دینداری را تقویت نمود.
418 45	4. 7800	5. 00	4. 00	۱ ۰۰	کرونا، با توجه به کاهش فعالیت‌های فیزیکی و توسعه فضای مجازی، به حفظ محیط زیست کمک کرده است.
418 45	4. 7800	5. 00	4. 00	۱ ۰۰	کرونا باعث افزایش انجام امور ادارات در مجازی و حذف بسیاری از موارد انتظار و صف است.
418 45	4. 7800	5. 00	4. 00	۱ ۰۰	کرونا، در تشدید گسترش شبکه‌های اجتماعی و کاهش مرجعیت رسانه‌های حاکمیتی نقش ایفا کرده است.
418 45	4. 7800	5. 00	4. 00	۱ ۰۰	حاکمیت می‌تواند و باید علاوه بر فضاهای رسمی و رسانه‌ها، در فضاهای مجازی نیز به جذب و مدیریت افکار پردازد.
418 45	4. 7800	5. 00	4. 00	۱ ۰۰	فضای مجازی، هرچند یک تهدید می‌نمایاند اما بستری عمده در مقابله با جنگ روانی دوران کرونایی است.
418 45	4. 7800	5. 00	4. 00	۱ ۰۰	لازم است با توجه به دور بودن سکه‌ی کرونا در فضای مجازی، از تهدیدها کاست و آنها را تبدیل به فرصت نمود.
418 45	4. 7800	5. 00	4. 00	۱ ۰۰	کرونا، اگرچه در ظاهر، حضور اعضای خانواده‌ها در کنار یکدیگر را بیشتر نموده اما آسیب‌های ناشی از عدم آمادگی کافی و بی‌برنامگی را نیز به‌مراه داشته است.
418 45	4. 7800	5. 00	4. 00	۱ ۰۰	فضای مجازی از مهمترین ابزارهای مدیریت افکار درون کرونا است که نه یک انتخاب بلکه یک الزام مدیریتی است.
418 45	4. 7800	5. 00	4. 00	۱ ۰۰	کرونا در رونق بسیاری از کسب‌وکارهای مجازی تأثیر مثبت داشته است.
418 45	4. 7800	5. 00	4. 00	۱ ۰۰	کرونا یادآوری می‌کند که فرهنگ فضای مجازی و سواد رسانه‌ای در جامعه ایرانی اسلامی باید ارتقا یابد.

انحراف معیار	میانگین پاسخ‌ها	بیشینه پاسخ	کمینه پاسخ*	تعداد	گزاره‌های کرونا و فضای مجازی در جمهوری اسلامی
				۱۰۰	

\*توضیح: پاسخ‌ها در طیف پنج گزینه‌ای از کاملاً مخالف (با نمره ۱) تا کاملاً موافق (با نمره ۵) قرار دارند.

همانگونه که از روی جدول مشاهده می‌شود، میانگین پاسخ‌ها بالاتر از ۴ است و از سویی با توجه به انحراف معیار پایین (همگی زیر ۰/۵) توافق و همگرایی خبرگان و متخصصان درمورد گزاره‌های پژوهش، حاصل شده است.

## ۵. جمع‌بندی و خلاصه نتایج

به طور خلاصه می‌توان به گزاره‌های زیر در خصوص کرونا و فضای مجازی در جمهوری اسلامی اشاره نمود:

■ شیوع بیماری کرونا در فضای حقیقی، موجب سوق جامعه در همه ابعاد به سوی فضای مجازی شده است.

■ کرونا موجب توجه بیشتر و تقویت بانک‌های اطلاعاتی نهادها و ادارات است.

■ کرونا با توجه به افزایش استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات از راه دور در فضای مجازی، تصمیم‌گیری سریع‌تر مدیران در فضای مجازی را به همراه دارد.

■ کرونا موجب تبادل هرچه بیشتر اطلاعات (مردم با مردم و مردم با مدیران) در بستر فناوری اطلاعات است.

■ کرونا، عامل تسریع و توسعه خدمات غیرحضوری در فضای مجازی است.

■ کرونا باعث شکوفایی ظرفیت‌های بلااستفاده در زمینه آموزش عمومی از راه دور است.

■ بری بهره‌برداری هرچه بیشتر از ظرفیت آموزش از راه دور، باید

آسیب‌شناسی جدی انجام شده و کاستی‌های موجود برطرف و بسترهای لازم فراهم شود.

■ دین و دینداری با شیوع بیماری کرونا، در فضای مجازی با تهدیدهایی مواجه شده است.

■ در دوران کرونایی، با درایت و برنامه‌ریزی، فضای مجازی می‌توان روح معنویت و دینداری را تقویت نمود.

■ کرونا، با توجه به کاهش فعالیتهای فیزیکی و توسعه فضای مجازی، به حفظ محیط زیست کمک کرده است.

■ کرونا باعث افزایش انجام امور ادارات در مجازی و حذف بسیاری از موارد انتظار و صف است.

■ کرونا، در تشدید گسترش شبکه‌های اجتماعی و کاهش مرجعیت رسانه‌های حاکمیتی نقش ایفا کرده است.

■ حاکمیت می‌تواند و باید علاوه بر فضاهای رسمی و رسانه‌ها، در فضاهای مجازی نیز به جذب و مدیریت افکار بپردازد.

■ فضای مجازی، هرچند یک تهدید می‌نماید اما، بستری عمده در مقابله با جنگ روانی دوران کرونایی است.

■ لازم است با توجه به دورو بودن سکه‌ی کرونا در فضای مجازی، از تهدیدها کاست و آنها را تبدیل به فرصت نمود.

■ کرونا، اگرچه در ظاهر، حضور اعضای خانواده‌ها در کنار یکدیگر را بیشتر نموده اما آسیب‌های ناشی از عدم آمادگی کافی و بی‌برنامگی را نیز به‌مراه داشته است.

■ فضای مجازی از مهمترین ابزارهای مدیریت افکار دروان کرونا است که نه یک انتخاب بلکه یک الزام مدیریتی است.

کرونا و فضای مجازی در ایران □ ۳۷۹

- کرونا در رونق بسیاری از کسب‌وکارهای مجازی تأثیر مثبت داشته است.
- کرونا یادآوری می‌کند که فرهنگ فضای مجازی و سواد رسانه‌ای در جامعه ایرانی اسلامی باید ارتقا یابد.

## ۶. منابع و مآخذ

- جلالی، علی اکبر (۱۳۸۴)، «شهر الکترونیک، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران».
- جلالی، علی اکبر (۱۳۸۶) شهر الکترونیکی، ماهنامه تکفا، شماره ۲، تهران، خرداد ۸۶. صص ۶۴-۷۲
- سکاران، اوما (۱۳۸۰) روش‌های تحقیق در مدیریت، ترجمه محمد صائبی و محمود شیرازی، تهران، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی
- کستلز، مانوئل (۱۳۸۰) عصر اطلاعات، ظهور جامعه شبکه‌ای. ترجمه احمد علیقلیان و احمد خاکباز. تهران؛ طرح نو
- شکیبا، علیرضا (۱۳۸۹) «فناوری اطلاعات، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی»، وزارت مسکن و شهرسازی.
- صادقی، مهدی، «تجارت الکترونیک و فناوری اطلاعات»، سخن گستر، ۱۳۸۴.
- تولایی، محمد ابراهیم، «استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات در مدیریت شهری»، ماهنامه اطلاع‌رسانی، آموزشی، و پژوهشی، شماره چهل و یکم، آذر ماه ۱۳۸۸.
- عارفخانی، احمد (۱۳۹۹) یک بررسی کوتاه از تأثیر ویروس کرونا بر فرهنگ فضای مجازی در ایران. در <https://fa.abna24.com/news> . کد: ۷۶۷۴۱۶
- رهنما؛ رصدگر هوشمند شبکه‌های اجتماعی-مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران، مرکز فناوری اطلاعات
- Line, David, 2010, "ICT for City Management, Using information and communications technology to enable, engage and empower city", Siemens AG, SIS Global Center of Competence for City Management, The Siemens Center.
- UNDP (2004). ICT and human development: Towards building a composite index for Asia.
- UNDP. (2005). Reducing disaster risk: a challenge for development. Geneva: UNDP.





## ۲۲. کرونا؛ بر ساخته اجتماعی انسان در جهان معاصر

### محسن دنیوی<sup>۱</sup>

آیا ویروس کرونا در جهان وجود داشته است و ما اکنون آن را کشف کرده‌ایم و یا پدیده نوظهور است که قبلاً وجود نداشته و تازه به وجود آمده است؟ وقتی ما چیزهایی را کشف نمی‌کنیم، آیا آن‌ها پیش از کشف ما وجود داشته‌اند یا وجود نداشته‌اند؟ چطور می‌توانیم به این سؤال پاسخ دهیم؟ ابتدایی‌ترین پاسخ این است که وجود داشته‌اند و فقط به وسیله انسان کشف نشده‌اند و علم ما توان شناخت آن ناشناخته را نداشته است.

اگر فرض بگیریم که وجود داشته‌اند، پس چرا ما موفق به کشف آن نشده بودیم؟ با توجه به سیری ناپذیری علم جدید برای شناخت ناشناخته‌های جهان، این فرضیه که ممکن است این ویروس قبلاً وجود داشته باشد و ثبت نشده باشد، بعید به نظر می‌رسد. پس فرض دوم تقویت می‌شود که این ویروس وجود نداشته و پدیده‌ای جدید است. هرچند نمونه‌هایی شبیه به

---

۱. دکتری فلسفه علم و فناوری/ مسئول دفتر مطالعات تمدن و پیشرفت/ موسسه معنا/ رایانامه:

donyavi1979@gmail.com

آن قبلاً ثبت شده، ولی قطعاً این مورد مشخص که موسوم به کووید ۱۹ است، ثبت نشده است. چطور واقعیتی جدید به جهان اضافه شده است؟ چه فرض بگیریم که این ویروس در آزمایشگاه ایجاد شده و حمله‌ای زیست‌شناسانه به اقتصاد چین بوده است و چه فرض کنیم که این ویروس به‌طور اتفاقی در اثر نحوه تعامل خاصی میان انسان و حیوان در چین ایجاد شده و یا حتی اگر داستان ایجاد این ویروس از طریق خوردن سوپ خفاش را بپذیریم، در همه این موارد، مسئله فراتر از علوم طبیعی- تجربی مانند پزشکی، زیست و شیمی است و پای علوم انسانی و اجتماعی به میان می‌آید.

در فرض اول یعنی تولید آزمایشگاهی، مناسبات قدرت در جهان به نحوی است که علم‌ها را به خدمت می‌گیرد تا ویروسی مرگبار را ایجاد کنند و از آن برای تضعیف یک دشمن یا ساختار اقتصادی استفاده کنند. در این فرض، دانشمندان زیست‌شناسی، شیمی، علوم آزمایشگاهی و بویژه رشته‌های مختلف پزشکی مانند رشته بیماری‌های عفونی و برخی دیگر از تخصص‌ها باید نقش‌آفرینی کرده باشند تا این ویروس با امکان جهش (=موتاسیون) در تجربه‌ای آزمایشگاهی اتفاق افتاده باشد.

این تجربه، دیگر نه از جنس مشاهده برای کشف قوانین علمی است و نه حتی تجربه برای توجیه نظریه‌ای علمی، بلکه مدل‌سازی ویروسی است که شباهت‌هایی به هم‌خانواده‌های خود دارد، اما با آن‌ها متفاوت است و برخی عوامل برای اثربخشی بیشتر آن در نظر گرفته شده است، درست مثل وقتی که در بخش تحقیق و توسعه اپل یا مایکروسافت برای ساخت نسخه‌ای جدید از کامپیوترهای شخصی، طراحی صورت می‌گیرد و برنامه‌ریزی می‌شود که چه مقدار سرعت دستگاه جدید را باید افزایش داد و یا مثلاً حجم حافظه

آن چقدر باید بیشتر باشد.

در این فرض هم طراحان این سلاح مرگبار بیولوژیکی، درباره میزان و سرعت شیوع، راه‌های انتقال و قدرت آسیب‌رسانی ویروس در ارتباط با دستگاه تنفسی انسان کار کرده‌اند و با دست‌کاری ژنوم ویروس موفق به خلق و یا تولید آن شده‌اند.

بیا بیا یک مقاله علمی درباره ویروس ایدز را که به وسیله پژوهشگران گروه ژنتیک پزشکی دانشگاه تهران نوشته شده با هم مرور کنیم:

«نشانگان کمبود ایمنی اکتسابی<sup>۱</sup> در اثر آلودگی به ویروسی از خانواده لنتی ویروس‌ها<sup>۲</sup> به نام ویروس نقص ایمنی انسان<sup>۳</sup> ایجاد می‌شود. این بیماری برای نخستین بار در سال ۱۹۸۱ کشف شد و از آن زمان تاکنون میلیون‌ها انسان در سراسر جهان جان خود را از دست داده‌اند. در ایران تاکنون بیش از شانزده هزار فرد آلوده به HIV شناسایی شده‌اند و تعداد مبتلایان به آن هر روز در حال افزایش است. علت عمده مرگ و میر مبتلایان به این بیماری، ابتلا به عفونت‌های فرصت‌طلب و سرطان‌های متفاوت، به دلیل تضعیف شدید سامانه ایمنی بدن است. پیشرفت‌های اخیر در زمینه زیست‌شناسی مولکولی، درک دانشمندان را از ساختار مولکولی و نحوه بیماری‌زایی این ویروس افزایش داده است و امید آن می‌رود که پیشرفت شتابنده علم در سالیان نه چندان دور، منجر به ابداع روش‌های مؤثر درمان این بیماری شود».

به جملات دقت کردید؟ از ۱۹۸۱ یعنی دهه‌های انفجار فناوریانه جهان در

---

<sup>۱</sup> .Syndrome Immunodeficiency Acquired

<sup>۲</sup> . Viruses Lenti

<sup>۳</sup> . Virus Immunodeficiency Human

سال‌های پس از جنگ دوم جهانی کشف شده و از آن زمان تاکنون میلیون‌ها انسان جان خود را بر اثر این ویروس از دست داده‌اند!

آیا پیش از ۱۹۸۱ هم میلیون‌ها انسان می‌مردند و ما علت مرگ آن‌ها را نمی‌دانستیم و یا توضیحی دیگر درباره مرگ آن‌ها داشتیم و بعداً متوجه شدیم که آن‌ها ایدز داشته‌اند؟ آیا پس از کشف، سرعت و میزان ابتلا به این بیماری افزایش یافته است؟ چرا و چگونه؟ کشف یک پدیده چرا باید اثربخشی آن در زندگی ما را افزایش دهد؟

اگر این بیماری قبلاً بوده است پس کشف آن نباید تأثیری در عملکرد آن داشته باشد، بلکه برعکس با کشف و روشن شدن آن، ما باید بتوانیم بهتر آن را کنترل کنیم. اگر منظور از کشف، چیزی است که به رفتار و کنش انسانی ما مربوط است و ما در جهان دست‌کاری کرده‌ایم، این موضوع دیگری است.

اجازه دهید از این داستان‌های تخیلی و هالیوودی فاصله بگیریم و به فرض دوم پردازیم که این ویروس در اثر هم‌زیستی و یا نحوه زیستن خاص و تغذیه خاص مردمان ناحیه‌ای از چین ایجاد شده است. اولاً باید دید این نحوه زیستن جدید بوده است و مثلاً این وضعیّت سابقه‌ای در تاریخ چین نداشته است. اگر سابقه داشته، چرا این ویروس قبلاً ایجاد نشده است. اگر فرض بگیریم که وضعیّت جدیدی است، این وضعیّت جدید زندگی، چرا و چگونه به وجود آمده که منجر به شکل‌گیری چنین ویروس خطرناکی شده است؟

شاید در اینجا دیگر از یادداشت خسته شوید و این سؤال در ذهن شما شکل بگیرد که هدف نویسنده چیست و اصلاً این آسمان و ریسمان بافتن‌ها برای چیست؟ هدف از سؤالات و فرض‌هایی که باهم مرور کردیم، دو نکته

است:

- در ماه‌های ابتدایی سال ۲۰۲۰ میلادی و ماه پایانی سال ۱۳۹۸ هجری شمسی، ایرانیان نسبتاً مسلمان نسبتاً مدرن، به مانند هشتاد و چند کشور دیگر جهان، گرفتار مشکلی با ابعاد جهانی شده‌اند (مثل همیشه ایران در صدر اخبار است که این هم ماجرای است!) و آن قدر ابعاد پزشکی مسئله پررنگ است و آن قدر مسائلی مانند بهداشت عمومی، قرنطینه‌سازی بیماران، شیوه‌های کنترل و مدیریت بحران، پیشگیری از شکل‌گیری واگیری، تولید و توزیع اقلام بهداشتی، روحیه‌بخشی به کارکنان بخش درمان کشور، تجهیز و تخصیص بیمارستان‌های اختصاصی و ... به‌طور مرتب و روزانه تکرار می‌شود که پرداختن به وجوه انسانی و اجتماعی مسئله، کاملاً مورد غفلت است و هیچ‌گاه نیز فرصت نخواهد شد که باز گردیم و مسئله را مرور کنیم.
- همان‌گونه که هیچ‌گاه راجع به آنفلوآنزای خوک که در سال ۲۰۰۹ بروز کرد و جهان را در وضعیّت ترسناکی قرار داد بازنگشتیم و به آن نپرداختیم. در آن سال، سازمان بهداشت جهانی اعلام کرد که آنفلوآنزای خوک در مناطق مختلف جهان در حال پیشروی است. این سازمان با اعلام مرحله ۵، وضعیّت هشدار دادند که شیوع جهانی آنفلوآنزای خوک، امری حتمی خواهد بود. این اولین بار بود که سازمان بهداشت جهانی وضعیّت هشدار خود را به مرحله ۵ ارتقاء می‌داد که یک مرحله مانده تا وضعیّت قرمز است و نشان‌دهنده این‌که واگیری جهانی این بیماری حتمی است.
- در همان زمان در آگوست ۲۰۰۹، دویچه وله آلمان این‌گونه تیت‌ر زد: احتمال مرگ ۹۰ هزار آمریکایی به دلیل ابتلا به آنفلوآنزای خوک!
- معاون دبیرکل سازمان بهداشت جهانی اعلام کرد در صورت شیوع بیماری

آنفلوآنزای خوکی، یک‌سوم جمعیت جهان به این بیماری مبتلا می‌شوند. در همان ایام نیز اولین مورد در ایران شناسایی شد و دکتر گویا (رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های واگیر وزارت بهداشت در حال حاضر که آن زمان هم در وزارت بهداشت مسئولیت داشته‌اند) در هم‌اندیشی (=سمینار) آنفلوآنزای خوکی که در انستیتو پاستور ایران برگزار شد، با اشاره به ورود آنفلوآنزای خوکی به فاز ۶ همه‌گیری جهانی، اعلام کردند: طبق برآوردها در دو سال، احتمالاً حدود ۱۰ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر تا ۲۴ میلیون در کشورمان به این نوع آنفلوآنزا مبتلا می‌شوند که از این تعداد ۵۲۵ هزار تا یک میلیون و ۲۲۵ هزار نفر نیاز به بستری دارند و برآورد می‌شود حدود ۱۰۵ هزار تا ۲۴۵ هزار نفر جان خود را از دست بدهند (August 2009).

نه در مقیاس جهانی و در نه در ایران، چنین اتفاقاتی نیفتاد؛ اما به لحاظ زمانی، وقتی تقارن این همه‌گیری جهانی از مکزیک را با بحران مالی آمریکا در نظر می‌گیریم، ابعاد انسانی و اجتماعی مسئله صورت دیگری به خود می‌گیرد. بحران مالی ۲۰۰۷ – ۲۰۰۸ که به بحران مالی جهانی و بحران مالی ۲۰۰۸ نیز مشهور است، به وسیله بسیاری از اقتصاددانان به مثابه بدترین بحران مالی از زمان رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰ شناخته می‌شود. کمیسیون تحقیق بحران مالی این‌طور نتیجه‌گیری کرد که بحران مالی اجتناب‌ناپذیر بود و دلایل متعددی برای علل وقوع آن برشمردند. تحقیقات در خصوص دلایل بحران مالی نیز بر نقش گسترش نرخ بهره تمرکز داشت. بلافاصله پس از بحران مالی، سیاست‌های پولی و مالی تسکین‌دهنده برای کم‌کردن تکانه وارده به اقتصاد تصویب شدند. در ژوئیه سال ۲۰۱۰، اصلاحات نظارتی برای کم کردن شانس یک وقوع مجدد در ایالات متحده، تصویب شد! باز هم لازم است به توالی زمانی پدیده‌ها دقت کنیم. مجال نیست درباره اتفاقات سال‌های ۲۰۰۷

و ۲۰۰۸ و بروز خودکشی‌های گسترده در آمریکا و بویژه آغاز خودکشی‌های جمعی و خانوادگی اشاره کنیم. چرا که مردم آمریکا به‌طور مرتب، بخشی از دارایی خود را از دست می‌دادند و چشم‌انداز پیش روی مردم این کشور، چشم‌انداز روشنی نبود.

خلاصه کلام این‌که بین پدیده‌های ظاهراً علمی و فناورانه ممکن است رابطه وثیقی با پدیده‌های انسانی و اجتماعی وجود داشته باشد که ما کمتر به آن‌ها توجه داریم و اغلب تمرکزمان درباره بعد علمی و فناورانه قضیه است؛ درحالی‌که ریشه مسئله جای دیگری است.

- دلیل دوم هم این‌که در هنگامه وقوع چنین حوادثی، دوباره به یاد سؤالات و شبهات کلامی و الهیاتی می‌افتیم و یقه دین، دین‌داری، خلقت، مسئله شرور و خدا را می‌گیریم که چرا؟ واقعاً چرا؟
- درحالی‌که شاید بهتر باشد کمی بیشتر در زمین دنبال پاسخ به سؤال «چرا» بگردیم. نمی‌شود بر اساس مناسباتی زمینی، زندگی کنیم و تنها موقع گرفتاری و برای تسکین خود و یا یافتن مقصّر به یاد خدای کهنه جاگرفته در ذهن‌هایمان بیافتیم.

اگر قرار است خداوند، حقیقتی جاری و صاحب هستی باشد، لازم است بر اساس این جهان‌بینی تمام مناسبات، مورد بازبینی قرار گیرد و اگر این چنین نیست، بهتر است خدای خودساخته را رها کنیم. چراکه نه آن خدا قدرتی برای تسکین دارد که فقط موقع دردها و رنج‌ها به درگاهش رویم و نه حمله به او و مورد سؤال قراردادنش، از رنج ما می‌کاهد.

جهان کنونی، یک برساخته اجتماعی است. عوامل متعددی در شکل‌گیری آن نقش داشته‌اند و مناسبات آن، با حقیقت دین و آنچه توسط انبیای الهی برای توجه دادن بشر به غیب و جهان پیش و پس از جهان کنونی آمده است، فاصله دارد.



این برساخته اجتماعی قطعاً واقعی است و اثر دارد، اما لزوماً حقیقت نیست و یکی از نحوه‌هایی است که بشر می‌توانسته است اراده کند و اراده بشری به اراده الهی قدرت یابد و جهان را صورت ببخشد و امکان انحاء دیگری از برساخت جهان نیز وجود دارد که با حقیقت نسبت بیشتری داشته باشد.

## ۲۳. جایگاه هویت ملی در سیاست‌گذاری در دوره بحران؛ مطالعه موردی کرونا

حمید هوشنگی<sup>۱</sup>

### ۱. درآمد

کشور ایران از دیرباز به دلایل مختلف به‌ویژه جایگاه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک در معرض بحران‌های مختلف سیاسی، امنیتی، زیست‌محیطی و ... است. در نیم‌قرن اخیر، بعد از حمله نظامی رژیم بعث عراق به ایران، کشور کمتر شاهد بروز بحران با سطح فراگیری ملی نبوده است، اما گسترش ویروس کرونا در کشور، بحرانی در سطح ملی برای کشور رقم زد. بررسی بحران‌های گذشته نشان می‌دهد برای عبور از بحران‌ها لازم است نظام سیاسی از ظرفیت‌های ملی بهره بگیرد. یکی از این ظرفیت‌ها، هویت ملی ایرانیان است. نمونه اعلای استفاده از هویت ملی را در مقابله با بحران جنگ

---

۱. استادیار و عضو هیأت علمی دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی/ دانشگاه امام صادق علیه‌السلام/ تاریخ نگارش: بیست و هفتم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹.

تحمیلی می‌توان مشاهده نمود. اهمیت استفاده از این ظرفیت‌ها برای پیشگیری و مقابله با بحران‌ها زمانی بیشتر احساس می‌شود که در فضای علمی صحبت از جنگ‌های هیبریدی در آینده است.

با توجه به اینکه مهم‌ترین کارکرد هویت، ایجاد پیوستگی و همانندی است و هویت ملی مجموعه‌ای از گرایش‌ها و نگرش‌های مثبت نسبت به عوامل، عناصر و الگوهای هویت‌بخش و یکپارچه‌کننده در سطح یک کشور به مثابه یک واحد سیاسی است، این ظرفیت باید در مدیریت بحران‌ها بیشتر مورد توجه قرار گیرد بویژه اینکه جنگ‌های آینده، جنبه‌های شناختی و ادراکی بیشتری نسبت به گذشته دارد. برای بررسی نحوه بهره‌گیری از هویت ملی در سیاست‌گذاری مقابله با بحران باید ویژگی مرکب و چند رکنی بودن آن توجه نمود. به عبارت دیگر هویت ملی دارای ابعادی است که نقاط گره<sup>۲</sup> هویت ملی به شمار می‌روند و موجب شکل‌گیری و قوام مشترکات بین آحاد جامعه می‌شود. بررسی دیدگاه محققان حوزه هویت نشان می‌دهد آن‌ها عموماً برحسب علایق تخصصی خود به یک یا چند بعد از ابعاد هویت توجه داشته‌اند، اما فهم دقیق از هویت ملی زمانی شکل می‌گیرد که همه ابعاد آن توجه گردد. در این نوشتار تلاش شده است ضمن بررسی ابعاد هویت ملی، تأثیر هر یک از ابعاد بر سیاست‌گذاری مقابله با بحران کرونا مورد بررسی قرار گیرد تا در نهایت مشخص گردد که هویت ملی در سیاست‌گذاری دوره بحران چه نقشی می‌تواند ایجاد نماید.

---

<sup>۲</sup> . nodule point

## ۲. چارچوب نظری (ابعاد هویت ملی)<sup>۳</sup>

همان‌طور که ذکر شد هویت ملی دارای ابعاد مختلفی است و محققان مطالعات هویت برای ارزیابی وضعیت هویت ملی، هر یک از ابعاد را مورد ارزیابی قرار می‌دهند. برای ارزیابی هر یک از ابعاد هویت ملی نیز مؤلفه‌هایی طراحی شده که در این نوشتار از این مؤلفه‌ها برای بررسی تأثیر هر یک از ابعاد هویت ملی بر سیاست‌گذاری دوره بحران استفاده شده است. در ضمن مؤلفه‌هایی در این نوشتار مورد توجه هستند که بتوان از آن‌ها در روند سیاست‌گذاری در دوره بحران بهره گرفت و الا محققان مؤلفه‌های متعددی برای هر یک از ابعاد طراحی نموده‌اند.

### ۲-۱. بعد اجتماعی هویت ملی

هر شخص از طریق محیط اجتماعی‌ای که متعلق بدان است یا به آن رجوع می‌کند، هویت خود را می‌سازد و توسعه می‌دهد بر این اساس بعد اجتماعی هویت ملی در ارتباط با کیفیت روابط اجتماعی فرد با نظام کلان اجتماعی بازشناسی می‌گردد. بر همین مبنا در صورت تقویت مناسبات و روابط فرد با جامعه، هویت جمعی فرد در سطح ملی شکل می‌گیرد و اصطلاحاً «ما»ی ملی تحقق می‌یابد بنابراین وفاق اجتماعی و همبستگی محصول این بعد است. مؤلفه‌های این بعد به شرح زیر است: (

جدول ۷)

---

۳. برای تبیین ابعاد هویت ملی از این اثر استفاده شده است: حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۴). «تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه» در مجموعه مقالات صنیع‌الجلال، مریم (۱۳۸۴) درآمدی بر فرهنگ و هویت ایرانی، تهران: موسسه مطالعات ملی.

## جدول ۷: مؤلفه‌های بعد اجتماعی هویت ملی

مؤلفه‌ها	بعد هویت ملی
اعتقاد نسبت به وجود جامعه ملی - ایرانی. احساس عضویت در جامعه ملی - ایرانی. تمایل به عضویت در جامعه ملی - ایرانی. احساس تعلق به جامعه ملی - ایرانی. تعهد به حفظ جامعه ملی - ایرانی. پذیرش دیگر آن به مثابه هم‌وطن. احساس افتخار یا نفرت نسبت به عضویت در جامعه ملی تمایل به پرداختن هزینه لازم برای عضویت در جامعه ملی ایران.	بعد اجتماعی

## ۲-۲. بعد تاریخی هویت ملی

تحولات و فرآیندهای درازمدت تاریخی در شکل دادن به احساس عمیق دلبستگی و تعلق به یک کشور مؤثر است، بنابراین بعد تاریخی هویت ملی عبارت است از آگاهی مشترک افراد یک جامعه از گذشته تاریخی و احساس دلبستگی به آن و احساس هویت تاریخی و هم‌تاریخ‌پنداری پیونددهنده نسل‌های مختلف به یکدیگر که مانع جدا شدن یک نسل از تاریخش می‌شود. هویت تاریخی را می‌توان آگاهی و دانش نسبت به پیشینه تاریخی و اعتقاد و احساس تعلق خاطر و دلبستگی بدان دانست. این بعد از هویت ملی نیز دارای ابعادی است که در (

جدول ۸) آمده است:

**جدول ۸: مؤلفه‌های بعد تاریخی هویت ملی**

مؤلفه‌ها	بعد هویت ملی
تجربیات تاریخی ایرانیان. تعریف و تعیین دوره تاریخی ملت ایران (پیشینه تاریخی و تمدنی ایرانیان). احساس افتخار و نفرت نسبت به تعلق و سابقه تاریخی.	بعد تاریخی

### ۲-۳. بعد جغرافیایی هویت ملی

محیط جغرافیایی تبلور فیزیکی، عینی، ملموس و مشهود هویت ملی به حساب می‌آید. برای شکل‌گیری هویت واحد ملی، تعیین محدوده و قلمرو یک سرزمین مشخص ضرورت تام دارد. بعد جغرافیایی هویت ملی را می‌توان نگرش مثبت به آب و خاک به دلیل سکونت «ما» در این سرزمین و وابستگی بقای ملت بدان دانست. بنابراین، تنها با وجود سرزمین مشخص است که رسیدن به اهداف و رفع نیازهای برای ملت ممکن می‌گردد. بر این اساس دلبستگی و تعلق خاطر به سرزمین مادری که با مرزهای معین مشخص می‌شود مؤلفه‌های متعددی دارد که در (جدول ۹) به برخی از آن‌ها اشاره شده است:

**جدول ۹: مؤلفه‌های بعد جغرافیایی هویت ملی**

مؤلفه‌ها	بعد هویت ملی
نگرش (مثبت و منفی) نسبت به آب و خاک. نگرش نسبت به جایگاه سرزمین ایران در جهان. نگرش مناسب و نامناسب بودن سرزمین برای زندگی و سعادت.	بعد جغرافیایی

مرجع دانستن زندگی در کشور خود نسبت به زندگی در کشورهای دیگر. دلبستگی و تعلق به سرزمین ایران. آمادگی برای دفاع از آب و خاک در زمان خطر و تعرض به آن علاقه‌مندی به یکپارچگی سرزمین در آینده.	
---	--

#### ۲-۴. بعد فرهنگی هویت ملی

مقصود از فرهنگ مجموعه ذهنی و روانی مشترکی است که در گذشته تاریخی شکل گرفته و طی فرآیند جامعه‌پذیری به نسل‌های بعدی منتقل گردید و نسل‌های نوین آن را به مثابه میراث گذشته به ارث برده‌اند. این مجموعه شامل ارزش‌ها، هنجارها، نمادها، اعتقادات و احساسات و رویکردهایی است که در زمینه خانواده، اقتصاد، سیاست، مذهب، جامعه‌پذیری و تفریحات در بین مردم یک جامعه به‌صورت وجدان جمعی درآمده است. مؤلفه‌های بعد فرهنگی هویت ملی را می‌توان در (جدول ۱۰) مشاهده نمود:

جدول ۱۰: مؤلفه‌های بعد فرهنگی هویت ملی

مؤلفه‌ها	بعد هویت ملی
ارزش‌گذاری و قضاوت نسبت به میراث گذشته. افتخار به ارزش‌های فرهنگی. اعتقاد نسبت به حفظ و تقویت میراث فرهنگی. علاقه نسبت به رسوم، آئین‌ها و سنت‌های ایرانی.	بعد فرهنگی

#### ۲-۵. بعد دینی هویت ملی

با وجود افزایش هجمه‌ها به دین در قالب‌های مختلف، اعم از روند نوسازی دوره پهلوی تا هجمه‌های دینی و اعتقادی در فضای مجازی در عصر کنونی،

دین همچنان منبع مهمی برای هویت و معنابخشی در جهان حاضر محسوب می‌گردد. برخورداری از دین و تعالیم مذهبی مشترک، پایبندی و وفاداری به آن و اعتقاد و تمایل به مناسک و آئین‌های مذهبی فراگیر در فرآیند شکل‌دهی به هویت ملی بسیار مؤثر است. از سوی دیگر دین از لحاظ کارکردی عامل مهمی در روابط اجتماعی به شمار می‌رود و موجب دلگرمی، اشتیاق عمومی و ایثار اجتماعی می‌گردد. بر این اساس می‌توان مؤلفه‌های زیر را به مثابه مؤلفه‌های بعد دینی هویت ملی بازشناسی نمود: (جدول ۱۱)

جدول ۱۱: مؤلفه‌های بعد دینی هویت ملی

مؤلفه‌ها	بعد هویت ملی
پایبندی به ارزش‌های بنیادین دینی. مشارکت و تمایل عملی به ظواهر و آیین‌های مذهبی و دینی. دلبستگی جمعی و عمومی به شعائر و نهادهای دینی.	بعد دینی

#### ۲-۶. بعد سیاسی هویت ملی

این بعد از هویت ملی مهم‌ترین مؤلفه هویت ملی به شمار می‌رود. هویت ملی در بعد سیاسی بدین معنی است که افرادی که از لحاظ فیزیکی و قانونی عضو یک نظام یا ساختار سیاسی هستند و داخل مرزهای ملی یک کشور زندگی می‌کنند و موضوع یا مخاطب قوانین آن کشور هستند از لحاظ روانی هم خود را از اعضای نظام بدانند، بنابراین علاقه قلبی به یک نظام سیاسی و مبانی ارزشی و مشروعیت آن عامل عمده‌ای در تقویت همبستگی و پیوند ملی خواهد بود. نظام سیاسی دارای سه زیر نظام سیاسی یا سه لایه است؛ جامعه سیاسی ملی، نظام و ساختار سیاسی یکپارچه، هیئت حاکمه. در مجموع هویت سیاسی را می‌توان به سه سطح تفکیک کرد که



وجود و قوت هویت در هر سطح یا بحران در آن سطوح پیامدها و نتایج خاص خود را دارد. برخی از مؤلفه‌هایی که بعد سیاسی هویت ملی را تشکیل می‌دهند، در (جدول ۱۲) آمده است:

**جدول ۱۲: مؤلفه‌های بعد سیاسی هویت ملی**

مؤلفه‌ها	بعد هویت ملی
اعتقاد به ضرورت استقرار یک نظام سیاسی واحد بر کل جامعه ایران. علاقه قلبی به یک نظام سیاسی دارای ارزش‌های مورد پذیرش عموم مردم. دفاع از یکپارچگی و همبستگی سیاسی. نوع ایدئولوژی سیاسی مناسب برای نظام سیاسی مطلوب آن‌ها. نوع ساختار قدرت مناسب برای کشور. نگاه و نگرش نسبت به جایگاه و نقش مسئولان در جامعه. جایگاه کشور در نظام بین‌المللی. دفاع از تصمیم‌گیری‌های نظام سیاسی کشور. حمایت از سیاست‌های کلان کشور.	بعد سیاسی

### ۳. بررسی تأثیر ابعاد هویت ملی بر سیاست‌گذاری دوره بحران

همان‌طور که اشاره شد برای بررسی تأثیر هویت ملی بر نحوه و روند سیاست‌گذاری در دوره بحران لازم است تأثیر هر یک از ابعاد هویت ملی به تفکیک موردبررسی قرار گیرد. در ادامه به بررسی تأثیرات هر یک از ابعاد هویت ملی بر روند و نحوه مدیریت و سیاست‌گذاری در دوره فراگیری ویروس کرونا در کشور پرداخته شده است.

### ۳-۱. تأثیر بعد اجتماعی هویت ملی بر سیاست‌گذاری دوره بحران

هویت ملی زمانی معنا دارد که آحاد ملت به وجود جامعه ملی و ضرورت آن اعتقاد و احساس تعلق و عضویت در آن جامعه را داشته باشند. در صورت وجود این احساس و تعلق این زمینه برای سیاست‌گذاران فراهم می‌گردد که بتوانند از بستر این تعلق برای افزایش همراهی مردم در مقابله با بحران استفاده نمایند. در ضمن این احساس تعلق می‌تواند منجر به شکل‌گیری تعهد به حفظ جامعه ملی نیز گردد. تعهد مردم به سایر هموطنان علاوه بر اینکه می‌تواند در کمک‌های اقتصادی و مالی به آسیب‌دیدگان مؤثر باشد، بر تقویت فلسفه چرایی رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی نیز اثربخش است. مقوله ایثار اجتماعی می‌تواند زمینه‌های مختلف دینی و اجتماعی داشته باشد. بنابراین، در صورت وجود تعهد قوی و حقیقی مردم به جامعه ملی خود زمینه بروز ایثار اجتماعی فراهم می‌گردد. وجود این مؤلفه در جامعه ایرانی که در ایام کرونا در قالب رزمایش مؤاسات یا کمک مؤمنانه نمود پیدا کرده است، امکان مناسبی برای سیاست‌گذاران مهیا می‌سازد تا آسیب‌های خرد اقتصادی ناشی از کرونا را در کوتاه‌مدت مرتفع سازد. در ضمن وجود این سازکار مردمی در دوره بحران و آثار مثبت آن نشان می‌دهد نهادهای مردمی را نباید در سازمان‌های مردم‌نهاد رسمی محدود کرد و زمینه ورود همه‌جانبه و هدفمند مردم به روندهای مدیریتی کشور را فراهم نمود. تجربه کشورهای غربی در مدیریت بحران نیز حکایت از این دارد که محدود ساختن نهادهای مردمی به نهادهای رسمی مردم‌نهاد در شرایط عادی ممکن است پاسخگوی مسائل و مشکلات کشور باشد، اما در شرایط بحرانی بویژه بحران‌های فراگیر مانند ویروس کرونا، این نهادها توانایی لازم را برای مشارکت مؤثر در مدیریت بحران ندارند.

مؤلفه دیگری که در سیاست‌گذاری مدیریت کرونا می‌تواند مؤثر واقع گردد، تمایل به پرداختن هزینه لازم برای عضویت در جامعه ملی است. این تمایل می‌تواند در قالب کمک‌های مالی، علمی و بدنی و ... نمود یابد. با توجه به اینکه مراحل اولیه بروز بحران کرونا در کشور تکانه قابل توجهی به حوزه‌های مختلف وارد ساخت، آماده بودن بخشی از جامعه ایرانی برای حضور و نقش‌آفرینی در مدیریت بحران در کاهش آثار و طول بحران بسیار مؤثر بوده است. به‌طور نمونه می‌توان به حضور نیروهای داوطلب در بیمارستان‌های برای کمک به کادر درمانی یا حضور این افراد برای پاک‌سازی معابر شهری اشاره نمود.

در مجموع بعد اجتماعی هویت ایرانی این ظرفیت را در اختیار سیاست‌گذاران قرار می‌دهد که توان سیستم رسمی کشور را برای مقابله با ویروس کرونا و آثار آن افزایش دهد. البته شرط لازم این مسئله، از یک‌سو اعتقاد سیاست‌گذاران به اهمیت و جایگاه این اثربخشی است و از سوی دیگر ارتقاء رویکرد فعالان اجتماعی به نوع اقدامات در شرایط بحرانی و عبور از کارهای عادی به اقدامات اثربخش و ماندگار است.

### ۳-۲. تأثیر بعد تاریخی هویت ملی بر سیاست‌گذاری دوره بحران

در نگاه اول شاید بعد تاریخی هویت ملی اثر خاصی بر روند مدیریت بحران در کشور نداشته باشد، اما توجه ویژه به جایگاه حافظه تاریخی و تجربه زیست جمعی ایرانیان می‌تواند آثار مهمی بر مقابله با بحران به جای بگذارد. همان‌طور که اشاره شد کشور ایران از دیرباز با بحران‌های مختلفی مواجه بوده است بنابراین وجود بحران و تجربه زیستی ایرانیان که با بحران عجین بوده، باعث شده است ایرانیان نسبت به سایر کشورها از بروز بحران کرونا آسیب روحی و روانی کمتری را تجربه نمایند. در واقع ایرانیان زیست در

شرایط بحرانی را لمس کرده‌اند بنابراین بروز بحران‌هایی از این دست، تکانه بزرگی برای آن‌ها محسوب نمی‌شود. این ظرفیت جامعه ایرانی در سیاست‌گذاری می‌تواند مورد توجه باشد. در این زمینه باید به تجربه گران‌سنگ دفاع مقدس توجه ویژه نمود. حافظه تاریخی ایرانیان که دفاع مقدس را به مثابه یک بازه زمانی همپاری و همکاری ملت ایران برای عبور از بحران‌های پیچیده و متعدد آن به یاد دارد، در صورت بازخوانی درست و دقیق این تجربه، درس‌های بزرگی برای نحوه مواجهه با بحران کرونا را به دست خواهد داد. همچنین پیشینه تاریخی و تمدنی به مثابه حافظه تاریخی و فرهنگی ایرانیان نیز می‌تواند در مدیریت بحران مؤثر واقع شود. ملتی که پیشینه تاریخی با عظمتی داشته باشد، ظرفیت بالای روحی و شخصیتی برای مقابله با بحران خواهد داشت.

### ۳-۳. تأثیر بعد جغرافیایی هویت ملی بر سیاست‌گذاری دوره بحران

همانند بعد تاریخی، این بعد نیز در نگاه اول شاید اثر قابل توجهی بر روند مدیریت بحران نداشته باشد. وجود نگرش مثبت نسبت به آب و خاک و بالطبع نگرش مثبت نسبت به جایگاه سرزمین ایران در جهان می‌تواند منجر به افزایش روحیه ایرانیان برای مقابله با کرونا گردد. روند تاریخی نگاه رویکرد ایرانیان به خود و غرب گویای این است که تلاش‌های بسیار زیادی از سوی روشنفکران غرب‌گرا برای تخریب جایگاه ایرانی و ایرانی بودن و به عکس تبدیل غرب به مثابه قبله آمال انجام شده است. هر چند این روند با پیروزی انقلاب با ضربه شدیدی مواجه شد، اما این روند در دهه‌های اخیر به انحای مختلف در حال پیگیری است. بروز ویروس کرونا در سراسر جهان و اعلام وضعیّت همه‌گیری از سوی نهادهای بین‌المللی در کنار مشکلات عدیده‌ای که کشورهای قدرتمند دنیا درگیر آن‌ها بوده‌اند، باعث شده است، این تصوّر

به‌شدت به چالش کشیده شود. اخباری که درباره روند بازگشت ایرانیان خارج از کشور به داخل منتشر می‌شود گویای این است که با وجود مشکلات جدی در کشور، این احساس در بین ایرانیان ایجاد شده است که ایران برای زندگی در مقایسه با سایر کشورها مناسب‌تر و دارای ارجحیت است. تقویت این احساس در کنار شکسته شدن بت غرب می‌تواند زمینه مناسب دانستن زندگی در کشور خود نسبت به زندگی در کشورهای دیگر را فراهم سازد. همچنین مؤلفه آمادگی برای دفاع از آب و خاک در زمان خطر و تعرض به آن می‌تواند با تصویرسازی دقیق از تهاجم ویروس کرونا به ایران، در کنار مؤلفه ایثار اجتماعی، نقش مردم را در مدیریت بحران تقویت نماید.

#### ۳-۴. تأثیر بعد فرهنگی هویت ملی بر سیاست‌گذاری دوره بحران

مدیریت بحران کرونا علاوه بر تدابیر بهداشتی، اقتصادی و ... نیازمند توجه به جایگاه فرهنگ در این روند است. ایرانیان با توجه به سابقه فرهنگی طولانی به‌ویژه بعد از ورود اسلام به ایران و امتزاج فرهنگ ایرانی با فرهنگ دینی، شرایط مناسب‌تری برای مقابله با ویروس کرونا را دارند. برخلاف جریان تحقیرگر فرهنگی که به تحقیر ایرانی و فرهنگ ایرانی در برابر فرهنگ غربی می‌نمایند، وجود مؤلفه‌های فرهنگی قوی مانند اهتمام به رعایت نظافت شخصی و عمومی در میان ایرانیان شرایط مدیریت فراگیری ویروس را بیش از سایر کشورها فراهم می‌سازد. همچنین فرهنگ ایرانی در شرایط بحرانی خود را نشان داده است. عدم حمله به مراکز فروش و رفتارهای خشونت‌بار برای دست یافتن به مایحتاج زندگی در دوره قرنطینه در مقایسه با رفتار شهروندان کشورهای غربی، این ظرفیت فرهنگی را به‌خوبی نمایان ساخته است. باید به موارد فوق، این نکته را نیز افزود که آمارهای رسمی کشورهای غربی از رشد خشونت خانوادگی بویژه بر ضد زنان در ایام قرنطینه حکایت

دارد درحالی‌که مقامات مسئول در ایران (ناجا) اعلام کرده‌اند که روند خشونت‌های خانوادگی در ایران در این ایام نسبت به گذشته تغییری نداشته است. در واقع یکی از ارزش‌های فرهنگی که در جامعه ایرانی با وجود همه همه‌های فرهنگی هنوز تداوم دارد، در مدیریت بحران کرونا نیز می‌تواند اثربخش باشد. خانواده ایرانی کماکان این ظرفیت را دارد که فارغ از خدمات و امکانات دولتی، به بازسازی و مدیریت مسائل و مشکلات فردی و خانوادگی بپردازد. به نظر می‌رسد خانواده به‌مثابه سلول بنیادین جامعه در صورت دور نشدن از جایگاه اصلی خود می‌تواند هم به کاهش مشکلات فردی ناشی از کرونا مانند بحران‌های روحی کمک نماید و هم می‌تواند در حوزه‌های کلان‌تر مانند حلب مسائل اقتصادی اطرافیان نقش‌آفرینی کند. به این موضوع باید علاقه ایرانیان به رسوم، آئین‌ها و سنت‌های خود که به تقویت همیاری و انفاق منجر می‌گردد، نیز توجه نمود.

### ۳-۵. تأثیر بعد دینی هویت ملی بر سیاست‌گذاری دوره بحران

در ادبیات رایج جامعه‌شناسی، دین را ذیل فرهنگ تعریف می‌نمایند، اما با توجه به جایگاه دین در هویت ایرانیان، این بعد از هویت ملی قابلیت این را دارد که به‌مثابه یک بعد مستقل مطرح گردد. لازم به ذکر است که جایگاه دین در هویت ملی فقط به دوره اسلامی باز نمی‌گردد، بلکه جامعه ایرانی از گذشته، یک جامعه دینی بوده است و با وجود رفتارهای ناصواب متولیان دین به‌طور خاص در عصر ساسانی از دین دور نشده‌اند. بنابراین، جایگاه دین در ساخت هویت ایرانیان بسیار مهم و اساسی است. در دوره مقابله با بحران کرونا نیز این مؤلفه هویت ملی در مدیریت بحران بسیار اثرگذار خواهد بود. وجود ارزش‌های بنیادین دینی که بتوانند در مدیریت بحران‌ها نقش‌آفرینی نمایند بسیار زیاد است بنابراین پایبندی به این ارزش‌ها از سوی جامعه

ایرانی روند مدیریت بحران را با موفقیت بیشتری همراه خواهد کرد. برخی از این ارزش‌ها عبارتند از اعتقاد به توحید، نبوت و امامت، معاد و ارزش‌های اخلاقی. هر یک از این اعتقادات و ارزش‌های بنیادین به شرط تفسیر درست، به انحای مختلف می‌توانند سهم قابل توجهی در مدیریت بحران داشته باشند. یکی از انتقادات جدی به سیاست بستن اماکن مذهبی و مشاهد مشرفه، با وجود امکان رعایت دستورالعمل‌های بهداشتی در این اماکن، بی‌توجهی به نقش ارزش‌های دینی و مذهبی در مدیریت روحی و روانی جامعه در شرایط بحران کرونا است. البته تأثیر ارزش‌های بنیادین دینی محدود به حوزه‌های روحی و روانی نیست، بلکه این ارزش‌ها می‌توانند در قالب یک رفتار اجتماعی بروز یافته و در مدیریت بحران نقش آفرینی نمایند. بر همین اساس سطح بالای مشارکت و تمایل عملی مردم ایران به ظواهر و آیین‌های مذهبی و دینی، در مرحله پیشگیری، مقابله و رفع آسیب‌ها و آثار منفی بحران کرونا می‌توانند مؤثر واقع شوند. رزمایش مؤاسات و کمک‌های مؤمنانه با وجود جایگاه دین در زندگی ایرانیان، عمق و اثربخشی بیشتری پیدا کرده است.

### ۳-۶. تأثیر بعد سیاسی هویت ملی بر سیاست‌گذاری دوره بحران

بعد سیاسی هویت ملی از آن جهت اهمیت بالایی دارد که در مدیریت بحران، نظام سیاسی نیازمند همراهی مردم در حوزه‌های مختلف است و در صورت ضعیف بودن این بعد از هویت ملی، سیاست‌ها و تصمیمات نظام سیاسی برای مقابله با کرونا و تبعات آن به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. برخی از کشورها که به ظاهر در این بعد از هویت ملی دارای قوت هستند، در شرایط بروز بحران به دلیل ضعف جدی و حقیقی در این حوزه، مجبور به اتخاذ سیاست‌های سخت و اجبارآمیز شدند. بررسی رفتار ستاد ملی مقابله با کرونا

در ایران نشان می‌دهد وضعیّت بعد سیاسی هویت ملی ایرانیان نسبت به بسیاری از کشورها در وضع مطلوب‌تری قرار دارد و این ستاد برای اجرای برنامه‌ها و سیاست‌ها از حداقل ابزارهای اجبارآمیز استفاده نمود. همراهی حداکثری مردم با سیاست‌های این ستاد از بالا بودن سطح بعد سیاسی هویت ملی ایرانیان حکایت دارد. برای فهم دقیق اهمیّت این بعد باید به میزان عمل به تصمیمات ستاد در شهرهای مختلف توجه نمود. بررسی اولیه نشان می‌دهد در شهرهایی که رعایت دستورالعمل‌ها و تصمیمات ستاد ملی کمتر مورد توجه بوده است، سطح هویت ملی به‌صورت عام و بعد سیاسی هویت ملی نسبت به سایر مناطق کشور کمتر بوده است. بنابراین در مجموع اگر بعد سیاسی هویت ملی ارتقاء یابد، اجرای سیاست‌های ستاد ملی مقابله با کرونا و سایر نهادهای مسئول در این حوزه زمینه اجرایی اجتماعی بیشتری پیدا خواهد کرد.

از سوی دیگر عملکرد نظام مدیریتی و سلامت کشور در مقابله با ویروس کرونا، تصویر مثبتی از جایگاه کشور در نظام بین‌المللی نزد عموم مردم ایجاد کرده است. این تصویر توانسته است احساس غرور ملی را در میان ایرانیان افزایش یابد، هرچند جریان رسانه‌ای معارض تلاش دارد این موفقیت‌ها را نشان ندهند و به بزرگ‌نمایی مشکلات بپردازد. این تصویر مثبت می‌تواند با اثرگذاری بر سایر حوزه‌های هویتی مانند بعد فرهنگی هویت بر روند مدیریت بحران تأثیر گذارد. سیاست‌گذاران کشور لازم است ضمن صیانت از این احساس حقیقی، از بروز مشکلاتی که این احساس را خدشه‌دار نماید جلوگیری به عمل آورند. به‌طور نمونه گرانی‌های عجیب و فزاینده این روزهای کالاهای اساسی و خودرو می‌توانند به مخدوش‌سازی این تصویر کمک نمایند و بالعکس پرتاب ماهواره نور به آسمان می‌تواند این احساس و روحیه



حقیقی را تقویت نماید.

همچنین بررسی فضای رسانه‌ای جریان‌های افراطی قومی، مذهبی و تجزیه‌طلب نشان می‌دهد به دلیل تقویت روحیه ملی‌گرایانه ایرانیان روند فعالیت‌های تجزیه‌طلبانه و افراطی آن‌ها کاهش یافته است و عملاً عموم مردم با دفاع از یکپارچگی و همبستگی سیاسی کشور زمینه فعالیت این گروه‌ها را به حداقل رسانده‌اند در حالی که تجربه حضور و نقش‌آفرینی جریان‌های معاند در بحران‌های منطقه‌ای مانند زلزله مناطق مرزی نشان می‌دهد این جریان‌ها از این بستر برای تشدید فعالیت‌های خود استفاده می‌نمودند. تجربه جامعه ایرانی در مواجهه با بحران کرونا نشان می‌دهد این جریان‌ها حداکثر به فضا سازی رسانه‌ای پرداخته‌اند و در این حوزه نیز توفیق قابل توجهی نداشته‌اند. این ظرفیت باید از سوی سیاست‌گذاران اولاً صیانت گردد و ثانیاً در طراحی‌ها مورد توجه قرار گیرد.

#### ۴. راهبردهای پیشنهادی

- برای صیانت از دین و حفظ جایگاه آن در هویت ملی ایرانیان، لازم است دستگاه‌های مسئول با رفتارهایی که منجر به تضعیف دین در جامعه می‌گردد، مقابله مناسبی داشته باشند. برخی از این رفتارها از سوی جریان‌های ضدفرهنگی در داخل و خارج از کشور و از طریق شبکه‌های اجتماعی انجام می‌گیرد که به‌طور نمونه می‌توان به تأکید بر گسترش ویروس از شهر قم، تأثیر اماکن مذهبی در این حوزه و تقابل دین و علم اشاره نمود. سنخ دیگری از رفتارها که می‌تواند به تضعیف جایگاه دین در جامعه منجر گردد، قبح‌شکنی برخی از سلبریتی‌ها در فضای مجازی به بهانه نشاطبخشی اجتماعی مانند چالش رقص، آوازخوانی بانوان و ... است؛
- پیمایش‌های هویت ملی نشان می‌دهد بعد سیاسی هویت ملی در مقایسه با سایر ابعاد، در سطح پائین‌تری قرار دارد بنابراین برای اثربخشی سیاست‌های

اتخاذ شده از سوی نهادهای مسئول در ایام بحران، لازم است این بعد از هویت ملی به‌طور ویژه مورد توجه قرار گیرد؛

- برخی از روشنفکران مقوله خوداتکایی، خودکفایی و خودبسندگی را به بهانه‌های مختلف مانند جهانی‌شدن، مورد تمسخر قرار می‌دهند، اما حوادثی مانند شیوع ویروس منحوس کرونا، بار دیگر اهمیت این مسئله را گوشزد نمود. یکی از حوزه‌های مهمی که با برنامه‌ریزی دقیق هم می‌توان کشور را در یک حوزه اساسی خودکفا نمود و هم می‌توان زمینه‌ساز اقتدار بین‌المللی برای کشور در شرایط بحرانی مانند دوران کرونا شد، حوزه کشاورزی است. هرچند برخی از مسئولان به بهانه کم‌آبی کشور، خودکفایی در حوزه کشاورزی را مورد تردید قرار می‌دهند، اما بررسی تاریخی نشان می‌دهد که تمدن‌های بزرگ دنیا بر اساس یک انقلاب کشاورزی شکل گرفته‌اند و در واقع کشاورزی پایه تمدن و تضمین‌کننده قوام آن جوامع شده است. نکته قابل تأمل درباره ایران این است که با اینکه تنها ۲۷ درصد زمین زیر کشت در ایران وجود دارد و از این نظر رتبه ۱۲۷ دنیا را در اختیار دارد، اما با وجود خشکسالی‌های اخیر، بر اساس آمار بانک جهانی به لحاظ ارزش‌افزوده بخش کشاورزی در جایگاه یازدهم جهانی قرار دارد و سهم ارزش‌افزوده بخش کشاورزی در اقتصاد ایران نزدیک به دو برابر میانگین جهانی است. همچنین هفده درصد از اشتغال کشور مربوط به بخش کشاورزی است و این یعنی شاغلان بخش کشاورزی از کل شاغلان بخش دولتی بیشتر است. این موارد را باید در کنار بازار روبه‌رشد بازار محصولات کشاورزی ایران ملاحظه نمود. ورود کشور به دوره ترسالی نیز می‌تواند اهمیت و اثر این بخش را مضاعف نماید. به‌طور نمونه بخش کشاورزی در سال گذشته به برکت نزولات جوی، ۷ درصد رشد کرده است و این رشد به دلیل بارش بیشتر در انتهای سال ۱۳۹۸ و فروردین‌ماه ۱۳۹۹ بیش از این باشد. در ضمن همچنین کارشناسان اقتصاد کشاورزی معتقدند در جریان تحریم‌های هشت‌ساله اخیر، بخش کشاورزی بسیار کمتر از بخش‌های دیگر آسیب دیده است و این امر بیانگر مقاومت و درون‌زایی این بخش

است که تا حدی به بافت مردمی و غیرانباشتی آن باز می‌گردد. بنابراین یک برنامه‌ریزی دقیق و هوشمندانه می‌تواند علاوه بر تضمین خودکفایی کشور در این بخش، زمینه یک جهش بزرگ را فراهم نماید؛

- جامعه ایرانی در دوره دفاع مقدّس با گسترش روحیه ایثار توانست با وجود کمبودهای متعدد در حوزه کالاهای اساسی و سوخت، از بحران جنگ عبور نماید. در شرایط کنونی هرچند، سبک زندگی نسبت به گذشته تغییر کرده است، اما وجود روحیه ایثار اجتماعی می‌تواند در زمان بحران، عبور همراه با سلامت کشور را تضمین نماید. تقویت این روحیه به انحای مختلف و با روش‌های هنرمندانه امری ضروری برای کشور محسوب می‌گردد؛
- نقش اساسی نهادهای مردمی غیررسمی بر اهمیت حفظ آن‌ها و جلوگیری از دولتی شدن آنها تأکید دارد. مجموعه‌های ارزشی مانند سپاه، بسیج و سازمان تبلیغات و ... از وابسته نمودن این گروه‌ها به نهادهای رسمی خودداری نمایند؛
- با توجّه به اینکه بحران در کشور در دوره‌های مختلف زمانی بروز می‌یابد، آموزش‌های رسمی کشور مانند آموزش و پرورش و رسانه ملی باید متناسب با ضرورت‌های این دوره‌ها، به بازخوانی برنامه‌ها و سیاست‌ها با تأکید بر پیشینه تاریخی ایرانیان بپردازند. به عبارت دیگر، پدافند غیرعامل می‌تواند جزئی از فرهنگ ایرانیان از طریق آموزش گردد؛
- فعالان رسانه‌ای جبهه انقلاب هنرمندانه باید با جریان تحقیرکننده فرهنگ ملی مقابله نمایند. شرایط کرونا که ضربه سختی به هیمنه غرب زد، فرصت خوبی است برای این اقدام بابرکت و ارزشمند؛
- بحران اگر بتواند نهادهای مختلف اجتماعی را دچار فروپاشی نماید، درباره نهاد خانواده با مشکل جدی مواجه می‌گردد. بنابراین، اولین سنگر مقابله با بحران‌ها، خانواده‌ها هستند. البته کارویژه‌های خانواده به بهانه‌های مختلف مانند تمایزبازی ساختاری در روند توسعه، محدود شده‌اند، اما این امکان

جایگاه هویت ملی در سیاست‌گذاری در دوره بحران □ ۴۰۷

وجود دارد که در گام اول خانواده‌ها حفظ کردند و در گام دوم کارویژه‌های ضد بحران آنها احیاء گردد؛

- بحران به صورت ذاتی مشکلات متعددی را به جامعه تحمیل می‌نماید. بنابراین، شرط اولیه مدیریت بحران، خودداری از تحمیل فشارها در سایر حوزه‌هاست. این موضوع در حوزه‌های فرهنگی تا حدودی دیده می‌شود به نحوی که احساس می‌شود برخی از عناصر ساختارشکن از شرایط موجود برای اقدامات ضدفرهنگی خود استفاده می‌نمایند و اطمینان دارند که نهادهای مسئول برخوردی با آنها نمی‌نمایند، اما در حوزه اقتصادی به هیچ وجه افزایش قیمت‌ها و امثالهم پذیرفته شده نیست.

## ۵. نتیجه‌گیری

جامعه ایرانی به دلیل قرار گرفتن در شرایط بروز بحران‌های مختلف نیازمند یافتن راهکارهای اساسی و پایدار برای مدیریت بحران‌ها است. یکی از این راهکارها که علاوه آثار ایجابی جدی می‌تواند در پدافند غیرعامل کشور نقش به‌سزایی داشته باشد، تقویت هویت ملی ایرانیان است. با وجود اینکه اشاره شد بعد سیاسی هویت ملی از اهمیت بالایی برخوردار است، به نظر می‌رسد هویت ملی هر قشر و گروهی از جامعه ممکن است از طریق یک یا چند بعد هویت ملی تقویت گردد. به تعبیر دیگر تقویت هویت ملی در همه آحاد جامعه با یک مسیر واحد و مشخصی محقق نمی‌گردد، بلکه ممکن است فردی فقط با یک بعد از هویت ملی با سایر اقشار جامعه همسو گردد. شاید تأکید مقام معظم رهبری بر حضور افراد در انتخابات با وجود عدم پذیرش نظام سیاسی به همین معنا اشاره داشته باشد. در مجموع عبور از بحران‌ها نیازمند همراهی حداکثری مردم در حوزه‌های مختلف است بنابراین به جرأت می‌توان گفت تقویت هویت ملی ایرانیان رمز اساسی سیاست‌گذاری کشور برای عبور از بحران‌ها و به‌طور خاص بحران کرونا است. در واقع این موضوع

در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران که عمیقاً به نقش و همراهی مردم توجه ویژه دارد، از اهمیت و اثر بیشتری برخوردار است و می‌تواند زمینه و فرصتی باشد برای تعیین سازکارها و مسیر حضور و نقش‌آفرینی مردم در اداره کشور.

## ۲۴. گفتمان مؤاسات، نعمتی از کرونا

امیرحسین خورشیدی اطهر<sup>۱</sup>

### ۱. مقدمه

کرونا ویروسی است که در عصری سراغ انسان‌ها آمد که کمتر کسی باور به این قدرت‌نمایی از جانب طبیعت داشت. این ویروس چه بخواهیم و چه نخواهیم زندگانی بشر مدرن را دستخوش تغییراتی جدی داده و می‌دهد. این تغییرات می‌تواند مثبت و در جهت رشد و تعالی فرد و جامعه باشد؛ می‌تواند هم منفی و به جریان هبوط بشر سرعت ببخشد. شاید کمرنگ شدن خدا و رنگ خدا در زندگی بشر امروزین خود دلیل دیگری بر این ابتلای سخت و جانکاه باشد.

بیماری انسان‌ها یکی از مواردی است که محل ابتلای او شمرده شده است، اما در این عصر شاید کمتر کسی به ابتلای سلامتی اشاره می‌کرد که سلامتی انسان هم از محل‌های ابتلای وی است. کما اینکه در سوره مبارکه

---

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد/ رشته معارف اسلامی و اقتصاد/دانشگاه امام صادق

(ع)/Email:amirkh.13751395@gmail.com / تاریخ نگارش: ۳۱ خردادماه ۱۳۹۹

فجر فرمود ﴿فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَ نَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ﴾<sup>۱</sup> خداوند متعال اشاره می‌کند که اگر به کسی نعمت سلامتی بخشیدیم، این فرد مبتلا به سلامت است (یعنی ممتحن به سلامت است) یا اگر مالی به کسی می‌دهیم، قدرتی به او می‌دهیم، منزلتی به او می‌دهیم، تمکّنی به او می‌دهیم، او حق ندارد که بگوید خدا مرا گرامی داشت و یا اگر کسی را به جهت مقابل او امتحان کردیم، او نیز حق ندارد که بگوید خدا به من اهانت کرد.<sup>۲</sup> این دو فرضیه را خداوند ذکر می‌کند، بعد این دو با لفظ ﴿كَلَّا﴾ هر دو را نفی می‌کند. پس هر چه را خدا به ما داد آزمونی بیش نیست و هر چه را هم که به ما نداد آزمون است تا یکی را به شکر بیازماید و دیگری را به صبر. (آیت الله جوادی آملی ۹۶/۰۲/۱۸).

از این منظر کرونا یک آزمون الهی است تا منش و رفتار ما مقابل آن مورد سنجش قرار گیرد و ظرف صبر ما بیش از پیش گردد. اینگونه بلاها با سعی و تلاش و با هدایتگری یک ولی می‌تواند به نعمت تبدیل گردد و دیری نمی‌پاید که اثرات مثبت آن نمایان می‌شود. (بیانات رهبر معظم انقلاب در بین زلزله زدگان بم).

این نوشته ابتدا با بررسی واژه مؤاسات و نشان دادن اهمیّت آن شروع می‌کند و در ضمن هر بحثی سعی می‌کنیم بیانات رهبر انقلاب را بیان کرده و به ایشان استناد دهیم. در قسمت بعدی این نوشته مشخصاً به بحث کرونا و مؤاسات می‌پردازیم و بیان می‌کنیم که کرونا چگونه به مؤاسات در

---

۱. سوره فجر، ۱۵/ اما انسان (کم ظرف ضعیف بی صبر) چون خدا او را برای آزمایش و امتحان کرامت و نعمتی بخشد در آن حال (مغرور ناز و نعمت شود و) گوید: خدا مرا عزیز و گرامی داشت.  
 ۲. سوره فجر، آیه ۱۶، و چون او را باز برای آزمودن تنگ روزی کند (دلتنگ و غمین شود و) گوید: خدا مرا خوار گردانید/ وَ أَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ.

جامعه ایرانی کمک کرده است.

## ۲. نعمت مؤسسات

از حق نگذیریم این ویروس با همه مشکلاتی که به بار آورد، موجب شد تا خصیصه مغفول مانده‌ای در ایران اسلامی به منصفه ظهور و بروز برسد. این خصیصه که از ویژگی‌های دولت مهدوی نیز است که بر خلاف ایثار، امری آرمانی و الزام‌آور است که در مدینه فاضله اسلامی، هر شهروندی موظف است در هنگام مصرف، همه همکیشان را در آن سهیم بداند و با احساس مسؤولیت نسبت به مستمندان و ضعیفان از يك سو و ایمان به زیبایی مواسات و پاداش حتمی الهی از سوی دیگر، با طیب خاطر و خشنودی کامل، امکانات خویش را با نیازمندان تقسیم‌کند. ( الهامی نیا و همکاران ۱۳۷۶، ج.۱، ص. ۱۲۱)

مؤسسات اصل مترقی جامعه اسلامی است که پس از دستورات لازم‌الاجرای فقهی خمس، زکات، کفّاره و مانند آن، از نظر اخلاقی لازم‌الاجراست و از انفجار ثروت و تکاثر در یک جامعه جلوگیری می‌نماید و به شکلی خودجوش و مردمی، مانع بروز شکاف طبقاتی در جامعه اسلامی می‌شود. ( الهامی نیا و همکاران ۱۳۷۶، ج.۱، ص. ۱۲۱).

این قسمت در دو بخش به مسئله مؤسسات به‌مثابه خصیصه ای مهمّ در یک جامعه دینی خواهیم پرداخت: در بخش اوّل بیان خواهیم کرد که اساساً مؤسسات در ادبیات اسلامی چه معنا و کاربردی داشته و دارد. این خصیصه را از لحاظ معنایی و مفهومی مورد ارزیابی و تحلیل قرار خواهیم داد.

در قسمت بعدی به‌طور خاصّ به این سؤال می‌پردازیم که چرا مؤسسات در جامعه ایران از ابتدای انقلاب به‌صورت کنونی مطرح نشد و به این



گسترده‌گی در عرصه‌های زندگی اجتماعی وارد نشد؟ بیان دیگر این سؤال این است که کرونا چه فرصتی را در اختیار ما گذاشت تا این خصیصه مهم را به عرصه اجتماع بیاوریم؟ این قسمت را مشخصاً از بیانات رهبری فرزانه انقلاب بیان خواهیم نمود و راهکاری که ایشان در مورد عملیاتی کردن اندیشه‌ای یا صفتی به کار بردند را از بیاناتشان استخراج و مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### ۳. مؤاسات

#### ۳-۱. معنای مؤاسات

در مورد معنای لغوی مؤاسات بحث طولی نخواهیم داشت، چرا که توقف بر این مبحث را این بحث این نوشته خارج می‌دانیم. قاموس المحيط در این باره می‌نویسد: «آسَاهُ بِمَالِهِ مُوَاسَاةً : أَنَالَهُ مِنْهُ وَجَعَلَهُ فِيهِ أُسْوَةً» (القاموس المحيط : ج ۴ ص ۲۹۹). یعنی از مال خود به دیگری بخشیدن و دیگری را دخیل در مال خود گردانیدن. همین کلمه در جای دیگر اینگونه آمده است: «المواساة: المشاركة و المساهمة في المعاش و الرزق» (لسان العرب، واژه «مواساة»).

مؤاسات در جوامع روایی ما در دو معنا بکار رفته است : معنای اولی که می‌توان در نظر گرفت این است که مؤاسات یعنی همدردی با دیگران در نیازها و مشکلاتشان و سهمیم ساختن آنان در امکانات زندگی خویش، که این معنا از مؤاسات دو نوع دارد : یکی مؤاسات با مال و امکانات مادی<sup>۱</sup> و دیگری مواسات با جان به هنگام خطر<sup>۲</sup> از نوع‌های این مؤاسات می‌باشند. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۰، ج. ۴، ص. ۲۵۵)

۱. مانند این روایت که فرمود: «أَفْضَلُ الْمَرْوَةِ مُوَاسَاةُ الْإِخْوَانِ بِالْأَمْوَالِ ، وَمُسَاوَاتُهُمْ فِي الْأَحْوَالِ»  
 ۲. الإمام عليّ عليه السلام - مِنْ كَلَامِهِ فِي صِقِّينَ - رَجِمَ اللَّهُ أَمْرًا وَاسَى أَخَاهُ يَنْفِسِيهِ.

معنای دیگری که از این مفهوم در روایات ما آمده است این است که مؤاسات یعنی رعایت حقوق دیگران به‌طور یکسان. این معنا از مؤاسات نیز انواع فراوانی دارد، مانند: مؤاسات در حکومت، مؤاسات در قضاوت، مؤاسات در تعلیم و مؤاسات در خانواده. (محمدی‌ری‌شهری، ۱۳۹۰، ج. ۴، ص. ۲۵۵) این معنای از مؤاسات گرچه اهمیت به‌سزایی دارد از موضوع این نوشته خارج است.

در منظر مقام معظم رهبری، مؤاسات یعنی اینکه هیچ خانواده‌ای از خانواده‌های مسلمان و هم‌میهن و محروم را با دردها و محرومیت‌ها و مشکلات خود تنها نگذاشتن (۱۳۸۶/۰۶/۳۱).

## ۳-۲. اهمیت

در این قسمت به یک سؤال مشخص پاسخ می‌دهیم و آن این است که اساساً چرا مؤاسات در اینگونه موارد مطرح می‌شود؟ به تعبیری دیگر چرا در شرایط کرونایی باید به مؤاسات بپردازیم؟ پاسخ به از این قبیل سؤالات را مرهون نگاه حکیمانه رهبر فرزانه انقلاب می‌دانیم چرا که شاید به ذهن کمتر کسی خطور کند که در این شرایط اجتماعی بتواند یک اصل اسلامی بیابد و این اصل را به گفتمان رایج کشور بدل کند که در قسمت بعدی به این مسئله خواهیم پرداخت که چرا بدل شدن این اصل به یک گفتمان مهم است.

اما آنچه که در اینجا ذکر خواهیم کرد گوشه‌ای از اهمیت این خصیصه در جوامع روایی ماست. در روایات متعددی از این خصیصه یاد شده است که اهمیت آن را به ما یادآوری می‌کند. اولین روایتی که اشاره می‌کنیم برگرفته از صلوات شعبانیه است؛ پیامبر بزرگوار اسلام در این صلوات از خداوند متعال می‌خواهند که بار پروردگارا روزیم کن از فضل و کرمی به من عطا کردی، مؤاسات کنم با فقیرانی که رزقشان تنگ نمودی تا بدین وسیله

عدالت تو را منتشر گردانم.<sup>۱</sup> در جای دیگری روایات توصیه می‌کنند با کسانی که اهل مؤسسات هستند دوستی و همنشینی کنیم<sup>۲</sup> که شاید بتوان گفت بدین جهت است تا ما هم این ویژگی را از همنشین خود بیاموزیم و آنرا در زندگی خود جاری کنیم.

روایات دیگری نیز به تشویق به مؤسسات پرداخته اند. در این مورد نیز چند روایت را ذکر می‌کنیم:

روایت اول: رسول الله صلی الله علیه و آله : سَيِّدُ الْأَعْمَالِ ثَلَاثُ خِصَالٍ : إِنْصَافُكَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ ، وَمُؤَاسَاةُ الْأَخِ فِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ، وَذِكْرُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى كُلِّ حَالٍ (الخصال: ص ۱۲۵ ح ۱۲۱).

روایت دوم: الإمام علی علیه السلام : الْمُؤَاسَاةُ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ (غرر الحکم: ج ۱ ص ۳۴۶ ح ۱۳۱۲).

روایت سوم: الإمام الصادق علیه السلام : سَيِّدُ الْأَعْمَالِ ثَلَاثَةٌ : إِنْصَافُ النَّاسِ مِنْ نَفْسِكَ حَتَّى لَا تَرْضَى بِشَيْءٍ إِلَّا رَضِيتَ لَهُمْ مِثْلَهُ ، وَمُؤَاسَاةُكَ الْأَخَ فِي الْمَالِ ، وَذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ ؛ لَيْسَ «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» فَقَطْ ، وَلَكِنْ إِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ شَيْءٌ أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ أَخَذْتَ بِهِ ، أَوْ إِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ شَيْءٌ نَهَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْهُ تَرَكْتَهُ (الكافی: ج ۲ ص ۱۴۴ ح ۳).

۱. وَارْزُقْنِي مُؤَاسَاةَ مَنْ قَتَرْتُ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ بِمَا وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ وَ نَشَرْتَ عَلَيَّ مِنْ عَذَابِكَ وَ أَخَيَّتَنِي تَحْتَ ظِلِّكَ.

۲. خِصْلَتَانِ مِنْ كَانْتَا فِيهِ وَ أَلَّا فَاغْزُبَ ثُمَّ اغْزُبْ، قِيلَ وَ مَا هُمَا؟ قَالَ: الصَّلَاةُ فِي مَوَاقِيتِهَا وَ الْمُوَاطَّاةُ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَاسَاةُ.

### ۳-۳. ذکر چند نکته

مؤاسات اوّلین بار در سال ۱۳۷۳ در بیانات مقام معظّم رهبری دیده می‌شود. ایشان در این بیانات که به معرّفی حکومت امام زمان می‌پردازند بیان می‌کنند: «حکومت الهی حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) حکومتی است که در آن مقررات حاکم بر مردم، خواست آمریکا و دیگر قدرتهای زورگوی شرق و غرب نیست، بلکه حکومت عدالت، مؤاسات و مساوات و حکومت معنویت و فضیلت است و امروز هر کسی که برای عدالت، در راه دین و خدمت به محرومان حرکت می‌کند باید خوشحال و امیدوار باشد زیرا آینده متعلق به اوست (۱۳۷۳/۱۰/۲۷).

آنچه مشخص است در بیان ایشان یکی از ویژگی های مهمّ حکومت امام زمان، مؤاسات است. جالب‌تر آنجاست که ایشان در سال ۱۳۷۸ یکی از ویژگی های رفاه اقتصادی را مؤاسات برمی‌شمردند و می‌فرمایند که: «رفاه اقتصادی همراه با عدالت، همراه با روح مؤاسات و همراه با روح برادری، باز در سایه اسلام به‌دست می‌آید (۱۳۷۸/۰۳/۱۲).

خوب مشخص است این خصلت یکی از خصلت های مهمّ جامعه مهدوی است که به برکت انقلاب باید نمایان می‌شد و ما اکنون می‌بینیم که در کوچه کوچه و در خانه خانه شهرها این روح پدیدار گشته است و جلوه‌نمایی می‌کند. شایسته است که ابتدا بر هر امری مشخص کنیم که مؤاسات در اندیشه رهبر انقلاب به چه معناست.

ایشان مؤاسات را اینگونه تعبیر می‌کنند: «یعنی هیچ خانواده‌ای از خانواده‌های مسلمان و هم‌میهن و محروم را با دردها و محرومی‌تها و مشکلات خود تنها نگذاشتن؛ به سراغ آن‌ها رفتن و دست‌کم‌رسانی به سوی آن‌ها دراز کردن.» (۱۳۸۱). همانطور که مشخص است و می‌دانیم

مؤسسات لزوماً در شرایط اضطرار نیست، بلکه در هر شرایطی و در هر زمانی این خصلت باید در جامعه اسلامی پدیدار گردد. اینکه چرا تاکنون این خصلت نمایان نشده بود را به محلّ دیگری از بحث ارجاع می‌دهیم. در ادامه رهبر انقلاب مؤسسات را محدود به کمک‌های مالی نمی‌دانند و آن را «همراهی کردن و کمک کردن به برادر مؤمن در همه امور. انسان وظیفه بداند؛ کمک فکری، کمک مالی، کمک جسمانی، کمک آبرویی. این مؤسسات است» (۱۳۸۶/۰۶/۳۱). اهمیت مؤسسات آنجا دوچندان می‌شود که همه باید خود را موظف به آن بدانند (۱۳۸۱/۰۹/۱۵) این امر امروز این یک وظیفه جهانی برای همه انسان‌هایی است که دارای وجدان و اخلاق و عاطفه انسانی هستند؛ اما برای مسلمانان، علاوه بر این که یک وظیفه اخلاقی و عاطفی است، یک وظیفه دینی نیز است (۱۳۸۱/۰۹/۱۵).

#### ۴. نعمت کرونا و مؤسسات

چرا مؤسسات تا کنون به این گستردگی که در این مدت مشاهده می‌کنیم، مشاهده نشده است؟ کرونا چه کاری کرده است که مؤسسات به مثابه یک خصیصه اسلامی مجدداً وارد عرصه‌های اجتماعی شده و کلّ کشور یک صدا همگی مؤسسات را صدا زدند؟ جایگاه گفتمان‌سازی در عملیاتی کردن این خصصه (و حتی خصائص دیگر) چیست؟ اینها سؤال‌هایی است که در این قسمت به آن خواهیم پرداخت. در این قسمت خواهیم گفت که گفتمان‌سازی در پیشرفت و عملیاتی‌سازی برخی ویژگی‌ها بالاخص مؤسسات در اندیشه مقام معظم رهبری جایگاهی کلیدی و مهمّ دارد و این گفتمان‌سازی هم موجب شده تا شاهد گسترش این خصیصه در این برهه زمانی هستیم. مقام معظم رهبری در باره اهمیت گفتمان‌سازی در دیدار دانشجویان و استادان دانشگاه شیراز می‌فرمایند: «آن وقتی کار، شکل عمومی و مردمی

پیدا خواهد کرد که این فکر شما، این جهت‌گیری شما تبدیل به یک گفتمان عمومی بشود. ... سعی کنید ترویج کنید و این ترویج در صورتی آسان خواهد شد که به گفتمان تبدیل بشود. ما در طول گذشته‌ی خودمان، در مسائل گوناگونی این را داشته‌ایم که حالا مثال‌هایش در ذهنم هست و دیگر نمی‌خواهم [بگویم]. شما می‌توانید با ترویج این گفتمان عده‌ی خودتان را افزایش بدهید؛ همچنان که کیفیت خودتان را زیاد می‌کنید، کمیت خودتان را هم می‌توانید افزایش بدهید (۱۳۹۸/۰۵/۱۰).

گفتمان سازی در اندیشه رهبری عنصری است که یک اقدام را به عمل نزدیک می‌کند (۱۳۹۶)، اما منظور از گفتمان و گفتمان‌سازی چیست؟ رهبر انقلاب در این باره می‌فرمایند: «گفتمان، یعنی یک مفهوم و یک معرفت در برهه‌ای از زمان در یک جامعه همه‌گیر بشود (۱۳۸۸/۰۹/۲۲). بر اساس همین تعریف می‌بینیم که گفتمان مؤاسات در برهه‌ای که کشور درگیر مبارزه با ویروس کرونا است و از این جهت نیز آسیب‌هایی دیده است همه پیر و فراگیر شده است. این فراگیری به طور طبیعی مؤاسات را به عمل نزدیک کرد « وقتی یک چیزی مطالبه‌ی عمومی شد و گفتمان شد، به طور طبیعی به عمل نزدیک خواهد شد (۱۳۹۶/۰۶/۳۰).

ما در بیان رهبر معظم انقلاب عرصه‌های مختلفی از کرونا را مشاهده می‌کنیم ایشان با مثال زدن صنعت هسته‌ای، موفقیت در آن را مرهون گفتمان‌سازی می‌دانند و می‌فرمایند: «ما امروز در مسائل فضایی، هسته‌ای، نانو، فناوری زیستی و دیگر موارد گوناگون، پیشرفت‌های زیاد و مهمی داریم؛ این پیشرفت‌ها ناشی از گفتمان‌سازی است (۱۳۹۵/۰۶/۰۳).

نتیجه‌ای که گفتمان‌سازی به همراه می‌آورد این است که وقتی یک گفتمانی مانند مؤاسات در برهه‌ای از زمان رایج شد آن وقت همه به این فکر

خواهند افتاد و در همه یک انگیزه‌ای به وجود می‌آید؛ کأنّ یک جادّه وسیع و یک بزرگرایی به وجود می‌آید که همه میل می‌کنند از این بزرگراه حرکت کنند (۱۳۹۵/۰۶/۰۳). این نتیجه تنها نتیجه گفتمان مؤاسات نیست بلکه در بیان رهبر انقلاب گفتمان یک جامعه مثل هواست، همه تنفسش می‌کنند؛ چه بدانند، چه ندانند؛ چه بخواهند، چه نخواهند (۱۳۹۰/۱۰/۱۴).

در بیان رهبر انقلاب زمانی یک گفتمان شکل می‌گیرد که رسانه‌های تبلیغاتی و بالاخص صدا و سیما به مثابه رسانه ملّی گفتمانی را در کشور ایجاد و رایج کند. در این خصوص رهبر انقلاب در دیدار با برنامه‌ریزان صدا و سیما می‌فرمایند: «به وسیله برنامه‌های خوب و برنامه‌سازی‌های خوب، گفتمان‌های مورد نیاز جامعه را - که گاهی باید موضوعی را به شکل گفتمان عمومی درآورد - تأمین و تضمین کنید» (۱۳۸۳/۰۹/۱۱). کما اینکه خود رهبری در این برهه زمانی نیز پیش قدم در امر گفتمان‌سازی مؤاسات در دوره کرونایی می‌شوند و از طریق رسانه ملّی می‌فرمایند: «چه خوب است که یک رزمایش گسترده‌ای در کشور به وجود بیاید برای مؤاسات و همدلی و کمک مؤمنانه به نیازمندان و فقرا که این اگر اتفاق بیفتد، خاطره خوشی را از امسال، در ذهن‌ها خواهد گذاشت. ما برای اینکه ارادتمان به امام زمان ثابت بشود، بایستی صحنه‌ها و جلوه‌هایی از جامعه مهدوی را خودمان به وجود بیاوریم که عرض کردیم، جامعه مهدوی، جامعه قسط و عدل است و جامعه عزّت است، جامعه علم است، جامعه مؤاسات و برادری است؛ اینها را بایستی ما در زندگی خودمان تحقّق ببخشیم، به قدر امکان خودمان؛ این ما را نزدیک می‌کند (۱۳۹۹/۰۱/۲۱).

## ۵. نتیجه گیری

کرونا ویروس که یکی از بحران‌های نظام‌مند به این معنا که از عرصه‌ای به

عرصه دیگر می‌رود و بر آن اثر می‌گذارد (مثلاً از عرصه بهداشتی و سلامتی به عرصه اقتصادی و فرهنگی می‌رود) می‌تواند با خود نعماتی را نیز به همراه بیاورد، اما آوردن این نعمت یک بحث است و استفاده از آن نعمت بحثی دیگر.

در بینش اسلامی بلا در صورتی که تَوَّامان با کار و تلاش همراه شود به نعمتی بی‌بدیل تبدیل می‌شود که می‌تواند دریاها را زرفی را می‌گشاید و هوای جدیدی را برای تنفس فرد فرد جامعه بوجود می‌آورد. این نوشته مشخصاً به نحوه استفاده مقام معظم رهبری در تبدیل به نعمت کردن این ویروس در جامعه ایرانی اسلامی پرداخته شد و نشان داده شد که با توجه به اهمیت گفتمان‌سازی در عملیاتی‌سازی برخی خصیصه‌های مهم و فراموش شده یا حتی برای ایجاد مطالبه‌گری، یکی از مهم‌ترین (و شاید تنهاترین) توصیه رهبر انقلاب می‌باشد.

رهبر انقلاب با توجّه به فرصت به‌وجود آورده کرونا عرصه را فرصتی برای گفتمان‌سازی خصیصه مؤاسات شناسایی کردند و سرآغاز این مهم را ایجاد کردند. این فضای ایجاد شده در رسانه‌های ملی و مجازی شروع به گفتمان رایج تبدیل شد فلذا اکنون مشاهده می‌کنیم که این خصیصه رایج در خانواده‌ها و خانه‌ها گردیده است.

در بخش، پایانی شایان ذکر است که گفته شود راهی که کرونا در برپایی مؤاسات ایجاد کرده باید ادامه‌دار باشد و در همه عصرها مشاهده شود و نیز به همه عرصه‌ها سرایت کند. مؤاسات که از عرصه اقتصادی آغاز شده باید به همه عرصه‌هایی چون فرهنگی، سیاسی و قضایی تعمیم پیدا کند.

## ۶. منابع و مآخذ

قرآن کریم



۴۲۰ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۳)

الكافی ، شیخ کلینی

الخصال، حمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی مشهور به شیخ صدوق (درگذشت ۳۸۱ق)

غرر الحکم و دررالکلم، ابوالفتح آمدی (قرن پنجم هجری)

بیانات مقام معظم رهبری

بیانات آیت الله جوادی آملی

اخلاق اقتصادی ، الهامی نیا ، علی اصغر و همکاران (۱۳۷۶)، تهران: مرکز تحقیقات اسلامی

نماینده‌گی ولی فقیه در سپاه

قاموس المحيط، محمد بن یعقوب فیروزآبادی (متوفی ۸۱۷ق)

لسان العرب، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم رویفعی افریقی ( محرم ۶۳۰- شعبان ۷۱۱

هجری قمری)

دانشنامه قرآن و حدیث ، محمدی ری‌شهری، محمد(۱۳۹۰)،قم: دارالحدیث

## ۲۵. دلالت های مفهوم اصیل شهادت برای سیاستگذاری در مواجهه با بیماری کرونا

هادی غیائی<sup>۱</sup>

۱. بیماری کرونا خود را در قامت یک بحران زیستی، اجتماعی و اقتصادی به کشورها عرضه کرده است که لزوم سیاستگذاری جامع در مواجهه با آن بر همگان آشکار گشته است.

۲. سیاستگذاری در جمهوری اسلامی ایران با سیاستگذاری در سایر کشورها متفاوت است. جمهوری اسلامی ایران مولود انقلابی است که خط سیر آن تحقق تمدن نوین اسلامی است. بنابراین سیاستگذاری در جمهوری اسلامی باید ناظر به تحقق تمدن نوین اسلامی باشد.

۳. تمدن نوین اسلامی بستر اجتماعی وسیع ظهور ولایت عظمی (ارواح‌فداه) است. بنابراین ظهور حقیقت الله در زمین، هدف نهایی تمدن نوین اسلامی است تا بستر «يَعْبُدُونَنِي لَا يَشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» (ایه ۵۵، سوره

---

۱. دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق ع، رایانه: hadi.ghiasi@gmail.com تاریخ

نگارش: دهم فروردین ماه ۱۳۹۹.

نور) محقق شود.

۴. وقتی بالاترین مرتبه وجود برای مردمی که در پایین ترین مرتبه وجود هستند ظاهر می‌شود او برای آن‌ها ظهور کرده است و آن‌ها او را شهود می‌کنند.

۵. شهود حقیقت الله با سبک زندگی رایج در دنیای ظلمانی کنونی امکان پذیر نیست و نیاز به تمهیدات و شرایط اجتماعی متفاوتی دارد. بنابراین لازمه ظهور حق، بسترسازی اجتماعی مناسب جهت شهود حق است.

۶. بسترسازی اجتماعی امری سخت، جامع و زمان بر است که نیازمند فهم، علم، اراده و تلاش بی‌وقفه است. بسترسازی اجتماعی وظیفه دولت و محصول سیاستگذاری حکومت است.

۷. سیاستگذاری در مواجهه با بیماری کرونا در ایران باید هماهنگ با کلیت سیاستگذاری در جمهوری اسلامی ایران باشد. یعنی سیاستگذاری با هدف بسترسازی اجتماعی جهت شهود حقیقت الله در زمین.

۸. الله تبارک و تعالی، اسمائی دارد و با آن‌ها همه جا را پر کرده است که در دعای کمیل می‌فرماید: «و بِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأْتَ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ». شهود حقیقت الله، شهود اسماء اوست که در همه جا حضور دارند. از آنجا که سیاستگذاری باید ناظر به بسترسازی شهود حقیقت الله باشد بنابراین منطقه الفراغی برای سیاستگذاری وجود ندارد. درواقع چون شهود حق در تمامی عرصه‌ها و ابعاد زندگی انسان ممکن و مطلوب است، سیاستگذاری هم در تمامی ابعاد زندگی ممکن، لازم و مطلوب است.

۹. حال که بیماری کرونا یک مساله همه‌جانبه است لازم است چگونگی سیاستگذاری شهادت محور در تمامی ابعاد آن مورد واکاوی قرار گیرد.

۱۰. در ساحت عقلانیت پشت این مساله باید استدلال‌های صحیح منبعث

دلالت های مفهوم اصیل شهادت برای سیاستگذاری در مواجهه با بیماری کرونا □ ۴۲۳

از منابع اصیل اسلامی توسط علما برای حکومت و مردم جهت جایگاه یابی بیماری کرونا در نظام هستی و به تبع آن نظام اجتماعی زندگی انسان قرن ۲۱ به خوبی مطرح شود.

۱۱. در ساحت واقعیت بین الازدهانی این مساله که متن مواجهه عرصه های مختلف زندگی مردم با این بیماری را شکل می دهد حکومت باید نقش آفرینی خود را مبتنی بر فهم صحیح از جایگاه این بیماری در نظام هستی و زندگی بشر امروزی ایفا نماید.

۱۲. یکی از مهم ترین نکات برای دولت جهت بسترسازی شهود حق در عرصه سیاستگذاری در مواجهه با بیماری کرونا فهم جایگاه هر یک از ابعاد اجتماعی این مساله است. درواقع دولت باید نسبت هر یک از ابعاد تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و زیستی این مساله را با سیاستگذاری خود فهم کند.

۱۳. در بعد تاریخی با توجه به فلسفه تاریخ شیعی، این بیماری و مواجهه با آن باید در راستای ظهور تاریخی حق در تحولات اجتماعی مختلف فهم شود. بر ملا ساختن حقیقت شیطان بزرگ یکی از دال هایی است که می تواند به این معنا دلالت داشته باشد. درواقع با بررسی ورود بیماری کرونا به کشورهای مختلف و نحوه رفتار آمریکا با این مساله بسیاری از حقایق آشکار می شود. سببیت و خبثت در عدم رفع تحریم های ظالمانه علیه مردم ایران، ضعف و ناتوانی اش در کنترل آن در شهرهای کشور خودش، ترجیح نجات اقتصاد و جیب سرمایه داران مسلط بر آن بر جان انسان ها و ... حقیقت شیطانی این به اصطلاح ابرقدرت پوشالی را بر ملا می سازد.

۱۴. در بعد فرهنگی بیماری کرونا تغییرات فرهنگی زیادی را رقم زده است. ارتباطات واقعی را کم و ارتباطات مجازی را گسترش داده است. انسان هایی

که می‌میرند را با غربت به قبر می‌فرستد و انسان‌های مصیبت دیده را تنها می‌گذرد. انسان را از شهر جدا کرده و با خانه انس داده است. فعالیت فیزیکی را کم و فعالیت ذهنی را افزایش داده است و ... در این فضای پر از فرصت و تهدید فرهنگی، دولت در راستای بسترسازی اجتماعی شهود حقیقت الله باید اولاً از خود شهادی مسیر شهود حق استمداد بجوید و استفاده کند. شاید یکی از حکمت‌های شهادت خدمت گزاران عرصه درمان توجه به این معنا باشد. در تفکر اصیل اسلامی شهید یکی از اسماء الهی است. شهادت مراتبی دارد و شهادی حق تنها به شهادی جنگ‌های حق علیه باطل خلاصه نمی‌شوند. معصومین، انبیا و اولیاء الهی، ملائکه، ایام مقدس مانند اعیادی که این روزها با آن‌ها مواجهیم و مکان‌های مقدس مانند مساجد، بارگاه‌های ملکوتی اهل بیت و امام زادگان، مقبره شهدا و ... حال که بیماری کرونا فرصت‌ها و تهدیدهای فرهنگی مختلفی را برای مردم ایجاد کرده است، دولت باید در این فضا از ظرفیت شهیدان جهت بستر سازی اجتماعی شهود حقیقت الله استفاده کند. در ادامه نکاتی در این باره ارائه می‌شود.

۱۵. اهل بیت علیهم السلام همواره پناهگاه مردم ایران در سختی‌ها بوده اند. بیماری کرونا با ایجاد شرایط اضطراری که ایجاد کرده است زمینه توجه بیشتر مردم به معصومین را فراهم کرده است. دولت باید از این فرصت جهت ارتباط بیشتر مردم با اهدافی که معصومین برای آن به شهادت رسیدند استفاده کند. وظایفی که دولت نسبت به معصومین دارد بسیار بیشتر از چیزی است که به آن تا کنون توجه شده است. ارائه تصویر زندگی توحیدی و تمدنی اهل بیت به مردم، ترویج مهم‌ترین آموزه‌های معصومین در دو حوزه اصلی توحید و عدالت، استفاده صحیح از آموزه‌ها و سبک زندگی

دلالت های مفهوم اصیل شهادت برای سیاستگذاری در مواجهه با بیماری کرونا □ ۴۲۵

فردی و اجتماعی معصومین در علوم مختلف در نظام آموزشی و ... از وظایفی است که در رویکرد سیاستگذاری شهادت محور توسط دولت باید به آن ها بیشتر توجه شود.

۱۶. باتوجه به دارا بودن مقام شهادت توسط انبیاء و اولیاء و صالحین، به نظر می رسد دولت باید سرمایه گذاری اساسی روی آن ها جهت پیشرفت فرهنگی جامعه اسلامی داشته باشد. در مورد انبیاء باید حرکت تاریخ با مجاهدت های آن ها بازخوانی شود و رویکرد متقن و صحیح به تاریخ با تشریح زندگی توحیدی آن ها به مثابه سرلوحه و الگو ترویج شود. اولیاء و صالحین گذشته و حال نزد اهلش مشخص هستند. دولت باید سبک زندگی آن ها را بین مردم خصوصاً جوانان ترویج کند. دولت همچنین باید بستر ارتباط گیری مردم با اولیای زمان را فراهم سازد.

۱۷. از بین مواردی که به عنوان مصادیق مختلف شهدا در این نوشتار از آن ها یاد می شود، شاید شهادتی که در جهاد حق علیه باطل به شهادت می رسند بیشترین آمیختگی را با متن زندگی مردم داشته باشند چرا که این گروه از خانواده های معمولی جامعه وارد جبهه شده و به شهادت رسیده اند. در شرایط کنونی ظهور شهیدان عرصه درمان قانون شهادت پروری ملت ایران را گرم تر کرده است. سیاستگذاری شهادت محور با تاکید بر نقش تاریخ ساز شهدا باید نقش حمایت و تسهیل گر در حفظ یاد و خاطره آن ها در اذهان مردم ایفا نماید. اگر زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهیدان را کمتر از شهادت ندانیم دولت می تواند خود را با این کار به مقام شهدا نزدیک سازد. نباید فراموش کرد که جامعه سیاستی ایران همین چند وقت پیش بود که با پدیده شهادت سردار قاسم سلیمانی و تاثیر آن در خلق، اشاعه و تعمیق معنای توحید تمدنی در بستر اجتماع تلنگری دوباره یافته است تا با سرعت

هر چه بیشتر به سوی دولت طراز تمدن نوین اسلامی حرکت کند.

۱۸. شاید استفاده از ملائکه به عنوان ابزار سیاستگذاری کمی عجیب به نظر برسد اما واقعیت آن است که ملائکه از اصلی ترین ابزارهای تدبیر الهی هستند و در عالم ملکوت جایگاه ویژه ای دارند. با ابهام و ناتوانی که انسان قرن ۲۱ برای درمان بیماری کرونا با آن روبه روست بستر اضطرار و توجه به ملکوت بیش از پیش فراهم شده است. با لطیف شدن روح انسان، ارتباط با ملائکه امکان پذیر است. ابتدا باید آگاهی نسبت به ملائکه و تصویر صحیح در مورد آن ها ایجاد شود سپس با تلطیف روح و مهیا کردن شرایطی که احکام دینی زمینه آن را فراهم می کند می توان با ملائکه وارد گفت و گو شد. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «إِنَّ لِلْمَسَاجِدِ أَوْلَادًا الْمَلَائِكَةُ جُلَسَاؤُهُمْ إِذَا غَابُوا افْتَقَدُوهُمْ وَإِنْ مَرَضُوا غَادُوهُمْ وَإِنْ كَانُوا فِي حَاجَةٍ أَغَاثُوهُمْ»؛ «در مساجد انسان های ثابت قدمی همچون میخ وجود دارند که ملائکه با آنان مأنوس و همنشین هستند. هنگامی که از مسجد غیب می شوند در پی آن ها هستند و هنگامی که بیمار می شوند به عیادت آن ها می روند و هر وقت در کارها احتیاج به کمک داشته باشند به کمک آن ها می شتابند» (بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۳۷۳، باب فضل المساجد، ش ۳۸).

دولت باید زمینه این گفت و گو را برای افراد فراهم سازد. سیاستگذاری دولت باید در جهت حذف موانع این گفت و گو باشد. این سیاستگذاری بیشتر خود را در حوزه های علم، رسانه، تغذیه و پوشاک باید نشان دهد. در حوزه نهاد علم باید معارفی که زمینه فهم و پذیرش تصویر صحیح نسبت به ملائکه را ایجاد می کند تدوین شود و نظریه ها و مفاهیمی که مبتنی بر مبانی و پیش فرض های مادی و دنیایی است حذف شود. در حوزه رسانه آگاهی های مربوط به ویژگی های ملائکه و جایگاه آن ها در هستی باید

دلالت های مفهوم اصیل شهادت برای سیاستگذاری در مواجهه با بیماری کرونا □ ۴۲۷

ترویج شود، از بازنمایی تصاویر و روابطی که انسان ها را از عالم ملکوت دور می‌کند اجتناب شود و زمان بندی برنامه ها و فعالیت های رسانه ای متناسب با ظهور حقایق ملکوتی و رفت و آمد ملائکه در طول شبانه روز و ایام مختلف بازنگری شود.

۱۹. از جمله شهدا زمان های مقدس است که شامل روزهای شریف و مقدس و ماه ها و اعیاد و جمعه ها و ... می‌شود. دولت می‌تواند از ظرفیت اعیاد پیش رو در برنامه ریزی های خود استفاده کند مثلاً می‌تواند سنخ فعالیت ها و اقداماتی که می‌خواهد انجام دهد را با حقیقتی که در ایام یا مکان های خاص ظهور می‌کند متناسب سازد یا تصمیم های مهم و خوشحال کننده خود را در ایام عید یا مناسبت های شاد عملی سازد چرا که ایام الله ظرف روی آوری حقایق ملکوتی به عالم دنیا و سرازیری انوار ملکوتی بر دنیا و مافیها است و از آنجایی که قلب مومنین ظرف انعکاس انوار ملکوتی است مردم در ایام الله ظرفیت حق پذیری و کنش های مبتنی بر حقایق ملکوتی را بیشتر دارا می‌باشند. این که مردم و مومنین در ایام الله مثل ۲۲ بهمن حضور اجتماعی گسترده ای جهت حفظ و تداوم اهداف جبهه حق داشته اند در همین چارچوب قابل تحلیل است. قلب و فطرت انسان ها انوار ملکوتی را دریافت می‌کند و مردم را به پویایی و نشاط اجتماعی توحیدی رهنمون می‌سازد. دولت می‌تواند از بستر فراهم شده در متن جامعه اسلامی در ایام الله، برای مشروعیت بخشی به معانی و سیاست های خود استفاده کند.

۲۰. مساجد از مهم ترین مکان های مقدس در اسلام هستند. در عصر نبوی مساجد کارکردهای سیاستی فراوانی را عهده دار بوده اند. مددکاری اجتماعی مسلمانان، اطلاع رسانی به مسلمانان، مسجد به مثابه پایگاه وحدت مسلمانان، بسیج اجتماعی مسلمانان در مسجد، تعیین مسجد جهت طرح



مسائل علمی-آموزشی، تعیین موقعیت امامان جماعت و تأسیسی نهاد عمومی مسجد از اقدامات سیاستی پیامبر اکرم (ص) در حوزه مسجد بوده است. در شرایط کنونی که بیماری کرونا نیاز به ماسک، دستکش، تخت بیمارستان و ... را به وجود آورد مساجد به مثابه کانون های فعال اجتماعی در سراسر کشور دست به کار شدند و تبدیل به کارگاه های تولید هر آنچه برای این بیماری نیاز است شدند. افزایش آگاهی سیاستگذاران حوزه مسجد نسبت به جایگاه مسجد در سیاستگذاری تمدنی، زمینه سازی جهت شکوفایی کارکردهای مورد غفلت مسجد، حمایت از طرح های تربیت مسجد محور شروع شده در شهرهای مختلف و زمینه سازی برای تکثیر این الگو، تدوین تاریخ شفاهی نقش مساجد در پیروزی انقلاب و مساجد موفق پس از انقلاب و ... از ملزومات استفاده از مسجد در سیاستگذاری تمدنی شهادت محور است.

بخش سوم: ارتباطات انسانی و سبک زندگی



## ۲۶. بحران، بهداشت و بیماری‌های واگیر در ایران: تاریخ اجتماعی بهداشت و درمان در ایران دوره قاجاریه

سید مجید امامی<sup>۱</sup>

محمدجواد قاسمیان نیک<sup>۲</sup>

### چکیده

تحقیق حاضر به بررسی معضلات بهداشت و سلامت عمومی و بیماری‌های واگیر در ایران دوره قاجار (۱۱۷۴ تا ۱۳۰۴ ق) (۱۷۹۴ – ۱۹۲۵ م) و غیبت محسوس مدیریت این بحران‌ها توسط دولت مرکزی می‌پردازد. دستیابی به این موضوع از طریق مطالعه، تحلیل و بررسی سفرنامه‌های غربی، کتب تاریخ معاصر و مقالات برگزیده از موضوعات مرتبط از طریق کتابخانه‌ای می‌پردازد و

---

۱. استادیار دانشکده معارف اسلامی فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه السلام  
s.m.emamy@isu.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته رشته معارف اسلامی فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق علیه السلام  
m.ghasemian@isu.ac.ir

سپس با طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل اطلاعات، ابعاد موضوع ترسیم و پیش فرضی مفهومی دالّ بر «دولت ضعیف» و «جامعه تضعیف شده». در سفرنامه‌ها سیّاحان غربی وضعیت اسف‌بار بهداشت فردی و محیطی در هنگام بروز برخی بیماری‌های فراگیر همانند وبا، طاعون، مالاریا و... بیان شده است. نظم در حال دگرگونی و آشفته پزشکی و کلیّت طبّ سنتی ایران به نحوی نبود که بتواند مردم فلاکت‌زده را از این بحران نجات بدهد و همچنین به دلیل عدم وجود یک نظام بهداشتی-درمانی جامع، از پیشگیری و ویروس درمان سریع مبتلایان عاجز می‌ماند و درنهایت شاهد نوعی قتل‌عام و فلاکت مّلی حداقل برای يك دوره ۳۵ ساله (۱۳۱۰-۱۲۷۵ قمری) هستیم. هدف این مقاله از توصیف و مرور وضع سلامت و بهداشت، نشان دادن ضعف حاکمیت و ضعف بنیه قاجارها در مدیریت و جلوگیری از گسترش بحران‌های فراگیر علی‌الخصوص به مخاطرات بهداشتی و اپیدمی فراگیر مهمی است که بر تحولات جامعه ایران پس از خود مؤثر بود و در تکوین مناسبات دولت - جامعه و صورت‌بندی حکمرانی و دولت‌های مدرن پس از خود، نقش ایفا نمود.

کلیدواژه: دوره قاجار، بیماری واگیر در ایران، تاریخ بهداشت، تاریخ پزشکی، دولت ضعیف.

## ۱. مقدمه

این مقاله مبتنی بر سه سؤال اکتشافی تنظیم و تحریر شده است: وضعیت بهداشتی و شاخص‌های مختلف فردی، محیطی و... آن در دوره قاجار چگونه توصیف شده است؟ از منظر سیّاحان و پزشکان حاضر در شهرها در دوره قاجار خصوصاً نیمه آن، وضعیت طبابت، پیشگیری و درمان بیماری‌ها چگونه بوده است؟ و احیاناً چه اقداماتی برای جلوگیری از شیوع بیماری‌های فراگیر

### انجام گرفته است؟

پژوهش حاضر بر اساس هدف، از نوع تحقیقات بنیادی/کاربردی (ترکیبی) و بر اساس ماهیت روش، تحلیلی توصیفی است. روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است. به این ترتیب که نسبت به موضوع مورد بحث به شناسایی مطالب و منابع پرداخته می‌شود، و با استفاده از این منابع فیش‌برداری و فیش‌ها بر اساس هر موضوع طبقه‌بندی می‌شوند. سپس اطلاعات گردآوری شده درباره موضوع تحقیق تجزیه و تحلیل شده و سرانجام حاصل تحقیقات در قالب مشخص و به شیوه علمی به رشته تحریر خواهد آمد. برای کاوش در وضعیت سلامت و بهداشت مردم ایران در عصر قاجار تاکنون پژوهش‌هایی صورت گرفته که اکثراً به کتاب «سلامت مردم در ایران قاجار» اثر ویلم فلور، همچنین کتاب «تاریخ پزشکی ایران از دوره باستان تا ۱۹۳۴» اثر سیریل الگود و در نهایت «سفرنامه ایران و ایرانیان» یاکوب ادوارد پولاک پزشک مخصوص دربار ناصری و از پزشکان سرشناس دارالفنون و نیز مقاله تحقیقی و بسیار جامع همانا طاق که در ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی جلد اول در سال ۱۳۵۶ آمده است ارجاع داده‌اند. در برخی سفرنامه‌های دیگر سیاحان غربی نیز به موضوع بهداشت و وضعیت سلامت مردم ایران پرداخته شده است که به فراخور از آن‌ها یاد خواهد شد. در بین پژوهش‌های دانشگاهی داخلی می‌توان به پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته تاریخ ایران اسلامی با عنوان «وضعیت بهداشت در دوره قاجار بر اساس سفرنامه‌ها» نوشته آرزو سالاری که در سال ۱۳۹۵ در دانشکده علوم اسلامی دانشگاه آیت‌الله حائری شهرستان میبد دفاع شد و همچنین پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشکده علوم تحقیقات اسلامی دانشگاه امام خمینی ره با عنوان «بهداشت عمومی در

عصر قاجار» نوشته اکبر حیدری در سال ۱۳۹۶ اشاره کرد. در خاتمه تأکید می‌شود که چون اساساً موضوع مقاله، فلاکت و بحران سلامت در این دوره است که اصل آن پذیرفته شده، نوع و زاویه توصیف سیاحات و پزشکان غربی که در جای خود محل بررسی‌های انتقادی و پسااستعماری است، موردنظر ما نبوده است و قصد این مقاله هم ارائه قضاوتی از منطق و ظرفیت جامعه ایرانی در نوع خود بر اساس نظریه‌ای بومی و ذات‌گرا نبوده است. در واقع ما در شرایطی غیرعادی و تحت انواع تضعیف و تهدید و تخریب جامعه، شاهد توصیف از ضعف بهداشت عمومی و رهاشدگی سلامت توده مردم هستیم که بیش از هر چیز معلول دولت ضعیف و بی‌انگیزه قجر است. محققان بر این اساس به دنبال تأیید یا رد نظریات جامعه کوتاه‌مدت، کلنگی، آویزان و منحط نبوده‌اند.

## ۲. مقطع گذار نظام سلامت و ایران دوره قاجار

می‌توان گفت پس از دوران زند که از حیث تمدنی دنباله دوره صفوی و احوال و فرازوفروود آن است، تاریخ پزشکی ایران وارد مرحله‌ی جدیدی می‌شود. آقا محمدخان قاجار سلسله‌ای را در ایران بنیان گذارد که تا سال ۱۹۲۵ بر این کشور حکومت کرد و نخبگان مؤثر و پایدار این دوره، از رجال چون فرهانی و عباس میرزا و امیرکبیر که بگذریم، در غایت انفعال و بی‌تدبیری تمدنی، مهم‌ترین سال‌های مواجهه جامعه ایران با تمدن و تجدّد فزون‌طلب غربی را پشت سر گذاشتند. در طی مدت مزبور شیوه‌های سنتی پزشکی ایران که مبتنی بر مکتب ابن‌سینا، جالینوس و رازی بود خود را به استفاده از کشفیات پاستور و هاروی<sup>۳</sup> داد. (الگود، ۱۳۵۲: ص ۶۲۲)

---

3. Harvey

پس از به قتل رسیدن آقا محمدخان و جانشینی فتحعلی خان، نوع روابط با دول اجنبی علی‌الخصوص اروپائیان از حالت صرفاً تجاری خارج شد و به صورت دیپلماتیک درآمد. در آن زمان ناپلئون بناپارت جهانگیر و میراث‌خوار انقلاب فرانسه، در این کشور حکومت می‌کرد که در فشار قرار دادن انگلستان به وسیله حمله به هندوستان از برنامه‌های او بود و برای جلب نظر ایران به موافقت با عبور سپاهیان خود از این کشور هیئتی را به ایران اعزام می‌کرد. انگلستان و کمپانی هند شرقی نیز برای خنثی کردن این فعالیت‌ها هیئت‌های مشابهی به تهران گسیل داشتند. این هیئت‌ها هر دو دارای پزشکان مخصوص به خود بودند و همین سبب گذاشته شدن قدم‌های اولیه در راه تغییر شیوه سنتی پزشکی ایران به شیوه‌های نوین شد (الگود، ۱۳۵۲: ص ۶۲۵-۶۲۶)

در این دوره پزشکان و جراحان برجسته‌ای همچون بوگل<sup>۴</sup> و بریگس<sup>۵</sup> از انگلستان و ژرژاوتروی<sup>۶</sup> و ژوبرت<sup>۷</sup> از فرانسه به ایران فرستاده شدند. سنت حاکم بر حکومت ایران در سلسله‌های گوناگون وجود حکیم‌باشی و پزشکان ماهر را در دربار ضروری و واجب می‌دانست، شاهان قاجار نیز به سلامتی خود بسیار همین می‌دادند. چنانچه که گاهی بیش از ۵ پزشک از دولت‌های مختلف در دربار قاجار حضور داشتند. با توجه برخی منابع اکثر شاهان قاجار از لحاظ مزاجی و زمینه‌ای بیمار بودند و شاید یکی از عواملی که سبب تحوّل پزشکی و حضور پزشکان اروپایی در ایران و رونق گرفتن طب نوین همین بیماری دائمی شاهان قاجار بود (محمدی، ۱۳۸۸: ص ۵).

---

4. Bogle

5. Briggs

6. Georges Outrey

7. Jubert



رنه دالمانی<sup>۸</sup> سیاح و خاورشناس فرانسوی در سفرنامه خود تعیین رقم جمعیت ایران را به دلیل نداشتن سازمان آمار تقریباً غیرممکن می‌داند و چنین گزارش کرده است که «تعیین رقم جمعیت ایران تقریباً غیرممکن است. زیرا سرشماری و اداره آمار و شناسنامه در این کشور وجود ندارد» (رنه دالمانی، ۱۳۳۵: ص ۲۰) اما با این حال و با وجود مشکلات متعددی برای سرشماری دقیق و شمارش میزان نفوس ویلم فلور و ادوارد پولاک جمعیت ایران را در حدود نه میلیون تخمین زده‌اند.

ایران قاجار با يك اقتصاد معیشتی وابسته به زمین و جمعیت کلی حدود پنج میلیونی در سال ۱۸۰۰ و حدود نه میلیونی در سال ۱۹۰۰ که اکثریت آنان روستایی بودند و با کشاورزی گذران می‌کردند نمایان می‌شود. در آغاز قرن نوزدهم، جمعیت شهرنشین به دلیل جنگ و ستیز و هرج و مرج‌هایی که در هنگامه قرن هجدهم روی داد، حدوداً ۷ درصد کاهش یافته بود. در سال ۱۹۰۰، جمعیت شهری به بیش از دو برابر افزایش یافته و به میزان ۱۸ درصد رسیده و سه شهر نیز بیش از صد هزار نفر ساکن داشتند: تهران با جمعیت حدود ۲۸۰ هزار نفر، تبریز با ۲۰۰ هزار نفر و اصفهان با ۱۰۰ هزار نفر. چهار شهر دیگر نیز هر کدام (کم و بیش) حدود ۵۰ هزار نفر جمعیت را در خود جای داده بودند. بر اساس گزارش پولاک، بیش از یک‌سوم جمعیت در حوالی ۱۸۶۰، ایللیاتی بودند؛ اما چنین به نظر می‌رسد که او مهاجرین فصلی را نیز در تعریف ایللیاتی خود گنجانده باشد. میزان درصدی از مردم که روش زندگی ایللیاتی داشتند در طول قرن نوزدهم به ۲۵ - ۲۰ درصد کاهش یافت، هر چند که در آغاز آن قرن، ایللیاتیان در حقیقت یک‌سوم جمعیت را شامل می‌شدند. در سال ۱۹۰۰، حدود پنج میلیون جمعیت روستایی در بیش از سی هزار

---

8. Henry-rene D'Allenmagne

بحران، بهداشت و بیماری‌های واگیر در ایران □ ۴۳۷

روستای کوچک و بزرگ که تنها از طریق جاده‌های خاکی قابل‌دسترس بودند سکونت داشتند (فلور، ۱۳۸۶: ص ۵). مساحت فعلی کشور ایران را صرف‌نظر از مناطقی که متنازع فیه است به حدود بیست‌ودو هزار میل مربع برآورد می‌کنیم... به فرض اینکه در هر میل مربع حدود چهارصد تا چهارصد و پنجاه نفر زندگی می‌کنند، می‌توان شمار اهالی را بین نه تا ۱۰ میلیون برآورد کرد (پولاک، ۱۳۶۱: ص ۱۵).

### ۳. اپیزود یکم: بهداشت فردی

می‌توان بهداشت فردی را اینگونه تعریف کرد که: «بهداشت فردی به اقدامات محافظت‌کننده‌ای گفته می‌شود که مسئولیت رعایت آن بیشتر با خود افراد است و باعث ارتقای سلامت آنان و محدود کردن انتشار بیماری عفونی به‌خصوص بیماری‌هایی می‌شود که در اسرع تماس مستقیم منتقل می‌شود. این اقدام‌ها شامل موارد زیر است: شستن دست‌ها با آب و صابون بلافاصله بعد از دفع مدفوع یا ادرار و در تمام موارد قبل از خوردن و یا دست زدن به غذا؛ دور نگه‌داشتن دست و اشیای کثیف که به وسیله دیگر آن در توالی استفاده شده است از دهان، بینی، گوش، دستگاه تنفسی و زخم‌هایی که در بدن وجود دارد؛ استفاده نکردن از وسایل خوراک، ظروف مخصوص آشامیدن، حوله، دستمال و شانه مشترک؛ جلوگیری از قرار گرفتن دیگر آن در معرض ترشحات بینی و دهان هنگام سرفه، عطسه، خنده و صحبت کردن؛ شستن دقیق دست بعد از دست زدن به بیمار و یا متعلقات وی و نیز شستن مکرر و کافی بدن با آب و صابون هنگام حمام گرفتن» (حاتمی و همکاران، ۱۳۹۲: ص ۸).

اکثر سیاحت‌نامه‌های سیاحان غربی وضعیّت بهداشت فردی در ایران به وضع بسیار نامطلوبی ذکر کرده‌اند. در ۴ محور به وضع بهداشت فردی

ایرانیان را در دوره قاجار می‌توان مرور کرد که البته این مرور برگرفت آیین و خامه استعلا طلب و تحقیرآمیز و بعضاً نارسای سیاحان و سفرنامه نویسان است اما با تطبیق و تدقیق‌هایی می‌توان به يك گزارش متیقن رسید. در همین اثنا البته سوءتفاهم و عدم درك تأویلی از معنای رفتارهایی مانند تطهیر و طهارت شرعی، و خلط آن با بهداشت زمینه‌ای مشهود است:

### ۳-۱. نظافت شخصی

ویلم فلور در کتاب سلامت مردم ایران در دوره قاجار بحث نظافت شخصی را اینگونه حکایت می‌کند که: «مردم کاملاً در مورد اصول ابتدایی بهداشت، بی اطلاع بوده و تقریباً همه آن‌ها تمام زندگی خود را در محاصره کثافت‌های غیرقابل توصیفی سپری می‌کنند. عقاید نادرست و نهفته در دیرینه آن‌ها، در مورد مسائل سلامت و بیماری، بسیار سخت و دشوار است که زوده شوند و ثابت شده است هر تلاشی برای بهبودی شرایط شان امری دشوار است» (فلور، ۱۳۸۶: ص ۷۵).

دکتر فووریه<sup>۹</sup> پزشک مخصوص دربار ناصرالدین‌شاه که به مدت سه سال در دربار طبابت می‌کرد اینگونه وضعیت بهداشت فردی را گزارش می‌دهد: «در باب تطهیر و بهداشت باید گفت که برای اکثر مردم مطابق قوانین صحت که نیست سهل است جنبه پاکیزگی نیز ندارد زیرا که من غالب مردم را دیده‌ام که دست خود را تر می‌کنند و به‌صورت و ساعد و پا می‌کشند و اگرچه شاید بر طبق حکم شریعت عمل می‌نماید لیکن با این عمل هیچ کثافت و چرکی را از میان نمی‌برند. بعضی دیگر که شاید مقدس‌ترند لباس‌های خود را کاملاً بیرون می‌آورند و در آب کمی می‌روند و مقداری از آن

9. Joannes Fauvriér

بر سر می‌ریزند و بدن خود را تر می‌کنند و بی‌آنکه چرک‌های بدن را از ازاله و خود را پاک یا خشک نمایند دوباره همان لباس‌های چرکینی را که اگر آبی دیده است همان آب باران بوده می‌پوشند. بعضی دیگر از همان آبی که کنار آن قضای حاجت می‌کنند، می‌نوشند. این طرز تطهیر و وضوی ایشان به شکلی که گفتم پاره‌ای از اوقات مخصوصاً در ایام شیوع امراض مسری عواقب وخیم در بردارد.» (فووریه، ۱۳۸۸: ص ۷۵).

در تعداد قابل توجهی از سیاحتنامه‌ها بحث دستمال را به‌صورت جدی بیان کرده‌اند. برای مثال پولاک استاد طبّ دارالفنون و طبیب خاصّ ناصرالدین‌شاه که مدتی طولانی در حدود ۹ سال در ایران به سر می‌برد، در سفرنامه خود اینگونه می‌گوید: «قطعه از لباس که دستمال باشد نزد ایرانیان اهمیّت زیادی دارد. کمتر می‌شود که ایرانیان با آن بینی خود را پاک کنند، زیرا اولاً آب بینی آنها به نحو شگفت‌انگیزی کم است. دیگر اینکه مردم طبقات پائین و فرودست با دست بینی خود را پاک می‌کنند. اصولاً دستمال در ایران به این درد می‌خورد که چیزهای گوناگون مانند اوراق و اسناد، نامه‌ها، گوشت، سبزی و از این قبیل را در آن بیچند. مصرف دیگر دستمال این است که پس از تطهیر مقرر، قسمت‌هایی از بدن خود را با آن خشک کنند. اروپائی‌ها اغلب از اینکه غذای پخته‌ای را در دستمالی می‌پیچند و به آنها تعارف می‌کنند دلشان به هم می‌خورد» (پولاک، ۱۳۶۱: ص ۱۰۶).

### ۳-۲. استحمام و حمام

استحمام نیز از جمله مهم‌ترین شاخص‌های بهداشت فردی است که به منظور بهداشت و حفظ سلامت مو و پوست بدن صورت می‌گیرد، برخی از سیّاحان خارجی وضعیّت استحمام در میان مردم را بسیار نامناسب توصیف کرده‌اند این افراد شامل فلور، بروگش، خانم رایس هستند، با توجه به آداب

دینی ایرانیان در مورد بهداشت و غسل به نظر نمی‌رسد که گفته‌های آنان درست بوده باشد. اما برخی دیگر از سیاحان مانند پولاک، خانم شیل، خانم کارلاسرنا، بنجامین توصیف قابل‌قبول‌تری را از وضعیت حمام‌ها و استحمام در ایران ارائه کرده‌اند (سالاری، ۱۳۹۵: ص ۱۶). حمام‌های عمومی یکی از مکان‌هایی بود که بیماری‌های مسری، مانند وبا و طاعون از طریق آن شیوع پیدا می‌کرد در این مکان‌ها مردم در خزینه‌های سرد و گرم استحمام می‌کردند (فووریه، ۱۳۸۵: ص ۱۶۸). اگر کسی مبتلا به بیماری‌های مسری بود، هیچ مانعی برای جلوگیری از ورود او به این مکان‌ها وجود نداشت. در نتیجه بیماری‌ها به راحتی به دیگر آن سرایت پیدا می‌کرد. (سادات عظیمی، ۱۳۸۹: ص ۹۳).

ویلم فلور حمام‌های ایران را اینگونه توصیف می‌کند: «از آنجا که به حمام‌های عمومی (اگر هم در دسترس بودند) نیز هر دو تا سه هفته می‌رفتند بازهم این مکان‌ها به مثابه نقطه اتکای سلامت عمومی واقع نمی‌گردیدند. از این رو، حمام عمومی، مکان بسیار مناسبی برای گسترش و انتشار بیماری‌های تنفسی، پوستی، تراخم، عفونت‌های قارچی و روده‌ای محسوب می‌شد. در حقیقت، حمام یکی از منابع عمده عفونت بود زیرا «آب تقریباً فقط سه بار در سال تعویض می‌شد، بنابراین جای شگفتی نیست که چرا بیماری‌ها با این سرعت منتشر می‌شدند. در ضمن، برداشت اشتباه آمیز از قوانین اسلام که آب روان، سالم و غیر آلوده است، در انتشار بیماری‌ها کمک می‌کرد. چون که اغلب وجود آب روان پیش از آنکه به دهکده رسد آلوده بود. همچنین طبیبان معمولاً تنقیه با آب حمام را تجویز می‌کردند» (فلور، ۱۳۸۶: ص ۷۹). وضعیت حمام‌ها که اکثراً گرمابه و یا خزینه بودند را دکتر پولاک اینگونه بیان می‌کند: «حمام با زندگی دینی ایرانیان در

ارتباط نزدیک است؛ زیرا هم بر اثر مقاربت، عادت ماهانه، زائیدن و اصولاً هر نوع بیماری و هم به سبب تماس با چیزهایی که ناپاک قلمداد شده است مانند خون، چرک، مردار، سگ و غیره مطابق با قواعد دینی بدن نجس می‌شود و در تمام این موارد نجاست را باید با رفتن به حمام برطرف ساخت. اما باز صرف‌نظر از تمام این مقررات دینی حمام برای فردی شرقی نیازی است غیرقابل‌اجتناب؛ بدون حمام تصور آسایش را نمی‌تواند بکند، پس در نتیجه برای ساختن حمام و نگهداری آن کمال مراقبت را مبذول می‌دارد. حمام به دو نوع عمومی و خصوصی تقسیم می‌شود. حمام‌های عمومی بر اثر موقوفات دینی ایجاد می‌شود و مخارج نگهداری آن‌ها نیز از همان محل است؛ اما حمام‌های خصوصی بیشتر برای مصرف شخصی صاحب آن تعبیه گردیده است، ولی در بعضی از ساعات مردم نیز می‌توانند با پرداخت ورودی‌های به آن راه یابند. وسیله گرم کردن حمام تپاله است. همیشه می‌توان نزدیک حمام توده‌ای از کود را دید که با کمک نی و خیزران به لایه‌های گوناگون تقسیم شده است. خود حمام در زیرزمینی که دارای سقفی ضربی است قرار دارد. نور آن از بالا از طریق نیمکره‌هایی شیشه‌ای و متعدد، تأمین می‌گویند. دورتادور حوضی است که فواره دارد. بر دیوارها غرفه‌هایی تعبیه شده که همه به «سر حمام» نامیده می‌شود. این آب که به مقدار معینی در این خزینه است تجدید نمی‌شود هرچند که صد نفر پشت سر هم در آن استحمام کنند. علت آن است که مطابق مقررات این آب با وجود انباشته شدن از عناصر گوناگون هرگز ناپاک نمی‌شود.

حمام‌های عمومی در ساعات اولیه صبح به زنان اختصاص دارد. ساعت شروع کار حمام در هر محله شهر با صدای بوق اعلام می‌گردد. ورودیه حمام‌های عمومی چون از محل عواید موقوفات نگهداری می‌شوند خیلی

ناچیز است. به دلیل جنبه مذهبی که ایرانیان برای حمام قائلند استفاده غیرمسلمانان از آن‌ها ممنوع است، حتی متعصبین ورود یک خارج از مذهب را به حمام به رغبت اجازه نمی‌دهند.

«به هر تقدیر حمام ایرانی بدن را به بهترین وجه تمیز می‌کند؛ از این گذشته در خستگی ناشی از زحمت زیاد و همچنین در مداوای دردهای مفصلی و روماتیسمی کمک مؤثری است؛ اما انکار هم نمی‌توان کرد که با استفاده مکرر از آن آدمی گرفتار سستی و رخوت می‌شود و بدین لحاظ رواج آن را در اروپا مگر به دلایل طبی توصیه نمی‌کنم. چیزی که شایسته تبعیت است ارزانی نرخ حمام‌هاست و تقسیم معقول آن در سطح تمام شهر و دیگر مالش بدن با یک کیسه زیر مویدار؛ زیرا با کمک این وسیله حتی منافذ پوست نیز تمیز می‌شود، کاری که در حمام‌های معمولی منازل ما انجام نمی‌پذیرد» (پولاک، ۱۳۶۱: ص ۲۴۲-۲۴۸).

### ۳-۳. تنظیف پوشاک

تعویض لباس در بین مردم ایران به دلایل مختلف از جمله فقر و یا نبود آب و صابون کافی معمولاً با حمام رفتن همراه بود. در برخی اوقات نیز پس از استحمام دوباره همان لباس‌های کثیف پوشیده می‌شد که خود سبب بروز مشکلات پوستی و بیماری‌های متعدّد می‌شد. در بین اغنیاء و ملوک این دیده نمی‌شد. چراکه لباس متعدّد با زیورآلات مختلف از آن‌ها گزارش شده است. آن‌ها دارای نوکر و کلفت‌هایی بوده که برای آن‌ها لباس می‌شستند و در این باره آن‌ها بسیار به بهداشت خود اهمیت می‌دادند.

در مورد نظافت پوشاک مردم عصر قاجار نیز فلور معتقد است که برخی از مردم تهیدست در دوره قاجار فقط یک دست لباس داشتند و مردم عادی، لباس‌هایشان را فقط یک‌بار در سال می‌شستند، آن‌هم تازه با آب سرد و

صابون بسیار چسبناکی با منشأ گیاهی. (فلور، ۱۳۸۶: ص ۷۶).

وی بنا به اظهار نظر دکتر ادوارد دورسون که در کرمان مشغول طبابت بود می‌نویسد: «از آنجا که فقرا بندرت تمام بدن خود را می‌شویند، عرق هم در تابستان سوزاننده و هم در یخبندان زمستانی - به دلیل اینکه لباس‌ها تعویض نمی‌شدند - تجمع می‌یابد. در هنگامی که فرد به حمام عمومی می‌رود لباس‌هایش را عوض می‌کند؛ و لباس‌های تمیز می‌پوشد. اما بسیاری، لباس تمیز ندارند و برای ماه‌ها به حمام عمومی نمی‌روند. بدبختانه، بسیار معمول است که پس از يك بیماری عفونی، فرد به حمام می‌رود. هر چند ممکن است مقداری از جرم‌ها نابود شوند اما بسیاری هنوز زنده مانده و باعث انتقال بیماری می‌شوند. چهل و نادانی موجب می‌شود که بیماری به صورت يك خطر گریزناپذیر جلوه کند. (فلور، ۱۳۸۶: ص ۷۸).

این امر در حالی است که با توجه به وجود حمام از دیرباز در ایران و نیز دستورات شرعی برای شستشوی بدن و لباس، یک فرد نمی‌توانسته است برای یک سال با لباس کثیف و آلوده سر کند، ضمن آنکه سیاحان دیگر به این موضوع اشاره‌ای نکرده‌اند. (علیجانی، ۱۳۹۳: ص ۵۰).

#### ۳-۴. بهداشت مواد غذایی

بهداشت مواد غذایی که یکی از شاخه‌های بهداشت است عبارت است از رعایت کلیه اصولی که باید در تولید، نگهداری، عرضه و فروش مواد غذایی مورد استفاده قرار گیرد تا غذای سالم باکیفیت مطلوب به دست آید. وضعیت بهداشت غذایی یکی از مهم‌ترین معیارها برای سلامتی اعضای هر جامعه‌ای به شمار می‌رود بر اساس اظهارات برخی از سیاحان غربی وضعیت بهداشت مواد غذایی در ایران بسیار نامناسب بوده است. (سالاری، ۱۳۹۵: ص ۲۰).



ویلم فلور این‌طور گزارش می‌دهد: «مسمومیت غذایی (سالمونلوزیس، بوتولیسم و عفونت استافیلوکوکی) به دلیل فقدان بهداشت و سیستم نگهداری مواد غذایی و نیز حضور گسترده حشرات خانگی به‌عنوان ناقل فراوان دیده می‌شد. ایرانی‌ها مقادیر زیادی فرآورده‌های لبنی مانند پنیر و ماست می‌خوردند. از آنجا که این فرآورده‌ها از شیر جوشانده بودند، ناقلین کشته می‌شدند. مسئله زمانی رخ می‌داد که ماست با آب آلوده رقیق شده و به‌عنوان دوغ مصرف می‌شد. افزون بر این، مصرف پنیر و کره ساخته شده از شیر خام حیوانات بیمار می‌توانست موجب مسمومیت غذایی شود. سبزیجات (چنانچه جوشانده و یا به‌خوبی شسته نمی‌شدند) آلوده بودند؛ چون‌که از کود انسانی و آب آلوده برای آبیاری استفاده می‌شد. میوه (به‌عنوان کالای مصرفی جمعیت) در روی سقف خانه‌ها و زمین خاکی خشکانده می‌شد؛ در حین فرآوری این خشکبارها، بسیاری با دستان نشسته آن‌ها را لمس می‌کردند و هرگز نیز شسته نمی‌شدند اما حشرات و خاك و خاشاك بر روی آنها می‌نشستند. همچنین به دلیل فقدان شیوه‌های صحیح در فرآیند نگهداری و نیز عرضه در فضای باز (اغلب مملو از حشرات) این خشکبارها عفونی بودند. ۳۳ هر زمانی که جمعیت از سوء تغذیه به دلیل قحطی و یا دلایل دیگر در رنج بود، بیماری‌ها و واگیری‌ها بر این مردم مبتلای بدبخت فرود می‌آمدند، چنانچه در قحطی ۱۸ / ۱۹۱۷ روی داد.» (فلور، ۱۳۸۶: ص ۸۳).

بنجامین نیز وضعیت نان در ایران را به جهت غیربهداشتی بودن آن غیرقابل استفاده دانسته هستند. «نانوایی‌ها - نانوایان یکی از کسبه‌ی معروف تهران که همه با آن سروکار دارند - است بی‌اعتنا به مردم و مقررات هر کاری دلشان بخواهد انجام می‌دهند و مشتری‌ها جرئت اعتراض ندارند. اگر نانی

بحران، بهداشت و بیماری‌های واگیر در ایران □ ۴۴۵

بپزند شن‌ریزه داشته و خمیر باشد خود را مسئول نمی‌دانند. کارگران نانوائی در مقابل چشم عابران آرد را با آبی کثیف و گل‌آلود خمیر می‌کنند و این خمیر را روی پارو انداخته و داخل تنور می‌گذارند. کار آن‌ها از نظر بهداشت خیلی نقص دارد ولی نانی که از تنور بیرون می‌آورند و قطرش معمولاً از یک‌دهم اینچ تجاوز نمی‌کند، تا گرم است بسیار خوش‌خوراک و خوب است و حتی خارجی‌ها این نان را بر نان‌هایی که در اروپا پخته می‌شود ترجیح می‌دهند» (بنجامین، ۱۳۶۳: ۷۶). وی همچنین وضعیت شیر در ایران را غیربهداشتی دانسته است: «متأسفانه در ایران شیر سالم و خوب را کمتر می‌توان به دست آورد زیرا در همه‌جا مقداری آب را با آن مخلوط می‌کنند و چون آب‌ها کثیف است شیر هم آلوده و غیربهداشتی می‌شود» (همان: ص ۳۳۹) پولاک رژیم غذایی ایرانیان را معتدل وصف می‌کند: «فرد ایرانی زندگی ساده‌ای دارد و روی هم در خوردن و نوشیدن معتدل است. آنها در بهار برنج را با شیر می‌پزند؛ شیر برنج ثقیل است؛ در زمان شیوع و یا بعضی به این نتیجه رسیده بودند که افراد پس از خوردن شیر برنج بیشتر وبا می‌گیرند.» (پولاک، ۱۳۶۱: ص ۸۴).

#### ۴. اپیزود دوم: بهداشت محیط و منابع

بهداشت عمومی عبارت است از مجموعه دانش و هنر پیشگیری از بیماری و تأمین، حفظ و ارتقای تندرستی و توانمندی بشر با استفاده از تلاش دسته‌جمعی که منجر به توسعه جامعه شود. این مفهوم در حوزه زندگی انسان نفوذ داشته و به طریقی ضامن سلامت فرد و جامعه به شمار می‌رود» (سالاری، ۱۳۹۵: ص ۳۷). در اکثر سفرنامه‌ها وضعیت بهداشت محیطی و عمومی به‌شدت بد توصیف شده است که تا جایی پیش می‌رود که ویلم فلور با یک بیان تند بگوید: «ترکیب جهل عمومی و عدم اعتنا به اصول

بهداشت فردی، موجب شده است که معمولاً محل سکونت افراد چه در شهر و چه در روستا به شدت غیربهداشتی و کثیف باشد» (فلور، ۱۳۸۶: ص ۷۹).

#### ۴-۱. مناطق روستایی

در مناطق روستایی، در بسیاری از موارد، آبریزگاه را در کنار آب، یا توی آب قلمداد می‌کردند که خود نشانی دیگری از آلودگی منابع آب بود. در داخل منازل (در فصل زمستان) انسان و حیوان با یکدیگر زندگی می‌کردند و خاک نیز با ادرار اشباع می‌شد. در آخر آنکه، مجموعه‌ای از جانوران موذی (به صورت اجتناب‌ناپذیر (در لابلای لحاف و پتوهایی که بر روی کرسی) محل آتش روباز (خانه‌ها کشیده می‌شدند، وجود داشتند. بیرون از منازل نیز، وضعیت بسیار غیرسالم بود. جانوران مرده را در ۳۰ قدمی روستا، برای سگان، شغالان و کلاغ‌ها پرت می‌کردند. امعاء و احشاء و مابقی سلاخی‌ها، به صورت پوسیده شده در جلوی خانه‌ها رها می‌شدند. مستراح به ندرت خارج از ساختمان وجود داشت و مردم در فضای باز اجابت مزاج می‌کردند. الزاماً روستاهایی که دارای حمام عمومی بودند، از نقطه نظر بهداشتی، شرایط مناسب‌تری نداشتند زیرا خود حمام مکان پرورش تمام انواع بیماری‌ها بود. آب به ندرت تعویض شده و توسط همه افراد استفاده می‌شد. همچنین، زنان روستایی در تماس منظم با مدفوع حیواناتی مثل گاو و اسب بودند؛ به ویژه در زمانی که ذخیره سوخت زمستانی خود را مهیا می‌کردند، این سوخت ترکیبی از مدفوع حیوانات و کاه بود و خود خطری جدی برای سلامت محسوب می‌شد. شرایط در مناطقی که زندگی شبانی داشتند، مقداری متفاوت بود، زیرا عشایر در اکثر مواقع در سال در جابه‌جایی بودند. با این وجود، در میان بختیاری‌ها، همان‌گونه که ایزابل برد گفته است، ناخوشی‌های پوستی و بعضی امراض چشمی و انگلی از کثافت برمی‌خیزند.

(فلور، ۱۳۸۶: ص ۷۹).

وضعیت فوق‌الذکر را برخی دیگر از سیاحان نیز تأیید می‌کنند. رنه دالمانی در گزارش خود که از دهکده‌ای در ارتفاعات ایران ضبط کرده این‌طور وضعیت غیربهداشتی آنجا را توصیف می‌کند: «دهکده‌هایی که در فلات‌های مرتفع بنا شده‌اند دهکده‌هایی فقیرانه‌ای هست که در آنها کلبه‌های محقری با خشت و گل بنا شده است که بسیار کثیف هستند. در اینجا زنان با پای برهنه فضولات حیوانی را خمیر کرده و از آن‌ها قرص‌هایی با دست ساخته و در آفتاب می‌گذارند تا بعد از خشک شدن در زمستان از آن‌ها به‌مثابه سوخت استفاده کنند» (رنه دالمانی، ۱۳۳۵: ص ۳۲۳).

#### ۴-۲. مناطق شهری

وضعیت در مناطق شهری چندان متفاوت نبود. بسیاری از خانه‌ها با مناطق روستایی مشابهت داشتند. تنها خانه‌های طبقه متوسط و بالای جامعه، ساخت بهتری داشتند و جادار بودند. اما از همه مهم‌تر آن‌که بسیاری از زیرساخت‌های زندگی در شهر به‌صورت يك فاجعه برای سلامت عمومی نمایان بودند. (فلور، ۱۳۸۶: ص ۸۰).

در ادامه فلور به نقل از برد<sup>۱۰</sup> می‌نویسد: «هیچ سازمانی به سلامت عمومی مردم رسیدگی نمی‌کرد و این موضوع به حال خود رها شده بود. شهرها شلوغ و بسیار بد ساخته شده و فاقد خیابان- به‌جز گذرگاه‌هایی در میان خانه‌ها- بودند. در داخل شهرها- به‌جز آب‌انبارهای خانه‌ها- منبع آب دیگری وجود نداشت و حفظ و نگهداری آب موردنیاز شامل فرآیندهای ابتدایی‌ای بود. پس‌مانده‌ها و فاضلاب، چه با منشأ حیوانی و چه انسانی، به‌صورت

---

10. Bird

غیرقابل تمایز از یکدیگر در کوچه‌های خاکی- که شبکه ترافیکی سرتاسر شهر را تشکیل می‌دادند- ریخته یا پرتاب می‌شدند. بسیاری از خانه‌ها، خروجی فاضلاب خود را به درون این کوچه‌ها باز می‌کردند؛ هر چند ممکن بود در خانه‌هایی از چاله فاضلاب برای این منظور استفاده کنند اما محتویات این چاله‌های در حال گندیدگی (اغلب آنچه طی سالیان تجمع یافته بود) به درون چاه‌هایی که وجود داشت تخلیه می‌شد و بوی زننده‌شان، هوای خانه‌ها و شهر را آکنده می‌کرد. هیچ ثبت مرگ‌ومیر و تولدی انجام نمی‌شد.» (همان: ص ۸۶).

سیاحان مختلف از شهرهای مختلف گزارش‌هایی ذکر کرده‌اند. دکتر فوریه شهر بروجرد را این‌طور توصیف می‌کند: «بروجرد شهر بزرگی است که حدود ۲۵/۰۰۰ نفر جمعیت دارد. ولی جز کثافت چیزی نمی‌بینید. تمام کوچه‌های کج و معوج و بازارهای تنگ و تاریک آن به همان حال است و از همه‌جا هر نوع رایحه کریه به مشام می‌رسد.» (فوریه، ۱۳۸۸: ص ۲۶۸).

ویشارد همدان را اینگونه گزارش می‌دهد: «مردم اینجا بیشتر در حال تهیه چرم و یک نوع پارچه خشن محلی هستند. دباغی پوست همیشه حرفه‌ای برخلاف حفظ‌الصحه بوده است، مخصوصاً با ترتیبی که در همدان معمول است. در حوالی دباغ‌خانه‌ها گودال‌هایی پر از لجن و کثافت است که بوی نفرت‌انگیزی دارد. بعضی‌ها که در نزدیکی این دباغ‌خانه‌ها زندگی می‌کردند، مدعی بودند که بوی زننده آن باعث می‌شود حتی ساعت‌هایشان وقت صحیح را نشان ندهد. در عین حال که می‌دانستم این ادعا، اغراقی بیش نیست، دلم می‌خواست آن را بپذیرم (ویشارد، ۱۳۶۳: ص ۲۳۱).

در یک گزارش کنسولگری انگلیس درباره وضع بهداشتی برخی از شهرهای ایران از جمله بوشهر آمده است: «در بوشهر هیچ سازمانی به سلامت عمومی

مردم رسیدگی نمی‌کرد...» (علیجانی، ۱۳۹۳: ص ۵۸).

بخش بسیار مهمی از بهداشت محیط مربوط است به بهداشت معابر، خیابان‌ها و محلات در هر شهری؛ طبق نظر سیاحان وضعیت در نواحی مذکور نامناسب بوده، عوامل گوناگونی شامل زباله‌ها، نبود سیستمی برای گردآوری زباله‌ها، سگ‌های ولگرد، کوچه‌های تنگ و ... سبب غیربهداشتی جلوه کردن آنها می‌شدند. وضعیت خیابان‌ها در دوران قاجار، بخصوص قبل از اصلاحات مربوط به زیبایی شهر عموماً نامناسب و غیربهداشتی گزارش شده‌اند. این وضعیت تنها مربوط به شهرهای دیگر ایران، بلکه مربوط به پایتخت نیز است. (سالاری، ۱۳۹۵: ص ۳۸).

خیابان‌ها متعفن بوده و فضای آن‌ها آکنده از بوی جانوران در حال تجزیه و فضولات بود. در جوی‌های روباز، آب با هر نوع آلودگی شامل آلودگی‌های فعالیت‌های صنعتی مانند دباغی و غیره سراسر شهر را طی می‌کرد. در سال ۱۸۸۰، یا حوالی آن، ناصرالدین‌شاه دستور داد که خیابان‌ها و میدان‌ها می‌بایست تمیز شده و آشغال‌های خطرناک از جوی آب‌های اصلی بیرون کشیده شوند، اما این دستور ملوکانه نتیجه‌ای در بر نداشت، چون که اجرای آن پس از چندی مشمول زمان شد. مؤثرترین رفتگران خیابان‌ها، سگ‌های ولگرد بودند. در شهرهای دیگر عملیات پاک‌سازی - گاه‌به‌گاهی شروع گردید، اما این اقدامات نیز از روی اتفاق، متناوب و ناپایدار بودند. (فلور، ۱۳۸۶: ص ۸۱).

دکتر پولاک گزارش می‌دهد که: «برای تنظیف خیابان‌ها هیچ عملی انجام نمی‌گیرد. این را دیگر به میل و دلخواه سبزی‌کارها واگذارده‌اند که زباله شهر را برای کود ببرند. دل و روده حیواناتی که ذبح شده‌اند، باقیمانده غذا و جانورانی که مرده‌اند به کوچه افکنده می‌شود و در آنجا می‌ماند. پس این

خود بخت‌بلندی است که سگ‌های بسیار با تخم و ترکه فراوانشان شب‌ها از کمینگاه بیرون می‌پرند و کوچه‌ها را تمیز می‌کنند؛ شغال‌ها نیز اینجا و آنجا گاه و بیگاه به دستیاری سگان برمی‌خیزند. استخوان‌های بجا مانده را در خندق شهر می‌اندازند. باوجوداین تپه‌های کوچکی نیز در شهر هست که کثافت قرن‌های بسیار لایه به لایه در خود انباشته و از انظار پوشانده. بوی عفونت وحشتناکی که از این همه مواد گندیده منتشر می‌شود سکونت در تهران را در فصل تابستان، بخصوص برای اروپائیان طاقت‌فرسا می‌سازد؛ تب‌های کشنده‌ای ایجاد می‌کند و باعث می‌شود که هرگاه وبا وارد مملکت شد به طرز وحشتناکی کشتار کند. بیش از هر وقت، بوی عفونت چند روز بعد از عید قربان بیداد می‌کند، زیرا در چنین روزی گوسفندان بسیاری قربانی می‌شود و دیگر پشتکار سگان و شغالان نیز یارای آن را ندارد که از پس لاشه‌ها برآید. بنابراین به اروپائیان سخت توصیه می‌شود تابستان‌ها را در یک جای بیلاقی بسر برند؛ تردیدی نیست که در شهر در این فصل به بیماری اسهال خونی سختی دچار می‌شوند» (پولاک، ۱۳۶۱: ص ۶۵).

### ۴-۳. آب و فاضلاب

در دور قاجار بیشتر بیماری‌ها به منابع آب آشامیدنی ارتباط پیدا می‌کرد؛ در مناطق روستایی آب از چاه، چشمه، قنات و با رود تأمین می‌شد که همه آنها آلوده بودند. فلور این وضعیّت را اینگونه بیان می‌کند: «علّت عمده بیماری‌ها به منابع آب آشامیدنی ارتباط پیدا می‌کرد؛ در مناطق روستایی آب از چاه‌ها، چشمه‌ها، قنات‌ها و یا رودها تأمین می‌شد که همه آنها آلوده بودند. در شهرها آب از جوی‌های آب‌باز، چاه‌ها و آب انبارهای حیاط خانه‌ها تأمین می‌شد. آبروها با زباله و دیگر پسماندها، آلوده‌شده و چاه‌ها و آب‌انبارها نیز مملو از حشرات بودند. با این شرایط، مالکین خانه‌ها، اجازه هیچ اقدام

پیشگیرانه بهداشتی را نمی‌دادند. عقیده آنها با برداشت اشتباه آمیز از شرع اسلامی که آب روان، یا آب راکد در اندازه‌ای مشخص با عناصر ناپاک آلوده نمی‌شود تقویت می‌شد. هر چند که از دیدگاه مذهبی این نظریه ممکن است درست باشد، اما مسلماً از دیدگاه علم پزشکی جایز نبوده است. مسلماً مسئله اصلی احکام مذهبی، ایجاد طهارت با اجرای شعائر است و نه بهداشت از منظر طب. از این رو، برای مثال، غسل دهندگان مرده، از همان آبی استفاده می‌کردند که دیگر مردم برای نیازهای روزمره خود بکار می‌بردند. در سال ۱۸۶۹، در تبریز، ۱۰۰ مرده‌شور بود. آن‌ها زنان و مردان طبقه پایین جامعه بودند که دیدگاهی در مورد بهداشت نداشتند. (فلور، ۱۳۸۶: ص ۸۲-۸۳).

پولاک نیز درباره وضعیت و کیفیت آب‌وهوای ایران می‌گوید: «در آن نقاط که قنات سرباز است، آب به سرعت آلوده و غیرقابل مصرف می‌شود. به این دلیل خانواده‌های متمکن، حیوان بارکشی مخصوص حمل آب نگاه می‌دارند تا با دو مشک تیماجی آب آشامیدنی را از مظهر قنات که در خارج از حصار شهر قرار دارد، بکشد و بیاورد. برای کسانی که کمتر تمول دارند سقا هست که اغلب آب مانده را به جای آب تازه به مردم فقیر می‌فروشد. ایرانی‌ها خیلی به آب خوب اهمیت می‌دهند؛ آنها هضم بهتر غذا و وضع بهداشتی مناسب‌تر را در نقاط کوهستانی بیشتر مربوط به آب می‌دانند تا هوا و اغلب بیماری‌ها را به آب بد و آلوده نسبت می‌دهند. شهرت دارد که پادشاهان قدیم ایران در لشکرکشی‌های خود همواره آب رود زاب را به همراه برمی‌داشته‌اند و در دوران جدید نیز سعید پاشا در سفرش به اروپا آب رود نیل را با خود همراه داشت؛ ناصرالدین‌شاه هم دستور داد تا چند ماه آب آشامیدنی را برایش از آن‌سوی کوه البرز بیاورند. باوجود همه این‌ها، از پاکیزه نگاه‌داشتن آب جویها غفلت



دارند، زیرا آب در جوی روباز در وسط خیابان جریان دارد و حتی در سرچشمه قنات‌ها نیز لباس کثیف می‌شویند» (پولاک، ۱۳۶۱: ص ۹۲)

دفع هرچه بهتر فاضلاب‌های انسانی و حیوانی اقدامی بسیار حیاتی برای جلوگیری از پخش و واگیر کردن بیماری‌های مختلف است. اگر سریع‌تر و مؤثرتر این اقدام صورت نگیرد خود باعث بوجود آمدن برخی بیماری‌ها و همچنین باعث انتقال برخی دیگر از بیماری‌ها می‌شود. در دوره قاجار این کار به روش‌های مختلف و خاصی انجام می‌گرفت که اکثر آنها بسیار غیربهداشتی بودند.

دکتر فووریه نظر خود را به‌طور کلی در مورد فاضلاب‌های شهرهای ایران چنین گزارش داده است: «در بیرون از شهرهای بزرگ باز شدن منجلاب‌ها و فاضلاب‌های شهر به علت عفونت هوای اطراف را کریه و غیرقابل استنشام می‌کند.» (فووریه، ۱۳۸۸، ص ۵۷).

فلور می‌گوید: «جمع‌آوری فضولات و فاضلاب، از وظایف خود مالکین خانه‌ها بود. از دیگر وظایف بخش تنظیم آن بود که رسیدگی کند که آیا مالکین خانه‌ها در امر جمع‌آوری زباله‌های خود مبادرت کرده‌اند. گروه ویژه‌ای از مردم با نام -کناس- از این طریق امرار معاش می‌کردند. آنها مواد زائد شهری را به روستاهای اطراف برده و به‌عنوان کود می‌فروختند. مسلماً، دولت حتی بر این کار حقیر نیز مالیات روا می‌داشت، زیرا دفع فاضلاب یک سرمایه‌گذاری پرسود بود. حق پاک‌سازی مستراح‌های عمومی بالا بود. برای مثال مسجد شاه تهران با ۴۰ مستراح، دارای سرقفلی‌ای معادل حداقل ۳۰۰۰۰ تومان در سال بود. البته آشکار است که -رفتگران فاضلاب- این مقدار پول را دریافت نمی‌کردند و بیشتر کسانی که آنها را استخدام کرده بودند، پول‌ها را می‌گرفتند. در اصفهان، ۱۵۰ کناس در دهه ۱۸۷۰ وجود داشت.

هر چند بسیاری از خانه‌ها آبریزگاه داشتند، اما دفع فضولات به شیوه‌ای غیربهداشتی انجام می‌شد. در نتیجه خود شهرها و روستاها اغلب دارای چاه‌های فاضلاب روباز بودند. آبریزگاه‌ها همچون منبعی برای رشد مگس‌ها محسوب می‌شدند. در مناطق روستایی اغلب آبریزگاه وجود نداشت. در نتیجه فضولات و مواد آلوده‌کننده دیگر در تماس با آب آشامیدنی و آب شستشو قرار می‌گرفت و به مثابه ناقل بیماری‌های عفونی عمل می‌کرد.» (فلور، ۱۳۸۶: ص ۸۱).

حیدری به نقل از سفرنامه بروکش این‌طور بیان می‌کند که چگونه هرروز، کشاورزان اطراف اصفهان با چهارپاهای خود به شهر می‌آمدند و فضولات و کثافات را بار آن می‌کردند و با خود می‌بردند تا به مثابه کود در مزارع کشاورزی از آن استفاده کنند. (حیدری، ۱۳۹۶: ص ۲۵).

در تهران و برخی شهرها برای دفع فضولات، چاه حفر می‌شد که بهداشتی‌تر از شیوه رایج در اصفهان بود و نظر پولاک مبنی بر احداث چاه برای دفع فضولات انسانی در تهران را تأیید کرد، اما با توجه به رسوبی بودن خاک این شهر، درباره نفوذ فاضلاب به چاه‌های آب آشامیدنی آب‌انبارها هشدار داده است. وی می‌نویسد: «معمولاً در خانه‌های تهران یکی دو چاه به عمق ۷۵ تا ۲۳ متر می‌کنند و همین‌که این‌ها پر شدند، چاه‌های دیگری حفر می‌کنند. چون خاک تهران رسوبی و قابل نفوذ است، سرایت محتویات این چاه‌ها به آب‌های نوشیدنی و آب‌انبارها خانگی و حوض‌ها بدبختی‌های زیاد ایجاد می‌شود. در همان حال اوضاع برخی از شهرها بغرنج‌تر بود و فاضلاب‌ها به‌طور مستقیم به کوچه‌ها و خیابان‌ها می‌ریخت که بی‌شک موجب بیماری‌های مختلف بود» (پولاک، ۱۳۶۱: ص ۱۴۷).

## ۴-۴. پسماند

کنترل آلودگی‌های محیط از جمله مواد زائد جامد، بخش مهمی از وظایف بهداشت محیط است. توجه به بهداشت و سلامت جامعه و رعایت جنبه‌های پیشگیری بدون توجه به سیستم‌های جمع‌آوری و دفع مواد زائد که یکی از اسباب اصلی آلودگی در شهرها و روستاهاست، امکان‌پذیر نیست. این مسئله در عصر قاجار از دیدگاه سیاحان، غیربهداشتی بود. به گزارش پولاک تجهیزات بهداشتی برای تمیز نگه‌داشتن شهر تهران اندیشیده نمی‌شد. در تابستان، خیابان‌ها کثیف و هوا مسموم و گرم و خفه‌کننده و آب حوض‌ها مانده و پشه‌ها و مگس‌ها فراوان می‌شد (پولاک، ۱۳۶۱: ص ۲۶۳).

در سال ۱۲۵۹ یا حوالی آن، ناصرالدین‌شاه دستور داد که خیابان‌ها و میدان‌ها باید تمیز شود و زباله‌های خطرناک از جوی آب‌های اصلی بیرون کشیده شود، اما این دستور نتیجه‌ای نداشت. چون اجرای آن پس از چندی مشمول زمان شد. مؤثرترین رفتگران خیابان‌ها، سگ‌های ولگرد بودند. در شهرهای دیگر هم عملیات پاک‌سازی گاه‌گاهی انجام می‌شد اما این اقدامات نیز از روی اتفاق، متناوب و ناپایدار بود. (فلور، ۱۳۸۶: ص ۲۹۵).

به نوشته دکتر فووریه، ناصرالدین‌شاه که همه سال در عید قربان یک شتر قربانی می‌کرد، در سال ۱۲۶۱ به علت این‌که در اردو بود و شتری وجود نداشت به ناچار بیش از هفت هزار گوسفند قربانی کرد. فلور زنان روستایی در تماس منظم با مدفوع حیوانی مثل گاو و اسب بودند، به‌ویژه در زمانی که: «می‌نویسد ذخیره سوخت زمستانی خود را مهیا می‌کردند. این سوخت ترکیبی از مدفوع حیوانات و کاه بود و خود خطری جدی برای سلامت محسوب می‌شد.» (فووریه، ۱۳۸۸: ص ۱۰۶).

#### ۴-۵. کاروانسراها

این مکان‌ها بسیار مهم بودند. این مکان محلّ تجمع خیل عظیمی از افراد بود. چه مسافران و چه افراد بی‌خانمان در این مکان دورهم جمع می‌شدند و به راحتی می‌توان بیماری‌های مختلف را به یکدیگر منتقل کنند.

فووریه وضعیّت کاروانسراها را این‌طور توصیف می‌کند: «پاچنار در ساحل چپ رودخانه‌ای تقریباً خشک و به چنارود موسوم است و که نزدیک شاهرود ساخته شده است. چاپارخانه به قدری کثیف و خراب بود که من ترجیح دادم که شب را در بالای بام یکی از قسمت‌های جلوی آن بگذرانم و باوجود بیم از تعفن اطراف آن را از هر یک از اتاق‌های آن بهتر دانستم. کاروانسرای که در جلوی آن قرار گرفته و از آن مرتفع‌تر است در کثافت اگر چنین چیزی ممکن شود گوی سبقت را از همه می‌رباید» (فووریه، ۱۳۸۸: ص ۲۹۶) براون در جریان حرکت از اصفهان به سمت شیراز در کاروانسرای سنگی تک افتاده خان خوره توقف می‌کند و از کثیف بودن و وجود باقیمانده‌های اجساد شتر و اسب مرده گزارش می‌دهد. (سالاری، ۱۳۹۵: ص ۵۴). این گزارش‌ها در حالی است که کاروانسراها در دوره قاجار معادله پیچیده امتیّت و معیشت تجار و کاروان‌ها در مسافت‌های طاقت‌فرسا را حل کرده بودند و بر اساس وقف و خدمات عمومی و نظارت‌های ناحیه‌ای، از رونق و سلامت برخوردار بودند.

سالاری از سرنا<sup>۱۱</sup> نقل می‌کند: «کاروان ما در چهار فرسنگی تهران، در کاروان‌سرای - میانجوب - که نامش از آبادی نزدیک گرفته است، توقف کرد. به‌طوری‌که همه می‌دانند کاروانسراها، در حقیقت مهمان‌خانه‌های ایران هستند. هیچ جا کثیف‌تر از اتاقک‌های تاریک و بدون پنجره این دخمه نیست. باید قبل از مستقر شدن در کاروانسراها، نسبت به تمیز کردن اتاق‌ها

---

11. Carla Serena

پرداخت، چون آن‌قدر از مسافران دیگر کثافت به‌جای می‌ماند که حتی نمی‌شود در داخل آنها راه رفت» (همان: ص ۵۵).

## ۵. اپیزود سوم: سلامت عمومی در چپاول بیماری‌های واگیر

دکتر پولاک مرگ‌ومیر حاصل از بیماری‌ها را این‌طور توصیف می‌کند: «در شرق در اثر بروز و شیوع این بیماری‌ها چندان بر مرگ‌ومیر افزوده می‌شود که مثلاً مناطقی که سی‌وسه سال پیش طاعون در آنجا بیداد کرده است، هنوز هم دچار کمی جمعیت است و صدمه‌هایی که از انتشار بیماری‌های وبا، آبله، سرخک و سیاه‌سرفه وارد آمده است با تأنی و کندی بسیار ترمیم می‌گردد. تنها به علت نقصی که در ارتباطات و مراودات هست و از برکت ارتفاع زیاد این سرزمین، امراض همه‌جاگیر و بیماری‌های دامی خودبه‌خود رو به اضمحلال می‌گذارد» (پولاک، ۱۳۶۱: ص ۴۶۳). ویشارد هم در کتاب بیست سال در ایران خود که شرح حال حضورش در ایران است، این‌طور عدم بروز اقدام خاصی از دولت مرکزی قاجار برای جلوگیری از شیوع بیماری‌ها را گزارش می‌دهد: «اقدامات اساسی و مقدماتی برای جلوگیری از شیوع بیماری عملی نمی‌شد و کنترل بیماری‌ها غیرممکن می‌گردید و هنوز برای انجام و اجرای امور بهداشت مقدماتی خیلی کارها باید انجام گیرد» (ویشارد، ۱۳۶۳: ص ۲۲۸). ویشارد آب و آلودگی آن و همچنین حمام‌های عمومی و سنتی و عدم رعایت اصول بهداشتی مربوط به آن را عامل انتقال و بروز بیماری می‌داند «یهودیان حق استفاده از منبع آب مسلمانان را ندارند و در محله یهودی‌نشین تهران مخزن آب بزرگی وجود دارد که هر سه یا چهار ماه یک‌بار آن را پر می‌کنند. اتفاقاً این منبع را قبل از شیوع بیماری وبای سال (۱۹۰۴-۱۲۸۳) پر از آب کرده بودند. چون یهودیان نمی‌توانستند از جای دیگری آب بنوشند، منبع هم آلوده نشده بود، محله آن‌ها باوجود کثافتاتی که داشت گرفتار بیماری نشد. و اگر نهایتاً

آن‌ها برای دادوستدهایی که با بیماران وبایی [و یا آن‌هایی که در معرض آن بوده‌اند] اقدام نمی‌کردند، هرگز منطقه آنها آلوده و با نمی‌شد» (همان: ص ۱۸۰). «برای شرقی حمام رفتن نه تنها یک نیاز است، بلکه یک ضرورت مذهبی نیز به حساب می‌آید. در تعدادی از خانه‌ها حمام خصوصی بنا کرده‌اند. حمام‌های عمومی حوضچه یا خزینه بزرگی دارد که همه در آن غوطه می‌خوردند و آب آن اقلأ هفته‌ای یک‌بار عوض می‌شود. گاه ناچار می‌شوند آب خزینه را حتی به مدت یک ماه عوض نکنند و ظاهراً با گرم کردن آن را عاری از میکرب سازند. اگر در زیر این خزینه‌ها کوره‌ای نبود که آب را داغ کند، دام مرگی می‌شد برای آنان که استفاده می‌کنند. و اکنون هم عامل مؤثری است در شیوع انواع بیماری‌های واگیردار» (همان: ص ۱۹۸).

ویلم فلور در توضیح بیماری مالاریا می‌گوید: «جهل و نادانی عاملی بود که افراد اقدامی برای مبارزه با تولید پشه آنوفل در و اطراف مکان‌های اقامتی خود انجام ندهند. دولت نیز نه تنها دارای ابزارهای لازم (کینین و زیرساخت‌های پزشکی) بلکه تمایلی برای اقدامات درمانی و پیشگیرانه گسترده نداشت. در حقیقت، شهرداری تهران با اقدامات کم زنگ خود برای بهبودی شرایط سلامت عمومی، حتی وضعیتی را بدتر می‌کرد، با ساخت یک سری از منابع کوچک آب که خیابان‌ها را تأمین می‌کنند، مکان‌های پرورش اضافی‌ای را می‌آفریند (فلور، ۱۳۸۶، ص ۱۴).

هما ناطق در مقاله خود به نام تأثیر اجتماعی و اقتصادی بیماری وبا در دوره قاجار می‌نویسد: «اهمیت وبا تنها در میزان کشتار و کاهش جمعیت نبود. درک اجتماعی کسانی هم که شاهد این کشتار بودند، نکته مهمی است. آنان دریافتند که قربانیان این بلا در درجه اول تنگدستان بودند؛ یا

مزاج‌ها استعداد داشت و تاب مقاومت جسمانی نبود و یا فقر راه فرار را از میدان بلا می‌بست.» (ناطق، ۱۳۵۶: ص ۶).  
می‌توان عوامل بروز بیماری‌های واگیر در دوره قاجار را این‌طور جمع‌بندی نمود:

- جهل و عدم اطلاعات کافی مردم من‌باب اصول اولیه و مقدماتی بهداشتی؛
- عدم وجود زیرساخت‌های پزشکی مناسب؛
- عدم وجود زیرساخت‌های اولیه بهداشتی مناسب؛
- وجود مکان‌های عمومی آلوده اما ضروری از حیث تجمع و حضور؛
- تغذیه نامناسب و عدم وجود آب پاکیزه و سالم؛
- فقر و تنگدستی عموم مردم و عدم توانایی برای تأمین نیازهای اساسی به نحو سالم.

پولاک مهم‌ترین بیماری‌هایی را که در ایران ظهور می‌کردند و سبب کاهش جمعیت نسبی شده بود را وبا، طاعون و آبله می‌داند و می‌گوید: «در شرق در اثر بروز و شیوع این بیماری‌ها چندان بر مرگ‌ومیر افزوده می‌شود که مثلاً مناطقی که سی‌وسه سال پیش وبا در آنجا بیداد کرده است، هنوز هم دچار کمی جمعیت است و صدمه‌هایی که از انتشار بیماری‌های طاعون، آبله، سرخک و سیاه‌سرفه وارد آمده است با تأنی و کندی بسیار ترمیم می‌گردد. انواع بیماری‌ها در اینجا از اروپا کمتر است، در عوض هر بیماری‌ای تعداد بسیار بیشتر را دچار می‌سازد.» (پولاک، ۱۳۶۱: ص ۴۶۴).

رنه دالمانی هم وبا و طاعون را مهم‌ترین بیماری‌های ایران می‌داند: «بدبختانه در ایران ناخوشی‌های مسری مهلک بروز می‌کند از قبیل وبا و طاعون و غیره و گاهی هم اهالی این سرزمین گرفتار بلای قحطی و زلزله

شدید می‌گردند» (رنه دالمانی، ۱۳۳۵: ۱۶).

#### ۵-۱. وبا

وبا (مرگ موت یا مرگا مرگی) بیماری بومی ایران نبوده و وارداتی از هند و روسیه بود، با این وجود به‌صورت منظم تلفات فراوانی را در سطح جمعیت به‌ویژه در کودکان در دومین یا آغاز سومین سال زندگی‌شان ایجاد می‌کرد. صاحب‌نظران معاصر اروپایی، چندین نوع وبا را معرفی کردند که نشان‌دهنده سیمای ناقص دانش پزشکان «چه غربی و چه جالینوسی» در مورد علت، انتشار و درمان بیماری در آن زمان بود. (فلور، ۱۳۸۶: ص ۱۶).

دکتر الگود بریتانیایی در کتاب تاریخ ایران از دوران باستان معتقد است که به دلیل نوع ناهمواری‌ها و وجود ارتفاعات زیاد در کشور هرگز منشأ پیدایش وبا ایران نیست و متأسفانه هر بار این بیماری واگیر و فراگیر از کشورهای همسایه و علی‌الخصوص هند و افغانستان وارد ایران می‌شود و تقریباً سراسر کشور را در برمی‌گیرد (الگود، ۱۳۵۲: ص ۶۵۸).

پولاک از شیوع وبا در ایران این‌گونه گزارش می‌دهد: «وبای همه‌گیر در طول اقامت نه‌ساله‌ام سه بار در تهران بیداد کرد. در اواسط اردیبهشت تا اوایل مرداد فقط مواردی اتفاقی از آن دیده می‌شد اما از آن به بعد به تعداد بیماران افزوده می‌شد و چون فقط اندکی از مبتلایان درمان می‌شدند موارد مرگ به رقم وحشت‌آوری می‌رسید. هرکس به‌نحوی که از دستش برمی‌آمد به کوه می‌گریخت. شاه چادر خود را در دره لار واقع در دامنه دماوند برمی‌افراشت که هفت هزار و پانصد پا از سطح دریا ارتفاع داشت. هرچند مواد غذایی را از پایتخت که فقط هشت ساعت با آنجا فاصله دارد می‌آوردند و در نتیجه همواره مواصلات با آنجا برقرار است هرگز پای وبا تا به اینجا نرسید. هرگاه افراد افواج آلوده به بیماری از دشت به کوه می‌آمدند، البته در روزهای اوّل



چند تنی جان می‌سپردند، اما پس از چندی بیماری به‌کلی از بین می‌رفت. در پایتخت این بیماری همه‌گیر حدود چهار هفته به حال حاد ادامه می‌یافت و پس‌از آن به‌تدریج از حدت آن کاسته می‌شد تا به‌کلی از میان می‌رفت. اروپائیان که بسیار بی‌ملاحظه و بی‌احتیاطند و در شهر می‌مانند، به‌خصوص تازه‌واردان، اغلب قربانی وبا می‌شوند؛ اما کسانی که قبلاً به تب‌لرز یا اسهال خونی دچارند هرگز از دست آن جان سالم بدر نمی‌برند. من فقط یک اروپائی را می‌شناختم که ده سال در این مملکت بسر برده بود و توانسته بود از مرض وبا شفا یابد» (پولاک ۱۳۶۱: ص ۵۰۱-۵۰۲).

ویلم فلور هفت واگیری وبا را در کشور دسته‌بندی کرده و منشأ و مقدار تلفات را این‌طور بررسی کرده است: (جدول ۱۳)

**جدول ۱۳: منشأ، مقدار و فراگیری وبا در کشورها**

سال ورود (میلادی)	منشأ ورود بیماری	نقاط درگیر	تعداد تلفات
۱۸۲۱	خلیج فارس	نقاط جنوبی سپس شیراز و اصفهان و در نهایت نقاط شمالی و دریای خزر	تعداد نامشخص
۱۸۲۹	افغانستان		تعداد نامشخص
۱۸۴۵-۱۸۴۷	افغانستان	نواحی شرقی سپس مشهد و تهران و اصفهان و نقاط مرکزی سپس غرب کشور	۱۲۰۰۰ نفر در تهران
۱۸۵۱-۱۸۵۳		بیشتر نقاط کشور	۱۶۰۰۰ نفر در تهران

بحران، بهداشت و بیماری‌های واگیر در ایران □ ۴۶۱

۵	۱۸۶۸-۱۸۶۹	زائران مکه	بیشتر نقاط کشور علی‌الخصوص تهران و تبریز و شیراز	۵۰۰۰ نفر در شیراز
۶	۱۸۸۹-۱۸۹۰	خلیج فارس	سراسر کشور	۲۰۰۰ نفر در شوشتر
۷	۱۹۰۳	زائران مکه و کربلا خلیج فارس	سراسر کشور	۷۰۰۰۰ نفر در تهران

ناطق گزارش‌های زیادی از آمار کشته‌شده‌های این بیماری در تحقیق  
مبسوط خود آورده است. برخی از آن‌ها را در (جدول ۱۴) می‌بینید:

**جدول ۱۴: آمار درگیری وبا و میزان کشته‌های آن**

سال (هجری قمری)	نقاط درگیر	تعداد تلفات
۱۲۳۶	کل نقاط جنوب کشور	بحرین حدود ۴۰۰۰ نفر شیراز بیش از ۲۰۰۰۰ نفر
۱۲۵۰	کردستان	نامعلوم
۱۲۵۲	سراسر ایران	به‌شدت زیاد
۱۲۶۲	آذربایجان	۶۰۷۷ نفر
۱۲۶۴	آذربایجان	۵۰۰۰ نفر
۱۲۶۷-۱۲۶۸	تهران	نامعلوم
۱۲۶۹	تهران و آذربایجان	تهران حدود ۴۵۰۰ نفر تبریز ۴۰۸۳ نفر
۱۲۷۷	تبریز	۲۴۸۴
۱۲۸۲	سراسر ایران	۴۰۰۰۰ نفر
۱۲۸۷ همراه قحطی	سراسر کشور	تهران روزی حدود ۱۵۰ نفر در شهرهای دیگر تعداد نامعلوم

خراسان روزی ۵۰۰ نفر قوچان ۱۲۰۰۰ نفر (اکثر مردم)			
بین ۱۰۰۰۰ تا ۱۲۰۰۰ نفر	گیلان	۱۲۹۴	
نامعلوم	کرمانشاه	۱۳۰۷	
تعداد بسیار بسیار زیاد از برخی شهرهای ایران چیزی باقی نماینده بود	سراسر کشور	۱۳۰۹ همراه با قحطی	

فوریه در بررسی پدیده وبا می‌نویسد: «این تلفات بیشتر به فقرا که وسیله‌ی فرار نداشتند و به علت تنگدستی بیشتر در معرض خطر قرار می‌گرفتند وارد آمد» (فوریه، ۱۳۳۵: ص ۲۹۶). ناطق به نقل از حاج امین‌الضرب می‌نویسد: «این تلفات همه از ناخوشی وبا نبود بلکه -مردم ایران ناخوش- آماده بودند که این‌چنین زیاده از اندازه بمیرند. (ناطق، ۱۳۵۶: ص ۴۲).

مردم فقیر این ولایت [رشت] که تاکنون چاره بهر فقر می‌جستند، حال به روی افتاده‌اند که فقر هم از نظر آنها رفته است. نشسته‌اند و انتظار مرگ دادند. در کرمان وقتی -هوای وبائی- بروز کرد مردم نخست امیدوار شدند که شاید خداوند این آتش را برای جان پدرسوختگان بد ذات افروخته است. ولی اکثر مردم در این بلیه غرق شدند. (همان: ص ۴۵). وبا فقط بر ازدیاد فقر و بی‌نظمی و مرگ‌ومیر اثر نگذاشت. بلکه تمام اقتصاد کشور را مورد تهاجم قرار داد. تا جایی که صنعت و تجارت و حتی کشاورزی از تب و تاب افتاد و مردم متمول نیز دچار مشکلات عدیده‌ای شدند. معتضد در کتاب حاج امین‌الضرب از زبان وی در تشریح اقتصاد کشور این چنین م‌ی‌نویسد: «گمان ندارم شیرازه زندگی کسبه و تجار دیگر به هم گرفته شود. هیچ گذران نمانده و حتی قوافل عبور نمی‌کنند. برنج و نان همه‌چیز گران شده و از هیچ کجا مال‌التجاره بار نمی‌شود. پولی نیست تا خریدی میسر باشد. پول را زنجیر

بحران، بهداشت و بیماری‌های واگیر در ایران □ ۴۶۳

می‌کنند. دیگر چه فایده که شخص به جمع‌آوری مال باشد و بگوید: خانه من باغ من، ملک من. امنیتی نیست که ملکی باشد.» (معتضد، ۱۳۸۸: ص ۱۲۶). دولت و حکومت در این بحران‌ها نقشی را ایفا نمی‌کرد. ناطق در این باره می‌نویسد: «حکومت وقت در سرایت و گسترش و با مسئولیت مستقیم داشت. هنگام بروز ناخوشی حکام راه‌گریز در پیش می‌گرفتند. با پنهان ساختن حقیقت و فریبکاری رسمی مردن را در میان مهلکه رها می‌کردند و کارگزاران از بیم مسدود شدن راه‌ها خبر از ناخوشی را به سایر نقاط مملکت اعلام نمی‌داشتند و با برقراری قرنطین که مستلزم گردآوری آذوقه و غلات و هزینه‌های گوناگون بود مخالفت می‌ورزیدند. (ناطق، ۱۳۵۶: ص ۴۴).

## ۵-۲. طاعون

بر اساس گزارش تولوزان (پزشک خصوصی ناصرالدین‌شاه) و سرپرست شورای ملی بهداشت که بررسی اختصاصی‌ای بر روی رخداد طاعون در ایران داشت، این بیماری در دوران قاجاریه هیچ‌گاه ابعاد اندمیک نداشته است. او تنها از گسترده رخداد ۱۸۳۳ - ۱۸۲۹ به‌عنوان يك واگیری سخن می‌گوید و این رخداد به سواحل دریای خزر و استان خراسان محدود شد. دومین باری که طاعون در قرن نوزدهم روی داد در سال ۱۸۷۱ بود که همچنان محدود به کردستان ماند. دوباره در سال ۱۸۷۷، در سواحل دریای خزر و خراسان روی داد. البته اپیدمی‌هایی که اهمیت محلی نیز داشتند رخ می‌داد که مهم‌ترین آنها در ۱۹۰۶ در سیستان بود. این بیماری در میان جمعیت نیمه طوایفی که در اطراف دریاچه سیستان زندگی می‌کردند محدود ماند و به نظر می‌رسد که این طاعون با کالاهای (البسه کهنه) وارداتی از هندوستان به اینجا رسیده بود. (فلور، ۱۳۸۶: ۲۱).

پولاک هم بر وارداتی بودن این بیماری صحه می‌گذارد و می‌گوید: «طاعون

هیچ‌گاه در مملکت ایران پا نمی‌گیرد. در سال‌های ۱۸۲۹ و ۱۸۳۰ طاعون از عثمانی به ایران وارد شد و در بعضی از مناطق ساحلی دریای خزر چنان بیداد کرد که آن نقاط آلوده از سکنه خالی شد.» (پولاک ۱۳۶۱: ۵۰۲).

ناطق در نوشتار خود به یک یادداشت تاریخی مهم اشاره می‌کند: «در سنه ۱۲۴۷ در اکثر بلاد ایران و روم ناخوشی طاعون به هم رسید. در استرآباد (گرگان) ده دوازده هزار خلق تلف شده‌اند. در هزار جریب بسیار تلف شدند. تمامی مردم فرار کرده‌اند، در صحراها منزل کرده‌اند. در کرمانشاهات حساب ندارد که چقدر تلف شده‌اند، دویست سیصد هزار نفر تلف شده‌اند. در بغداد و کربلا و نجف از دویست هزار نفر متجاوز تلف شده است. در دامغان فراری‌های استرآباد جمع شدند و همان محلات روزب قریب صدوپنجاه نفر تلف شده‌اند. علاجی غیر از فرار و تفرقه ندارد. در عهد فتحعلی شاه قاجار بوده است و شش ماه طول کشیده است.» (ناطق،...) تا سال ۱۹۱۰، طاعون در بوشهر ناشناخته بود. در آوریل همان سال، بوشهر مورد یورش این بیماری قرار گرفت و در بهار سال ۱۹۱۱ نیز دچار گسترده رخداد شدیدی شد. طاعون موجب گریز مردم گردید و این موضوع تأثیرات منفی‌ای بر تجارت گذاشت. در سال ۱۹۱۰، ۶۶ نفر و در سال ۱۹۱۱ نیز ۹۸ بیمار از طاعون در گذشتند. مجموع فوت‌های موارد دیگر ۶۳۷ مورد در ۱۱ - ۱۹۱۰ در مقابل ۹۶۵ فوتی در ۱۰ - ۱۹۰۹ بود که حدود ۲۵ درصد آنان اطفال بودند. این بیماری در سال ۱۹۱۳ دوباره باز پدید شد، اما در شکل خفیف و ۳۰ مورد بیماری گزارش شد که ۲۵ مورد آن به فوت منتهی گردید. ۴۲ بوشهر تا سال ۱۹۲۴ که دوباره بیماری یورش آورد، از طاعون در امان ماند. (فلور ۱۳۸۶: ص ۲۱).

از آنجاکه بیشتر گسترده رخدادهای طاعون در قرن بیستم در مناطقی که مکان عملیات شرکت نفت ایران انگلیس (APOC) بود روی می‌داد، سرویس

بحران، بهداشت و بیماری‌های واگیر در ایران □ ۴۶۵

پزشکی این شرکت، اقداماتی مؤثر برای پیشگیری از این بیماری به انجام رساند. این شرکت از کارمندان خود خواست تا مکان‌های موش‌های مرده را شناسایی کنند و هم‌زمان تلاشی مضاعف را برای کشتن موش‌ها (تا آنجا که امکان‌پذیر بود) به انجام رساند. مایه‌کوبی نیز در ۱۹۳۴ آغاز شد و ۴۵۵۳ نفر واکسینه شدند. خانه‌ها ضدعفونی شدند و زمانی که مورد جدیدی گزارش می‌شد، اقدامات بهداشت عمومی شامل ضدعفونی البسه، جداسازی فرد بیمار، تخریب خانه با غرامت و منع ساخت خانه در همان مکان، انجام می‌شد. این شرکت یک سیستم مستراح بهداشتی، آب شرب تمیز، بازرسی منظم منابع غذا و شیر و یک بازار سبزیجات تمیز را احداث کرد. به‌طور کلی کادر بهداشتی به‌خوبی تجهیز شده بود. (همان: ص ۲۴) همان‌طور که در گفته‌های ویلم فلور مشهود بود، اولین اقدامات درمانی و بهداشتی برای درمان بیماران طاعون توسط شرکت نفت ایران انگلیس صورت گرفت. این شرکت متعلق به بریتانیا بوده و پزشکان خاص خود را به یاری مردم رسانده است. قطعاً غرض از این کار سلامت نیروهای خود در طول دوره کار در این منطقه بوده ولی تنها گزارشی که یک سازمان برای بهبود وضعیت دستی بر آتش داشته، همین مجموعه بوده و خبری از حکومت نیست.

## ۶. منابع و مآخذ

پولاک، ادوارد یاکوب (۱۳۶۸)، سفرنامه پولاک، ترجمه کیکاووس جهانداری، چاپ دوم، تهران، انتشارات خوارزمی.

دالمانی، هانری رنه (۱۳۳۵)، سفرنامه‌ای از خراسان تا بختیاری، ترجمه فره وشی (مترجم همایون) تهران، امیرکبیر.

فلور، ویلم (۱۳۸۶)، سلامت مردم در ایران قاجار، ترجمه دکتر ایرج نبی پور، بوشهر، مرکز پژوهش‌های سلامت خلیج‌فارس.

فووریه، ژانس (۱۳۸۵)، سه سال در دربار ایران، ترجمه عباس اقبال آشتیانی، تهران، نشر علم.

- الگود، سیریل (۱۳۵۶)، تاریخ پزشکی ایران و سرزمین‌های خلافت شرقی، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ویشارد، جان (۱۳۶۳)، بیست سال در ایران، ترجمه علی پیرنیا، چاپ اول، تهران، موسسه انتشارات نوین.
- سالاری، آرزو (۱۳۹۵)، وضعیت بهداشت در دوره قاجار بر اساس سفرنامه‌ها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی. دانشگاه آیت‌الله حائری میبد.
- حیدری، اکبر (۱۳۹۶)، بهداشت عمومی در عصر قاجار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه امام خمینی ره
- علیجانی، مهدی (۱۳۹۳)، چالش‌های بهداشت عمومی در عصر قاجار، فصلنامه تاریخ پزشکی. سال ششم، شماره هجدهم، بهار ۱۳۹۳
- حاتمی، حسین. رضوی، سید منصور. افتخار اردبیلی، حسن. مجلسی، فرشته (۱۳۹۲) کتاب جامع بهداشت عمومی (ویرایش سوم) سه‌جلدی، ج اول، تهران: انتشارات ارجمند
- ناطق، هما (۱۳۵۶)، تأثیر اجتماعی و اقتصادی بیماری وبا در دوره قاجار، ضمیمه مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی جلد اول
- محمدی، ذکر الله. محمدی، قدرت (۱۳۸۸)، ریشه‌یابی علل حضور پزشکان انگلیسی در ایران عصر قاجار و نقش آنها در مسائل سیاسی، اجتماعی، دینی و علمی آن زمان، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، دوره دهم، شماره ۳۸-۳۹
- بنجامین، ساموئل (۱۳۶۳)، ایران و ایرانیان، ترجمه رضا رحیم زاده، تهران، انتشارات گلبانگ
- معتضد، خسرو. معتضر، اشکان (۱۳۸۸)، حاج امین‌الضرب و تاریخ تجارت و سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران، تهران، نشر البرز

## ۲۷. گفتگوی بین ادیان و کرونا: فرصت‌ها و ظرفیت‌های تبلیغی اسلام

دکتر محمدحسین شعاعی<sup>۱</sup>

### چکیده

جهان امروز که مشحون از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی شده است را می‌توان بر اساس اهمیت‌یابی فرهنگ و ارتباطات، جهانی گفتگویی تعریف کرد. تکوین حوزه مطالعاتی میان‌رشته‌ای گفتگو در عالم اندیشه که کاربست‌های مختلفی در نظام سیاست‌گذاری داشته است، به سرعت گونه‌های مختلف موضوعی را به ارمغان آورده است. یکی از مهم‌ترین این گونه‌ها، گفتگوی بین ادیان است که بیش و کم همزمان با اهمیت یافتن نقش دین در عرصه فردی و اجتماعی و شاید جریانی که بتوان نام تجدید حیات دینی نامید، مورد توجه نخبگان فکری و مسئولان اجرایی واقع شد. وجود گونه‌هایی بالغ بر ۱۶۰ مورد در عرصه گفتگوی بین ادیان هم نشان از

---

۱. استادیار گروه ارتباطات و تبلیغ دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع)

.mhshoae1392@gmail.com



نقش مؤثر دین در دنیای کنونی و هم ظرفیت بالای آن در موضوع تبلیغ دارد.

این پژوهش، بر این اساس و مبتنی بر مفهوم شناسی گفتگو و گفتگوی بین ادیان در پی آنست تا با مروری بر ریشه شناسی تبلیغ در اسلام، امکان استفاده از ظرفیت گفتگوی بین ادیان برای تبلیغ اسلامی را تایید نماید. در ادامه، با تمرکز بر موضوع کرونا که اینک تقریباً همه کشورهای جهان را در حوزه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی تحت تأثیر قرار داده است و چه بسا از اساس نظم نوین را عرصه بین‌المللی طرح کند، تلاش می‌شود تا کاربست‌های گفتگوی بین ادیانی در این زمینه را تبیین و تحلیل کند. کاربست‌های عملیاتی در طراحی حداقل سه گونه گفتگوی بین ادیان با محوریت موضوعی کرونا در قالب‌های عقاید، اخلاق و احکام نشان از آن دارد که در صورت پی‌جویی دقیق مفهومی حوزه مطالعات گفتگوی بین ادیان و ارتباطات میان فرهنگی از سویی و معارف اسلامی از سویی دیگر، می‌توان به‌خوبی مسیر تبلیغ اسلام در این دوران را ترسیم و به موفقیت اهداف آن در رساندن پیام الهی بسی امیدوار شد.

واژگان کلیدی: دین، گفتگوی بین ادیان، تبلیغ، کرونا.

## ۱. مقدمه

جهان امروز را می‌توان جهان گفتگو نامید. امروزه به اقتضای ظهور و رشد فناوری و خاصاً فناوری‌های ارتباطی، که زمینه تسهیل و تسریع ارتباطات را فراهم کرده است، شاهد افزایش کمیت و کیفیت ارتباطات انسانی و جمعی هستیم. افراد به مثابه خود فردی و یا فردی از یک اجتماع (در گروه خویش) یا جامعه (در فرهنگ خویش) می‌کوشند تا خود را به دیگر آن معرفی نمایند. این تعریف قطعاً دایره مدار روح گفتگوی انسانی و ناظر به موضوعات متنوع و

در سطوح مختلف شهری، ملی و بین‌المللی است. در این مسیر، فرهنگ‌ها با درنوردیده شدن زمان و مکان، به سرعت در ارتباط با یکدیگر، حوزه ای عملی در فضای ارتباطات میان فرهنگی را پدید آورده اند. این حوزه نیز به مراتب، بیش از پیش، اقتضاء و التزام به جهان گفتگو و گفتگوی جهانی را به دنبال داشته است.

این مقاله بر این اساس، می‌کوشد تا با پیش فرض نیازمندی مفرط به گفتگو در حوزه ای عام از سویی و گفتگوی بین ادیان از سویی دیگر، ناظر به پدیده ای بی‌بدیل که ظرف مدت زمانی بسیار کوتاه، جهان و جهانیان را به شدت تحت تأثیر خویش قرار داد، یعنی بیماری کرونا، تحلیلی از ظرفیت‌های گفتگوی بین ادیان را ارائه دهد. بی‌شک، بنیادهای این تحلیل ظرفیت شناختی ریشه در مفهوم شناسی گفتگو، گفتگوی بین ادیان در عرصه ای میان فرهنگی دارد و در عین حال، در راستای فرصت و ظرفیت شناسی با اتّکاء به مفهوم دین و رویکردهای درون دینی در اسلام خواهد داشت.

## ۲. بنیادهای نظری

### ۲-۱. گفتگو

علّت اصلی رشد و گسترش مباحث دیالوگ، چرخش الگویی<sup>۲</sup> غرب درباره چگونگی برداشت و تصوّر از جهان است. در شرایطی که پیشتر (تا قرن

---

<sup>۲</sup>. paradigm shift

نوزده)، فهم از حقیقت در غرب، مطلق<sup>۳</sup>، ایستا<sup>۴</sup> و تک‌گو<sup>۵</sup> یا انحصاری<sup>۶</sup> بود، در چرخش الگویی، این نوع از فهم جای خود را به فهم غیرمطلق گرایانه<sup>۷</sup>، پویا<sup>۸</sup> و گفتگومند<sup>۹</sup> و در یک کلمه رابطه‌ای (نسبی)<sup>۱۰</sup> داد (Swidler, 2014: 21). بنابراین در الگوی جدید که زمینه ساز گسترش مطالعات گفتگو شده است، زمینه و زمانه و به تعبیری فرهنگ مهم شده است. در این رویکرد، لحاظ تاریخ و جغرافیای موضوع مورد بحث، در کنار در نظر گرفتن مخاطب و قصد او از ارتباط زمینه ساز امکان تعدد معانی و برداشت‌ها و در نتیجه نیاز مبرم به گفتگو را فراهم می‌سازد.

باکستر در تعریف دیالوگ به فرایند گفتگومندی (دیالوجیسم) اشاره و بیان می‌کند: «نفس گفتگومندی رابطه میان خود و دیگری است؛ همزمانی یکسانی و تفاوت که از طریق آن شناخت امکان پذیر می‌شود» (Baxter, 2004: 108).

واژه گفتگو یا همان دیالوگ ریشه یونانی (دیا = بین، از طریق / لوگ = واژه، سخن، تفکر، دلیل) دارد و به فرایندی که در آن کلمه، سخن و تفکر بین افراد یا از طریق آن‌ها رد و بدل می‌شود، اطلاق می‌شود. (نیستانی، ۱۳۹۱: ۱۳). معادل واژه گفتگو در زبان عربی «حوار» است، که در دو معنای ذیل بکار

---

3. absolute

4. static

5. monologic

6. exclusive

7. deabsolutized

8. dynamic

9. dialogic

10. relational

می‌رود.

۱- شدت سفیدی؛

۲- رجوع (بازگشت)، محاوره = کلام را برگرداندن؛ حوار= برگرداندن جواب به متکلم (زرّوق، ۱۴۲۹: ۱۳-۱۴).

در اصطلاح می‌توان مؤلفه‌هایی مانند «همزمانی تشابه و تفاوت، تعهد به فراگیری، تغییر و تطبیق، فرایند امن تعامل و انسانی تر شدن» (بشیر و شعاعی، ۱۳۹۷: ۱۱۵) را در تعریف گفتگو لحاظ کرد.

با توجه به آن چه آمد و اهمیت‌یابی دیگری، ارتباط با او و فهم او، می‌توان گفتگو به مثابه فرهنگ را فرهنگ گفتگو قلمداد نمود و فرهنگ گفتگو را فرهنگ زبان آوری، هوشیاری و معنامندی و نه سکوت، انفعال و انزوا دانست. (خانیک، ۱۳۸۷: ۴).

## ۲-۲. اهمیت‌یابی دین

پس از قبول رسمیت یافتن گفتگو به مثابه ابزاری مورد پذیرش در مناسبات و مراودات گوناگون جهانی، می‌توان از مضاف الیه‌های مختلفی که به خود می‌گیرد، سخن گفت. از یک منظر، می‌توان چهار حوزه کلان نظام مند یعنی، حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را مد نظر قرار داد. هر یک از این کلان نظام‌ها، در قالب متفرعات شان، می‌توانند موضوع گفتگو در الگوی واحد یا با ترکیب بین نظام‌ها، در چند الگویی قرار بگیرند.

در همین مسیر، با اضافه کردن دین به گفتگو، می‌توان از گفتگوی بین ادیان نام برد. پیش از پرداختن به حوزه مطالعاتی گفتگوی بین ادیان که امروزه از قضا مورد اقبال قشرهای مختلف نخبگان و مسئولان در عرصه جهانی واقع شده است، لازم است در مقام دفع دخل مقدر، طرح بحثی از ضرورت این موضوع بیان شود. این ضرورت مبتنی بر باوری است که نشان از پیرنگ

و جدی شدن دین به مثابه عاملی مهم و مؤثر در حوزه‌ها و موضوعات مختلف در جهان امروز دارد. باوری که شاید مورد انتقاد ناآگاهان و سکولارطلب‌ها واقع شود.

شواهد ادعای جدی شدن نقش دین در مناسبات فردی و جمعی را می‌توان در آمار مربوطه به‌خوبی دریافت. تا سال ۲۰۱۰ میلادی، ۵۶ درصد مردم جهان خود را به یکی از سه دین ابراهیمی منتسب نموده‌اند. یک‌سوم جمعیت جهان مسیحی، ۲۲ درصد مسلمان و حدود یک درصد نیز یهودی هستند. بودایی‌ها و هندوها و مومنان به ادیان چینی به ترتیب ۶/۸ و ۱۳/۷ و ۶/۶ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند. حدود ۶ درصد نیز به سایر ادیان مومن هستند. بنابراین کمتر از ۱۱ درصد از جمعیت جهان بی‌دین می‌باشند (Brown, 2013: 17-18). همچنین، افزایش تعداد افراد «مذهبی‌تر» در سه دهه گذشته، که بیشترین سهم از آن مسیحیان پروتستان و مسلمانان بوده است، نیز نشانه‌ای مهم از احیاء دین در دهه‌های اخیر در سطح جهانی است. (اسنایدر، ۱۳۹۳: ۱۸۳). این موضوع به حدی مهم است که می‌توان از آن به تجدید حیات دینی یاد کرد.

علاوه بر این نکته‌های جمعیت‌شناختی، می‌توان نشانه‌هایی از حضور و اهمیت دین را در نظراتی که در علوم مختلف ناظر به احیاء دین مطرح می‌شود، نیز واکاوی کرد. به مثابه مثال، در حوزه ارتباطات بین الملل ازجمله شواهد قدرت دین، می‌توان به ظهور جنبشی با نام «احیاء دین» در اواخر قرن بیستم اشاره کرد که از موارد مطرح شده در آن، بحث برخورد و گفتگوی تمدن‌ها بود. (اسپوزیتو، ۱۳۸۸: ۲۱). همچنین وجود انواع بنیادگرایی، نه تنها در خاورمیانه بلکه در آفریقا، آسیای جنوب شرقی، و شبه قاره هند که زمینه ساز تروریسم دینی - جهانی است، خود حاکی از مهم شدن اندیشه‌ها

و آداب و سنن دینی در جهان معاصر است. (هابرماس، ۱۳۸۸: ۱۵۹). مضافاً، تجلّی دین به مثابه پدیده‌ای فراملّی که در عرصه سیاست‌های بین‌المللی ظهور یافته است را می‌توان در موضوعاتی مانند نوآیینی، حقوق بشر (عام) و حقوق دینی (خاص) رهیابی کرد. (فوکس و ساندلر، ۱۳۸۸: ۳۷۸). در تاریخ غرب مشهور است که قرن هفدهم (قرن شک و تردید)، قرن هجدهم (قرن ارتداد و الحاد)، قرن نوزدهم (قرن بی طرفی)، قرن بیستم (قرن تمایل به دین) و قرن بیست و یکم (قرن دینی) نام گذاری شده‌اند. همه این موارد، حاکی از اهمیت یابی دین در جهان معاصر دارد.

### ۲-۳. گفتگوی بین ادیان

طبعاً پیرو آنچه تا کنون آمد، در پی گستره‌مندی گفتگو و اهمیت‌یابی دین، ترکیب این دو خود را گفتگوی بین ادیان نشان خواهد داد. گفتگوی بین ادیان به مثابه حوزه مطالعاتی نوظهور، از رشته‌های مختلفی مانند مردم‌شناسی، ارتباطات، زبان‌شناسی، ادبیات، حقوق، دین‌شناسی بهره می‌برد. نیز روش‌های متنوعی مانند تحلیل مکالمه، تحلیل گفتمان، تاریخ‌نگاره، مطالعات بیانی و... نیز در این حوزه به کار گرفته می‌شوند (Carbaugh, 2013: 24). این تنوع دانشی و روشی، دلالتی تام بر امکان استفاده در حوزه‌های تبلیغی اسلام، خصوصاً با توجه به مورد مطالعه یعنی کرونا دارد. سیر پیدایش و گسترش حوزه گفتگوی بین ادیان در نگاه تاریخی و بستر فرهنگی گفتگوی بین ادیان، حاکی از اهمیت تغییر و تحولات پنج دهه اخیر میلادی است:

در اواسط دهه ۵۰ میلادی، به علت وجود سلاح‌های اتمی و خطر نابودی همه بشر، سلسله صحبت‌هایی بین طرفین (بلوک شرق و غرب) مبنی بر یک

نوع ارتباط حداقلی وجود برای جلوگیری از فاجعه مطرح شد.<sup>۱۱</sup>

در دهه ۶۰ میلادی<sup>۱۲</sup>، در دوره فترتی که بر اثر داستان رقابت بین امریکا و شوروی در مورد کوبا و مسئله خلیج خوک ها پیش می‌آید، این اندیشه مدتی متوقف می‌شود و سپس دوباره به صحنه می‌آید. موضوع هم این است که برای درک متقابل، ایجاد فضای معنایی مهم است که بعدها این به "همزیستی مسالمت آمیز" تبدیل شد.<sup>۱۳</sup>

«در اوایل دهه ۷۰ میلادی، بر اثر فعالیت روشنفکران بویژه اروپائی (که مایلند حداقل رابطه ای بین دو بلوک وجود داشته باشد) موضوع گفتگوی طرفینی شکل می‌گیرد و نهایتاً به "پیمان هلسینکی" می‌انجامد. بدین ترتیب این مفهوم گفتگوی طرفینی بعد ها در فضای دینی وارد می‌شود».

«دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی با توجه به سقوط شرق اروپا و کمونیسم و به هم ریختگی درون اروپا، گفتگوی بین ادیان شکل جدیدی به خود می‌گیرد و در رابطه با اسلام جدی تر می‌شود.» بر اساس این گفته ها، می‌توان به راحتی ارتباط شکل گیری و رشد یک مفهوم در بستری خاص را ملاحظه کرد. بدین ترتیب، بر اثر فعالیت های نخبگان سیاسی، در ابتدا مفهوم گفتگو و سپس به علت اهمیت عنصر دین در فرآیند گفتگو مفهوم گفتگوی بین ادیان متولد می‌شود. لذا مسجدمجامعی بر این باور است که «موضوع گفتگو

۱۱. پس از جنگ جهانی اول شاهد ظهور جنبش های بین ادیان مختلفی هستیم.

۱۲. دوران عمومیت فوق العاده اصطلاح گفتگو (دیالوگ) که تقریباً به نحو انحصاری از سوی جناح آزاداندیش مسیحی به کار می رفت؛ محافظه کاران این اصطلاح را نپذیرفتند، چراکه این اصطلاح به طور ضمنی سنت های دینی را برابر با یکدیگر به حساب می آورد.

۱۳. (خود این اصطلاح یعنی نه من حقم و نه تو حقی). این مسئله ای است که بعدها توسعه بیشتری پیدا کرد و فضاهای مختلف از جمله فضای دینی را متأثر کرد.

گفتگوی بین ادیان و کرونا: فرصت‌ها و ظرفیت‌های تبلیغی اسلام □ ۴۷۵

چیزی نیست که توسط خود شخصیت‌های دینی وضع شده باشد. بل که توسط دیگر آن فضائی خاص شکل گرفته است و هرچند شخصیت‌های دینی از آن استفاده می‌کنند، ولی واضح لغت دیگر آن هستند» (مسجدجامعی، ۱۳۷۹).

به‌صورت رسمی، آغاز دیالوگ مدرن بین ادیان را می‌توان در پارلمان ادیان جهانی در سال ۱۸۹۳ در شیکاگو دانست. آنچنان که در این پارلمان مطرح شده است، «امروز به مثابه تولد دیالوگ رسمی جهانی بین ادیان (ی) در نظر گرفته می‌شود». در این پارلمان بود که سوامی ویوکانانداما<sup>۱۴</sup> هندو اظهار کرد/داشت: «من نیامده‌ام که دین شما را تغییر بدهم؛ من از شما می‌خواهم که دین خود را حفظ کنید. باید یک متدودیسست، متودیسست بهتری بشود» (Swidler, 2013: 6).

گفتگوی بین ادیان، تعامل میان دو ارتباط گر با یکدیگر است که از ادیان مختلف هستند. غراب معتقد است «گفتگو، دعوت یا تبشیر یا جدل ناپسند بی‌زانی نیست، بلکه هدف اصلی آن شناخت دیگر آن هم چنان که دیگر آن می‌خواهند است، آن چنان که هستند، نه آنچنان که برای ما جذاب است باشند» (غراب، ۱۳۷۹: ۱۲۰-۱۲۲).

محصول عینی این نظرات را امروزه می‌توان در قالب سازمان‌های مختلف گفتگوی بین ادیان در جهان در نظر گرفت. این محصول عینی نشان دهنده وجود گونه‌های مختلف گفتگوی بین ادیان دارد. این گونه‌ها که می‌توان بر اساس بُعد، روش، گفتگوگران، نوع و موضوع گونه‌های متنوع گفتگوی بین ادیان تشریح و تبیین شود (شعاعی، ۱۳۹۷) در سطوح مختلف شهری، ملی و بین‌المللی و توسط کاربران مختلف عوام مردم، اندیشمندان و سیاستمداران



و با موضوعات دینی و غیردینی و نیز اهداف متنوع برنامه‌ریزی، حمایت و اجراء می‌شوند. تنها برای نمونه می‌توان به وجود حداقل هفت گفتمان شامل گفتمان‌های «اخلاقی، همسازگرایانه، پراگماتیستی، وابسته به موسسات و نهادهای دینی، تاریخی، توطئه محور، و مسیونری» (حسام تمام، ۱۳۸۲). در حوزه گفتگوی بین ادیان اشاره کرد. همچنین می‌توان گفت این بدان معناست که دین عاملی مهم در تشخیص مشکل و رفع آن است. از همین رو نگاه‌های کاربردی به دین در موضوعات مختلف محوریت این گونه از گفتگوهای بین ادیانی واقع شده است. در سپهر فعالیت‌های بین‌المللی، دیالوگ درباره موضوعاتی مانند جنگ و صلح، فقر، خشونت، تغییرات آب و هوا و یا جهانی شدن و تجارت آزاد وجود دارد. در سطح ملی و درون ملت‌ها، اما غالباً موضوعات دیالوگ، نژاد و آموزش است. (Carbaugh, 2013: 10).

### ۳. گفتگوی بین ادیان اسلامی و کرونا

دین اسلام به باور به به‌مثابه فردی مسلمان، دین جامع، کامل و خاتم است که بر اساس ویژگی‌های واجده بهترین و برترین دین برای انسان‌ها است. بر این اساس، طبعاً سلامت و موفقیت کامل انسان‌ها در دنیا و ما بعدها را تضمین می‌کند. صرف داشتن این باور، وجود تبلیغ برای اسلام یا به نوعی دین تبلیغی را نشان می‌دهد. مفهوم تبلیغ که در قالب‌های مختلف در قرآن به کار رفته است، در معنایی همسو با رساندن قابل برداشت است. این معنا با آن چه در معنای مفهوم گفتگوی بین ادیان آمد، به دور از رابطه نیست. همپوشانی‌هایی معنایی میان این دو مفهوم، لذا می‌تواند رهگذری نوین در نوع خوانش ما به فرصت‌ها و ظرفیت‌های گفتگوی بین ادیان در مسیر تبلیغ اسلام را ایجاد نماید.

در همین خصوص، باید خاطر نشان کرد که با مروری بر آیات شریفه قرآن،

گفتگوی بین ادیان و کرونا: فرصت‌ها و ظرفیت‌های تبلیغی اسلام □ ۴۷۷

می‌توان فرض پذیرش منطق گفتگو را در قرآن یافت. لذا کارکردهای گفتگو در قرآن می‌تواند موارد به شرح زیر را باشد: (شاکر، ۱۳۹۲: ۳۸).

- الف- ایجاد اثرگذاری بیشتر در محتوای قرآنی؛
  - ب- تفهیم آموزه‌هایی چون توحید و معاد؛
  - ج- ارائه‌ی الگو برای گفتگو و تبلیغ؛
  - د - شناخت درست افکار دیگران و رفع سوء تفاهات؛
  - ه - گسترش فرهنگ پرسشگری و گفتگو همراه با سعه صدر و احترام متقابل.
- بر اساس آن چه آمد، می‌تواند کاربست‌های عملیاتی خوانش جدید به گفتگو بین دینی در مسیر تبلیغ اسلامی را با تمرکز بر ویروس کرونا چنین تبیین نمود:

### ۳-۱. کاربست اول: برجسته‌سازی نقش دین اسلام در مناسبات فردی و اجتماعی (حوزه عقاید)

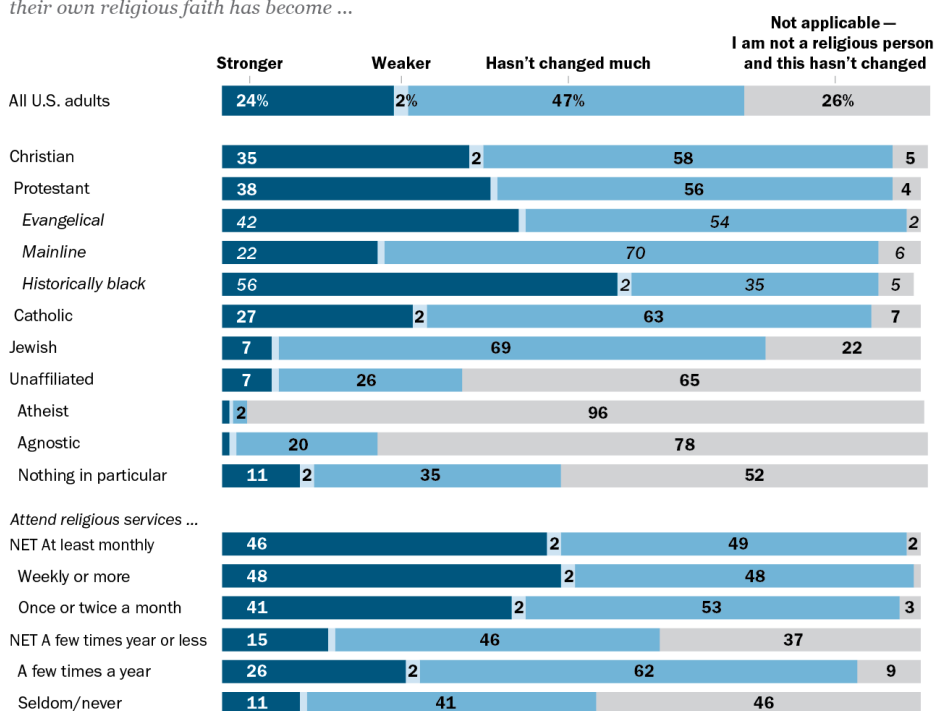
کرونا به دلیل ویژگی شیوع سریع، زمینه‌ساز دستورالعمل‌های بهداشتی متعددی از جمله قرنطینه‌های خانگی شده است. از منظر دانش ارتباطات، نفس قرنطینه می‌تواند معادلات ارتباطات انسانی را دستخوش تغییر کند. این تغییر را می‌توان در دو سطح ارتباطات درون فردی و ارتباطات میان فردی در نظر گرفت. بازنمایی‌های مکرر و به روز از این بیماری که غالباً با واژه های مرگ همنشین است، ترس بسیاری را در مخاطبان ایجاد می‌کند. در وراء این ترس، نیاز به آرامش برای انسان ها (صرف نظر از دین و مرامشان) بیش از پیش می‌شود. در این برنگاه، می‌تواند از ظرفیت جامعیت اسلام در مسیر تبلیغی و با ابزار گفتگویی بهره برد. تشریح دقیق مبانی آراء اسلامی که همسو با ابعاد مختلف انسان است، می‌تواند برای مخاطب کنونی وحشت زده از این بیماری، در وهله اول اعجاب آور و در وهله اول، جذب کننده باشد.

اساساً توجه به حوزه‌های مختلف بینشی، گرایشی و کنشی انسان‌ها در چارچوب دستورات دین اسلام که در قالب‌های عقاید، اخلاق و احکام به منصفه ظهور می‌رسد، می‌توان در این برنامه تبلیغی طراحی و برای مخاطب ارائه شود. توجه به آرامش (ألا بذكر الله تطمئن القلوب)<sup>۱۵</sup> می‌تواند راهی نوین برای انسانی در نظر گرفته شود، که نسبت به قدرت خویش و حکومت خویش در مبارزه با کرونا دچار تشکیک و تردید و بلکه نفی شده است، در نظر گرفته شود.

تأثیر کرونا بر افزایش ایمان و حس نیازشان به دین را می‌توان در پیمایش انجام شده توسط مؤسسه پیو به روشنی دریافت<sup>۱۶</sup> (نمودار 25).

## Americans far more likely to say coronavirus crisis has strengthened their faith, rather than weakened it

% of U.S. adults who say that, as a result of the coronavirus outbreak, their own religious faith has become ...



Note: Those who did not answer are not shown.

Source: Survey conducted April 20-26, 2020, among U.S. adults.

PEW RESEARCH CENTER

## نمودار 25: تأثیر کرونا بر افزایش ایمان

از باب، مسلک در زمانی، می‌توان در این مرحله، از لزوم توجه به دیگری از نگاه انسان نیز بحث کرد. در اسلام، توجه به ممنوع در سطح کلان، هم‌کیشان در سطح میانه، و آشنایان و نزدیکان در سطح خرد، بسی مورد عنایت واقع شده است. طبعاً در این هیاهوی کرونا که مناسبات عادی

انسان‌ها با خودشان را تغییر داده است، تبیین نوع نگاه اسلامی به این مناسبات می‌تواند هم‌گیرا و هم‌پذیرا باشد.

در همین مورد، می‌توان به انطباق باورها در ملاحظات شرایط از نگاه اسلام و عدم تباین ماهوی میان آموزه در معنای اصلی خویش و نحوه اجراء آن در موضوع زیارت مجازی اشاره کرد. شایان ذکر است که نتایج پژوهش نشان می‌دهد که زیارت مجازی با داشتن ویژگی‌ها و قابلیت‌های مخصوص به خود به ترتیب تحت تأثیر چهار دسته از عوامل پشتیبان، روان‌شناختی، زیبایی‌شناختی و فنی قرار دارد. هر یک از این عوامل شامل موارد متعددی هستند که توجه به آن‌ها در طراحی زیارت مجازی باعث انجام یک زیارت مجازی مطلوب شده و در نتیجه، حس حضور کاربر را افزایش داده و استفاده از کارکردهای مثبت زیارت مجازی را به دنبال خواهد داشت. (علی مهدی و منتظر قائم، ۱۳۹۳).

التفات به این کاربست، خود را در گفتگوی بین دینی معرفت‌شناسانه نشان می‌دهد. این بدان معناست که اندیشمندان و دغدغه‌مندان در حوزه تبلیغ اسلام، می‌توانند با بهره‌گیری از دوران کرونایی، در قالب‌های گفتگوهای بین دینی معرفت‌بنیان، به تبیین و تشریح مناسبات باورمندان اسلام بپردازند تا طرف مقابل، با مبانی هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه و انسان‌شناسانه اسلامی آگاهی یابد. به بیانی دیگر، کرونا و اثرات عمیقش در حوزه ارتباطات انسانی اینک ظرفیت تحمل و استماع آموزه‌های اسلامی را در پی داشته است.

### ۳-۲. کاربست دوم: برجسته‌سازی نقش دین اسلام در مناسبات فردی و اجتماعی (حوزه اخلاق)

با پذیرش اهمیت فوق‌العاده اخلاق در نظام آموزه‌های اسلامی که می‌توان

به‌مثابه نمونه به آیاتی ناظر به تزکیّه یا حدیثی نبوی مانند: (إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ)<sup>۱۷</sup> اشاره کرد، قطعاً یکی از ظرفیت‌های تبلیغی اسلام، حوزه اخلاقی خواهد بود. طرفه آن است که یکی از گونه‌های مهم گفتگوی بین ادیان در جهان معاصر، گفتگوی اخلاقی است. این گونه ناظر به دو موضوع متمایز اما مترابط است: اخلاق به مثابه روش در گفتگوی بین ادیان و اخلاق به مثابه موضوع گفتگوی بین ادیان. نظام اخلاقی قرآن انسان‌ها را دعوت می‌کند تا در همه آنات و لحظات، مبتنی بر نیت الهی و بر اساس قواعدی همچون رعایت امانت، اجراء قسط و عدالت، و ضمانت بخشی به صداقت رفتار کنند. قید همه زمان‌ها و مکان‌ها، می‌تواند به مثابه قاعده کلی در گفتگوی بین دینی اسلام محور مطرح شود. ضمناً زمانی که در شرایط عادی چنین قواعدی مورد توجه و توصیه قرار می‌گیرد، دیگر در شرایط غیرعادی همچون زمان حال حاضر ما، دوران کرونایی، دیگر پس چه؟! طبعاً این قواعد از منظر اسلام، بسیار پر رنگ تر می‌شوند.

به‌مثابه مثال، همنشینی جالب اقامه صلاه و ایتاء زکاه که به وفور در قرآن کریم، مشاهده می‌شود را می‌توان از این منظر و در قالب توجه همزمان اسلام به ارتباطات درون فردی و میان فردی محسوب نمود. علاوه بر این، تمام آداب مطرح شده اعم از چپستی گفته‌ها، چگونگی گفتارها و رعایت اخلاق در ماده و محتوی گفتاری در ارتباط با دیگر آن را نیز می‌توان شاهدی دیگر بر عنایت اسلام به حوزه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها در نظر گرفت.

همچنین تکریم افراد فعال در حوزه سلامت انسان‌ها (مانند پزشکان و کادر درمانی و یا نیکوکاران به نیازمندان متضرر از بیماری کرونا) نیز اوج

تصدیق مفاهیم فطری مورد تایید اسلام را از منظر گفتگوی بین دینی اخلاقی خاطر نشان می‌سازد.

### ۳-۳. کاربست سوم: برجسته سازی نقش دین اسلام در مناسبات فردی و اجتماعی (حوزه احکام)

فقه پویای شیعه که باید‌ها و نبایدهای آدمی از تولد تا مرگ را پوشش می‌دهد، موضوعی خوب در حوزه گفتگوی بین ادیان با تمرکز بر کرونا خواهد بود. شاید در بادی امر بهتر آن باشد که تبلیغ رسانه ای دین در موضوع کرونا باید اولاً مبتنی بر فهم دقیق و عمیق موضوع یعنی کرونا باشد. آنچنان که اصولیون و فقهاء در این گونه موارد با احتیاط و احتزام قائل به موضوع و مسئله شناسی هستند، در این مورد نیز باید این کار به دقت انجام شود. یعنی، شناخت حکم الهی منوط به شناخت موضوع است. همچنین، از باب نمونه، می‌توان به ضرورت پایبندی به دستورات مسئولان و پزشکان در باب مراعات های فردی و اجتماعی بیماری کرونا اشاره کرد. این مصداق می‌تواند مبتنی بر اصلی فقهی مبنی بر وجوب حفظ خود از خطر و حراست از آزار رسانی به دیگر آن خوانش شود. در گفتگوهای بین دینی می‌توان تنها ناظر به اصول فقهی در خصوص مسائل پیش آمده توسط کرونا صحبت کرد. پایه های مستحکم فقه شیعی که از قضا غالباً عقل پذیر نیز هست، می‌تواند معبری قوی برای انتقال موضوع گفتگو به قلمروی تبلیغ اسلام در نظر گرفته شود. به بیانی دیگر، خصوصاً ناظر به مجادلاتی که غربیان در خصوص دین و عقل به راه انداخته اند، در مسیر گفتگوی بین دینی احکام محور با موضوع کرونا می‌توان پوشالی بودن این تنازع در نگاه اسلام را به خوبی تشریح کرد. این که امور اجتماعی دینی که ناظر به مناسک اسلامی است، در صورت وجود تهدید برای مکلفان، در سطحی تقلیل‌گرایانه و به اقتضاء شرایط از دایره

گفتگوی بین ادیان و کرونا: فرصت‌ها و ظرفیت‌های تبلیغی اسلام □ ۴۸۳

تکلیف خارج می‌شود، همسویی میان دین و عقل در اسلام را مخاطبان غیر اسلامی به وضوح نشان می‌دهد. بازنمایی این مناسک (همچون شب‌های قدر در ماه مبارک رمضان) می‌تواند تایید انطباق گفته و کردار را در فضایی گفتگوی بین ادیانی به دنبال داشته باشد.

#### ۴. نتیجه‌گیری

دین اسلام به مثابه دین کامل، جامع و خاتم، بدون تردید همسو با رویکرد تبلیغی است، به گونه‌ای که می‌توان از آن به مثابه یکی از مهم‌ترین ادیان تبلیغی یاد کرد. توجه به زمینه و زمانه که مورد تأکید اسلام است، نشان می‌دهد که جهان معاصر به دلایلی چند از جمله ظهور و شیوع فناوری‌های ارتباطی، جهانی گفتگویی شده است. با پررنگ شدن گفتگو که همراستا با اهمیت یافتن حوزه نرم در قالب مفاهیمی مانند فرهنگ و ارتباطات است، گونه‌های مختلف موضوعی گفتگو را به ارمغان آورده است.

این پژوهش با لحاظ یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین این گونه‌ها، یعنی گفتگوی بین ادیان، پس از بررسی مفهوم‌شناختی گفتگو، گفتگوی بین ادیان و تبلیغ و باور به همپوشانی عمیق میان دو مفهوم اخیر، در پی آن بود تا با اذعان به گونه‌های مختلف موجود گفتگوی بین ادیان و با تمرکز بر بیماری کرونا که از منظر ویژگی‌ها و تاثیرگذاری هایش، بیماری بی بدیلی در تاریخ معاصر بوده است، کاربست‌هایی عملیاتی در پیوند میان گفتگوی بین ادیان، تبلیغ اسلام و کرونا به دست دهد.

این کاربست‌ها در سه دسته کلی عقاید، اخلاق و احکام نشان می‌دهد که با ملاحظه تئوریک حوزه میان‌رشته‌ای گفتگوی بین ادیان، کرونا فرصتی بس مغتنم را در اختیار علاقه‌مندان و فعالان عرصه تبلیغی اسلام قرار داده است که تا با ابلاغ آموزه‌های اسلامی در این سه حوزه و ناظر به کرونا به افرادی



از ادیان گوناگون در سطح جهان، به‌نوعی به دعوت الهی در خصوص تبلیغ، لبیک گویند. طبعاً آشنایی اولیه سایرین به این آموزه‌های اسلام می‌تواند زمینه‌ساز انس روحی این انسان‌ها و چه بسا در ادامه گروندگی ایشان به دین مبین محسوب شود.

## ۵. منابع و مآخذ

- اسپوزیتو، جان لی (۱۳۸۸) اسلام و غرب: صدای گفتگوی مسلمانان. در کتاب دین و روابط بین الملل. عسگر قهرمان پور. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی
- اسنایدر، جک (۱۳۹۳) دین و نظریه روابط بین الملل. ترجمه عبدالعلی قوام و رحمت حاجی منیه. تهران: نشر علم.
- بشیر، حسن و محمدحسین شجاعی (۱۳۹۷) گفتگوی بین ادیان: مفاهیم، رویکردها و گونه‌شناسی. فصلنامه علمی پژوهشی الهیات تطبیقی. دوره ۹، شماره ۲۰. پاییز و زمستان. صفحه ۱۰۹-۱۲۶.
- خانیکی، هادی (۱۳۸۷)، درجهان گفتگو: بررسی تحولات گفتمانی در پایان قرن بیستم، تهران: هرمس.
- زروق، الحسین (۲۰۰۸)، الحوار منهج حياه، قاهره: دارالسلام.
- علی مهدی، مسلم و مهدی منتظر قائم (۱۳۹۳) طراحی الگوی مفهومی زیارت مجازی برای اماکن متبرکه؛ مطالعه زیارت مجازی حرم امام علی بن موسی‌الرضا (ع). دوفصلنامه علمی پژوهشی دین و ارتباطات. دوره ۲۱، شماره ۴۵، پاییز و زمستان. صفحه ۱۱۹-۱۵۷
- غراب، سعد (۱۳۷۹). از برخورد تا گفتگو. ترجمه: حمیدرضا شریعتمداری، تهران: موسسه گفتگوی ادیان.
- فوکس، جاناتان و شموئل ساندلر (۱۳۸۸) پدیده‌های دینی فراملی. در کتاب دین و روابط بین الملل. عسگر قهرمان پور. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی
- مسجد جامع، محمد (۱۳۷۹). گفتگوی دینی-گفتگوی تمدنی. وزارت فرهنگ و ارشاد.
- نیستانی، محمدرضا (۱۳۹۱). اصول و مبانی دیالوگ، اصفهان: نشر آموخته
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۸) دین در حوزه عمومی. در کتاب دین و روابط بین الملل. عسگر قهرمان پور. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی.
- Baxter, L. (2004). Dialogues of relating. In R. Anderson, L. Baxter, & K. Cissna (Eds.),

Dialogue: Theorizing difference in communication studies (pp. 107\_124). Thousand Oaks, CA: Sage Publications.

Carbaugh, Donal. (2013) "On dialogue studies." *Journal of Dialogue Studies*. (۲۰۱۳) ۱/۱

Swidler, Leonard. "The History of Inter-Religious Dialogue." *The Wiley-Blackwell Companion to Inter-Religious Dialogue* (2013): 1-19.

Swidler, Leonard. (2014) *Dialogue for Interreligious Understanding: Strategies for the Transformation of Culture-shaping Institutions*. Springer.



## ۲۸. ناکارآفرینی در فضای مجازی: در دوره آزمون کرونا و پس از آن

رضا بنی‌اسد<sup>۱</sup> مهدی باقری میبدی<sup>۲</sup>

هر فرصتی و هر تهدیدی سکه‌ای دو رو است ممکن است فرصتی دنیوی باشد اما فرصتی اخروی نباشد و همین‌طور برای تهدید هم این امر صادق است. حال که دوران آزمون کرونا را سپری می‌کنیم نباید از هول حلیم توی دیگ افتاد و برای تلاش برای کسب سود به ظاهر حاصل از فرصت، ناگهان دچار خسران و ضرر شدیدتر شد.

*به باور نویسندگان، به مجموعه‌ای از سخت‌افزارها، نرم‌افزارها، شبکه‌ها، ارتباطات، محتوای دیجیتال، مغزافزارها و فرایندهای مبتنی بر فناوری دیجیتال، فضای مجازی گفته می‌شود. در کارآفرینی فضای مجازی ممکن*

---

۱. استادیار و عضو هیأت علمی دانشکده معارف اسلامی و مدیریت/ دانشگاه امام صادق علیه‌السلام/ رایانامه: baniasad@isu.ac.ir/ تاریخ نگارش: بیست و چهارم اردی‌بهشت‌ماه ۱۳۹۹.

۲. کارشناسی ارشد معارف اسلامی و مدیریت بازرگانی/ دانشگاه امام صادق علیه‌السلام/ رایانامه: bagheri.m313@yahoo.com

است هر یک از این مجموعه‌ها در مسیر اخلاقی، شرعی، قانونی و غیرمجرمانه به کار گرفته شده یا ممکن است در مسیر غیراخلاقی، غیرشرعی و غیرقانونی یا مجرمانه بهره‌برداری شوند. ناکارآفرینی در فضای مجازی به جنبه‌های مجرمانه، مبتنی بر گناه و غیرقانونی در این فضا توجه دارد که در صورت رخداد و تقویت آن منجر به آسیب‌رسانی به شبکه کارآفرینی شرافتمندانه شده و توزان اکوسیستم کارآفرینی را با اختلال مواجه می‌کند. در واقع کارآفرینان جرائم سایبری، هر آنچه برای یک حکومت و جامعه به نوعی تهدید است را فرصت برای خود تلقی کرده و با سازماندهی جرائم و گناهان به خلق مصادیق مختلف کارآفرینی‌های مجرمانه می‌کنند. گاهی اوقات کارآفرینی‌های تأسیسی بر اساس یک جرم یا گناه کبیره خلق شده و گاهی اوقات در درون یک کارآفرینی قانونی و رسمی خطاهایی رخ می‌دهد.

کرونا با وجود اینکه تهدیداتی را برای برخی از کسب‌وکارهای فضای مجازی بوجود آورده است اما برای برخی هم فرصت‌آفرین بوده است. فرصت‌ها هم به نوعی فرصت‌هایی هستند که جنبه مادی داشته و با نگاه صرفاً دنیوی سودآور هستند و ممکن است مورد تأیید شریعت یا نظام حقوقی کشور نباشند. اما نوعی از فرصت‌ها هم هستند که منفعت اخروی و دنیوی به دنبال خواهند داشت و در واقع بهترین نوع هستند. حال که برای برخی از کسب‌وکارهای فضای مجازی فرصت‌هایی پیش آمده است و شرایط را برای کارآفرینی مهیا کرده است لازم است که برخی از ناکارآفرینی‌ها که موجب خسران ابدی می‌شود را تبیین کنیم.

فرصت: فرصت دنیوی + فرصت اخروی

خسران: فرصت دنیوی + خسران اخروی

خسران: تهدید دنیوی + تهدید اخروی

### ابتلاء: تهدید دنیوی + فرصت اخروی

در این پژوهش به دنبال آن هستیم تا با بررسی مصادیقی از انواع ناکارآفرینی، جنبه‌هایی از غیرقانونی و غیرشرعی بودن آن را در فضای مجازی تشریح کنیم.

کلمات کلیدی: ناکارآفرینی، کارآفرینی مجرمانه، فضای مجازی، کارآفرینی غیرشرعی، کارآفرینی غیراخلاقی، کرونا

## ۱. مقدمه

تقریباً نمی‌توان نویسنده‌ای خواه مبتدی، خواه حرفه‌ای را یافت که صرفاً فضای مجازی را مزیت مطلق قلمداد کرده یا اینکه آن را کاملاً تهدید، مخرب و مجرمانه توصیف کند. فضای مجازی با رشد شگرف خود دارای فرصت‌ها، مزیت‌ها و تهدیدات قابل توجه است. کارآفرینی فضای مجازی<sup>۱</sup> هم از این امر مستثنی نیست؛ علاوه بر اینکه با بهره‌برداری از فرصت‌های فناوری دیجیتال اقدام به اشتغال‌زایی و اشتغال‌آفرینی می‌شود -خواه به صورت کارآفرینی اجتماعی، غیر انتفاعی، مذهبی و خواه به صورت کارآفرینی فردی و تجاری- ممکن است در مسیر بهره‌برداری از تهدیدات فضای مجازی و جرایم سازمان‌یافته و گناهان سایبری اقدام به ایجاد نوعی از کارآفرینی شود که کارآفرینی مجرمانه، غیرشرعی، غیرقانونی، غیراخلاقی و مضر تعریف شده یا به تعبیر نویسندگان "ناکارآفرینی"<sup>۲</sup> باشد. ناکارآفرینی‌ها در کارآفرینی‌های تأسیسی بروز خواهند کرد؛ به این معنا که یک فعالیت حقوقی یا حقیقی در

---

<sup>۱</sup>. cyberpreneur/ cyber entrepreneurship

<sup>۲</sup>. زمانی که "نا" بر سر واژگانی همچون کارآمدی، کارایی و... می‌آید به معنای نفی و سلب است. ناکارآفرینی نیز به معنای نفی و سلب کارآفرینی اصیل و قانونی بوده و به آن وجهه غیرشرعی و غیرقانونی می‌دهد.

فضای مجازی از بنیاد و تأسیس مبتنی بر یک جرم یا گناه است. ناکارآفرینی فرصت‌های زیادی را تبدیل به تهدید خواهد کرد؛ زیرا کسب درآمد افرادی که در این شبکه کارآفرینی مشغول فعالیت می‌شوند غیرقانونی یا غیرشرعی بوده، سازمان‌های تأسیس شده هم غیرقانونی و غیرشرعی بوده و سرانجام در نظام کلان کارآفرینی خللی وارد کرده و اجزای این سیستم را با مشکل مواجه می‌کنند.

خطای استراتژیک کارآفرینان جرائم فضای مجازی یا گناه‌محور (گناهان کبیره‌ای که از نظر شریعت اسلام ممنوع، حرام و مخالفت امر خداوند متعال است) این است که آن‌ها اشتباهاً یا تعمداً یک تهدید قانونی یا شرعی را فرصت تلقی می‌کنند. هرچند ممکن است منجر به ایجاد اشتغال افرادی شده یا اینکه سودآوری داشته باشد. اینگونه فرصت‌های غیرشرعی و غیرقانونی منجر به ایجاد شبکه‌های ناکارآفرینی شده و به نظام کارآفرینی سالم صدمه وارد می‌کنند.

نوع ضعیف‌تری از خطای استراتژیک، فهم و درک تهدید به جای فرصت در نظام کارآفرینی سالم است این کارآفرینی‌ها به صورت رسمی و مبتنی بر قوانین و موازین شرعی تأسیس شده‌اند، اما در هنگام اقدام و عمل کسب‌وکار دچار عمل مجرمانه می‌شود. برای مثال، احتکار، اقدام به رباخوری و ربا دادن مصادیقی از این موارد هستند که کارآفرینی از بنیاد برای آن‌ها تأسیس نشده است اما در مواردی اقدام به این‌گونه گناهان یا جرائم می‌کند.

بنابراین، ضرورت دارد که به جنبه‌های ناکارآفرینی توجه جدی شده و سره از ناسره را از نظام سالم و کارآفرینی اخلاقی<sup>۱</sup> تفکیک کرد. در ادبیات متعارف

---

1. moral entrepreneurship

به این نوع کارآفرینی، کارآفرینی غیرقانونی، کارآفرینی مجرمانه و کارآفرینی غیراخلاقی<sup>۱</sup> گفته می‌شود. البته کارآفرینی مذهبی در ادبیات متعارف وجود داشته اما برای ما ضرورت دارد که در بافت مذهبی کشورمان فعالیت‌های کارآفرینانه‌ای که گناه محسوب می‌شوند را در زمره ناکارآفرینی به شمار بیاوریم تا درجه خلوص کارآفرینی‌ها افزایش یابد.

در آموزه‌های دین مقدس اسلام، کار و کارآفرینی شرافتمندانه است و به همین منظور بهره‌برداری مفید از آن منجر به رشد و تعالی و ایجاد اشتغال حلال و مکاسب حلال می‌شود و بهره‌برداری مجرمانه و گناه‌آلود از آن انسان را به سوی مکاسب حرام سوق می‌دهد.

کارآفرینی از یک‌سو، می‌تواند در پیشگیری از جرم در جامعه مفید باشد اما از دیگر سو، جرائمی وجود دارند که کارآفرینان اقدام به سازماندهی آن کرده و کارآفرینی جرائم سازمان‌یافته را شکل می‌دهند.

ناکارآفرینی در فضای مجازی به معنای ایجاد اشتغال مبتنی بر جرم و گناه کبیره از طریق ابزارهای فضای مجازی همچون سخت‌افزارها، نرم‌افزارها، محتواهای دیجیتال، مغزافزارها، ارتباطات، شبکه‌ها و فرایندهای فضای مجازی است. با ظهور فضای مجازی امکان ناکارآفرینی بسیار رشد یافته است؛ عمدتاً ناکارآفرینی را می‌توان در حوزه‌های مختلف فضای مجازی بویژه وب جست‌وجو کرد.

ناکارآفرینی در فضای واقعی به صورت تعامل انسان‌ها با یکدیگر و معمولاً بیش از دو نفر اتفاق می‌افتد اما در فضای مجازی علاوه بر تعامل حاضر با حاضر، تعامل حاضر با غایب (انسان با ابزارهای فضای مجازی)، و تعامل غایب با غایب (تعامل ابزارهای فضای مجازی با یکدیگر) وجود خواهد داشت.

---

1. Immoral Entrepreneurship/unethical Entrepreneurship



بنابراین، حتی یک ابزار فضای مجازی می‌تواند جای خالی افراد دیگر را در شبکه ناکارآفرینی پر کند. عمده ناکارآفرینی‌ها از تعامل‌های فوق بهره‌برداری می‌کنند.

توجه به فرصت کرونا برای ایجاد کسب‌کارهایی در بستر فضای مجازی و ایجاد سود حاصل از آن برای عده‌ای مغتنم شمرده می‌شود اما عدم توجه به این مطالب ممکن است نه تنها این فرصت را از دست داده بلکه منجر به خسران اخروی باشد.

## ۲. مرور ادبیات موضوع

در مرور ادبیات مرتبط با پژوهش از یک‌سو، با موضوع‌های کارآفرینی اخلاقی، رسمی، قانونی، مذهبی و انواع دیگر مواجه هستیم و از دیگر سوی، با موضوع‌های کارآفرینی مجرمانه، غیراخلاقی، غیرقانونی و غیررسمی. این ادبیات در یک طیف قرار می‌گیرد که یک سر آن حکایت از کارآفرینی سالم داشته و سر دیگر آن کارآفرینی ناسالم و مخرب را بازگو می‌کند. بنابراین، زمانی که از یک طیف در کارآفرینی سخن به میان می‌آید به این معناست که ممکن است یک کارآفرینی رسمی، واقعی بوده اما در مواردی، اعمال مجرمانه یا مبتنی بر گناه انجام دهد که در برخی از کسب‌وکارها مواردی مشاهده می‌شود. به عبارت دیگر، نظام کارآفرینی سالم است اما مصادیقی از جرم‌ها و گناهان کبیره که مبعوض خداوند متعال است در آن انجام می‌شود. اما ناکارآفرینی از اساس برای اهداف مجرمانه و گناه محور تأسیس و طراحی می‌شود.

آودرش<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) در پژوهش‌های خود بیان می‌کند که مذهب تصمیمات

---

1. David B. Audretsch

کارآفرینی را شکل می‌دهد و برخی از مذاهب همچون اسلام مشوق کارآفرینی هستند. (1)

هنلی<sup>۱</sup> نیز درباره رابطه بین مذهب و رفتارهای کارآفرینانه پژوهش‌هایی را انجام داده است. (2)

در جامعه اسلامی کارآفرینی به مثابه یک نظام، نظاره می‌شود که انواع کارآفرینی‌ها در انواع کسب‌وکارهای فضای واقعی و مجازی خرده نظام‌های آن به شمار می‌آیند. همانطور که بدن انسان همچون یک نظام زمانی سالم و بی‌نقص کار می‌کند که هیچ عضو یا خرده سیستمی از آن بیمار نباشد؛ نظام کارآفرینی کشور هم زمانی بی نقص کار می‌کند که ناکارآفرینی در آن وجود نداشته باشد. یک اکوسیستم کارآفرینی بی‌نقص، باعث ایجاد هم نیروزایی بین کارآفرینی‌های مختلف شده و به کسب مزیت رقابتی پایدار در محیط استراتژیک کارآفرینی بین‌الملل که همانا هدف متعالی نظام کارآفرینی است منجر می‌شود. اگر خرده سیستم‌های کارآفرینی مبتنی بر گناهان کبیره و کارآفرینی مجرمانه در فضای واقعی و مجازی در آن وجود داشته باشند باید معدوم یا حذف شده و در غیر اینصورت تحت کنترل قرار گیرند.

مدیریت کارآفرینی در یک زمان محدود با منابع محدود فعالیت خود را با و از طریق دیگران به منظور کسب فرصت‌های بهره‌ور به کار می‌گیرد. ناکارآفرینی، همه موارد فوق را به چالش می‌کشد؛ مخصوصاً زمانی که سازمان‌یافته و دارای شبکه‌ای قوی باشد. ناکارآفرینی زمان را به ضرر کارآفرینان اخلاقی و سالم تقلیل می‌دهد؛ زیرا فرصت سیاست‌گذاری و استراتژی‌سازی را در زمینه کارآفرینی می‌کاهد و سیستم را دچار درگیری با آسیب‌ها و چالش‌های ناکارآفرینی می‌کند. طبیعی است که بخشی از انرژی

---

1. Andrew Henley

سیستم صرف شناسایی، معدوم یا کنترل ناکارآفرینی‌ها می‌شود. منابع زیرساختی فضای مجازی، آمادگی الکترونیک، انواع نرم‌افزارها، شبکه‌ها، سخت‌افزارها، محتواهای دیجیتال، و مغزافزارها محدود هستند حال اگر بخشی از این توان در خدمت ناکارآفرینی- حتی به صورت غیررسمی- قرار گیرد حداقل به همان میزان، بهره‌برداری از منابع زیرساختی در کارآفرینی سالم کاهش می‌یابد.

در هر صورت، فکرافزارها و مغزافزارها که مدیریت و رهبری کارآفرینی سالم را بر عهده داشته و نیاز ذاتی آن هستند ممکن است در ناکارآفرینی به کار گرفته شوند و سرمایه انسانی نیز به این صورت هدر رود. عمدتاً ناکارآفرینی‌های فضای مجازی نیازمند افراد ایده‌پرداز و با هوش هستند؛ بیشتر جرائم و گناهان کبیره در فضای مجازی از سوی افرادی که از مهارت‌های مبتدی تا حرفه‌ای دارند اتفاق می‌افتد؛ اما افرادی که کارآفرینی‌های مجرمانه را اداره می‌کنند که از هوش و استعداد بالایی برخوردار هستند. به همین منظور، بخشی از استعدادهای برتر صرف ناکارآفرینی‌ها می‌شود.

فرصت‌ها محدودند و همواره هم وجود ندارد و همچون ابر درگذرند. در میان این فرصت‌ها برخی از فرصت‌ها بهره‌ور هستند و به این معناست که بهره‌برداری از آن‌ها منجر به کسب‌وکار کارا و اثربخش می‌شود ناکارآفرینی‌ها فرصت بهره‌برداری از این‌گونه فرصت‌ها را از افراد کارآفرین سلب می‌کنند.

### ۳. روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی و کارویژه بنیادی با هدف توصیفی و تبیینی انجام شده و به بررسی مفهوم و مصادیق ناکارآفرینی در فضای مجازی می‌پردازد. روش گردآوری داده‌ها از طریق محتواهای مجازی و برخط است.

ناکارآفرینی در فضای مجازی: در دوره آزمون کرونا و پس از آن □ ۴۹۵

پژوهشگر با در کنار هم قرار دادن مطالعات اسنادی حاصل از انواع گناهان کبیره و جرایم و ارائه طبقه بندی از آنها، مصادیقی را از فضای مجازی که مرتبط با این گونه ناکارآفرینی‌ها هستند را شناسایی و تبیین می‌کنند.

#### ۴. یافته‌های پژوهش

بر اساس پژوهش‌های انجام شده عمدتاً ناکارآفرینی‌ها را در یک تقسیم‌بندی می‌توان به دو دسته ناکارآفرینی‌های مرتبط با مذهب و شریعت و ناکارآمدی‌های مرتبط با جرائم فضای مجازی دانست. البته قابل ذکر است که هم‌پوشانی‌هایی بین این تقسیم‌بندی وجود دارد زیرا پژوهشگران رابطه بین گناه را عام و خاص من‌وجه دانسته که در عین حال دارای اشتراکاتی هستند ممکن است هر یک برای خود مصادیق مجزایی داشته باشند. اما در هر صورت در این پژوهش با توجه به اهمیت موضوع در شرایط کرونایی به‌صورت تفکیک شده و مفصل توضیح داده می‌شوند.

##### ۴-۱. ناکارآفرینی‌های مبتنی بر مذهب در فضای مجازی

عمده ناکارآفرینی‌ها در این زمینه بر اساس گناهان کبیره شکل می‌گیرند. احکام تکلیفی در اسلام شامل واجب، مستحب، حرام، مکروه و مباح است. بر اساس تعالیم دین اگر فعل واجبی ترک شده یا حرامی انجام شود گناه کبیره صورت گرفته است (۳) از گناهان کبیره دسته‌بندی‌های مختلفی ارائه شده است و عمدتاً ناکارآفرینی در زمینه گناهانی که جنبه اجتماعی و گروهی دارند بیشتر بروز خارجی دارد. البته ابزارهای فضای مجازی می‌توانند جای افراد حاضر در یک گروه را پر کرده و گناهان فردی هم در فضای مجازی مقدمه‌ای برای ناکارآفرین.

سازمان‌یافتگی گناه از یک‌سو، اشاره دارد به اینکه به‌صورت رسمی در یک

کشور دیگر، یک مؤسسه چه از سوی افراد بومی آن کشورها و چه از سوی افراد فارسی زبان طراحی و توسعه یافته و همواره خطراتی را برای کشور ما به دنبال دارد. برای مثال، برخی از مؤسسات که در کانادا و آمریکا برضد ایران فعالیت کرده و البته فعالیت آن‌ها از نظر قوانین و شریعت اسلام، غیرقانونی و غیرشرعی است. سازمان‌یافتگی از سوی دیگر، اشاره به شبکه‌ای شدن افراد با یکدیگر یا حتی ایجاد شبکه‌هایی از سوی یک فرد به تنهایی اشاره دارد؛ زیرا فضای مجازی خود قابلیت جایگزین شدن به جای فرد حاضر را دارد. این نوع ناکارآفرینی‌ها در شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک، اینستاگرام، تلگرام و سایر شبکه‌ها وجود دارد و تعداد آن‌ها مرتباً در حال افزایش است. در این نوع ناکارآفرینی‌ها مبدعان و مسببان آن‌ها می‌توانند فارغ از توجه به مرز جغرافیایی در هر کجا زندگی کنند.

علوی‌زاده گناهان را گناهان اقتصادی و مالی، گناهان جوارحی، گناهان جوانحی (قصدی)، گناهان فردی، گناهان سیاسی، دفاعی و اجتماعی (غیر حق‌الناس) و گناهان قضائی تقسیم‌بندی می‌کند (4). در ادامه ناکارآفرینی‌های مبتنی بر این گناهان تا جایی که امکان تحقق ناکارآفرینی بر اساس آن‌ها وجود داشته باشد توضیح داده خواهد شد.

#### ۴-۱-۱. ناکارآفرینی‌های مبتنی بر گناهان اقتصادی و مالی

گناهان اقتصادی و مالی عمدتاً شامل گناهان تحصیل مال از راه حرام و مصرف کردن مال در راه حرام می‌شوند. گناهی همچون دزدی (سرقت)، رباخوری و ربادادن، کم‌فروشی در خدمات و معاملات، گران‌فروشی، تقلب و غش در معامله، احتکار، قمار و شرط‌بندی، معاملات و تجارت‌های حرام، دریافت دستمزدهای حرام، ظلم به کارگران، خیانت در امانت، خیانت در بیت‌المال، خوردن مال یتیم، رشوه، اسراف و تبذیر از گناهی هستند که اگر

ناکارآفرینی در فضای مجازی: در دوره آزمون کرونا و پس از آن □ ۴۹۷

به صورت سازمان یافته انجام شوند می توانند مبنایی برای ناکارآفرینی باشند. برای مثال، می توان به کلاهبردای فیشینگ و سرقت اموال مردم از طریق بانک ها (5) اشاره کرد. البته طراحی شبکه ها و نرم افزارهای قمار را نباید از یاد برد.

#### ۴-۱-۲. ناکارآفرینی های مبتنی بر گناهان جوارحی

هر گناهی که ارتکاب آن وابسته به اعضا و جوارح انسان ها باشد گناهی جوارحی به شمار می آید این گناهان عمدتاً به دو دسته گناهان فعلیه (انجام محرمات) و گناهان ترکیه (ترک واجبات) دسته بندی می شوند. گناهان فعلیه نیز شامل گناهان زبان، گوش، چشم، جنسی و شکم هستند. از گناهان زبان می توان به گناهان تهمت و قذف، دروغ و شایعه، فحش و ناسزا، غیبت، سرزنش، زخم زبان، طعن و توهین، مجادله، جدل، دعوا و بحث کردن، شوخی و گفتگوی بی مورد با نامحرم، بردن آبروی خود و دیگر آن، پرحرفی، عیب گویی و افشای اسرار، چاپلوسی و تملق، عیب جویی و تجسس، منت، فتنه گری، تمسخر، سخن چینی اشاره کرد.

گناهان جنسی نیز شامل زنا، همجنس بازی، تجاوز جنسی، قوادی، دیانت، هرزه نگاری، تن نمایی، گردشگری جنسی هستند. شراب و شراب خواری نیز از گناهان شکم به شمار می آید.

گناهان جوارحی و ترکیه به ترک واجبات اشاره می کند که برخی از آن ها عبارت است از: ترک نماز، ترک امر به معروف و نهی از منکر، ترک تقیه، ترک روزه، ترک جهاد یا تخلف از جهاد، ترک حج، ترک خمس و زکات و واجبات مالی را شامل می شود. در این زمینه نیز ناکارآفرینی هایی همچون طراحی تهمت و دروغ، و غیبت از طریق برخی خبرگزاری ها و همچنین قوادی و گردشگری های جنسی در فضای مجازی وجود دارد.

### ۴-۱-۳. ناکارآفرینی‌های مبتنی بر گناهان جوانحی و درونی

گناهان جوانحی و درونی که به قصد، قلب و نیت مرتبط هستند شامل گناهان اعتقادی و گناهان قلبی یا رذائل اخلاقی هستند.

گناهان اعتقادی شامل شرک، کفر و الحاد، ارتداد، ریا، بدعت، امان دانستن خود از مکر خدا، دشمنی با اهل بیت علیهم السلام، وهن دین و هتک حرمت مقدسات، یأس و ناامیدی از رحمت خدا، سحر، جادو، کهنات و خرافات، تعرب بعد الهجرة، سایر اعتقادات غلط هستند.

گناهان قلبی یا رذائل اخلاقی شامل رشک، حسد یا حسادت، نفاق و دورویی، حقد و کینه، خشم و غضب، حرص و زیاده خواهی، طمع و چشم داشت در مال مردم، بخل و خساست، غرور، تکبر، خودبینی، عجب، قساوت قلب هستند.

ناکارآفرینی در زمینه گناهان اعتقادی بیشتر به طراحی نرم‌افزارهای رایانه‌ای و بازی‌های رایانه‌ای و تحت وب مرتبط است که مصادیق متعدد آن در فضای مجازی مشهود است.

### ۴-۱-۴. ناکارآفرینی‌های امنیتی و سیاسی

کمک به ستمگران، یاری نکردن ستم دیدگان، جاسوسی و گناهان قضائی: کتمان شهادت، قضاوت یا حکم نا بحق، شهادت دروغ، قسم دروغ و رشوه اینگونه ناکارآفرینی‌ها را می‌توان در طراحی شبکه‌های معاند اسلام، سازمان‌های نامشروع که در بستر فضای مجازی فعالیت می‌کنند جست و جو کرد.

گناهان اجتماعی (حق الناس غیر مالی): عقوق (آزار و اذیت والدین)، قطع رحم یا قطع ارتباط با خویشان، پیمان شکنی و خلف عهد و وعده، ظلم، ستم و تعدی به مردم، آزار و اذیت مردم منت گذاشتن، گمراه کردن دیگران، قتل

ناکارآفرینی در فضای مجازی: در دوره آزمون کرونا و پس از آن □ ۴۹۹

نفس یا کشتن، همسر آزاری، همسایه آزاری و تضییع حقوق همسایه، تضییع حقوق فرزندان، سوء ظن یا بدگمانی به مردم، مکر و فریب، تضییع حقوق مؤمنین و برادران دینی را شامل می‌شوند.

گناهان فردی: تشبه به کفار، ریش تراشی، سگ بازی، پوشیدن لباس کفار، اشتغال به لعب و لهو، رقص و پایکوبی، موسیقی و غنا، شطرنج، اتلاف وقت و عمر، اضرار به نفس، خودکشی، آزار حیوانات، کفران نعمت و.... نمونه‌هایی از گناهان فردی هستند.

#### ۲-۴. ناکارآفرینی‌های مبتنی بر جرائم فضای مجازی

در یک دسته بندی جامع در جرایم رایانه‌ای، بحث درباره جرایم علیه رایانه و از طریق رایانه مد نظر است. جرایم علیه رایانه جرایمی مانند سابوتاژ رایانه‌ای، ایجاد خسارت در داده‌ها، اختلاس در سیستم‌ها و شبکه‌های رایانه‌ای، تولید و انتشار برنامه‌های مخرب و موجد اخلال، دستیابی غیرمجاز، شنود غیرمجاز، استفاده غیرمجاز و جرایم ناقض حقوق معنوی پدیدآورندگان، برنامه‌ها و نرم‌افزارهای رایانه‌ای را شامل می‌شود و جرایم ارتكابی از طریق رایانه که رایانه در آن وسیله یا واسطه ارتكاب جرم است شامل جعل رایانه‌ای و کلاهبرداری رایانه‌ای است<sup>۱</sup> (۶).

#### ۵. نتیجه‌گیری

بحران کرونا در کنار تمام تهدیدها و فرصت‌هایی که به وجود آورده است، کسب‌وکارها را نیز بی‌بهره نگذاشته و با وجود اینکه تهدیداتی را برای برخی از کسب‌وکارهای فضای مجازی بوجود آورده است اما برای برخی هم فرصت‌آفرین بوده است. حال که برای برخی از کسب‌وکارهای فضای مجازی

---

<sup>۱</sup> . این بخش از پژوهش نیاز به یک پژوهش جداگانه دارد که از حوصله پژوهش حاضر خارج است.



فرصت‌هایی پیش آمده است و شرایط را برای کارآفرینی مهیا کرده است لازم است که برخی از ناکارآفرینی‌ها که موجب خسران ابدی می‌شود را تبیین کرد. بنابراین، در این پژوهش، با بررسی مصادیقی از انواع ناکارآفرینی، جنبه‌هایی از غیرقانونی و غیرشرعی بودن آن را در فضای مجازی تبیین و تشریح شد و این نتیجه حاصل شد که مخاطب، کارآفرینی و ناکارآفرینی را درک نموده و مصادیق آن را بشناسد و در این مسیر دچار جرم یا گناه نشود.

## ۶. فهرست منابع و مآخذ

1. Audretsch D, Bönte W, Tamvada J. Religion and Entrepreneurship. SSRN Electronic Journal 2007.
2. Henley A. Does religion influence entrepreneurial behaviour? International Small Business Journal 2017; 38(8):026624261665674.
۳. دستغیب ع. گناهان کبیره. قم - ایران: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی. 1388؛
۴. علوی زاده سم. سایت گناه شناسی: محفل شناخت، پیشگیری، ترک، درمان و نجات از انواع گناهان [cited 1398 Aug 6]. Available from: URL: <http://nidamat.com/>.
۵. کلاهبرداری فیشینگ چیست؟. In: پلیس فتا؛ ۲ بهمن ۱۳۹۰. Available from: URL: <http://www.cyberpolice.ir/information/3881>.
۶. بای ح. پورقهرمانی ب. بررسی فقهی حقوقی جرائم رایانه‌ای. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. 1388؛

## ۲۹. نقش تکافل اجتماعی در رفع محرومیت

فرزاد جهان‌بین<sup>۱</sup>

مقام معظم رهبری در سخنرانی خود به مناسبت نیمه شعبان و با اشاره به مضیقه‌های ایجاد شده برای زندگی مردم در اثر کرونا از رزمایش مواسات سخن گفتند.

در منطق اسلام، رفع محرومیت‌ها فقط با تأمین اجتماعی از سوی دولت میسر نمی‌شود، بلکه می‌باید تمامی افراد جامعه در این خصوص، احساس مسئولیت نموده و اقدام نمایند که از آن به تکافل اجتماعی یاد می‌شود. به عبارتی، مسئولیت‌های دولت به هیچ نحو رافع مسئولیت مردم نیست. تکافل اجتماعی به معنای کفیل یکدیگر شدن و در برابر یکدیگر، مسئول و متعهد بودن و بهره‌رسانی است.

امام علی (ع) در این خصوص می‌فرماید:

«خداوند سبحان روزی فقرا را در اموال توانگران مقرر داشته. پس هیچ

---

۱. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه شاهد/ معاون فرهنگی دانشجویی دانشگاه آزاد اسلامی، رایانامه:

farzad.jahanbein@gmail.com

فقیری گرسنه نماند، مگر آن که، توانگری حق او را باز داشته است و خدای تعالی توانگران را، بدین سبب، باز خواست کند». (نهج البلاغه، کلمه قصار ۳۲۸).

بیانی نورانی دیگری از امام علی (ع) می‌تواند گشایش بیشتری در بحث ایجاد نماید:

«به درستی که خداوند متعال بر ثروتمندان واجب کرده است تا از اموالشان به قدری که فقیران را بی‌نیاز کند به آن‌ها بپردازند؛ بنابراین اگر فقیران تلف شوند یا به مشقت بیفتند یا برهنه بمانند، به سبب آن است که اغنیا از پرداخت اموال خود به آن‌ها خودداری می‌کنند؛ پس خداوند به همین جهت، روز قیامت از آن‌ها حساب می‌کشد و آن‌ها را به عذابی دردناک گرفتار می‌کند. (الحیاه، ج ۳، ص ۳۰۹).

در تکافل اجتماعی، مسئله فراتر از ادای واجبات مالی مانند خمس و زکات و ... است و تأکید بر این نکته است که توانگران به مثابه يك فضیلت به انفاق و رفع گرفتاری مستمندان بپردازند.

بیانی از پیامبر اسلام در این خصوص، تکان دهنده است و نشان دهنده مسئولیت آحاد جامعه است. ایشان فرمودند:

أَيُّمَا أَهْلٍ عَزَصَةٍ أَصْبَحَ فِيهِمْ امْرُؤٌ جَائِعٌ فَقَدْ بَرَّتْ مِنْهُمْ ذِمَّةُ اللَّهِ وَرَسُولِهِ. (احمد بن حنبل، مسند، ج ۲، ح ۴۸۸۰).

هرگاه اهل هر سرزمینی بخوابند در حالی که شخصی گرسنه‌ای در میان آنان باشد، ذمه خدا و رسولش از آنان بری است.

علی (ع) همواره تأکید می‌کردند که «خداوند را درباره کم‌داران و نیازمندان در نظر داشته باشید و ایشان را در امور زندگی شریک قرار دهید».

### ۳۰. تحولات اجتماعی دوره کرونا و حیات خانگی

محمدرضا زهرائی<sup>۱</sup>

با گسترش و تداوم دوره واگیری بیماری کرونا<sup>۲</sup>، مطالعه تحولات اجتماعی پدید آمده بر اثر سبک زندگی مبتنی بر مقابله با کرونا ضروری است. مفاهیم اجتماعی بر اثر تغییرات پدید آمده نیاز به باز تعریف دارند. هسته مرکزی تحولات کرونایی، ناشی از گفتمان، «در خانه می‌مانیم» است. در خانه می‌مانیم؛ اصلی‌ترین دستورالعمل برای مقابله با کروناست. در خانه می‌مانیم؛ یک ایدئولوژی است که همه روابط و مناسبات اجتماعی را حول خود تغییر می‌دهد. در خانه می‌مانیم به دلیل پشتیبانی از ارزش «حفظ حیات»، مناسب دینی را هم تعطیل، تغییر و بازسازی می‌کند. حفظ حیات؛ آن نقطه انتهایی

---

<sup>۱</sup>. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی / واحد تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور تهران رایانامه: hanizahrai@gmail.com / تاریخ نگارش: ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۹.

<sup>۲</sup>. بیماری کرونا یک بیماری ویروسی از خانواده کرونا ویروس با علائم حاد تنفسی است که در سال ۲۰۲۰ در شهر ووهان چین آغاز شد و به سرعت به همه‌گیری تبدیل شد و پس از آن جهانی شد و به دلیل سرعت شیوع و افزایش مرگ و میر ناشی از آن بحران‌های زیادی را ایجاد کرد. جهان تعطیل شد و مردم خانه نشین و شهرها خالی از تحرک و نفت به قیمت بی‌سابقه صفر و در ساعاتی منفی رسید.

مشروعیت را در شبکه رابطه‌ای قدرت است. اسلام از آن دسته ادیانی است که حفظ حیات در صدر ارزش‌های آن در کنار توحید جای دارد. حال که «در خانه می‌مانیم» این‌چنین اهمیتی دارد، مفهوم «حیات خانگی» را برای توضیح روابط و زندگی اجتماعی که حول محور «خانه» شکل می‌گیرد، صورت‌بندی می‌کنم.

حیات خانگی، نحوه‌ای از زندگی اجتماعی است که افراد در محیط خانه و با تأکید بر مرزهایی که مفهوم «خانواده» ایجاد می‌کند در زمان طولانی‌تر از گذشته، زندگی می‌کنند. آنچه مرزهای این واحدهای اجتماعی را از هم جدا می‌کند، خانواده است. خانه به‌تنهایی نمی‌تواند این واحدها را از هم جدا کند. خانواده بر اساس مناسبات اقتصادی، عاطفی و خونی با «پیوندهای قوی» میان اعضای آن شکل می‌گیرد.

حیات خانگی مفهومی است که جمع شدن همه اعضای خانواده در زمان طولانی را برای حفظ امنیت در مقابل بیماری‌های مسری توضیح می‌دهد.

## ۱. آموزش و تحصیل

آموزش و تحصیل هرچند تحولات زیادی را پشت سر گذاشته است، ولی در دوره کرونا به‌ناچار حضور در مدرسه و تحمّل نظم مدرسه یا دانشگاه یا هر محیط آموزشی فیزیکی، در مکان خاص آموزش و حضوری برچیده می‌شود. بنابراین، ارتباطات با همسالان و تحمّل نظم آموزشی از میان می‌رود و گونه دیگر مبتنی بر آموزش غیرحضوری یا مبتنی بر فضای مجازی تجربه می‌شود. در واقع یک نهاد جامعه‌پذیری از میان می‌رود و خانواده یگانه محیط حضوری جامعه‌پذیری خواهد بود. با این حال باید بررسی شود که فضای مجازی چگونه می‌تواند جامعه‌پذیری حیات خانگی کودکان را سامان دهد؟ در حیات خانگی، مادران نقش معلّم و گاه واسط معلّم را برای دانش‌آموز

ایفاء می‌کنند، بنابراین مفهوم «مادری» به معلّمی توسعه می‌یابد، مادرانی که دارای فرزندان بیشتری باشند، عملاً اغلب وقت خود را به آموزش تحصیلی کودکانشان سپری خواهند کرد و بر اساس آموزش مجازی «زمان» آموزش متغیر و تقریباً در همه طول شبانه‌روز تداوم می‌یابد. مسئله محدودیت تعداد وسایل ارتباطی برای همه اعضای خانواده تنظیمات و مقررات دیگری را برای دسترسی ایجاد می‌کند و مسائل مرتبط با نابرابری درون خانواده را نیازمند بازتعریف می‌کند. در موضوع دسترسی به وسایل ارتباطی و فقدان دسترسی برخی خانواده‌ها و یا فقدان سواد دیجیتال و رسانه‌ای آن‌ها، مسئله «نابرابری آموزشی» را بسیار با اهمیّت می‌کند که نیازمند حمایت و مداخله سیاست‌گذاران اجتماعی است.

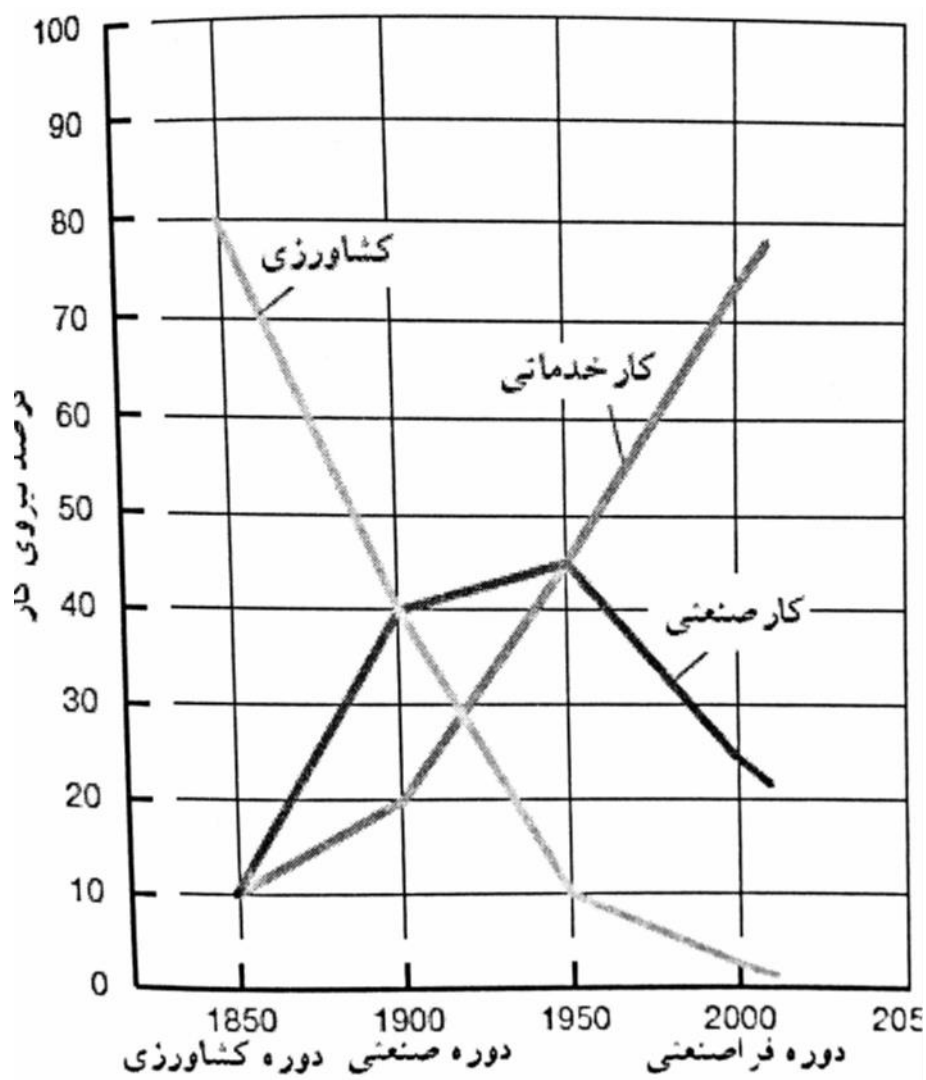
## ۲. زنان و حیات خانگی

به دلیل تعطیلی مدارس، مهدکودک‌ها و دیگر نهادهای نگهداری کودک، امکان واگذاری موقت بچه‌داری به غیر وجود ندارد و ناچار مادران باید در خانه از کودکانشان نگهداری کنند. همچنین به دلیل خطرات ناشی از تهیه غذا از رستوران‌ها و غذاپزها، این وظیفه بار دیگر به خانه واگذار می‌شود. ضرورت ضد عفونی خریده‌های نیازهای اعضای خانواده، تبدیل به وظیفه مضاعف و وقت‌گیر علاوه بر دیگر کارهای خانگی شده است. با این فروض «کار خانگی» بدون دستمزد هم از نظر کمیت و کیفیت دچار تغییر شده است. همچنین با پیوندی تاریخی که «مادری» با «کار خانگی» داشته است، مفهوم مادری بسیار با اهمیّت‌تر از گذشته شده است و مسائل تقسیم‌کار خانگی می‌تواند مفاهیم دیگری مثل «کار کودکان» را متأثر کند.

### ۳. ارزش و حیات خانگی

کاستلز (۱۳۹۶) ساختارهای اجتماعی را مبتنی بر « ارزش » می‌داند و سازمان تولید را در جامعه شبکه‌ای و اطلاعاتی بر اساس تحوّل در مفهوم ارزش صورت‌بندی می‌کند. اگر ارزش در نظام سرمایه‌داری، دارایی مادی است، در جامعه اطلاعاتی، اطلاعات و دانش؛ در جهان کرونایی، حیات ارزش است، ولی خانواده یا به عبارتی خانه ارزش است که می‌تواند این حیات را محافظت کند.

تحولات اجتماعی دوره کرونا و حیات خانگی □ ۵۰۷



نمودار 26: ماهیت متغیر کار در آمریکا

(مشونیس، ۱۱۸: ۱۳۹۶)

بنابراین، داشتن خانواده‌داری با ارزشی است. خانواده به مثابه عنصر بنیادین جامعه در واقع یک جامعه کوچک است. در جهان کرونایی خانواده



در حال جایگزینی مسامحتاً جامعه است. بدون خانواده توانایی اجرای دستورالعمل‌های مقابله با کرونا مخصوصاً در خانه، کاهش می‌یابد. بدون خانواده در صورت ابتلا، به دلیل نیاز به مراقبت، تاب‌آوری دوره نقاهت کاهش می‌یابد. مرگ‌ومیر ناشی از کرونا با ابعاد خانواده و کامل بودن آن رابطه دارد.

#### ۴. کار و حیات خانگی

همان‌طور که در ۱۹۰۰ میلادی با انقلاب صنعتی انتقال نیروی کار از کشاورزی به کارخانه‌ها انجام شد با انقلاب اطلاعات سهم نیروی کار خدماتی مطابق نمودار، از کار کارخانه‌ای پیشی گرفت. (مشونیس، ۱۳۹۵: ۱۱۷) با گسترش فناوری‌های دیجیتال و اطلاعات، ظهور رسانه‌های شبکه اجتماعی و موبایلیزه شدن جامعه، تحوّل در مفهوم کار آغاز شده بود. جامعه اطلاعاتی ژرژ فریدمن به تدریج مفهوم کار را تغییر می‌داد، همان‌طور که آلن تورن (۱۳۹۶) توضیح می‌دهد، جامعه اطلاعاتی که در آن گردش سریع اطلاعات، مهم‌ترین عامل محسوب می‌شود، بر مبنای نوع جدیدی از دانش، شکل جدیدی از سرمایه‌گذاری، بازنمایی متفاوتی از کار و سازمان اجتماعی بنا شده است. جامعه اطلاعاتی، با کسب‌وکارهای خرد و دور کار و جدا از هم سازمان تولید را متحول کرده است. بدین ترتیب با سازمانی از تولید مواجه هستیم که مبتنی بر شبکه‌ای از اطلاعات و داده‌ها که وجود خارجی ندارند، اندازه کارخانه‌ها کوچک و دست‌کاری نمادها هسته مرکزی این نوع تولید است. این‌ها همگی باعث بی‌اهمیت شدن کارگران تولیدی شده است. این نوع کار جدید بر مبنای دانش و تحصیلات ارزش‌گذاری می‌شود. کاستلز (۱۳۹۶) اساسی‌ترین تقسیم‌بندی را در این جامعه تمایز میان نیروی کار خودبرنامهریزی‌شده (self-programmable labor) و نیروی کار عمومی می‌داند.

نیروی کار خودبرنامه‌ریزی‌شده هماهنگ با جامعه شبکه‌ای دارای ویژگی افزایش ظرفیت جستجو و تجمیع دوباره اطلاعات با محوریت ایده پردازی و خلاقیت است. درحالی که نیروی کار عمومی با افزایش سطح فناوری با ماشین قابل جایگزینی است. افزایش نیروی کار منعطف، به طور مستقیم با مؤنث‌سازی نیروی کار حق‌الزحمه‌ای طی سه دهه گذشته مرتبط است. سازمان اجتماعی خانواده نیز این نوع سازمان کار را به مثابه روش سازگار وظایف شغلی و خانوادگی زنان تنظیم می‌کند. (بردلی، هریت، ۱۳۹۰: ۶۲) (کاستلز، ۱۳۹۶). کاستلز توضیح می‌دهد که گرچه در ابتدا به نظر می‌رسد که زنان به دلیل دستمزد پایین و افزایش آموزش حرفه‌ای در نظام مردسالار استثمار می‌شوند و در بسط نظام سرمایه‌داری اطلاعاتی و جهانی به عامل مهمی تبدیل می‌شوند، ولی درنهایت نظام مردسالار را تضعیف می‌کنند، با این ترتیب که ضمن تضعیف جایگاه مرد به مثابه نان‌آور در خانواده، در شرایط متحول شده کسب‌وکار معطوف به انعطاف‌پذیری سازمان کار، جایگاه شغلی مردان تهدید به تعدیل نیرو و اخراج می‌شود. این روندهای نشان‌دهنده تحولات عمیق در رابطه میان مردان و زنان در محیط کار و خانواده است. (کاستلز، ۱۳۹۶: ۳۹).

سازمان اجتماعی کار زنانه توانسته با تحوّل در ساختار شرکت‌های بزرگ آن‌ها را دچار تمرکززدایی کند و کسب‌وکارهای خرد درون شبکه‌ای به هم متصل، فعالیت می‌کنند و تحت عنوان تعاونی و شراکت یا ائتلاف راهبردی (strategic alliances or partnerships) نامیده می‌شوند. این نوع سازمان کار، سرمایه‌گذاری شبکه‌ای و اقتصاد شبکه‌ای را ایجاد کرده است که ناشی از ارزش‌گذاری اعتباری رابطه‌ای و جهانی است و سهم دست‌کاری اطلاعاتی (information Manipulation) یا شناختی (cognitive Manipulation) بالا است.

برخی برای توضیح تقسیم جنسیتی کار از نظریه سرمایه انسانی، به معنی دارایی‌هایی که در یک فرد جمع است استفاده می‌کنند و با این فرض که هر فردی که بتواند سرمایه انسانی بیشتری در دوره‌های آموزشی کسب کند می‌تواند حقوق بیشتری به دست آورد. با این حال، زنان به دلیل حضور در خانه نمی‌توانند سرمایه انسانی بالایی به دست آورند (بردلی، هریت، ۱۳۹۰: ۶۲). شواهدی در ایران نشان می‌دهد که زنان سهم بالایی در آموزش عالی دارند، بنابراین سرمایه انسانی بالایی کسب می‌کنند که توانایی رقابت با جایگاه‌های مردانه را دارند (عبداللهیان، حمید ۱۳۹۵: ۳۳۲). هلن کراولی (۱۳۹۰) توضیح می‌دهد که تقسیم‌های بین عرصه‌های عمومی و خصوصی و کار زنان و مردان خاص مدرنیته است. تقسیم کار زنان در خانه و مردان در نیروی کار باعث ابهام ویژگی‌های تقسیم کار جنسی شده است، زیرا که زنان هم کار بیرون از خانه با دستمزد و هم کار خانگی بدون دستمزد را انجام می‌دهند، بنابراین تقسیم‌کار بین زنان و مردان نامتقارن است (کراولی، هلن، ۱۳۹۰: ۱۰۸). این در حالی است که در جوامعی مثل ایران تقسیم‌کار خانگی، از این پس بر مبنای مفروضات عصر مدرن قابل تبیین نیست. به نظر می‌رسد مطابق با نظریه عبداللهیان (۱۳۹۵) باید از طریق روابط ترکیبی شیوه‌های فرهنگی، مناسبات کار خانگی را توضیح داد. به اعتقاد ایشان نیروهای اجتماعی ایران بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ (۱۹۷۹م) از طریق سازکارهای روابط ترکیبی وارد میدان می‌شوند و با تعامل اجتماعی و استفاده از واقعیت‌های توافقی ارزش‌های جدید را در کنار ارزش‌های قدیم حفظ می‌کنند. در این جهان، «تعامل» و «همکاری» پیکره اجتماعات نو را می‌سازد. (عبداللهیان، ۱۳۹۵: ۳۰۴) بنابراین، و بر اساس جامعه‌شناسی ایران، تقسیم‌کار خانگی در دوران کرونا مبتنی بر حیات خانگی با تعامل بیشتر زن و مرد و دیگر

اعضای خانواده درون خانه، متحوّل می‌شود. با این وصف سهم زنان در مناسبات حیات خانگی بیشتر خواهد شد، زیرا که خانه محیط اصلی تعاملات اجتماعی می‌شود در حالی که خانه دارای ویژگی زنانه بیشتری از دیگر محیط‌هاست. به نظر می‌رسد با تقاطع محوریت خانه، خصلت فرهنگی سازمان کار جدید، روابط مبتنی بر فضای مجازی و زیرساخت‌های دیجیتال در حیات خانگی در دوران کرونا، تحولات اجتماعی خصلتی زنانه می‌یابد و نیروی اجتماعی زنان، سهم زیادی در تحولات اجتماعی این دوران خواهد داشت. در جامعه ایران بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ (۱۹۷۹م)، زنان سهم بالاتری از سرمایه انسانی دارا هستند و توانسته‌اند سهم بیشتری از تحصیلات دانشگاهی و تولید محصولات فرهنگی را تصاحب کنند. با این فرض که تعامل و تعاون ویژگی حیات خانگی کرونایی است، این حیات خانگی در مقابل «دیگری» بیرون از خانه بی‌تفاوت نخواهد بود، ولی این تعاون در جوامعی که نسبت امر اجتماعی با اقتصاد سیاسی ضعیف‌تر است پر قدرت‌تر است. به نظر فرهادی (۱۳۷۳) ایران؛ به لحاظ تاریخی و ساختارهای فرهنگی همواره دارای ویژگی مشارکت جویانه، روابط تعاون و همکاری بوده است. پس حیات خانگی ایرانی پیش‌بینی می‌شود با تعاون، همدلی و تعامل، آسیب‌های اقتصادی ناشی از تحولات دوران کرونا را جبران کند. در این باره سهم گفتمان سازی رهبری معظم انقلاب اسلامی با دال مرکزی همدلی مؤمنانه، ورود گروه‌های جهادی، طلاب و بسیجیان در کمک به کادر درمان درون بیمارستان‌ها، تولید ماسک و گان و دیگر اقلام لازم، کمک به نیازمندان و بسیج عمومی کمک به نیازمندان از شواهد این فرض است که در مقاله دیگری به آن خواهم پرداخت.

## ۵. حیات خانگی و حیات مجازی

همان‌طور که پیش از این توضیح داده شد، حیات خانگی، بدون بستر ارتباطی مبتنی بر وب و امکانات ارتباط راه دور امکان‌پذیر نخواهد بود. بنابراین، کسب‌وکارهای زیادی مبتنی بر فضای مجازی و اینترنت در حال شکل‌گیری است تا پلتفرم‌های لازم برای همه وجوه زندگی انسانی محبوس در خانه را در اختیار گذارد. امروز در ایران خریدهای اینترنتی، تماس‌های تصویری، آموزش مجازی، جمع‌آوری کمک برای نیازمندان، مراسم دعا و نیایش، سمینارها، مناظره‌ها، کنسرت‌ها، سینما و صدها رخداد دیگر به‌صورت مجازی و بر بستر ارتباطات راه دور در حال انجام است و مخاطبان و مشترکان زیادی دارد. با این حال مسائل عمده حیات مجازی، نابرابری و تبعیض در دسترسی به گوشی هوشمند و ابزارهای ارتباطی و سواد رسانه‌ای مبتنی بر اینترنت است. نقش دولت و مشارکت مردمی در کاهش این نابرابری راه‌حل پیشنهادی است. با این حال هنوز نیاز به پلتفرم‌های ضروری در حوزه قرض‌الحسنه، شبکه‌های اجتماعی تخصصی یا عمومی بومی و شبکه ملی اطلاعات مسائل دیگر برای بهبود شرایط حیات خانگی و دوران گذار این تحولات است. در تولید محصولات فرهنگی توجه به هویت دینی و ملی از ضرورت‌های توجه به این ساحت است که امروز با غفلت در همه متولیان حاکمیتی و مردمی همراه است. این آشفتگی بیشتر در حوزه سبک زندگی مسائل عدیده‌ای را به همراه دارد.

## ۶. نتیجه‌گیری

با طولانی شدن دوره مقابله با کرونا، گفتمان «در خانه می‌مانیم» همه عرصه‌های زندگی بشر را متحول کرده است. بنابراین برای توضیح تمرکز روابط اجتماعی در خانه، مفهوم «حیات خانگی» را صورت‌بندی کردیم. حیات خانگی،

خانواده را به مثابه دارایی دوره کرونا و به مثابه ارزش در نظر می‌گیرد. در حیات خانگی زنان سهم بیشتری از قدرت خانه را دارا هستند و در عین حال، مادری به معلّمی توسعه می‌یابد و وظایف زن در خانه افزایش می‌یابد. همچنین به دلیل بالا بودن سهم زنان ایرانی در تحصیلات عالی بعد از انقلاب اسلامی ۵۷، زنان سرمایه انسانی بالاتری دارند و در تحولات سازمان اجتماعی کار، جایگاه بالاتری دارند. تحولات سازمان اجتماعی کار، نیروی کاری با ویژگی افزایش ظرفیت جستجو و تجمیع دوباره اطلاعات با محوریت اندیشه‌پردازی و خلاقیت را طلب می‌کند، در ادامه سازگاری بین وظایف شغلی و خانوادگی از ویژگی‌های دیگر این نوع کار است. به نظر می‌رسد با تقاطع محوریت خانه، خصلت فرهنگی سازمان کار جدید، روابط مبتنی بر فضای مجازی و زیرساخت‌های دیجیتال در حیات خانگی در دوران کرونا، تحولات اجتماعی خصلتی زنانه می‌یابد و نیروی اجتماعی زنان، سهم زیادی در تحولات اجتماعی این دوران خواهد داشت. بالتبع، نیازها بر بستر فناوری‌های ارتباطی دیجیتال و فضای مجازی پاسخ داده می‌شوند و کسب‌وکارهای متناسب با آن به سرعت در حال افزایش است. مسائل اصلی حیات خانگی؛ مسئله نابرابری در دسترسی به ابزارهای ارتباطی دیجیتال مثل تلفن‌های هوشمند متصل به اینترنت و سواد رسانه‌ای است و مسائل ناشی از تحولات کار و از بین رفتن کسب‌وکارهای جدید است. به نظر می‌رسد که جوامعی مثل ایران که رابطه بین اقتصاد سیاسی و امر اجتماعی ضعیف‌تر است حیات خانگی؛ مبتنی بر تعامل و سازکارهای روابط ترکیبی شیوه‌های فرهنگی که بعد از انقلاب اسلامی ۵۷ نشانه‌های آن ظاهر شد، ایجاد می‌شود، و ایرانیان با توجه به سوابق تاریخی و بستر فرهنگی با تعاون و یاریگری آسیب‌های این گذار را کاهش خواهند داد.

## ۷. منابع و مآخذ

- بردلی، هریت (۱۳۹۰) درآمدی بر فهم جامعه مدرن جلد ۳؛ دگرگونی تقسیم‌بندی‌های اجتماعی: طبقه، جنسیت و نژاد، مترجم محمود متحد، تهران، آگه.
- تورن، آلن (۱۳۹۶) پارادایم جدید، سلمان صادقی زاده، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، صص ۳۰-۳۱.
- عبداللهیان، حمید، بارتلز، دنیس و همکاران (۱۳۹۵)، رویکردهای مقایسه‌ای، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و ارتباطات، مترجم حمید عبداللهیان، تهران، سمت.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۹۶) قدرت ارتباطات، مترجم حسین بصیریان جهرمی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.
- کراولی، هلن (۱۳۹۰) درآمدی بر فهم جامعه مدرن جلد ۳ ؛ زنان و حوزه خانواده، مترجم فیروزه مهاجر، تهران، آگه.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۷۳) فرهنگ یارگیری در ایران جلد ۱، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، صص ۵۰-۵۱.
- مشونیس، جان (۱۳۹۵) مسائل اجتماعی، مترجم هوشنگ نائبی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات.

### ۳۱. تحولات اجتماعی و سبک زندگی عصر کروناها

محمدرضا زهرائی<sup>۱</sup>

با واگیری و جهانی شدن شیوع بیماری کرونا؛ انتشار اخبار مرگ و میر و فراوانی اطلاعات درباره کرونا به مجموعه‌ای از نگرانی‌ها و دستورالعمل‌ها منجر شده که سبک زندگی متفاوتی را ایجاد می‌کند. سرخ اهمیت یافتن سبک‌های زندگی را باید در ماهیت جنبش‌های هویت خواهی ۱۹۶۰ و پس از آن جستجو کرد. جنبش‌هایی که بیشتر به دنبال معنای زندگی بودند تا حفظ بقا. ارزش‌های حفظ بقا، انتخاب‌های اندک سبک زندگی در مقابل انسان قرار می‌دهد، به همین خاطر در گذشته و جوامع سنتی مسئله سبک زندگی مطرح نمی‌شد. در حالی که جنبش‌های هویت خواهی، سلسله ارزش‌ها و انتخاب‌های متفاوتی را ایجاد کرد؛ اما چرا سبک زندگی دوره شیوع بیماری کرونا اهمیت دارد؟ اگر این سبک زندگی مطابق هر شرایط بحرانی دیگری مثل

---

۱. دانشجوی دکتری جامعه شناسی مسائل اجتماعی / واحد تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور تهران /  
رایانامه: hanizahrai@gmail.com / تاریخ نگارش: دهم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۹.



جنگ، سیل یا زلزله برای دوره کوتاهی است، لاجرم نباید زیاد اهمیت پیدا کند و طبیعتاً نباید ساختارهای اجتماعی دیرپا را دچار تحوّل کند تا لازم باشد که درباره‌اش تأمل کنیم و انبوهی از نگرانی، تحلیل و پیش‌بینی تولید کنیم. با مرور تاریخچه واگیرهای مرگبار مطابق جدول ۱۵، متوجه می‌شویم که هر چه به جلو می‌آییم، فاصله بین این واگیرها کمتر می‌شود؛ مثلاً امسال دو واگیری آنفولانزا و کرونا را با هم تجربه کردیم؛ بنابراین با توجه به علل مختلفی که نیاز به فرصت دیگری است، فرض ما این است که این شرایط را طولانی‌مدت تجربه خواهیم کرد. ممکن است این واگیری زود صحنه را ترک کند، ولی هم احتمال برگشتش را باید در نظر گرفت و هم احتمال آغاز یک واگیری دیگر را نباید از نظر دور داشت. به نظر می‌رسد، جامعه برای مقابله با این واگیری‌ها، دستورالعمل‌های مقابله را باید در همه جنبه‌های زندگی و در طولانی‌مدت رعایت کند تا در نتیجه یک واگیری مثل کرونا، بی‌دفاع نباشد. این شبیخون می‌تواند سلسله بحران‌های دیگری در ابعاد مختلفی را رقم بزند.

**جدول ۱۵: برخی از بیماری‌های مسری و ویروسی مرگبار**

نام بیماری	سال شیوع	درصد مرگومیر نسبت به افراد مبتلا	مدت ماندگاری و شیوع
ایدز	۱۹۱۸	...	از ۱۹۱۸ تا کنون
ماربورگ	۱۹۹۸ تا ۲۰۰۰	۸۸	۲۱ ماه
کرونا سارس	۲۰۰۳	۱۰	۴
کرونا مرس	۲۰۱۲ ۲۰۱۴	۳۴	۲
ابولا	۱۹۷۶ ۲۰۱۴	۹۰	۱۰
نیپاه	۱۹۹۸	۷۵	۱۲

		۲۰۱۸	
	۴۰	۱۹۳۶ ۱۹۴۴ ۱۹۶۹ ۲۰۱۹	تب کریمه کنگو
	5	1918 2009 ۲۰۲۰	آنفلوآنزای H1N1
	۳	۲۰۲۰	کرونا

حال باید دید سبک زندگی دوران اپیدمی‌ها چه نوع سبک زندگی است؟ این سبک زندگی متأثر از ارزش‌های مقابله با واگیری کروناست. ارزش‌های کرونایی، مجموعه دستورالعمل‌های مقابله با بیماری مسری کروناست. این ارزش‌ها اعتبارش را از دانش پزشکی می‌گیرد و مبتنی بر تجارب عینی است. این ارزش‌ها از جنس ارزش‌های حفظ بقا است، به این خاطر پشتیبان یک نوع سبک زندگی خواهد بود. این سبک زندگی دارای مؤلفه‌هایی است:

- باید در خانه بمانیم. «خانه»، محور می‌شود و اعضای خانواده در خانه گرد هم جمع می‌شوند. همه اعضا تمام وقت حضور دارند. «تحصیل در خانه» به وسیله ابزارهای ارتباط دیجیتال انجام می‌شود. «کار در خانه» و دورکاری برای بخش زیادی از جامعه فراهم می‌شود. بار دیگر تولید کار خانگی احیا می‌شود. به همین، خاطر تقسیم کاری که ناشی از کار در بیرون خانه بود متحوّل می‌شود. تقسیم کار به دنبال زندگی شهری و افزایش جمعیت شهرها ایجاد شده بود؛ بنابراین کار در بیرون خانه، بسیاری از شغل‌های جدید، مثل آشپزی، بچه‌داری، پرستاری سالمند، رختشویی و اتوکشی، سبزی خرد کنی و ... را ایجاد کرده بود. حال با

بازگشت به خانه دیگر ضرورتی و نیازی به برخی شغل‌ها نیست. البته باید در آینده دید که چه نیازهای شغلی جدیدی ایجاد خواهد شد.

- کاهش تماس‌های حضوری با بیگانه. آنچه گفته می‌شد به دلایل شرایط جامعه متحرک، گفته می‌شد که خانواده سنتی نیازمند بازاندیشی است و باید آلترناتیوهای خانواده مثل ازدواج سفید، موقت و دیگر اشکال ازدواج را پذیرفت. امروز با توجه به سبک زندگی کرونایی این اشکال جدید روابط جنسی خطرآفرین و غیر منطقی خواهد بود. به این خاطر الگوی روابط با ثبات غالب خواهد شد. البته باید دید آیا فضای مجازی می‌تواند جایگزین‌هایی را مبتنی بر «سکس سایبری» مسلط کند و آیا این جایگزین‌ها خطرناک‌تر از کرونا نخواهند بود؟

- آنچه مربوط به مدیریت بدن بود و مبتنی بر ارزش‌های هویت‌خواهی، با توجه به خطر ابتلا از طریق کلینیک‌های زیبایی فعلاً تعطیل است. امروز مردها اصلاح سر و صورت را در خانه تجربه می‌کنند، بنابراین صنعت مدیریت بدن را اصل «در خانه بمانیم» دوچندان تهدید می‌کند.

- تحوّل مفهوم کار: تحوّل مفهوم کار، از کار یدی و کارخانه‌ای به کار اطلاعاتی و مبتنی بر بستر دیجیتال که از ویژگی‌های دوره جدید بود در دوران کرونایی سرعت بیشتری می‌یابد. اقتصاد، آموزش، حکمرانی، فرهنگ و ارتباطات اجتماعی دیجیتال در مدت یک ماهه اخیر در جهان اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده و به نظر می‌رسد که با طولانی شدن خطر این بیماری و احتمال شیوع بیماری‌های مشابه، این تحوّل سرعت بیشتری داشته باشد؛ مثلاً تحصیل، درمان و معاینه پزشکی، خرید، تعمیرات، سفر و گردشگری، پول و تولید سرمایه و... همگی از این تحولات متأثر و انتظار می‌رود بر بستر دیجیتال باز تعریف شود.

- با اضمحلال حیات اجتماعی بیرون خانه و الزامات محافظتی، عملاً مصرف تظاهری و مصرفگرایی کاهش می‌یابد و رکود اقتصادی ناشی از تحولات

کرونایی یک زندگی قناعت گونه را به ارمغان خواهد آورد؛ بنابراین نظام سرمایه داری دچار بحران و تحوّل خواهد شد.

- امروز همه نیازهای معنوی بشری، هم لذایذ جمعی و هم پرستش جمعی متوقّف شده است و نیازمند بازسازی است.
- در تقسیم جوامع بر اساس میزان دستورالعمل‌ها، جوامع کرونایی دارای سبک زندگی با دستورالعمل‌های زیاد و غیر قابل انعطاف خواهند بود.
- مفهوم «بنی آدم اعضای یک گوه‌رند» یا «همگی در یک قایق» هستیم از ساحت انتزاعی به شکل عینی تبدیل شده است، به گونه‌ای که انسان‌ها آگاه می‌شوند که حفظ زندگی خود، وابسته به سلامت دیگران است؛ بنابراین «مسولیّت اجتماعی» قابل لمس در نزدیکی مرز بین مرگ و زندگی است.
- برای کاهش شیوع، تحولاتی در مناسک و آیین‌های جمعی دینی اتفاق افتاده است و سبک زندگی دینی تغییراتی را تجربه می‌کند.
- خطر شیوع، «سیاست خیابانی» در جنبش‌های اجتماعی را غیر عملی می‌کند. همچنین بنا بر سیاست‌های دول مختلف، بسیاری از آزادی‌ها محدود و جهان حکمرانی اقتدارگرا، مسئول و غیر دمکراتیک را تجربه خواهد کرد.
- هرچند در ابتدای بحران کرونا نیاز به تأکید بر مرزهای ملی ضرورت یافته است، ولی به دلیل دیگر وابستگی‌های انسانی، نیاز به حکمرانی جهانی، قابل اعتماد، صالح و عادل، برای کنترل خطرات مشابه جهانی، بیش از پیش، درک می‌شود. جهان اجتماعی نه فقط آرزویش را دارد، بلکه این حکمران را می‌سازد.
- تغییرات بسیار زیاد فرهنگی و اجتماعی کرونایی، اقتصاد را دچار بحران‌هایی می‌کند. در پی آن تحولات دیگری رقم خواهد خورد که قابل تصوّر نیست و باید منتظر ماند. چیزی که آشکار است، این است که بحران‌ها توانایی تحرّک را زیاد می‌کنند؛ یعنی می‌توانند، جایگاه ملّت‌ها و کشورها را بشدّت تغییر دهد و مناسبات قدرت را دگرگون کنند؛ بنابراین جهان پسا کورنا می‌تواند خیلی متفاوت از قبل باشد.

۵۲۰ □ آزمون کرونا؛ دیدگاه‌ها و راهبردها (۳)

- به نظر نمی‌رسد، این تحولات محدود به دوره عمر کرونا باشد، زیرا که با کاهش فاصله زمانی واگیری‌ها، بشر برای بقا نیازمند سبک زندگی کرونایی است.

## ۳۲. باید به آغوش خانواده برگردیم!

فاطمه رایگانی<sup>۱</sup>

طلاق کوویدی،<sup>۲</sup> واژه‌ای است که اخیراً فرهنگ لغت‌های رسمی به لغاتشان اضافه کرده‌اند<sup>۳</sup> و در توضیحش نوشته‌اند: نوعی از طلاق که در اثر مسائل پیش‌آمده مربوط به کروناویروس در دنیا رخ می‌دهد؛ طلاق که به گزارش یورونیوز اولین موردش را یک زوج نیویورکی در ۲۷ مارس امسال ثبت کردند و بعد هم چین و فرانسه تحت عنوان یک بحران درباره آن ابراز نگرانی کردند. چند هفته بعد از تاریخ فوق، دولت فرانسه با اعلام این‌که در پی قرنطینه خانگی خشونت خانگی رشد ۳۲ درصدی داشته است هتل‌هایی را برای اسکان قربانیان این نوع خشونت اختصاص داد و در نهایت دبیرکل سازمان ملل در پی جهانی‌شدن این بحران خواستار حمایت از زنان و کودکان در دوران

---

۱. دانشجوی دکتری فلسفه محض / دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) / رایانامه: Raygani70@gmail.com  
تاریخ نگارش: اردیبهشت ۹۹.

2. Covidivorces

3. <https://www.dictionary.com/e/s/new-words-we-created-because-of-coronavirus/#covidivorce>

قرنطینه شد.<sup>۱</sup> اکونومیست نیز از آمریکا این‌گونه گزارش می‌دهد که اگرچه جرایم دیگر در این ایام پایین آمده اما جرایم خانگی افزایش معناداری داشته است.<sup>۲</sup> این خبرها نمونه‌های محدودی از هزاران خبر و اظهارنظر و ابراز نگرانی در این حوزه است که این روزها در پایگاه‌های خبری و خبرگزاری‌های رسمی می‌چرخد و این گمانه را در اذهان تقویت می‌کند که: کرونا بنیان خانواده‌ها را به چالش کشیده است.

### ۱. کرونا مقصر نیست

اگرچه با وجود بحران‌های اقتصادی پیش آمده در پی همه‌گیری و خانه‌نشینی اجباری خانواده‌ها، بدیهی است که معضلات خانوادگی نیز تشدید شوند، اما خطاست اگر گمان کنیم بحران جهانی خانواده ره‌آورد کرونا برای زندگی انسانی است و در چند ماه اخیر خلق شده است. آنچه که می‌بینیم محصول فروپاشی نه‌چندان پنهانی است که از چندین دهه قبل آغاز شده و حالا فقط فرصت بروز بیشتر یافته است. فرانسه که اکنون از تشدید خشونت‌های خانگی در پی قرنطینه نگران است همواره یکی از بالاترین نرخ‌های خشونت خانگی را در اروپا داشته است. به گزارش یورونیوز هرساله در این کشور چیزی در حدود ۲۱۹ هزار زن با خشونت مواجه می‌شوند و هر سه روز یک زن به‌دست همسر یا شریک زندگی‌اش کشته می‌شود.<sup>۳</sup>

البته بحران تنها مختص به فرانسه نیست. اتحاد ملّی مقابله با خشونت خانگی (NCADV) در یک گزارش تکان‌دهنده اعلام کرده است که در ایالات متّحده آمریکا در هر دقیقه بیست زن در خانه آزار جسمی می‌بینند و این

1. [www.euronews.com/amp/2020/03/28/domestic-violence-cases-jump-30-during-lockdown-in-france](http://www.euronews.com/amp/2020/03/28/domestic-violence-cases-jump-30-during-lockdown-in-france)

2. <https://www.economist.com/graphic-detail/2020/04/22/domestic-violence-has-increased-during-coronavirus-lockdowns>

باید به آغوش خانواده برگردیم! □ ۵۲۳

آمار در سال به بیش از ده میلیون می‌رسد و از هر ۱۵ کودک یک نفر شاهد عینی این خشونت است.<sup>۱</sup> نرخ جرائم خشونت‌آمیز جدی در کودکان و نوجوانان آمریکا چیزی در حدود ۲۱۵ هزار فقره گزارش شده است.<sup>۲</sup> در بررسی‌های پژوهشگران آمده که مهم‌ترین عوامل مؤثر در بروز و افزایش جرائم کودکان و نوجوانان والدین سواستفاده‌گر، طلاق والدین، خانواده‌های تک‌والدی، روابط ضعیف والد و فرزند، عدم کنترل و نظارت صحیح بر کودکان و ... گزارش شده است که تماماً در دایره خانواده معنا می‌شود<sup>۳</sup> و همچنین در اغلب انواع جرم کودکان، درصد کودکانی که با خانواده زندگی نمی‌کنند بیش از آن‌هایی بوده است که در خانواده سکونت دارند.<sup>۴</sup> در واقع این بحران در خانواده است که بحران آفرینی در جامعه را با خود آورده است.

## ۲. ریشه بحران کجاست؟

ممکن است توهم شود که این بحران‌های خانوادگی هزینه‌ای است که انسان عصر حاضر برای مدرن‌شدن پرداخته و برای ساختن تمدن جدید چاره‌ای جز خروج از بافت سنتی نداریم و خانواده نیز یکی از نهادهایی است که باید از سنت پیشین خود عبور کند. اما انتقال فرهنگ و ساخت تمدن بدون نهاد خانواده ممکن نیست.<sup>۵</sup>

زیگموند باومن<sup>۶</sup> (۱۹۲۵) صاحب نظریه مدرنیته سیال در کتاب *عشق*

---

1. <https://ncadv.org/statistics>

2. <https://www.statista.com/statistics/477466/number-of-serious-violent-crimes-by-youth-in-the-us/>

3. <http://www.surgeongeneral.gov/library/youthviolence>

4. <https://aspe.hhs.gov/basic-report/partial-listing-problems-facing-american-children-youth-and-families#exhibit2>

۵. رک. سیدعلی خامنه‌ای، خطبه عقد ۱۳۷۷/۱/۲۶

6. Zygmunt Bauman



سیال<sup>۱</sup> خود توضیح می‌دهد آن مفهوم از مدرنیته که بشر به دنبال آن بود هرگز رخ نداد و آنچه پیش آمد انحرافی از آن اندیشه اصلی است که دنیایی از تضادها را ایجاد کرده است و روابط انسانی و خانوادگی نیز از این تضادها در امان نمانده‌اند. او معتقد است با سرمایه‌ای شدن همه چیز و میل به آزادی مفرط، تعهد بلندمدت در روابط عاشقانه را ملال‌آور کرده و افراد نگران هستند روابط پایدار، آزادی‌های آن‌ها را محدود کند. از همین رو تعهدات نیز مانند هر چیز دیگری باید آغاز و پایانی داشته باشند<sup>۲</sup> پس به محض اینکه پیوندها بخواهند آزردهنده شوند می‌توان آن‌ها را گسست<sup>۳</sup>. او در ادامه توضیح می‌دهد که در چنین شرایطی حتی به فرزندآوری هم با نگاه مصرفی نگریسته می‌شود و اگر صرفه نداشته باشد از میزان آن کاسته می‌شود.<sup>۴</sup> او فرهنگ مصرفی اکنون را با فرهنگ ساختن در گذشته مقایسه می‌کند و در نهایت تنها راه برون‌رفت از وضعیت سیال رو به زوال اکنون را بازگشت از مصرف خانواده به ساختن خانواده می‌داند.<sup>۵</sup> در غیر این صورت ممکن نیست جامعه‌ای ساخته شود.

چنین تحلیلی در نهایت منجر به تجویز بازتعریف روابط انسانی در دنیای مدرن می‌شود که باید بیش از هرچیز نگاه مصرفی را از خانواده بزداید و با بازگشت به محبت و مودت پیوندهایش را از نو بسازد.

1. Liquid love: On the frailty of human bonds. Cambridge, UK: Polity Press. (2003).

۲. همان صص ۱۱-۱۴

۳. همان ص ۱۶

۴. همان ۳۷

۵. همان ۱۲۲ و ۱۴۴

### ۳. چه باید کرد؟

انقلاب اسلامی ایران به مثابه احیاگر زیست جهان دینی در عصر مدرن، نگاه دیگری به خانواده دارد. در این نگاه جامعه و خانواده نمی‌توانند جدای از یکدیگر مسیر تعالی خود را بپیمایند. همچنان که بدن انسان از سلول تشکیل شده و نابودی، فساد و بیماری سلول‌ها به‌طور قهری و طبیعی، معنایش بیماری بدن است و اگر توسعه پیدا کند به وضعیت خطرناکی برای کل بدن انسان منتهی می‌شود، جامعه هم از سلول‌هایی تشکیل شده و این سلول‌ها خانواده‌ها هستند. هر خانواده‌ای یکی از سلول‌های پیکره اجتماع است. وقتی این سلول‌ها سالم بودند و رفتار درست داشتند بدنه جامعه سالم خواهد بود.<sup>۱</sup> بر همین اساس می‌توان گفت جامعه بی‌خانواده جامعه آشفته و نامطمئنی است که در آن موارث فرهنگی و فکری و عقاید نسل‌ها به یکدیگر منتقل نمی‌شود و تربیت انسان به‌راحتی و روانی صورت نمی‌گیرد.<sup>۲</sup> حفظ بستر خانواده اولاً نیازمند این است که سه عنصر اصلی‌اش یعنی زن، مرد و فرزندان، جامعه و قانون به آن احترام بگذارند.<sup>۳</sup> این که می‌بینیم وضعیّت خانواده در جوامع امروز غربی به نقطه بحران می‌رسد بیش از همه محصول کوچک شمردن این نهاد و تبدیل آن از یک امر مستمر بادوام به یک کالای مصرفی گذراست.<sup>۴</sup> بدیهی است جامعه‌ای که در آن خانواده بلرزند پایه‌های مدنیت به لرزه درخواهد آمد.<sup>۵</sup>

---

۱. رک. سیدعلی خامنه‌ای، خطبه عقد ۱۳۸۱/۳/۸

۲. رک. سیدعلی خامنه‌ای، خطبه عقد ۱۳۷۷/۱۰/۲۹

۳. رک. سیدعلی خامنه‌ای، خطبه عقد ۱۳۷۷/۱/۱۹

۴. رک. سیدعلی خامنه‌ای، خطبه عقد ۱۳۷۸/۱/۲۴

۵. رک. سیدعلی خامنه‌ای، خطبه عقد ۱۳۷۶/۱۱/۹

از مهم‌ترین محصولات مدرنیته برای نهاد خانواده جابجایی نقش‌های عناصر آن است که لاجرم تضییع حقوق طرفین را به دنبال داشته است.<sup>۱</sup> فرقی ندارد زن باشد یا مرد و یا حتی فرزند. حقوق و تکالیف تک‌به‌تک این عناصر در خانواده و نقشی هر یک ایفا می‌کنند تعیین‌کننده شاکله خانواده است. وقتی به هر دلیلی مادری امکان فعلیت کامل نمی‌یابد یا پدری با فروکاسته شدن به عامل اقتصادی در تمام ابعاد خود بروز نمی‌کند و فرزندان پیوند کامل با والدین خود نمی‌یابند خانواده در مسیر سراسیمه‌ی قرار می‌گیرد و در مواقع بحرانی تزلزل خود را نمایان می‌کند. برعکس، اگر همه عناصر در جای خود به بهترین نحو نقش ایفا کنند هیچ شرایطی نمی‌تواند بنیان چنین خانواده‌ای را به چالش‌های برگشت‌ناپذیر بکشانند.

#### ۴. کرونا یک نمونه است

بحران کرونا در ابتدا یک چالش برای علم پزشکی به نظر می‌رسید؛ یک ویروس ناشناخته که در یک فرآیند نامعلوم ایجاد شده و جامعه پزشکی جهان را به خود درگیر کرد. در چنین شرایطی آن جوامعی می‌توانستند امید به برون‌رفت از این بحران داشته باشند که به لحاظ پیشرفت‌های پزشکی در رتبه بالاتری قرار گرفته و امکانات بیشتری برای تشخیص و درمان این ویروس دارند. اما با گذشت چند هفته از این درگیری جهانی علم پزشکی نتوانست کمک‌چندانی به این وضعیت بکند و بشر مدرن چاره‌ای نداشت به جز خانه‌نشینی؛ خانه‌ای که دیگر فقط خوابگاه یا اقامتگاه گذری نیست بلکه پناهگاهی است که قرار است ما را از بحران حفظ کند و خانه‌ای می‌تواند چنین کاری کند که سکونت‌گاه یک خانواده سالم باشد. هرچند که خانه‌نشینی در ظاهر امری

۱. رک. سیدعلی خامنه‌ای، خطبه عقد ۱۳۷۸/۱۲/۲۲.

باید به آغوش خانواده برگردیم! □ ۵۲۷

منفعلا نه به نظر می‌رسد که کارکردش فقط دورماندن از بیماری و البته کندکردن سرعت پیشرفت آن است، اما تجربه جهانی در این مدت نشان می‌دهد خانواده علاوه بر این، نقش‌هایی مهم‌تری نیز در مدیریت این بحران ایفا می‌کند. مدیریت عواطف منفی ایجاد شده در پی بحران، درمان‌های خانگی کم‌هزینه در مقابل هزینه‌های گزاف بستری و کمبود امکانات بیمارستانی، ادامه امر آموزش در شرایط تعطیلی نهادهای علمی و آموزشی و ... نمونه‌هایی از کارکردهای خانواده در این شرایط است که تنها در خانه‌هایی محقق می‌شود که عناصر یک خانواده را به‌درستی در کنار هم دارند.

با این اوصاف گزافه نیست اگر بگوییم بحران کرونا بیش از آن که در جوامع دارای توان پزشکی بالا مدیریت شود در کشورهای مدیریت شد که نهاد خانواده در آن استحکام بیشتری داشته‌اند. در آن کشورهایی که خانواده پایه درستی ندارد این خانه‌نشینی‌ها قابل تحمل نیست و خود بحران دیگری می‌آفریند اما در کشور ما خانواده دُور هم جمع شدند با نقش پررنگ مادری همراه با صبوری و سازندگی عملکرد خوبی را در مقابله با مشکلات اخیر تجربه کردند.<sup>۱</sup>

این نمونه عینی نشانه‌ای است برای گفتمان‌های خانواده‌گرا که بار دیگر در اهمیت نهاد خانواده تأکید کنند و هشدار برای جوامع سبک‌شمارنده خانواده که از گناه کبیره خانواده‌گریزی دست بکشند. زیرا این خانواده است که در بحران‌ها پناه ماست و در شرایطی که درهای همه محافل و مجالس و ادارات بسته است به سمت ما آغوش باز می‌کند. ما بدون این آغوش در جهان معاصر پناه دیگری نداریم...

---

۱. رک. سیدعلی خامنه‌ای، ۲۱/۰۲/۱۳۹۹، بیانات در ارتباط تصویری با ستاد ملی مبارزه با کرونا.



### ۳۳. با کرونا به خانه بر می‌گردیم!

محمّد رضا آرام<sup>۱</sup>

وقتی سخن از قرنطینه به میان می‌آید، معمولاً تصور زندانی شدن به ذهن‌ها متبادر می‌شود. انسان قرنطینه یعنی انسان محدود، یعنی کبوتر بی‌بال و پر. چقدر این واژه چندان آور و وحشتناک است!

ما انسان‌های دوران مدرن، عادت کرده‌ایم به گشت و گذار، عادت کرده‌ایم به تنوّع طلبی؛ ما سال‌هاست از دوران خانه‌نشینی فاصله گرفته‌ایم. امروز خانه خریدن، نماد پیشرفت، و در خانه ماندن نماد رکود است. اگر کسی مریض شود و از ادامه فعالیت‌های روزمره‌اش جاماند، می‌گویند «خانه نشین شد» و یا اگر کسی با دیگران قهر و قطع رابطه کند، می‌گویند «خانه نشین شد». شاید هم درست باشد این تعبیر وقتی خانه، سرپناه و مأمن هر فرد است و «خانه خراب شدن» به نماد اوج بدبختی هر کس تبدیل شده است. امروز ویروسی به جان ما انسان‌های در شهر افتاده و ما را در سنگر خانه‌هایمان، خانه‌نشین کرده است. کرونا هم حرمت این سنگر را خوب

---

۱. پژوهشگر حلقه سیاست خانواده مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

می‌داند و وارد حریم امن آن نمی‌شود. شاید آمده است تا ما تغییری در سبک زندگی - یا بهتر است بگوییم خانه نشینی- خود ایجاد کنیم.

کجا بودی کرونا؟ دقیقاً کجا بودی؟ شاید تو همان ضدویروسی هستی که به دنبالش بودیم! نکند آمده‌ای تا دوباره به خانه‌هایمان جان ببخشی و همه اعضای خانواده را دوباره دور هم جمع کنی؟! شاید آمده‌ای تا دوباره مثل روزهای عقد زیر یک سقف گل بگوییم و گل بشنویم.

امروز خانه مدیر داخلی پیدا کرده است. از امروز به بعد کدبانوی خانه قرار است بیشتر برای اداره امور منزل وقت بگذارد. تا دیروز پول در می‌آورد که خرج خانه کند، اما امروز با جان و دل، خودش را خرج خانه می‌کند. از امروز به بعد بیشتر در کنار همسر احساس آرامش می‌کند و حالا این همسرش هست که با او از آینده‌ها، خارج شدن از روزمرگی‌ها و تصمیمات بزرگ سخن می‌گوید.

تا دیروز کارمند و متفکر برنامه‌های اداره یا شرکت یا آموزشگاه بودیم، اما امروز می‌توانیم برای آینده خودمان، فرزندانمان و از همه مهم‌تر تربیت آن‌ها بازاندیشی کنیم.

امروز مردها بهتر قدر همسرانشان را می‌دانند؛ با کمی ظرفیت شستن، نظافت منزل، تمرین آشپزی و بازی با کودکان، بهتر می‌فهمند خانه داری یعنی سخت‌ترین کار دنیا.

وقتی محیط خانه شاد و سرگرم‌کننده باشد، جایی برای ترس از آلوده شدن به ویروس کرونا یا ویروس‌های فضای مجازی وجود ندارد. وقتی پدری با فرزندش ساعتی در خانه بازی کند، مگر فرزند آن را با بازی رایانه‌ای یا گشت و گذار بیهوده در فضای مجازی عوض می‌کند؟! وقتی مادری برای فرزندش قصه می‌گوید، چرا گوش فرزند بدهکار ترانه‌های مخرب یا شایعات

خانمان برانداز باشد.

امروز روح پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها هم شادتر شده. سهم آن‌ها از این روزهای ما تنها یک فاتحه نیست. از خاطرات خوش گذشته‌ها نقل می‌کنیم، از داستان‌های زیبای مادربزرگ و اشعار نابی که پدربزرگ به ظاهر بی‌سوادمان همیشه در میهمانی‌ها می‌خواند. همه با هم می‌خندیدم و همه با هم گریه می‌کردیم. انگار همه یکی شده بودیم. حالا بهجت و شادی ما در خانه، جای ایموچی‌ها و استیکرهای تصنعی را گرفته و محیط خانه محملی شده برای لاو ترکاندن‌های واقعی.

وقتی فضای خانه پر از عشق و عاطفه شد، چه جایی برای عشق‌های خیابانی و مثلثی و مربعی باقی می‌ماند؟! وقتی محیط منزل پر از شادی و معنویت شد، چه جایی برای گرایش به بلای خانمان سوز اعتیاد وجود دارد؛ وقتی فضای خانه پر از علم و معرفت باشد، چه جای نگرانی برای جولان فضای مجازی وجود خواهد داشت. پس چه بهتر که مدتی در خانه قرنطینه شویم تا دوباره خانه‌ای از نو بسازیم و از نو آدمی.

فرصت خوبی فراهم شده برای تمرین خانه‌سازی و خانه تکانی. بیرون از منزل، خانه می‌سازند تا بفروشند و اینجا خانه می‌سازیم تا انسان بسازیم. وقت عید خانه تکانی می‌کنند تا به میهمانی بروند، اینجا خانه تکانی می‌کنیم تا دوباره به خانه برگردیم.





## ۳۴. صله رحم را بیشتر کنیم!

### محمدرضا آرام<sup>۱</sup>

خدا لعنتت کند کرونا! همین ظاهری که از صله رحم برایمان باقی مانده بود را از ما گرفتی و حالا پرده از عمق این روابط برداشته‌ای. حالا خوب می‌فهمیم که در استخرهای بادی کم عمق مشغول شنا بودیم! انگار این دید و بازدیدهای ضربتی ایام عید برایمان تبدیل شده بود به یک رفع تکلیف برای ادای این واجب الهی.

وقتی سخن از صله رحم به میان می‌آید، عموماً ذهن‌ها به دید و بازدیدهای عید نوروز و میهمانی رفتن‌ها و میهمانی دادن‌ها متبادر می‌شود. تمام تعاملات و رفت و آمدها و احوال‌پرسی‌های ما محدود شده به عید نوروز، مخصوصاً هفته اول آن. امشب همگی میهمان خاله بزرگ هستیم و فردا شب همگی میهمان خاله کوچک. الباقی سال که همه گرفتاریم و مشکلات خودمان را داریم؛ یعنی اصلاً باقیمانده سال، نه ما به مشکلات دیگران کاری داریم و نه آن‌ها به مشکلات ما کار دارند. همان دید و

---

<sup>۱</sup> . پژوهشگر حلقه سیاست‌خانواده مرکز رشد دانشگاه امام صادق (ع)

بازدیدهای سالانه هم نباید حرفی از مشکلات خود بگوییم یا گوشی به شنیدن درد دل‌های خویشاوندان بدهکار کنیم.

اصلاً به من چه که پسرعمو ۳۵ ساله شده و ازدواج نکرده! به من چه که دختر دایی با یک بچه در حال طلاق گرفتن از همسرش هست! به من چه که شوهرخاله‌ام بابت کرونا ورشکست شده و در فشار مالی شدیدی هست! به من چه که برادرم پنج سال از زندگی مشترکشان می‌گذرد ولی هنوز فرزندی ندارند! به من چه که خواهرزاده‌هایم به سن ازدواج رسیده‌اند ولی جهیزیه ندارند! به من چه که حجاب دخترعمه‌هایم روزبه روز در حال آب رفتن است! باجناق که اصلاً قوم و خویش نمی‌شود! به من چه که باجناقم کرونا گرفته و در مضیقه شدید مالی است. اصلاً به من چه که در زندگی دیگران دخالت کنم! من خودم هزار و یک مشکل دارم.

شکر خدا مباحث سیاسی کشور آنقدر داغ هستند که نُقل هر محفل و مجلس باشند! رسانه ملی که رسانه ما قوم و خویش‌هاست هر ساله آنقدر در ایام نوروز فیلم و سریال دیدنی پخش می‌کند که بخواهد در همین میهمانی‌های تصنّعی، ما را برای دیدن دسته‌جمعی یک فیلم گردهم جمع کند. اصلاً دلم لک‌زده برای پذیرایی این دید و بازدیدها. تالارهای پذیرایی آماده پذیرایی از میهمانان هستند. شما کافیست به تالار پذیرایی رفته و شیرینی و شربت و شامی نوش جان کنید. اگر موفق شدید در آن شلوغی میزبان را زیارت کنید، سلام ما را هم به ایشان برسانید!

آیا به‌راستی منظور خداوند از وجوب انجام صله رحم و پاداش‌های عظیم انجام آن و عقوبت‌های شدید ترک آن، این بود که حالا با یک ویروس میکروسکوپی از بین برود؟ اگر صله رحم همین دید و بازدیدهای پارسال ما بود، امروز هم با تماس تصویری و بدون صرف هزینه رفت و آمد و پذیرایی و

صله رحم را بیشتر کنیم! □ ۵۳۵

... قابل تحقق است. پس چرا اینقدر معصومین (ع) تأکید دارند که برای صله رحم اگر یک سال هم نیاز به سیر و سفر بود، این راه را برو<sup>۱</sup>.

صله از ریشه «وصل» به معنای پیوستن و متصل شدن و متضاد آن قطع و گسستن هست. از آنجا که انسان موجودی نیازمند است و دیگران مجرای برای تأمین نیازها و مشکلات او هستند، بیشترین چیزی که او را با دیگران متصل می‌کند نیازهای اوست. هر قدر زنجیره تأمین این نیازها و حل این مشکلات در ارتباط با ارحام فرد باشد، اتصال با رحم محکم‌تر می‌شود. بالعکس هر قدر ارحام فرد نقشی در حل مشکلات و تأمین نیازهای او نداشته باشند، این ارتباط گسسته‌تر خواهد شد.

هر چند دید و بازدیدها و اطلاع از حال و روز خویشان اولین رتبه صله رحم محسوب می‌شود، اما وقتی مراجعه‌ای به احادیث معصومین (ع) در باب صله رحم می‌کنیم، متوجه می‌شویم که اساساً صله رحم به معنای تأمین نیاز یا رفع مشکلات ارحام است. حال این نیاز مادی باشد یا غیر مادی. در یک کلام معنای حقیقی صله رحم «مواسات» و کمک‌رسانی به خویشاوندان است<sup>۲</sup>. در روایت آماده است که اگر قوم و خویش محتاج و نیازمندی داشته باشی ولی نیاز فرد دیگری را مرتفع ساختی، این کار تو صدقه و معروف نیست<sup>۳</sup>.

باید قبول کنیم که بسیاری از گره‌هایی که در زندگی امروز ما افتاده، نتیجه بی‌توجهی‌های دیروز ما نسبت به ارحام ماست. هر چه قدر نسبت به مشکلات ارحام خود که با هم پیوند خونی داریم کمتر شد، گره‌هایمان بیشتر و پیچیده‌تر شد. وقتی من می‌توانم با یک واسطه‌گری ساده خواهرزاده‌هایم

---

۱. «سِرُّ سَنَةِ صَلِّ زِحْمَكَ» (من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص: ۳۶۱)

۲. الکافی، ج ۲، ص: ۱۵۴.

۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص: ۶۸.

را به خانه بخت بفرستم یا با معرفی یک فرصت شغلی به شوهرخاله‌ام، کاری برای او دست و پا کنم، آن‌ها هم فردا به داد مشکلات من خواهند رسید. با این حساب نباید قطع رحم‌های خود را به گردن کرونا بیاندازیم. اتفاقاً با این شرایط کرونایی فرصت‌های بیشتری برای صلہ رحم به رویمان گشوده شده است. بسیاری از اقوام و خویشانمان هستند که این روزها به نان شب محتاجند. ریش‌سفیدهای قوم توان خروج از منزل برای تأمین مایحتاج زندگی و مراجعه به داروخانه برای خرید داروهایشان را ندارند. بسیاری از ارحامان در این تعطیلی‌ها وسیله‌ای برای جابجایی ندارند. برخی زوج‌های جوان فامیل نیاز به مشاوره در مسائل خانوادگی دارند. یقیناً پرداختن به هر کدام از این مشکلات فامیل صلہ رحم واقعی است.

## ۳۵. ارتباطات کرونایی: موقعیت‌یابی تقاطع غیرهم‌سطح ارتباطات سلامت، ارتباطات بحران، کرونا و همدردی رسانه‌ها

داوود طالقانی<sup>۱</sup>

شرّ زمین را در نوردیده بود. تباهی بر جان‌ها چیره شده و زندگی دیگر معنایی نداشت. دنیا سهم ما انسان‌ها بود و انسان‌ها روز به روز کمتر می‌شدند. تصویری که مجموعه فیلم‌های «رزیدنت اوایل» از گسترش ویروس T ساخته شرکت آمبرلا به مخاطب خود ارائه می‌کرد، چنین است. در میانه این قرون تاریک آینده، یکی از درماندگان، از جای می‌خیزد و سعی می‌کند که معامله را بر هم بزند. مبارزه با ویروس T و مبتلاشوندگان به آن محور اصلی این فیلم است. رزیدنت اوایل نقطه راهبردی در چهارراه ارتباطات سلامت، ارتباطات بحران، کرونا و همدردی رسانه‌هاست. با مشخص شدن هر یک از ورودی‌ها و

---

۱. کارشناسی ارشد معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات / دانشگاه امام صادق علیه‌السلام / رایانامه:

pr.davood1374@gmail.com / تاریخ نگارش: ۹۹/۳/۲۷.

خروجی‌ها و مسیرهای این چهارراه، می‌توان موقعیتی را که در آن به سر می‌بریم، به میانجی رزیدنت اوایل پدیدارشناسی کرد و خود را در آن یافت: «ارتباطات کرونایی».

### ۱. حق تقدّم با کیست؟ ارتباطات بحران

هنگامه‌ای به درک وقوع بحران می‌رسیم که شاهد اختلال در نظم اجتماعی و اغتشاش برای نظام سیاسی هستیم. در موقعیت بحرانی، خطرهای آشکارتر می‌شوند و نسبت به آسیب‌ها احساس نزدیکی می‌کنیم. نابودی و مرگ بزرگ‌ترین احساسی است که در بحران به رسمیت شناخته می‌شود. بحران‌ها همیشه بوده‌اند، اما مدرنیته بود که بازاندیشی درباره آن‌ها و مخاطرات‌شان را یادآوری کرد. سودای مقابله و دفع بحران‌ها، اشکال گوناگونی دارد و در ساحات مختلف، اندیشه خود را نمایان می‌کند. برای دانش ارتباطات، ارتباطات بحران، همان زمینه‌ای است که قصد دارد نیروی کنترل شده را کنترل و به مسیر عادی‌اش برگرداند.

ارتباطات بحران شاخه‌ای نسبتاً جدید از گرایش‌های مطالعات رسانه است. شاید بتوان دو رویکرد اصلی برای آن قائل شد؛ اول، این‌که چگونه می‌توان با رسانه‌های جمعی به مقابله با بحران‌ها و مخاطرات پرداخت؟ پاسخ اجمالی به این پرسش جدای از کارکردهای رسانه‌ها نیست: آموزش، خبر و بسیج منابع انسانی.

رویکرد دیگر ارتباطات بحران، تعاملات اجتماعی و ارتباطات میان‌فردی و روابط عمومی را مد نظر قرار داده تا بحران‌ها نتوانند مانع آسیب‌رسانی به آن‌ها شوند. به نظر می‌رسد در این وضعیتی که به سر می‌بریم، یعنی وضعیت کرونایی، کرونازدایی از محیط و آگاهی جمعی مهم‌ترین رسالت رسانه‌ها در حیطه ارتباطات بحران باشد.

## ۲. خط عابر پیاده، ارتباطات سلامت:

پیش از شروع کرونا، ارتباطات سلامت، محدوده کوچکی داشت و به مراتب کمتر از سایر شاخه‌های ارتباطات نام آن در ایران شنیده می‌شد. ارتباطات سلامت را به روابط پزشک و بیمار، بیمار با بیمار و کارکنان بیمارستان صورت‌بندی می‌کنند، که آن هم در چارچوب سازمانی به نام بیمارستان قابل ردیابی است، اما امروز گفته می‌شود که کرونا همه جا هست. وقتی بیماری همه‌جایی شد، بیمارها از دایره درمانگاه خارج می‌شوند و جامعه تبدیل به بیمارستان می‌شود. پس از کرونا می‌توان کتاب دیگری از روی دست میشل فوکو نوشت و گسست دیگری برای پزشکی بالینی و درمانگاه جستجو کرد. وقتی فضاهای عمومی متهم به کروناییزه شدن هستند، ارتباطات سلامت نیز در همان فضاها موضوعیت می‌یابد. در این جا ارتباطات سلامت برای تک‌تک شهروندان اهمیت یافته و ارتباطات انسانی به ذیل این شاخه در می‌آید. دیگر، مسئله فرادستی پزشک و فرودستی بیمار نیست. هر کسی به چشم هیولا نگریسته می‌شود و پرستاران مراقبت‌های ویژه با لباس‌های مخصوص نیز هیولالوش می‌شوند. شاید مانند فیلم رزیدنت اوایل افراد اسلحه شات‌گان به دست بگیرند، ولی تصورات افراد از یکدیگر همان است. برساختی دوگانه از مبتلایان در موقعیت کرونایی وجود دارد که ارتباطات سلامت کمک می‌کند آن را بهتر درک کنیم. از طرفی همه ما برای مبتلایان آرزوی بهروزی و تن‌درستی و بازیابی سلامتی می‌کنیم، و از سوی دیگر، آنان را یک «دیگری» خطرناک و تهدیدکننده برای خود می‌خوانیم که مبادا ما نیز آلوده‌شان شویم. (به راستی این جا هیولا چه کسی است؟) معمولاً به دلیل قرارگیری در تعارض اخلاقی ترجیح داده می‌شود که این دوگانه کنار هم همنشین نشود.



### ۳. موتورسیکلتی بدون پلاک و سرنشین، کرونا

چند هزار ساعت ویدئوی آموزشی درباره کرونا با محتوای هشدارآمیز و انگیزشی از سوی پزشکان سراسر دنیا ضبط و در رسانه‌های اجتماعی بارگذاری شده است. همه ما بسیاری از این فیلم‌های تهیه شده را دیده‌ایم. اما، آیا به‌راستی بالاخره فهمیدیم که با چه طرفیم؟

از سوپ خفاش تا خوراک مورچه‌خوار زره‌ای به‌مثابه علت شیوع کرونا معرفی شده است. کرونا مورد جالبی است برای این که نشان دهیم علی‌رغم توسعه ارتباطات، تقویت زیرساخت‌ها و افزایش تحصیلات، آگاهی بشری و شناختش نسبت به جهان کماکان اوضاع درست و حسابی ندارد. سؤال قدیم فلاسفه درباره علت را از کرونا نیز بپرسیم و پاسخ‌ها را در این هزاران و میلیون‌ها ویدئو جستجو کنیم:

- علت مادی کرونا چیست؟ (یا به عبارت دیگر، کرونا از چه چیزهایی ساخته شده است؟)؛
- علت صوری کرونا چیست؟ (کرونا خود را چگونه نمایش می‌دهد؟)؛
- علت فاعلی کرونا چیست؟ (آیا کرونا ویروسی از طبیعت بوده یا ساخته بشر در آزمایشگاه است؟)؛
- علت غایی کرونا چیست؟ (کرونا جهان را به کدام سمت می‌برد؟ مرگ شاید قاطع‌ترین جواب باشد).

البته باید متذکر شد که باز هم جوابی فارغ از تشکیک برای این سؤالات هنوز داده نشده است. خصلت ویروس‌گونه بیماری‌های جدید عملاً این سؤال‌ها را بی‌معنا کرده است.

### ۴. بن‌بست هم‌دردی با رسانه‌ها:

رسانه‌های جمعی از مخاطبان خود و رسانه‌های اجتماعی از کاربران خود

انتظار دارند که در برابر انتشار اخبار بحرانی، هم‌درد با آسیب‌دیدگان باشند و با ابراز احساسات و برون‌ریزی عواطف، واکنش خود را نشان دهند. اما، به نظر می‌رسد که این واکنش، چندان هم اخلاقی نیست. سوزان سونتگ، عکاس و نظریه‌پرداز معروف آمریکایی اولین کسی بود که به این سؤال فلسفی را در قبال رسانه‌ها پیش کشید: «وظیفه اخلاقی ما در برابر مشاهده تجربه رنج دیگران چیست؟» سونتگ می‌گفت که هم‌دردی با رسانه‌ها منجر به دو امر می‌شود: اول این که رنج را بازتولید می‌کنند. علاوه بر فرد رنج‌دیده، مشاهده‌گران او نیز با مشاهده رنج او، رنج می‌برند. تأثیر دوم هم‌دردی، افزایش قدرت رسانه‌هاست. کنترل عواطف و مدیریت احساسات مخاطبان با هم‌دردی آن‌ها به رسانه‌ها سپرده خواهد شد. سونتگ مدعی بود که به نظاره نشستن فجایعی که در کشورهای دیگر در حال وقوع هستند، از جمله ناب‌ترین تجربه‌های دوران مدرن است. او پخش اخبار جنگ آمریکا با ویتنام را به «سریال مرگ قسطنطنیه» نامگذاری کرده بود. هر روز تلویزیون اعلام می‌کرد که چند نفر در ویتنام می‌میرند. مانند اخبار شیوع کرونا، که هر روز بر تعداد مبتلایان و جان‌باختگان افزوده می‌شود. به زعم لیلی چولیاراکی، تلویزیون قابلیت تبدیل شدن به «رژیم ترجمه‌مدار» را دارد، زیرا ارزش‌های اخلاقی خاصی را با هم‌دردی ترویج می‌کند.

## ۵. منابع و مآخذ

سونتگ، سوزان، نظر به درد دیگران، جلد ۱۷ مجموعه هنر و تجربه زندگی، ترجمه احسان کیان‌خواه، نشر گمان، ۱۳۹۵.

نجفی، صالح، پرسونا، جلد ۳ مجموعه فیلم به مثابه فلسفه، نشر لگا، ۱۳۹۷.

طالقانی، داوود، علیه هم‌دردی با رسانه‌ها: پرسشی پیرامون اخلاق ارتباطات، روزنامه فرهیختگان، ۱۳۹۷/۱۰/۳۰.



بخش چهارم: تمدن و آینده‌نگری



## ۳۶. در جستجوی حکمرانی خدا در ماجرای کرونا: تحلیلی مبتنی بر روندپژوهی آیات این زمانه

محمد مهدی ذوالفقارزاده<sup>۱</sup>

سؤال کانونی که این نوشتار کوتاه در پی پاسخگویی به آن است این است که به مثابه یک انسان «موحد شیعه» از چه منظری باید به پدیده کرونا نگریست؟ قبل و بعد این پدیده را چگونه باید تحلیل کرد تا دست خدا و رد حکمرانی او را در آن متوجه شد؟ به هر حال پدیده کرونا، به پدیده‌ای فراگیر و جهانی تبدیل شده است و در این سطح وسیع، آیا اثری از مداخله خدا و حاکمیت او قابل ردیابی است یا خیر؟ اگر پاسخ منفی باشد، پس نگاه توحیدی در حکمرانی خدا در عالم چه می‌شود و اگر پاسخ مثبت باشد، کیفیت پاسخ و شیوه نگرش اهمیتی مضاعف می‌یابد. قطعاً پاسخ این نوشتار، به این سؤال اخیر مثبت است و تلاش آن این است تا بر اساس مبانی و بنیادهای مستحکم قرآنی که مجال برای بیان تفصیلی آن در این نوشتار کوتاه نیست، پاسخ سؤالات فوق را مشخص نماید با این پیش‌فرض

---

۱. استادیار دانشکده مدیریت دانشگاه تهران / zolfaghar@ut.ac.ir / ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۹.

که بر خلاف تحلیل‌های رایج دینی، کرونا را مصداق عذاب الهی نمی‌داند.

### ۱. کرونا فتنه‌ای از جانب دشمنان، نه عذاب الهی

بر این اساس، اولین نکته آن است که کرونا بر خلاف برخی تحلیل‌های رایج در فضا و گفتمان دینی، عذابی از جانب خدا در آغاز شکل‌گیری آن نبود و نیست؛ بلکه فتنه‌ای از جانب افراد و دشمنان بشریت است که به جان آدمیان انداخته شد. اینکه این فتنه را به بیان آیه ۱۰ سوره عنکبوت<sup>۲</sup>، در جایگاه عذاب خدا قرار دهیم، مورد نکوهش است و این دو قطعاً با یکدیگر تفاوت‌های ماهوی بسیاری دارند، هر چند در نظام توحیدی، «کُلُّ بَيْدَالٍ»<sup>۳</sup> است.

### ۲. کرونا و مکر خدا در پی مکر دشمنان: در جستجوی حکمرانی خدا

حتی اگر گزاره دست‌ساز بودن و ماهیت فتنه‌گون کرونا محل شک و تردید باشد و در آینده چون و چند آن مشخص شود؛ اما از یک موضوع نمی‌توان چشم‌پوشی کرد و آن رفتارهای کشورهای غربی و امریکا زمانی است که این فتنه در ایران، آغاز به رشد کرد. نگاهی اجمالی به تحلیل‌ها، اخبار، اظهارنظر افراد کلیدی و حاکمان این کشورها و جنگ به اصطلاح هیبریدی که توسط رسانه‌های این کشورها علیه ایران راه افتاد، بر کسی پوشیده نیست و همگی حکایت از «مکری گسترده» از سوی دشمنان در این میان دارد. خود این

۲. [عنکبوت ۱۰] - وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَ لَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِنْ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوْ لَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ / و از میان مردم کسانی‌اند که می‌گویند: «به خدا ایمان آورده‌ایم» و چون در [راه] خدا آزار کشند، آزمایش مردم را مانند عذاب خدا قرار می‌دهند؛ و اگر از جانب پروردگارت پیروزی رسد حتماً خواهند گفت: «ما با شما بودیم.» آیا خدا به آنچه در دل‌های جهانیان است داناتر نیست؟

موضوع، برای اهل دقت و پژوهش می‌تواند موضوع جالبی برای بررسی بیشتر و عالمانه از طریق روش‌های مرسوم پژوهش در علوم اجتماعی و به‌طور خاص علوم ارتباطات و رسانه در تحلیل پیام‌های این ایام باشد. چه بسیار اتهامات شیطن‌آمیز و سخنان طعنه‌آلودی که با لحنی تمسخرآمیز از سوی ایشان نصیب جامعه شیعی در آغاز شیوع این ویروس در ایران و زمانی که درست خودشان را در امان از آن می‌پنداشتند، نشد! اینکه سیستم درمانی ایران، بسیار ضعیف‌تر از آن است که از پس این ماجرا بر آید، اینکه ایران بویژه به‌خاطر پافشاری بر اصول دینی خود، در قبال این ویروس از پا در خواهد آمد، اینکه حتی ایرانیان عامل انتشار آن در سرتاسر جهان‌اند و هزاران پیامی از این دست تنها نمونه‌ای از این مکر و فتنه‌انگیزی است. اما درست در همین زمان، رییس جمهور امریکا، با استناد به پژوهش‌های علمی نهادهای معتبر<sup>۳</sup>، کشورش را مصون از هر گونه آسیب جدی قلمداد می‌کرد و با نشان دادن تصویری به جهانیان (تصویر ۱)، به مردم خود اطمینان می‌داد که امریکا از این ماجرا در امان است و اگر هم وارد شود، کشورش به لحاظ شاخص آمادگی مقابله با بیماری‌های همه‌گیر، رتبه نخست مقابله با بیماری‌های همه‌گیر را داراست! در این فهرست کشورهای انگلستان، هلند، استرالیا و کانادا به ترتیب رتبه‌های بعدی از آن خود کرده‌اند؛ فرانسه، آلمان و اسپانیا نیز به ترتیب در رتبه‌های یازدهم، چهاردهم و پانزدهم جهانی هستند.

---

<sup>3</sup>. Johns Hopkins University (2019), The Countries Best And Worst Prepared For An Epidemic, <https://www.ghsindex.org/>





نمودار 27: ترامپ در حال نمایش و توضیح نمودار رتبه‌بندی کشورها از حیث مقابله با بیماری‌های همه‌گیر، امریکا: در رتبه نخست (۷ اسفند ۱۳۹۸، ۲۶ فوریه ۲۰۲۰)

از سوی دیگر، ایران نیز با تحریم‌های ظالمانه حتی در این کارزار انسانی دست و پنجه نرم می‌کرد، نظام تدبیر و دولت ایران که کارنامه چندان درخشانی در اداره شرایط بحرانی را به‌ویژه در سال‌های اخیر و در رویدادهایی نظیر زلزله کرمانشاه، سیل آق‌قلا و خوزستان در فروردین سال ۹۸ از خود به‌جای نگذاشته بود، این بار نیز به‌ویژه در روزهای نخست، با تعلل و کندی بالا وارد کارزار شد و زمانی هم که وارد شد، به جای مدیریت درست و جدی امور نظیر اعمال سیاست‌های سخت در قرنطینه و مانند آن، در کمال ناباوری، شنبه‌روزی نزدیک را زمان عادی شدن امور در کشور اعلام کرد و خرده اعتماد باقیمانده به دولت و دولتمردان را هم نابود ساخت! در این میان این پزشکان و پرستاران و کادر و خدمات درمانی کشور بود که در خط مقدم مقابله به این ویروس قرار گرفتند و با جان‌فشانی و فداکاری‌های بی نظیر به نوعی تاوان این بی‌تدبیری‌ها و نقص در تدابیر دولت را دادند.

این چند سطر نه برای تخریب دولت و اقدامات آن‌که برای تذکری جدی

که یکی از ستون‌های تحلیل این نوشتار را شکل می‌دهد، نگاشته شد و آن اینکه اگر کرونا در ایران کنترل، مدیریت و به‌نوعی در برخی نقاط بسیار زود مهار شد، دست این فرد و آن گروه و این حزب و آن جریان نبود، بلکه دست دیگری در کار است! چرا که شواهد و قرائن ظاهری در تصمیم‌گیری‌های دولتی در شرایط این بحران از یک‌سو و تحریم‌های ظالمانه و نبرد ناجوانمردانه دشمن از سوی دیگر درست باید در نقطه مقابل این موضوع، یعنی نحوه مدیریت کرونا در کشور قرار می‌گرفت! یعنی همان پیش‌بینی‌های کشورهای غربی و آمریکا در به‌هم‌ریختگی، نابسامانی و ناتوانی و استیصال زود هنگام ایران در مقابله با این ویروس، باید درست از آب در می‌آمد و این تحلیل آنان باید به زودی تحقق می‌یافت. اما در کمال ناباوری و شگفتی، چه برای دشمنان چه برای دوستان و کسانی که از گروه‌های گوناگون موافق و مخالف دولت، وضعیت اداره کشور در این شرایط بحرانی را به سامان نمی‌یافتند و آن را به طرق گوناگون بازگو کردند، وضعیت در ایران از یک‌سو و در کشورهای معاند از سوی دیگر به شکل دیگری پیش رفت، شکلی که در اذهان بشر، به هیچ وجه قابل پیش‌بینی نبود!

وضعیت به این ترتیب پیش رفت که به نوعی ماجرا در ایران به رغم همه تعلل‌ها و تصمیم‌های دیر هنگام یا نادرست که در روزهای نخست حکایت از یک فاجعه انسانی را در صورت ادامه این روند و عدم تصمیم به قرنطینه سفت و سخت در ایران داشت، کنترل شد! در واقع، هیچ یک از آن تصمیم‌های سخت قرنطینه کامل و شبیه به آن اتخاذ و اعمال نشد، اما ماجرا به‌نوعی کنترل شد! و حتی همان تصمیم‌های نیم‌بند و دیر هنگام نیز که به راحتی برای فرهنگ ایرانی قابل اعمال نبود و برخی از اقشار در آن به‌ویژه در سفرهای نوروزی همراهی نکردند، درست اجرا نشد؛ اما ماجرا برخلاف

پیش‌بینی‌های رسمی و غیررسمی پیش رفت و کنترل شد. جالب آنکه مدام از سوی مسؤولان پزشکی، هشدار مواجهه با پیک بیماری با دو هفته تأخیر به‌خاطر وضعیّت این ویروس در بازه‌های زمانی متعدد داده می‌شد (مثلاً در پی سفرهای نوروزی)، اما باز هم از آنها به نوعی خبری نبود. بلکه، گویی ماجرا در حال مدیریت است. منظور از مدیریت و کنترل ماجرا در اینجا صرفاً ناظر بر بعد پزشکی آن، آن هم با تکیه بر آمار و ارقام مبتلایان، بهبودیافتگان و مرگ و میر ناشی از این بیماری نیست، بلکه جو و فضای کلی‌ای است که در کشور ایران به رغم همه دشواری‌ها و محدودیت‌ها و نکات مهمّ پیشین در کشور حاکم شد. گویی در ایران، جوی از آرامش نسبی برقرار است، ازدحامی چشمگیر و غیر قابل کنترل در مراکز درمانی شکل نگرفت، وضعیّت بیمارستان‌ها به فلاکت و نابسامانی نینجامید، حتی مراکز درمانی موقت چند هزارتخت‌خوابی نیروهای مسلح و یا مکان‌های دیگری که به امر بیماران کرونایی اختصاص یافت، چندان استفاده نشد، هجوم و یورش دیوارنه وار و خلاف اخلاق انسانی به سمت فروشگاه‌ها از سوی مردم مشاهده نشد، آشوب‌ها و اعتراضات خیابانی رایج خبری نبود، زندگی عادی تا حدّی جریان داشت هر چند که با گذشته متفاوت بود! مجموع این شرایط در ایران به هر حال عجیب بود، در این میان، توجّه و رجوع به پیش‌بینی‌های داخلی که توسط ستاد مقابله با کرونا منتشر شد نیز جالب توجه است که تقریباً هیچ یک از سناریوهای خوش‌بینانه، میانه و بدبینانه آن‌که با فرض میزان مداخله دولت در قرنطینه تغییر می‌کرد، واقع نشد. تا جایی که وزیر محترم بهداشت، در نیمه شعبان در میان پزشکان، از تعبیر «معجزه» در این خصوص استفاده کرد و البته آن را به خود و کادر درمانی نسبت نداد، بلکه به «اثر حضور وجود آن گل‌بوی نازنین» امام زمان<sup>عج</sup> و امداد چشمگیر غیبی از جانب ایشان،

منتسب نمود!

### ۳. دستان باز خدا در اداره کرونا

درست در آن سوی مرزهای این کشور شیعه و این بار برای آنان که بانیان این مکر و فتنه، خواه در شکل‌گیری آن و خواه در جنگ پس از آن بودند، ماجرا به شکل دیگری رقم خورد. همان کشورهای که در رتبه‌های نخست مقابله با بیماری‌های همه‌گیر حضور داشتند و همان دولت‌هایی که نظام حکمرانی آنان در توسعه به‌طور عام و در حوزه بهداشت و درمان به‌طور خاص، الگو و مبنای سایر کشورها قرار می‌گیرد (و در ایران نیز چشم بسیاری، پیش و بیش از هر چیز به پیروی و تقلید از این الگوهاست) و همان‌ها که در اعمال نظم و قانون، زبان‌زد و اسوه کشورهای دیگر هستند، به یکباره با موج این بیماری مواجه شدند. هر چند که از قبل نیز به تدریج احتمال وقوع آن را می‌دادند اما در مقابله با آن به یکباره تمام محاسبات و حسابگری‌های عقلایی و نظام حکمرانی مدرن خود را از کار افتاده یافتند! چه آنان که سیاست قرنطینه سفت و سخت و چه آنان که مصونیت گله‌ای را در آغاز در پیش گرفتند، همگی در مقابل این پدیده به زانو درآمدند. آنچه در این کشورها ظهور یافت عجیب بود: نظام درمانی آنان به اذعان خودشان (نخست وزیر برینانیا) در آستانه فروپاشی قرار گرفت، توان مدیریت و کنترل بیماران در بیمارستان‌ها از دست نظام درمانی برخی کشورها خارج شد و نوعی هرج و مرج در بیمارستان‌های آنان حاکم شد، به شکلی نامطلوب و غیر انسانی با سالمندان چه در مراکز درمانی و چه در مراکز سالمندان تا رهایی برای مرگ ایشان برخورد شد، هجوم‌های دیوانه‌وار شهروندان قانون‌مدار این کشورهای متمدن و بشردوست به فروشگاه‌ها و مراکز خرید نمایان گشت، اعتراضات و آشوب‌های خیابانی شکل گرفت و رخدادهایی از این دست که درست در

نقطه مقابل با وضعیّت ایران قرار می‌گرفت، واقع شد.

بار دیگر تذکر داده می‌شود که این چند سطر نیز از این حیث و تلقی رایج سیاسی که ایران و دولت آن را خوب قلمداد کنیم و کشورهای غربی را بد، نگاشته نشده است؛ بلکه از این حیث باید مدّ نظر قرار گیرد که این ماجرا طبیعی نیست و درست بر خلاف پیش‌بینی‌های علمی و شاخص‌های مدرن که برای عده‌ای غیرقابل تردید است، واقع شد! و این پاسخ مکر خداوند به مکر ایشان بود.<sup>۴</sup> جان کلام در این بخش آنکه، این ماجرا در این سطح از وسعت اثرگذاری و اعمال، و کنترل آن در یک منطقه شیعی برخلاف همه شواهد و قرائن و اعمال آن در منطقه‌ای دیگر و عدم توانایی مقابله با آن باز به رغم همه شواهد و اسباب مجهّز و پیشرفته مادی و متمدّنه، از توان بشر خارج است! دست بشر چنین قدرتی ندارد و ما باید متوجه دستی دیگر در این ماجرا و نظام حکمرانی عالم شویم و آن دست خداست!

دست خدایی که بر خلاف تفکّر و پندار ناصواب یهود در اداره و حکمرانی عالم، بسته قلمداد می‌شود ولی در باور یک انسان موحد شیعی، کاملاً باز است؛<sup>۵</sup> دستان خدایی که از آستین ولیّ حیّ او بر روی زمین در هر زمان، بیرون می‌آید و این طور با امضای او عالم و عالمیان را مدیریت و حکمرانی می‌نماید. دستان خدایی که عامل رقم زدن و اعمال «برنامه‌های خداوندی» بر روی زمین و در پهنه آسمان‌هاست. آسمان‌هایی که با برپایی مراسم شب قدر در آن، جریان امور از سوی ولی خدا هر سال، تنزیل، تقسیم، تفریق و

۴. [آل عمران ۵۴] - وَ مَكَرُوا وَ مَكَرَ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ / و [دشمنان] مکر ورزیدند و خدا [در پاسخشان]

مکر در میان آورد و خداوند بهترین مکرانگیزان است.

۵. [مائده ۶۴] - وَ قَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَ لُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْشُوطَتَانِ... / و یهود گفتند: «دست خدا بسته است.» دستهای خودشان بسته باد. و به [سزای] آنچه گفتند، از رحمت خدا دور شوند. بلکه هر دو دست او گشاده است....

تقدیر می‌شود و از این حیث، «شب قدر» در شناخت برنامه‌های خداوندی در هر سال، جایگاهی بی‌بدیل می‌یابد. دستان خدایی که انسان «منتظر» را باید پیوسته، در رصد آثار اثرگذاری او با دقتی بالا قرار دهد، او را همگام و «مترئص» این آثار در گامهای پی در پی آن یکی پس از دیگری سازد. آثاری که از پس از انقلاب اسلامی ایران، جستجوی آن برای انسان منتظر، آسان‌تر، نزدیک‌تر، عیان‌تر و با مرور زمان، روزیافته‌تر است.

سؤال اساسی این است که آیا این آثار را می‌توانیم برشماریم؟ آیا تا کنون اینگونه به افعال امام حیّ خود فکر کرده‌ایم؟ آیا در قبال این اثرگذاری‌ها رفتار بایسته و شایسته را از خود نشان داده‌ایم؟ آیا منتظر آثار بعدی او هستیم؟ آیا با مبانی قرآنی و معارفی آن برای اینکه این نگاه صرفاً رنگ و بویی احساسی به خود نگیرد و از انحراف و اعوجاج و تحلیل‌های خودبافته این و آن به دور باشد، آشناییم؟ آیا خود و جامعه را در قبال این اثرگذاری‌ها آماده ساخته‌ایم؟ آیا می‌دانیم در برنامه خدا چه مراحل و مقاطعی پیش روی بشر است تا فعل امام و ولی زمانش را از قبل منتظر باشیم و برای آن در «مرحله بعدی» آماده شویم؟ توجه شود که منظور از انتظار فعل امام در اینجا، لزوماً ظهور نیست و منظور از رصد آثار هم، ارتباط با امام زمان (عج) نیست! یکی از بنیان‌های این نگرش متعالی که ریشه در بسیاری از آیات قرآن دارد و یکی از حوزه‌های بسیار مهم و بسیار مغفول دین‌داری ما در این زمانه شکل می‌دهد، «نگرش آیاتی» است. در نگاه قرآنی، این قبیل از اثرگذاری‌ها و سخن گفتن‌های خدا با بشر از طریق زبان صحنه و عمل را «آیات» گویند که رفتار در قبال آن در قاموس قرآن بسیار مهم و حیاتی است؛ چرا که خدا از طریق آن، در حال سخن گفتن با بشر است! آیات، صحنه‌ها و «مقولات خداساخته تکرارشونده» است که از توان بشر خارج

است و در ظرف‌های زمانی و مکانی متعدد قابل تکرار است. اما گویی این جملات و این نگاه و سؤالات برای ما چندان مأنوس نیست. اینکه ولی خدا، از جانب خدا، برنامه او را برای هدایت عالم و آدم بر روی زمین پیش می‌برد، اگر هم جمله نسبتاً مأنوسی باشد، معلوم نیست چقدر در عمق جان و ایمان ما نشست است؟! یک شاخص آن این است که چقدر با این برنامه خدایی آشناییم و از آن مطلعیم؟ چقدر در برنامه‌ریزی‌ها و آینده‌نگری‌های مان و تدبیر نظام حکمرانی‌مان، از این برنامه خداوندی سخن می‌گوییم؟ آیا بر اساس این برنامه، اهداف و مقاصد آن، مراحل و مقاطع آن، مسیرهای دستیابی به هر مرحله از آن و ابزارهای رسیدن به هر مقطع، عمل می‌کنیم یا بر اساس پندارها و بافته‌های ذهنی خودمان برنامه‌های توسعه می‌نویسیم و گام دوم انقلاب را ترسیم می‌کنیم؟! چقدر آثار امام حیّ در پله‌های پیشین قبل از ماجرای کرونا (با تحلیلی که در این نوشتار مطرح شد) و بعد از آن می‌شناسیم؟!

این سؤالات، سؤالات مهمی است که باید آن قدر هم سؤال و هم پاسخ‌های آن در گفتمان و ادبیات اندیشمندان و صاحب‌نظران و پس از آن در آثار هنرمندان و عمل حکمرانان ما تکرار شود که مجالی برای تبیین‌هایی صرفاً مادی و دنیازده و مبتنی بر همان انگاره باطل «یدالله مغلوله» یهود باقی نگذارد! نگاهی که در علوم و فناوری‌های امروزی بشر رسوخ کرده است و او را به ورطه بازی‌انگاری شک مدار در دنیا<sup>۶</sup> کشانده است. و البته این همان انتظاری است که از انقلاب اسلامی ایران و انقلاب فرهنگی در پی آن برای تحول در علوم می‌رفت! علمی که باید نوع بینش ما را به پدیده‌های پیرامونمان شکل دهد و با ایجاد یک نگرش و نظریه صحیح، مبنای اقدام و

۶. [دخان ۹] - بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ / ولی نه، آن‌ها به شک و شبهه خویش سرگرمند.

تصمیم و سیاستگذاری‌های ما را فراهم کند، اما دریغ از اینکه مبنای علوم فعلی در دسترس ما، بر خداناباوری و دست‌بستگی خداست و ما باید در دستگاهی دیگر، به جستجوی «دستان باز خدا و شناخت آثار او» برآییم. دستگاهی که نگاه و «آینده‌نگری آیاتی» یکی از عناصر اصلی سازنده آن است.

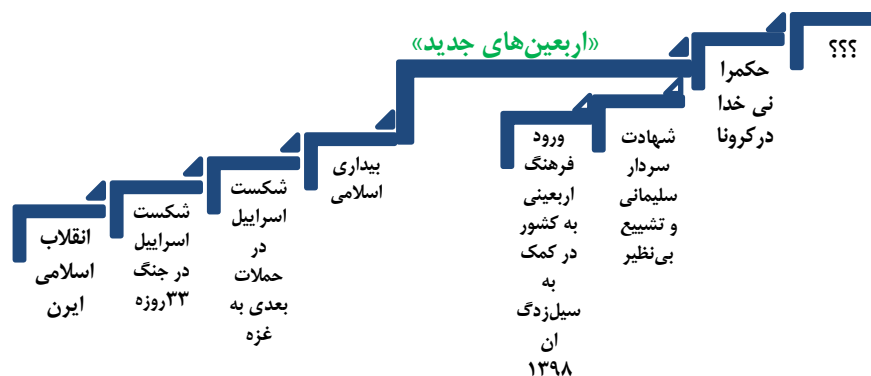
در بخش پایانی تلاش می‌شود تا قدری پاسخ به این سؤال یعنی مقاطع اثرگذاری آثار امام زمان<sup>ع</sup> و دست خدا در دوران پس از انقلاب اسلامی بازگو شود تا فتح بابی باشد برای حضور دیگر صاحب‌نظران در این عرصه خطیر و تکمیل و ارتقاء آن و پیوستن به نظام ولایت و دستان باز خدا در اداره و حکمرانی عالم و آدم در این دوران زمانی.

#### **۴. رصد پلکان آثار امام زمان<sup>ع</sup> در این زمان بر روی زمین: روندپژوهی آیات الهی در این زمان**

همان طور که گفته شد، از یک انسان منتظر، بر اساس همان تفکر قرآنی دستان باز خدا در اداره عالم و نیز نگرش و آینده‌نگری آیاتی، انتظار می‌رود تا این آیات را، یعنی آثار اثرگذاری امام بر روی زمین را، پیوسته رصد کند و زندگی خود و جامعه اش را بر این اساس تنظیم نماید که این معنایی از بندگی و عبودیت است. عبودیتی که از طریق تنظیم خود با برنامه‌های خداوندی به دست می‌آید و بس و چه دلنشین است این بندگی و هماهنگی و البته پر ثمر! بر این اساس، رخدادهای زیر و پلکان آن را می‌توان از مصادیق آیات این زمانه ما دانست (نمودار ۲۶). منظور از پلکان نیز آن است که رخدادهای بعدی، نسبت به رخدادهای آیه‌گون قبلی، از شدت و وسعت اثرگذاری بیشتری برخوردار است و دایره اثرگذاری فعل امام در آن، رو به ارتقاء و تعالی است و البته این هوشیاری به مراتب بیشتر یک جامعه منتظر



را می‌طلبید که به جای غفلت و یا شک و تردید در این آیات، خود را کاملاً هماهنگ با آن سازد (Error! Reference source not found.).



## نمودار 28: روندپژوهی آیات الهی در این زمانه

- انقلاب اسلامی ایران، ماهیتی خدایی دارد که با سازکار «ازدیاد نورالله» بر روی زمین رخ داده است. در انتساب و اتصال این پدیده به داستان باز خدا، رجوع به بیانات و تبیین‌های مکرر امام خمینی<sup>ه</sup> در قبل و بعد انقلاب اسلامی بسیار راهگشاست؛
- بعد از چندین سال از انقلاب اسلامی و حضور نصرت‌های خداوندی به‌صورت جسته‌گریخته و با یک سرعت بطئی در دفاع مقدس، در یک بازه زمانی کوتاه ۳۳ روزه، بار دیگر این سازوکار دوباره نمایان می‌شود و این بار در شکست ناباورانه اسرائیل از حزب الله لبنان خود را نشان می‌دهد؛ جنگ نابرابری که بی شک، اگر اسرائیل طبق علوم ظاهری و غریبه‌اش، خود را پیروز میدان نمی‌دید، آن را آغاز نمی‌کرد و همچنان که در گزارشهای این نبرد نیز مطرح است تا روزهای پایانی، تقریباً پیروزی با اسرائیل بود که یکباره ورق به طرز باورنکردنی‌ای به نفع جبهه

در جستجوی حکمرانی خدا در ماجرای کرونا □ ۵۵۷

حق باز می‌گردد. رجوع به روایتهایی که بخشی از آن از قول سردار شهید سلیمانی بازگو شده است، در این میان کارگشاست؛

- این روند خدایی، در شکست‌های مفتضحانه و کوتاه‌تر بعدی اسرائیل در غزه مجدّد، تکرار شد؛

- ادامه این روند نورافشانی خدا از طریق امام زمان<sup>عج</sup> بر روی زمین، خود را در ماجرای که به بیداری اسلامی مشهور شد، نشان داد. اینکه یکباره و بدون راهبری فرد و گروهی خاص، موجی کوتاه در کشورهای اسلامی افریقا شکل گرفت و منجر به سرنگونی برخی حکام خودکامه در مصر و لیبی شد. اما، این ماجرا در حد یک فلش زدن کوتاه از نورافشانی جایگاه داشت و به‌نوعی با فراز و فرودهایی در نهایت فروکش کرد. جالب آنکه، برخی تحلیل‌های خودمدار، فاعل این رویدادها را در آن زمان، انقلاب اسلامی و به نوعی ایران می‌دانستند!

- اما بعد از آن، در ماجرای بزرگ اربعین‌های جدید از حدود سال ۱۳۹۱، به تثبیت و ماندگاری و تکرار سالانه این آیت بزرگ این زمانه ما رسید! اتفاق بی‌نظیری که در اربعین در حال وقوع است، از توان و دست بشر برای تحقق آن خارج است و آن رویدادهای زیبا و عجیب همگی از نورافشانی بیشتر نورالله بر روی زمین و ارتقاء مرحله دیگری از تامل شدن نورالله حکایت دارد، تام شدنی که قلوب و دل‌های افراد را به سوی امام به شکلی بی‌بدیل جذب می‌کند و آن طور باعث رقم خوردن صحنه‌های اخلاقی، زیبا، دلنشین، عظیم و عجیب در تمدن شیعی و در دورانی که به زعم ناقص عده‌ای، تمدن مدرن در آن غلبه یافته و ما گریزی از تسلیم شدن در قبال آن نداریم، می‌شود! از این پس، این اربعین است که هر سال پرشورتر از سال قبل به‌رغم دشواری‌ها و برخی

موانع آن در سرتاسر دنیا، تکرار می‌شود و گویی تا مدتی قصد فروکش شدن دگر ندارد. آیه اربعین در واقع، بروز ماهیت و ذات اصیل و منطبق بر فطرت انسانی جامعه شیعی در گستره‌ای جهانی است، زمانی که قید و بندها و زنجیرها از او باز می‌شود. توجه به این آیه و الگوگیری از آن، «نسخه نجات‌بخش» ما در این زمانه است؛ نسخه‌ای که حسرت تکرار و زیستن در این فضا و سبک اربعینی را در دل هر رهروی آن در کل سال بر جا می‌گذارد؛

- اما گویی دستان باز خدا در صحنه سیل‌های سال ۱۳۹۸ (که البته خود برکات زیادی نیز در پاسخ به یاهوگویی‌های دشمنان در رفتار تمسخرآمیز حاکمان اسراییل مبنی بر کم آبی ایران در پی داشت) بار دیگر مسیر فرهنگ اربعینی را این بار در زمانی خارج از ایام اربعین به ایران باز می‌کند و در فضایی از ناکارآمدی دولت برای حل آن، به کمک جامعه ایرانی می‌آید. به‌طوری که به اذعان گروه‌های اجتماعی با سلايق گوناگون سیاسی و اجتماعی حاضر در این صحنه همدلانه، این فرهنگ اربعینی، نظیر و معادلی در تراز جهانی برایش نمی‌توان یافت. گویی آن حسرت و آرزوی تکرار فرهنگ اربعینی در بازه‌ای خارج از اربعین در این رویداد همدلانه، محقق شد؛
- این فرهنگ اربعینی که ذات آن، ارتقاء نورافشانی نورالله بر روی زمین و بخشی از بروز آن، جذب دل‌های مردم حول یک محور است، پس از شهادت سردار سلیمانی، خود را در تشییع بی‌نظیر و شگفت‌انگیز پیکر او در ایران و عراق نشان داد. کسی نمی‌تواند این تشییع را به خود نسبت دهد و خود را فاعل آن قلمداد کند، همچنان که کسی نمی‌تواند اربعین را به خود نسبت دهد و خود را عامل برپایی آن به شمار آورد و

این یکی از ویژگی‌های اصلی رخدادهای آیاتی است که در پیرامون ما در حال تکرار و وقوع در ظرف‌های گوناگون است. ای کاش، پس از شهادت این سردار عزیز و آسمانی هم، پیوسته متوجه و چشم‌انتظار این دست خدا می‌شدیم و با تکرار مکرر جمله انتقام سخت می‌گیریم، فاعلیت خود را مدام نمایان نمی‌ساختیم و از فاعلیت خداوند غافل نمی‌شدیم تا با رخداد ناگوار سقوط هواپیما، تلخ‌کامی پس از حلاوت آن تشییع را تجربه نمی‌کردیم، امید که درس عبرت را گرفته باشیم!

- اما در این فضای اربعینی، پله بعدی این پلکان را باید در مکرالهی در مقابله با مکر دشمنان دانست. اتفاقی که در «ستاد اصلی مقابله با کرونا در ابعاد الهی و فرازمینی» رقم خورد، بسیار عظیم و عجیب است و همان طور که گذشت، حاکی از کنترل مکر دشمن در سرزمین شیعیان، و اعمال آن در سرزمین دشمنان و بازگشت این مکر به سوی خودشان و به هم‌ریختگی و آشفتگی آنان در سطحی وسیع است. ویژگی ممتاز ماجرای کرونا در مقایسه با رویدادهای قبلی در این روندپژوهی آن است که این بار برای اولین بار، حکمرانی خدا در هر دو جبهه آن هم در سطحی وسیع و جهانی واقع شده است. اربعین، هر چند وسیع است و هر چند از مذاهب و حتی ادیان مختلف در آن حضور دارند، اما به هر حال اکثریت آن اولاً معطوف به شیعیان است و ثانیاً، در یک جبهه رخ داده است. اما در پدیده کرونا، ما با وسعتی جهانی مواجهیم که در یک جبهه، ماجرا به سمت کنترل نسبی و نیز حفظ آرامش پیش می‌رود و همزمان در جبهه دیگر، به سمت آشفتگی و هرج و مرج به رغم تجهیزات و اسباب مادی آراسته‌تر و مدرن‌تر

حرکت می‌کند.<sup>۷</sup> از این رو، پله حکمرانی خدا در کرونا را در این روند نورافشانی و ازدیاد نور، باید در پله‌ای فراتر از پله‌های قبلی در نظر گرفت.

در این میان، از صحنه‌های زیبا و همدلانه‌ای که دگر بار در میان مردمان این سرزمین «تکرار» شد هم نباید گذشت، چه در زحمات دلسوزانه و فداکارانه کادر درمانی کشور و چه در مجاهدت نیروهای داوطلب در داخل و خارج از بیمارستان‌ها و چه در همدلی مردم در عرصه رزمایش مؤاسات، اینها همگی حاکی از برزو دگربار فرهنگ و زیست اربعینی در ایران است! اساساً، گویی از ملازمات همیشگی نورافشانی این نور در این سالها، این همدلی‌ها و نزدیک شدن قلوب مردم به یکدیگر است در فضایی که موانع ظاهری برای آن بسیار به چشم می‌خورد و ذهن تحلیل‌گران اجتماعی ما را معمولاً این موانع پر کرده است؛ آری این تصاویر همدلانه و مهربانانه که باز هم گواهی دیگر بر دستان باز خداست، از آن همان جامعه‌ای است که از دید شاخص‌سازی‌های مدرن غرب، در رتبه‌های نخست عصبیت و خشونت تحلیل می‌شود!

برای چندمین بار در این متن تکرار می‌شود که این سطح از اثرگذاری و رفتارها را نباید به خود و دیگر آن نسبت داد که این سرآغاز سقوط از این پلکان است! حتی نباید رشد این پلکان را وابسته به رفتار خویش دانست! اساساً، منطق نگرش آیاتی ایجاب می‌کند که ذهن‌ها و قلب‌ها متوجه فاعل اصلی این آیات، یعنی خداوند متعال و نظام حق او باشد، فعل او رصد شود،

---

۷. مقایسه صورت گرفته توسط وزیر محترم بهداشت در این خصوص جالب است: «میزان تخت در کشورهایی مثل آمریکا و اروپا برای هزار نفر جمعیت در بدترین شرایط، بین پنج تا هفت برابر میزان تخت‌های ما است و میران پرستار به تختشان نیز در بدترین شرایط سه برابر ما است». پایگاه خبری شفقتا، ۲۷ اردیبهشت ۱۳۹۹.

قصد او فهم گردد، برنامه او درک شود و مبنا قرار گیرد. کارکرد اصلی آیات این است؛ آیات و پدیده‌های آیاتی یعنی، زبان سخن گفتن خدا با انسان! این شیوه مدیریت کرونا که در این نوشتار تا حدی باز شد، یعنی ای انسان! بدان که خدایی هست، بدان که همه چیز از اوست و بدان که باید مطیع و عبد او باشی نه مشغول بازی و زندگی دنیایی! پس به سوی او از طریق ولیّ و امام او بیا! تلاش کن تا برنامه او را از درون قرآن و هدایت‌های اهل بیت (ع) متوجه شوی و خود را با آن هماهنگ سازی. به این بیندیش که در برنامه خداوندی، پله بعدی این روند در پساکرونا چیست؟!

پاسخ به این سؤال که در برنامه خداوندی پله بعدی پیش روی ما چیست، خود مجال دیگری می‌طلبد اما برای تنزیه هر چه بهتر از برخی ساده‌انگاری‌ها و تحلیل‌های سطحی و زودپنداری‌های بی‌منطق که متعصّبانه و متأسفانه توسط عده‌ای از عالمان دینی نیز از آن دفاع می‌شود، باید گفت که پله بعدی ظهور نیست! درست است که خاتمه این پلکان به ظهور ختم می‌شود، چرا که آغازگر و فاعل آن خداست، اما برنامه خداوندی برای ظهور، دارای مقاطع و مراحل حساب شده است که در قرآن ترسیم شده و این طور نیست که بدون این مطالعات مستحکم قرآنی و انطباق‌های مستدل با پدیده‌های پیرامونی، بتوان به سادگی دم از نزدیکی ظهور زد و مردم را به آن دل خوش کرد. طبق این نقشه قرآنی، ما در بخش نخست آخرالزمان، یعنی آخرالزمان اجتماعی از دو بخش اصلی آن هستیم و باید مراحل متعددی را تا بخش دوم آن یعنی آخرالزمان حوادث، پیش رویم تا بعد از پشت سر گذاشتن مراحل گوناگون بخش دوم آخرالزمان و اتمام آن، بتوان به درک صبح ظهور نائل شد. کرونا، از این حیث، از «پیش‌طلیعه‌های آخرالزمان» است نه طلیعه‌های آن و نه خود آخرالزمان! آخرالزمانی که در آن انسان وارد

تعامل با خدا می‌شود. از این رو باید کرونا را در حد و اندازه خود در نظام برنامه‌های خداوندی تحلیل کرد، نه بیشتر و نه کمتر. باشد که این تحلیل و نوشتار، با عنایت صاحب این آیات خداوندی، فتح بابی برای فهم هر چه بهتر برنامه و حکمرانی خدا در این زمانه و عرضه مطالعات قرآنی پشتمانه آن به جهانیان باشد. ان شاء الله.

## ۳۷. جهان پیش‌رو و بدیل‌های ممکن: تحلیل چهار سناریو برای آینده سیاست جهانی

روح‌الامین سعیدی<sup>۱</sup>

از زمانی که ویروس کرونا قلمرو کشورهای مختلف را درنوردید و گریبان‌گیر زندگی بسیاری از ساکنان سیاره مسکون شد و موجب تغییر و تحولات شگرفی در معادلات و برنامه‌های جهانی گردید، پرسشی که ذهن صاحب‌نظران روابط بین‌الملل را عمیقاً به خود مشغول داشته این است که سیمای جهان پسا‌کرونا چگونه خواهد بود و این مهمان ناخوانده چه سرنوشتی را برای آینده بشر رقم خواهد زد. لذا بازار پیش‌بینی‌ها و سناریوپردازی‌ها رونق گرفته و پیروان رهیافت‌های گوناگون نظری هر یک از ظن خود به چهره‌نگاری روزگار پیش‌روی ما همت گمارده‌اند. البته باید توجه داشت که تحلیل و پیش‌بینی تحولات آینده امر بدیعی نیست که در واکنش به تحولات کرونا مطرح شده

---

۱. عضو هیأت علمی گروه روابط بین‌الملل / دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی / دانشگاه امام صادق (ع).



باشد بلکه سابقه‌ای طولانی در مطالعات بین‌المللی دارد که طبیعتاً اقتضائات برهه کنونی آن را برجسته‌تر ساخته است. در این نوشتار چهار سناریوی مطرح میان صاحب‌نظران مسائل بین‌المللی در خصوص وضعیّت آینده سیاست جهانی طرح و بررسی می‌شود و میزان احتمال وقوع هریک با توجّه به تحولات نوپدید به‌ویژه تبعات کرونا مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

### ۱. آیا آینده قابل پیش‌بینی است؟

پیش از طرح سناریوهای آینده ابتدا باید به این پرسش پاسخ داد که اساساً آیا پیش‌بینی قطعی آینده در دانش روابط بین‌الملل امکان‌پذیر است یا خیر؟ باید گفت هرچند «پیش‌بینی» وقایع یکی از کارکردهای ماهوی نظریه‌های علمی محسوب می‌شود، لکن در این رابطه، تفاوت بنیادینی میان علوم اجتماعی و انسانی با علوم تجربی وجود دارد. برخلاف علوم تجربی که به دلیل عینیّت و ثبات عملکرد پدیده‌های بیرونی، رسیدن به الگوهای عام و قابل تعمیم و وضع قوانین و به تبع آن پیش‌بینی قابل انجام است، در علوم اجتماعی از آنجایی که با انسان نیت‌مند و رفتارهای متغیر او سروکار داریم، نیل به الگوسازی، تعمیم‌دهی، قانون‌سازی و پیش‌بینی کار آسانی نیست و تحلیل‌ها از امکان وقوع پدیده‌ها همواره در حد احتمالات قابل نقض و ابطال باقی می‌مانند.

مانند سایر شاخه‌های علوم اجتماعی، در روابط بین‌الملل نیز تحلیل و پیش‌بینی آینده همواره مناقشه‌برانگیز و موکول و مشروط به اما و اگرهای فراوان است. زیرا مشخص نیست روزهای کنونی به همین منوال در آینده تداوم یابند. ممکن است شاهد تسریع روندها یا کند شدن یا حتی عقب‌گرد آن‌ها باشیم. همچنین بسیاری از عوامل و پدیده‌ها خارج از انتظار و کنترل تصمیم‌گیرندگان رخ می‌دهند و بر تصمیمات و الگوی رفتاری آنان تأثیر

می‌گذارند. مانند همین ویروس کرونا که تا چند ماه پیش وقوع آن در مقیاس کنونی برای سیاست‌مداران در عالی‌ترین سطوح سیاست جهانی قابل تصوّر نبود.

پس آینده پیش‌رو و آنچه رخ خواهد داد هرگز برای ناظران و تحلیلگران قطعیتی ندارد و پاسخ این سؤال که آیا آینده الزاماً بهتر از امروز رقم خواهد خورد، به روشنی مشخص نیست. زیرا، نمی‌دانیم آیا روندهای موجود در آینده نیز حاکم خواهد بود یا خیر؛ نمی‌دانیم آیا رشد جمعیت افزایش خواهد یافت یا کاهش؛ نمی‌دانیم آیا منابع انرژی پایان خواهد پذیرفت یا خیر و... . درنتیجه، پیچیدگی سیمای جهان و تعدد عوامل و مؤلفه‌های دخیل در وقوع حوادث مانع از پیش‌بینی درست ما می‌شود و هر آنچه صاحب‌نظران در قالب سناریوهای آینده می‌گویند چیزی جز تحلیل‌های احتمالی و قابل خدشه نیست. اکنون با پیش‌فرض قرار دادن این واقعیت می‌توان به سراغ طرح و بررسی چهار سناریوی ممکن رفت.

## ۲. سناریوی نخست: جهان جهانی شده<sup>۲</sup>

در سناریوی نخست فرض بر این است که جهانی‌شدن خصوصاً با صیغه اقتصادی بتواند بر سیاست جهانی چیره شود تا شاهد حاکمیت نیروهای بازار آزاد و منطق اقتصادی بر جهان باشیم. در این شرایط دولت‌ها تسلیم اقتضائات اقتصاد جهانی خواهند شد. این البته هرگز به معنای فروپاشی و اضمحلال دولت‌های ملی نیست بلکه دولت‌ها باقی می‌مانند اما کاملاً تحت نفوذ نیروهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جهانی قرار خواهند گرفت که کنترل کمی بر آن‌ها دارند. اهمیت نقش و جایگاه دولت‌ها نسبت به بازارهای

---

2. a globalized world

جهانی به مراتب کاهش خواهد یافت و این بازارها و شرکت‌های بزرگ چندملیتی هستند که توزیع و بازتوزیع منابع جهانی را برعهده خواهند گرفت.

در سناریوی جهان جهانی‌شده این باورِ راسخ وجود دارد که وابستگی اقتصادی، صلح و رفاه را به ارمغان می‌آورد و در سایه‌سار چنین نظامی، دولت‌ها دیگر قدرت‌طلب نیستند، بلکه تنها پردازش‌کننده اطلاعات و تأمین‌کننده خدمات خواهند بود و تقسیم کار جهانی میان آن‌ها در عرصه اقتصاد بر مبنای تولید و تجارت آزاد و ارتباطات آنی صورت خواهد گرفت.

تحقق این سناریو همچنین منجر به کاهش هویت‌های فرقه‌گرا و جدایی‌طلب مبتنی بر قومیت، قبیله‌گرایی، مذهب و حتی ملیت می‌شود. ملی‌گرایی اهمیت پیش خود را از دست می‌دهد و نقش دولت‌ها فقط به این خلاصه می‌شود که فرصت‌ها را در اختیار افراد بگذارند و حافظ مردم‌سالاری اکثریت در عین رعایت حقوق اقلیت‌ها باشند. این کاهش اقتدار و هویت دولت‌ها در نتیجه‌ی همگرایی اقتصادی حاصل خواهد شد و همکاری‌های تنگاتنگ و پیچیده‌ی اقتصادی به موازات حاکمیت لیبرالیسم و دموکراسی بر اساس ایده مشهور «صلح دموکراتیک» به تأمین صلح و امنیت فراگیر جهانی خواهد انجامید. در چنین شرایطی انسان‌ها از هویت‌های فرعی و فراملی به نفع «شهروندی دموکراتیک» چشم می‌پوشند و جنگ، این خطای غمبار بشر عملاً منسوخ می‌شود زیرا بر طبق منطق اقتصادی تنها منجر به اتلاف منابع می‌گردد و بازارها را مختل می‌کند. همچنین با کاهش اهمیت قلمرو در معادلات جهانی، دیگر انگیزه‌ای برای کشورگشایی‌های سابق باقی نمی‌ماند.

## ۲-۱. تحقق این سناریو چقدر محتمل است؟

هرچه جهان از پایان جنگ بین‌الملل دوم به انتهای قرن بیستم نزدیک شد، با وقوع تحولات جریان‌سازی مانند گسترش رژیم‌های اقتصاد لیبرال و تجارت آزاد، افزایش نقش سازمان‌های بین‌المللی، سرعت‌گرفتنِ سرسام‌آور فرآیند جهانی‌شدن متعاقب پیشرفت‌های شگرف عرصه حمل و نقل و ارتباطات، پایان جنگ سرد و گذار از رواج کاربرد قدرت سخت نظامی به اقتصادی، فروپاشی اتحاد شوروی و نظم دوقطبی و نیز تعمیق وابستگی متقابل کشورها به‌ویژه در مجموعه توسعه‌یافته‌ها به نظر می‌رسید بستر بسیار مناسبی برای تحقق سناریوی جهان جهانی‌شده مهیا شده است و سیاست جهانی با شتاب قابل توجهی به سوی آن گام برمی‌داشت.

در طول این مدتِ مدید هیچ جنگی حتی در اوج رقابت‌ها و تنش‌های آمریکا و شوروی میان قدرت‌های بزرگ نظام بین‌الملل رخ نداد و عملاً به پدیده‌ای منسوخ در تعاملات آنان تبدیل شد؛ جهانی‌شدن تجارت، اقتصاد و مالیه، کشورها را در شبکه پیچیده‌ای از اندرکنش‌های مستمر به یکدیگر پیوند داده بود؛ کارگزاریِ عرصه اقتصاد جهان عملاً در اختیار نیروهای بازار به‌ویژه شرکت‌های چندملیتی قرار گرفت و دولت‌ها صرفاً نقش تسهیل‌کننده جریان سرمایه جهانی را ایفا می‌کردند؛ اولویت امنیت رفاهی در جوامع توسعه‌یافته منجر به کاهش ملاحظات ملی‌گرایانه، ایدئولوژیک، دینی و نژادی در شکل‌گیری هویت شهروندان گردید؛ شماری از کشورهای غیرغربی به‌ویژه در شرق و جنوب شرقی آسیا نیز با پذیرش الگوهای توسعه غربی و پیمودن مسیر طی‌شده توسط کشورهای صنعتی، گام‌های بلندی را به سوی توسعه‌یافتگی برداشتند و به شبکه اقتصاد جهانی لیبرال پیوستند و همه این نشانه‌ها طرفداران جهانی‌شدن لیبرال را مجاب می‌کرد که با اطمینان، از

چیرگی فراگیر لیبرال‌دموکراسی، پایان عمر دولت ملی و تحقق صلح و امنیت جهانی سخن بگویند.

در این میان تجربه موفق و درخشان اتحادیه اروپا همچون تابلویی مقابل چشمان همگان قرار داشت و بیشترین امیدآفرینی برای نیل به جهان جهانی‌شده از جانب آن بود. رسیدن به سطوح بالایی از همگرایی و واگذاری صلاحیت‌ها به نهاد فراملی حتی در عرصه‌های حساس مانند سیاست خارجی، کم‌رنگ کردن مرزها، وضع پول واحد اروپایی، ایجاد سیستم کارآمد امنیت دسته‌جمعی، کنار گذاشتن جنگ از دستورکار کشورهای قاره سبز و گسترش هنجارهای لیبرال‌دموکراسی و حتی در سر داشتن سودای قانون اساسی واحد، اروپا را به نمونه بی‌نظیری از جهانی‌شدن تبدیل می‌کرد که تعمیم و گسترش تجربه آن می‌توانست سرنوشت دگرگونه‌ای را برای ساکنان نظام جهانی رقم بزند.

لکن طی سال‌های سپری‌شده از قرن بیست و یکم و هزاره سوم حوادثی رخ داده که بسیاری از امیدهای ایجادشده را ناامید کرده و نشان داده که پیش‌بینی‌ها از تداوم روند جهانی‌شدن تا حدود زیادی آمیخته با خوش‌بینی، مبالغه و ساده‌اندیشی بوده است. اولاً رشد جهانی‌شدن بیشتر به جوامع توسعه‌یافته محدود مانده و در سطح جهانی، تداوم توزیع نابرابر ثروت و تعمیق شکاف بین کشورهای فقیر و غنی و نیز استمرار جنگ‌ها و ناامنی‌ها به‌ویژه در مناطقی مانند غرب آسیا و شمال آفریقا همچنان مشاهده می‌شود؛ ثانیاً رشد بی‌سابقه و هراسناک تروریسم فراملی در نتیجه طراحی‌های نابخردانه قدرت‌های بزرگ که دامنه سبُعیت‌ها و خونریزی‌های آن از خاورمیانه به مناطق توسعه‌یافته نیز کشیده شد، امنیت جهانی را به شدت در معرض مخاطره قرار داده است؛ ثالثاً موج مهاجرت‌های گسترده از آسیا و

آفریقا به اروپا بر اثر جنگ‌هایی که خود دولت‌های غربی در وقوع آن‌ها مقصر بودند، مشکلات عدیده‌ای را برای جوامع آن‌ها به وجود آورده و همین مسئله بازگشت دوباره ملی‌گرایی‌های افراطی، نژادپرستی، بیگانه‌هراسی و اسلام‌هراسی را در بدنه این جوامع موجب شده است؛ رابعاً اتحادیه اروپا از روزهای اوج خود به شدت فاصله گرفته و امروز در حضيض قرار دارد. خروج انگلستان به مثابه یکی از مهم‌ترین کشورهای قاره سبز در قالب طرح «برگزیت» و احتمال خروج شماری دیگر از اعضا، اتحادیه را با تنگنای عجیبی روبرو ساخته است. در سطح جوامع اروپایی نیز مردم مواضع مثبتی در قبال ادغام بیشتر و دست کشیدن از ملی‌گرایی ندارند و پرونده قانون اساسی واحد را مدت‌هاست خاتمه‌یافته تلقی می‌کنند؛ خامساً ایالات متحده به عنوان معمار اقتصاد جهانی لیبرال و طراح رژیم‌های تجارت آزاد، از زمان قدرت‌گیری ترامپ به بزرگ‌ترین مخالف جهانی‌شدن اقتصاد تبدیل شده و با اتخاذ سیاست‌های حمایت‌گرایانه در قالب شعار «اول آمریکا» و وضع تعرفه‌های وارداتی و محدود کردن مهاجران، ضربه‌های سنگینی به دستاوردهای تجارت آزاد وارد ساخته است.

حادثه غیرمترقبه کرونا نیز امروز مزید بر علت شده است تا تحلیل‌گران از احتمال بازگشت به ملی‌گرایی و حمایت‌گرایی و تضعیف جهانی‌شدن لیبرال سخن بگویند. همه ناظران و افکار عمومی جهان شاهد بودند در مقطعی که دنیا برای مقابله با یک تنگنای مشترک بشری به حد اعلاي هماهنگی و هم‌افزایی کشورها در قالب ترتیبات حکمرانی جهانی احتیاج داشت، حتی دولتمردان توسعه‌یافته‌ترین جوامع با تکروری و یکجانبه‌گرایی و کارشکنی در امور یکدیگر امیدهای رسیدن به راه‌حل مشترک و نجات قربانیان کرونا را به یأس مبدل کردند.

با این تفاسیر شاید امروز بیش از هر روز دیگر چشم‌اندازِ تحقق سناریوی جهان جهانی‌شده، غبارآلود و مبهم است.

### ۳. سناریوی دوم: جهان نهادهای لیبرال<sup>۳</sup>:

در سناریوی دوم ما احتمالاً شاهد بازسازی نظام جهانی مبتنی بر نقش بیشتر سازمان‌های بین‌المللی (IGOs) مانند سازمان ملل متحد، صندوق بین‌الملل پول یا سازمان تجارت جهانی با کمک و مشارکت سازمان‌های غیردولتی (NGOs) و نیز دولت‌های ثروتمند جهت مداخله فعالانه به منظور اعاده صلح و تأمین رفاه شهروندان در دولت‌های درمانده و فروپاشیده (failed states) یا در معرض فروپاشی خواهیم بود. در این شرایط، اهمیت حاکمیت ملی کمتر و کمتر می‌شود و دیگر مانعی برای مداخلات بشردوستانه و تغییر رژیم از سوی مراجع بین‌المللی نخواهد بود.

تحقق چنین سناریویی یادآور سیستم قیومیت جامعه ملل و سازمان ملل است که در قالب آن سازمان‌های بین‌المللی و غیردولتی برای اعاده امنیت و بازسازی نهادهای فروپاشیده دولتی در محیط‌های بحرانی و آّبستن کشمکش حضور می‌یابند مانند تلاش‌هایی که بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۲ در تیمور شرقی صورت گرفت یا مداخله ناتو و سازمان ملل در جنگ یوگوسلاوی و همچنین مداخله کشورهای غربی در بحران لیبی برای سرنگونی معمر قذافی.

در این سناریو همان‌گونه که از نام آن پیداست حاکمیت نهادهای لیبرالی اهمیت بسزایی دارد. منظور از نهاد همانا قواعد، هنجارها، رژیم‌ها و رویه‌هایی است که رفتار دولت‌ها را قاعده‌مند می‌سازد و آن‌ها را به همکاری

---

<sup>۳</sup>. a world of liberal institutions

با سازمان‌های بین‌المللی وامی‌دارد از جمله نهادهای دموکراتیک، نهادهای حمایت از حقوق اقلیت‌ها و حقوق بشر، مداخله بشردوستانه و نیز نهاد مسئولیت برای حمایت (R2P). در سایه‌سار حاکمیت این نهادهای فراگیر جهانی، طبیعتاً امکان نقش‌آفرینی مراجع حاکمیت فراملی مانند سازمان‌های بین‌المللی برای مقابله با دیکتاتورها و نیز حفاظت از حقوق انسان‌ها به‌ویژه اقلیت‌ها بیشتر خواهد شد.

### ۳-۱. تحقق این سناریو چقدر محتمل است؟

یکی از بزرگ‌ترین موانع تحقق این سناریو، فقدان اقتدار نهادی و فقدان ضمانت اجرا یا ظرفیت اجرایی مناسب برای عملیاتی کردن تصمیمات سازمان‌های بین‌المللی است و این به وضوح نشان می‌دهد که هنوز راه درازی برای گذار کامل از نظم وستفالیایی مبتنی بر حاکمیت دولت‌های ملی و واگذاری حاکمیت‌ها به نهادهای فوق ملی باقی مانده است. مانع دیگر، فقدان اراده سیاسی لازم نزد قدرت‌های بزرگ برای اعطای اختیار و گستره مانور به نهادهای بین‌المللی جهت مدیریت بحران‌ها و کشمکش است. در موارد بسیاری شاهد بوده‌ایم که اگر منافع ابرقدرت‌ها در پرونده‌ای با یکدیگر تعارضی داشته باشد، آن پرونده عملاً به بن‌بست می‌رسد و زخم کشمکش‌ها به‌صورت مزمن و علاج‌ناپذیر باقی می‌ماند و تمامی طرح‌های پیشنهادی از سوی سازمان‌های بین‌المللی یا غیردولتی بی‌اثر خواهند شد. مانند پرونده بحران سوریه که تعارض منافع آمریکا و روسیه مانع موفقیت طرح سازمان ملل موسوم به «دیمیستورا» گردید و جامعه بین‌المللی در متوقف کردن یکی از سبُعانه‌ترین اشکال تروریسم که به کشته و آوارگی صدها هزار نفر و تخریب بی‌سابقه یک کشور انجامید ناکام ماند.

درنتیجه، در برهه کنونی شاهد هستیم که هنجارهای حقوق بشری



به‌خوبی به اجرا در نمی‌آیند و لذا پاسخ‌های سزاواری به مصادیق آشکار نسل‌کشی و نقض گسترده حقوق بشر در نقاط مختلف جهان از یمن و سوریه گرفته تا فلسطین و میانمار و دارفور داده نمی‌شود. تجربیات گذشته نشان داده که مداخلات بشردوستانه همواره دلخواهانه و تحت تأثیر رویکردهای قدرت‌های بزرگ به‌ویژه ایالات متّحده آمریکا است و تا قدرت‌ها نخواهند، سازمان‌های بین‌المللی کاری از پیش نخواهند برد.

تحقق سناریوی جهان نهادهای لیبرال تا حدود زیادی منوط به کاهش اختیارات دولت‌ها و ارتقاء نقش سازمان‌های بین‌المللی و غیردولتی برای کاهش خشونت‌ها، حمایت از اقلیت‌ها، گسترش دموکراسی، جلوگیری از بیماری‌ها، افزایش تولید و توزیع محصولات کشاورزی و به‌طور کلی تأمین امنیت و منافع انسانی به جای منافع ملی است. اما، همچنان موانع بسیاری بر سر راه وجود دارد و چشم‌انداز روشنی برای عبور از نظم دولت‌محور در نظام جهانی متصور نیست. کمااین‌که در گیر و دار بحران کرونا نیز شاهد بودیم چگونه اختلافات آمریکا و چین مانع از فعالیت مؤثر سازمان بهداشت جهانی (WHO) بود و رئیس‌جمهور آمریکا این سازمان را به‌جای یک سازمان جهانی، «سازمان چینی» خطاب کرد.

#### ۴. سناریوی سوم: جهان در آشوب<sup>۴</sup>

برخلاف دو سناریوی پیشین که مبتنی بر خوش‌بینی لیبرالی طراحی شده بود، سناریوی سوم تصویری بسیار تیره و تار و آشوب‌گونه و هراسناک از آینده سیاست جهانی ترسیم می‌کند. در قالب این تصویر ممکن است جهان آینده به دلیل فروپاشی دولت‌های درمانده در برخی نقاط و تضعیف نهادهای

---

<sup>۴</sup>. a world in chaos

بین‌المللی و لذا ناتوانی نظام از مدیریت اوضاع دستخوش آشوب‌های گسترده‌ای شود. به‌علاوه، وجود فقر، ناآرامی‌های سیاسی، عوامل جمعیتی، کمیابی منابع و تغییرات آب و هوایی نیز می‌تواند در تشدید این آشوب‌گونه‌گی مؤثر باشد. جهان در آشوب شاهد ناملایمات بسیاری مانند تنش‌های فرهنگی و نژادی، رشد شکاف‌های اقتصادی، گسترش بیماری‌های واگیر، وقوع جرایم سازمان‌یافته و فجایع زیست‌محیطی خواهد بود.

تضعیف اقتدارهای سیاسی که این سناریو آن را محتمل می‌داند، بستری حاصل‌خیز برای رشد و قدرت‌گیری شبه‌نظامیان محلی، گروه‌های تروریستی و افراطیون مذهبی فراهم خواهد کرد. یکی از نگرانی‌های همواره‌ی دانشمندان روابط بین‌الملل، خطر قرار گرفتن سلاح‌های کشتار جمعی در اختیار گروه‌های تروریستی برای انجام عملیات‌های انتحاری یا ترورهای زیست‌شناسانه بود که این نگرانی در سناریوی جهان در آشوب به حقیقت می‌پیوندد.

تجربه تاریخ روابط بین‌الملل مانند سال‌های پس از جنگ جهانی اول یا سال‌های متعاقب رکود بزرگ (۱۹۲۹ تا ۱۹۳۳) نشان داده است که همواره در شرایط آشوب‌گونه احتمال توسل به رژیم‌های استبدادی و تمامیت‌خواه در قالب‌های فاشیسم، نازیسم و نظامی‌گری افزایش می‌یابد و این احتمال دیگری است که می‌توان برای دهه‌های آینده در چارچوب سناریوی مذکور مطرح کرد.

#### ۴-۱. تحقق این سناریو چقدر محتمل است؟

احتمال وقوع این شرایط آشوب‌گونه و هراسناک در مناطق در حال توسعه یا توسعه‌نیافته‌ی جهان بیشتر است که دلیل آن را باید در فقر، رشد جمعیت، فجایع زیست‌محیطی، فساد و چه‌بسا از همه مهم‌تر وجود دولت‌های درمانده در این مناطق جست‌وجو کرد. ظهور پدیده بی‌سابقه و شومی مانند داعش

که تصاویر دلخراشی از کشتار، شکنجه، تخریب، غارت و ناامنی را در حافظه تاریخ معاصر جهان ثبت کرد، به همگان نشان داد قدرت‌گیری گروه‌های تروریستی و ناتوانی دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی در مهار آنان چه سرنوشت رقت‌باری را می‌تواند برای جامعه جهانی رقم بزند.

شاید تا پیش از این تصوّر می‌شد وضعیت آشوب مختص مناطق توسعه‌نیافته جهان مانند شمال آفریقا و خاورمیانه است و جهان توسعه‌یافته می‌تواند با خیالی آسوده و از روی بی‌تفاوتی این صحنه‌های رقت‌بار ترور و کشتار را نظاره کند و مطمئن باشد که دامنه آن به قلمرو کشورهای غربی نخواهد رسید. لکن عملیات‌های تروریستی داعش در نقاط مختلف جهان که نقطه اوجش حوادث خونین پاریس در سال ۲۰۱۵ بود آشکارا اثبات کرد که اگر اقدام هم‌افزا و مشترکی از سوی همه کشورها و سازمان‌ها صورت نپذیرد، عملاً هیچ نقطه‌ای از تهدید تروریسم جهانی در امان نخواهد بود.

نکته جالب توجّه این‌که روسیه برای جلوگیری از نفوذ این تهدیدات به خاک خود از مدل «استبدادی» استفاده کرد. اصولاً منطق حضور دولت پوتین در معرکه سوریه و دفاع از بقای دولت غیردموکراتیک و استبدادی اسد برخلاف خط‌مشی مقامات آمریکایی و اروپایی همین بود که به درستی تشخیص داد اگر دولت دارای حاکمیت در این منطقه جای خود را به آشوب و ناامنی مستمر بدهد، دامنه این آشوب دیر یا زود به مناطق اطراف روسیه همچون داغستان و چچنستان و آبخازیا نیز تسری خواهد یافت و کنترل آن به مراتب دشوارتر خواهد شد. لذا پوتین اتهام حمایت از استبداد و بی‌توجهی به دموکراسی و حقوق بشر را به جان خرید تا ناامنی تروریسم را در اطراف مرزهایش نبیند. این الگو ممکن است در آینده مورد استفاده دیگر

آن نیز قرار گیرد و در نتیجه، شرایط را برای تحقق سناریوی چهارم مهیا سازد.

## ۵. سناریوی چهارم: جهان واقع‌گرا<sup>۵</sup>

در قالب سناریوی چهارم جهان احتمالاً شاهد احیای نظام دولت‌محور در نتیجه‌ی ناکامی و فروپاشی اقتدارهای جهانی و آغاز دور جدیدی از تنش‌ها میان قدرت‌های بزرگ نظیر آمریکا، چین و روسیه خواهد بود. این تنش‌ها می‌تواند عوامل متعددی داشته باشد از جمله اشاعه سلاح‌های هسته‌ای در کشورهای مانند کره شمالی که منجر به رقابت تسلیحاتی با ورود ژاپن یا کره جنوبی به دلیل احساس تهدید خواهد شد، کشمکش دریایی چین و ژاپن در دریای ژاپن، تنش روسیه و ناتو بر سر اوکراین، تنش چین و آمریکا بر سر تایوان، تنش هند و پاکستان بر سر کشمیر، تنش چین و همسایگانش بر سر تملک جزایر پاراسل و اسپاراتلی در دریای چین جنوبی، تنش چین و ژاپن بر سر جزایر سناکو و نیز تنش سعودی و ایران بر سر سوریه و عراق. احیای این کشمکش‌ها منجر به افزایش آمادگی‌های نظامی دولت‌ها و شکل‌گیری اتحادهای نظامی خواهد شد و از ایده‌های واقع‌گرایانه و نوواقع‌گرایانه در روابط بین‌الملل غبارروبی خواهد کرد.

به نظر می‌رسد این سناریو تا حدود زیادی به برداشت روسیه و چین از اقدامات آمریکا و میزان پایبندی‌اش به تعهدات بین‌المللی بستگی دارد و اقدامات ترامپ از زمان ورودش به کاخ سفید تاکنون در شکل‌گیری چنین برداشتی مؤثر بوده است. ترامپ با اتخاذ سیاست «اول آمریکا»<sup>۶</sup> سبب بی‌اعتنایی چشمگیر ایالات متحده به تعهدات بین‌المللی‌اش شده است که نمود آن را در بی‌میلی ترامپ نسبت به حضور در ژاپن و کره جنوبی، امتناع از

---

<sup>۵</sup>. a realist world

<sup>۶</sup>. America First

ورود جدی به بحران‌های سوریه و اوکراین، خروج یک‌جانبه از توافق هسته‌ای ۱+۵ با ایران، ابراز تمایل برای خروج از موافقتنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) و موضع‌گیری‌های غیردوستانه در قبال ناتو و اعضای آن مشاهده می‌کنیم. تمامی این رفتارها تضعیف‌کننده همکاری و چندجانبه‌گرایی و به‌مثابه رویگردانی آمریکا از دستاوردهای جهانی‌شدن لیبرال است و بستر مناسبی را برای تقویت نظام دولت‌محور و تحقق سناریوی جهان واقع‌گرا فراهم می‌سازد.

#### ۵-۱. تحقق این سناریو چقدر محتمل است؟

تحلیل وضعیّت میدانی نشان می‌دهد مادامی که دولت‌ها کنشگران اصلی سیاست جهانی باشند و جهانی‌شدن نتواند خودمختاری و استقلال آن‌ها را بگیرد، رهبران سیاسی همچنان از منظر منافع ملی خود به جهان می‌نگرند و لذا موضوعات تنش‌آمیزی مانند کشمکش اسرائیل و فلسطین یا هند و پاکستان در نقاط مختلف تداوم خواهد یافت و این به معنای تحقق سناریوی جهان واقع‌گرا خواهد بود. یک عامل دیگر برای تداوم رفتارهای واقع‌گرایانه، به چالش کشیده شدن جایگاه برتر آمریکا از جانب روسیه و چین است که بر اساس نظریه «گذار قدرت» با توجه به تلاش آمریکا برای حفظ وضع موجود و برتری خود ممکن است منجر به وقوع جنگ میان این قدرت‌های بزرگ شود.

#### ۶. بالاخره کدام سناریو؟

اکنون باید پرسید از میان این چهار سناریو و چه‌بسا دیگر سناریوهای محتمل سرانجام کدام‌یک در آینده سیاست جهانی محقق خواهد شد؟ در پاسخ باید گفت همان‌گونه که در آغاز این نوشتار ذکر گردید، هیچ آینده

قطعی و روشنی وجود ندارد. در نگاه اول شواهدی دال بر وقوع یکایک این سناریوها از وضع کنونی سیاست جهانی می‌توان ارائه کرد. برای مثال روابط آمریکا، اروپا، ژاپن، کانادا و دیگر کشورهای توسعه‌یافته امکان تحقق مدل اول یعنی جهان جهانی‌شده را تداعی می‌کند، در حالی که وضعیت نابسامان خاورمیانه و شمال آفریقا مدل سوم یا همان جهان در آشوب را به ذهن متبادر می‌سازد؛ همچنین روابط آمریکا و روسیه یا هند و پاکستان با چشم‌اندازی که مدل چهارم در جهان واقع‌گرایانه ترسیم می‌کند شباهت دارد. با این حساب به نظر می‌رسد جهان آینده که در معرض تحوّل سیاست جهانی و گذار به نظم نوین و تغییر الگوهای اقتدار، هویت و توزیع قدرت قرار دارد، جهانی آمیخته با پیچیدگی و بی‌ثباتی است و لذا بسیار غیرقابل پیش‌بینی خواهد بود. می‌توان گفت سیاست جهانی به‌طور تناقض‌آمیزی یک نظام پیچیدگی سازمان‌یافته ((a system of organized complexity است یعنی در عین سازمان‌یافتگی، پیچیدگی و ابهام دارد و در چنین نظامی متأسفانه سرنوشت میلیون‌ها انسان را تصمیم شمار اندکی از رهبران سیاسی تعیین می‌کند. تاریخ خونبار روابط بین‌الملل هم نشان می‌دهد که چقدر خطرناک و مصیبت‌بار است وقتی سرنوشت جهان به دست رهبرانی باشد که فهمشان از رفتار خود و تبعات آن بسیار ناقص است و همواره در معرض اتخاذ تصمیمات اشتباه هستند.



## ۳۸. کرونا و جهانی‌سازی

محمدعلی رامین<sup>۱</sup>

دنیای بعد از کرونا با دنیای پیش از آن، شباهت زیادی نخواهد داشت. متهم اصلی تولید و تکثیر این ویروس، همان کسانی هستند که خود را «فرزندان خدا» و مابقی جامعه بشری را، طفیلی خودشان می‌دانند. طبیعت نمی‌تواند علیه خودش اقدامی بکند. در این نظامی که خالق هستی ایجاد کرده، تناقض و تضادی وجود ندارد.

اگر ناگهان در طبیعت، ویروسی نظم جهان را بر هم می‌زند؛ حتماً «عامل بیرونی» نقشی دارد. بیماری‌های فوق مدرنی مثل ایدز، سارس، ابولا، جنون گاوی، تب برفکی و کرونا، نشان می‌دهد که عاملی بیرونی، طبیعت و محیط زیست آدمیان را آلوده و بیمار می‌سازد.

در تاریخ بشر از این اتفاقات همیشه رخ داده که آلودگی‌هایی دامن مناطقی را گرفته است. در قرون وسطی، بارها این اتفاق افتاده است. در قرن

---

۱. دهم فروردین ۱۳۹۹ / جلسه گفت‌وگوی مجازی مجمع بین‌الملل جبهه فرهنگی- اجتماعی انقلاب اسلامی استان فارس با حضور: محمدعلی رامین.



سیزدهم، طاعون سراسری در اروپا پیش آمد و کلیسا بر اثر تحقیق و با تجربه موارد گذشته، «یهودیان» را مقصر شمرده و فقط در یک منطقه، ۱۲ هزار یهودی را سوزاندند. غربی‌ها، طی سه هزار سال گذشته، یهودیان را هم آلوده می‌دانستند و هم عامل آلودگی محیط زیست خود می‌شناختند.

این که الان مقصر کیست، هنوز نمی‌توان با قطعیت گفت. فعلاً حرف و حدیث زیاد است؛ اما یک متهم اصلی با سابقه طولانی و مکرر خودش در انجام جنایت علیه بشریت، وجود دارد که یک قوم را فرزندان خدا و مابقی جامعه بشری را طفیلی آن قوم می‌داند. از نگاه دینی خودشان (تلمود و دستورالعمل‌های دانشوران صهیونی) باید بخش قابل توجهی از مردم جهان باید بمیرند و بقیه ذلیل و علیل و ناتوان شوند تا امکان سیطره کامل یهود بر سرنوشت جهانیان فراهم گردد و حاکمیت مطلق بر جهان را بدست آورند. امروز حضور آن‌ها محدود به یک جغرافیای خاص نیست، اما پایگاه‌های اصلی آن‌ها «اسرائیل، آمریکا و انگلیس» است که آزمایشگاه‌های وسیعی برای تولید جنگ‌افزارهای میکروبی و شیمیایی و اتمی تحت پوشش «کمپانی‌های چند ملیتی» در سراسر جهان دارند.

### ۱. تولید و انتشار کرونا، بر اساس تئوری «نظم بی‌نظمی‌ها»<sup>۱</sup>

حالتی است مثل تجربه آب ریختن در لانه مورچگان برای مشاهده چگونگی رفتار جمعی آن‌ها.

بحثی در دهه شصت - هفتاد قرن بیستم میلادی پیش آمد که آیا کهکشان‌ها نظم دارند و یا بی‌نظم هستند؟ اگر نظم دارند، نظم آن‌ها چگونه است و اگر بی‌نظم هستند، چه قانونی بر بی‌نظمی آن‌ها حاکم است؟ تقریباً

---

1. Chaos-Theory

از ۵۰ سال پیش، این بحث وارد مقولات مردم‌شناسی و جامعه‌شناختی شد. در جامعه‌ای منسجم که نظم تاریخی دارد، یک جنگ، توطئه یا هر فتنه دیگری را وارد می‌کنند تا نظم به هم بریزد، بعد ببینند در شرایط بی‌نظمی، چه رفتاری از قشرهای مختلف جامعه سر می‌زند و آیا جامعه، آن اقتدار و انسجام سابقش تکرار می‌شود یا خیر؛ از این بررسی، داده‌های مختلفی برای برنامه‌ریزی بعدی خودشان علیه آن جامعه به دست می‌آورند.

این احتمال وجود دارد که کرونا، چنین آزمایشی برای شناسایی نقاط ضعف و قوت جوامع بشری باشد. کسانی که خود را قوم برتر می‌پندارند و به دنبال حاکمیت مطلق بر جهان هستند، با ابزار گوناگون و قدرتمندی که در اختیار دارند، از قبیل اقتصاد، رسانه، سیاست، تسلیحات نظامی، سینمای هالیوود، بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول و سایر نهادهای بین‌المللی، بخواهند چنین بحرانی را بر مردم جهان آزمایش کنند. باید دانست که دولت آمریکا، یک دولت مستقل ملی نیست. لابی صهیونیست‌های دو درصدی، طراح پشت صحنه و تأثیرگذار اصلی‌اند.

کرونا چه بسا تغییرات و تحولاتی را ایجاد کند که مورد توقع پدید آوردندگانش نباشد. شاید سؤال پیش بیاید که دولت آمریکا خودش امروز از مسئله کرونا متضرر است، اما باید بدانیم که دولت آمریکا، دولت مستقلى نیست. لابی صهیونیست‌ها در همه جای دنیا حضور دارند و در آمریکا حضورشان و تأثیرشان بسیار قوی و تعیین‌کننده است؛ اوپاما و ترامپ و ... خیلی از اطلاعات کلان آمریکا را ندارند و به نوعی عروسک خیمه شب‌بازی هستند.

نکته مهم دیگر این است که لابی چند صد نفره یا در طیف وسیع‌تر، چند هزار نفری صهیونیست‌ها، ۱۴-۱۵ میلیون یهودی جهان را برده خود کرده‌اند؛

یعنی همین‌هایی که خود را قوم برتر می‌دانند و دنبال حاکمیت مطلق بر جهان هستند.

## ۲. ورشکستگی اقتصادی و ازهم‌گسیختگی فرهنگی اجتماعی آمریکا

از سال‌های پیش، برای اقتصاددانان، ورشکستگی اقتصادی آمریکا امری محرز بوده است. در زمان رونالد ریگان، حدود چهل سال پیش، مشخص شد که پشتوانه دلار در دست دولت آمریکا و بانک مرکزی آن نیست. این دلار که امروز غالباً با آن دادوستد می‌کنند، بدون پشتوانه طلاست، و در عین حال، میزان دلار چاپ و تکثیر شده، از تمام کالاهای قابل معامله در جهان بیشتر است.

وقتی اقتصاد آمریکا متلاشی شده است، حالا باید اقتصاد جهان نیز با این «هیولای وحشتناک» کرونا زمین بخورد تا ورشکستگی اقتصادی آمریکا، همراه بشود با اقتصاد زمین خورده جهانی. این «نظریه» می‌تواند، برنامه‌ریزی دقیق و گسترده سرمایه‌سالاران صهیونیستی باشد.

آیا همه چیز با اراده برنامه‌ریزان آن پیش می‌رود؟ پاسخ بنده منفی است. این بیماری، الان فراگیر شده و دامان اروپا و آمریکا را هم گرفته است؛ البته صاحبان رژیم آمریکا دغدغه‌ای ندارند که پنجاه و چند میلیون بی‌خانمان همگی بمیرند؛ هرچند دولت برای حفظ حیثیت خود کارهایی می‌کند؛ اما به‌رحال مجموعاً آسیب پذیر شده‌اند.

آن‌هایی که ادّعای رهبری جهان را داشتند، در رهبری کشور خودشان درمانده‌اند. الان وضعیت بهداشتی و درمانی در آمریکا بسیار وحشتناک است. تمام نیروهای مسلّح آمریکا آماده باش هستند و کنترل شهرهای بزرگ را در دست گرفته‌اند.

به یاد داشته باشیم که آمریکا که با سه مؤلفه رفاه، آزادی و امنیت به قدرت جهانی رسیده است؛ اما الان هم امنیت جان و سلامت شهروندان آمریکا به خطر افتاده است، هم اقتصاد آن بشدت ضربه خورده و خواهد خورد و هم امنیت اجتماعی آمریکا شدیداً آسیب دیده است، به‌طوری که بزرگ‌ترین دغدغه نیروهای مسلح آمریکا این است که با کمبود مواد غذایی و قحطی، کشورشان، دچار آشوب‌های اجتماعی شود و عملاً زندگی در جامعه آمریکا مختل شود. ۳۰۰ میلیون آدم با حدود ۵۰۰ میلیون اسلحه در دست با جامعه‌ای که هیچ نسبت تاریخی، فرهنگی، عقیدتی و قومیتی مشترک با هم ندارند، همه با هم غریبه‌اند و مهاجرند. این مهاجرینی که از ۴۰۰-۵۰۰ سال پیش به آمریکا مهاجرت کرده‌اند، هم آدم کش بودند هم مردم بومی را قتل عالم و غارت کردند؛ هنوز هم کسانی که به آمریکا مهاجرت می‌کنند، دنبال منافع شخصی خود هستند و انگیزه الهی و انسانی ندارند؛ این بافت شکننده جامعه آمریکاست.

### **۳. در بعد جهانی، رابطه آمریکا با اتحادیه اروپا و باقی دنیا و کشورهای مستعمره‌اش بشدت دگرگون می‌شود**

حالا اگر آمریکا به این مشکل کرونا مبتلا بشود که شده است، رابطه‌اش با دنیا و کشورهای مستعمره خودش متزلزل می‌شود. آمریکا نمی‌تواند سلطه خودش را بر روی کشورهای مستعمره‌اش مثل عربستان و امارات و بحرین و... و کشورهای تابع خود مثل ژاپن و آلمان و ایتالیا ... در این شرایط ادامه دهد. به نظر می‌رسد با این اوضاع، کشورهای جهان، دیگر آمریکا را به مثابه تکیه‌گاه نخواهند پذیرفت.

اتحادیه اروپا خودش را از زیر سلطه آمریکا بیرون می‌آورد و این احتمال وجود دارد که کشورهای اروپایی به سمت استقلال پیشین خود بروند و

اتحادیه اروپا نیز دگرگون یا متلاشی بشود. وقتی دولت‌های اتحادیه اروپا می‌بینند، کشور دیگری به کمک آن‌ها نمی‌آید، مثلاً آلمانی‌ها به کمک ایتالیایی‌ها؛ یا فرانسوی‌ها به کمک انگلیسی‌ها نمی‌روند و می‌بینند که فقط هر کشوری به فکر منافع خودش است، زمینه برای استقلال کشورهای اتحادیه اروپا فراهم می‌شود و این اتحادیه شدیداً متزلزل می‌شود.

#### ۴. تغییر نگاه جهانیان نسبت به حکومت‌های ملی و حاکمیت بر جهان

در بعد سیاسی، به نظر می‌رسد، نوع نگاه جهانیان به حکومت و حاکمیت تغییر خواهد کرد. مردم عملکرد رهبران‌شان را می‌بینند و مقایسه می‌کنند. وقتی در جهان سکولار، در حداقل ۲۵۰ سال گذشته که سکولاریسم حاکم است و ارزش‌های الهی از حاکمیت‌ها جدا شده و رهبران این حاکمیت‌ها هیچ ارزشی برای نقش دین و معنویت و خدای عالم به مثابه مبدأ، در عرصه سیاست، قائل نباشند، باعث می‌شود مردم جهان نسبت به رهبران‌شان و نوع حاکمیت آن‌ها دچار تردید شدید بشوند.

در سبک زندگی غربی، سال‌هاست که رسانه‌ها، مردم را با فیلم و ورزش و نمایش و تنوعات و ... سرگرم می‌کنند تا با خدا رابطه نداشته باشند. انسانی که خلیفه خدا روی زمین است را جایگزین خود خدا کرده‌اند؛ لیکن بعد از ۲۵۰ سال حاکمیت سکولاریسم و حدود ۴۰۰ سال تبلیغات خداگری عصر روشنگری، اما امروز می‌بینیم که بشر با سرعت برق از آن بی‌دینی عبور کرده و به معنویت روی آورده است.

## ۵. بازگشت همگانی به سوی خدا

در غرب سکولار عموم جوامع به خدا روی آورده ند. قاری قرآن برای دونالد ترامپ نژادپرست، قرآن می‌خواند؛ رهبر چین به مسجد مسلمانان می‌رود. در اسپانیا دوباره صدای اذان از مناره‌ها پخش می‌شود؛ سران سیاسی جهان به مسلمانان متوسل می‌شوند که برایشان دعا کنند و ... .

الان مشاهده می‌کنیم که پیش‌بینی‌های امام خامنه‌ای دارد محقق می‌شود. ما مسلمانان، خودمان از این استقبال جهانیان به اسلام غافلگیر شدیم و برنامه و طرحی برای مدیریت شرایط و هدایت جامعه جهانی نداریم. البته باید مراقب بود، اگر در خطرات این فضا دقت نکنیم و کاری انجام ندهیم، باز همان شیاطین، ابتکار عمل را به دست خواهند گرفت و ذهن‌ها و قلب‌ها را به سمت عرفان‌های کاذب و غیرتوحیدی سوق می‌دهند و «انرژی کیهانی» و «شعور هستی» را جایگزین خالق خلقت می‌کنند.

آن گروهی که دنبال تسلط بر جهان هستند، در این سال‌ها هر جنایتی که توانستند علیه مسلمانان انجام داده‌اند؛ از ایجاد القاعده و طالبان تا داعش و النصره. کشتار در میانمار و کشمیر و نیجریه، تخریب سرزمین‌های سوریه و عراق و اسارتگاهی مثل بحرین، کشتار وحشتناک ملت یمن و ... . حالا یک ویروس ناچیز، می‌تواند عالم را چنین تغییر دهد و به نفع ملت‌های مظلوم مسلمان تمام شود.

## ۶. کرونا، انسان را وارد مرحله جدیدی کرده است

این ویروس همه چیز، از نظم حیات فردی و اجتماعی گرفته تا کارکرد علوم و فنون را مختل کرده است. گویی آدمیان از یک خواب چند صدساله بیدار شده‌اند و انسان وارد مرحله جدیدی شده است. دنیای بعد از کرونا با دنیای پیش از آن، شباهت زیادی نخواهد داشت.

مردم در اروپا و آمریکا برای غارت فروشگاه‌ها، از ترس قحطی همدیگر را تهدید می‌کنند. شما این را مقایسه کنید با ملت ایران؛ عجیب است. مردم ما بعد از چهل سال تحریم و جنگ، چقدر آرام هستند؛ علی‌رغم همه هجمه‌های روانی رسانه‌های آن قوم شرور، ولی باز جامعه ما منسجم و صبور مانده است.

الان می‌فهمیم وقتی امام خامنه‌ای روی نقاط قوت فرهنگی و اجتماعی و عقیدتی و معنوی ملت ایران تکیه می‌کنند، یعنی چه. از دانشگاهیان تا حوزویان، پزشکان تا بسیجیان ملت ایران، این چنین فداکاری می‌کنند. از طرفی دوباره نهاد خانواده در جهان بازسازی شده است و مردم به خانواده‌های خود پناه آورده‌اند. بعضی از علوم و فنون تغییر ماهوی خواهند کرد. زمینه جهش علمی برای بشریت فراهم شده است. از طرفی برخی علوم که دچار غرور و تکبر شده بودند، می‌فهمند که ناتوانند؛ مثلاً طب کلاسیک می‌تواند با طب سنتی هم‌افزایی داشته باشد و باهم به یاری مردم بشتابند.

## ۷. جهانی شدن جوامع بشری، با نگرشی نوین

امروز جامعه بشری، تحت تأثیر همین بیماری، نگاهش جهانی شده است و این جهانی شدن نوینی را پدید می‌آورد. این جهانی شدن، با آن جهانی‌سازی که جریان استکبار و آمریکا به دنبالش بود، بسیار متفاوت است. آمریکایی‌ها می‌خواستند جهان را حول محور و با اراده خود بسازند. بازی جهانی‌سازی آن‌ها، شکست خورده و به زباله‌دان تاریخ پیوسته است. ملل جهان از طرفی می‌فهمند که اتکا به دولت‌ها و حاکمان سکولارشان هیچ کمکی به آن‌ها نمی‌کند و باید روی پای خود باستند. از طرفی نیز نگاهشان از ملیت‌گرایی، به سمت همبستگی جهانی تغییر می‌کند؛ همان نگاهی که در اندیشه توحیدی اسلام است. اسلام دین جهانیان و پیامبرش،

پیامبر رحمت برای جهانیان است.

## ۸. نظم نوینی مبتنی بر حیات طیبه انسان الهی

نظم نوینی مبتنی بر انسان الهی و خداجو، انسان متعهد، رسالت‌مدار و مسئولیت‌پذیر در حال شکل‌گیری است. این خداگرایی، باعث جهش تاریخی انسان بعد از کرونا خواهد شد و جامعه انسانی، جامعه توحیدی و عدالت خواه و شکرگزار نعمت‌ها خواهد بود و به دنبال منجی خواهد گشت و مقدمات ظهور پدید خواهد آمد. ان شاء الله.

## ۹. منابع و مآخذ

جان احمدی، فاطمه (۱۳۸۸)، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: انتشارات نشر معارف، ص ۲۴.

عمید، حسن (۱۳۸۹)، فرهنگ فارسی عمید، جلد اول، تهران: انتشارات اشجع، ص ۵۴۰.  
آدمی ابرقویی، علی (۱۳۸۷)، درآمدی بر دانشگاه تمدن‌ساز اسلامی؛ بایسته‌های نظری. تهران: انتشارات دفتر برنامه‌ریزی و مطالعات فرهنگی، ص ۳۹.

سپهری، محمد (۱۳۸۵)، تمدن اسلامی در عصر امویان، تهران: نورالثقلین، ص ۳۵.  
فوزی، یحیی؛ صنم زاده، محمودرضا (۱۳۹۱)، تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلامی، شماره ۹، ص ۹.

مهریزی، رضا (۱۳۹۷)، تمدن از دیدگاه قرآن، روزنامه اطلاعات، ضمیمه فرهنگی، ۲۴ مرداد





## ۳۹. دنیای پسا کرونا، تکرار تاریخ یا رخدادی نو در نظم جهانی؛ آمریکا در راه افول یا طلوع دوباره؟ (نگاهی از منظر سیاست‌گذاری علم و فناوری)

محمد مهدی طهرانچی<sup>۱</sup>

جنگ جهانی دوم با به کارگیری سلاح کشتار جمعی، برای اولین بار، به وسیله ایالات متحده و کشتار دسته‌جمعی در دو شهر آسیایی و بجای ماندن اروپایی ویران، خاتمه یافت. بدعتی جدید که در به خدمت گرفتن علم و فناوری در قدرت‌آفرینی کشورها، خلق شد. نظم نوین که با حاکمیت ایالات متحده آغاز و پس از یک دهه، با تکانه پرتاب ماهواره اسپوتنیک<sup>۲</sup> به وسیله اتحاد جماهیر شوروی در چهارم اکتبر ۱۹۵۷، در میان آمریکایی‌ها و وحشتی فوق‌العاده در میان مردمی که خود را فاتحان فناورانه جنگ می‌دانستند، به بلوک شرق و غرب منجر گردید. اقتدار در این دوره از پیش‌شرانی در علم و

---

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی / پژوهشکده لیزر و پلاسما / ریاست دانشگاه آزاد اسلامی /

۲. نخستین ماهواره جهان که به وسیله اتحاد جماهیر شوروی به فضا پرتاب شد.

فناوری حاصل گردید و آنچه در پرتاب اسپوتنیک توانست هژمونی اقتدار آمریکایی را خدشه دار کند، دست بالا پیدا کردن اتحاد جماهیر شوروی در فناوری فضایی بود.

بحران اسپوتنیک بیش از هر حادثه دیگری در تاریخ آمریکا، توجه مردم و سیاست‌گذاران را به اهمیت بالای وضع سیاست‌های دولتی در حمایت از علم و فناوری جلب کرده است، سیاست‌هایی که هدفشان حفظ برتری علمی، فناورانه و نظامی ایالات متحده در برابر دیگر کشورهای جهان بود. سنگ بنایی که در پایان جنگ جهانی دوم و در واکنش به اسپوتنیک نهاده شد، ساختاری کلی که امروز علم ایالات متحده را به پیش می‌راند، بوجود آورد. بر پایه تصمیمات کلان سیاستی، دانشگاه‌ها بستر اولیه انجام تحقیقات مورد حمایت دولت قرار گرفت. آزمایشگاه‌های ملی با هدف پیشرفت علم در حمایت از امنیت ملی و دیگر نیازها راه اندازی گردید و این سیاست‌ها الهام‌بخش نسلی از دانشجویان گردید که تحصیلات تکمیلی را در علوم و مهندسی دنبال می‌کردند. بلافاصله پس از پایان جنگ جهانی دوم و در خلال سال‌های آغازین جنگ سرد، حمایت دولت از علم افزایش یافت و نهادهای علمی شکوفا شدند که تضمین‌کننده پنجاه سال پیشتازی ایالات متحده در علم و فناوری جهانی بود و در پی آن حفظ موقعیت رهبری جهان را به همراه داشت.

بلاشک، پیشرفت‌های سیاسی و اقتصادی این کشور، مرهون تکانه وارده به جامعه آمریکایی در پی غافلگیری به سبب پرتاب اسپوتنیک بوده است. از این موارد می‌توان به: تصویب قانون فضایی در کنگره و تاسیس ناسا در سال ۱۹۵۸، افزایش چند ده برابری بودجه بنیاد علم، تاسیس آزمایشگاه‌های ملی و سرانجام در همان سال تاسیس آژانس پروژه‌های پژوهشی پیشرفته

(آریا) - که اکنون بسیاری آن را با نام دارپا می‌شناسند در داخل وزارت دفاع<sup>۱</sup> که وظیفه آن پیشگیری از غافلگیری‌های فناورانه نظیر اسپوتنیک است- و در مقابل طرح اندیشه‌های پژوهشی نوآورانه با خطرپذیری بالا را عهده دار گردید، اشاره کرد. این روند تا پایان قرن بیستم ادامه داشت.

قرن بیستم پشت سر گذاشته شد، فروپاشی بلوک شرق، دستیابی به علوم و فناوری‌های همگرا (NBIC) حاکمیت بر فضای مجازی، سلطه‌ای نوین را به آمریکایی‌ها برای قرن بعد، نوید می‌داد. توسعه اجتماعی و روند رشد در مناطق مختلف یک جابجایی شگفت‌انگیز در جغرافیای جهانی آموزش عالی، پژوهش و نوآوری پدید آورد و منجر به پدیدار شدن یک دنیای چندقطبی فزاینده در علم و مهندسی پس از دهه‌ها رهبری علم توسط ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و ژاپن بوده است. بررسی سرمایه‌گذاری کشورها در دو دهه اخیر نقش مهم مربوط به سرمایه‌گذاری در بستر پژوهشی را در طیف وسیعی از کشورها نشان می‌دهد. ایالات متحده که بازیگر اصلی پژوهش در دنیا بوده است، در اسناد بالادستی‌اش از نگرانی‌هایش نسبت به جابجایی لرزه‌ای دورنمای جهانی رقابت که به‌طور ویژه و نه منحصرأ، ناشی از توانمندی در حال رشد علمی و فناورانه چین و هند و حتی روسیه فدراتیو است، می‌گوید.

با پیشتازی جمهوری اسلامی ایران در بیش از یک دهه، در آهنگ رشد برونادهای علمی ایران از جایگاه ۵۸ در سال ۱۹۹۶ به رتبه ۱۵ در تعداد برونادهای علمی در سال‌های اخیر، رسیده است. رشد صنعت هسته‌ای و فضایی و تعداد دانشجویان تحصیلات تکمیلی ایران را نیز به مثابه یک قدرت نوظهور علمی مطرح کرد. تحریم‌ها راهبردی، منفعلانه از سوی ایالات

---

1. Defense Advanced Research Projects Agency

متحدۀ آمریکا برای جلوگیری از رشد علمی ایران به‌صورت جدّی دنبال گردید و به بهانه فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران نه تنها در عرصه اقتصادی، بانکی و نفتی، بلکه در عرصه‌های علمی نیز به جدّ توسعه یافت. ایالات متحدۀ پس از خلق جغرافیای جدید علم، در حال بررسی جایگاه خود است و نقاط ضعف را به شیوه قابل ملاحظه‌ای درک کرده است. گزارش «بر فراز طوفان» در سال ۲۰۰۵ توسط بنیاد علم آمریکا، یک فراخوان بیدارباش برای ایالات متحدۀ، مبتنی بر تهدیداتی است که پیش روی سلطه آن‌ها قرار دارد. این گزارش اثر چشمگیری بر مدیریت اوباما داشته است. این عقیده در ایالات متحدۀ وجود دارد که نه تنها در ارتباط با آموزش، بلکه در زمینه صنایع دانش‌بنیان نیز پیشتازی آمریکا در دنیای مشترک بسرعت در حال تحلیل است. در گذشته، ایالات متحدۀ مقصد نهایی دانشجویان برای تحصیلات تکمیلی در سطح جهان بوده است. تعداد دانشجویانی که در سال ۲۰۰۰ در ایالات متحدۀ ثبت نام کرده‌اند از ۴۷۵۰۰۰ نفر به ۷۸۴۰۰۰ نفر در سال ۲۰۱۳ رسیده است. تاکنون به سبب رقابت دیگر کشورها در جذب دانشجوی خارجی بیشتر، سهم ایالات متحدۀ علی‌رغم افزایش تعداد، با کاهش از ۲۵٪ جمعیت دانشجوی سیّال در سال ۲۰۰۰ به ۱۹٪ سال ۲۰۱۳ رسیده است. انگلستان، استرالیا، فرانسه و آلمان دیگر کشورهایی است که مقصد عمده این دسته دانشجویان بوده است. به بیان دیگر، در دنیای امروز قرن بیست و یکمی که این ارتباطات هر روز گسترش می‌یابد، کارگران با مهارت علوم و مهندسی منشا جمع‌کنندگی ظرفیت نوآورانه ملّتها و اقتصاد رقابتی هستند. دولت‌ها در برخی از کشورها، دسترسی به آموزش عالی را با اولویت بالایی فراهم نموده‌اند. در همین ایّام، آن‌ها با افزایش جابجایی نیروهای ماهر خود که در حوزه علوم و مهندسی تحصیل و یا کار می‌کردند،

دنیای پسا کرونا، تکرار تاریخ یا رخدادی نو در نظم جهانی □ ۵۹۳

مواجه شده‌اند به‌طوری که کشورها در جذب استعدادهای درخشان با یکدیگر مسابقه گذاشته‌اند.

آخرین شاخص‌های علم و فناوری که به وسیله بنیاد علم آمریکا، تحت عنوان شاخص‌های علوم و مهندسی در ۲۰۲۰ منتشر شده است، نشان دهنده برابری ویا حتی پیش‌تازی چین در خیلی از موارد شاخص‌های پژوهش و نوآوری از ایالات متحده آمریکا است. تعداد فارغ‌التحصیلان دکتری در کشور چین به نزدیکی تعداد فارغ‌التحصیلان آمریکایی رسیده است. از طرف دیگر، میزان سهم ایالات متحده در هزینه پژوهش در سطح جهان سالانه درصدی کاهش می‌یابد و کشورهای آسیایی خصوصاً چین این سهم را بخودش اختصاص می‌دهد. میزان سرمایه‌گذاری چین در پژوهش از جمع کشورهای اروپایی بیشتر شده و پیش‌بینی می‌شود بزورددی آمریکا را نیز پشت سر بگذارد. از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۷ سهم آمریکا از سرمایه‌گذاری جهانی در تحقیق از ۳۲٪ به ۲۵٪ کاهش یافته و همچنین اروپا نیز سهمش از ۲۵٪ به ۲۰٪ کاهش داشته و در عوض سهم کشورهای آسیای شرقی از ۲۵٪ به ۴۲٪ افزایش داشته است که این زنگ خطری جدی برای ایالات متحده است. در بروندادهای پژوهشی در کل دنیای علم، در فاصله سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۸ سهم آمریکا از ۲۸٪ به ۱۷٪ کاهش یافته و در مقابل سهم چین از ۵٪ به ۲۱٪ افزایش نشان می‌دهد. در سهم ارزش‌افزوده صنایع با فناوری بالا و میانی رشد چین درمقابل ایالات متحده بسیار چشمگیر بوده است. به نحوی که در فناوری‌های بالا سهم آمریکا از ۳۸٪ به ۳۲٪ کاهش و درعوض سهم چین از ۶٪ به ۲۱٪ افزایش یافته است و در صنایع با فناوری‌های بالا و متوسط در ۲۰۱۸ چین با ۲۸٪ از سهم آمریکا با ۲۲٪ پیشی گرفته است. این شاخص‌ها برای آمریکا بسیار نگران‌کننده است.

امروزه با این که علم و نوآوری بیش از هر زمان در اقتصاد و امنیت ملی ایالات متحده مؤثر است، برخی از دانشمندان نگران آن هستند که در مقایسه با رقبا با توجه به ابعاد مختلف سرمایه‌گذاری نظام حاکمه ایالات متحده خصوصاً در حوزه نظامی و مشکلات سیاسی- اجتماعی، از اشتیاق عمومی نسبت به حمایت دولت از علم، کاسته شود. در واقع، در اثر بی‌توجهی و غفلت، برتری جهانی آمریکا در علم به خطر افتاده است. دامنه این نگرانی‌ها، از ترس‌های بعد از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز می‌شود که سیاست‌گذاران ایالات متحده نتوانستند اهمیت علم در اقتدار را درک کنند و تا نگرانی‌ها در مورد سیاسی شدن علم و ابراز تأسف از اهمال دولت در آموزش علوم و ریاضیات پیش رفت.<sup>۵</sup> ایالات متحده وارد سه جنگ در منطقه خلیج فارس و افغانستان گردید. نیروها و امکانات زیادی را به منطقه وارد نمود. پس از آن، جنگ‌های نیابتی در عراق و سوریه، دو دهه ویرانی و جنگ، هژمونی ایالات متحده را فرو ریخت.

چنانچه آمریکا بخواهد در اقتصاد جدید جهانی و مبتنی بر دانش، از رقبای خود پیشی بگیرد، پیشرفت‌های علمی بیشتر و سریع‌تر مورد نیاز است که این مسئله تعهدی تجدید یافته نسبت به علم و سیاست‌های دولتی حامی آن را می‌طلبد. نگرانی از تعهد مردم و دولت نسبت به علم برخی از جمله نماینده ورنون اهلر آر- ام‌آی<sup>(۱)</sup> نخستین دکترای فیزیک را که تا به حال به کنگره راه پیدا کرده است، بر آن داشته که این پرسش را مطرح کنند: «اکنون که به اسپوتنیک نیاز داریم، کجاست؟<sup>۶</sup>» افراد دیگری نظیر بیل گیتس، رئیس شرکت مایکروسافت، آرزوی رخداد حادثه‌ای همچون /اسپوتنیک یا به اصطلاح برهه اسپوتنیک را بازگو کرده‌اند تا بار دیگر منجر به

---

1. Vernon Ehlers R-MI

وضع سیاست‌های دوراندیشانه در حوزه علم توسط دولت شود.<sup>۷</sup> برخی از شخصیت‌ها نظیر شرلی جکسون<sup>(۱)</sup>، رئیس پیشین انجمن ترویج علم در آمریکا و رئیس انستیتو پلی‌تکنیک رنسلر<sup>(۲)</sup> بر این باور هستند که «ما در حال حاضر با یک بحران خاموش مواجهیم». <sup>۹</sup> در گردهمایی کانون ملی رسانه در فوریه ۲۰۰۵ که در آن رهبران کسب و کار و دانشگاه‌ها دغدغه‌هایشان را در ارتباط با رقابت رو به رشد حاصل از ظهور کشورهای آسیایی نظیر چین و هند، مطرح کردند، رقابتی که برتری علمی و فناورانه‌ی ایالات متحده را تهدید می‌کند. کریگ بارت<sup>(۳)</sup>، مدیر ارشد اجرایی اینتل<sup>(۴)</sup> اشاره کرد: «این یک بحران تدریجی است و چیزی نیست که ذهن آمریکایی درست به آن پاسخ دهد. ضربه‌ای همچون اسپوتنیک یا سونامی هم نیست». <sup>۱۰</sup> نویسنده برگزیده مقالات نیویورک تایمز، توماس ال فریدمن، اظهار می‌دارد که این بحران «فرسایش مستمر بنیان علمی و مهندسی ایالات متحده است، چیزی که تاکنون منشأ نوآوری در آمریکا و ارتقاء دهنده استانداردهای زندگی بالای ما بوده است». <sup>۱۱</sup>

در کتاب «پسااسپوتنیک: سیاست علمی آمریکا در قرن ۲۱» که به وسیله دانشگاه میشیگان در سال ۲۰۰۸ م انتشار یافته است، نیل، مک کرومیک و اسمیت، نویسندگان این کتاب، معتقدند که: «دلایل زیادی برای نگرانی نظام حاکمه ایالات متحده وجود دارد. دانش‌آموزان آمریکایی در آزمون‌های بین‌المللی علمی و ریاضی نتایج ضعیفی می‌گیرند. بسیاری از صنایع، با

---

1. Shirley Jackson

2. Rensselaer Polytechnic Institute

3. Craig Barrett

۴. بزرگ‌ترین تولید کننده تراشه های کامپیوتری.



واگذاری جایگاهشان به شرکت‌های خارجی، خصوصاً شرکت‌های چینی، در حال از دست دادن نقش رهبری سنتی خود هستند. مشاغل ایالات متحده هر روز بیشتر و بیشتر به کشورهای خارجی برون‌سپاری می‌شوند. با بالا رفتن تعهد دیگر کشورها به انجام تحقیقات علمی به دست خود، پیشرفت‌های مهم پژوهشی در خارج از ایالات متحده صورت می‌گیرد. روز به روز موج گسترده‌تری از دانش‌آموزان ممتاز سراسر دنیا، تصمیم به عدم ثبت نام در دانشگاه‌های آمریکا گرفته و جذب مؤسسات آموزشی دیگر کشورها که در زمینه کیفیت آموزش و پژوهش در حال تبدیل شدن به رقیبی برای ما هستند، می‌شوند. حال آن‌که ایالات متحده با موانع علمی و فناورانه عظیمی برای چالش‌های ملی، از قبیل وابستگی به نفت دیگر کشورها و احتمال بالقوه ابتلا به بیماری‌های فراگیر و دفاع در برابر خطر حمله‌ی زیست‌شناسانه، مواجه است.

این مشکلات، هر چند زنگ خطری از نوع هشدار معروف پرتاب اسپوتنیک به دست اتحاد جماهیر شوروی را به صدا در نمی‌آورند، اما نباید نادیده گرفته شوند. در نهایت، این چالش‌ها و مشکلات بسیار دیگری از این دست، افزایش دامنه توجّهات و متعاقباً افزایش آگاهی عمومی نسبت به چگونگی عملکرد دولت در راهبری پیشرفت علمی و فناورانه مردم ایالات متحده را می‌طلبند. این که ایالات متحده بجای رهبری جهان در علم و فناوری، به یک مقلد تبدیل شود، بسی مایه تأسف خواهد بود.

با تکیه بر پیش‌بینی سیاست‌مداران علم آمریکا پس از یک دهه ابتلا به بیماری فراگیر و یا حمله زیست‌شناسانه از احتمال به واقعیت مبدل شد و دقیقاً در چارچوب جدالی بین چین و آمریکا، دو رقیب جدی در حوزه علم و فناوری در روزهایی که آمریکا در مسیر افول است و چین در راه صعود. آمریکا

دنیای پسا کرونا، تکرار تاریخ یا رخدادی نو در نظم جهانی □ ۵۹۷

ویروس ظاهر شده را ویروس چینی می‌خواند و چین نیز سربازان آمریکایی شرکت‌کننده در مسابقات ورزشی ارتش‌های جهان را علت شیوع این ویروس می‌داند.

دو سناریو در پیش است. در سناریوی اول که تکرار تاریخ است، ظهور تکانه جدیدی به وسیله کنشگران جدید در عرصه علم و فناوری، خصوصاً چین که بیش از یک دهه است، به مثابه تهدید سلطه آمریکایی‌ها در اسناد بالادستی از سوی سیاست‌گذاران مطرح می‌گردد. در این نبرد، بسان دوره اسپوننتیک یا دنیای دو قطبی جدیدی در غالب جنگ سرد دوم شکل می‌گیرد که این امر محقق نمی‌شود، مگر این که از دید سیاست‌گذاران آمریکایی این همه‌گیری جهانی در ایالات متحده بسان تکانه دیگری، بسان اسپوننتیک بتواند همزمان سیاست‌های علم و فناوری آمریکایی را به گونه‌ای متحول بکند که بتواند تضمین‌کننده برتری علم و فناوری آمریکا در شکلی جدید و مستمر و نتایج آن به نحوی به کار گرفته شود تا در یک دوره پنجاه ساله دیگر، روندی جهش‌وار در علم ایالات متحده پیش آید و فاصله‌ای که هر روز بیشتر و بیشتر از سوی کشورهای نوظهور در حال کم شدن است، دوباره احیا گردد؛ و لازمه آن توقف روند فعلی اقتصاد جهانی در شرق دور است. اقتصادهای نوظهور از طپش باز ایستند. تسلط بر نفت و گاز منطقه خصوصاً عراق و ایران به مثابه منابع پایدار انرژی صورت پذیرد این شوک باید بتواند آمریکا را از این معرکه بیرون بکشد. یکی از موانع اساسی خارجی در کنار رشد شتابان چین در این سناریو، جمهوری اسلامی ایران است در جلوگیری از سلطه بی‌چون و چرای آمریکایی‌ها بر منابع انرژی خلیج فارس است که آمریکا با تحریم می‌خواهد آن را به زانو درآورد.

سناریوی دوم که این بار نظام سلطه آمریکایی، جای خود را به نظام

نوینی می‌دهد که دیگر آمریکا یک کنشگر اصلی نخواهد بود، بسان از دست دادن جایگاه برتر کشورهای اروپایی که در دوران جنگ سرد به کشوری دست دومی تبدیل شدند. چرا که علی‌رغم پیش‌بینی‌های صریح در بیش از یک دهه غافل‌گیری بی‌معناست و بیشتر شبیه ناکارآمدی سازمانی در نظام مدیریت آمریکا جلوه می‌کند. در انتها یادآوری می‌کنم در دنیای پساکرونا هر چه رخ دهد، صریحاً باید گفت تئوری جهانی‌سازی آمریکایی و مدیریت جهانی یکپارچه ایالات متحده را باید خاتمه یافته دانست.

در آخر یادآوری می‌شود که تحقق هر کدام از سناریوهای برشمرد شده، می‌تواند نسبت به تعیین منشا ویروس از منظر محصولی از زرادخانه‌های زیست‌شناسانه ایالات متحده و یا انتقال از حیوانی نظیر مورچه‌خوار و یا خفاش به انسان در ووهان چین را مشخص نماید. اما رفتار رئیس‌جمهور ترامپ در اصرار به تحریم هر چه بیشتر جمهوری اسلامی ایران و مقابله با حشدالشعبی عراق در این شرایط همه‌گیری جهانی، احتمال برنامه‌محور بودن این همه‌گیری جهانی را که جان انسان‌های زیادی را به خطر انداخته است، به ذهن متبادر می‌کند. بی‌تردید، ماه پشت ابر نمی‌ماند!

## ۴۰. امکان استفاده از فرصت‌های استثنایی در جامعه جهانی

### حمیدرضا آیت‌اللهی<sup>۱</sup>

۲۰ سال پیش «جهانی‌شدن» محور بسیاری از فعالیت‌های پژوهشی دنیا گردیده بود، مخصوصاً که از بعد اقتصادی به سایر ابعاد زندگی بشر همانند فرهنگ نیز در حال بسط بود. برخی کشورها منفعلانه خود را در اختیار این فرآیند قرار دادند، ولی کشورهای استعمارگر، تمام تلاششان را کردند که بر موج این تغییر جهانی سوار شوند. این جوامع سعی می‌کردند که «جهانی‌شدن» را به «جهانی‌سازی» و در نتیجه به «غربی‌سازی» سوق دهند. آمریکا نیز قلدرمآبانه از همه ابزارش استفاده کرد تا آن را به «آمریکایی‌سازی» کل دنیا تغییر جهت بدهد. جهانی شدن می‌توانست موقعیتهایی برای سایر ملل فراهم کند که برخی از فعالیت‌های ما ایرانیان، چینی‌ها و روس‌ها در استفاده از این فرصت برخلاف تهدید جدی آمریکا بود.

---

<sup>۱</sup>. حمیدرضا آیت‌اللهی، استاد گروه فلسفه / دانشگاه علامه طباطبائی / تاریخ نگارش: ۱۵ اسفند ۱۳۹۸ /

آمریکا و دیگر همپالگی‌هایش در طول این ۲۰ سال در جای جای تمدن، فرهنگ و اقتصاد جهانی با موج‌سواری در عالم جهانی شده، استفاده کرده‌اند و توانسته‌اند انبوهی از مردم سایر کشورها را با ابزارهایی مثل فیلم‌های سینمایی، بازی‌های رایانه‌ای، رسانه‌های خبری، شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی به دنبال خود بکشند. گرچه چینی‌ها در اقتصاد از این فرصت استفاده کرده و جریان جهانی اقتصاد را به دست گرفتند و سعی کردند با سخت‌افزارهای خودشان در جهان و نرم‌افزارهای بومی در چین، جلوی بسط آمریکایی‌سازی را بگیرند، ولی این سرطان آنچنان ریشه دوانیده است که به این سادگی‌ها، نمی‌توان حضور بیشتری در آن میدان جهانی پیدا کرد.

تمامی این شبکه‌های فعالیت و نفوذ آمریکا، به گونه‌ای عمیق با همه زوایای زندگی سایر ملت‌ها ریشه دوانیده بود که اگر می‌خواستی این زنجیره به هم پیوسته را از نفوذ او درآوری، با بحران‌های منطقه‌ای و جهانی مواجه می‌گشتیم.

در این شرایط کرونایی جهان، به یکباره، این زنجیره و شبکه نفوذ از کار افتاد و گویا تمامی زنجیره از هم گسسته است. روشن‌ترین و گسترده‌ترین جلوه جهانی شدن ارتباط‌های بین‌المللی، مخصوصاً در سفرهای کاری و گردشگری جهانی بود که کاملاً متوقف شده است. در صورت ادامه این وضعیت تا چندماه دیگر، ابعاد دیگر جهانی شدن مثل اقتصاد جهانی، بشدت تغییر خواهد کرد و زنجیره‌های اقتصادی پاره خواهد شد. وضعیت کنونی جهان شبیه وضعیت یک کشور پس از انقلاب است که نظام قبلی حکومت از هم می‌پاشد. در این صورت باید نظامی جایگزین، فعال شود. از آنجاکه هیچ‌گاه کسی احتمال این گسست را نمی‌داد، لذا هیچ نظامی تنظیم شده دیگری، طراحی نشده است. در این شرایط به مانند شرایط پس از انقلاب‌ها

امکان استفاده از فرصت‌های استثنایی در جامعه جهانی □ ۶۰۱

هرج و مرج جاری می‌شود. در این شرایط هرگروهی غیر از گروه‌های حاکم قبلی، امید پیدا می‌کند که می‌تواند عنان قدرت را در دست بگیرد و سعی خواهد کرد نظامی جایگزین را برپا کند.

شرایط پس از کرونا و گسست جهانی‌سازی، بهترین موقعیت است که کسانی بتوانند در عرصه بین‌الملل به پی‌ریزی سیستم‌های خودشان با ارزش‌های خاص و متفاوت نسبت به قبل برپا کنند. درست است که همه توان اجرایی کشورها در جهت مقابله با کرونا بسیج شده است، ولی در این بسیج فراگیر، جایی برای نظریه پردازان و نظام‌پردازان برای کمک به کشور وجود ندارد. لذا پیشنهاد می‌شود نظریه‌پردازان کشور، سیستم‌پردازان، اندیشمندان روابط بین‌الملل، راهبردها و دانش‌های کشور و افرادی در این سطح و در همه رشته‌های مرتبط، بجای حضور منفعلانه نسبت به شرایط موجود، اتاقهای فکر در فضای مجازی برپا کنند و با آینده‌نگری، سعی کنند انواع حضور فعال جهانی را ترسیم کنند و برای شرایط متفاوت بعد از کرونا، برنامه‌هایی را ارائه کنند. در حضور دوباره در فضای جهانی، هرکه زودتر این گونه دور اندیشی‌ها را داشته باشد جلوتر خواهد بود. این موقعیتی استثنایی برای کشورهای مثلی ما است. امید است با یاری خداوند بتوانیم زمینه پیدایش تمدنی جدید را در دنیا پایه‌ریزی کنیم.

پس اندیشمندان بپاخیزید و از این شرایط تکرارنشده، برای مسلط ساختن ارزش‌های متعالی اقدام کنید.



## ۴۱. تحلیل گفتمان ظهور بیماری‌های عفونی نوپدید

علیرضا نصر اصفهانی<sup>۱</sup>

ایدز یا بیماری‌های عفونی نوپدید، چه بتازگی در جامعه انتشار پیدا کرده یا این که از قبل وجود داشته است، در هر صورت سرعت در همه جا شیوع پیدا می‌کند. [۱] پیش از این تعدادی از پژوهشگران، بیماری‌های عفونی نوپدید را مورد توجه قرار دادند و به نتایجی کلی درباره عوامل خطرزای این بیماری‌ها رسیدند. برای مثال، یکی از اهداف مجله /بببب، تحقیق درباره عواملی که موجب بروز این بیماری‌ها می‌شود، است که شامل مواردی همچون: سازگاری و تغییرات میکروبی؛ رفتار انسانی و جمعیت‌شناختی؛ فناوری و صنعت؛ توسعه اقتصادی و موضوع کاربری زمین؛ مسافرت‌های

---

۱. دانشجوی دکتری آینده‌پژوهی مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور. پژوهشگر پژوهشکده چشم‌انداز و آینده‌پژوهی / رایانامه: esfahani@nrisp.ac.ir این یادداشت بخشی از کتاب تحلیل لایه ای علّت‌ها ۲، سهیل عنایت الله با ترجمه مهدی مبصری، علیرضا نصر اصفهانی، مریم یوسفیان، محمد فراهانی از انتشارات اندیشگاه علم و صنعت جهان معاصر است. مطالعه این مقاله جهت نگاه عمیق‌تر و گسترده‌تر به کروناویروس به مثابه یک ویروس عفونی نوپدید مفید است.

2. Journal of EID.



خارجی و تجارت‌های بین‌المللی؛ بی‌اعتبار شدن معیارهای سلامت عمومی، است.

مورس<sup>۱</sup> فهرستی را از عواملی که احتمالاً در بروز بیماری‌های ویروسی، باکتریایی و قارچی در انسان مؤثر است، در مرجع [۲] آورده است. وال هاوس<sup>۲</sup> بروز بیماری‌ها را از دیدگاهی دیگر بررسی کرده و نمایه‌ای از عوامل بیماری‌زای نوظهور را بدست آورد. [۳] این اطلاعات در شناخت عواملی که موجب بروز سریع بیماری‌ها می‌شود، مفید و مؤثر است. این موضوع که ۷۵ درصد عوامل بیماری‌زای نوظهور در انسان، زئونوتیک<sup>۳</sup> هستند، هشدار می‌دهد که برای دام‌پزشکان و همه‌گیرشناس‌های دامپزشکی که به توسعه ارتباطات بین فعالان در حوزه سلامتی انسان اهمیت دهند. علاوه بر آن، نقش حیات وحش به مثابه منبع بیماری و تجاوز انسان به قلمرو حیات وحش، حائز اهمیت است، [۴] همچنین نیازمند ورود گروه‌های بین‌رشته‌ای است تا طیف وسیع‌تری از دیدگاه‌ها در این موضوع وارد شوند تا صرفاً گروه‌های حوزه سلامت انسان و دامپزشکی در این امر مشارکت کنند. این نیاز به رویکرد بین‌رشته‌ای و فراگیر از طرف جامعه تحقیقاتی باید در سال ۲۰۰۳ پذیرفته شد.

در آن زمان مهم‌ترین موضوع در بحث‌های رایج این بود که اگر پویای‌شناسی‌های بیماری‌های عفونی در جوامع پیچیده با چندین میزبان، به‌خوبی فهمیده شود، کنترل یا تأثیر گذاشتن بر تهدیدهای شناسایی‌شده در حوزه‌های سلامت عمومی، اقتصاد دام و حیات وحش آسان‌تر است. [۵] بیشتر پژوهشگران، چالش بیماری‌های عفونی نوپدید را به منزله یک میدان

1. Morse

2. Woolhouse

۳. بیماری‌هایی که می‌تواند از حیوانات به انسان انتقال یابد.

جنگ بی‌پایان می‌بینند که به‌صورت مستمر به دنبال پیروزی در آن هستند. به این منظور، دفاع کلیدی [۶] در هر نبردی این است که دشمن را شناسایی کنید قبل از آن‌که بخواهد حرکت اساسی انجام دهد. این بدین معناست که پایش<sup>۱</sup> باید به مثابه یک راهبرد بازدارنده دیده شود. با وجود این، راهبردهای بازدارنده که در بسیاری از نهادها (ازجمله دولت‌ها) با هدف تخصیص منابع اجرا می‌شود، با نگاهی کوتاه‌مدت پیاده‌سازی می‌شود که آسیبی برای آن‌ها به شمار می‌آید. مراقبت مؤثر منوط به تأمین و تخصیص منابع و زیرساخت‌ها است و در همین جهت به اراده سیاسی کشورها و سرمایه‌گذاری نیاز دارد. گرچه در شرایط اضطراری نیاز است تا توجهات بیشتر از قبل بر انگیزته شود. برای مثال، واگیری سارس<sup>۲</sup> در سال ۲۰۰۳، نیاز به پایش را شدت بخشید و موجب افزایش کارایی و اثربخشی آن در سرتاسر جهان شد.

بسیاری از دانشمندان علاقه‌مند شده‌اند تا دیدگاهی جامع‌تر نسبت به ظهور بیماری‌های عفونی داشته باشند. رشد جمعیت و گرمایش جهانی عوامل تشدیدکننده در ظهور بیماری‌های عفونی هستند که از سوی بیشتر محققان شناسایی شده است. [۷] این عوامل تعیین‌کننده در سطح جامعه، بستر مناسبی برای شیوع بیماری‌های عفونی فراهم می‌کند. از این منظر، پایش و فعالیت‌های تشخیصی مرتبط با آن روش‌های ثانویه در جهت پیشگیری است و نقطه ضعف این روش‌ها، شناسایی این نوع بیماری‌ها بعد از به وجود آمدن آن‌ها است. رویکردهای اولیه با هدف پیشگیری به دنبال اصلاح یا حذف عوامل خطرآفرین هستند. این راهبردهای پیشگیری که با هدف سلامتی انسان اجرا می‌شود، شامل ایمن‌سازی، بهبود زیرساخت‌های بهداشت

---

1. surveillance

1. severe acute respiratory syndrome (SARS).

عمومی، استفاده محتاطانه از موادّ شیمیایی ضدّ میکروبی، بهبود متغیرهای اجتماعی است. [۸]

از دیدگاه نظام‌مند جامع‌نگر، بدون آن‌که از این موضوع دچار شگفتی شویم، عوامل اجتماعی مؤثر بر بیماری‌های عفونی نوپدید با یکدیگر مرتبط هستند و بر هم اثر می‌گذارند. بسیاری از این عوامل آنترپوژنیک<sup>۱</sup> (ایجاد شده توسط انسان) هستند؛ بنابراین، همه‌گیرشناس‌های دامپزشکی و اقتصاددان‌های حوزه سلامت و مسببان این بیماری‌ها در جمعیت حیوانات در سرتاسر جهان، باید هشیار باشند که فعالیت آن‌ها در بسیاری ابعاد ظرفیت آن را دارد که بر سلامت انسان و در واقع ادامه حیات یک تمدن اثر بگذارد. در هر صورت، بسیاری از ما در این حوزه فعالیت می‌کنیم بدون آن‌که متوجه حوزه گسترده و تأثیرگذار فعالیت‌های خود باشیم. ولی چرا؟

همه‌گیرشناس‌های دامپزشک با جمعیت (به مثابه نقطه مقابل حیوانات که فردی زندگی می‌کنند) سر و کار دارند و عوامل پیچیده چندبعدی سلامت حیوانات (و نه نمونه‌های منفرد و ساده) را بررسی می‌کنند. آن‌ها از سنت‌های علمی تجربی پیروی می‌کنند و بر داده‌ها و آمار تکیه دارند. این رویکرد، برای بررسی مسائل تا سطح معینی مناسب به نظر می‌رسد و بر اساس مشاهدات، همیشه سیاست‌گذاری حوزه سلامت حیوانات در فقدان اطلاعاتی که همه‌گیرشناس‌ها آن را کافی بدانند، انجام می‌شود. هستون<sup>۲</sup> بر این موضوع تأکید کرده بود که «بهترین سیاست‌گذاری‌های حوزه سلامت حیوانات، برآمده از نگاه توأمان به سیاست و علم است». [۹] بنابراین واقعا بهتر است وقتی که همه‌گیرشناس‌ها درباره موضوعی مطالعه می‌کنند، جایگاه آن را در جهان

1. Anthropogenic.

2. Hueston

در چندین سطح بررسی کنند تا این که فقط آن را از منظر «علم» یا «سیاست» بررسی کنند.

## ۱. کاربرد تحلیل لایه‌ای علّت‌ها در گفتمان بیماری‌های عفونی نوپدید

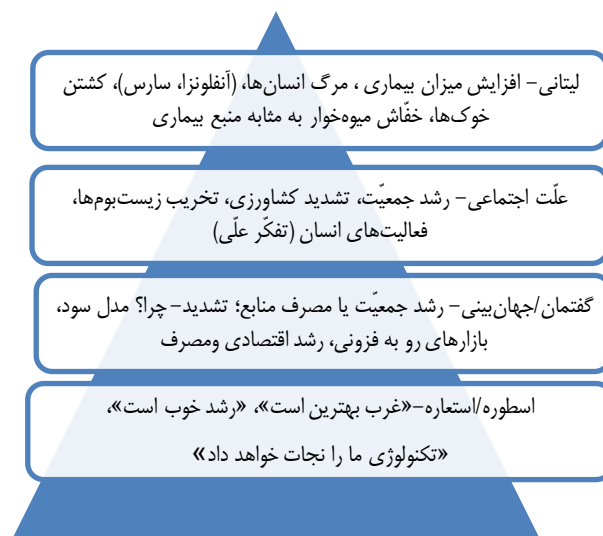
بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته به بررسی لایه‌های لیتانی و علّت‌های اجتماعی در موضوع بیماری‌های عفونی نوپدید پرداخته است. بررسی لایه جهان‌بینی به درک محیط فرهنگی که فرضیات و اعتقادات هر کدام از ما در آن ظهور پیدا می‌کند، نیازمند است. این لایه به حقیقت نمی‌پردازد، بلکه در این لایه این موضوع بررسی می‌شود که چرا ما بعضی از حقیقت‌ها را جستجو می‌کنیم و بعضی دیگر را نه؟ چه تناقض‌هایی در این مسئله وجود دارد و چه پیش‌داوری‌هایی ممکن است از آن بشود؟ آیا ما قادر هستیم زیرساخت‌های فرهنگی را که مستقل از بازیگران این عرصه است، تشخیص دهیم؟ در این لایه شما به‌طور ضمنی می‌فهمید که چه چیزی را واقعاً نمی‌دانید. [۱۰] این یک مهارت نیست که حتی در حال حاضر بیشتر دانشمندان بتوانند آن را به دیگر آن یاد بدهند.

مثالی که برای فهم عمیق‌تر این موضوع می‌توان بیان کرد؛ ظهور ویروس نیپا در سال ۲۰۰۳ است. در ظهور این بیماری، عوامل زیر مؤثر بوده است: رشد جمعیت، افزایش کشاورزی (در زمین‌هایی که باغ‌های میوه نزدیک به مکان‌های نگهداری خوک‌ها است)، [۱۱] تخریب زیستگاه‌ها و تغییر آن<sup>۱</sup> (قطع درختان جنگل و آتش زدن آن). این عوامل به‌خوبی در لایه علّت‌های اجتماعی قرار می‌گیرد.

---

1. habitat degradation and modification.

تحلیل ظهور این ویروس در لایه جهان‌بینی، موضوع بعدی است که مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای مثال، تمام مسئله رشد جمعیت برآمده از جهان‌بینی صنعتی غرب است که تمایل به نادیده گرفتن آن روی سکه افزایش جمعیت، یعنی مصرف منابع دارد. محرک اصلی در تخریب زیستگاه‌ها و تغییر آن، مصرف کل منابع است که کاملاً تحت تأثیر رشد جمعیت قرار دارد و مستقیماً برآمده از میزان و الگوهای مصرف در هر انسان است. مسئله بعد، آن است که چرا پرورش خوک در کنار باغداری در کشاورزان شدت پیدا کرده است؟ چنین رفتارها، مرتبط با نظام‌های اجتماعی‌ای است که به دنبال ارزش‌افزوده، رشد اقتصادی و «کارایی» هستند که بر مبنای جهان‌بینی است که در کشورهای توسعه‌یافته و سرعت در حال توسعه حاکم است. خود واژه‌ی «توسعه یافته» نشان دهنده این جهان‌بینی است (نمودار 29).



نمودار 29: تحلیل لایه‌ای علّت‌ها ظهور ویروس نیپا در کشور مالزی

در سطح اسطوره/استعاره، استعاره‌هایی که به نظر می‌آید در پس این

موضوع قرار دارند، موارد زیر مهم‌ترین است: «غرب بهترین است»، «رشد خوب است» و «تکنولوژی ما را نجات خواهد داد». استعاره‌هایی که واقعا در کشور مالزی به این مسئله شکل می‌دهد، ممکن است با مواردی که تشخیص داده شده است، متفاوت باشد و اندیشمندان در بررسی این لایه، باید ارزیابی عمیق‌تری از بافتی که این بیماری در آن ظهور پیدا کرده است، داشته باشند. موضوعات اصلی در هر لایه از این تحلیل در شکل یک نشان داده شده است.

## ۲. نتیجه

روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها توانایی برای اندیشیدن درباره محرک‌هایی را که در این مسئله‌ها نقش ایفا می‌کنند، بالا برده است و پرسش‌هایی را ایجاد کرده که به گزینه‌های سیاستی مناسب منجر شده است. همچنین روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها، درونمایه‌های (مضمون‌های) مشترک<sup>۱</sup> بسیاری را از این موضوعات و چالش‌ها آشکار کرد. در بررسی لایه علت‌های اجتماعی در این مسئله می‌توان فهمید که پیوند قدرتمندی بین این بیماری‌ها و نظام‌های غذایی وجود دارد و چگونه این چالش‌ها توسعه پیدا کرده‌اند و یا به وجود آمده‌اند. در لایه‌های جهان‌بینی و اسطوره/استعاره، به روشنی آشکار می‌شود در این موضوع قدرت در دست چه کسانی است و چرا در دست آن‌ها قرار گرفته است. برای مثال در بررسی لایه جهان‌بینی این موضوع، به تأثیر گسترده جهان‌بینی می‌توان پی برد که در آن رشد اقتصادی مستمر ارزش قائل است و در حقیقت هر گونه احتمال را برای حدود رشد انکار می‌کند. البته این دریافته‌ها، بینشی نو و منحصر به فرد یا ویژه نیست. [۱۲]

---

1. common themes.

به هر حال دستیابی به این بینش از طریق روش تحلیل لایه‌ای علّت‌ها، فرصتی را برای توسعه راهبردها در هر چهار لایه فراهم می‌کند.

دانشمندان و سیاست‌گذارانی در این که چگونه بر اساس بینش به دست آمده از روش تحلیل لایه‌ای علّت‌ها به اقدام و راهبرد برسند، چالش‌های زیادی داشته‌اند. برای مثال، به نظر می‌رسد که نیاز مبرمی وجود دارد تا نحوه تولید، حمل، ارزش‌گذاری و مصرف مواد غذایی مورد بازاندیشی قرار گیرد. به عبارت دیگر نیاز است تا نظام‌های غذایی سیاره زمین دوباره پیکربندی شوند. بینش برآمده از این روش به ما کمک می‌کند تا به این مسائل صرفاً دیدگاه فنی نباید داشته باشیم، بلکه اینها موضوعاتی ب.م.شناسانه-اجتماعی هستند که درک و حلّ آن نیاز به رویکرد چندلایه‌ای و چند شاخه‌ای دارد.

به نظر می‌رسد تفکر انتقادی نسبت به آینده، باید جزء اصلی هر مطالعه‌ای باشد که به دنبال بررسی جدّی چالش‌های جهانی است، مانند بررسی بیماری‌های عفونی نوپدید. در همین جهت از همه‌گیرشناسان باید درخواست کرد تا تأثیرات احتمالی راه‌حل‌های پیشنهادی‌شان را در مورد نسل‌های آینده بررسی کنند. همه‌گیرشناسان به مثابه بخشی از این جامعه، فرصتی منحصر به فرد در اختیار دارند و در واقع تعهدی اجتماعی دارند تا در تمام فعالیت‌های خود نقش مهمّ خود را در نظر داشته باشند. بی‌شک، روش تحلیل لایه‌ای علّت‌ها به ما کمک می‌کند تا با حداکثر تلاش خود به سمت این هدف حرکت کنیم و از این نگاه فنی زیست‌پزشکی<sup>۱</sup> رها شویم که فقط به دنبال معالجه بیماری‌ها، با دارو و درمان است. روش تحلیل لایه‌ای علّت‌ها، اولین قدم در این مسیر برای توسعه ارزیابی‌های جامع‌تر از نیازها است تا با ابداع راه‌های جدید برای اندیشیدن و عمل کردن، به یک خودآگاهی جهانی جدید در این موضوع

---

1. technical biomedical view.

دست پیدا کرد.

### ۳. منابع و مآخذ

- S. S. Morse, 'Factors in the emergence of infectious diseases', *Emerging Infectious Diseases*, Vol 1, 1995, 7.
- Ibid.
- M. E. J. Woolhouse, 'Population biology of emerging and re-emerging pathogens', *Trends in Microbiology*, Vol 10, 2002, S3.
- S. Cleaveland, M. K. Laurenson & L. H. Taylor, 'Diseases and their domestic mammals: Pathogen characteristics, host range and the risk of emergence', *Phil. Trans. R. Soc. Lond.*, Vol 356, 2001, 991.
- Ibid.
- M. E. J. Woolhouse (2002), op. cit.
- D. B. Louria 'Emerging and re-emerging infections: The societal determinants', *Futures*, Vol 32, 2000, 581.
- Ibid.
- W. D. Hueston, 'Science, politics and animal health policy: Epidemiology in action', *Preventive Veterinary Medicine*, Vol 60, 2003, 3.
- S. Inayatullah, 'Layered methodology: Meanings, epistemes and the politics of knowledge', *Futures*, Vol 34, 2002, 481.
- R. C. Pulliam, J. H. Epstein, J. Dushoff, S. A. Rahman, M. Bunning, A. A. Jamaluddin, A. D. Hyatt, H. E. Field, A. P. Dobson, P. Daszak & the Henipah virus Ecology Research Group (HERG), 'Agricultural intensification, priming for persistence and the emergence of Nipah Virus: A lethal bat-borne zoonoses', *J. R. Soc. Interface*, Vol 9, 2012, 89.
- C. D. Butler, 'Infectious disease emergence and global change: Thinking systemically in a shrinking world', *Infectious Diseases of Poverty*, Vol 1, 2012,









